چاپ دوم



مطالبات غیر قانونی

بازخوانی وقایع قبل و بعد از
انتخابات دهم ریاست جمهوری
۱۳۸۸

مطالباتِ غیرقانونی

بازخوانی وقایع قبل و بعد از
انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

عنوان و نام پدیدآور	:	مطالبات غیرقانونی:بازخوانی وقایع قبل و بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸/موسسه فرهنگی قدر ولایت.
مشخصات نشر	:	تهران:قدرولایت،۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	:	۶۰۸ص.
شابک	:	۶۰۰۰۰ریال:978-964-495-165-7
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	:	نمایه.
عنوان دیگر	:	بازخوانی وقایع قبل و بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸.
موضوع	:	ایران. ریاست جمهوری -- انتخابات
موضوع	:	انتخابات -- ایران
موضوع	:	ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۸۸
شناسه افزوده	:	موسسه فرهنگی قدر ولایت
رده بندی کنگره	:	DSR۱۷۳۰/م۶ ۱۳۸۸
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۹۴۳۰۷۵

مطالبات غیر قانونی

بازخوانی وقایع قبل و بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

تدوین و گردآوری: مؤسسهٔ فرهنگی هنری قدرولایت

ناشر:مؤسسهٔ فرهنگی هنری قدرولایت

نوبت چاپ:دوم ۱۳۸۸ ▫ شمارگان: ۳۰۰۰ جلد ▫ حروفچینی: ظریفیان

لیتوگرافی: نیما ▫ چاپ: نماد ▫ صحافی: مهرآیین

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۱۶۵-۷ ISBN :978-964-495-165-7

تلفن ۶۶۴۱۱۱۵۱ - ۶۶۴۶۹۹۵۸ نمابر۶۶۴۶۷۳۹۴

WWW.ghadr110.ir

قیمت ۶۰۰۰ تومان

مطالباتِ غیرقانونی

بازخوانی وقایع قبل و بعد از
انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

عنوان و نام پدیدآور	: مطالبات غیرقانونی:بازخوانی وقایع قبل و بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸/موسسه فرهنگی قدر ولایت.
مشخصات نشر	: تهران:قدرولایت،۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۶۰۸ص.
شابک	: ۶۰۰۰۰ریال:978-964-495-165-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: بازخوانی وقایع قبل و بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸.
موضوع	: ایران. ریاست جمهوری -- انتخابات
موضوع	: انتخابات -- ایران
موضوع	: ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۸۸
شناسه افزوده	: موسسه فرهنگی قدر ولایت
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ۶م/DSR۱۷۳۰
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۴۳۰۷۵

مطالبات غیر قانونی

بازخوانی وقایع قبل و بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

تدوین و گردآوری: مؤسسهٔ فرهنگی هنری قدرولایت

ناشر:مؤسسهٔ فرهنگی هنری قدرولایت

نوبت چاپ:دوم ۱۳۸۸ ▣ شمارگان: ۳۰۰۰ جلد ▣ حروفچینی: ظریفیان

لیتوگرافی: نیما ▣ چاپ: نماد ▣ صحافی: مهرآیین

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۱۶۵-۷ ISBN :978-964-495-165-7

تلفن ۶۶۴۱۱۱۵۱ - ۶۶۴۶۹۹۵۸ نمابر ۶۶۴۶۷۳۹۴

WWW.ghadr110.ir

قیمت ٦۰۰۰ تومان

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

فصل اوّل
وقایع قبل از انتخابات

فصل دوم
وقایع پس از انتخابات

پیشگفتار

از کدامین مقطع تاریخی بگوییم؟ تجربه‌های تاریخی راهگشای انسانهای بصیر و باکیاست است برای آینده‌ای روشن، بهتر و رو به کمال. در هر مقطعی از تاریخ این تجربه‌ها، کم و بیش، نهفته است. کو آن چشمِ بینا و دلِ روشن و همّت بلند، که به این تجربه‌ها توجه کند و آنها را فراروی خود، نورافکن راهش قرار دهد؟

مقاطع تاریخی و تجربه‌های مستتر در آنها، اگرچه فاصله از هم داشته باشند امّا چون از ناحیهٔ انسان و علائق و خصیصه‌های درونی وی ناشی شده‌اند، در عناصر و ماهیت بسیار شبیه هم هستند. چیزی که هست روشها به واسطهٔ ابزارها، پیچیدگی می‌یابند و نام افراد و جریانات جابه‌جا می‌شود. اگر امام علی علیه‌السلام توصیه می‌فرمایند که:

> حق را بشناسید، آن‌گاه یارانش را خواهید شناخت. باطل را بشناسید، آن‌گاه طرفدارانش را خواهید شناخت.[1]

از همین جهت است. یعنی اگر شخصیتها برای شما ملاک حق یا باطل شوند، با تغییر شخصیتها و تحول آنها، شما دچار سردرگمی و انحراف می‌شوید. چون حق و باطل ثابت‌اند امّا شخصیتها در نوسان و تغییر. چگونه ثابت را با امر متغیر اندازه‌گیری و فهم می‌توان کرد؟

اگر امام علی علیه‌السلام در توصیف فتنه و کار فتنه‌گران می‌فرمایند:

فَلَوْ أَنَّ الْباطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزاجِ الْحَقِّ لَمْ یَخْفَ عَلَی الْمُرْتادینَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْباطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعانِدینَ وَلٰکِنْ یُؤْخَذُ مِنْ هٰذا ضِغْثٌ وَ

۱- نهج‌البلاغه، حکمت ۲۶۲.

مِنْ هذٰا ضِغْثٌ فَیُمْزِجٰانِ وَ هُنٰالِکَ یَسْتَوْلی الشَّیْطٰانُ عَلیٰ أَوْلِیٰائِهِ.

پس اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد، بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند. و اگر حق، از باطل جدا و خالص می‌گشت، زبان دشمنان قطع می‌گردید. امّا قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند. آن‌جاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد.[۱]

ما به گذشته‌های قبل از اسلام، تجربه‌های دوران انبیاء گذشته و بویژه دوران حضرت موسی و حضرت عیسی، علی نبینا و آله و علیهم‌السلام کاری نداریم، چون ممکن است بگویند اینها مربوط به امتهای دیگر است و ما مسلمانیم. رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: هیچ پیامبری به اندازهٔ من مورد آزار و اذیت قرار نگرفت. آیا در این حدیث شکّی است؟ پیامبر بزرگ اسلام، آن‌قدر که بعد از دعوت رسمی رسالت و تشکیل حکومت، آزار شد در دوران ماقبل آن، اذیت نشده بود، چرا؟ چون آزار و اذیتهای قبل از تشکیل حکومت، عمدتاً جسمی بود و حصر غذایی و شکنجهٔ یاران، امّا سختیها و آزارهای دورهٔ حکومت، تماماً از ناحیهٔ نفاق، زیاده‌خواهیها، خاصّه‌خواریها و قدرت‌طلبیها، بود و این است که کمر انسان را می‌شکنند. این همان دردی است که مردی چون علی علیه‌السلام را از رسیدن به حقوق تعیین شده توسط خداوند و ادامهٔ حکومت نبوی بازمی‌دارد و در دوران حکومت پنج ساله‌اش، او را درگیر سه جنگ نفس‌گیر می‌کند و سرانجام جانش را در این راه می‌گذارد! این همان دردی است که امام حسن مجتبی علیه‌السلام را در اوج مظلومیت قرار می‌دهد و به طور علنی او را دشنام می‌دهند و خوارکنندهٔ مؤمنین می‌خوانند! این همان دردی است که سیّدالشهداء و آل الله را در آن وضعیت دردناک قرار می‌دهد و یک حادثه به وسعت تمامی تاریخ به وجود می‌آورد! آنهایی که کمک کرده بودند در برپایی حکومت نبوی، وقتی به مراد و سهم دلخواه نمی‌رسیدند، می‌گفتند: ما آنها را یاری کردیم، ما آنها را از شهر و دیار خود بیرون می‌کنیم و توطئه می‌کردند بر علیه پیامبر و یاران مخلص او. خود را معزّز می‌دانستند و پیامبر و یارانش را پست و حقیر.[۲]

پیامبر می‌خواست جانشین بعد از خود را معرفی کند، با همهٔ نشانیهایی که داده

۱- نهج‌البلاغه، خطبه ۵۰.
۲- سورهٔ منافقون: آیهٔ ۸.

بود و هر صاحب عقل و فراستی آن را می‌دانست، امّا از همین نفاق و منافقان در خوف بود که مبادا اصل اسلام را آسیب برسانند!! تا آن‌جا که در آخرین حج ـ که دیگر فرصتی نمانده بود ـ خداوند دستور معرفی جانشین را می‌دهد و وعده می‌دهد که: خداوند تو را (دین اسلام را) از گزند این افراد حفظ خواهد کرد.[۱]

و دیدیم که ترس پیامبر درست بود و آن‌گاه که قلم خواست تا با نگارش وصیت خود مانع از تفرقه‌ها و برنامه‌های منافقان شود، مانع از این کار شدند! آن هم با جسارت و اهانت به رسول خدایی که وَ ما ینطق عن الهوی بود![۲]

اینها دردها و آزارها و اذیتهایی است که جان رسول‌الله را می‌آزرد، آن چنان که هیچ پیامبری را اینگونه نیازرده بود. وجود نازنین او فرمود:

قَصَّمَ ظَهْرِي رَجُلانِ: عالِمٌ مُتَهَتِّکٌ وَ جاهِلٌ مُتِنَسِّکٌ[۳]

کمر مرا دو کس شکستند: عالِم پرده‌در (یعنی توهین‌کننده و ساده‌لوح و نفهم) و جاهلی که خود را عالم نشان می‌دهد. اینها مگر صفات منافقین نیست؟

آیا این مردمان همه از اوّل منافق بودند؟ بعضیها، از ابتدا، برای کسب موقعیت، ایمان آورده بودند. ولی بودند کسانی که بعدها، در اثر موقعیتهایی که به دستشان آمد، راه نفاق درپیش گرفتند و ایمانشان کوتاه آمد و بار به منزل نرساندند. بودند کسانی که از این گردنه‌ها نیز به سلامت گذشته امّا در جاهایی که آبرو و جانشان را باید ایثار می‌کردند، نتوانستند و ایمان صوری را برگزیدند و از یاری حق کناره گرفتند!

حکومت، مرکز قدرت است و ثروت و اقتدار، مرد الهی می‌خواهد که جلوی وسوسه‌های درونی و شیطانی را بگیرد و راه اطاعت از ولیّ خدا را بر خود هموار کند. خدا مؤمنان را به این راه می‌خواند و آن را ملاکِ درستی ایمانشان معرفی می‌کند.

آنچه را رسول حق دستور دهد بگیرید و هرچه را او نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است.[۴] قسم به خدای تو که اینان به حقیقت ایمان نمی‌رسند مگر آن که چون تو حکم کنی، هیچ‌گونه اعتراضی در دل نداشته و

۱- سورهٔ مائده: آیهٔ ۷۲. ۲- سورهٔ نجم: آیهٔ ۴.
۳- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۱۱، ح ۲۵. ۴- سورهٔ حشر: آیهٔ ۷.

کاملاً تسلیم فرمان تو باشند.[1]

حالا از علی علیه‌السلام بگوییم و دوران سخت و نفس‌گیر به‌ظاهر خانه‌نشینی او و حکومت پنج ساله‌اش، اینها که چندین کتاب حرف است و سینه‌ها سخن و آه و حسرت. امّا از سه جنگ خانمانسوزی بگوییم که هر سه را مسلمانان یعنی نمازخوانها، قرآن‌خوانها و سابقه‌دارهای در حمایت از رسول خدا و اسلام، برافروختند! در یکی سه شخصیت ممتاز جهانِ اسلام، حامیان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، جانباز اسلام، همسر رسول خدا یعنی طلحه و زبیر و عایشه به صف‌آرایی پرداختند که چرا ما در حکومت به بازی گرفته نمی‌شویم و چرا از بیت‌المال ما را بهره‌ای بیش از دیگران نیست و ... ! عجب. اینان اجرت و سهم می‌خواستند آن هم زیادتر از اندازهٔ خود! در دیگری، یاران دیروز امام، که او را مجبور به قبول حکمیت کرده بودند، به صف شده بودند که تو اشتباه کرده‌ای و باید توبه کنی وگرنه خونت مباح است! این دو گروه به‌ظاهر در جنگ مغلوب شدند از گردونه خارج گشتند، امّا معاویه ماند و شام. معاویه‌ای که از حضرت حکومت شام و ابقاء آن را برای خود می‌خواست و حضرت او را صالح نمی‌دانست. عزلش کرد و او به حکم امام تن نداد. وقتی در جنگ نظامی رو در رو و مفتضح شد و تا آستانهٔ شکست پیش رفت با نفاق و حقه‌بازی، حق و باطل را درهم آمیخت و قرآن را بر نی کرد و علی علیه‌السلام را به قرآن فراخواند!! برخی ساده‌اندیشان به تحریک منافقین داخل سپاه امام و خسته شده‌های از جهاد، در درک حق بازماندند و علی را مجبور به صلح کردند!

معاویه از آن پس، با امام رو در رو نشد. امام نیز به واسطهٔ فتنه خوارج که به آیه‌ای از قرآن متوسل شده بودند و حضرت می‌فرمود: **کلمة الحق یراد به الباطل**[2]، کلام حقی است امّا از آن هدف باطل را دنبال می‌کنند، نتوانست مجدداً معاویه را از راه نظامی تنبیه کند. امّا معاویه به قول امروز با جنگ نرم به سراغ حضرت رفت. شایعه پشت شایعه، شبهه بعد از شبهه، خریدن افراد با مال و وعده، ترساندن برخی با قوّه نظامی و . .. کاری کرد که در شهادت حضرت به دست یکی از همان خوارج، مردم شام می‌گفتند علی علیه‌السلام در مسجد چه می‌کرد که به دست آن ملعون کشته

۱- سورهٔ نساء: آیهٔ ۵۹.
۲- نهج‌البلاغه: خطبهٔ ۴۰.

شد!! این دردها را باید به چاه گفت و در نخلستانها از شدت آن به خود پیچید!!

در کربلا، لشکری که مقابل حسین علیه‌السلام ایستاده نگاه کنید: مسلمانانی که برای غارت و غنیمت آمده‌اند، مسلمانانی که به وعده حکومت و پُست و مقام آمده‌اند، مسلمانانی که باور کرده‌اند یزید خلیفه اسلام است، مسلمانانی که از ترس جانشان آمده‌اند، مسلمانانی که شکمشان پر از حرام است آمده‌اند، مسلمانانی که کینهٔ اهل بیت را دارند آمده‌اند!

ما ادامه را از تاریخ صدر اسلام پی نمی‌گیریم. به مقطعی نزدیکتر می‌آییم. دورهٔ مشروطیت. نفاق روشنفکری در این دوره چه کرد؟ خودشان در تواریخشان نوشته‌اند که در انجمنهای مخفی و سرّی چه نقشه‌ها می‌کشیدند و چه توطئه را دنبال می‌کردند. ایجاد اختلاف بین علماء برجسته و بین حوزهٔ نجف و تهران، دادن اطلاعات غلط، باطل مشروطه را موافق اسلام جلوه دادن، خود را دلسوز و تشنهٔ پیشرفت و ترقی کشور نمایاندن، مهره‌چینی در جاهای حساس اداره کشور مانند وزارت امور خارجه، تشکیل مدارس ابتدایی و عالی و تربیت قشر وابسته به افکار و اهداف خود در این مدارس، تحریک احساسات دینی و قومی در کشور به نفع خود و دهها اقدام از جمله ترفندهای نرم آنان بود. ارتباط با بیگانگان و سفارتخانه‌ها نیز پشتوانه نفاق آنها بود. و آن‌گاه که تهران را با قوای نظامی فتح کردند شیخ فضل‌الله را بر دار کردند، سیّد عبدالله بهبهانی را ترور و سیّد محمد طباطبایی را منزوی و خانه‌نشین نمودند و علماء نجف را انگشت به دهان! تمامی شعارهای منافق‌گونه‌شان سر از استبداد پهلوی درآورد و مبارزه جدّی و خشن با ارزشهای اسلامی، روحانیت و حوزه‌های علمیه! در آن دوران هم شبنامه‌ها، روزنامه‌ها، مدارس، انجمنها و جمعیتها، سیلی از تهمت و افترا و دروغ و رنگینک‌ها به راه انداختند که مردم در تشخیص حق از باطل ماندند که نخبه‌ها هم از جداسازی سره از ناسره عاجز شدند. دوران نفت را هم بدون اشاره پشت سر می‌گذاریم.

در حکومت ۱۰ سالهٔ امام، چه خون دلهایی به این مرد صالح، مجاهد، مهذّب، خدمتگزار و الهی دادند! هم از ولایتی‌های بی‌دین، ناله سر داد، هم از لیبرالهای مسلمان‌نما مثل نهضت آزادی و جریان بنی‌صدر، هم از منافقینِ مجاهدنما به شکوه آمد. هم از مارهای خوش خط و خالی که در حوزه‌های علمیه جا خوش کرده‌اند و

آیت‌الله‌های ساده‌لوح و بلندگوی دشمن گله کرد. هم از دانشگاههایی که براساس بی‌دینی پایه‌گذاری شده و جوانها را وابسته به شرق یا غرب پرورش می‌دادند، راستی چه موج ویرانگری را آمریکای جنایتکار به راه انداخت تا به منافع نامشروع گذشتهٔ خود در ایران بازگردد! امّا قصّهٔ پُر غصّه خود را در طول ده سال در برخی دیدارها و نامه‌ها و بویژه وصیتنامهٔ سیاسی ـ الهی خود منعکس ساخت و بسیاری را هم با خود برد تا در پیشگاه حق، همچون اولیاءش، اجازهٔ گفتن بیابد. اگر کسی در اندیشه شناخت راه از بی‌راهه است و مشتاق عاقبت بخیری و سعادت و گم نشدن در فتنه‌ها، باید بارها سخنان امام و وصیتنامه‌اش را بخواند تا با تنها نام امام، فریب نخورد، بلکه عملکرد مدعیان را مورد نظر قرار دهد.

این تجربه‌ها همانند تجربه‌های دوران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام است. نام شخصیتها عوض شده و ابزارهای جنگ نرم متنوع‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند. آن موقع صحابی بودند و خواص، امروز سیاسیون و نخبه‌ها. آن روز معاویه بود و عمروعاص و طلحه و زبیر. امروز بازرگان و بنی‌صدر و قطب‌زاده و شریعتمداری و منتظری، ... چه فرقی می‌کند؟ تمامی چهره‌های نفاق از چپ و راست به هم رسیدند تا حکومت جمهوری اسلامی را استحاله و به یک نظام اسلامی آمریکایی و بی‌خاصیت تبدیل کنند! این مهم است.

حالا هم باز یک آزمون دیگر فراروی ملّت قرار گرفته است. انتخابات دهم که شیرین‌ترین حضور حماسی مردم را در دفاع از نظام اسلامی و ولایت به نمایش گذارد، با خودخواهیها، خودبینیها، زیاده‌خواهیهای یک گروه، به تلخی گرایید، یک بار دیگر آنها که با نام امام مدتها در مسند قدرت بودند و در میان مردم جا باز کرده بودند، کم آوردند یا نفاق اوّلیه که در دلشان بود سرباز کرد و پس از مدتها سکوت در برابر سیل تهاجم بداندیشان و غرب‌گرایان به اندیشه‌های تابناک امام و خلف صالح او، خود زمینه‌ساز اهانتها و ساختارشکنی‌های علنی امام، نظام و رهبر را فراهم آوردند. مطالبهٔ غیرقانونی آنها در ابطال انتخابات بدون ارائه کوچکترین مدرک و سند و ساختن یک جریان‌براندازی نرم از این ادعای پوچ و باطل، راه را برای دخالت بیگانگان و سرمایه‌گذاری مادّی و رسانه‌ای آنان و به هم رساندن عناصر آشوب‌طلب و منافق و ناراضی از داخل را هموار کرد. از قانون گفتند و قانون را زیر پا نهادند! از

امام گفتند و بی‌سابقه‌ترین اهانتها را به امام زمینه‌سازی کردند! از مردم گفتند و بدترین تحقیرها و زیانها را به مردم وارد ساختند! شعارهای اصیل این انقلاب را که سالها شاهد حمایت و تأیید امام از آنها بودند و بسیاری را مردم به واسطهٔ مواضع امام، بر زبانها گرفته بودند مانند «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «جمهوری اسلامی» را تغییر دادند! از رنگ‌ها استفاده کردند تا مردم را در تشخیص رنگ نامردمی و وابستگی‌شان به بیگانه، کور کنند.

وقتی که تمامی این ترفندها با هوشیاری و روشنگری رهبری و حمایت کم‌سابقهٔ مردمی، خنثی شد با تمام قوا به خاکریز اصلی نظام یعنی رهبری فرزانه و الهی هجوم بردند. به سردمداری چه کسانی؟ آنها که سالها اخلاص و بزرگی و کیاست و جوانمردی و ساده‌زیستی و شجاعت و مدیریت و فقاهت این مرد را آزموده بودند! آنها که بارها از امام نشانیهای او را گرفته و اشاره‌هایش را دیده بودند. همان صحنه‌های دورهٔ امام تکرار شد با تغییر بعضی چهره‌ها و شعارها. تمامی عناصر واخورده و معاند از چپِ چپ تا راستِ راست، به هم آمدند و دست استکبار به پشتیبانی آنها دراز شد تا شیرینی حضور ۴۰ میلیونی مردم را تلخ کنند! تا ایران را در حلقوم گشاد آمریکا جا کنند تا عزّت و دین مردم را در مسلخ خودخواهیها و حسادتها و تخلّفات خود و کسانشان قربانی کنند! ببینید چه جور تاریخ تکرار می‌شو؟د تنها فرق این دوره‌ها، در هوشیاری مردم است. اگر جهالت مردم و بی‌بصیرتی آنها در آن دوره‌ها، منافقان را در رسیدن به امیال حیوانیشان موفق ساخت، در دورهٔ امام و دورهٔ رهبری، بیداری، بصیرت، دیانت و پایبندیهای مردم به رهبری با پشتوانهٔ برخی علماء و مراجع آگاه و شجاع، جام ناکامی و زهر بدنامی و نجاست را در کام آنها ریخته است.

درود بر این مردم. به تعبیر حضرت امام، این مردم از مردم دورهٔ رسول‌الله و ائمه بهترند. این را در عمل نشان داده‌اند. این روزها هم شاهد دفاع جانانهٔ آنان از پیر مرادشان امام و رهبر فرزانه و خداییشان، بودیم. خدا را بر این نعمت، بیکران سپاس. مستدام باد این حضور و غیرت دینی.

در این مجموعه، تلاش کرده‌ایم تا حرکت رنگین نفاق را از حدود یک سال قبل از انتخابات دهم از میان مواضع و دیدگاههای جریانات و اشخاص دخیل در این

دوره، ترسیم کنیم. به این امید که از میان گرد و غبارهای برخاسته از فتنه‌گریها، با روشنگری عبور کنیم و خسارت نفاق جدید را به حداقل برسانیم. البته این نوید را هم می‌دهیم که در آینده کار دیگری به سبک تاریخ‌نگاری از این جریان ارائه دهیم که هم برای نسل حاضر و هم نسل آینده مستندی عبرت‌آموز فراهم آید. این بشارت رهبری را در پایان پیشگفتار، تکرار می‌کنیم که:

این بنای استوار که هندسهٔ آن الهی است، بنای آن هم با دست یک مرد الهی است، بقاء آن هم با اراده‌ی این ملت عظیم و با ایمان این ملت عظیم است، استوار خواهد ماند و ان‌شاءالله این درخت روز به روز ریشه‌دارتر خواهد شد و خواهید دید که این مخالفان، این کسانی که با این بناء، با این حق و حقیقت مخالفت می‌کنند،... اینها در مقابل چشم شما ان‌شاءالله نابود خواهند بود.[1]

از برادر بزرگوار آقای سعید میرزایی که زحمت اصلی گردآوری و تدوین این مجموعه را متحمل شده‌اند، سپاسگزاری می‌نماییم.

فاعتبروا یا اولی الابصار

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

۱- دیدار با جمعی از طلّاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

فصل اوّل

وقایع قبل از انتخابات

تحرکات اوّلیه برخی جریانات سیاسی

در صحنه سیاسی کشور قبل از آرایش‌بندی‌های سیاسی احزاب برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، برخی گروههای سیاسی اقدام به فعالیت نمودند. یکی از این گروهها طیفی با شهرت تحریمیها بودند که پایگاه عمده این جریان در داخل کشور در تشکلهای دانشجویی و بیشتر بخش غالب طیف علامهٔ دفتر تحکیم است. این گروه که حتی سید محمد خاتمی و همراهان دوم خردادی‌اش را به فرصت‌سوزی در دوران مسؤولیت متهم می‌ساختند، در تحرکات خود در صحنهٔ انتخابات دهم، با اطمینان از رد صلاحیت عبدالله نوری (وزیر کشور دولت اصلاحات)، خواستار نامزدی وی با هدف مشروعیت‌زدایی از انتخابات شدند. آنان نوری را شمشیر دو لبه‌ای می‌دانستند که در صورت موفقیت و عدم موفقیت در انتخابات، ایشان را به هدف خود می‌رساند. احمد زیدآبادی (دبیرکلّ سازمان ادوار) در خصوص این‌که چرا نوری را نامزد می‌کنیم گفت: «یک سلسله نیروهای اجتماعی گسترده در ایران وجود دارند که از وضع موجود رضایت ندارند. این نیروها در حال حاضر مستقل هستند و به

صورت جزایر پراکنده‌ای از یکدیگر به سر می‌برند، تصور ما این است که با تمسک به انتخابات ریاست جمهوری، قادر خواهیم بود به این بخش از نیروها تحرکی ببخشیم تا کاندیدایی با طرح مطالبات آنان بتواند یک جنبش اجتماعی ایجاد کند. در این میان او اگر موفق شود خود را به نحوی به سیستم بقبولاند، این امر بیانگر آن خواهد بود که این جنبش می‌تواند گامهای بعدی را نیز برای ریاست جمهوری بردارد و کشور را تا اندازه‌ای از بن بست خارج کند. اگر هم به هر دلیلی نپذیرفت و مقاومت کرد، در هر حال یک نیروی اجتماعی شکل گرفته قادر خواهد بود خارج از عرصهٔ قدرت حاکم، بر مناسبات تأثیر بگذارد.»[۱]

عبدالله مؤمنی (سخنگوی سازمان ادوار) نیز در این باره گفت: «ما معتقد هستیم که از قضا طرح چنین کاندیدایی مثل آقای نوری و چنین ایده‌ای که ما نیازمند به جنبش اجتماعی قوی هستیم بر مبنای شیوه‌های نوینی بتواند جامعه را نسبت به سرنوشت خودش و مطالبه‌اش حساس بکند و جنبش اجتماعی به عنوان یک جریان قوی بتواند از حاکمیت مطالباتش را بخواهد، می‌تواند آغاز یک راهی باشد، آغاز یک حرکت و شیوه نویی باشد برای دوره‌های بعدی هم.»[۲]

اما گذشته از هدف اصلی این طرح، این که چه کسانی در پس این جنبش قصد حضور در صحنه را دارند، مطلبی است که در اظهارات مؤمنی قابل مشاهده است. وی در این زمینه بیان داشت: «تحول‌خواهان

۱- سایت گویا نیوز ۱۳۸۷/۶/۱۸. ۲- سایت ادوارنیوز ۱۳۸۷/۶/۳۱.

می‌توانند حول محور آقای نوری با هم به توافق برسند و در نتیجه، امکان به صحنه آوردن نیروهایی که در طی سالهای گذشته جزو محذوفین سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شدند، ایجاد می‌شود.»[۱] نکتهٔ قابل توجه و تأمل درباره این گروه، خبرهایی مبنی بر حمایت مالی کارگزاران به عنوان حزب میانه‌رو از آن است. لذا برخی اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران (کرباسچی و عطریانفر) از اوّلین کسانی بودند که موضوع نامزدی نوری را مطرح و از وی برای نامزدی در انتخابات دهم دعوت نمودند.

برگزاری جلسات برخی شخصیتها و چهره‌های سیاسی نظیر کروبی، خاتمی، موسوی خوئینی‌ها و ... در منزل عبدالله نوری به عنوان پاتوقی برای اتصال این طیف با بخشهایی از جریان دوم خرداد بود. اگرچه گروهی از اصلاح‌طلبان معتقد بودند که آمدن نوری به صلاح اصلاحات نیست و از این بابت ابراز نگرانی کرده بودند و پیشاپیش وی را رد صلاحیت شده تلقی می‌کردند، ولی نوری برآن بود تا در صورت عدم نامزدی خاتمی، کاندیدا شود.

از نیمه اوّل سال ۸۷ بحثهای درونی اصلاح‌طلبان بیش از هر چیز بر وجود ضعفهای دولت نهم و هشدار نسبت به افزایش این ضعفها در آینده متمرکز بود. در کنار آن راههای رسیدن به اجماع برای معرفی کاندیدای واحد نیز مورد بررسی قرار گرفت.

۱- همان.

در تیر ماه ۸۷ نخستین جلسهٔ اصلاح‌طلبان برای تصمیم‌گیری در خصوص انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد. در آن ایام اصلاح‌طلبان بر این نکته تأکید کردند که باید با درس گرفتن از تجربیات گذشته به نقاط ضعف درونی خود توجه کرده و تلاش کنند که به وحدت برسند. چراکه مهمترین عامل شکست اصلاح‌طلبان تفرقه و حضور چند کاندیدا در انتخابات گذشته بود و در صورت وحدت، احتمال پیروزی افزایش می‌یافت. به همین منظور عده‌ای از اصلاح‌طلبان مکانیزم نظرسنجی را برای این کار ترجیح می‌دادند و برخی افراد دیگر ـ مانند مهدی کروبی ـ به تجربیات تلخ از برخی نظرسنجیها و آمارسازیهای انتخابات نهم اشاره می‌کردند که حاکی از پیروزی اصلاح‌طلبان بود، اما نتیجه در پایان عکس شد. این گروه با اشاره به همان تجربه، مکانیزم شورای حکمیت را پیشنهاد کردند. وظیفه شورای حکمیت بررسی وضعیت و مقبولیت کاندیداهای اصلاح‌طلب و معرفی یکی از ایشان به عنوان رأی‌آورترین نامزد و کاندیدای اصلح اصلاح‌طلبان بود. مقرر شد کسانی که خود را برای رقابتهای ریاست جمهوری آماده می‌بینند، تا بیستم آذر کاندیداتوری خود را اعلام کنند.

در ابتدا کمتر کسی با اجرای آن مخالفت کرد، اما با نزدیک شدن به زمان ضرب‌الاجل بیستم آذر، گروهی از اصلاح‌طلبان عدم هماهنگی خود را با اجزایی از طرح شورای حکمیت ـ از جمله لزوم اعلام کاندیداتوری تا زمان تعیین شده ـ اعلام کردند. در مقابل مهدی کروبی و همفکران او معتقد بودند که همین زمان هم برای فعالیتهای انتخاباتی دیر

است و رقیب دست به کار شده و باید اصلاح‌طلبان از بلاتکلیفی نجات پیدا کنند.

برخی دیگر از جریانات اصلاحات، بر این باور بودند که اگر سید محمد خاتمی وارد میدان شود، طرف مقابل هم همگی پشت سر احمدی‌نژاد قرار خواهند گرفت و همه نیروهایشان را آن‌جا متمرکز خواهند کرد. در آن شرایط هیچ کاندیدای جدیدی از طرف رقیب به صحنه نخواهد آمد و انتخابات دو قطبی خواهد شد.

در این رابطه بهزاد نبوی (عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین) در اظهاراتی «کسانی که به دنبال معرفی شخصی به غیر از خاتمی برای انتخابات ریاست جمهوری جهت رقابت با احمدی‌نژاد هستند را فاقد حداقلی از شعور دانست.» این اظهارات با واکنشهای احزاب دیگر دوم خرداد ـ از جمله حزب اعتماد ملی ـ روبه‌رو شد. حجةالاسلام سید هادی میرهادی (ازاعضای شورای مرکزی حزب اعتماد ملی) در واکنش به سخنان نبوی گفت: «کسانی که حرف از آمدن خاتمی می‌زنند، دوستداران واقعی او نیستند، چراکه آنها عده‌ای انحصارطلبند که تنها به فکر اختلاف‌افکنی میان اصلاح‌طلبان هستند.»[۱] از سوی دیگر در برخی محافل سیاسی اصولگرایان از احتمال رد صلاحیت خاتمی سخن به میان آمد.[۲] آنان با بررسی عملکردها و مواضع سید محمد خاتمی، خصوصاً بعد از پایان دوره ریاست جمهوری و در سفر به آمریکا و چند کشور

۱- ایران، ۱۳۸۷/۶/۲.
۲- کیهان، ۱۳۸۷/۵/۷.

اروپایی و مغایرت آن با مبانی تعریف شده انقلاب و نظام و در پاره‌ای از موارد با آموزه‌های صریح اسلام، به این نتیجه رسیدند که از نگاه قانون می‌تواند رد صلاحیت ایشان برای نشستن بر کرسی ریاست‌جمهوری را در پی داشته باشد.

اما از سوی دیگر اصلاح طلبانی که موجودیت سیاسی خود را در خاتمی می‌دیدند و همواره از او به عنوان ناجی کشور در وضعیت فعلی یاد می‌کردند، از نیمهٔ دوم سال ۸۷ تقریباً مصاحبه‌ها و سخنرانیها و عکسهای سید محمد خاتمی را در روزنامه‌های خود چاپ می‌کردند و زمینهٔ حضور وی و اعلام کاندیداتوریش را برای انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری مهیا می‌ساختند!

خاتمی در اوّلین اظهار نظرهای خود در رابطه با انتخابات ریاست‌جمهوری تأکید کرد که به جای این‌که بگوییم چه کسی بیاید یا نیاید، بگوییم آن که می‌آید چه کارها و چگونه انجام دهد. وی با اشاره به جریان اصلاحات گفت: «دامنه اصلاحات بسیار وسیع‌تر از دایره گروههای اصلاح‌طلب است و نباید دامنه اصلاحات را محدود به گروهها و جریانات دانست. بنده با تمام احترامی که به همه گروهها و تشکلها قائلم و افتخارم این است که زمینه ایجاد و رشد و گسترش گروههای سیاسی مختلف در دوره اصلاحات تلاش کرده‌ام، هیچ حاضر نیستم تلقی شود که نمایندهٔ یک گروه، جریان و تشکل هستم.»[1] وی در ادامه افزود: «اگر

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۶/۲۴.

بخواهم در انتخابات آینده حضور یابم به خواستی که فکر می‌کنم در اقشار مختلف مردم است، جواب می‌دهم و اگر بنا باشد نیایم به وضوح و شفاف دلایل را به مردم خواهم گفت. تا حدود زیادی تصمیم من مشخص است ولی اعلام تصمیم را به وقت مناسب وامی‌گذارم.»[۱]

با پایان گرفتن تابستان کم‌کم عزم تعدادی از چهره‌های سرشناس چون محمد هاشمی (رئیس سابق صدا و سیما)، صادق طباطبایی (فرزند آیت‌الله محمدباقر سلطانی طباطبایی)، حسین کمالی (وزیر کار دولت سازندگی)، محمدعلی نجفی (وزیر آموزش و پرورش دولت سازندگی)، محمدرضا عارف (معاون اوّل خاتمی)، معصومه ابتکار (رئیس محیط زیست دولت اصلاحات)، محمد جهرمی (وزیر کار دولت احمدی‌نژاد)، مصطفی پورمحمدی (رئیس سازمان بازرسی کل کشور) و حسن روحانی (دبیر سابق شورای امنیت ملی) آشکار شد. اما در این میان حسن روحانی پیش قدم‌تر از بقیه بود. وی که در طی سالهای ۸۴ به بعد تبدیل به یکی از منتقدین جدّی دولت شده بود، اظهارنظرهای تندی علیه دولت نهم بیان می‌داشت. عدم توجه دولت به رفاه مردم، تبلیغاتی خواندن کارهای دولت و آمارسازیهای غیر واقعی، اعتراض به نحوه شرکت ایران در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس، انتقاد از سیاستهای اقتصادی دولت و خالی شدن حساب ذخیره ارزی، متهم کردن دولت به انجام کارهای غیر کارشناسی، اعتراض به پخش پول بین مردم در

۱- همان.

آستانهٔ انتخابات و هشدار در مورد حضور نفت در انتخابات، نقد سخنان رئیس‌جمهور پیرامون مسائل هسته‌ای و دعوت از احمدی‌نژاد برای مناظره، انتقاد علیه سیاستهای خارجی دولت، ... از جمله موضوعات سخنان وی در ایام نزدیک به انتخابات دهم بود.

البته برخی فعالان سیاسی سخنان روحانی در سال ۸۷ را نطقهای وی جهت حضور در صحنه انتخابات ریاست جمهوری، تلقی کردند که در عین حال لحن غیرمشفقانه هم داشت!

در حالی که شایعه حمایت جامعه روحانیت مبارز از کاندیداتوری حسن روحانی بسیاری را شوکه کرده بود، اما پس از مدتی این شایعه با انتشار اطلاعیه‌ای از سوی جامعه روحانیت مبارز تکذیب شد.[1]

در ادامه تلاشهای ادوار تحکیم وحدت، جمعی از اعضای شورای مرکزی سازمان دانش‌آموختگان با حضور در بیت حسینعلی منتظری (قائم مقام مخلوع رهبری) با وی دیدار و گفتگو کردند. منتظری در آن دیدار گفت: «معتقدم اگر اصلاح‌طلبان در انتخابات چند دسته باشند شکست خواهند خورد و به همین دلیل باید با هم هماهنگ باشند و مردم را دعوت به حضور کنند. چراکه اگر مردم نسبت به سرنوشت خود بی‌تفاوت باشند، طبیعی است که میدان خالی می‌شود و افراد شر بر سر کار خواهند آمد!»[2] وی درخصوص کاندیداتوری عبدالله نوری گفت: «من آقای عبدالله نوری را فرد صالحی می‌دانم و به او علاقه دارم، اما ایشان با

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۰.
۲- کارگزاران، ۱۳۸۷/۸/۲۷.

سد شورای نگهبان مواجه است. البته اگر توافق همه گروهها بر یک فرد باشد، شورای نگهبان هم نمی‌تواند آن فرد را رد صلاحیت کند.»[۱]

در روزهای منتهی به ایام انتخابات دهم برخی خبرها حاکی از آن بود که عده‌ای در صددند تا انتخابات را مخدوش نشان داده و سلامت انتخابات را زیر سؤال برند. مقام معظّم رهبری به عنوان چراغ راه انقلاب با رهبریها و روشنگریهای خود همواره طرح دشمنان را برملا ساخته و در ایام انتخابات گوناگون، ترفندهای دشمن برای کم رونق کردن انتخابات را افشا و لزوم هوشیاری ملّت ایران را یادآور شدند.

مقام معظّم رهبری در دیدار پرشور معلمان و کارگران و پرستاران به مناسبت روز معلم و کارگر و پرستار از اقدامات برخی برای ایجاد خدشه در انتخابات پرده برداشتند و فرمودند:

«یکی از دشمنیها همین است این پدیده با ارزش تأثیر حضور مردم و نقش آفرینی مردم در اداره کشور را در تبلیغات خودشان نفی کنند یا ندیده بگیرند یا انکار کنند. بارها و بارها در اظهارات صریح‌شان، در اظهارات کنایه‌آمیزشان، در انتخابات کشورمان خدشه کردند. نه، انتخابات کشور ما از انتخابات اکثر این کشورهای مدعی دموکراسی، هم آزادتر است، هم پرشورتر است، هم انگیزه مردم در این انتخابات بیشتر است. انتخابات پرشور، انتخابات خوب سالم. دشمن خدشه می‌کند. از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست. چه انتظاری هست؟ بی‌توقعی از دوستان است. بی‌توقعی

۱- همان.

از دوستانی است که جزء این ملتند؛ واقعیت را دارند می‌بینند، می‌بینند این انتخابات چگونه سالم و متقن انجام می‌گیرد. در عین حال، همان حرفی را که دشمن می‌زند، اینها هم می‌زنند! من انتظارم این است؛ کسانی که با ملّت ایرانند، جزء ملّت ایرانند، توقع دارند ملّت ایران به آنها توجه کنند، اینها دیگر علیه ملّت ایران حرف نزنند و انتخابات ملّت ایران را زیر سؤال نبرند. مرتب تکرار نکنند که آقا این انتخابات سالم نیست. انتخابات، انتخابات نیست. چرا دروغ می‌گویند؟ چرا بی‌انصافی می‌کنند؟ چرا خلاف واقع می‌گویند؟ چرا این همه زحماتی را که این ملّت و مسؤولین در طول این سالها متحمل شدند، ندیده می‌گیرند؟ چرا؟ چرا ناسپاسی می‌کنند؟ انتخابات در دوره‌های گذشته سالم بوده. در مواردی که شبهاتی پیش می‌آمد ما فرستادیم تحقیق کردند، دنبال کردند. در یکی از مجالس گذشته شایعاتی پیدا شد. بعضیها دلایلی آوردند، حرفهایی زدند انتخابات ناسالم است. توقع داشتند که در برخی از شهرهای مهم از جمله تهران، انتخابات باطل شود. اما افراد وارد و مطلعی را فرستادیم تحقیق کردند، مطالعه کردند، دیدند نه؛ خدشه در انتخابات نیست. در بین این هزارها صندوق ممکن است در دو تا پنج تا صندوق خدشه‌هایی به وجود بیاید. این انتخابات را خراب نمی‌کند. این هم مال بعضی اوقات بوده است. گاهی یک گروهی، یک جناحی - از این جناحهای معمولی کشور که شماها این جناح‌بندیها را می‌شناسید ـ برسرکار بودند، نتیجه انتخابات به ضرر آنها و به نفع جناح مقابل شده. مکرر این اتفاق افتاده. چطور این انتخابات را کسی ممکن است زیر سؤال ببرد؟» ایشان اضافه کردند: «ان شاءالله همه ملّت ایران به کوری

چشم دشمنان و با شور و علاقه و صمیمیت در انتخابات ریاست‌جمهوری، به پای صندوقهای رأی می‌آیند و انتخاباتی می‌آفرینند که دشمن را خشمگین کند.» [۱]

«دولت نجات ملی» و «دولت وحدت ملی»، یا عبور از احمدی‌نژاد!؟

ورود زود هنگام جریانهای سیاسی به عرصه فعالیتهای انتخاباتی مرتبط با انتخابات دهم ریاست جمهوری و طرح ایده‌ها و نظریه‌های سیاسی، بسیاری از مسائل مهم کشور در حوزه‌های گوناگون را تحت‌الشعاع قرار داد. به گونه‌ای که مقام معظّم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان و تشکلهای دانشجویی، با تذکر به زود هنگام بودن فعالیتهای انتخاباتی آن را موجب انحراف ذهنها از مسائل اصلی و مشغول کردن افراد به یکدیگر و برخی بدگوییها و آن را به ضرر مصالح کشور دانستند.

در حالی که رئیس دولت نهم به عدم پاسخگویی به موج‌سازیهای سیاسی و تخریبهای گسترده علیه دولت تأکید می‌نمود و پاسخگویی به آنها را واماندن از کارهای اساسی کشور می‌دانست، دو نظریه سیاسی «دولت نجات ملی» و «دولت وحدت ملی» فضای مطبوعاتی و رسانه‌ای کشور را انتخاباتی کرده و هریک از احزاب و تشکلها و گروههای سیاسی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۰.

نسبت به این دو ایده و نظریه واکنش نشان داده و با نقد و بررسی آن، سعی در اثبات و یا رد آن نمودند.

شعار «دولت نجات ملی» که از میانه سال ۸۷ از سوی گروههای دوم خردادی اعلام و بر این فرض و تحلیل استوار بود که کشور در بدترین شرایط قرار گرفته و خطرات جدّی منافع ملی و امنیت ملی را تهدید می‌نماید، جریانهای سیاسی را تشویق می‌نمود تا در شرایط کنونی باید در فکر نجات کشور باشند! لذا برای به ثمر رسیدن این شعار ماهها کار شد.

سیاه‌نمایی‌هایی که از اوضاع کشور در حوزه‌های اقتصای، اجتماعی، مدیریتی با طرح مجدّد خطرات خارجی و تهدیدات نظامی دشمنان به اوج خود رسید. احزاب و گروههای دوم خردادی، سعی کردند سیاستهای دولت نهم را عامل پیدایش چنین وضعیتی برای کشور معرفی کرده و این‌گونه وانمود کنند که باید در انتخابات دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، کسی را به صحنه آورند که بتواند کشور را نجات داده و اوضاع نابسامان را سامان بخشد!

شرایط کشور را ویژه معرفی کردن ـ از سوی برخی چهره‌های سیاسی ـ مقدمه‌ای بود برای طرح ائتلاف در جبهه دوم خرداد با هدف نجات دادن کشور از خطرات و بحرانهایی که با آن روبه‌رو شده است.

در همین راستا موسوی لاری (وزیر کشور دولت اصلاحات) در اوّلین گردهمایی رؤسای استانی و اعضای ستاد ائتلاف اصلاح‌طلبان گفت: «شرایطی که کشور ما بخصوص در حوزه مدیریتی کشور دارد، شرایط ویژه‌ای است، هم در تعامل با خارجیها و هم در سیاست داخلی و هم

برنامه‌هایی که باعث شده است حتی نزدیک‌ترین افراد به مدیران اجرایی، امروز به این نتیجه برسند که پاره‌ای از تصمیم‌گیریها اشتباه بوده است.» در این گردهمایی سید محمد خاتمی نیز از مشکلات پیش رو سخن گفت و اظهار داشت: «هدف اصلاح‌طلبان تنها جذب رأی نیست بلکه خدمت به کشور است. کشور ما در معرض تهدیدهای بزرگی است و متأسفانه نگرانی جدّی وجود دارد که با مشکلات بزرگتری روبه‌رو شود.»

در راستای سیاه‌نمایی و بحرانی جلوه دادن اوضاع کشور، عبدالله رمضان زاده (سخنگوی دولت اصلاحات) پیشنهاد می‌دهد که ائتلافی فراتر از جناح اصلاح‌طلب و متشکل از همه دلسوزان نظام اعم از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان تحت عنوان «ائتلاف برای نجات کشور» تشکیل شود!

تکرار این دیدگاه از سوی محافل و رسانه‌های دوم خردادی در آن ایام به گونه‌ای است که می‌توان نتیجه گرفت جریان دوم خرداد به دنبال جا انداختن این شعار به عنوان گفتمان در سطح ملی است، تا براساس آن ایجاد موج نموده و در انتخابات ریاست جمهوری میوه آن را برداشت نماید.

اهدافی را که آنان از طرح چنین شعاری دنبال می‌کردند عبارت بود از: مرعوب ساختن مردم از روند مسائل کشور و تخریب پایگاه اجتماعی اصولگرایان ـ بویژه دولت نهم ـ برای بسترسازی جهت روی آوردن مردم به سمت اصلاح‌طلبان و ایجاد ائتلاف ووحدت میان احزاب و گروههای دوم خردادی که در انتخابات گذشته دچار تفرقه شده بودند و

معرفی فردی به عنوان ناجی، در فضایی که کشور بحرانی تلقی می‌شود.

در این اوضاع است که اصلاح‌طلبان حتی انتقادهای منصفانه برخی اصولگرایان را با بزرگ‌نمایی، در راستای این شعار دانسته و زمینه‌های حضور خاتمی برای کاندیداتوری ریاست جمهوری مهیا شد. بهزاد نبوی (از اعضای ارشد سازمان مجاهدین) خاتمی امروز را سمبل نجات ملی معرفی کرد و با طرح این موضوع سعی در قانع کردن ایشان برای حضور در انتخابات دهم کرد. حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران) نیز با تمجیدهای فراوان از خاتمی، وی را دارای شخصیت و اعتبار بین‌المللی و مقبولیت داخلی معرفی کرده و بیان می‌کند: «اگر همین فردا آقای خاتمی رئیس جمهور شود، از چنان ظرفیتی برخوردار است که تهدیدات بین‌المللی علیه ایران را منتفی کرده و ایران را از این چالشهای موجود بیرون می‌آورد!»

اگرچه شعار نجات ملی از جهت طراحان و اهداف بانیان آن، از شفافیت لازم برخوردار بود، لکن ایده «دولت وحدت ملی» از این میزان شفافیت برخوردار نبود و نگرشهای متفاوتی در مورد چگونگی و ماهیت آن نظریه و اهداف ارائه کنندگان آن مطرح بود. طرح این ایده از سوی چهره‌های اصولگرا در فضایی مطرح شد که جریانات اصلاح‌طلب با طرح ایده «دولت وحدت ملی» زمینه را آماده کرده بودند. اولویت اوّل آنان در به نتیجه رسیدن احزاب و گروههای اصلی شرکت‌کننده در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، حذف احمدی‌نژاد از ریاست قوّه مجریه در دوره بعد و به قدرت رسیدن خاتمی یا هر فرد دیگری از

اصولگرایان به عنوان اولویت دوم محسوب می‌شد.

پرداختن به موضوع حذف دو جریان اصولگرایان سنّتی و اصلاح‌طلبان به عنوان دو جریان اصیل انقلاب وبه قدرت رسیدن یک جریان بی‌ریشه و بدون سابقه انقلابی و مشکوک، موضوع عبور از احمدی‌نژاد توسط اصولگرایان را تقویت می‌کرد.

شاید اظهارات هاشمی رفسنجانی و واکنش برخی از چهره‌های برجسته اصولگرا نسبت به این اظهارات، عمق و پیچیدگی موضوع را نشان داد. ایشان در حاشیه همایش اصل ۴۴ در مورد وحدت ملی بیان داشت: «چیز جالبی است که این طرح به صورت عوامانه مطرح می‌شود. این طرح را اوّل ناطق نوری مطرح کردند که جزو اصلاح‌طلبان نیست. بعد هم لاریجانی مطرح کرد که او هم جزو اصلاح‌طلبان نیست. بعد هم جامعه روحانیت مبارز با درخواست عسگر اولادی، باهنر و حبیبی به میدان آمد. فقط وقتی کرباسچی آن را قبول کرد، موج برگشت و گفتند اصلاح‌طلبان این را مطرح کرده‌اند. در حالی که اصلاح‌طلبان با این طرح مخالفند، زیرا این طرح معنایش این است که رئیس‌جمهور اصولگرا و کابینه مشترک باشد. این طرح ناطق است، آن را وارونه نکنید.»

هرچند که بعد از اظهارات هاشمی در مورد طرح وحدت ملی برخی از کسانی که هاشمی از آنان نام برده بود، چنین موضوعی را تکذیب کردند، اما علی‌اکبر ناطق نوری که از طراحان اصلی این ایده محسوب می‌شد، پس از ایجاد موجهای به وجود آمده از ارائه این طرح، اظهار

داشت: «عده‌ای تلاش می‌کنند طرح تشکیل دولت وحدت ملی را به عنوان پروژه‌ای برای عبور از احمدی‌نژاد تلقی کنند، در حالی که این مسأله را تنها به این خاطر بیان کردم که بگویم یک جناح نمی‌تواند کشور را بخوبی اداره کند.»[1] ناطق نوری همچنین ضمن گلایه از برداشتهای نادرست نسبت به طرح وحدت ملی، ادعای نزدیکی خود را با خاتمی و اندیشه‌های وی رد کرده و از وجود اختلاف اندیشه با خاتمی سخن به میان آورد.

حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکلّ جبهه خط امام و رهبری) نیز در خصوص سخنان هاشمی، این سخنان را خلاف واقعیت خواند و دلیل آن را نیز ارائه گزارشهای غلط به ایشان دانست.

از طرف دیگر بسیاری از اصولگرایان که خدمات دولت نهم بویژه آثار این خدمات در سفرهای استانی و حمایتهای بی‌دریغ مقام معظّم رهبری از دولت مکتبی نهم را می‌دیدند، از عملکرد آن حمایت کرده و بیان می‌داشتند که با وجود انتقادهایی که از دولت نهم دارند، اما از احمدی‌نژاد عبور نخواهند کرد. در همین حال تأکید نمودند که هدف اصلی از این طرح و ایده، اختلاف‌افکنی میان اصولگرایان[2] و توافق بر سر «نه» به احمدی‌نژاد[3] و آن را یک مدل عقب افتاده[4] و سهم‌خواهی

۱- کیهان، ۱۳۸۷/۱۱/۵.
۲- کیهان (لطف‌الله فروزنده)، ۱۳۸۷/۹/۳.
۳- کیهان (حسین فدایی)، ۱۳۸۷/۱۰/۷.
۴- کیهان (مصطفی پورمحمدی)، ۱۳۸۷/۹/۲۳.

احزاب[۱] و راهی برای رسیدن اصلاح‌طلبان به مناصب اجرایی کشور[۲] دانستند.

مهدی کوچک‌زاده (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با ایسنا ضمن رد دولت وحدت ملی، تحقق آن را حرف بی‌ربط و موضوع تمام شده‌ای دانست و تصریح کرد: «دولت وحدت ملی در زمان و مکانی که هیچ موضوعیتی ندارد، توسط کسانی مطرح شد که باید در نیّت و اخلاص سیاسی آنها تردید کرد.»[۳] وی در ادامه بیان داشت: «این طرح از سوی اصولگرایان بازی خورده مطرح شده است.»[۴]

با بیان این مواضع از سوی شخصیتهای سیاسی جریان اصولگرا مبنی بر عدم عبور از احمدی‌نژاد، جریان مخالف احمدی‌نژاد متوجه شد که اصولگرایان دست از احمدی‌نژاد برنمی‌دارند و همچنان از او به عنوان بهترین نامزد اصولگرایان برای انتخابات دهم یاد می‌کنند. آنان با ناخرسندی از وحدت اصولگرایان نوشتند: «انتقاد اصولگرایان از احمدی‌نژاد و دولت او که پس از برگزاری انتخابات مجلس هشتم، روند افزایش به خود گرفته بود، ناگهان در میان طیفهایی از اصولگرایان دچار وقفه گردید.»[۵] و درنتیجه عملاً طرح دولت ملی عقیم ماند.

حجةالاسلام حسینی بوشهری (عضو ارشد جامعه مدرسین حوزه

۱- کیهان (غلامحسین الهام)، ۱۳۸۷/۱۰/۷.
۲- کیهان (حبیب‌الله عسگراولادی)، ۱۳۸۷/۹/۳۰.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۷. ۴- همان.
۵- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۴/۷.

علمیه قم) با اشاره به این که نماد وحدت ملی ما مردم هستند، گفت: «آنچه از طرح وحدت ملی برداشت می‌شود، انتخاباتی بودن آن است ولی چنین طرحی به طور معمول در جوامعی مطرح می‌شود که بن‌بست سیاسی و انسداد به وجود آمده است.»[1]

همچنین عبد خدایی (دبیرکلّ جمعیت فداییان اسلام) در این باره بیان داشت: «ولایت فقیه مایه وحدت ملی است و به خاطر همین امر امروز لبه پیکان دشمنان به سوی ولایت فقیه است.»[2]

در مورد وحدت ملی که یک اصل ارزشمند در انقلاب اسلامی بوده و هست و همواره مورد تأکید حضرت امام(ره) و مقام معظّم رهبری نیز قرار گرفته، نباید تردیدی به خود راه داد و آن را باید حفظ نمود. اما بیان این نکته قابل توجه است که ایده دولت وحدت ملی از اساس مقوله‌ای متفاوت از وحدت و انسجام ملی است.

کسانی که این ایده را تحت تأثیر القائات جریانهای خاص و نشان دادن اوضاع کشور به بحرانی بودن مطرح ساختند، بر این باور قرار داشتند که برای برون‌رفت از مشکلات به وجود آمده، باید دولت وحدت ملی تشکیل داد. همه صاحب‌نظران مسائل سیاسی بر این اتفاق نظر هستند که بیگانگان بویژه امریکا طی سی سال گذشته در ایران سیاست بحران‌آفرینی را دنبال کرده و از عوامل بحران‌ساز حمایت قاطع کرده‌اند. بر همین اساس اگر دولت نهم باعث پیدایش بحران در ایران شده، و ادامه

۱- همان، ۱۳۸۷/۹/۱۱.

۲- همان، ۱۳۸۷/۹/۲۳.

این سیاستها کشور را با بن‌بست مواجه خواهد رساند، علی‌القاعده باید غربیها و امریکاییها از تداوم حضور احمدی‌نژاد و دولت نهم در قدرت خشنود باشند و آن را مورد تأیید قرار دهند. ولی آنچه در این سالها اتفاق افتاده عکس آن را نشان می‌دهد.

غربیها همواره از روی کار آمدن دولت نهم و احمدی‌نژاد به سختی نگران بودند و حتی این نگرانی خود را نتوانستند مخفی نگه دارند در اظهار نظرهای خود آن را علنی کرده‌اند. تا جایی که جرج بوش رئیس جمهور وقت امریکا طی مصاحبه‌ای با صراحت اعلام کرد «در ایران همه چیز بخوبی پیش می‌رفت و مسأله هسته‌ای ایران تمام شده بود، ولی احمدی‌نژاد آمد و همه چیز را به هم زد.»[۱] و یا کوشنر وزیر امور خارجه فرانسه در گفتگو با شبکه سی ان ان گفت: «آرزوی غرب پیروزی مخالفان احمدی‌نژاد در انتخابات آینده است و از تحرکات مخالفان دولت احمدی‌نژاد بسیار خوشحالم.»[۲] همچنین در آستانه انتخابات دهم سازمان سیا به اسرائیل توصیه می‌کند برای جلوگیری از پیروزی احمدی‌نژاد فعلاً ایران را تهدید نکنید.[۳]

رسانه‌های فارسی‌زبان غربی برخلاف رویهٔ سی سالهٔ خود، نه تنها انتخابات دهم ریاست جمهوری را تحریم نکردند بلکه در اقدامی هدفمند مردم را به شرکت در انتخابات فرا خوانده و مرتباً بیان می‌داشتند که فقط به احمدی‌نژاد رأی ندهید. در این رابطه روزنامه صهیونیستی

۱- ایران، ۱۳۸۷/۹/۱۸. ۲- کیهان، ۱۳۸۷/۸/۲۵.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۹.

جوویش کرونیکل با اشاره به تلاش امریکاییها برای عدم پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات دهم تأکید کرد: «تنها کسی که نباید رئیس‌جمهور شود احمدی‌نژاد است.»[۱]

رادیو صدای امریکا از قول امیرحسین گنج‌بخش (عنصر ضد انقلاب مقیم امریکا) گفت: «مهمترین عامل در زمینه شرکت آقای خاتمی در انتخابات این است که یک اجماعی میان هواداران نظام به وجود آمده ادامه دولت احمدی‌نژاد، خطرات بسیار هولناکی را به همراه خواهد داشت.»[۲]

همچنین روزنامه سوداوست فرانسه ضمن تحلیل از وضعیت انتخابات در ایران در گزارشی نوشت: «پیروزی مجدّد احمدی‌نژاد در انتخابات ایران، مانع تحقق اهداف واشنگتن و تل آویو در منطقه است.»[۳]

پس چگونه ممکن است دولتی که برای غرب و امریکا مشکل‌ساز شده است، کشور را رو به بحران و تباهی ببرد!؟ آیا جز این است که اهداف دشمنان همیشگی این مرز و بوم در زمان این دولت تحقق نیافته و آنها را برای رسیدن به اهداف خود با مشکل و چالش روبه‌رو ساخته است؟

کروبی زنگ انتخابات را می‌نوازد

پس از انتخابات ۸۴ مهدی کروبی با جدایی از مجمع روحانیون

۱- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۳.
۲- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۱۹.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۲.

مبارز، حزب اعتماد ملی را تشکیل داد. وی در انتخابات مجلس هشتم با ارائه لیست نامزدهای مورد حمایت خود عملاً به طور مستقل و تشکیلاتی وارد صحنه سیاسی کشور شد. کروبی که به دنبال تشکیل یک ائتلاف مستقل بود، به طور مکرّر نقش مشارکت و مجاهدین را در افول ستاره اصلاح‌طلبی یادآور می‌شد و بیشترین گلایه‌اش از شخص سید محمد خاتمی بود که همراهانی را برگزیده که پیش از آن به حرف نشنوی‌شان اذعان داشته است.

مهدی کروبی اوّلین فردی بود که قصد نامزدی خود را در مهر ۸۷برای انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری اعلام کرد. وی که شک و دودلی را برای مجموعه اصلاحات مضر می‌دانست[1] در ابتدا این اقدام با اقبال چندانی از سوی اکثریت جبهه دوم خرداد مواجه نشد و اعلام حضور رسمی کروبی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری به مذاقشان خوش نیامد و این اقدام کروبی را برنتابیده و اعلام کردند که کروبی مهره نظام برای خراب کردن آراء اصلاحات است. کروبی که خاطره تلخی از انتخابات ۸۴ داشت، پس از انتخابات ریاست جمهوری نهم در صف منتقدان دولت قرار گرفت و در اظهارنظرها و مقاله‌ها در روزنامه حزب خود (اعتماد ملی) دولت را به باد انتقاد گرفت.

روزنامه اعتماد ملی به دلیل وانمود کردن آزادی بیان و انعکاس چند صدایی در جامعه و ... از افراد و نویسندگان مختلف و بعضاً مسأله‌دار

۱- اعتماد ملی، ۱۳۸۷/۸/۲۷.

استفاده می‌کرد. در این روزنامه می‌توان از مقالات برخی از عناصر ضدانقلاب فراری، تا اطلاعیه سوگواری برای کاریکاتوریست حامی سلمان رشدی، تا تجلیل از بازیگران و هنرپیشگان نه چندان خوش‌نام، تا مقالاتی در ترویج موسیقی و نوازندگی و اخباری از فرقه‌های منحرف و... پیدا کرد. همچنین اهانتها و استفاده از کلمات ناشایست علیه دولت و شخص رئیس جمهور و درج مقاله آواز دلفینها ـ که حتی با عذرخواهی رسمی کروبی از احمدی‌نژاد همراه بود ـ کامل شد.

خبر کاندیداتوری کروبی در این روزنامه با چاپ عکسی با دستی بر چانه و نگاهی خندان با زمینه سبز، این‌گونه تیتر شد: «برای تغییر می‌آیم. من هولوکاست را مطرح نمی‌کنم. مدارك را ورق پاره نمی‌خوانم و همه را علیه خود بسیج نمی‌کنم و . . .».

کسانی که از کاندیداتوری کروبی احساس نگرانی کرده بودند، از طریق تشکیل شورای حکمیت تلاش داشتند تا کروبی را به انصراف از این قصد متقاعد سازند. اما طولانی شدن زمان اعلام نامزدی خاتمی موجب شد تا کروبی از این ساز و کار (شورای حکمیت) که از ترکیب پیشنهادی آن نیز راضی نبود، خارج شود و نامزدی خود را اعلام کند. وی از همان ابتدا تصمیم جدّی بر ماندن گرفته بود و علی‌رغم برخی تلاشها برای انصراف وی از کاندیداتوری، اعلام کرد که «برای حضور در انتخابات جدّی هستم و با تصمیم به حضور آمده‌ام و به نفع کسی کنار

نمی‌روم».[۱] وی که برای آمدن رایزنیهایی را با شخصیتهای بزرگ از جمله مقام معظّم رهبری انجام داد در اوّلین مصاحبه خود محمود احمدی‌نژاد را جدّی‌ترین رقیب خود قلمداد کرد.[۲]

کروبی در ۱۵ بهمن ۸۷ طی صدور بیانیه‌ای به صورت رسمی حضور خود را در انتخابات اعلام کرد و مهمترین دغدغه خود را این‌گونه اعلام کرد: «این‌جانب با توجه به وضعیت خطیر کشور و مشکلاتی که مردم به دلیل اتخاذ سیاستهای شتاب‌زده و غیرکارشناسانه در سالهای اخیر [دچار] آن شده‌اند، خود را موظف می‌دانم با حضور در انتخابات ریاست جمهوری آینده برای تغییر و بهبود امور گام برمی‌دارم و در این راه دست یکایک کسانی که دل در گرو این آب و خاک و انقلاب دارند را می‌فشارم.»[۳] وی در ادامه بیانیه خود، یکی از شعارهای محوری خود را احیای برنامه‌ریزی و احترام به خرد جمعی دانست و گفت: «اوّلین هدف من که در ذیل شعار احیای برنامه‌ریزی صورتبندی شده است، درصدد بازسازی تشکیلات و شوراهای برنامه‌ریزی در ساختار دولت و اعتبار بخشیدن به جایگاه مشاوره، کارشناسی و خرد جمعی و نیز پذیرش دانش، علم، منطق و عقلانیت مبنای این مشارکت و برنامه‌ریزی است.»[۴]

کروبی در نشست مطبوعاتی که با حضور غلامحسین کرباسچی (شهردار اسبق تهران) برگزار شد، در ابتدا کرباسچی را به عنوان مشاور ارشد انتخاباتی خود معرفی کرد و به پرسش خبرنگاران پاسخ گفت. وی

۱- ایران، ۱۳۸۷/۷/۲۲.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۷/۲۲.
۳- همان، ۱۳۸۷/۱۱/۱۶.
۴- همان.

در پاسخ به این‌که «مهمترین محور برنامه شما برای انتخابات آینده چیست؟» گفت: «ما جلسات متعددی داریم، در همه بخشها کار می‌شود، در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برنامه‌ریزیهایی را تدوین خواهیم کرد.»[۱] کرباسچی نیز در این نشست در خصوص این‌که چرا با وجود انتقاداتی که به شما صورت گرفت، ریاست ستاد کروبی را پذیرفتید؟ پاسخ داد: «از ابتدا قرارم این بود که در خدمت ایشان به عنوان مشاور باشم، اما ایشان لطف کردند این سمت را گسترده‌تر کردند.»[۲]

در پی اعلام کاندیداتوری کروبی دبیرکلّ حزب اعتماد ملی علاوه بر حزب متبوعش، برخی گروهها نیز اعلام حمایت خود را از کاندیداتوری وی اعلام نمودند. ارگان گروهک فدائیان خلق طی بیانیه‌ای رسماً از نامزدی کروبی دفاع کرد. آنها ضمن حمله به احمدی‌نژاد نوشتند: «برای کسی جای تردید نباید باشد که پیروزی مجدّد احمدی‌نژاد یک فاجعه بزرگ ملی است و در حال حاضر کروبی است که قادر است از تحقق فاجعه جلوگیری کند»[۳] آنها همچنین از کروبی خواستند برای ایجاد جبهه قدرتمند در برابر احمدی‌نژاد از میان افرادی مانند خانم شیرین عبادی، عمادالدین باقی، عباس عبدی یکی را به عنوان معاون اوّلی برگزینند.»[۴]

گروهک حزب دموکرات از دیگر گروههایی بود که از کروبی حمایت کرد. آنان در بیانیه خود آوردند: «در رژیم جمهوری اسلامی امکان انتخابات آزاد وجود ندارد و آنهایی هم که به پیروزی دست

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۲/۱۴.
۲- همان.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۵.
۴- همان.

می‌یابند، نمی‌توانند به برنامه‌های خود جامه عمل بپوشانند . . . اما اقدام آقای کروبی که برای اوّلین بار از سوی یک نامزد ریاست جمهوری در رژیم اسلامی عنوان شده، با هر منظوری که بوده باشد، امری مثبت است.»[1]

عباس عبدی (حامی کروبی) ضمن بیان تلاشهای برخی برای تخریب کروبی بیان داشت: «عده‌ای از روی صداقت یا بر مبنای جنگ روانی کوشیدند که اجماع میان کروبی و خاتمی و سپس موسوی را در دستورکار قرار دهند. عده‌ای صادقانه فکر می‌کردند به نفع انتخابات است و عده‌ای دیگر آن را در جهت تخریب و جنگ روانی به‌کار می‌برند تا به زعم خود روحیه طرفداران و نامزد مورد نظر (کروبی) را تضعیف کنند. در کوتاه‌مدت هم موفق شدند، اما مشکل جنگ روانی این است که اگر بر مبنای منطقی استوار نشود، در ادامه به ضد شورش تبدیل می‌شود.»[2] رسول منتجب‌نیا (قائم مقام حزب اعتماد ملی) در استان فارس در دیدار با سران عشایر این استان با اشاره به برخی برخوردهای تند اصلاح‌طلبان با کروبی گفت: « کروبی همان فردی است که امروز از دوستان چهل ساله خود بی‌وفایی دیده است و از پشت به او خنجر زده‌اند. آنهایی که دست‌پرورده وی بوده‌اند و از مواهب او استفاده می‌کردند، امروز نمک‌نشناس شده‌اند.»[3] عباس عبدی در سخنانی در خرم‌آباد ضمن حمایت از کروبی گفت: «اگر بتوان در مجموعه سیاستمداران ایران پنج نفر

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۷. ۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۳۱.
۳- همان، ۱۳۸۸/۳/۴.

بامرام را پیدا کرد، بدون شک بالاترین آنها مهدی کروبی است.»[۱]

مسعود سلطانی فر (مسؤول اجرایی ستاد انتخابات حزب اعتماد ملی) با اشاره به سفرهای کروبی به استانهای مختلف کشور گفت: «حضور دبیرکلّ حزب اعتماد ملی در استانهای مختلف باعث شد موقعیت وی نسبت به رقیب اصلاح‌طلب خود در جایگاه بهتری قرار گیرد. اما با این اوصاف معتقدم انتخابات به دور دوم کشیده خواهد شد و یکی از آنها کروبی است.»[۲] الیاس حضرتی (از دیگر حامیان کروبی) در گفتگو با فارس وضعیت رأی کروبی را خیلی عالی دانست و گفت: «کروبی با سرعت و قدرت به جلو می‌رود و اگر مشارکت عامه زیاد باشد، با احتمال ۸۰ تا ۹۰ درصد کروبی در مرحله اوّل رأی می‌آورد.»[۳]

شاه سلطان حسین!

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظّم انقلاب اسلامی در دیدار با هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت با بیان برخی مطالب مهم هوشیاری ملّت را در جریان انتخابات ریاست جمهوری خواستار شدند. ایشان مهمترین مسؤولیت دانشجویان را به عنوان چشم بینای طبقه روشن‌بین و روشنفکر جامعه، مراقبت از ظاهر و باطن نظام اسلامی و جلوگیری از انحراف آن دانستند و خاطر نشان کردند:

«اگر ملّت و مسؤولان، شاخصهای اصلی هویت اسلامی نظام را حفظ

۱- همان. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۰.

۳- همان.

کنند، هیچ دشمنی قادر به آسیب رساندن به این کشور نخواهد بود». ایشان همچنین عدالت‌طلبی، ساده‌زیستی مسؤولان، کار و تلاش مخلصانه، طلب و پویایی علمی بی‌وقفه، ایستادگی قاطع در مقابل طمع‌ورزی و سلطه بیگانگان و دفاع شجاعانه از حقوق ملی را جزء شاخصهای هویت اسلامی دانسته و افزودند:

«باید بسیار مراقب بود تا این روح و سیرت نظام اسلامی از دست نرود».

ایشان در ادامه تبیین شاخصهای هویت حقیقی نظام به شجاعت و اعتماد به نفس مسؤولان اشاره کردند و بیان داشتند:

«اگر روزی در میان مسؤولان کشور، بی‌جرأت و ضعیفی همچون شاه سلطان حسین پیدا شود، حتی اگر در میان مردم نیز شجاعت و آمادگی وجود داشته باشد، مملکت و جمهوری اسلامی تمام است؛ چراکه مسؤولان ترسو و مقهور، ملّتهای شجاع را نیز به ملّتهای ضعیف تبدیل می‌کنند.»[1]

پیرامون چرایی و چیستی سخنان مقام معظّم رهبری برخوردهای متفاوتی از سوی جریانات سیاسی کشور صورت گرفت. عده‌ای با بهره‌گیری از تاکتیکها و تکنیکهای جریان‌سازی و جنگ روانی از انعکاس بیانات حکیمانه ایشان و توجه افکار عمومی به سخنان معظّمٌ‌له، ممانعت به عمل آوردند و از روش بایکوت و عدم انعکاس و یا تخفیف بیانات استفاده کردند. اما عده‌ای دیگر به صورت مصداقی با سخنان مقام معظّم رهبری برخورد و سعی کردند، سخنان ایشان را منطبق با مصداق

۱- کیهان، ۱۳۸۷/۹/۲۵.

کرده و چرایی و چیستی آن را به زعم خود تبیین کنند. آنان مطالب ایشان را بیان یک رخداد عبرت‌آموز تاریخی و در عین حال مرتبط با مسائل سیاسی کشور دانسته و از این منظر سعی در تبیین مباحث رهبر انقلاب نمودند. سید محمد خاتمی که بیشترِ نگاهها به سمت وی بود، از بیان مصداق و تشابه وی با شاه سلطان حسین دلخور شده و بیان داشت:

«رهبری اخیراً مطالبی کلّی و اساسی فرمودند، ولی متأسفانه بعد از سخنان ایشان، برخی کسانی که تکلیفشان حفاظت از رأی مردم و نظارت بر انتخابات است، آمدند و تفسیرهایی کردند که به نظر ما عجیب است و می‌گویند رهبری تکلیف را مشخص کردند که چه کسی انتخاب شود و چه کسی در صحنه بیاید و این طور القاء می‌کنند که یک جریان باید بماند و جریان دیگر باید برود. مگر رهبری خودشان نمی‌توانند مطالب را بگویند؟ در همه دوره‌ها ایشان فرموده‌اند که دخالتی در انتخابات نمی‌کنند و از هرکسی که رأی بیاورد حمایت خواهند کرد.»[۱]

اما واقعیت آن بود که بیانات مقام معظّم رهبری نه فقط شخص خاص، بلکه جریانهایی که شاه سلطان حسینی عمل می‌کنند را شامل می‌شد. این سخنان از آن جهت اهمیت بیشتری داشت که می‌توانست در جهت شناسایی شاه سلطان حسین‌ها و انتخاب آگاهانه و نه از روی انفعال را بویژه برای استقبال از مهمترین رخداد سیاسی کشور یعنی انتخابات ریاست جمهوری دهم را در بر داشته باشد. البته یکی از دلایل حمایت

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۲.

غرب و امریکا از جریانی خاص در طی سالهای اخیر و استقبال آنان از به قدرت رسیدن آن جریان، همین داشتن روحیه شاه سلطان حسینی آنهاست.

بوش (رئیس جمهور وقت امریکا) در سخنرانی خود در مرکز بروکینگز اظهار داشت: «ما در منطقه امید زیادی به اصلاح‌طلبان و فعالان حقوق بشر داریم. ما از اصلاح‌طلبان و فعالان حقوق بشر و ناراضیان سیاسی در سراسر منطقه حمایت می‌کنیم و با آنها همراهیم.»[۱]

اصلاح‌طلبان با بیان این‌که برای امریکا اصلاح‌طلب و اصولگرا تفاوتی ندارند، سعی در تبرئه خود نمودند. آنان به جای اعلام تبرّی و انزجار از این حمایت آمریکا تلاش کردند، عدم تفاوت بین اصلاح‌طلبان و اصولگرایان را القاء نمایند. در همین رابطه رسول منتجب‌نیا (قائم مقام حزب اعتماد ملی) گفت: «از نظر آمریکا جبهه اصلاح‌طلب و اصولگرا تفاوتی ندارند.»[۲] همچنین سعید حجاریان (مشاور خاتمی) گفت: «اصلاح‌طلب و اصولگرا برای آمریکا سرو ته یک کرباس هستند و تفاوتی ندارند و منظور بوش اصلاح‌طلبان منطقه مانند ابومازن و حریری بوده و متوجه ما نمی‌شود»[۳] اما گری سیک (معاون سابق وزارت خارجه امریکا) در سخنانی اذعان کرد: «من در ایران روشنفکرانی را دیدم اشاره‌های ما را دنبال می‌کنند، آنها شش لولی را بالا برده‌اند تا هر کس و هرچه راکه با ما ناسازگار است، هدف قرار دهند؛ مثلاً وقتی ولایت فقیه را

۱- ایران، ۱۳۸۷/۹/۱۸. ۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۳.

۳- آفتاب یزد (سعید حجاریان)، ۱۳۸۷/۱۰/۳.

که تکنولوژی برتر ما را در طبس در اراده برتر خود دفن کرد.»[۱]

مقام معظّم رهبری در ۱۹ دی ۱۳۸۶ در سخنانی (یک هفته بعد از سخنان بوش) درباره ننگ بودن حمایت امریکا برای برخی از گروههای داخلی تذکر دادند و فرمودند:

«ببینید چه ویژگیهایی آن جریان خاص دارند که بوش از آنان حمایت می‌کند؟» و آن ویژگی چیزی نمی‌باشد جز روحیه شاه سلطان حسینی.

در مورد حمایت امریکا از اصلاح‌طلبان یک علامت سؤال بزرگ در ذهن ایجاد می‌شود. چرا این حمایتها از طرف امریکا صورت می‌گیرد؟ باید در این خصوص تأمل کرد و دید کدام نقیصه در این گروهها و اشخاص منتسب به آن وجود داشته که دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی حمایت خود را از آنان اعلام می‌کند؟ از این منظر بررسی رفتار و عملکرد این گروههای سیاسی نشان‌دهنده علت این حمایت خواهد بود. آیا عملکرد کسانی که توسعه سیاسی را منوط به تغییر قانون اساسی می‌دانستند و نامه‌نگاری هتاکانه برخی نمایندگان وابسته به آن جریان، به رهبری و پیشنهاد نوشیدن جام زهر جهت برقراری رابطه با امریکا و یا طرح حاکمیت دوگانه، رفراندوم، خروج از حاکمیت یا استعفای دسته‌جمعی، استعفا و تحصن در مجلس و بسیاری از عملکردها و اظهار نظرها ـ که مجال بیان آنها نمی‌باشد ـ دشمن را به طمع نینداخته است؟ و اگر این تعبیر مورد پسند این جریان خاص نمی‌باشد، چرا آنها هیچ وقت و

۱- پشت نقاب سکولارهای اصلاح‌طلب، حسین پدرام، نشر اعتدال.

به هیچ‌گونه از حمایت آشکار امریکا از این جریان، اعلام برائت نکرده و از ننگ آن خود را پاک نگردانیده‌اند؟! قطعاً حمایت امریکا از کسانی است که ضعف اعتقادی دارند و قدرت امریکا را قدرت بی‌پایان و لایزال می‌دانند و نه تنها در بحث هسته‌ای قائل به عقب‌نشینی بودند و هستند، بلکه از روی هراس و داشتن روحیه شاه سلطان حسینی، طرح سه فوریتی جهت اجرای پروتکل الحاقی تهیه می‌کردند و برخی از سران آنان این‌گونه در سر مقاله روزنامه‌های خود می‌نوشتند که: «حتی اگر بحث هسته‌ای را حل کنیم، آمریکا مشکل دیگری برایمان درست می‌کند؛ لذا برای زندگی در دهکده جهانی، راهی جز دیدن کدخدا نداریم.»[۱] آنها در مواضع اعتقادی نیز قائل به جدایی دین از سیاست بودند و هستند و در اظهارات علنی و آشکار خود صورتی کاملاً سکولار عرضه و به نمایش گذاشته‌اند، و چنین عملکردی امری بدیهی به شمار می‌رود و با چنین اعتقادات سستی چگونه می‌توانند بر مسند حکومت‌داری نشسته و از انقلاب اسلامی که ثمره خون هزاران شهید است، حفاظت و پاسداری کنند؟

در این‌جا فقط برای آشنایی شما عزیزان، گوشه‌هایی از آنچه در گذشته بویژه در دوران اصلاحات در اظهارنظرها و در برخی محافل و رسانه‌های آن جریان مطرح شد، اشاره می‌کنیم تا شاید پاسخی باشد بر این پرسش که چرا آمریکا از اصلاح‌طلبان حمایت می‌کند و رد سخنان

۱- ابراهیم یزدی، سرمقاله روزنامه شرق، به نقل از کتاب پشتِ نقاب سکولارهای اصلاح‌طلب.

کسانی باشد که اظهار می‌کردند اصلاح‌طلب و اصولگرا برای آمریکا سر و ته یک کرباسند و تفاوتی بین آنها وجود ندارد.

۱ـ ایجاد شبهه در مورد طول عمر ۹۵۰ سالهٔ حضرت نوح علیه‌السلام که در آیه ۱۴ سوره عنکبوت بدان اشاره شده است.[۱]

۲ـ تقاضای تغییر زیارت وارث به دلیل مضامین مربوط به زمان گذشته و جایگزین ساختن زیارتنامه‌ای با محتوای متناسب با آزادی.[۲]

۳ـ انکار معاد و حیات اخروی.[۳]

۴ـ جواز تغییر برخی احکام قرآن توسط مردم.[۴]

۵ـ انکار حکم ارتداد تحت عنوان مقاله‌ای با نام دین، مدارا و خشونت.[۵]

۶ـ مخالفت با آیات حجاب.[۶]

۷ـ جدایی دین از سیاست در مقاله‌ای با عنوان نگاهی به پروژه رهایی جریان روشنفکری دینی.[۷]

۸ـ هجمه به فقه و فقهای شیعه با درج مقاله‌ای با عنوان فقه در ترازو.[۸]

۱– صبح امروز (مهدی فولادوند) ۱۳۷۸/۱۰/۱۹.

۲– همشهری ۱۳۷۸/۱/۳۰.

۳– ایران (مقصود فراستخواه)، ۱۳۷۸/۱/۲۶.

۴– نشریه ایران فردا (محسن سعیدزاده)، شماره تیر ۱۳۷۸.

۵– ماهنامه کیان (عبدالکریم سروش)، اردیبهشت ۱۳۷۸.

۶– نشاط (مقصود فراستخواه)، ۱۳۷۸/۶/۲.

۷– خرداد (اکبر گنجی)، ۱۳۷۷/۱۲/۲۵.

۸– ماهنامه کیان (عبدالکریم سروش)، شماره ۴۶.

۹ـ صدور مجوز راهپیمایی علیه خدا.[۱]

۱۰ـ شبهه‌آفرینی پیرامون صحّت قصه حضرت یوسف علیه‌السلام در قرآن و محال دانستن آن.[۲]

۱۱ـ عاشورا را نتیجه خشونت‌طلبی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علت خشونتهای بعدی دانستن با عنوان مقاله خون به خون شستن محال آمد محال.[۳]

۱۲ـ زنده نگهداشتن عاشورا را احیای عنصر خشونت دانستن.[۴]

۱۳ـ تضعیف عزاداری شیعیان برای امام حسین علیه‌السلام و انگیزه شخصی و فرقه‌ای خواندن عزاداریهای محرم.[۵]

۱۴ـ مقابله با روضه‌خوانی برای امام حسین علیه‌السلام و درخواست تعدیل منزلت اجتماعی مداحها.[۶]

۱۵ـ معرفی قیام امام حسین علیه‌السلام به عنوان مانع رشد جامعه مسلمین در مقاله‌ای تحت عنوان امام محمّدباقر علیه‌السلام بنیانگذار اصلاحات فرهنگی در اسلام.[۷]

۱۶ـ انتساب سبک عزاداری شیعیان به مسیحیان.[۸]

۱۷ـ پیوند عزاداری امام حسین علیه‌السلام با سیاوش.[۹]

۱۸ـ معرفی قیام عاشورا به عنوان خشونت‌آفرینی.[۱۰]

۱- آفتاب امروز (ابراهیم اصغرزاده)، ۱۳۷۸/۶/۲.
۲- صبح امروز (سعید حجاریان)، فروردین ۱۳۷۷.
۳- صبح امروز، ۱۳۷۸/۲/۲۳.
۴- نشاط، ۱۳۷۸/۱/۳۰.
۵- همان.
۶- همشهری، ۱۳۷۸/۱۲/۱۷.
۷- بهار، ۱۳۷۹/۲/۱۹.
۸- فتح، ۱۳۷۹/۱/۲۵.
۹- صبح امروز، ۱۳۷۹/۱/۲۵.
۱۰- صبح امروز (اکبر گنجی)، ۱۳۷۸/۲/۲۳.

۱۹ـ تعیین تاریخ مصرف برای اندیشه پیامبران.[۱]

۲۰ـ ادعای بازخواست از پیامبر خدا طی مقاله‌ای موهن با عنوان جامعه مدنی، کسی فوق قانون نیست.[۲]

۲۱ـ ادعای معصوم نبودن انبیاء و تردید در آن.[۳]

۲۲ـ انکار حقّ حاکمیت برای انبیاء.[۴]

۲۳ـ نفی مشروعیت الهی زعامت نبی اکرم وائمه اطهار علیهم‌السلام.[۵]

۲۴ـ سراب خواندن منجی انسانها.[۶]

۲۵ـ انکار حرمت روابط نامشروع.[۷]

۲۶ـ اشکال به قوانین اسلامی و حقارت زن دانستن اذن از شوهرش.[۸]

۲۷ـ ادعای عدم کارایی احکام اسلامی.[۹]

۲۸ـ انکار اصل ولایت فقیه[۱۰] و رد ضرورت ولایت فقیه[۱۱] و اهانت به آن[۱۲] همچنین بیان این‌که جامعه مدنی ولایت مطلقه را نمی‌خواهد. حتی ولایت را نمی‌خواهد. ما احتیاج به رهبر نداریم. مگر مردم یتیم‌اند که پدر

۱- جهان اسلام (یوسفی اشکوری)، ۱۳۷۸/۳/۱۱.
۲- نشریه آبان (مجید شریف). ۳- نشاط (مقصود فراستخواه)، ۱۳۷۷/۲/۱۵.
۴- هفته‌نامه آبان (محمد مجتهد شبستری)، ۱۳۷۹/۱/۲۸.
۵- نشریه راه نو، ۱۳۷۷/۵/۳. ۶- صبح امروز (اکبر گنجی).
۷- زن (سیمین بهبهانی)، ۱۳۷۷/۱۲/۲۴. ۸- زن، ۱۳۷۰/۱۰/۷.
۹- نشریه کیان (مهرانگیز کار)، شماره ۴۵.
۱۰- نشریه راه نو (محسن کدیور)، ۱۳۷۷/۳/۳۰.
۱۱- نشریه راه نو (محسن کدیور)، بهمن ۱۳۷۷.
۱۲- نشر هامون، دی ۱۳۷۷.

بخواهند؟ فاشیستها دنبال پدر می‌گردند.[۱]

۲۹ـ مغایر معرفی کردن حکومت ولایی با حکومت جمهوری و دموکراسی.[۲]

۳۰ـ ناکارآمد دانستن نظام ولایت فقیه.[۳]

۳۱ـ محکوم کردن اندیشه‌های شهید شیخ فضل‌الله نوری.[۴]

۳۲ـ ادعای پایان دوران تفکر و اندیشه حضرت امام(ره).[۵]

۳۳ـ اتهام طرفداری حضرت امام(ره) از جامعه تک صدایی و تک‌حزبی[۶] و اتهام خشونت‌گرایی به ایشان.[۷]

۳۴ـ تشبیه کردن نظام به رژیم سلطنتی.[۸]

۳۵ـ ادعای کورکورانه بودن رأی مردم به جمهوری اسلامی در مقاله‌ای تحت عنوان کفش سیندرلای خاتمی.[۹]

۳۶ـ منشأ خشونت دانستن هیأتهای مذهبی.[۱۰]

۳۷ـ عمل زشت و وحشیانه خطاب کردن آتش کشیدن پرچم آمریکا و سر دادن شعار مرگ بر آمریکا.[۱۱]

۳۸ـ متأثردانستن انقلاب اسلامی از الگوی حکومت شوروی سابق و

۱- هفته‌نامه شما (اکبر گنجی)، ۱۳۷۶/۶/۲۷.

۲- هفته‌نامه آبان، ۱۳۷۷/۸/۲.

۳- نشریه هویت، شماره ۶۰

۴- نشریه مبین، ۱۳۷۷/۵/۱۷.

۵- نشریه آبان، ۱۳۷۷/۶/۲۱.

۶- صبح امروز، ۱۳۷۸/۲/۲۸.

۷- ماهنامه زنان، شماره ۴۷.

۸- خرداد (محسن کدیور)، ۱۳۷۷/۱۱/۲۶.

۹- زن، ۱۳۷۷/۱۲/۲۶.

۱۰- عصر آزادگان (محمد قوچانی)، ۱۳۷۹/۱/۲۰.

۱۱- جبهه (عطاالله مهاجرانی)، ۱۳۷۸/۵/۳۰.

یکسان بودن سرانجام آن. ...[۱]

اینها نمونه‌هایی از هزاران خروار است، که متأسفانه بسیاری از این عناصر بحران‌آفرین و شبهه‌افکن در انتخابات دهم ریاست جمهوری، پشت سر برخی کاندیداها صف‌آرایی کرده و برای بازگشت مجدّد، لحظه شماری می‌کردند. از این رو مقام معظّم رهبری در سخنان خود در دیدارها و محافل مختلف با روشنگری کامل، خطر بازگشت چنین افرادی را با این تفکرات، متذکر شدند.

تلاش برای وحدت، القاء انشقاق

اصلاح‌طلبان همواره سعی می‌کردند در رسیدن به کاندیدای واحد، خود را در وضعیت بهتری در برابر تنوع احتمالی نامزدهای جناح رقیب یعنی اصولگرایان نشان دهند. در این باره معصومه ابتکار (رئیس سازمان محیط زیست دولت اصلاحات) بیان داشت: «بالاخره اصلاح‌طلبان به اجماع می‌رسند و بستگی دارد نظر خاتمی برای حضور چه باشد و یقین دارم که بین خاتمی و کروبی هیچ رقابتی اتفاق نخواهد افتاد.»[۲] وی در ادامه با اشاره به احتمال کاندیداتوری خاتمی گفت: «بسیاری از اصولگرایان معتدل و بسیاری از اقشار مردم که حتی گرایش سیاسی ندارند، نسبت به کاندیداتوری خاتمی بسیار امیدوارند، ولی هنوز آمدن ایشان مشخص نیست و این بستگی به تصمیم شخصی‌شان دارد. خاتمی

۱- نشریه راه نو (عباس عبدی)، ۱۳۷۷/۶/۲۱.

۲- آفتاب یزد، ۱۳۷۸/۸/۲۱.

در حال سبک و سنگین کردن و سنجیدن شرایط کار کردن در آینده است که چقدر می‌توان به ایجاد تحولات امیدوار بود.»[۱]

مجید نصیرپور (عضو فراکسیون اقلیت مجلس هشتم) نیز با تأکید بر اجماع اصلاح‌طلبان گفت: «کروبی و خاتمی دو کاندیدای مطرح اصلاح‌طلبان هستند و قابل پیش‌بینی است که یکی از آنان شانس بیشتری در پیروزی انتخابات دارند و هرکدام بیشتر مورد اقبال مردم قرار خواهد گرفت، بحث اجماع اصلاح‌طلبان است که در معرفی یک کاندیدای واحد جلوه می‌کند.» الهه کولایی (نماینده مجلس ششم و عضو شورای مرکزی حزب مشارکت) در گفتگو با ایسنا از شواهد موجود در اصلاح‌طلبان و رسیدن به کاندیدای واحد خبر داد و گفت: «فکر می‌کنم که این اتفاق می‌افتد و جمع اصلاح‌طلبان به این درک رسیده است که باید برای پیشبرد اهداف مردم و تأمین خواسته‌ها و مطالبات آنها به وحدت عمل برسند و شواهد بسیاری دال بر پیشرفت در ارتباط با این مسیر است.»[۲]

سید هادی خامنه‌ای (رئیس دوره‌ای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات) از تأکید این شورا بر راهبرد اصلی اصلاح‌طلبان جهت رسیدن به کاندیدای واحد خبر داد. وی بیان داشت: «این احتمال بسیار قوی است که دو سه گزینه فعلی مطرح اصلاح‌طلبان از بین یکدیگر، یکی را برگزینند که در این صورت دیگر نیاز به نظر سنی برطرف خواهد شد.»[۳] مصطفی

۱- همان.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۹/۳.
۳- همان، ۱۳۸۷/۹/۱۲.

تاج‌زاده (معاون وزیر کشور دولت اصلاحات) نیز در اظهاراتی گفت: «اصلاح‌طلبان در کلیات هماهنگ هستند.»[۱] محمد سلامتی (دبیرکلّ سازمان مجاهدین) با تأکید بر ادامه مذاکرات بین همه طیفهای اصلاح‌طلبان گفت: «با توجه به این‌که اصلاح‌طلبان می‌خواهند با کاندیدای واحد وارد انتخابات شوند، در همین جهت جلسات خود را ادامه دهند تا به نتیجه مطمئنی برسند.» وی در گفتگو با ایسنا اظهار کرد: «خوشبختانه اصلاح‌طلبان تا این‌جا هماهنگ عمل کرده‌اند و خوب پیش رفته‌اند و در همین راستا نیز جلسات خود را ادامه می‌دهند.»[۲] علی صالح‌آبادی (عضو شورای عالی حزب همبستگی) با بیان این‌که اصلاح‌طلبان از موقعیت بهتری نسبت به اصولگرایان برخوردارند اظهار داشت: «اصولگرایان با توجه به عملکرد سالهای اخیر خود، پایگاه مردمی را از دست داده‌اند و مشکل آنها در حال حاضر این است که چهره دارای مقبولیت مردمی در این جریان حضور ندارد و به همین دلیل آنها در مقطع فعلی سردرگم هستند.»[۳] در همین رابطه موسوی لاری (وزیر کشور دولت اصلاحات) نیز ضمن تأکید اجماع در میان اصلاح‌طلبان بیان داشت: «افکار عمومی، عامل نابسامانیهای امروز را جریان اصولگرا می‌داند، بنابراین ریشه‌دارهای جریان اصولگرا، دنبال بازسازی خود هستند تا خرج خود را سوا کنند.»[۴] حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران) با بیان چگونگی فضای انتخاباتی در کشور اظهار داشت: «در کنار

۱- همان، ۱۳۸۷/۸/۱۸.

۲- همان، ۱۳۸۷/۹/۲۵.

۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۱۱.

۴- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۱۵.

تصمیم‌گیری آقای خاتمی، آقایان موسوی و کروبی و سایر دوستان از افرادی هستند که در صورت عدم حضور آقای خاتمی آمادگی کاندیداتوری در انتخابات دارند. که البته با توجه به تأکید همه اصلاح‌طلبان بر وحدت کامل در نهایت یک نفر کاندیدای جبهه اصلاحات خواهد بود.»[۱] بسیاری از اصلاح‌طلبان وضعیت اصولگرایان را نگران‌کننده توصیف و سعی در القاء طرح عبور از احمدی‌نژاد نمودند. آنان با اشاره به اختلاف نظر به وجود آمده از پیشنهاد ناطق نوری مبنی بر تشکیل دولت وحدت ملی ـ که در گذشته به آن پرداخته شد ـ سعی نمودند تا این اوضاع را آشفته نشان دهند، به طوری که کروبی اعلام کرد: «دولت ائتلافی مفیدتر است تا دولت جناحی.»[۲]

اصلاح‌طلبان با بیان مسائلی چند با هدف القاء انشقاق در بین اصولگرایان و اختلاف آنان برای اجماع بر سر احمدی‌نژاد چند راهبرد را دنبال نمودند. یکی از راهبردهای آنها القاء نارضایتی اصولگرایان از عملکرد دولت نهم بود. حجةالاسلام سید حسین موسوی تبریزی (دبیر مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم) با تحلیل وضعیت اصولگرایان بیان کرد: «اکثر اصولگرایان از وضعیت موجود ناراضی هستند و حتی بیشتر از اصلاح‌طلبان، برای تغییر وضعیت موجود اصرار دارند، چون نمی‌خواهند مشکلات کنونی جامعه به نام آنها تمام شود. اکثریت اصولگرایان در انتخابات آینده از احمدی‌نژاد عبور خواهند کرد.»[۳]

۱- همان.

۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۸/۲۲.

۳- همان، ۱۳۸۷/۵/۲.

اصلاح‌طلبان در راستای ناکارآمد جلوه دادن دولت نهم، با به میان کشاندن برخی از اصولگرایان منتقد دولت و نسبت دادن آنان به کلّ اصولگرایان، از اجماع هر دو جناح بر آن اصرار ورزیده و آن را دلیل عدم حمایت از احمدی‌نژاد در انتخابات دهم دانستند.

حسین مرعشی در این باره گفت: «بیان ناکارآمدی دولت نهم فقط مختص اصلاح‌طلبان نیست. بلکه اجماع اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و اجماع کارشناسی کشور بر حرکت اشتباه در صرف منابع و از بین بردن همه اصول کارشناسی تأکید دارند.»[1] آنان به طور وسیع از اختلاف شدید میان اصولگرایان برای رسیدن به اجماع سخن به میان آوردند. حمید قزوینی (عضو شورای مرکزی مجمع نیروهای خط امام) در گفتگو با ایلنا با تأکید بر این‌که، یکپاچگی گذشته در جریان اصولگرا وجود ندارد، تصریح کرد: «اجماع در جبهه اصولگرایان سرابی بیش نیست. اختلافات و خط کشی‌های جریان اصولگرا، در این دوره از انتخابات به مراتب بیش از گذشته شده است. چه خاتمی باشد و چه هرکس دیگری باشد، اصولگرایان به اجماع نمی‌رسند.»[2] در همین رابطه عبدالله ناصری (عضو شورای عالی بنیاد باران) ضمن تأکید بر فرو پاشیدگی جبهه اصولگرایان گفت: «چهره‌های شاخص این جبهه به طور جدّی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید به غیر از احمدی‌نژاد سرمایه گذاری کنند. این جبهه آن‌چنان فرو پاشیده است که نمی‌توان گفت آنها تاکتیکی برای خود

۱- همان، ۱۳۸۷/۲/۱۷.

۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۸/۲۶.

متصور هستند.»[1] ابوالقاسم رئوفیان (عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی فرهنگیان) نیز بیان داشت: «نمی‌توان قاطع گفت احمدی‌نژاد کاندیدای مورد اجماع اصولگرایان است.»[2] احمد حکیمی‌پور (دبیرکلّ حزب اراده ملّت) از اختلاف اصولگرایان خبر داد و تصریح کرد: «آنچه مسلم است اصولگرایان دچار انشقاق و اختلاف هستند و آن انسجامی که در گذشته داشتند را امروز از دست داده‌اند و برای انتخابات حداقل دو، سه کاندیدا خواهند داشت.»[3]

اصلاح‌طلبان با اشاره به حضور کاندیداهای احتمالی در میان اصولگرایان به چندگانگی در آنان اشاره کرده، با برتر جلوه دادن کاندیدای خود، تصمیم کاندیداهای اصولگرایان را منوط به تصمیم اصلاح‌طلبان دانستند. به همین منظور غلامحسن امیری (قائم مقام جامعه اسلامی مهندسین) در گفتگو با فارس به بررسی شاخصهای ۵ نامزد احتمالی اصولگرا در این تشکل پرداخت و گفت: «احمدی‌نژاد، قالیباف، پورمحمدی، جهرمی و ولایتی افرادی هستند که شاخصهای آنان مورد بررسی قرارگرفت. جامعه اسلامی مهندسین در جهت وحدت حداکثری جریان اصولگرا سیاست مشخص خود را دنبال می‌کنند.»[4] حسن بیادی نیز در اظهاراتی گفت: «اصولگرایان با ۷ کاندیدا در انتظار تصمیم اصلاح‌طلبان هستند.»[5] در همین راستا داریوش قنبری (نماینده مجلس

۱- همان، ۱۳۸۷/۹/۳.
۲- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۱.
۳- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۲۳.
۴- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۴.
۵- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۱۵.

هشتم) ضمن حمایت از خاتمی گفت: «اصولگرایان می‌دانند که اگر خاتمی بیاید در یک انتخابات سالم بیش از بیست میلیون رأی خواهد آورد و گزینه‌های اصولگرایان شانسی برای شکست او نخواهند داشت. در اردوگاه اصولگرایان اختلاف و چند دستگی شدیدی وجود دارد که بسیار شدیدتر از چیزی است که در رسانه‌ها منعکس می‌شود.»[1]

از دیگر مسائلی که برای القاء انشقاق میان اصولگرایان مطرح شد، بحث حمایت اجباری اصولگرایان از احمدی‌نژاد بود. آنان با استفاده از اظهارات برخی از چهره‌های اصولگرا، مبنی بر حمایت یکپارچه اصولگرایان از احمدی‌نژاد، در صورت نامزدی سید محمد خاتمی، چنین وانمود کردند که اصولگرایان بالاجبار از احمدی‌نژاد حمایت می‌کنند و این حمایت نیز بیش از هر چیز برای حفظ روحیه اصولگرایان است و آنها هرگونه تصمیم‌گیری خود را منوط به کسب اطلاع از آخرین تصمیم انتخاباتی اصلاح‌طلبان کرده‌اند.

یدالله اسلامی (دبیرکلّ مجمع نمایندگان ادوار مجلس) با تأکید بر این‌که همبستگی ملی در گرو به میدان آمدن همه دیدگاهھاست، تصریح کرد: «اصولگرایان به این تحلیل رسیده‌اند که در صورت حضور خاتمی باید از همه بحثهایی که در ارتباط با دولت نهم وجود دارد، بگذارند و پشت سر احمدی‌نژاد بایستند و همه همت خود را در حمایت از وی به کار گیرند.»[2] همچنین علی مطهری (نماینده مجلس هشتم) ضمن بیان دیدگاه

۱- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۲۸.

۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۳۰.

خود در خصوص بسته نبودن بررسی گزینه‌های دیگر در میان اصولگرایان اظهار داشت: «البته الان که احتمال آمدن خاتمی یا میرحسین موسوی تقویت شده، مسأله تا حدودی فرق می‌کند. اگر ولایتی بیاید و احمدی‌نژاد هم نیاید خب اشکال ندارد، می‌توان هرکس از آن طرف هم باشد و رقابت شکل می‌گیرد. اگر قرار باشد احمدی‌نژاد باشد و مثلاً ولایتی هم باشد و آن طرف هم یکی از آن دو بیاید، رأی اصولگراها دو قسمت می‌شود ولی رأی آنها متمرکز خواهد شد و ممکن است ما رأی نیاوریم لذا وقتی اعلام شد یا آقای خاتمی یا آقای موسوی خواهند آمد من هم گفتم اگر یکی از اینها بیاید قاعدتاً ما باید و ناچاریم از احمدی‌نژاد حمایت کنیم.»[۱]

اگرچه در عالم سیاست، این‌که برخی افراد در ابتدا از شخصی حمایت کرده و پس از گذشت مدتی بنا به دلایلی (یا سیاسی و یا شخصی و ...) از حمایت خود دست بردارند، امری طبیعی است و چنانچه در دوره گذشته نیز کسانی بودند که از درون جبهه اصلاحات، خاتمی را تهدید به پیاده کردن از قطار اصلاحات نموده و در مورد او گفته بودند، خاتمی مرد شنا در استخر است و توان شنا در دریا را ندارد و نمونه‌های دیگر، اما در این دوره از رقابتهای انتخاباتی، اصلاح‌طلبان برای نشان دادن انشقاق در جناح رقیب، حتی از برخی سخنان و مواضع افراد منسوب به اصولگرایان، که مشفقانه نقد دولت را می‌کردند، استفاده کرده و عمق و شدّت این

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۱.

اختلافها را القاء نمودند.

با نگاهی به مطبوعات وابسته به جریان دوم خرداد می‌توان دریافت که این امر به چه شکل سازمان‌یافته‌ای درصدد تخریب دولت و القاء یأس و ناامیدی در میان اقشار جامعه بودند. آنان با طرح جملاتی چون؛ «هشدار هاشمی به مسؤولان کشور»[۱] «ائتلاف اصولگرایان بدون حامیان احمدی‌نژاد»[۲] «انتقاد اصولگرایان از دولت یا تاکتیک انتخاباتی»[۳] «اوج‌گیری نگرانیهای انتخاباتی در میان اصولگرایان»[۴] «عبور از احمدی‌نژاد کلیدزده شد».[۵]

«اصولگرایان معتدل به دنبال دولت کارآمدتر هستند»[۶] «ولایتی می‌تواند جایگزین خوبی برای احمدی‌نژاد باشد»[۷] «تلاش بی‌نتیجه حامیان برای اجماع بر احمدی‌نژاد»[۸] «اختلاف نظر اصولگرایان در حمایت قاطع از احمدی‌نژاد»[۹] و بسیاری از مطالب و تیترهایی با این مضامین، هدفهای خود را دنبال می‌کردند. اصلاح‌طلبان حتی از اختلاف موجود بین دولت و مجلس ـ که در همه دوره‌ها وجود داشته و امری طبیعی تلقی می‌شود ـ با موشکافی کامل دنبال کرده و با استفاده از تاکتیکهای جنگ روانی اهداف خود یعنی اختلاف بین اصولگرایان را

۱- اعتماد ملی، ۱۳۸۶/۸/۱۲.
۲- اعتماد، ۱۳۸۶/۱۰/۳.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۶/۴.
۴- همان، ۱۳۸۷/۷/۱۹.
۵- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۲۲.
۶- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۸.
۷- همان، ۱۳۸۷/۹/۱۶.
۸- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۲۸.
۹- مردم‌سالاری، ۱۳۸۸/۲/۹.

پیگیری می‌نمودند. به طوری که همزمان حجةالاسلام محسنی اژه‌ای (وزیر اطلاعات وقت) نیز از شناسایی اختلاف بین قوا توسط سرویس غربی و تمرکز غرب بر بزرگ‌نمایی اختلافات داخلی خبر داد.[۱]

در خصوص اختلاف دولت و مجلس می‌توان به مواردی اشاره کرد. در ماههای پایانی دولت نهم و قبل از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، با برجستگی خاص، تیتر برخی از روزنامه‌ها قرار گرفت. «آژیر خطر برای محصولی»[۲] «استقبال سرد استیضاح‌کنندگان از رایزنی با دو وزیر»[۳] «استیضاح نکنیم امیدی به معرفی وزیر قوی نیست»[۴] «نباید حقوق مردم را فدای رابطه خوب با دولت کنیم»[۵] «واکنش مجلس به اظهارات رئیس‌جمهوری»[۶] «آمارسازی دولتیها یا اشتباه مجلس؟!».[۷] «رأی معنادار نمایندگان در مورد یارانه نقدی»[۸] «دولت راست می‌گوید اما حقّ با مجلس است»[۹] «وظیفه دولت اجرای قانون است نه صدور بیانیه»[۱۰] و بسیاری مطالب دیگر.

همچنین با شگرد خاصی اقدام به دامن زدن به اختلاف سلیقه میان احمدی‌نژاد و لاریجانی پرداخته و از اختلاف سلیقه آن دو، اختلاف میان دولت و مجلس را نتیجه گرفتند. لذا سخنان لاریجانی در مورد مسائل

۱- همشهری، ۱۳۸۷/۸/۲۳.
۲- اعتماد ملی، ۱۳۸۷/۸/۲۷.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۹/۱۷.
۴- همان، ۱۳۸۷/۹/۱۲.
۵- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۱/۱.
۶- همشهری، ۱۳۸۷/۱۱/۱.
۷- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۱/۳.
۸- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۲۰.
۹- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۲۴.
۱۰- همان، ۱۳۸۷/۱/۱۹.

مختلف و تذکرات وی به دولت را با برجسته‌نمایی مورد سوء استفاده قرار دادند. به طور مثال اظهار نظر لاریجانی در خصوص نحوه توزیع سهام عدالت و بنگاههای زودبازده دولت چنین نقش بسته شد «باور توفیق ۹۵ درصدی بنگاههای زود بازده سخت است»[۱] و یا اخطار قانون اساسی رئیس‌جمهور به مجلس به خاطر تغییرات گسترده در محتوای لایحه بودجه ۸۸ و پاسخ علی لاریجانی با آب و تاب فراوانی به تخریب دولت و مجلس منتهی شد. در همین راستا علی لاریجانی در کنفرانس خبری خود، اختلاف قوا را امر طبیعی دانست و گفت: «این‌گونه مناقشات جنبه کارشناسی دارد»[۲] وی در ادامه تصریح کرد: «در ایران اقدامات کارشناسی با مناقشات و بحث همراه است و هیچ‌گاه نمی‌گذاریم آغشته به مسائل سیاسی شود چراکه نباید منافع ملی آغشته به مسائل سیاسی شود».[۳]

اصلاح‌طلبان از عدم حضور برخی سران مجلس مانند لاریجانی و باهنر و توکلی و ... در دیدارهای نمایندگان مجلس با رئیس‌جمهور که در برخی موارد نیز به صورت غیر رسمی یعنی غیر الزام‌آور جهت حضور بود، استفاده کرده و آن را اختلاف و یا عدم حمایت از وی در انتخابات دهم دانستند.

این در حالی بود که احمدی‌نژاد اختلاف بین دولت و مجلس را شایعه خواند و گفت: «این حرفها، حرفهای بی‌ربط عده‌ای است، امّا تأثیری بر روابط برادرانه و اصولی مجلس و دولت ندارد».[۴]

۱- همان، ۱۳۸۷/۲/۲۲.
۲- ایران، ۱۳۸۷/۱۲/۲۸.
۳- همان.
۴- اعتماد، ۱۳۸۷/۸/۲۸.

اما در اردوگاه اصلاح‌طلبان چنین قلمداد می‌شد که انسجام و وحدت خوبی بین گروهها و احزاب دوم خردادی وجود دارد. آنان برگزاری کنگره حزب اعتماد ملی و گردهمایی حزب کارگزاران و حضور سید محمد خاتمی درکنار مهدی کروبی و برخی اعضای حزب مشارکت و سازمان مجاهدین و دیگر گروههای دوم خردادی را دلیل بر این ادعا می‌دانستند. درکنگره حزب اعتماد ملی که در تیر ماه ۸۷ برگزار شد، اصلاح‌طلبان از روشهای هماهنگ و تغییر برخی تاکتیکها با محوریت وحدت‌سازی درونی به جای تفرقه‌افکنی بیرونی سخن به میان آورده و بر وحدت بین گروهها تأکید کردند.

درگردهمایی حزب کارگزاران نیز که در آذر ۸۷ برگزار گردید، غلامحسین کرباسچی (دبیرکلّ حزب) با تأکید بر این‌که این مردم هستند که تصمیم می‌گیرند و انتخاب نهایی با آنهاست، اظهار داشت: «حقّ ملّت ایران این نبود که این بلا سرش بیاید!»[1] در این گردهمایی که علاوه بر خاتمی و کروبی برخی وزرای دولت اصلاحات، موسوی بجنوردی، سید یاسر خمینی و حسن روحانی نیز حضور داشتند، دبیرکلّ حزب کارگزاران ضمن انتقاد از دولت بیان داشت: «این دولت فرصتهای بسیار مغتنمی را در طول دوران کاری خود از دست داد»[2] وی با تأکید بر این‌که اصلاح‌طلبان در مقطع کوتاهی برای پیروزی در انتخابات اختلافات راکنار بگذارند، گفت: «برخی تندرویها و اختلاف جریان اصلاح‌طلب سبب پیروزی

۱- ایران، ۱۳۸۷/۹/۱۶. ۲- همان.

احمدی‌نژاد شد.»[1] در این گردهمایی سران اصلاحات سعی کردند تا با حضور در کنار یکدیگر نشان دهند، اختلافی میان آنها وجود ندارد و این تنها رقیب است که به شایعات بی‌اساس در این خصوص می‌پردازد، اما اظهارات و سخنان آنان حتی در کنار یکدیگر نیز نشان از عمق اختلافی داشت که گویی هیچ‌کدام و به هیچ عنوان حاضر نیستند عطای قدرت را به لقای آن ببخشند.

رایزنی برای آمدن یا نیامدن

جناح دوم خرداد با این تحلیل که سید محمد خاتمی تنها فردی است که می‌تواند با محمود احمدی‌نژاد رقابت کند و شانس پیروزی وی بالاست، خاتمی را به رغم میلش به صحنه کشاندند. در حالی که حضور او در انتخابات را با توجه به شرایط داخلی و خارجی ضروری برشمردند، خود او سخنانی بر زبان می‌آورد که به اعتقاد بسیاری از ناظران بیرونی گویای تردید او نسبت به کاندیداتوری بود. خاتمی در اظهاراتی گفت: «در موقعیتی قرار گرفته‌ام که فوق‌العاده سخت است.»[2]

خاتمی برای آمدن دچار تردید شده بود. این تردید را بیگانگان هم متوجه شده بودند. نشریه اکونومیست چاپ لندن در گزارشی درباره وضعیت اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری آینده نوشت: «با توجه به ضعف مفرط اصلاح‌طلبان و نتایج انتخابات گذشته (شوراها و

۱- همان.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۸/۲۰.

مجلس) تردید خاتمی برای کاندیداتوری مجدّد، کاملاً بجاست ... از دوره‌های تصدی خاتمی بر مسند ریاست جمهوری نیز بخوبی یاد نمی‌شود. او در اواخر ریاست جمهوری‌اش یک آدم ضعیف قلمداد می‌شد و طرفدارانش به علت ناکامی وی، در ایجاد اصلاحات اجتماعی و سیاسی چشمگیر مأیوس شده بودند.»[۱] اگرچه خاتمی بعدها اعلام کرد که هیچ‌گاه دچار تردید نبوده است، ولی سرانجام ورود و خروج خاتمی به عرصه انتخابات دهم آن را ثابت می‌کرد.

نام میرحسین موسوی، آخرین نخست‌وزیر کشور از سال ۷۶ به عنوان نامزد احتمالی ریاست جمهوری بر زبانها افتاد. برخی از شخصیتهای سیاسی مانند کروبی بارها از وی برای کاندیداتوری در انتخابات هفتم دعوت نمودند، ولی هربار در اندک زمانی با اعلام عدم تمایل وی به نامزدی خاتمه می‌یافت. اما موسوی برای انتخابات دهم، حضور جدّی‌تری پیدا کرد.

خاتمی که بارها در جلسات مختلف از موسوی برای آمدن در صحنه انتخابات دهم دعوت کرده بود، با تأکید نسبت به عدم رقابت خود با موسوی اطمینان می‌داد و از رایزنی برای حضور خویش یا میرحسین موسوی دم می‌زد و در مصاحبه‌ها و نطقها همه روزه این جمله از سوی خاتمی و موسوی بیان می‌شد که «اگر او بیاید من نمی‌آیم و یا اگر من بیایم او نمی‌آید».[۲]

۱- ایران، ۱۳۸۷/۷/۲۹.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۱/۱.

در حالی که بسیاری از اصلاح‌طلبان میرحسین موسوی و خاتمی را نزدیک به هم ارزیابی می‌کردند، و برخی محافل سیاسی از تلاش خاتمی برای کاندیداتوری موسوی خبر می‌دادند،[۱] اما در اوّلین روز دهه فجر، سید محمد خاتمی سخنانی را مطرح کرد که عده‌ای از اصلاح‌طلبان آن را نشانه انصراف موسوی از کاندیداتوری دانستند. خاتمی گفت: «متأسفانه مهندس موسوی هنوز به تصمیم نرسیده‌اند و در این زمینه تأملاتی دارد، معتقدم طولانی شدن این مسأله به نفع هیچ کس نیست و یک نوع ناراحتی، نگرانی و دلهره در جامعه ایجاد می‌شود. اگر مهندس موسوی به هر دلیلی نیاید، من با این که مشکلات راه را رصد کرده‌ام و می‌دانم، باید دل به خدا بسپارم و در عرصه بیایم.»[۲]

در شرایطی که موسوی هنوز نظر نهایی خود را درباره نامزدی اعلام نکرده بود، خاتمی در حاشیه افتتاح سایت مجمع روحانیون مبارز و یک روز قبل از آغاز تعطیلات ۵ روزه مطبوعات به مناسبت ۲۲ بهمن و اربعین حسینی، قصد قطعی خود را برای نامزدی به صورت رسمی اعلام کرد. خاتمی که در گذشته گفته بود «عطای قدرت را به لقایش بخشیدم» دوباره برای رسیدن به کرسی ریاست جمهوری اعلام حضور کرد.

خاتمی با بیان این‌که «می‌آیم اما آمدنم جای کسی را تنگ نمی‌کند»[۳] برای ورود به عرصه نامزدی انتخابات دهم دو پیش‌شرط را اعلام کرد؛ پیش شرط اوّل این‌که بتوانم با ملّت بر سر خواسته‌هایشان تفاهم کنم. به

۱- مردم‌سالاری، ۱۳۸۷/۱۰/۱. ۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۱/۱۳.
۳- همان، ۱۳۸۷/۱۱/۲۱.

اعتقاد من خواست قلبی و تاریخی مردم ایران، آزادی و پیشرفت و عدالت است. در عین سازگاری این امور با دین و ارزشهای معنوی و فرهنگی و این همان گفتمان اصیل اصلاح‌طلبی است که در آینده تلاش می‌کنم به صورت مدون آن را به جامعه ارائه نمایم. اگر بر سر این موضوع بتوانم با جامعه به تفاهمی روشن دست یابم و این خواسته‌ها در میان اقشار مختلف جامعه جنبه خودآگاهی یابد به پیش شرط نخست خود دست یافته‌ام. پیش شرط دوم؛ با ساز و کارهای موجود تا چه حد امکان عملی کردن برنامه‌ها برای رئیس جمهوری فراهم است؟ اگر واقعاً امکان اجرای برنامه‌ها وجود نداشته باشد و موانعی بر سر راه قرار گیرند، ارائه بهترین و کاملترین برنامه به مردم نیز اغوا و فریب مردم است.»

اعلام نامزدی سید محمد خاتمی با واکنشهای متفاوتی همراه شد. بسیاری از شخصیتهای وابسته به جریان دوم خرداد که مدتها برای اعلام حضور خاتمی لحظه‌شماری و زمینه‌سازی کرده بودند، بسیار خوشحال گشته و در پوست خود نمی‌گنجیدند. آنان خاتمی را تنها فرد شایسته برای پیروزی بر احمدی‌نژاد و تنها راه نجات کشور! می‌دانستند و از او به عنوان ناجی یاد می‌کردند.

برخی هم که سودای رابطه با آمریکا را در سر می‌پروراندند با ذوق‌زدگی فراوان اعلام کردند «مردم به کسی رأی می‌دهند که بتواند با اوباما کنار بیاید».[1]

۱- محمدعلی ابطحی، روزنامه کیهان، اسفند ۱۳۸۷.

کاندیداتوری خاتمی در خارج از کشور نیز با استقبال روبه‌رو شد. برخی از شخصیتهای سیاسی کشورها ضمن حمایت از کاندیداتوری خاتمی، وی را بهترین بخت ایران برای آشتی با همسایگان و جامعه جهانی و نجات اقتصاد در حال فروپاشی از سیاستهای[1] مخرب اقتصادی احمدی‌نژاد رئیس جمهور کنونی ایران دانستند!» رژیم صهیونیستی که در اظهارنظرهای بین‌المللی محمود احمدی‌نژاد در نوک پیکان و نقطه سیبل بود، ضمن خوشحالی از کاندیداتوری خاتمی، حضور وی را مغتنم دانسته و بیان داشت: «اگر خاتمی بتواند مجدّداً رئیس جمهور ایران شود، شاهد تغییرات تدریجی در سیاستهای خارجی ایران خواهیم بود و اسرائیل اوّلین کشوری است که این تغییرات را احساس خواهد کرد.»[2] رادیو صدای آمریکا از قول یکی از عناصر ضد انقلاب مقیم خارج از کشور گفت: «شرکت آقای خاتمی در انتخابات می‌تواند راهی برای خروج ایران از بن بست باشد.»[3] این رسانه آمریکایی از قول امیر حسین گنج بخش گفت: «مهمترین عامل در زمینه شرکت آقای خاتمی در انتخابات این است که یک اجماعی میان هواداران به وجود آمده، که ادامه دولت آقای احمدی‌نژاد، خطرات بسیار هولناکی را به همراه خواهد داشت.»[4]

پس از کاندیداتوری خاتمی، میرحسین موسوی نیز به صورت

۱- روزنامه آمریکایی بوستون کلوب، روزنامه کیهان، اسفند ۱۳۸۷.

۲- روزنامه یدیعوت آحارنوت. ۳- کیهان، ۱۳۸۷/۱۲/۱۹.

۴- همان.

فعال‌تری وارد صحنه شد. حضور وی در کنار خاتمی در همایش «دهه چهارم، ضرورت تعامل و تحول» قابل توجه بود. وی که سالها حاشیه‌نشینی را برگزیده بود، اینک در کنار خاتمی قرار داشت و برعکس سال ۷۶ که هیچ‌گونه تمایلی برای حضور در رقابتهای انتخاباتی نشان نمی‌داد، این‌بار عزم خود را جزم کرده بود تا حضوری فعال‌تر داشته باشد.

خاتمی در سخنرانیها و مصاحبه‌های خود انتقادهای تند و نسبتهای ناروایی را نثار دولت نهم کرد. وی در یک جنگ روانی در بین طرفداران خود اعلام کرد: «اگر اصلاح‌طلبان هیچ کاندیدایی نداشته باشند، مشخص نیست که دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد هشت ساله باشد.»[۱]

خاتمی با حضور در دانشگاه تهران اظهار کرد: «می خواهیم از عقب‌ماندگی تاریخی نجات پیدا کنیم و ننگ عقب‌ماندگی را از تاریخ ملّت ایران پاک کنیم. می‌خواهیم خودمان بر سرنوشت خود حاکم شویم ... در انتخابات ریاست جمهوری باید سراغ کسانی برویم که هم تحول‌خواه باشند، هم برنامه داشته باشند و هم حساسیتی که بر ما وجود دارد، روی آنها وجود نداشته باشد... باید سعی شود، کسانی که نمی‌توان آنان را رد صلاحیت کرد و یا رد صلاحیت آنان هزینه سنگین دارد، در صحنه شرکت کنند. اگر این مشکل نبود، قطعاً افراد باصلاحیتی حضور داشتند که می‌توانستند خدمت بسزایی کنند.»[۲]

سیاه‌نمایی وی در همایش «نفت، توسعه و دموکراسی»، نسبت دادن

۱- همان، ۱۳۸۷/۸/۲۵.

۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۹/۲۶.

خروج منافقین از لیست تروریستها از سوی اروپا به عملکرد دولت، انتقاد از سیاستهای اقتصادی دولت و ... نمونه‌هایی از اظهارات وی می‌باشد.

مهدی کروبی یکی دیگر از نامزدهای احتمالی اصلاح‌طلبان که نامزدی خود را در مهر ۸۷ اعلام کرده بود، از آغاز سفرهای استانی با هدف حضور در میان اقشار مختلف مردم و همچنین ارزیابی از میزان استقبال مردم از وی خبر داد. وی همچنین در خصوص احتمال حضور میرحسین موسوی در عرصه انتخابات گفت: «از حضور تمام چهره‌های مطرح در عرصه انتخابات استقبال می‌کنم زیرا هرکدام آنها دارای طرفدارانی هستند که حضورشان در صحنه موجب افزایش حضور مردم می‌شود. من چهار سال و دوازده سال پیش (۸۴و ۷۶) از میرحسین موسوی دعوت کردم اما برای این دوره تصمیم گرفتم که به صورت تشکیلاتی عمل کنم و یا خودم و یا فرد دیگری را برای حضور در این عرصه معرفی نمایم.»[۱] وی در گفتگو با ایسنا در خصوص اولتیماتوم به گروههای مختلف اصلاحات برای بیستم آذر و اعلام کاندیدای واحد گفت: «بنده اولتیماتومی ندادم. ما خواستیم بلاتکلیف نمانیم. ما نماینده‌مان (گرامی مقدم) را به این جلسات فرستادیم که سرانجام قرار شد تا بیستم آذر هر فردی که قصد حضور در صحنه را دارد، با قبول شرایط، داوطلبی‌اش را اعلام کند. دلیل تأکید بنده بر موعد بیستم آذر، آن است که نیروها در تردید هستند. ما می‌خواهیم افراد در صحنه حاضر شوند و کار

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۹/۳.

کنند. انسان یا وارد کاری نمی‌شود یا این‌که جدّی پا به عرصه می‌گذارد.»[۱] کروبی با گذشت زمان از عدم اعلام کاندیداتوری برخی شخصیتها گله کرد و بیان داشت: «در شرایط حاضر از کاندیداتوری همه افراد استقبال می‌کنم اما ادامه بلاتکلیفی موجب تزلزل در نیروهای سیاسی و معطل شدن آنهاست. اکنون پس از همه فراز و نشیبها وارد صحنه شده‌ایم و داوطلب انتخابات ریاست جمهوری هستیم. امروز اعلام می‌کنم، با فرض حضور یا عدم حضور هر عزیز دیگری همچون آقایان هاشمی، خاتمی، میرحسین موسوی و نوری، تحت هیچ شرایطی از صحنه کنار نخواهم رفت. برای این که اگرها مطرح نباشد. برای این که تزلزل به وجود نیاید. هیچ مانعی در تصمیم من نخواهد بود، چون شرایط به گونه‌ای است که هرگونه اما و اگر جز تزلزل چیز دیگری نصیب نخواهد کرد. پس مطمئن باشید من در هر صورت در صحنه خواهم ماند و منتظر مذاکره و بحثهای این چنینی نخواهم بود و دیگر وارد گفتگوها نمی‌شویم.»[۲] کروبی در خصوص اظهارات خاتمی مبنی بر این‌که یا من می‌آیم یا موسوی گفت: «اگر اسم مرا نیاورد اشکالی ندارد و لازم هم نیست که بیاورد... وقتی آدم اندیشه و تفکری دارد باید آن را بگوید. خاتمی برادر، دوست و رفیق من است.» وی در مورد کناره گیری‌اش در صورت حضور خاتمی یا موسوی گفت: «من نمی‌خواهم اسائه ادب کنم. باید این سؤال از این عزیزان (خاتمی و موسوی) بپرسید، من که چهار ماه پیش اعلام حضور کردم!»[۳]

۱- همان، ۱۳۸۷/۹/۲۰.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۹/۲۵.
۳- همان، ۱۳۸۷/۹/۲۹.

از سوی دیگر میرحسین موسوی با انجام مصاحبه‌ای که در سایت کلمه متعلق به حامیان موسوی منتشر شد و در آن به تبیین دیدگاههای اقتصادی پرداخت، سکوت بیست ساله خود را شکست.

گرچه برخی از فعالان سیاسی حضور موسوی را مدیون شعارهای عدالت‌طلبانه و موج عدالت‌خواهی دولت نهم دانسته و اذعان داشتند که او به هیچ‌وجه نمی‌توانست در دو دولت قبل به صحنه بیاید، زیرا اصلاً فضا و شرایط برای فکر و اندیشه‌های وی فراهم نبود،[۱] اما وی از سوی برخی جریانات سیاسی که فاقد پایگاه مردمی بودند، به عنوان برگ برنده محسوب شد. لذا زمینه حضور وی نیز در عرصه رقابتهای انتخاباتی ریاست جمهوری مهیا گردید. نجفقلی حبیبی (رئیس سابق دانشگاه علامه طباطبایی) حضور موسوی در انتخابات را پربرکت و تداعی‌کننده یک سلسله مفاهیم ارزشمند توصیف کرد.[۲] علی صالح‌آبادی (عضو شورای عالی حزب همبستگی) میرحسین موسوی را مدیری توانا برای عبور از بحرانها دانست.[۳] مرتضی حاجی (وزیر آموزش و پرورش دولت اصلاحات) نیز ضمن تأکید بر جلوگیری از اختلاف در رفتار و گفتار میان یاران اصلاحات، حضور موسوی در عرصه انتخابات را مثبت ارزیابی کرد.[۴] آذر منصوری (معاون سیاسی حزب مشارکت) در گفتگو با ایلنا گفت: «افکار میرحسین موسوی به خاتمی نزدیک است.»[۵] هدایت آقایی

۱- ایران (محمدرضا باهنر)، ۱۳۸۸/۲/۷. ۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۲/۲۱.
۳- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۲۴. ۴- همان.
۵- همان، ۱۳۸۷/۹/۳.

(عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران) نیز در گفتگو با ایلنا بیان داشت: «موسوی گفتمان خاص خود را دارد اما شالوده فکری ایشان اصلاح‌طلبی است و بخش عمده‌ای از اصلاح‌طلبان هم از او حمایت می‌کنند.»[۱] همچنین مجمع نیروهای خط امام به دبیر کلی حجةالاسلام سید هادی خامنه‌ای از نامزدی میرحسین موسوی حمایت کرد.[۲]

محسن نریمان (عضو فراکسیون خط امام مجلس هشتم) در گفتگو با سایت خبری پارلمان نیوز گفت: «موسوی می‌تواند جایگاه ایران در دنیا را بازسازی کند.»[۳] علیرضا علوی تبار (عضو حزب مشارکت) در نشست این حزب تحت عنوان (اصلاحات و انتخابات دهم) در خصوص آمدن موسوی گفت: «گرچه ممکن است موسوی سقف خواسته‌های ما نباشد، ولی خروج از وضعیت فعلی با انتخاب ایشان میسر می‌شود.»[۴]

اما از سوی دیگر برخی جریانات سیاسی که دل در گرو خاتمی داشتند به کاندیداتوری موسوی روی خوش نشان ندادند. محسن آرمین (سخنگوی سازمان مجاهدین) در این باره گفت: «ضمن احترام به دیگر کاندیداهای اصلاح‌طلب و مستقل، کماکان از خاتمی حمایت کرده و او را مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین کاندیدا در جمع اصلاح‌طلبان می‌دانیم.»[۵] برخی دیگر نیز بر این باور بودند که آمدن میرحسین هیچ تأثیری و خللی به کاندیداتوری خاتمی وارد نخواهد کرد. میرحسین موسوی در

۱- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۲۸.
۲- اعتماد ملی، ۱۳۸۷/۱۲/۲۶.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۴.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۵- کیهان، اسفند ۱۳۸۷.

دیدارهای جدا گانه‌ای با کروبی و خاتمی دیدار و گفتگو کرد. خاتمی در دیدار با موسوی، از عدم رقابت با موسوی خبر داد.[۱] خاتمی که همواره از موسوی حمایت می‌کرد و آمدن او را غنیمت می‌دانست، پس از گذشت یک هفته از اعلام کاندیداتوری موسوی، از نامزدی خود در انتخابات ریاست‌جمهوری انصراف داد و به نفع موسوی کنار رفت. سید محمد خاتمی در بیانیه خود برای انصراف از کاندیداتوری تأکید کرد: «اینک در آستانه دهمین دوره ریاست جمهوری بار دیگر همه ما ایرانیان در برابر آزمایشی مهم قرار گرفته‌ایم. آنچه می‌تواند امید به آینده بهتر را زنده نگهدارد، حضور آگاهانه، مسؤولانه و فراگیر ملّت است که هر مانعی را از پیش رو برخواهد داشت و من نیز در هر شرایطی نقش و وضع خود را جدا از نقش و وضع ملّت شریف ندانسته و نمی‌دانم. و در تمام دوران مسؤولیت رسمی و پس از آن، ضمن تأکید بر آرمانهای والای انقلاب همچنان در راه تقویت جامعه مدنی و تبیین گفتمان اصلاحات در متن جامعه از هیچ کوششی دریغ نکرده و نخواهم کرد. درخواستهای گسترده اقشار مختلف و وسیع مردم در سراسر کشور مرا برآن داشت که با وجود همه مشکلات، تنگناها و موانع به عنوان نامزد این دوره انتخابات اعلام حضور کنم. در حالی که پیش از آن گفته بودم ترجیح من چنین است تا در موقعیتی غیر از مسؤولیت ریاست جمهوری، دین خود را به مردم و کشور بپردازم و بر این باور بودم دیگرانی که شایسته‌اند در عرصه حاضر و فعال

۱- همان.

باشند. به حمدالله قبل از من بزرگانی اعلام حضور کردند و اینک جناب آقای مهندس میرحسین موسوی هرچند دیر، آمادگی خود را برای نامزدی به طور رسمی اعلام کرده‌اند. ضمن سپاس فراوان از همه مَحبتهایی که از دوستداران اسلام و ایران از جمله تشکلهای مختلف و نخبگان و اندیشمندان و هنرمندان و بالاتر از همه از سوی توده‌های پرشور مردم در سراسر میهن عزیز نصیب من شده است و نشانه این شکوه پر شکوه را همگان در سفر کوتاه من به استان‌های فارس، کهکیلویه و بویر احمد و بوشهر دیدند و بخصوص با تشکر از نسل جوان و بیداردل که شور و شعور تأمل‌برانگیز خود را بیش از پیش نشان دادند، اعلام می‌کنم که به یاری پروردگار همچنان و همواره در کنار مردم از عزّت اسلامی، عظمت ایران و سربلندی ایرانی در همه حال و در همه جا در حد توان خود دفاع کرده و خواهم کرد. ضمن تأکید بر این نکته که ما باید میدان و عرصه انتخابات را از بازیگرانی که چشم به تفرقه نیروهای اصلاح‌طلبی و خواستار تغییر دوخته‌اند بگیریم و همه تلاش خود را برای برگزاری انتخاباتی آزاد و سالم معطوف کنیم؛ انصراف خود را نامزدی در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری اعلام می‌دارم. اما همچنان با همه توان با فعالیت مستمر و حضور در صحنه اجتماع لحظه‌ای از آرمانهای مردم و مسؤولیت خود در برابر آنان فاصله نخواهم گرفت.»[۱]

وی در ادامه از موسوی و کروبی خواست که صحنه انتخابات را مدیریت

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۲/۲۸.

کنند وی افزود: «به برادران عزیزم آقایان کروبی و موسوی نیز صمیمانه عرض می‌کنم که مدبرانه و دلسوزانه صحنه را با تفاهم چنان مدیریت کنند که خدای ناخواسته به تفرقه و تشتت نینجامد و می‌دانم این عزیزان همه تلاش خود را در این راه به کار خواهند برد ان شاءالله.»[۱]

خاتمی بعدها در دیدار با کمیته ایثارگران ستاد میرحسین موسوی در این عرصه اشاره کرد و گفت: «درست نبود دو فردی که جامعه نسبت به آنها ذهنیت اخلاقی بودن دارد، باهم برای رسیدن به یک پست رقابت کنند.»

انصراف سید محمد خاتمی از رقابتهای انتخابات ریاست جمهوری دهم با واکنشهای متفاوتی همراه بود. بسیاری از اصلاح‌طلبان ضمن ابراز تأسف از این‌که خاتمی کنار رفته است، انصراف وی را اقدامی اخلاقی توصیف کردند. در همین رابطه محسن آرمین (سخنگوی سازمان مجاهدین) در گفتگو با ایلنا بیان داشت: «خاتمی با این اقدام خود ثابت کرد، می‌توان سیاست ورزید و دروغ نگفت. می‌توان رقابت کرد و خلاف عهد و پیمان عمل نکرد. می‌توان برای کسب قدرت تلاش کرد اما بی‌نیازی و نیک نیازی پیشه کرد.»[۲] وی با بیان این‌که معتقدیم جامعه از ادامه حضور خاتمی استقبال می‌کرد و این حضور را با هیچ محذوریت اخلاقی مواجه نمی‌ساخت، اظهار داشت: «اما در عین حال تردید نمی‌توان کرد، خاتمی با این اقدام به سمبل و نماد التزام به اخلاق در تاریخ

۱- همان.

۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۲.

سیاسی ایران تبدیل شد و ثابت کرد که می‌توان به هنگام احساس نیاز کشور متعهدانه و شجاعانه خطر کرد و در عین حال بر قدرت‌طلبی و منفعت‌پرستی نقاب احساس تکلیف شرعی نزد!»[۱] همچنین مریم بهروزی (دبیرکلّ جامعه زینب(س)) درباره تأثیر انصراف خاتمی بر روی فضای سیاسی و انتخاباتی کشور گفت: «انصراف خاتمی به نفع کاندیداهای اصلاح‌طلب است. زیرا کسانی که می‌خواستند به وی رأی دهند، رأی خود را به دیگر کاندیداهای اصلاح‌طلب می‌دهند.»[۲]

ابراهیم امینی (عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی) در اظهاراتی اعلام انصراف خاتمی از حضور در رقابتهای انتخاباتی را جلوگیری از پراکندگی آرای اصلاح‌طلبان دانست و گفت: «باتوجه به این‌که برخی کاندیداهای اصولگرا خط قرمز خود را حضور سید محمد خاتمی عنوان کرده بودند به نظر می‌رسد باید شاهد تحرکات جدّی در جناح اصولگرا باشیم و اگر اجماعی در آن جناح صورت نگیرد، احتمالاً انتخابات چهار قطبی را شاهد خواهیم بود.»[۳] محمد علی ابطحی (عضو ارشد مجمع روحانیون مبارز) نیز با اشاره به انصراف خاتمی گفت: «از این پس آراء اصلاح‌طلبان بین میرحسین و کروبی تقسیم خواهد شد.»[۴]

گرچه اصلاح‌طلبان آمدن خاتمی را هوشمندانه و انصراف وی را عبرت‌آموز توصیف کردند، اما ایستادگی اصولگرایان بر اجماع روی دکتر احمدی‌نژاد آنان را دچار چالش کرد. آنان که در پی القاء آن بودند

۱- همان. ۲- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۲۸.
۳- همان. ۴- همان.

جناح رقیب در صورت حضور خاتمی، پشت احمدی‌نژاد قرار می‌گیرد، با انصراف خاتمی تلاش کردند تا افراد دیگری از چهره‌های اصولگرا را مطرح نمایند و با به کارگیری لفظ «غیر احمدی‌نژادی‌های دو جناح» اتحاد و وحدت اصولگرایان را در معرفی احمدی‌نژاد به عنوان نامزد واحد اصولگرایان درهم بشکنند. اما در این راه موفقیتی کسب ننمودند.

علی‌رغم این‌که خاتمی دلیل کناره گیری خود را رسیدن به کاندیدای واحد برای اصلاح‌طلبان می‌دانست و معتقد بود که در سال (۸۴ انتخابات نهم) هم اگر بی‌تدبیری ما (اختلاف بین گروههای دوم خردادی) نبود، ملّت کار خود را مانند سال ۷۶ می‌کرد.[۱] ولی براساس تحلیل برخی کارشناسان مسائل سیاسی، خاتمی زمانی به این نتیجه رسید که باید کناره گیری خود را اعلام کند، که با عدم استقبال مناسب از سوی مردم مواجه شد. خاتمی که پس از اعلام کاندیداتوری به چند استان کشور رفته بود تا قدری ذائقه مردم را در اقبال نسبت به حضور مجدّدش بسنجد، اما استقبال مردم از کسی که ۸ سال بر مسند ریاست جمهوری تکیه زده بود و در هر دوره با آراء بالای همین مردم، قدم به ساختمان ریاست جمهوری گذاشته بود، آن‌قدر سرد و بی‌رونق بود علی‌رغم پررنگ جلوه دادن حضور وی در این شهرها و بویژه در روزنامه‌های دوم خردادی، توانست قدمهای خاتمی را در ادامه این مسیر سست کند.

حتی در جریان سفرهای استانی خاتمی، تیم مشاورتی وی درباره

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۲.

سودمند بودن ادامه این سفرها بشدّت ابراز تردید نمود. اصرار برخی چهره‌های خاص در اطراف خاتمی بر لزوم ترتیب دادن سفر کنترل شده برای وی در حالی بود که برخی دیگر از نزدیکان او به عللی معتقد بودند خاتمی بهتر است در تهران بماند و صرفاً با نمایندگانی که از شهرهای مختلف کشور به دیدن او می‌آیند، دیدار کند.

منتقدان پروژه سفرهای استانی خاتمی معتقد بودند، هرگونه سفر به شهرها و استانها توسط خاتمی با سفرهای استانی احمدی‌نژاد مقایسه خواهد شد و از آن‌جا که استقبال این دو نفر در شهرستانها به هیچ وجه قابل مقایسه با یکدیگر نیست، سفرهای استانی خاتمی به نمایش پیوسته ناتوانی وی در جلب توجه و حمایت مردم تبدیل خواهد شد و انگیزه‌های خود را برای انجام سفرهای بیشتر در آینده از دست خواهد داد.[۱] بویژه این‌که همزمان دکتر احمدی‌نژاد در ادامه سفرهای استانی دولت به یزد رفت. شهر زادگاه خاتمی که به نظر اصلاح‌طلبان به خاطر همشهری خودشان که رقیب آینده رئیس جمهور خواهد بود، لااقل نباید مثل شهرهای دیگر کشور به استقبال احمدی‌نژاد می‌رفتند اما استقبال مردم انقلابی و ارزش‌مدار یزد از احمدی‌نژاد چنان گسترده و چشمگیر بود که در واقع حرف آخر را زد. خاتمی که خود را پیشاپیش بازنده این میدان می‌دید و طبیعی بود برای پرهیز از شکست و به خاطر این‌که بتواند شاید در دوره‌های بعدی در صحنه انتخابات حضور یافته و به پیروزی امید

۱- کیهان، ۱۳۸۷/۱۲/۱۷.

داشته باشد، خود راکنار کشید.

بدین ترتیب خاتمی از فرصت حضور میرحسین موسوی در صحنه استفاده کرد و زمانی که حضور وی را قطعی دید از کاندیداتوری انتخابات دهم ریاست جمهوری انصراف داد. مسأله‌ای که برای جریان دوم خرداد و اصلاحات بسیار گران تمام شد و درواقع اصولگرایان که خاتمی را به عنوان قدرتمندترین گزینه اصلاح‌طلبان می‌دانستند، او را نیامده شکست داده و به این معنا از دل انتخاباتی در دل انتخابات دهم پیروز بیرون آمدند. انتخاباتی بدون حرف و حدیث. انتخاباتی که جای هیچ شک و شبهه باقی نمی‌گذاشت. ...

خاتمی در بیانیه خود از موسوی حمایت کرد و نوشت: «برادر گرانقدر حجةالاسلام کروبی از نیروهای ارزشمدار، رنج کشیده پس و پیش از انقلاب، مخلص و شایسته است. ولی بر این باورم که جناب آقای مهندس موسوی برای ایجاد تغییر در شرایط کنونی شایستگی لازم را دارند.»[1]

میرحسین موسوی نیز پس از انصراف خاتمی به نفع وی، در نامه‌ای ضمن تشکر از خاتمی چنین مرقوم کرد: «بسیار تأسف خورده‌ام که مخالفان چگونه می‌توانند نقشی راکه در بزنگاهی خطیر از انقلاب اسلامی، برای اصلاح‌طلبی بر عهده گرفتید، نبینند.»[2]

در حالی که انصراف خاتمی از دید برخی هواداران دل سپرده به اخلاق سیاسی خاتمی تعبیر می‌شد، عده‌ای آن را غیراخلاقی دانستند.

۱- کیهان، ۱۳۸۷/۱۲/۲۷.
۲- همان.

آنها معتقد بودند که اگر براستی خاتمی هنگام اعلام نامزدی خود نمی‌دانست که موسوی نیز خواهد آمد چرا حضور موسوی و رسیدن به کاندیدای واحد در جبهه اصلاح‌طلبی را توجیهی برای کنار رفتن قلمداد می‌کند و اگر نسبت به آمدن موسوی تردید داشت چرا چند روز صبر نکرد تا موسوی تصمیم نهایی خود را اعلام کند؟ آیا شتاب ایشان در اعلام نامزدی خویش با این هدف نبوده است که موسوی را در برابر عمل انجام شده قرار دهد؟ آیا این حرکت یک عمل غیر اخلاقی و سیاسی‌کاری نبوده است؟

سایت ادوار نیوز ضمن انتقاد از سکوت و اعتکاف موسوی و حمایت از کروبی نوشت: «اقدام خاتمی عملی غیر اخلاقی بود نه اخلاقی. او خودخواهانه از یک نفر که در این چند ساله به اندازه تمام سکوتهای میرحسین حرف زده، صرف نظر کرد.»[1] محمد محمد رضایی (نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم) با انتقاد از خاتمی اقدام وی را به بن‌بست رسیدن و نابودی اصلاحات و علت انصراف وی را فرار از شکست دانست. احمد شیرزاد (عضو فراکسیون مشارکت مجلس ششم) با بیان وضعیت اسف‌بار در جریان دوم خرداد گفت: «کناره گیری خاتمی ایام عید را به کاممان زهر مار کرد... رویدادهای عرصه سیاست و دست تقدیر همه پلهای پشت سرمان را خراب کرده است... بدون تردید موسوی بازنده، کار چندانی پیش نخواهد برد.»[2] محمد رضا ناصری

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۳۰.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۳۱.

شوهان (عضو حزب اعتماد ملی) در گفتگو با خبرگزاری فارس در رابطه با انصراف خاتمی با تأکید بر حمایت از کروبی چنین تحلیل کرد: «ضمن احترامی که برای خاتمی قائل هستم می‌گویم که وی طی چند ماه گذشته دو اقدام انجام داد که غیر اخلاقی بود، اوّلین اشتباه خاتمی این بود که وی در یک مصاحبه رسمی اعلام کرد یا من یا میرحسین. عقلانیت حکم می‌کرد که اگر خاتمی خود وارد عرصه انتخابات نمی‌شد کلمه «یا» را گسترده کرده و مثلثی با حضور کروبی ایجاد می‌کرد با این اقدام می‌توانست اتحادی نیز در بین اصلاح‌طلبان ایجاد کند. خاتمی این مثلث را ایجاد نکرد و سپس میرحسین موسوی وارد عرصه انتخابات شد، خاتمی انصراف داد و بعد برای وی وارد میدان شد و برای موسوی فعالیت کرد. واقعیت این است که خاتمی خط خود را با کروبی جدا کرده است و در خصوص علل این اقدام نیز باید پاسخگو باشد، چراکه خاتمی مدیون حمایتهای گسترده کروبی در سالهای گذشته می‌باشد که اگر حمایتهای کروبی نبود، شاید خاتمی رئیس جمهور نمی‌شد. این حرکت برای شخصیتی که ما وی را قبل از این‌که سیاسی بدانیم، شخصیتی اخلاقی می‌دانستیم، اقدامی اخلاقی نبود ... خاتمی با حمایت از میرحسین باعث کاهش ارزش خود شد، چراکه وی محدود شده است. خاتمی دیگر خاتمی همه اصلاح‌طلبان نیست و امروز واژه صحیح اصلاح‌طلبی را در گفتمان کروبی می‌بینیم.»[1]

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۵.

همچنین عبدالله رمضان زاده (سخنگوی دولت اصلاحات) علت کناره گیری خاتمی را نه به خاطر نامزدی موسوی، بلکه به خاطر پیامهایی بود که دریافت کردیم مبنی بر این‌که خاتمی نباید کاندیدا شود، عنوان کرد. اما خاتمی در جمع حامیان خود در ستاد ۸۸ در تهران در واکنش به این تحلیل و صحبت در خصوص علت کناره گیری‌اش از انتخابات ریاست‌جمهوری تصریح کرد: «بنده واقعاً از بعضی از این حرفهایی که زده می‌شود تعجب می‌کنم که گفته می‌شود به بنده پیغامهایی داده شده است که کنار بروم! آیا لازم است بنده قسم بخورم که این‌گونه نبوده؟»[۱]

روزنامه واشنگتن پست ضمن اعلام نگرانی از سرانجام کناره گیری خاتمی از انتخابات، این تصمیم خاتمی را از نظر کارشناسان افزایش شانس پیروزی مجدّد احمدی‌نژاد دانست. خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز در گزارشی کناره گیری خاتمی را در حکم شکستی بزرگ برای اردوی اصلاح‌طلبان یاد کرد. در این حال علیرضا نوری‌زاده (عنصر ضد انقلاب مقیم آمریکا) با سرزنش موسوی و ابراز تأسف از انصراف خاتمی، نامزدی موسوی را تحریک و طراحی اصولگرایان توصیف کرد و گفت: «موسوی در وسوسه‌ای فراتر از عهد و اخلاق و بی‌آن که خاتمی را خبر کند، نامزدی‌اش را اعلام کرد و این ضربه سنگینی به خاتمی بود.»[۲] همچنین داریوش قنبری (سخنگوی فراکسیون اقلیت مجلس هشتم) در خصوص انصراف خاتمی گفت:

۱- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۵. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۱۵.

«فراکسیون اقلیت مانند دیگر گروههای سیاسی متأثر از انصراف خاتمی از کاندیداتوری، دچار سردرگمی شده، ولی تلاش خود را جهت تحقق وحدت در اردوگاه اصلاح‌طلبان پیگیری می‌کند».[1]

این در حالی بود که ابطحی (رئیس دفتر خاتمی) انصراف خاتمی را اقدامی اخلاقی و نیاز جبهه اصلاحات دانست و گفت: «از آقای خاتمی انتظار می‌رفت در مقام رهبری و مدیریت جریان اصلاحات، این جریان را مدیریت کند.»[2]

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که از حامیان سرسخت خاتمی بود در واکنش به انصراف خاتمی شعار «یا خاتمی یا هیچ‌کس» را مطرح کرد. اعضای این سازمان که پیش از انصراف خاتمی نقش اساسی در تخریب موسوی داشته و انتقادهای تند و تیزی را علیه موسوی بیان نمودند، در ایام نخست سال ۸۸ دیدارهایی با میرحسین موسوی ترتیب دادند. آنان در دیدارهای خود بدین نتیجه رسیدند که اکنون وقت انتقام‌گرفتن از موسوی نیست و به رغم آن‌که خروج خاتمی از صحنه را، خدمت بزرگ موسوی به اصولگرایان می‌دانستند، پشت سر موسوی تجمع کرده و امکانات خود را صرف تلاش برای پیروزی وی به‌کار گرفتند.

انصراف خاتمی در روزهای پایانی سال ۸۷ تلخ‌ترین و دردناکترین خبر برای اصلاح‌طلبان بود که با وجود آمدن میرحسین موسوی هنوز التیام نیافته بود. احمد شیرزاد (عضو شورای مرکزی حزب مشارکت) در

۱- ایران، ۱۳۸۸/۱/۱۶.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۱۶.

وبلاگ شخصی خود قضیه خاتمی و موسوی را به مانند عسل و خربزه دانست و گفت: «تک تک‌شان شیرین‌اند، امّا ترکیبشان سنگ می‌شود سر جگر آدم». وی در ادامه گفت: «من که بعید می‌دانم آمدن میرحسین موسوی به صحنه تنها دلیل کناره گیری خاتمی باشد؛ امّا درست یا غلط، فعلاً تمام کاسه کوزه‌ها بر سر این بندهٔ خدا (موسوی) خراب شده و جوانها از دست رفتن پیروزی قریب‌الوقوع در یک دوم خرداد فراگیر دیگر را از چشم او می‌بینند».[۱]

صیانت از آراء یا توجیه شکست

به طور معمول در هر انتخابات گروههای سیاسی و احزاب مختلف با گرایشها و سلایق گوناگون در حالی باهم به رقابت می‌پردازند که خود را بخشی از نظام سیاسی حاکم می‌دانند و علی‌القاعده آنان تمامی‌ساز و کارهای موجود برای رقابت را پذیرفته‌اند. اما در جریان دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری این رویه معمول در هم ریخت و شرایطی ویژه پدیدار گشت. اصلاح‌طلبان در این انتخابات، نه به عنوان یک گروه سیاسی داخل نظام که قصد رقابت آرام، همراه با پذیرش همه اسباب آن، بلکه در قالب یک اپوزیسیون پا به صحنه گذاردند. آنان چند ماه قبل از آغاز رقابتهای انتخاباتی چند موضوع را دنبال نمودند تا به وسیله آن نابرابری و ناعادلانه بودن انتخابات را نشان دهند!

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۱۸.

یکی از موضوعاتی که اصلاح‌طلبان از ماهها قبل از برگزاری انتخابات دهم دنبال کردند، بحث جانبداری صدا و سیما از کاندیدای خاص (احمدی‌نژاد) بود. آنان علی‌رغم تذکرات مقام معظّم رهبری در خصوص زود هنگام بودن پرداختن به موضوع انتخابات، در ابتدا صدا و سیما را به عدم توجه به موضوع انتخابات و گرم نکردن فضای انتخاباتی جامعه متهم کردند. در این رابطه میرحسین موسوی در اوّلین همایش سراسری سخنرانان حامی خود با انتقاد از سیاستهای رسانه‌های رسمی کشور بویژه صدا و سیما گفت: «متأسفانه در حال حاضر از این نظر کاملاً ساکت هستیم و حداکثر برخی جوّسازیها و مطالبی مثلاً درباره آقای کروبی و یا من و طرح برخی مسائل بی‌ربط صورت می‌گیرد و ما چیز بیشتری در صدا و سیما نیافتیم که نشان بدهد مردم را نه به خاطر یک کاندیدای خاص، بلکه به خاطر مصالح ملی بخواهند بسیج کند تا به طور گسترده در انتخابات شرکت کنند.»[۱]

اصلاح‌طلبان با مقایسه عملکرد صدا و سیما در زمان دولت خاتمی و دولت احمدی‌نژاد، سعی در دستیابی به تنها هدف خود، یعنی القاء شرایط نابرابر صدا سیما برای انتخابات دهم نمودند. آنان که از زمان تشکیل دولت نهم، سفرهای استانی احمدی‌نژاد و دولتش را تبلیغاتی و پوپولیستی می‌خواندند، با نزدیک شدن زمان انتخابات دهم بر شدّت هجمه‌های خود افزودند. در همین باره عبدالله رمضان زاده (عضو ارشد

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۱/۳۱.

حزب مشارکت) گفت: «صدا و سیما در نحوه پوشش سفرهای استانی مغلطه می‌کند.»[۱] اصلاح‌طلبان در ادامه دولت را متهم به استفاده از بیت‌المال برای تبلیغات انتخاباتی نمودند. مهدی کروبی در شهر برازجان ضمن متهم کردن دولت به استفاده از بیت‌المال برای تبلیغات انتخاباتی گفت: «ما به عنوان رقیب رئیس جمهور کنونی دستمان خالی است. با پول بیت‌المال کارهای تبلیغاتی انتخاباتی انجام می‌دهند و می‌گویند سفرهای معمولی است!»[۲] میرحسین موسوی نیز در جمع مردم پیشوا در این رابطه بیان کرد: «امکانات ما در این انتخابات بسیار اندک است و از آن‌جا که ما رسانه‌ای را به عنوان رسانه ملی در خدمت ندارم و صدا و سیما هم هیچ تلاشی برای داغ کردن تنور انتخابات نمی‌کند و در واقع صدا و سیما به انقلاب خدمت نمی‌کند، گفتیم که هر ایرانی یک رسانه باشد.»[۳] همچنین عماد افروغ (نماینده مجلس هفتم) با انتقاد از رسانه ملی گفت: «متأسفانه در حال حاضر شور انتخاباتی مورد انتظار در فضای جامعه وجود ندارد و مقداری فضای بی‌تفاوتی در جامعه حاکم است.»[۴] سهیلا جلودارزاده (عضو شورای مرکزی خانه کارگر) نیز در گفتگو با ایسنا اظهار کرد: «به نظر می‌رسد در جریان انتخابات دهم علی‌رغم نقطه نظرات مسؤولان، از یک طرف یکی از کاندیداها همه امکانات را در اختیار دارد و از سویی کاندیداهای دیگر چنین امکاناتی را در اختیار ندارند.»[۵]

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۲۱.
۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۳.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

اگرچه ضرغامی (رئیس سازمان صدا و سیما) در اظهاراتی گفت: «رسانه ملی هنوز به مرحله تهیج نرسیده است و اگر کسانی علاقه‌مندند و یا تصور می‌کنند که باید هم اکنون وارد مرحله تهیج مردم شد، باید بدانند که این نگاه، حرفه‌ای و رسانه‌ای نیست»[۱] اما اصلاح‌طلبان، همچنان از صدا و سیما به دلایل بیان شده انتقاد کرده و صدا و سیما را شیفته احمدی‌نژاد معرفی نمودند.[۲] میرحسین موسوی در جمع دانشجویان دانشگاه آزاد اراک با انتقاد مجدّد از صدا و سیما گفت: «متأسفانه رسانه ملی یک‌طرفه عمل کرده و من اتکایی به آن ندارم. چراکه اتکای من به کسانی است که با فضای آزاد معتقدند.»[۳] همچنین مصطفی کواکبیان (دبیرکلّ حزب مردم سالاری) با اشاره به برنامه‌های صدا و سیما در مورد انتخابات گفت: «عمل و خروجی برنامه‌های صدا و سیما نشانگر عدم تمایل این رسانه به مشارکت حداکثری مردم است.»[۴] داریوش قنبری (نماینده مجلس هشتم) نیز در اظهاراتی صدا و سیما را به رسانه تبلیغاتی دولت متهم کرد و گفت: «در حال حاضر رسانه، ملی نیست و به رسانه دولتی و رسانه شخصی احمدی‌نژاد تبدیل شده است.»[۵] میرحسین موسوی در میان دانشجویان پردیس ابوریحان دانشگاه تهران در شهرستان پاکدشت نیز با مهم دانستن نقش مردم، در زمانی رسانه ملی به وظایف خود عمل نمی‌کند، گفت:

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۷.

۲- آفتاب یزد (سید مجتبی واحدی)، ۱۳۸۸/۲/۱۷.

۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۱. ۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۳.

۵- همان.

«آگاهی ملّت ما می‌تواند جبران‌کننده این بی‌مهریها نسبت به کاندیداها باشد.»[۱]

مهدی کروبی و میرحسین موسوی طی نامه‌های جداگانه‌ای به ضرغامی اعتراض خود را به نحوه انعکاس اخبار اصلاح‌طلبان اعلام کردند. سید عزّت‌الله ضرغامی در گفتگو با ایسنا درباره انتقادات مطرح شده بیان داشت: «پاسخ این نامه‌ها را به بعد از انتخابات موکول می‌کنم.» وی افزود: «به خاطر مجموعه هیجاناتی که در جریان انتخابات حاکم است ممکن است نامزدهای محترم و یا طرفداران آنها در این فضا مطالبی به ذهنشان برسد و درباره رسانه ملی مطرح کنند؛ اما مهم آن است که تلاش کنیم در زمینه برگزاری سالم برنامه‌های تبلیغاتی نامزدها نهایت بی‌طرفی را داشته باشیم. اگر مواردی مطرح می‌شود، ترجیح می‌دهیم پاسخهای متقابل ندهیم تا سلامت این فضا حفظ شود.»[۲]

اصلاح‌طلبان با بزرگنمایی سخنان حجةالاسلام دری نجف آبادی (دادستان کل کشور)، مبنی بر نظارت قاطعانه در فرایند تبلیغات انتخابات در رسانه ملی[۳] و سخنان هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه اوّل خرداد و تأکید ایشان بر لزوم بی‌طرفی صدا و سیما،[۴] شاهدی بر ادعاهای خود یافتند.

دومین موضوع مانور تبلیغاتی اصلاح‌طلبان، دخالت نیروهای نظامی در انتخابات بود. اگرچه اصلاح‌طلبان برای این مدعای خود هیچ سندی

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۲۶.
۲- همان، ۱۳۸۸/۳/۳.
۳- همان.
۴- همان، ۱۳۸۸/۳/۲.

نیافتند، سخنان برخی فرماندهان نظامی همچون دکتر فیروز آبادی (رئیس ستاد کلّ نیروهای مسلح) مبنی بر عدم حضور افراد مسن به عنوان کاندیدا و سردار جعفری (فرمانده کلّ سپاه پاسداران) مبنی بر فعالیت سیاسی بسیجیان عادی را نشانه دخالت نظامیان در امور سیاسی قلمداد کردند.

با توجه به این تحلیلهای ناصواب و ایجاد نگرانی کاذب، از سوی اصلاح‌طلبان کمیته‌ای به نام کمیته صیانت از آراء تشکیل گردید. به همین منظور رایزنیهایی توسط سران اصلاحات انجام شد و سید محمد خاتمی و میرحسین موسوی در فروردین ۸۸ دیداری را در دفتر میرحسین با موضوع کمیته صیانت از آراء انجام دادند.[۱]

محمد هاشمی رفسنجانی (دبیر سیاسی حزب کارگزاران) پیرامون برخی پیشنهادها مبنی بر تشکیل کمیته صیانت از آراء اظهار داشت: «درست است که قوانین و سازمانهای مختلف در کشور برای برگزاری انتخابات سالم وجود دارد اما این موارد، رسمی و قانونی محسوب می‌شود و تکلیف را از مردم ساقط نمی‌کند. نظارت مردم برای صیانت از آراء نه تنها ضرورت دارد بلکه اجتناب‌ناپذیر است.»[۲]

حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران) در گفتگو با ایلنا ضمن تأکید بر حضور مردم بر سر صندوقهای اخذ رأی بیان داشت: «حضور باشکوه مردم در پای صندوق رأی، راه را بر هر نوع بدخواهی و انحراف می‌بندد. تنها راه صیانت از آراء، حضور باشکوه در پای صندوق رأی

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۱/۲۹.
۲- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۸.

است.»[۱] همچنین مصطفی تاج‌زاده (معاون سیاسی وزارت کشور دولت اصلاحات) در جمع حامیان موسوی در همدان گفت: «مشارکت مردم می‌تواند همانند کمیته صیانت از آراء عمل کرده و جلوی تخلفات احتمالی را بگیرد.»[۲]

علیرضا بهشتی (مشاور موسوی) با تأیید لزوم کمیته صیانت از آراء گفت: «تشکیل کمیته صیانت از آراء و اخلاق انتخاباتی، نمود امروزی امر به معروف و نهی از منکر است.» وی در گفتگو با سایت خبری قلم نیوز با اشاره به سخنان کدخدایی (سخنگوی شورای نگهبان) مبنی بر غیر قانونی بودن این کمیته اظهار کرد: «تشکیل کمیته صیانت از آراء نه تنها برخلاف قانون نیست بلکه در حمایت قانون است.»[۳]

در همین راستا میرحسین موسوی و مهدی کروبی در نامه مشترکی به شورای نگهبان، خواستار گزینش و دعوت از ناظران و معتمدان و اعضای شعب اخذ رأی، از چهره‌های مستقل و اشخاص شناخته شده و موجه، شدند.[۴]

ستاد میر حسین موسوی، علی‌اکبر محتشمی‌پور را به عنوان مسؤول کمیته صیانت از آراء معرفی نمود. وی با بیان این‌که با تمام دستگاههای مربوطه اتمام حجت کرده‌ایم؛ گفت: «اگر دستگاههای مربوطه جلوی تخلفاتی که ناظران ماگزارش می‌کنند را نگیرند، ما با رسانه‌های جمعی در میان گذاریم. این بار با هیچ کس شوخی نداریم و اجازه نمی‌دهیم

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۹.
۲- همان، ۱۳۸۸/۳/۳.
۳- همان، ۱۳۸۸/۱/۲۳.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۴.

سرنوشت کشور را یک گروه مخفی در اختیار بگیرد و تغییر بدهد.»[۱]
محتشمی‌پور در اوّلین کنفرانس مطبوعاتی کمیته صیانت از آراء از سازماندهی این کمیته خبر داد و گفت: «با توجه به این‌که بیش از ۴۶ هزار صندوق در ۲۲ خرداد برای اخذ آراء مردم پیش‌بینی شده است و با توجه به این‌که نمایندگان کاندیداها نیاز به آموزشهای لازم قانونی در ارتباط با تکالیف و اختیارات خود دارند، آموزشهای لازم را به آنها ارائه کرده‌ایم.»[۲]

وزیرکشور دولت موسوی با تأکید بر این‌که موسوی دغدغه صیانت از آراء را دارد، خاطرنشان کرد: «صیانت از آراء یک اصل اساسی است.» وی با اشاره به این‌که هیچ کس حقّ کم و زیاد کردن رأی مردم را ندارد، گفت: «این بار نامزدهای انتخاباتی به خواب اصحاب کهف نمی‌روند.»[۳]
در همین رابطه فاطمه کروبی (همسر مهدی کروبی) در گفتگو با فارس گفت: «شب انتخابات همه ما و ملّت بیدار خواهیم بود.»[۴]

طرح شبهه در انتخابات که همواره از سوی رسانه‌ها و شبکه‌های خبری معاند نظام دنبال می‌شد، در حالی از سوی اصلاح‌طلبان مطرح شد که حتی برخی از بزرگان آنان به منتفی بودن آن اعتراف کرده‌اند. سید محمد خاتمی در گفتگو با نشریه آمریکایی نیوزویک در خصوص احتمال تقلب در انتخابات ایران بیان داشت: «فکر نمی‌کنم در انتخابات ایران تقلب به معنای خاص کلمه وجود داشته باشد یا بتواند تأثیرگذار

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۲.
۲- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۶.
۳- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۱.
۴- همان.

باشد ... خود من در دوران مسؤولیت ریاست جمهوری چندین انتخابات را برگزار کردم. اگر چنین چیزهایی هم وجود داشته باشد در مقابل نتایج آن انتخابی که مردم در آن نقش دارند، متفاوت و ناچیز است.»[۱] اما با توجه به اوضاع نابسامان اصلاح‌طلبان و اختلاف میان نامزدهای مطرح آنان، زمزمه تقلب در انتخابات از سوی برخی تندروها و افراطیون این جریان، انتشار یافت.

بسیاری از تحلیل‌گران طرح جدّی تقلب در انتخابات و صیانت از آراء توسط اصلاح‌طلبان را علامت اطمینان صد درصدی آنها به شکست و تلاش برای بهانه‌جویی پیشاپیش دانسته و بر این باورند که اصلاح‌طلبان حتی اگر یک درصد احتمال پیروزی خود را در انتخابات می‌دادند، هرگز این‌طور به صراحت سلامت انتخابات را زیر سؤال نمی‌بردند!

آنان در مرحله بعد با اعلام این‌که نهادهای قانونی متولی نظارت بر انتخابات را قبول ندارند و به تشکیل نهاد نظارتی موازی روی آوردند. اصلاح‌طلبان بدون توجه به مکانیسم قانونی انتخابات و فرایند نظارت بر آن، که امکان هرگونه تقلب را منتفی می‌کند، بر دامنه تردید افزودند و از سوی دیگر نظارت استصوابی که ترجمان حقیقی صیانت از آراء است را بدون استنادات قانونی و استدلالهای حقوقی به چالش کشاندند. محمدرضا خاتمی (دبیرکلّ سابق حزب مشارکت) در توجیه این اقدام اصلاح‌طلبان گفت: «اصولگرایان ممکن است سلامت انتخابات را به خطر

۱- ایران، ۱۳۸۸/۲/۳۱.

بیندازند! ما اوضاع را رصد می‌کنیم و اگر در سلامت انتخابات تردید جدّی وجود داشته باشد اصلاح‌طلبان تصمیم دیگری خواهند گرفت.»[1]

تشکیل کمیته صیانت از آراء واکنشهای منفی زیادی را نیز دربر داشت. مقام معظّم رهبری در سخنانی در خصوص زمزمه تقلب در انتخابات فرمودند:

«کسانی که با ملت ایرانند، جزو ملت ایرانند، توقع دارند ملت ایران به آنها توجه کنند، اینها دیگر علیه ملت ایران حرف نزنند و انتخابات ملت ایران را زیر سؤال نبرند. مرتب تکرار نکنند که آقا این انتخابات سالم نیست؛ انتخابات، انتخابات نیست. چرا دروغ می‌گویند؟ چرا بی‌انصافی می‌کنند؟».[2]

پس از سخنان مقام معظّم رهبری در خصوص کمیته صیانت از آراء و تشکیک در انتخابات، برخی نمایندگان اکثریت و اقلیت مجلس نیز، تشکیل این کمیته را مغایر با قانون دانستند. در همین رابطه علی‌اصغر یوسف‌نژاد (عضو فراکسیون اقلیت مجلس) گفت: «کسانی که مسائلی همچون کمیته صیانت از آرا را مطرح می‌کنند نمی‌دانند که اجرای هر کاری در کشور به قانون نیاز دارد و روند اجرای قانون نیز ارائه موضوع به صورت طرح و لایحه به مجلس و تصویب آن به وسیله نمایندگان مجلس شورای اسلامی است».[3]

سید شهاب‌الدین صدر (عضو فراکسیون اکثریت مجلس) نیز گفت:

۱- ایران، ۱۳۸۸/۲/۱۹. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۰.

۳- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۴.

«طرح کمیته صیانت از آراء بهانه‌سازی برای دشمنان است تا آزادانه سلامت انتخابات را زیر سؤال ببرند».[۱]

حجة‌الاسلام کعبی (عضو حقوقدان شورای نگهبان) در این رابطه گفت: «دشمنان با طرح شبهه سلامت انتخابات در صدد کمرنگ کردن حضور مردم هستند.»[۲] آیت‌الله محمد یزدی (رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) هدف تشکیل کمیته صیانت از آراء را توجیه شکست در انتخابات برای طراحان آن دانست.[۳] همچنین آیت‌الله سید احمد خاتمی (عضو مجلس خبرگان) پیشنهاد تشکیل کمیته صیانت از آراء را اهانت به نظام اسلامی ارزیابی کرد و گفت: «پیام این کمیته بی‌اعتمادی به مسؤولان نظارتی و اجرایی است. کاندیداها و هواداران آنها باید بدانند که در چارچوب نظام اسلامی می‌خواهند کاندیدا شوند و فعالیت داشته باشند پس در این راستا باید مراقب باشند که باگفتار خود نسبت به نظام بی‌مهری روا ندارند».[۴] اسماعیل کوثری (نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هشتم) نیز در این باره گفت: «طرح کمیته صیانت از آراء با وجود دستگاههای نظارتی متعدد همچون شورای نگهبان، بازرسی ستاد انتخابات کشور و حضور نماینده‌های کاندیداها بر سر صندوقهای رأی، هیچ‌گونه وجاهت قانونی ندارد.»[۵]

مصطفی پور محمدی (رئیس سازمان بازرسی کشور) در واکنش

۱– همان.
۲– ایران، ۱۳۸۸/۲/۱۶.
۳– کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۱.
۴– اعتماد، ۱۳۸۸/۱/۲۷.
۵– همان.

نسبت به تشکیل این کمیته گفت: «موضوع کمیته صیانت از آراء را ناصحیح و غیرموجه می‌دانم. خوشبختانه تشکیلات وابزار مناسبی که برای برگزاری صحیح و دقیق انتخابات و رعایت حقوق عمومی و قوانین داریم که باید بخوبی و کفایت از آنها استفاده کنیم، نه آن که به ساز و کارهای بدون پشتوانه حقوقی و سؤال‌برانگیز روی آوریم و بر اتهام‌آفرینی و دغدغه‌سازی دشمنان بیفزاییم. زیرا شورای نگهبان، نمایندگان کاندیداها و سازمان بازرسی، ابزار قانونی مناسب برای تضمین سلامت انتخابات و رعایت حقوق عمومی هستند در سطوح و مراتب مختلف.»[۱]

آیت‌الله جنتی (دبیر شورای نگهبان) در واکنش به تشکیک‌کنندگان در سلامت انتخابات گفت: «یک عده از دوستان که واقعاً از انصاف بهره‌ای ندارند، پیشاپیش و در حالی که هیچ کاری انجام نشده، سلامت انتخابات را زیر سؤال می‌برند».[۲] در همین رابطه کدخدایی (سخنگوی شورای نگهبان) با غیر قانونی دانستن تشکیل کمیته صیانت از آراء بیان داشت: «هر نهاد جدیدی اگر بخواهد تشکیل شود باید طبق قانون باشد به همین دلیل تشکیل چنین نهاد و کمیته‌ای غیرقانونی است».[۳] کدخدایی همچنین در کنفرانس خبری خود گفت: «امکان تقلب وجود ندارد.» وی دلیل آن را حضور ۳ تا ۵ نفر ناظر آموزش‌دیده شورای نگهبان در هر شعبه اخذ رأی دانست که در تمام مراحل انتخابات نظارت دارند.[۴] صادق

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۹.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۲/۱۵.
۳- اعتماد، ۱۳۸۸/۱/۲۳.
۴- ایران، ۱۳۸۸/۲/۱۵.

محصولی (وزیر کشور) نیز با اشاره به جوّ سازیهای ایجاد شده برای تهدید سلامت انتخابات گفت: «مشارکت گسترده مردم پاسخی محکم به جوّ سازیها است.»[۱] محصولی همچنین بیان داشت: «طرح کمیته صیانت از آراء سلامت انتخابات سی سال گذشته را زیر سؤال می‌برد.»[۲]

نردبان تخریب

پس از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و روی کار آمدن دکتر محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران، افرادی در دوره یا دوره‌های گذشته شکست خورده و از گردونه رقابت خارج شده بودند، اقدام به نقدهای تند و گاه غیرمنصفانه نمودند و علی رغم تذکرهای جدّی مقام معظّم رهبری به این امر و حمایتهای صریح ایشان از دولت نهم و شخص رئیس جمهور این روند را ادامه دادند. نقدهایی که در سالهای اخیر شکل گرفت، فقط نقد تنها نبود؛ بلکه عمدتاً با سیاه‌نمایی و جنگ روانی، کارنامه درخشان دولت نهم زیر سؤال می‌رفت. سیاست کسانی که این روند را ادامه می‌دادند فقط انتقاد و بزرگ‌نمایی ضعفها بود و در نقدهای آنان اثری از عملکردهای مثبت دولت دیده نمی‌شد. آنان در یک ائتلاف بزرگ، بی‌سابقه‌ترین پروژه تخریب، دروغ، فریب و سیاه‌نمایی را با هدف جلوگیری از تکرار دولت نهم و با به کارگیری تمامی بازیگران داخلی و خارجی، علیه دولت اصولگرای نهم طراحی کردند.

۱- همان.

۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۲.

تنوع و پیچیدگی این پروژه به حدی بود که نشان داد طراحان آن هیچ خط قرمزی را به رسمیت نمی‌شناسند. آنان حتی خواسته یا ناخواسته به تخریب نظام و برخی از ارکان اساسی آن روی آوردند و موجبات خرسندی و خوشحالی دشمنان تابلودار نظام را فراهم آوردند. بسیاری از اصلاح‌طلبان به جای روی آوردن به نقد منصفانه اشکالات و ضعفهای موجود در حوزه‌های مختلف و از همه مهمتر ارائه راهکار برای حل مشکلات، تلاش کردند تصویری تیره و تار از وضعیت موجود کشور به نمایش بگذارند. بدین ترتیب خلأ بی‌برنامگی خود را پر نموده و خود را با ترفند حذف رقیب اثبات کنند.

تخریبها علیه دولت نهم اگرچه از زمان روی کار آمدن آن دولت و حتی قبل از آن آغاز شده بود، اما با نزدیک شدن ایام انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، به اوج خود رسید. جریانات مخالف دولت از هر موضوعی به عنوان سوژه برای حمله به دولت استفاده می‌کردند. سوژه‌هایی چون پایین آمدن قیمت نفت و عدم توانایی دولت در اجرای پرداخت نقدی یارانه‌ها، تبلیغاتی خواندن طرح تحول اقتصادی، برداشت غیرقانونی از حساب ذخیره ارزی، سخنان رحیم مشایی در مورد اسرائیل، توزیع شام و نهار و سیب‌زمینی در سفرهای استانی رئیس جمهور، طرح استیضاح وزیر کشاورزی و آموزش و پرورش، مطرح ساختن عدم اعتناء دولت به مراجع تقلید، صندلی اضافه در هیأت دولت برای امام زمان و ... همه از مواردی بود که هرکدام به تنهایی صفحات گسترده‌ای از روزنامه‌های مختلف و کانالهای ماهواره‌ای را فراگرفت و از کاهی کوهی

ساختند و مدتها ذهن خوانندگان و مخاطبان خود را پر کردند و به بازی گرفتند. حتی از کسالت جزئی پیش آمده برای احمدی‌نژاد، شایعه‌ای مبنی بر عدم حضور وی در انتخابات آینده به دلیل بیماری سخت، ساختند.[۱]

ترسیم حضرت یوسف علیه‌السلام در بین مردم مصر در سریال یوسف پیامبر را مشابه سفرهای استانی رئیس‌جمهور دانسته و مدعی شدند این فیلم کاری سفارشی از سوی دولت نهم بوده است، در حالی که فرج‌الله سلحشور نویسنده و کارگردان این مجموعه، در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: «کسانی که این‌گونه مطالب را در روزنامه‌های خود منعکس می‌کنند، مغرض هستند؛ چراکه اساساً طرح این مجموعه در دوره ریاست جمهوری خاتمی تأیید شد و در سال ۸۱ تولید آن کلید خورد.»[۲]

خط تخریب تنها نامزد احتمالی اصولگرایان با روی کار آوردن به کاریکاتورکشی از وی در اوایل سال ۸۸ یعنی زمان نزدیک شدن به انتخابات دهم وارد مرحله جدیدی شد. روزنامه اعتماد ملی در اقدامی کم سابقه با درج کاریکاتوری از رئیس‌جمهور، طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و پرداخت مستقیم آن به مردم را پیشنهاد کروبی دانست.[۳] همین روزنامه طی مقاله‌ای به قلم زیدآبادی تحت عنوان احمدی‌نژاد چقدر رأی دارد؟ با جعلی دانستن نظرسنجی‌هایی که جایگاه احمدی‌نژاد را بالاتر از دیگران نشان می‌دهد نوشت: «آقای احمدی‌نژاد به خلاف تصور بسیاری از اصلاح‌طلبان، وضعیت ناگواری در بین رأی‌دهندگان ایرانی

۱- کیهان، ۱۳۸۷/۱۱/۳. ۲- همان.
۳- اعتماد ملی، ۱۳۸۸/۲/۵.

دارد و از این جهت تنها یک معجزه می‌تواند سبب انتخاب دوباره او به ریاست جمهوری شود.»[۱]

با اوج گرفتن رقابتهای انتخاباتی محتوای بسیاری از مطبوعات دوم خردادی بر مدار تخریب و حمله به دکتر احمدی‌نژاد و دولت نهم بود. برخی تیترهای درشت روزنامه‌ها در آن ایام عبارت بودند از: میرحسین موسوی: «مدیریت نادرست عامل اصلی فقر و بیکاری در کشور است.»[۲]

موسوی: «مردم هزینه سیاستهای دولت را می‌دهند.»[۳] محسن رضایی: «کشور گرفتار مدیریت ناتوان است.»[۴] وزیر راه دولت اصلاحات: «سوء تدبیر مهمترین شاخصه دولت نهم است.»[۵]

هشدار ۸۰ اقتصاددان: «مردم را از بلای تورم و بیکاری نجات دهید.»[۶]

بیانیه مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص: «حضور احمدی‌نژاد در کنار تابلوی خلیج عرب، باعث عزّت ملی شده یا سیاستهای مقتدر نظام در سالهای ۸۲-۸۴؟»[۷]

مهدی کروبی: «ما ایرانی می‌خواهیم که وزیر خارجه ایتالیا دعوتش را رد نکند.»[۸]

«شاید بتوانیم طی سه برنامه آینده عقب‌ماندگی اقتصاد در دولت نهم

۱- همان.
۲- صدای عدالت، ۱۳۸۸/۳/۹.
۳- اسرار، ۱۳۸۸/۳/۱۱.
۴- مردم‌سالاری، ۱۳۸۸/۳/۱۰.
۵- جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۳/۱۲.
۶- اعتماد، ۱۳۸۸/۳/۹.
۷- اسرار، ۱۳۸۸/۳/۹.
۸- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۲.

را جبران کنیم.»[۱]

«دولت در تحقق شعار توسعه عدالت اجتماعی موفق نبود.»[۲]

میرحسین موسوی: «دیکتاتوری با بی‌تفاوتی به قانون آغاز می‌شود.»[۳]

میرحسین موسوی: «هیچ کشوری را مثل ایران تنها نمی‌بینم.»[۴]

«دولت نهم روزی ۱۰ خلاف قانون مرتکب شده است.»[۵]

و .....

تخریبها در حالی صورت می‌گرفت که بسیاری از کارشناسان سیاسی معتقد بودند تخریب همیشه نتیجه عکس می‌دهد و مردم به تخریب‌گران رأی نمی‌دهند. چیزی که با بررسی انتخابات گذشته می‌توان به راحتی آن را دریافت. سیر صعودی روند تخریب سبب گردید تا رهبر فرزانه انقلاب نیز وارد صحنه شده و مطالبی را در خصوص پرهیز از تخریب رقیب انتخاباتی تذکر دهند. مقام معظّم رهبری به عنوان یکی از حامیان همیشگی دولتها، همواره از تخریب دولت ابراز نگرانی کرده و آن را قبیح می‌دانستند. ایشان حتی یکی از دلایل حمایت بی‌دریغ و گرم خود از دولت نهم را همین حجم تخریبها علیه دولت نهم دانسته و به خاطر عدم رعایت انصاف در انتقاد از دولت که بیشتر با توجه به انتخابات آتی ریاست جمهوری صورت می‌گیرد، فرمودند:

«یک چیز دیگری که این روزها انسان مشاهده می‌کند ـ که این را هم

۱- مردم‌سالاری، ۱۳۸۸/۳/۱۱.
۲- حیات نو، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۳- اسرار، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۴- اعتماد، ۱۳۸۸/۲/۲۳.
۵- مردم‌سالاری، ۱۳۸۸/۲/۲۰.

می‌خواهم بخصوص از نخبگان خواهش کنم که توجه کنند ـ قضاوتها در مورد مسائل دولت و کارهای دولت است. البته این از آثار نزدیک شدن به دوره انتخابات است. با این‌که خیلی هم نزدیک نیست و ما حدود نه ماه تا انتخابات فاصله داریم اما خاصیت انتخابات این است که عناصر فعال می‌شوند، حرف می‌زنند، خوب حرف بزنند. حالا در باب انتخابات حرفهای گفتنی متعددی هست که ان‌شاءالله در وقت خودش در فرصت مناسب خودش، آنها را به ملّت عزیزمان عرض خواهیم کرد. حالا هنوز زود است. لیکن انسان احساس می‌کند که در بین آنچه که امروز گفته می‌شود بی‌انصافی‌هایی صورت می‌گیرد. اگر کسی برای آینده کشور، برای آنچه که حل مشکلات کشور می‌نامند، برنامه‌ای دارد، حرفی دارد آن حرف را بیان کند. اگر چنانچه می‌تواند راه حلی برای مشکلاتی که وجود دارد - حالا مثلاً مشکل تورم و گرانی - پیدا کند، آن راه حل را بگوید. تخریب کردن مسؤولین، تخریب کردن دولت، هیچ مصلحت نیست و جزء کارهای صحیح اسلامی نیست. البته در بعضی جاهای دیگر دنیا به نام دموکراسی، به نام آزادی، آبروهایی را از بین می‌برند، اشخاصی را به لجن کشند؛ اینها کارهای اسلامی نیست. اینها کارهای آنهاست. مثل خیلی از کارهای دیگرشان.»[1]

ایشان همچنین با ابراز نگرانی از رایج شدن اخلاق بی‌انصافی در جامعه متذکر شدند:

۱- سخنرانی ۱۳۸۷/۶/۲۹.

«من نگرانی‌ام از این نیست که حرفی زده شود؛ از کسی انتقاد شود، نه؛ یک نفر انتقاد می‌کند، یک نفر هم جواب می‌دهد. نگرانی من از رایج شدن اخلاق بی‌انصافی در جامعه است. خدمات فراوانی دارد انجام مـی‌گیرد، انسان همه را کنار بگذارد، به نقطه بچسبد. این درست نـیست. البـته ایـن خطاب به همه است. این را ما به شخص خاصی، به‌گروه خاصی، به جـناح خاصی عرض نمی‌کنیم؛ این را به همه عرض می‌کنیم.»[1]

آیت‌الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید قم نیز با اشاره بـه فـرا رسـیدن دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اظهار داشت: «هیچ دولتی بدون نقد در مسائل فرهنگی ـ سیاسی ـ اقتصادی ـ اخلاقی و اجتماعی نـیست؛ ولی نقد باید با احترام و مَحبّت همراه شود وگرنه تأثیر نخواهد داشت. نقد از دولت باید بدون تخریب و توأم با مَحبّت، دلسوزانه و سازنده باشد ... انتقاد خـود نـوعی امـر بـه مـعروف است و بـدون نقـد مشکـلات حـل نمی‌شود... سخنان تخریبی ایجاد نـفرت و مـنظره نـازیبایی را در کشـور ایجاد می‌کند. امیدواریم نقدها براساس احترام و مَحبّت باشد تـا خـدای ناکرده سبب دوری جـناحها و اخـتلاف مـیان جـامعه نشـود.»[2] آیت‌الله جوادی آملی نیز ضمن تأکید بر پرهیز از تـخریب تـوسط نـامزدها بـیان داشت: «متأسفانه روزنامه‌ها را که باز می‌کنیم، برخی سخنان درج شده که انسان را متأثر می‌کند.»[3]

اگرچه بسیاری از بزرگان و شخصیتهای گوناگـون تـخریب دولت را

۱- سخنرانی مقام معظّم رهبری، ۱۳۸۷/۶/۲۹.

۲- ایران، ۱۳۸۸/۲/۱۷. ۳- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۱.

توهین به شعور و اراده ملّت و تنها وسیله‌ای برای شاد کردن دشمنان می‌دانستند و بر پرهیز همگان از تخریب تأکید می‌ورزیدند، اما با نزدیک شدن ایام برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری حجم تخریبها علیه دولت افزایش یافته و بسیاری از سیاسیون به تذکرات مؤکد مقام معظّم رهبری و بسیاری از بزرگان و مراجع تقلید توجهی نکردند، به‌طوری که علیرضا افشار (معاون اجتماعی وزارت کشور) حجم تخریبها، اهانتها، تحریکات تعصبات قومی و مذهبی، سیاه‌نمایی و ایجاد یأس در مردم و دلهره نسبت به آینده را در مقایسه با انتخابات گذشته بی‌سابقه دانست.[1] اصلاح‌طلبان برای رسیدن به مقاصد خود و برای نشان دادن ضعف و ناکارآمدی دولت نهم حتی از سخنان برخی از بزرگان و مراجع استفاده نمودند. آنان از قول آیت‌الله مکارم شیرازی و برخی بزرگان دیگر که بارها از مشکلات موجود انتقاداتی را بیان کرده بودند با بزرگ‌نمایی به انتقاد از دولت پرداخته و سعی در تخریب دولت کردند. جملاتی چون؛ مملکت به کجا می‌رود؟[2] و مشکلات بیش از هر زمان دیگری است.[3] افراد نالایق بیشتر کار خرابی می‌کنند تا آبادانی![4] و... در این راستا تیتر شد.

در این‌جا به قسمتهایی از اظهار نظرهای اشخاص و تخریبهای آنان علیه دولت و شخص رئیس جمهور اشاره می‌کنیم که در فقط در ۳ ماه اوّل سال ۸۸ بیان شده است.

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۰.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۷/۲۵.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۰.
۴- همان، ۱۳۸۷/۹/۹.

۱ـ حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران) در جمع اصلاح‌طلبان کرمان مدعی شد: «دولت از سیاستهای کلان کشور تخلف کرده و از اصول انقلاب فاصله گرفته است. جبهه اصولگرا به مسؤولیت خودش عمل نکرده و تکلیف خودش را با دولتی که از همه اصول انقلاب فاصله گرفته روشن نکرده است.»[۱]

۲ـ سایت تابناک متعلق به محسن رضایی درپی چاپ عکس دکتر احمدی‌نژاد و دیدار با کودکان بی‌سرپرست در آغاز سال جدید آن را تبلیغاتی خواند و ادعا کرد: «احمدی‌نژاد به غیر از سفرهای استانی با حضور در مجامعی همچون خوابگاههای دانشجویی و مراکز کودکان بی‌سرپرست دست به کار تبلیغاتی می‌زند.»[۲]

۳ـ حسین مرعشی در بندرعباس در اقدامی تخریبی علیه دولت نهم گفت: «رفتارهای دولت احمدی‌نژاد از بنی‌صدر خطرناکتر است و مردم باید با حضور در انتخابات به کسانی که به اصالت نظام تنه می‌زنند، سیلی بزنند.»[۳]

۴ـ همنوایی سایتهای دوم خردادی با رسانه‌های بیگانه در تخریب دکتر احمدی‌نژاد و حماسه دوربان ژنو.[۴]

«حضور احمدی‌نژاد در ژنو جز یک مانور تبلیغاتی که شاید صرفاً جهت شخص رئیس‌جمهور می‌بود، فایده دیگری به همراه نداشت».

«احمدی‌نژاد در ژنو برای خود دست به یک جنجال تبلیغاتی زد»

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۴.
۲- همان.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۱/۲۴.
۴- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲.

«اجلاس ژنو نه‌تنها برای ایران موفقیت‌آمیز، بلکه منجر به اخراج و منزوی شدن ایران شد».

در این میان میرحسین موسوی و سید محمد خاتمی نیز با موضع‌گیری درباره این اجلاس چنین گفتند: موسوی در گرگان ادعا کرد که تکرار ژنو کیفیت جمهوری اسلامی و همه ایرانیان را مورد تهدید قرار می‌دهد. وی در جریان سفر به مشهد نیز ضمن افتضاح خواندن این حضور مدعی شد: «افتضاح سوئیس، نتیجه افراطی‌گری رئیس‌جمهور است. سید محمد خاتمی نیز در پاسخ به خبرنگار یاری نیوز که سعی داشت ماجرای فحاشی چند تن از عناصر صهیونیست به هنگام سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد در اجلاس ژنو را اهانت به ایران جلوه دهد گفت: «نه؛ در مجامع بین‌المللی به من گوجه پرتاب نشده است.» این اظهارات با واکنش چهره‌های سیاسی اصولگرا مواجه شد. آنان با بررسی عملکرد سیاست خارجی خاتمی و سیاستهای تنش‌زدایی وی بیان می‌داشتند که عموماً خاتمی در مجامع بین‌المللی سخنی به زبان نمی‌آورده که ناخوشایند غربیها باشد؛ برای همین به وی اهانت نشده است و اگر اهانتی به احمدی‌نژاد شد، دلیل این ایستادگی وی بر مواضع انقلاب اسلامی و پافشاری وی بر مقابله با زورگویان بوده است. این در حالی بود که رژیم صهیونیستی خود به شکست در برابر احمدی‌نژاد در این اجلاس اعتراف کرده و اوباما نیز از مواضع عدالت‌خواهانه احمدی‌نژاد خشمگین شده بود.

۵ـ محسن امین‌زاده (عضو مرکزی حزب مشارکت) در دیدار اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران، با توهین به شعور مردم مدعی شد: «۲

میلیارد تومان آش از بودجه شهرداری میان مردم تهران توزیع شد و باعث پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات نهم گردید.»[۱]

٦ـ تخریب دولت در میتینگ تبلیغاتی موسوی و خاتمی در سالن همایشهای برج میلاد. خاتمی در این همایش گفت: «وضعیت امروز کشور خوب نیست و مشکلات و رویه‌های نادرستی وجود دارد.»

رمضان‌زاده در این مراسم میرحسین را صالح‌ترین فرد برای تداوم برنامه‌های خاتمی معرفی کرد و گفت: «میرحسین برای رفع سانسور و تداوم آزادیهای سیاسی برای هموطنان قدم خواهد برداشت.»[۲]

۷ـ میرحسین موسوی در سخنانی ضمن انتقاد از دولت نهم، سفرهای استانی دولت را باعث افزایش هزینه‌ها و ریخت و پاش خواند.[۳]

۸ـ سید محمد خاتمی ضمن انتقاد از سیاستهای دولت گفت: «ببینید تحت عنوان عدالت چه چیزی حاصل شده است؟»[۴]

۹ـ اسحاق جهانگیری با انتقاد از سیاست خارجی دولت گفت: «به جای دیپلماسی سازنده، دولت نهم به دنبال حماسه‌سازی بوده است».[۵]

۱۰ـ حسن روحانی ضمن انتقاد از سیاستهای اقتصادی دولت گفت: «تبلیغات و آمارسازیها برای مردم رفاه نمی‌آورد.»[۶]

۱۱ـ احمد توکلی با بررسی عملکرد دولت گفت: «در دولت

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۷.
۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۴.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۵.
۴- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۲.
۵- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۳.
۶- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۵.

احمدی‌نژاد قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی افزایش یافت.»[۱]

۱۲ـ سید محمد خاتمی در دیدار با اعضای ائتلاف مردمی حامیان میرحسین موسوی گفت: «احساس می‌کنیم در سالهای اخیر حرکتی بوده که در مسیرهایی که انقلاب و ملّت می‌خواستند و منافع مردم در آن است، نبوده و دلمان می‌خواهد در آن مسیر حرکت کنیم.»[۲]

۱۳ـ محسن امین‌زاده با انتقاد و توهین علیه دولت نهم گفت: «دولت نهم ۲۷۰ میلیارد دلار درآمد را تبدیل به فساد و تورم کرده است.» وی مدعی شد: «بزرگترین شکست سیاسی ایران پس از جنگهای ایران و روس (۲۰۰ سال پیش) در دولت نهم پدید آمده است. پس از فروپاشی شوروی، سقوط صدام و طالبان، هیچ دشمنی در منطقه برای هماوردی ایران وجود ندارد، اما دولت نهم نیاز دنیا را تبدیل به تهدیدی برای کشور می‌کند ... وضعیت این دولت شبیه قاجار است ... دولت در سیاست خارجی شو برگزار می‌کند. اجلاس ژنو، شارلاتان‌بازی و ماجراجویی بود ... ایران در سال ۸۴ کشوری باثبات، در مسیر توسعه و قابل اعتماد بود، اما امروز در شرایط بسیار مشکلی به سر می‌برد... دولت نهم فرصت ریاست جمهوری اوباما را نابود کرد... می‌ترسم اوباما به ایران اعلام جنگ کند ... شما دانشجویان نگذارید مسیر به دست نیروهای رادیکال و جنگ‌طلب در آمریکا بیفتد.»[۳]

میرحسین موسوی در دیدار تعدادی از اعضای مجمع روحانیون مبارز

۱- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۵. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۵.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۲/۱۶.

در سالن شماره ۲ جماران در خصوص توجیه انتقاد خود از دولت گفت: «یک روز من در جلسه‌ای از کارکردهای مثبت دولت گفتم و در تلویزیون این طور انعکاس یافت که موسوی از سفرهای استانی دولت حمایت کرده است. لذا من هم به خاطر ترس از رویهٔ رسانهٔ ملی تصمیم گرفتم که فقط انتقاد کنم.»[1] وی در ادامه ضمن اشتباه در بیان تعداد وزرا که ۲۱ را ۲۵ بیان کرد، گفت: «دولت با ۲۵ وزیر از یک شهر به شهر دیگر می‌رود و به جای این‌که به کارهای مملکتی برسد، درباره این پروژه‌های کوچک سر و صدا ایجاد می‌کند، اما کار پروژه‌های بزرگی مثل عسلویه کاملاً می‌خوابند که این دولتهای بعدی را با یک مشکل مواجه می‌کند.»[2] وی همچنین با سیاه‌نمایی از طرح هدفمند کردن یارانه‌ها گفت: «سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها سودی جز خاک‌نشینی و از بین بردن فقرا ندارد، اما اصل هدفمند کردن یارانه‌ها ذیل یک برنامه منسجم و قوی که برای قشر محروم مشکلاتی ایجاد نکند، لازم است.»

۱۴ـ محسن رضایی: «دولت نهم کشاورزی ایران را نابود کرد.»[3]

۱۵ـ میرحسین موسوی: «رئیس جمهور شوراها را فله‌ای منحل می‌کند. اگر دولت می‌دانست تورم ۲۵ درصدی چیست به فکر حل مشکل بود، نه این‌که به این استان و آن استان سفر کند.»[4]

۱۶ـ علی‌اکبر محتشمی‌پور: «از نظر بین‌المللی دچار غربت عظیمی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۷.
۲- همان.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۷.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۹.

شده‌ایم».[۱]

۱۷ـ میرحسین موسوی: «خطری که در این چهار سال دیدم در این ۲۰ سال سکوتم ندیدم.»[۲]

۱۸ـ موسوی خوئینی‌ها: «حکایت سیاست هسته‌ای دولت نهم، حکایت قسم حضرت عباس و دم خروس است.»[۳]

۱۹ـ بیژن زنگنه (وزیر نفت هاشمی و خاتمی): «دولت باید به مردم اعلام کند که ناکارآمد بوده است. ناکارآمدی از ویژگیهای دولت است و دولت باید این را اعلام کند نه این‌که برای پوشاندن ضعف خود شروع به دادن آمارهای دروغین کند... در دولتی که اخلاق جایی ندارد نمی‌توان انتظار داشت مسؤولانش صادقانه به ناتوانی خود اعتراف و از مردم عذرخواهی کنند. دولت مردان با اشاعه این فرهنگ و رفتار غیراخلاقی، دروغ را در سطح جامعه ترویج می‌کنند.»[۴]

۲۰ـ سهیلا جلودارزاده (نماینده مجلس ششم): «دولت احمدی‌نژاد به سبب تغییر ساختار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بدتر از رژیم شاهنشاهی است».[۵]

۲۱ـ عیسی کلانتری (وزیر سابق کشاورزی خاتمی و هاشمی): «این دولت صدها میلیارد ریال پول را با هدف کسب رأی در بین مردم توزیع کرده است... درآمدهای حاصل از فروش نفت در ۵/۳ سال گذشته هیچ

۱- همان.

۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۲۲.

۳- همان.

۴- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۸.

۵- ایران ۱۳۸۸/۲/۳۰.

عایدی برای مردم نداشته است.»[۱]

۲۲ـ خرم (وزیر راه دولت اصلاحات): «دولت نهم نمی‌تواند مدعی انجام مطالعات و اجرای هیچ یک از پروژه‌های عمرانی در این دولت باشد.»[۲]

۲۳ـ محمد صدر (معاون وزیر خارجه دولت اصلاحات) در نوعی تخریب دیگر عملکرد خارجی دولت احمدی‌نژاد که به اعاده حقّ فعالیتهای هسته‌ای کشور منجر شد را، نه نشانه جرأت احمدی‌نژاد، بلکه نشانه بی‌عقلی او دانست.[۳]

۲۴ـ حسین مرعشی: «مملکت‌داری کار ساده‌ای نیست و باید به ما واگذار شود . . . مردم ایران، سیاستمداران، مراجع تقلید، عشایر و اقوام ایرانی نمی‌توانند و نباید بگذارند یک جریان بی‌ریشه هویت جمهوری اسلامی را به سخره بگیرد.»[۴]

۲۵ـ مجید انصاری (عضو مجمع روحانیون مبارز): «سهم دولت نهم از پروژه‌های عمرانی فقط قیچی افتتاح است.»[۵]

۲۶ـ سید صفدر حسینی (وزیر اقتصاد دولت اصلاحات): «حاصل ۲۷۰ میلیارد دلار درآمد نفت در دولت نهم گرانی بود.»[۶]

۲۷ـ حسین لقمانیان (حامی کروبی): «طلایی‌ترین فرصت ایران در

۱ـ همان.
۲ـ همان.
۳ـ همان.
۴ـ کیهان، ۱۳۸۸/۲/۳۱.
۵ـ آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۳۱.
۶ـ همان، ۱۳۸۸/۳/۲.

دولت احمدی‌نژاد هدر رفت.»[۱]

۲۸ـ حسین مرعشی: «حقّ مردم نبود که این قدر لطمه ببینند.»[۲]

۲۹ـ قدرت‌الله علیخانی (نماینده اقلیت مجلس هشتم): «دولت فقط شعار مبارزه علیه فساد را می‌دهد.»[۳]

۳۰ـ مجید انصاری: «دولت نهم به نظام مدیریتی ۳۰۰ سال پیش بازگشته است.»[۴]

۳۱ـ فائزه هاشمی در اجتماع چند هزار نفری اصلاح‌طلبان در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی با مثبت ارزیابی کردن اقدامات و وقایع در دوران سازندگی، با تخریب دولت نهم شرایط حاضر را نکبت، خفت و خواری خواند و گفت: «شرایط اکنون برعکس است و در مشکلات و شرایطی به سر می‌بریم که نکبت، خفت و خواری نصیب ملّت ایران شده و اینها را به مردم یادآوری می‌کنیم و از مردم می‌خواهیم که تلاش کنند تا آن دوران برنگردد.» وی با توهین به دکتر احمدی‌نژاد اظهار داشت: «مطمئن هستم که اگر در اثر خطای ما این دولت پیروز شود، امر بر این آقا مشتبه می‌شود که خود را امام زمان می‌نامد و خطاهای گذشته را با قدرت بیشتر ادامه می‌دهد. چرا که می‌گوید مردم با من و برنامه‌هایم موافق بوده‌اند و روش من درست است.»[۵]

۳۲ـ محسن امین‌زاده در ادامه همان برنامه با متهم کردن دولت به

۱- همان، ۱۳۸۸/۳/۳.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

۵- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۳.

استفاده از امکانات عمومی برای تبلیغات انتخاباتی مدعی شد: «امروز رقیب میرحسین موسوی همه امکانات را دارد و امروز بیش از هر زمان دیگری دروغ گفته می‌شود و بیش از هر زمان دیگری از ثروت ملی در راستای منافع انتخاباتی استفاده می‌کنند.»[۱]

۳۳ـ محمد عطریانفر (عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران) در گرگان گفت: «در کشور انحراف ایجاد شده و منابع ملی به هدر رفته و تغییر نیاز ضروری است. ما در مقام تکریم و جایگاه موسوی نیستیم، بلکه می‌خواهیم حقّ ملّت را که در طول ۴ سال بر باد دادند، بگیریم.»[۲]

۳۴ـ مصطفی تاج‌زاده: «دولت نهم با شعار عدالت‌محوری می‌خواست که چهره محرومیت را از جامعه بزداید اما آنچه در عمل اتفاق افتاد فاصله طبقاتی بین فقیر و غنی بیشتر شد.»[۳]

۳۵ـ عطاالله مهاجرانی: «دولت احمدی‌نژاد ضدتجربه‌ترین دولت تاریخ ایران بوده است.»[۴]

۳۶ـ سیدمحمد خاتمی: «دولت احمدی‌نژاد در ادعا کردن بسیار شفاف است.»[۵]

۳۷ـ محسن رضایی: «صندلی ریاست‌جمهوری توهم مدیریت جهان را ایجاد کرده است.»[۶]

۳۸ـ ابراهیم یزدی (عضو گروهک نهضت آزادی) با بررسی تفاوت

۱- همان.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۴.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۴.
۴- همان.
۵- همان، ۱۳۸۸/۳/۵.
۶- همان، ۱۳۸۸/۳/۶.

سیاست خارجی زمان خاتمی و احمدی‌نژاد، به انتقاد از احمدی‌نژاد پرداخت و گفت: «سیاست خارجی دولت خاتمی در خدمت افزایش اعتبار بین‌المللی بود، اما دولت نهم حرف خودش را می‌زند و غربیها هم حرف خودشان را می‌زنند و پیشرفتی دیده نمی‌شود.»[۱]

۳۹ـ حسین مرعشی در دانشگاه شیراز گفت: «متأسفانه دولت نهم تفاوت میان دلار و ریال را درک نکرده و درآمدهای دلاری نفت را به‌صورت ریال وارد بازار می‌کند. دولت از برنامه‌ها و اسناد به تصویب رسیده نظام منحرف شده است... در چنین شرایطی باید با آگاه‌سازی در لایه‌های مختلف جامعه انحرافهای دولت نهم، سوء استفاده دولت از بیت‌المال، زیر سؤال رفتن عزّت و غرور ملی و ... را برای مردم روشن سازند.»[۲]

۴۰ـ فخرالسادات محتشمی‌پور: «دیگر اجازه نمی‌دهیم عده‌ای کوچک برای ملّت تصمیم بگیرند.»[۳]

۴۱ـ میرحسین موسوی: «با روحیه متحجرانه نمی‌توان کشور را پیش برد.»[۴]

۴۲ـ محسن رضایی: «ادامه راه دولت نهم کشور را به لبه پرتگاه می‌برد.»[۵]

۴۳ـ غلامحسین کرباسچی در گفتگو با سایت جمهوریت و در

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۰.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۱.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۲.
۴- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۳.
۵- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۴.

خصوص سفرهای استانی دولت گفت: «بدتر از این نمی‌شد به ایرانیها بی‌احترامی شود. آقایان برای این‌که خودشان را در بین مردم محبوب نشان دهند، هزینه‌های جاری دولت را افزایش دادند و با راه انداختن کارناوال پوشالی توسط جمعیت شهرهای دورافتاده دنبال این بودند تا خود را مسؤولی دلسوز نشان دهند.»[۱]

۴۴ـ رسول منتجب‌نیا: «مردم باید روز جمعه مارگیرهای شیاد را رسوا کنند.»[۲]

۴۵ـ موسوی بجنوردی: «هیچ دولتی تا این حد به مراجع توهین نکرده بود.»[۳]

۴۶ـ محمد هاشمی در گفتگو با سایت حامی موسوی با اشاره به انتخابات ۸۴ اظهار داشت: «انتخابات ۸۴ را یک کودتای مخملی می‌دانم کارگردان آن انگلیس بوده است و نتیجه آن هم در شب سالگرد ارتحال امام و در مناظره تلویزیونی دیدیم که به تخریب امام و انقلاب انجامید!... آمریکا و سایر قدرتها با ما مشکل سرزمینی ندارند، بلکه با اندیشه تشیع و امام مخالف هستند و احمدی‌نژاد به نیابت از همه این قدرت‌ها این کارها را انجام داده است.»[۴]

۴۷ـ معصومه ابتکار با اشاره به انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گفت: «ای کاش احمدی‌نژاد به ساختارهای قوی دوران اصلاحات

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۸.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۷.
۳- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۸.
۴- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۰.

برمی‌گشت و طبق آمار سازمان بازرسی! ۳۲۰۰ تخلف انجام نمی‌داد.»[۱]

۴۸ـ سید هادی خامنه‌ای: «دولت نهم خطاهای بزرگی را مرتکب شده است.»[۲]

۴۹ـ مهدی کروبی: «برنامه‌های احمدی‌نژاد با برنامه‌های شهید رجایی ۱۸۰ درجه تفاوت دارد.»[۳]

از موسوی اصولگرا تا موسوی اصلاح‌طلب

میرحسین موسوی از نگاه فعالان سیاسی نسبت به خاتمی، به اصولگرایان نزدیک‌تر بود. وی که در سال ۷۶ دعوت کسانی چون کروبی و خاتمی را برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری رد کرده بود، درسال ۸۸ فضا را این‌گونه یافت که باید وارد رقابت شود. او که برای برخی مردم به لحاظ فضای آن روزها، یعنی دهه ٦۰ دارای چهره‌ای مثبت بود، با همین نگرش از یک طرف و ایجاد فضای جدید پس از روی کار آمدن دولت نهم از طرف دیگر وارد صحنه انتخابات شد.

موسوی برای کسانی که دهه ٦۰ را دیده بودند، فردی کاملاً شناخته شده بود ولی برای نسل دوم و سوم که آن روزها را درک نکرده بودند، ناشناخته بود. خصوصاً که پس از کناره گیری از نخست‌وزیری و استعفای وی دیگر سخنی از وی به میان نبود. وی پس از مسؤولیت در دولت حاشیه‌نشینی را برگزید و بیشتر به کارهای هنری و نقاشی پرداخت و همین

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۲.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۲۰.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۱.

شد که پس از سالها با حکم احمدی‌نژاد رئیس فرهنگستان هنر شد.

از طرف دیگر مهندس موسوی که به عنوان نخست‌وزیر امام مشهور شد! به لحاظ احساس نزدیکی با اصولگرایـان و کسب آراء از آن طـیف مورد توجه اصلاح‌طلبان نیز قرار گرفت. لذا بر همین اساس جناح دوم خرداد همواره در پی القاء این بود که اصولگرایان به اجبار از احمدی‌نژاد حمایت می‌کنند و به دنبال فرشته نجات می‌گردند، از قول یکی از اعضای ارشد جبهه پیروان خط امام و رهبری از احتمال ائتلاف اصولگرایـان بـر روی میرحسین موسوی خبر دادنـد. هـمچنین بـرخـی مـحافل از دیـدار جمعی از اصولگرایان منتقد دولت با مهندس موسوی خبر دادند.[۱]

حسن بیادی از چهره‌های اصولگرا و نائب‌رئیس شورای شـهر تـهران در گفتگو با سایت قلم نیوز ضمن بیان حمایت اصولگرایان از میرحسین موسوی بیان کرد: «بسیاری از اصولگرایان منتظر میرحسین موسوی هستند تا وی تناسبش را با اصولگرایان اعلام کند تا در انتخابات از وی حمایت کرده و پشت سر او بایستند.» وی در ادامه گفت: «ما پیشنهاد کردیم که اگر مهندس موسوی یکی از اعضای کابینه‌شان را کـه نـیاز بـه رأی‌گیری در مجلس ندارد و با او همفکر و همراه است، از جبهه اصولگرایان انتخاب کند، ما پشت سر وی قرار خواهیم گرفت.» بیادی با بیان این‌که موسوی را اصولگرا می‌داند، مصادره شدن موسوی توسط اصلاحات و اصلاح‌طلبان را درست ندانست و گفت: «موسوی مـخالف سـاختارشکنی است. اگـر

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱.

موسوی در ادامه، موسوی ۸ سال دفاع مقدس باشد، حتماً رأی می‌آورد. آن موسوی که شاخص بچه حزب‌اللهی‌ها و رزمنده‌ها بوده و در میان خط امامی‌ها هم هنوز جایگاهی ویژه دارد، باید کمک کرد این جایگاه حفظ شود چراکه موسوی در تاریخ انقلاب به امام(ره) سنجاق شده است.»[1]

علی اسلامی‌پناه (نایب‌رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس) نیز در گفتگو با ایلنا گفت: «بسیاری از اصولگرایان که مایل به حمایت از احمدی‌نژاد نیستند به موسوی رأی خواهند داد.» محمدحسین مقیمی (از اعضای فراکسیون خط امام) نیز در رابطه اظهار داشت: «از آن جایی موسوی یک اصلاح‌طلب معتقد به اصول است، بی‌شک بسیاری از اصولگرایان از او حمایت خواهند کرد.»[2] محمدرضا باهنر (نایب‌رئیس مجلس هشتم) در گفتگو با ایسنا در خصوص حمایت لایه‌هایی از اصولگرایان از موسوی گفت: «ما در هر صورت مهندس میرحسین موسوی را بیرون از خانواده اصولگرایی ترجمه نمی‌کنیم.»[3] حسن غفوری‌فرد (نماینده مجلس هشتم) نیز از احتمال حمایت چهره‌هایی از اصولگرایان از موسوی خبر داد و گفت: «بعید نیست که چهره‌های شاخص از اصولگرا از میرحسین حمایت کنند.» در همین حال علیرضا محجوب (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با ایلنا در خصوص علنی نکردن حمایت از موسوی توسط برخی اصولگرایان گفت: «این را باید از خودشان پرسید اما حتماً اعلام این مسأله برایشان دردسرساز است که

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۶.

۲- همان.

۳- همان، ۱۳۸۸/۳/۳.

ترجیح می‌دهند آن را علنی نکنند.»[۱] سید هادی خامنه‌ای در جمع مردم بندر دیلم استان بوشهر ضمن حمایت از موسوی گفت: «میرحسین موسوی یک اصولگرای اصلاح‌طلب است و دغدغه او پست و مسؤولیت نیست.»[۲]

این خبرها در حالی بیان شد که برخی اصولگرایان حامی دولت از زمان مطرح شدن نام میرحسین موسوی برای حضور در انتخابات با تأکید بر این‌که وی جزء جریان اصلاح‌طلبان می‌باشد؛ حمایت اصولگرایان را از او غیرممکن خواندند.[۳]

در همین حال حضور میرحسین موسوی به عنوان کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری دهم درکنار خاتمی پررنگ جلوه داده شد و خاتمی نیز به صورت خاص همواره از موسوی حمایت می‌کرد. خاتمی در خصوص این‌که گفته است یا من می‌آیم یا موسوی گفت: «این‌که گفتم یا من می‌آیم یا موسوی به خاطر این بود که همین احساس مشترک را در ایشان هم دیدم. اگر موسوی بخواهد بیاید، کشور را با توجه به جهت‌گیریها و ارزشهای اصیل و البته تحولات روز اداره خواهد کرد. اگر بخواهیم پنج نفر ساده‌زیست و عدالت‌باور و آزادیخواه که ریا و تزویر نکنند را در کشور معیّن کنیم، حتماً یکی از آنان موسوی است.»[۴] خاتمی همچنین با اشاره به نرسیدن نتیجه و تصمیم قطعی موسوی برای آمدن در صحنه انتخابات گفت: «اگر مهندس موسوی به هر دلیلی نیاید، من با این‌که

۱- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۰.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۷.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۱/۲.
۴- همان، ۱۳۸۷/۱۱/۱۲.

مشکلات راه را رصد کرده‌ام و می‌دانم، باید دل به خدا بسپارم و در عرصه بیایم.... به نظرم آمد مهندس موسوی در موقعیت کنونی مناسب است. الان هم به این گفته خود اصرار می‌ورزم... بنده در ملاقات با موسوی احساس کردم، متأسفانه جناب آقای مهندس موسوی هنوز به تصمیم نرسیدند و معتقدم طولانی شدن این مسأله به نفع هیچ‌کس نیست و یک نوع ناراحتی، نگرانی و دلهره در جامعه ایجاد می‌شود.»[1] پس از این اظهارات، خاتمی با اعلام کاندیداتوری، موسوی را در کار انجام شده قرار داد.

گرچه برخی از طرفداران خاتمی، موسوی را اصلاح‌طلب دانسته و از وی نیز حمایت می‌کردند ولی تعدادی از آنان در اصلاح‌طلب بودن موسوی ابراز تردید کردند؛ برخی سیاسیون در جریان اصلاح‌طلبی، موسوی را اصولگرا دانسته و با حمله به وی او را شکست‌خورده معرفی کرده و خاتمی را به خاطر حمایتهای بی‌دریغ از موسوی سرزنش می‌کردند. موسوی که با صراحت گفته بود اصلاح‌طلبی هستم که اصول را گم نمی‌کنم، اما شهاب طباطبایی (رئیس ستاد جوانان حامی خاتمی) با ابراز تردید در اصلاح‌طلب بودن موسوی گفت: «طی دیدارهایی با آقایان موسوی و کروبی حداقل مطالبات خود را بیان می‌کنیم ... آقای موسوی باید به گونه‌ای گفتمان خود را با دوستان بازگو کند که آنان قانع شوند و برای آنان برانگیزاننده باشد.»[2]

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۱/۱۳.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۱۶.

در ابتدا اصلاح‌طلبان که نقدهایی بر اندیشه‌ها و افکار موسوی پیرامون مسائل مختلف داشتند، وی را فردی می‌دانستند که در دهه چهارم انقلاب کارایی ندارد. آنان با درج مقاله‌هایی چون «آیا مهندس موسوی دهه اوّل انقلاب می‌تواند رئیس‌جمهور دهه چهارم انقلاب باشد؟»[1] در توانایی موسوی دچار تردید بودند. مرتضی الویری در این باره گفت: «اگر دیدگاههای اقتصادی میرحسین موسوی مانند دوران نخست وزیری‌اش باشد، حضور وی را در انتخابات آینده مثبت ارزیابی نمی‌کنم.»[2]

در موضوع اصولگرا یا اصلاح‌طلب بودن موسوی جالب این بود که در جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب یک نقطه مشترک وجود داشت و آن سکوت بیست ساله موسوی بود که او را تبدیل به یک ابهام کرده بود. جریان اصولگرا بدین جهت موسوی را اصلاح‌طلب می‌دانست که وی در طول دوران هشت ساله هاشمی و بویژه در دوران هشت ساله خاتمی، هیچ گونه اظهار نظری نکرده و سکوت وی در برابر بسیاری از سخنان و حوادث، نظیر واقعه ۱۸ تیر ۸۷ و تحصن و نامه برخی نمایندگان مجلس ششم برای نوشیدن جام زهر و... نشانه حمایت از آن جریان تلقی شد. اما در طرف مقابل، موسوی را از آن لحاظ اصول‌گرا می‌دانست که وی چرا در طول این بیست سال از اتفاقات و حوادث پیش آمده، بویژه دو رویداد بیان شده در بالا از آنان حمایت نکرده است!

مهندس موسوی که پس از دوران نخست‌وزیری، سکوتی بیست ساله

۱- ابتکار، ۱۳۸۷/۸/۳۰.

۲- کارگزاران، ۱۳۸۷/۸/۲۷.

برگزیده و حتی دعوت برخی برنامه‌های تلویزیونی چون فوق‌العاده و پنجره شبانه و مصاحبه با برخی نشریات را رد کرده بود؛ همواره به خاطر این سکوت مورد سؤال قرار می‌گرفت. بالاخص آن که موسوی دلیل آمدن خود را در معرض خطر قرارگرفتن کشور دانست.

در این باره تعدادی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در نامه‌ای خطاب به موسوی، ضمن تجلیل از خدمات میر حسین در زمان جنگ و نخست‌وزیری وی و خاطره خوش آن بیان داشتند که عمل میر حسین به این هشت سال نخست‌وزیری ختم نمی‌شود و بیست سال سکوت نیز در کارنامه وی دیده می‌شود. آنان با طرح سؤالاتی خواستار پاسخگویی موسوی شدند: ۱ـ آیا ارزشهای امام (ره) امروز بیش از دوران اصلاحات و سازندگی در معرض خطر قرارگرفته که میرحسین آمده است؟

۲ـ آیا سیاستهای اقتصادی دولت فعلی بیشتر مستضعفان را می‌آزارد یا سیاستهای شانزده سال پیش؟

۳ـ آیا سیاستهای خارجی امروز که حکم به شکست تعلیق می‌کند، کمتر از سیاست خارجی که به دنبال رابطه با امریکاست و از رهبر انقلاب تقاضای دوباره نوشیدن زهر را می‌کند، با آرمانهای امام(ره) تطابق دارد؟

۴ـ آیا با تکرار سخنان امام (ره) توسط رئیس جمهور فعلی مبنی بر محو اسرائیل، گفتمان امام در خطر است یا لزوم به موزه سپردن امام؟[1]

حتی برخی از نوع ادبیات به کارگرفته شده موسوی در

۱- کیهان، ۱۳۸۷/۱۲/۲۸.

سخنرانیهایش ایراد گرفته و به وی انتقاد کردند. سایت نسیم (نسل سومی‌های یاری‌گر میرحسین موسوی) طی مقاله‌ای به این موضوع پرداخت و نوشت: «کمی هم امروزی باشید! هرچه در سخنرانیهای ایشان (موسوی) بعد از کاندیداتوری گشتم پر بود از واژه مستضعفان و اگر مجبور به تشویق سرمایه گذاری خصوصی هم شده‌اند، نه با عنوان سرمایه و سرمایه گذاری، که با عنوان تجارت و بازرگانی آزاد از آن یاد کردند.»[۱] محمدعلی ابطحی در اظهار نظری خطاب به موسوی گفت: «وی اگر دل به جناح اصولگرا ببندد، حتماً نه رأی آنان را خواهد داشت و هم رأی واقعی جبهه اصلاح‌طلبی‌اش را از دست می‌دهد. ما باید یادمان نرود که هویت همه ما از گفتمان اصلاحات است و این گفتمان را باید زنده نگه داریم.»[۲]

جهان نیوز از قول یک عضو ارشد گروهک نهضت آزادی نوشت: «میرحسین موسوی از ما نیست، ولی برای این‌که دشمن شماره یک ما (احمدی‌نژاد) به پیروزی نرسد؛ مجبور به ائتلاف و حمایت از دشمن درجه دوم (موسوی) هستیم.» در سایت گروهک موسوم به ملی ـ مذهبی هم از احزاب نظیر مشارکت، خواسته شد برای جلب آرای خاموش و سرخورده، به جای موسوی، سراغ کسانی چون عبدالله نوری بروند.

اما آنچه موجب می‌شد اصولگرایان موسوی را اصلاح‌طلب بدانند؛ علاوه بر موارد ذکر شده حمایت از جریانات تندرو اصلاح‌طلب بویژه

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۱۷.

۲- همان، ۱۳۸۸/۱/۱۵.

سازمان مجاهدین و حزب مشارکت و نهضت آزادی از موسوی بود. حمایت احزاب افراطی دوم خردادی چون مشارکت و سازمان مجاهدین و پس از آنها کارگزاران از میرحسین موسوی شاخصهای اصولگرایی را به مراتب در وی کمرنگ‌تر کرد و او را به عنوان نامزد تمام عیار اصلاح‌طلبان معرفی نمود.

میرحسین موسوی که به مناسبتهای مختلف نگرانی خود را از فرصت‌سوزیها و هدر دادن امکانات نه چندان وسیع موجود به خاطر منافع زودگذر حزبی و جناحی بیان کرده بود، با انتشار بیانیه کاندیداتوری خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آینده به صورت رسمی اعلام کرد.[۱] آنچه در بیانیه موسوی برای اعلام رسمی کاندیداتوری آمد را می‌توان، خلاصه‌ای از دغدغه‌هایی دانست که در دو ماه قبل از اعلام رسمی، بارها توسط او بیان شده بود.

موسوی که در اظهارنظرها و سخنرانیهای خود غالباً از اقتصاد اسلامی و مدیریت در دوران دفاع مقدس سخن می‌گفت، پس از گذشت مدت اندکی دولت نهم را مورد انتقاد قرار داد. وی که دلیل این کار را پخش گزینشی مصاحبه وی که تعبیر حمایت از دولت از آن می‌شد می‌دانست؛ در سخنرانیهای خود در محافل مختلف به مواردی چون: «نباید اجازه دهیم کارد به استخوان اقشار ضعیف برسد»[۲]، «تلاش کنیم در برابر اجماع غرب قرار نگیریم»[۳]، «نمی‌توانیم از عزّت اهالی غزه و لبنان سخن بگوییم

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۲/۲۱. ۲- همان، ۱۳۸۷/۱۱/۲۱.
۳- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۴.

اما در مورد عزّت ملّت خودمان حرفی نزنیم»،[۱] «تصمیم‌گیریهای فردی میراثی از سختی برای مدیران آینده کشور به جا می‌گذارد»[۲] اشاره کرد.

موسوی در بیانیه خود به این موضوع اشاره کرد که فعالیتهای انتخاباتی بدون نقد منصفانه و مؤدبانه جناح حاکم امکان‌پذیر نیست. وی در قسمتی از بیانیه خود آورد: «وضعیت کشور، انتخاباتهای پیش رو، حوادث ممکن، ظرفیتهای موجود و بسیاری نکات خرد و کلان دیگر را مورد دقّت قرار دادم و هرچه پیش رفتم، همان دلایل و عواملی که در وهله‌های گذشته به عدم حضور در انتخابات فرا می‌خوانند، مرا بیشتر متقاعد کردند که این زمان، زمانی دیگر است و حضور ایجاب می‌کند. اینک نه از روی خودپسندی تا ارزشها و ارجمندیهای همگنان را نادیده بگیرم و نه از سر تجاهل تا مشکلات پیش رو را ناچیز و بضاعت اندکم را کافی از توکّل به خداوند بدانم؛ بلکه به امید ادای وظیفه قصد خویش را برای نامزد شدن در دوره دهم از انتخابات ریاست جمهوری اعلام می‌نمایم.»[۳]

اعلام کاندیداتوری موسوی اگرچه مورد استقبال برخی افراد واقع شد، ولی اعلام حضور وی موجب شکافهای جدّی در جبهه دوم خرداد و بالاخص حامیان سید محمد خاتمی گردید و برخی از آنها این اقدام میرحسین را حرکتی طراحی شده برای مهار جریان دوم خرداد با رهبری خاتمی دانستند. در همین راستا برخی حامیان خاتمی تمام توان خود را برای زمین زدن موسوی به کار گرفتند و در حالی که کلمه اخلاق از

۱- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۱۴.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۲/۱۷.
۳- همان.

دهانشان نمی‌افتاد، تقریباً هر کاری که توانستند برای از پا انداختن موسوی انجام دادند و موسوی را از همه سو آماج طعن و تهمت قرار دادند و به خاتمی گفتند که حاضر نیستند در جرم کسی که اصلاحات را دفن خواهد کرد شریک شوند.

اما پس از آن که خاتمی با تیزبینی خاص که از آن به عنوان اخلاق انتخاباتی یا اخلاق سیاسی یاد شد، انصراف داد؛ مجبور به حمایت از موسوی شدند. آنان با تغییر ۱۸۰ درجه‌ای خود، گویی هیچ اتفاقی نیفتاده باشد، یک شبه رنگ عوض کردند و خود را یاران موسوی خواندند.

آنان حمایت قاطع خود را از موسوی اعلام داشته موسوی هم حمایت آنان را با آغوش باز پذیرفت. در همان حالی که سازمان مجاهدین و حزب مشارکت حمایت خود را از او اعلام می‌کردند، خاتمی در مورد وی گفت: «اگرچه موسوی بخشی از آرای من را ندارد لکن بخشی از جریان اصولگرا را دارد!» لذا با این پیش فرض، موسوی در اوّلین مصاحبه مطبوعاتی‌اش در جمع خبرنگاران، حضور خود را مستقل اعلام کرد؛ تا مبادا به این برداشت که برخی از نیروهای با سابقه انقلابی وی را خط امامی می‌پنداشتند، آسیبی وارد گردد.

وی در این مصاحبه از دلایل آمدنش به صحنه انتخابات و برنامه‌هایش سخن گفت: «به خاطر مشکلات در حال افزایش کشور آمدم»، «به مشاورت هاشمی و خاتمی افتخار می‌کنم»، «نمی‌توانم با ساختارشکنان کار کنم»، «در صورت پیروزی گشت ارشاد را جمع

می‌کنم»، «تلویزیون خصوصی تأسیس می‌کنم»[1] و...

در کنار موسوی، زهرا رهنورد ـ همسر وی ـ نیز به عنوان یک چهره سیاسی ظاهر شد. رهنورد که از برگزاری جلسات سخنرانی، درج مقاله در مطبوعات دوم خردادی فروگذار نبود، طی مقاله‌ای تحت عنوان «زنان، رفع تبعیض و انتخابات دهم» طرح امنیت اجتماعی را نوعی سرکوب کردن به معنای مطلق کلمه و اهانت به ارزشهای والای زنان توصیف کرد.[2] وی همچنین در دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی دانشگاه شهید بهشتی با بیان این‌که برای شیرین عبادی احترام زیادی قائل است، گفت: «شیرین عبادی متفکری بزرگ است و به عنوان فردی که جایزه نوبل گرفته برای کشور عزّت ایجاد کرد.» این در حالی بود که الهه هیکس ـ از عناصر پشت پرده سناریوی نوار سازان ـ در گفتگو با رادیو زمانه ضمن اذعان به‌گزارش لحظه به لحظه آشوبهای خیابانی تیرماه ۷۸ به خارج از کشور (در پوشش گزارشگر حقوق بشر) فاش کرد عبادی از سوی عبدالکریم لاهیجی وکیل مدافع گروهک تروریستی منافقین و همکار استخبارات رژیم بعث عراق به وی معرفی شده و او هم عبادی را برای دریافت جایزه نوبل نامزد کرده است! عملکرد و اظهارات شیرین عبادی تحت عناوین شورای ملی صلح و کانون مدافعان حقوق بشر نشان داده است که همگی در خدمت سناریو سرویسهای امنیتی آمریکا و در راستای منفی‌بافی و جعل گزارش برای القاء نقض حقوق بشر در ایران

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۱/۱۸. ۲- اعتماد ملی، ۱۳۸۸/۱/۱۸.

قرار داشته‌اند. براساس برخی اخبار دیک چنی ـ معاون اسبق رئیس جمهور آمریکا ـ بر فعالیتهای ضد امنیتی مذکور در پوشش حقوق بشر نظارت داشت و شیرین عبادی در ادامه فعالیتهای خود تا مرز دفاع از جریان صهیونیستی بهائیت پیش رفت.

در حالی که برخی بزرگان اصلاحات در تلاش بودند تا خاتمی را دوباره به عرصه انتخابات ریاست جمهوری بازگردانند و بازگشت خاتمی را آرزو می‌کردند، ولی خبرها حکایت از عدم بازگشت وی داشت. تعدادی از اعضای مجمع روحانیون مبارز به همراه برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب به دیدار خاتمی رفتند و با ذکر دلایلی خواستار بازگشت وی به عرصه کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری شدند؛ اما آنان آن‌گونه که انتظار داشتند مورد پذیرش میزبان قرار نگرفتند.[۱] ایجاد ابهام در خصوص کاندیدای اصلی دوم خردادی‌ها و تلاش برای بازگرداندن خاتمی در حالی صورت می‌گرفت که انشعاب در طیف اصلاح‌طلبان پیش‌بینی می‌شد و «به اجماع نرسیدن اصلاح‌طلبان از میان دو گزینه میرحسین موسوی و کروبی به عنوان نامزد اصلی، زمینه‌های ریزش رأی و انشعاب در میان این احزاب را فراهم می‌کرد»[۲] از همین رو اختلاف در مجمع روحانیون مبارز برای مشخص کردن موضع نهایی خود و اعلام نامزد قطعی، وضعیت اصلاح‌طلبان را بدتر از گذشته نشان می‌داد. همچنین واکنش حزب اعتماد ملی در شایعه انصراف کروبی به نفع

۱- وطن امروز، ۱۳۸۸/۲/۱۳. ۲- خبر، ۱۳۸۸/۱/۱۸.

میرحسین موسوی و پافشاری کروبی برای ماندن در صحنه مزید بر علت بود. کروبی بیان می‌داشت که از عرصه انتخابات به هیچ وجه کنار نمی‌رود مگر این‌که حضرت عزرائیل مانعش شود. کروبی در دیدار با ستاد جوانان حامی خاتمی گفت: «اختلاف میان اصلاح‌طلبان به دلیل عدم رعایت ملاحظاتی از سوی برخی از دوستان اصلاح‌طلب بود و بارها به دوستان می‌گفتم که مراقب باشید، حرفهایی نزنید که به براندازی متهم شوید، ولی دوستان توجهی به این موضوع نمی‌کردند.

سایت انتخاب دهم ـ پوشش مردمی حمایت از میرحسین ـ از دیدار موسوی با هاشمی رفسنجانی خبر داد.[۱] در همین رابطه سایت حامیان میرحسین نوشت: «در دیدار غیرعلنی موسوی با هاشمی، موسوی از وی درخواست کرد که حمایتش را از او علنی کند.»[۲]

برخی دیگر از شخصیتهای سیاسی طیف اصلاحات از موسوی انتقادهایی نمودند. عبدالله رمضان‌زاده (قائم مقام حزب مشارکت) با انتقاد از اوّلین مصاحبه مطبوعاتی موسوی اظهار داشت: «من این حرف موسوی که «من گشت ارشاد را جمع می‌کنم» درک نکردم. این موضع انتظارات و تقاضاها را افزایش می‌دهد. باید توجه داشت که تا چه حد ظرفیت وجود دارد. امروز مهمترین کاری که باید انجام دهیم، این است که انتظارات را در هیچ زمینه‌ای بالا نبریم؛ چراکه به افزایش بی‌اعتمادی در جامعه کمک می‌کند.»[۳] محمدعلی ابطحی (رئیس دفتر خاتمی)

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۱۷.
۲- همان.
۳- همان، ۱۳۸۸/۱/۲۳.

موسوی را مانند هندوانه سربسته‌ای دانست که ۲۰ سال است سکوت را برگزیده و اظهار نظری درباره مسائل کشور نداشته است. وی با لحن بغض‌آلود، یکی از دلایل حمایتش از کروبی را دلخوری از میرحسین عنوان کرد و گفت: «هنوز نتوانسته‌ام خود را قانع کنم که چرا وقتی کشور به وجودش احتیاج داشت نیامد.»[1] محمد هاشمی (دبیرکلّ سیاسی کارگزاران) ضمن اعلام حمایت از میرحسین، به وی و حامیانش هشدار داد: «مباحثی نظیر گشت ارشاد نه دغدغه مردم است نه در حوزه اختیارات رئیس جمهور. بهتر است به حوزه‌هایی که جزء اختیارات رئیس جمهور است توجه شود. مسائلی چون تورم، مسکن، ازدواج و ...

عباس عبدی (از طراحان عبور از خاتمی و خروج از حاکمیت) با تأکید بر ناشناخته بودن موسوی برای اصلاح‌طلبان گفت: «آقای موسوی برای من ناشناخته است. نه برای من، حتی برای خودش هم همین‌طور. ایشان باید از ابتدای سال گذشته یا حداقل تابستان فعال می‌شد. هم خودشان را بهتر می‌شناختند و هم دیگران ایشان را.»[2]

قلم نیوز سایت حامی میرحسین با انتقاد تند از نحوه سخنرانیها و مصاحبه‌های موسوی نوشت: «میرحسین موسوی، خاتمی نیست. چون فن خطابه نمی‌داند، زیاد لبخند نمی‌زند، سخنرانی حماسی و شورانگیز نمی‌کند، حتی به تازگی به رغم اصرار خبرنگاران دستانش را بالا نمی‌برد. موسوی، خاتمی نیست؛ چون وقتی وارد سالن دیدار با اهل فرهنگ و هنر

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۴.
۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۰.

می‌شود، سالن به هوا نمی‌رود و دست زدن تا حد درد آمدن دستها کش نمی‌یابد. موسوی، خاتمی نیست؛ چون پاسخهای کوبنده نمی‌دهد. هیجان و یا ناراحتی‌اش را با جابه‌جایی پیوسته عمامه‌اش نشان نمی‌دهد، حتی عینکش را هم بالا و پایین نمی‌کند تا کمی هم با حرکات صورت و چشمهایش حرف بزنند...»[۱]

حتی سید محمد خاتمی نیز در دیدار با موسوی از وی خواست که «در روشهای تبلیغاتی خود تجدیدنظر کند و شعارهای ملموس‌تری را در سخن گفتن با مردم برگزیند. در مقابل انتقادها سکوت کند و رفتار واکنشی نشان ندهد.»[۲]

البته سخنان میرحسین موسوی بویژه در اوّلین مصاحبه مطبوعاتی‌اش با واکنشهایی در طیف اصولگرایان نیز مواجه شد. مخصوصاً که وی در سخنان خود به مشاورت با هاشمی و خاتمی افتخار کرد. روح‌الله حسینیان ضمن انتقاد از میرحسین، در واکنش به مصاحبه وی گفت: «در اصولگرا نبودن میرحسین همین بس که به اذعان خودش، به مشاورت با هاشمی و خاتمی افتخار می‌کند».

موج انتقادات اصولگرایان از موسوی زمانی بیشتر شد که سازمان مجاهدین و حزب مشارکت و ملی ـ مذهبی‌ها به عنوان گروههای تندرو در جریان اصلاح‌طلبی، حمایت قاطع خود را از موسوی اعلام داشتند و موسوی نیز از آنان حمایت کرد. وی در ایلام در جواب خبرنگاری در

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۸. ۲- همان، ۱۳۸۸/۱/۳۱.

مورد سازمان مجاهدین و حزب مشارکت گفت: «شما دارای ذهن بسته هستید. نباید در خصوص احزاب قانونی به‌گونه‌ای صحبت کنیم که با اسرائیل سخن می‌گوییم. آیا کسانی که با این وسعت متهم می‌کنید این چنین هستند؟ خیر. من ذهن بسته شما را ندارم. ذهن بنده باز است.»[۱] موسوی همچنین بیانیه سالهای قبل جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در رابطه با سازمان مجاهدین که در آن آیت‌الله مشکینی مشروعیت سازمان مجاهدین را زیر سؤال برده بود، سیاسی خواند و بیان کرد: «حساسیتی نسبت به سازمان مجاهدین، مشارکت و کارگزاران ندارم.»[۲] وی در دیدار با اعضای حزب مشارکت نیز گفت: «اگرچه در برخی موارد دیدگاهایم با شما متفاوت است، اما به شما بسیار نزدیک هستم.»[۳] موسوی درباره گروههای ملی ـ مذهبی و نهضت آزادی نیز گفت: «بین گروههای ملی ـ مذهبی افراد اصیلی وجود دارند که در طول زمان کم‌کم اختلاف سلیقه‌هایی با آنها پیدا کرده‌ام، اما این مسأله منجر نشد که به چشم خیانت به آنها نگاه کنم.»[۴] این در حالی بود که ابراهیم یزدی (رئیس گروهک نهضت آزادی) در اظهاراتی درباره انتخابات ریاست جمهوری گفته بود: «ما باید دنبال تغییر در ساختار حقیقی باشیم. دوستان اصلاح‌طلب اشتباه کردند که از حاکمیت بیرون آمدند و باید راهی پیدا کنند که دوباره به حاکمیت برگردند و به ما هم گفتند، شما اشتباه کردید که اوّل انقلاب استعفا دادید. مشکل آنها این است که هنوز نتوانسته‌اند بر سر یک

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۴.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۲/۱۷.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۳.
۴- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۳۱.

استراتژی واحد و شفاف به توافق برسند. ما به جدّ معتقدیم نامزدهای اصلاح‌طلب باید بدانند مشکل مملکت هنگامی حل می‌شود که اینها دارای آن شهامت و شجاعت باشند که از بعضی خط قرمزها عبور کنند.»[۱]
حسن غفارزاده از اعضای ملی ـ مذهبی نیز ضمن حمایت از میرحسین بیان می‌دارد که ما از موسوی حمایت می‌کنیم، اما این حمایت به این معنا نیست که سابقه انقلابی او را فراموش کرده‌ایم.»[۲]

اگرچه موسوی خبرهای مربوط به ملاقات با فعالین ملی مذهبی را تکذیب کرد، اما بسیاری از اعضای موسوم به ملی مذهبی‌ها، اعضای سازمان مجاهدین و حزب مشارکت در جلسات استانی ستادهای موسوی به طور فعال حضور یافته و سخنرانیهایی را در حمایت از موسوی انجام دادند.

در حالی که در طیف اصلاح‌طلبان در ابتدای اعلام کاندیداتوری موسوی در اصلاح‌طلب بودن وی تردید وجود داشت، اما حمایتهای بی‌دریغ سیدمحمد خاتمی از وی و تغییر برخی مواضع میرحسین در سخنرانیها و مصاحبه‌ها، موجب شد تا اصلاح‌طلبان به ناچار از وی حمایت کنند. در این رابطه هدایت‌الله آقایی (عضو شورای مرکزی کارگزاران) با حمایت از موسوی بر اصلاح‌طلب بودن موسوی تأکید کرد. آذر منصوری (عضو مرکزی و معاون دبیرکلّ مشارکت) در اظهاراتی گفت در اصلاح‌طلب بودن موسوی شکی نیست و موضعگیری آقای

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۷. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۲.

موسوی در مصاحبه مطبوعاتی اخیر، بسیاری از تردیدها را برطرف کرد. موضع ایشان بسیار اصلاح طلبانه بود.»[1] محمدرضا خاتمی (نایب رئیس مجلس ششم) نیز حمایت خود را از موسوی بیان داشت «ائتلاف بین اصلاح‌طلبان وجود دارد و حتی اگر اصلاح‌طلبان در انتخابات یک کاندیدا نداشته باشند، جامعه اصلاح‌طلب ایران از یک کاندیدا حمایت خواهد کرد... صبغه اصلی موسوی اصلاح‌طلبی است؛ به همین دلیل نباید تردید داشت که اگر او اعلام حضور کند، تقریباً همه کسانی که مدافع و حامی خاتمی بودند، پشت سر موسوی خواهند بود و از وی حمایت خواهند کرد.»[2] حزب کارگزاران نیز در دیدار با هاشمی رفسنجانی، جلسه‌ای در خصوص تصمیم‌گیری برای حمایت از کروبی یا موسوی در انتخابات آتی تشکیل داد.[3] و تنها یک روز پس از این دیدار حزب کارگزاران نیز حمایت رسمی خود را از کاندیداتوری میرحسین موسوی اعلام داشت.»[4] در این میان بسیاری از فعالان سیاسی بویژه فعالان سیاسی در طیف اصولگرایان ضمن هشیارباش و هشدار به میرحسین موسوی از حمایت سازمان مجاهدین و حزب مشارکت و ملی مذهبی‌ها از میرحسین ابراز نگرانی کردند. آنان که موضع این گروهها را می‌شناختند در صدد برآمدند تا موسوی را از این خطر آگاه سازند. در این رابطه مرتضی آقا تهرانی (رئیس مجمع نمایندگان تهران) گفت: «بهتر است دوستان اصلاح‌طلب مصالح خود را در نظر بگیرند و ببینند چه چیزی برای دنیا و

۱- ایران، ۱۳۸۸/۱/۲۳.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۱/۱۵.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۱/۲۳.
۴- همان، ۱۳۸۸/۱/۲۴.

آخرت خودشان و نظام اسلامی بهتر است... میرحسین موسوی هم اوضاع را رصد می‌کند و اگر به این نتیجه رسید که رأی می‌آورد وارد عرصه خواهد شد؛ در غیر این صورت او به مهره سوخته‌ای تبدیل خواهد شد و دیگر همان جایگاهی را هم که الآن در بین افکار عمومی دارد، از دست خواهد داد. آقای موسوی باید ببیند با توانی که داشت، اکنون می‌تواند کشور را اداره کند.»[۱]

علی‌اصغر زارعی (نماینده اصولگرای مجلس هشتم) ضمن برشمردن اهداف سازمان مجاهدین و حزبی مشارکت بیان داشت که اهداف آنها در مسیر حفظ ارزشهای انقلاب نیست. علی نقی شهیدی (عضو شورای عالی حزب همبستگی با بیان اهداف سازمان مجاهدین و حزب مشارکت از حمایات از میرحسین گفت: «افراطیون مانند سازمان مجاهدین و مشارکت با روی کار آمدن کروبی حیات سیاسی خود را از دست خواهند داد، به همین دلیل مجبور به حمایت از میرحسین شده‌اند و با ورود میرحسین به کاخ ریاست جمهوری حیات دوباره خود را به دست می‌آورند. مجاهدین و مشارکت از شخص میرحسین حمایت نمی‌کنند، بلکه آنها این کار را برای حفظ منافع خود انجام می‌دهند... میرحسین باید مواظب افراطیون باشد.»[۲]

علیرضا زاکانی (نماینده مجلس هشتم) نیز همراهی موسوی با مجاهدین و مشارکت را با پایبندی به خط امام در تناقض دانست.»[۳]

۱- کیهان، ۱۳۸۷/۱۱/۹.
۲- همان، ۱۳۸۸/۱/۲۴.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۱/۲۶.

مهدی کوچک‌زاده دیگر نماینده مجلس هشتم در نقد صحبت میرحسین که گفته بود از همه گروهها استقبال می‌کنم گفت: «قطعاً اگر موسوی بدون توجه به معیارها فقط به دنبال کمیت حمایت‌کنندگان باشد و اجازه دهد در این مسیر کسانی که در مقابل ارزشها و معیارهای امام(ره) موضع‌گیری کرده‌اند، از او حمایت کنند، به مردم، امام و انقلاب خیانت کرده است.»[۱]

هادی غفاری (از اعضای شورای مرکزی مجمع نیروهای خط امام) نیز با بیان دلایل حمایت مشارکت و مجاهدین گفت: «حمایت مشارکت و مجاهدین از موسوی تاکتیکی است. یعنی آنها به واقع حامی میرحسین نیستند، بلکه برای مقابله با کروبی از او حمایت می‌کنند.»[۲]

احمد توکلی نماینده مجلس هشتم و وزیر و سخنگوی دولت موسوی با نقد سخنان موسوی بیان کرد: «حضور جدّی دولت در عرصه‌های تولید و توزیع در زمان جنگ قابل دفاع بود؛ ولی در بسیاری از موارد دولتی کردن اقتصاد در آن دوره، نه به اقتضاء جنگ، بلکه گرایشات دولت‌سالارانه بود... برخی شعارها و نکاتی که امروز در تبلیغات انتخاباتی آقای موسوی بیان می‌کند با سوابق و عملکرد ایشان منافات دارد و آقای موسوی را باید بر اساس عملکرد ایشان در قدرت، ارزیابی کرد نه سخنرانی تبلیغاتی... ما امروز وظیفه داریم از بازگشت چنین تفکری به مصدر قدرت اجرایی کشور جلوگیری کنیم. با حفظ احترام ایشان، آقای موسوی نمی‌تواند فرد مناسبی برای ریاست قوّه مجریه در

۱- همان.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۱/۲۷.

چهار سال آتی باشد. چون از آن‌جا که چهره‌های تندرو و ساختارشکن دوران دوم خرداد در ستادهای موسوی حضور فعال دارند و ایشان می‌تواند پلی برای بازگشت چهره‌های تندرو و منحرف، به قدرت باشد.»[۱]

علی‌اصغر زارعی همچنین در جمع طلاب حوزه علمیه قم خطاب به موسوی گفت: «به نفع شماست که از حزب مشارکت ـ نهضت آزادی و کارگزاران فاصله بگیرید. آنها می‌خواهند شما را به نفع خود مصادره کنند.»[۲] مرتضی سجادیان (عضو حزب کارگزاران) هم ضمن حمایت از موسوی بر این نکته تأکید کرد که «اگر مهندس موسوی بخواهد شعارهای منطقی که به کار گرفته را حفظ کند، باید مراقب اطرافیان خود باشد. هرچند که هر طیفی از اصلاحات می‌تواند از وی حمایت کند، اما حمایت برخی گروهها نظیر مشارکت و مجاهدین تأثیر منفی می‌گذارد.»[۳]

حجة‌الاسلام شجویی (عضو جامعه روحانیت مبارز) ضمن انتقاد از موسوی در خصوص حمایت از مشارکت و مجاهدین اظهار داشت: «موسوی با این حرفها تیشه به ریشه خود می‌زند.» وی با یادآوری بیانیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تصریح کرد: «شخصیتهای دینی در کشور با بررسی عقاید آنها و عملکرد سازمان مجاهدین اعلام کردند که این حزب نامشروع است.»[۴]

اکبر اعلمی (عضو فراکسیون دوم خرداد مجلس ششم) نیز در نامه‌ای

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۶.
۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۸.
۳- همان.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۷.

بـه موسوی نـوشت: «بسـیاری از هـمان کسـانی کـه بـا گـفتار و کـردار انحصارطلبانه و تمامت‌خواهانه خـود و انـحراف از مـعیارها و مـطالبات مورد نظر مردم، اسباب شکست حرکت اصلاح‌طلبانه را فراهم سـاختند، هم اکنون نیز بوی کباب به مشامشان رسیده و با هدف سـهم‌خواهـی بـه همراه نمایندگان، وزرا و مدیرانی که وصفش رفت، شما را احاطه کرده‌اند ولاجرم این شائبه را به وجود آورده‌اند که در صورت به قدرت رسـیدن مجدّد جنابعالی این افراد کماکان امید مردم را به ناامیدی مبدل خواهـند ساخت.»[۱]

مسؤولین بسیج دانشجویی دانشگاههای سراسر کشور نیز در بیانیه‌ای خواستار شدند که کاندیداها مـرزبندی خـود را بـا جـریانات افـراطـی و التقاطی مشخص کنند.»[۲] همچنین بسیج دانشجویی دانشگاه خواجه نصیر در نامه‌ای اعتراض‌آمیز خطاب به مـوسوی از جـلسات مـحرمانه وی بـا برخی عناصر غیر قانونی نهضت آزادی انتقاد کردند.»[۳]

اما با وجود هشدارهـای بسـیاری از صـاحب نـظران سـیاسی کشـور، موسوی همچنان از مشارکت و مجاهدین و نهضت آزادی حمایت کرد. وی در دانشگاه یزد در توجیه ارتباط برخی عناصر نهضت آزادی با ستاد خود، به وضعیت اوّل انقلاب این گروه، که هنوز ناشناخته بود متوسل شد و خیانتهای سه دهه اخیر آنـها راکـتمان کـرد. مـوسوی کـه در سـفرهای انتخاباتی خود به شهرهای مـختلف، در مـحافل و سـخنرانـیها، هـمواره

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۹.

۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۰.

۳- همان، ۱۳۸۸/۱/۳۰.

درباره رابطه با این گروههای تندرو مورد انتقاد قرار می‌گرفت، این‌بار در یزد با لحن بسیار تندی گفت: «هرجا می‌روم این را می‌پرسند و من هم توضیح می‌دهم. هرچه بیشتر بپرسید، من هم بیشتر توضیح می‌دهم و البته این به ضرر کسانی خواهد بود که اصرار بر این سؤال دارند. نهضت آزادی حزب معروف قبل از انقلاب است و انتخاب دولت موقت و حضور مرحوم بازرگان در آن نیز به در خواست شهید بهشتی بود. شهید بهشتی ما را به همراه چهار نفر از نهضت آزادی دعوت کرد و به آنها گفت که بیایید باهم یک حزب واحد تشکیل دهید. اما بعد اختلافاتی پیش آمد وصفها از هم جدا شد. اما هرگز از من نخواهید شنید اعضای نهضت آزادی را به عنوان شهروند این نظام قبول نداشته باشم. باز هم این سؤال را بپرسید، من همین پاسخ را می‌دهم. من با آنها اختلاف دارم اما آنها را نیز شهروند جمهوری اسلامی می‌دانم.»[۱]

محسن آرمین (سخنگوی سازمان مجاهدین) حضور موسوی را چالشی برای اصولگرایان توصیف کرد و گفت: «همواره مهمترین تبلیغات جریان محافظه کار علیه اصلاح‌طلبان این بوده که اصلاح‌طلبان به ارزشهای انقلاب پایبندی لازم را ندارند، صرف نظر از این‌که این درست است یا غلط، ولی همواره مطرح بوده و جریان محافظه کار همواره کوشیده خود را متولی آرمانهای نظام و ارزشهای دینی بداند. اما اکنون معرفی مهندس موسوی از سوی اصلاح‌طلبان به عنوان کاندیدای مورد

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۳۰.

حمایتشان، جریان محافظه کار را بشدّت با مشکل مواجه کرده است.»[۱] محمدرضا خاتمی (نائب رئیس مجلس ششم) در خصوص اصلاح‌طلب بودن موسوی اظهار داشت: «قسم می‌خورم که مهندس موسوی به آرمانهای اصلاحات وفادار است.»[۲] در همین حال میرحسین موسوی نیز بیان داشت: «با همه اصلاح‌طلبان دوست هستم و آنها نزدیک‌ترین دوستانم هستند و از حمایت‌شان استقبال می‌کنم.»[۳]

جمیله اشکوری (مشاور امور زنان کروبی) نیز با تحلیل نحوه اعلام کاندیداتوری موسوی برای فراگیر شدن چتر طرفداران پرداخت و گفت: «موسوی ابتدا به دلیل دامنه گسترده طرفدارانش بدون تابلو وارد صحنه انتخابات شد. اما در ادامه تابلوی اصولگرای اصلاح‌طلب را به دست گرفت.»[۴] غلامحسین کرباسچی (رئیس ستاد انتخاباتی کروبی) نیز با انتقاد از موسوی خطاب به وی گفت: «این‌که ما از حوض گرم رادیکالیزم ناگهان به حوض سرد اصولگرایی شیرجه بزنیم خیلی بد است. ولی بدتر از آن این است که بخواهیم یک پا در حوض اصولگرایی و یک پا در حوض رادیکالیزم شنا کنیم. این کار نشدنی است.»[۵]

اعظم طالقانی (عضو گروهک ملی مذهبی) در گفتگو با سلام نیوز ضمن تذکر به موسوی برای عدم گرایش به سمت اصولگرایان بیان داشت: «موسوی نباید به رأی اصولگرایان دل ببندد. این یک اشتباه

۱- ایران، ۱۳۸۸/۲/۱۶.
۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۱.
۳- همان.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۹.
۵- همان.

تاریخی است، چون آنها تصمیم دیگری دارند... بنده به لحاظ عقلانی آقای موسوی را بیشتر قبول دارم اما او باید بر تبلیغاتش بیفزاید، به پارکها برود و با مردم صحبت کند.»[۱] احمد نجابت (عضو شورای مرکزی جمعیت ایثارگران) با اشاره به تغییر موضع ۱۸۰ درجه‌ای موسوی و اظهارات وی گفت: «هرچند که میرحسین موسوی در زمان انقلاب چهره‌ای برجسته و مثبت داشت، اما حضور وی به صحنه سیاست کشور آن هم پس ازمدت بیست سال و اظهارات اخیر وی در خصوص علت حضورش، چهره‌ای دیگر از وی به نمایش گذاشت.»[۲] مجتبی شاکری (دبیر سیاسی جمعیت ایثارگران) نیز به نفوذ عناصر تندرو در کنار موسوی اشاره کرد و افزود: «میرحسین نیز مانند خاتمی هیچ اختیاری از خود ندارد و بازیچه دست دوم خردادی‌هاست.»[۳] این در حالی بود که حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران) قبلاً گفته بود «ما باید به آقای موسوی بگوییم چه مسیری را طی کند.»[۴]

سرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان، با اعلام حمایت رسمی مجمع روحانیون مبارز از موسوی، حمایت قاطع اصلاح‌طلبان از مهندس موسوی کامل گردید و چهره متفاوتی را از موسوی پس از بیست سال سکوت برجا گذاشت.

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۵.
۲- همان، ۱۳۸۸/۳/۶.
۳- همان.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۶.

تلاش برای ایجاد ضلع سوم

در حالی که بسیاری از اصلاح‌طلبان از مهندس موسوی حمایت می‌کردند و بر حمایت خود نیز پافشاری داشتند، مهدی کروبی از دیگر نامزدهای اصلاح‌طلبان که به شیخ اصلاحات نیز شهرت داشت، معتقد بود تعدد نامزدهای اصلاح‌طلبان می‌تواند موجب پیروزی آنان گردد. وی همواره بر این امر تأکید می‌کرد که باید از دوقطبی شدن انتخابات یعنی یک طرف احمدی‌نژاد و یک طرف موسوی پرهیز کرد. کروبی دوقطبی شدن انتخابات را زمینه پیروزی احمدی‌نژاد در همان مرحله اوّل انتخابات می‌دانست، سعی کرد تا خود را به عنوان نامزد دیگر اصلاح‌طلبان مطرح و اقبال گروههای اصلاح‌طلبان را به سمت خود معطوف سازد.

کروبی در حاشیه مراسم سالگرد آیت‌الله توسلی در خصوص تعدد کاندیداها در جریان اصلاح‌طلب گفت: «تعدد کاندیداها مانعی ندارد و من همیشه به هواداران توصیه کرده‌ام که از کاندیدای خود تعریف کنند، اما تخریب و تضعیف صورت نگیرد.» وی با رد این موضوع که تعدد کاندیداهای اصلاح‌طلبان موجب می‌شود این طیف در انتخابات آینده پیروز نشوند، تأکید کرد: «تعدد کاندیداها حداکثر موجب تقسیم رأی می‌شود. ولی اگر یک نفر از جریان مقابل در انتخابات حضور یابد، احتمال عدم پیروزی در جریان اصلاح‌طلب وجود دارد.» دبیرکلّ حزب اعتماد ملی در خصوص اجماع بین وی، خاتمی و موسوی گفت: «این‌که بخواهیم جلسه‌ای برگزار شود تا یک نفر از ما وارد عرصه شود، چنین

کاری صورت نگرفته و نخواهد پذیرفت.»[۱] کروبی همچنین در حاشیه نشست مجمع نمایندگان ادوار گفت: «اگر انتخابات دو قطبی شود، احمدی‌نژاد در مرحله اوّل رأی خواهد آورد.»[۲]

محمد رضا خباز (عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی) با رد حمایت همه‌جانبه اصلاح‌طلبان از موسوی اظهار داشت: «از ۱۸ گروه و حزب اصلاح‌طلب که در جبهه اصلاح‌طلبان قرار دارند تنها این ۴ حزب (مشارکت ـ مجاهدین ـ کارگزاران ـ روحانیون) به طور رسمی از میرحسین موسوی حمایت کرده‌اند و این به معنای حمایت همه جانبه از وی نیست.»[۳]

کروبی که پس از تشکیل حزب اعتماد ملی از تریبونهای متعدد دولت نهم را مورد انتقاد قرار می‌داد، در جریان انتخابات ریاست جمهوری آن را قوّت بخشید. وی که برای تبلیغات انتخاباتی و دیدار با مردم شهرهای مختلف کشور به استانها سفر می‌کرد، در عین حال از سفرهای استانی رئیس جمهور که از سال ۸۴ یعنی با روی کار آمدن دولت نهم آغاز گردیده بود، انتقاد کرده و اظهار داشت: «احمدی‌نژاد نباید به استانها سفر کند. وی باید برای افتتاح پروژه‌ها در استانها وزرا را بفرستد.» کروبی فراموش کرده بود احمدی‌نژاد رئیس جمهور است. وی معتقد بود احمدی‌نژاد باید همه کارهای خود را تعطیل کند و در دفترش در ساختمان پاستور بنشیند، چون برداشت تبلیغاتی می‌شود! این در حالی بود

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۱/۲۶. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۲/۷.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۷.

که عباس کعبی (عضو حقوقدان شورای نگهبان) از عدم منع قانونی برای فعالیتهای معمول مقامات مسؤول خبر داد. وی سفرهای استانی رئیس جمهور را تخلّف انتخاباتی ندانست و گفت: «فعالیتهای معمول مقامات مسؤول دارای منع قانونی نیست و تا زمانی که تبلیغات در جهت رویه عادی است منع قانونی وجود ندارد.»[۱]

کروبی در دیدار با جمعی از هنرمندان و فعالان رسانه‌های جمعی استان قم اظهار داشت: «متأسفانه شرایط حاضر به هیچ عنوان مطلوب نیست و همه صاحب‌نظران سیاسی، اقتصادی، سیاست خارجی و اجتماعی نیز بر ضرورت تغییر وضع موجود تأکید دارند و همگی نگران وضعیت حاضر هستند. اما باید بدانیم که پیروزی دولت نهم تقصیر خود ما بود.»[۲]

با انتخاب غلامحسین کرباسچی (شهردار سابق تهران) به عنوان رئیس ستاد انتخاباتی کروبی، فعالیتهای انتخاباتی کروبی وارد مرحله جدیدی شد. کرباسچی که به عنوان دبیرکلّ حزب کارگزاران فعالیت می‌کرد، دارای سوابق پر فراز و نشیب در ذهن اقشار مختلف جامعه بود. حضور وی به عنوان رئیس ستاد انتخاباتی کروبی در حالی بود که حزب کارگزاران از کاندیداتوری موسوی حمایت می‌کرد. این موضوع باعث تشنج در جلسه کارگزاران و پیچیده‌تر شدن اوضاع شد.

مهدی کروبی که با اعلام کاندیداتوری خود به نظر می‌رسید آراء قابل

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۳۱.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۱/۲۱.

توجهی از اصلاح‌طلبان را به دنبال داشته باشد، با انصراف خاتمی و آمدن موسوی بسیاری از آراء را از دست داد. لذا کروبی به عنوان کاندیدای برتر نزد اصلاح‌طلبان واقع نشد. اطرافیان خاتمی و موسوی تلاش بسیاری کردند تا کروبی را منصرف سازند، اما کروبی مصرّ بر ماندن در صحنه انتخابات بود. کروبی که بیشتر در حاشیه قرار داشت، زمانی بیشتر مورد توجه دوباره قرار گرفت که از سخنرانی وی در برخی از دانشگاههای کشور (گرگان و همدان) ممانعت به عمل آمد. کروبی با انتقاد از این عمل، ضمن انتقاد دوباره از دولت نهم بیان کرد: «آقایان وقتی به امریکا می‌روند از آزادی در دانشگاههای ایران صحبت می‌کنند، اما در ایران به شیخ مهدی کروبی اجازه سخنرانی در دانشگاه نمی‌دهند.»[۱]

پس از اطلاع از این ماجرا رئیس جمهور در جلسه هیأت دولت ضمن تأکید بر این‌که احدی از مدیران دولتی حقّ ندارد در برنامه انتخاباتی کاندیداها دخالت کنند، بیان داشت: «افراد باید به جاهای مختلف بروند و دیدگاههایشان را بگویند و از هر فرصتی که مجاز است استفاده کنند. این زیبایی جمهوری اسلامی ایران است.» وی با اشاره به حفظ نشاط سیاسی کشور در آستانه انتخابات ریاست جمهوری گفت: «فضا باید هرچه پرنشاط‌تر باشد و بویژه در دانشگاهها گفتگو کنند و مردم نیز همه حرفها را بشنوند و با پختگی تمام تصمیم درست بگیرند.»[۲]

همچنین در پی اظهارات دکتر فیروزآبادی (رئیس ستاد نیروهای

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۲/۱۷.
۲- کیهان، ۱۳۸۷/۱۲/۲۰.

مسلح) مبنی بر این‌که «عده‌ای در تلاش هستند تا بین مردم و دولت فاصله بیندازند و این‌که دولت احمدی‌نژاد نشان داد، ریاست جمهوری ظرفیت کاری بالایی دارد و توانمندی و تحرک زیادی می‌طلبد و مناسب افراد بازنشسته و خیلی مسن نمی‌باشد»،[1] کروبی واکنش نشان داد و در نامه‌ای خطاب به دکتر فیروزآبادی از دخالت ایشان در انتخابات انتقاد کرد. وی در نامه خود نوشت: «شما به گونه‌ای سخن گفته‌اید که قرار است انتصابی صورت گیرد و مردم فهیم ایران نقشی در تعیین رئیس جمهور ندارند و یا آن که اکثریت مردم قادر به تشخیص واقعیتها نیستند و ارائه رهنمودهای حضرتعالی برای تشخیص رئیس جمهور مناسب، ضروری است.»[2] کروبی همچنین در خصوص اظهارات سردار جعفری (فرمانده کل سپاه پاسداران) مبنی بر تفکیک بین بسیجیان عادی و فعال و این‌که بسیجیان عادی می‌توانند در فعالیتهای سیاسی و انتخاباتی شرکت کنند، در واکنشی اعلام کرد «انتخاباتی می‌خواهیم که بسیج در آن نباشد.»

از سویی حامیان کروبی تلاش می‌نمودند تا وی را تنها نامزد اصلاح‌طلبان نشان دهند. در این باره اسماعیل گرامی مقدم در جمع خبرنگاران در ستاد کروبی در رشت، آرایش انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری را سه قطبی دانست و گفت: «دسته اوّل مجموعه اقتدارگرایان و حاکمیتها به معنای اصولگرایی است که جز طرفداران احمدی‌نژاد هستند. قطب دیگر تیپهای حکومتی اصلاح‌طلبی هستند که

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱/۱۸.
۲- اعتماد ملی، ۱۳۸۷/۱۱/۹.

صرفاً می‌خواهند با قدرت‌طلبی اصلاح‌طلبان در حاکمیت باشند. قطب سوم جناح چپ کسانی هستند که از کروبی حمایت می‌کنند که اولویت آنها اصلاحات است که همه اصلاح‌طلب واقعی و تکرارکننده شعار آن هستند.»[۱] وی در ادامه با اشاره به این‌که هنوز میرحسین موسوی خود را اصلاح‌طلب مطلق معرفی نکرده است، اظهار داشت: «میرحسین موسوی خود را اصلاح‌طلب با نگاه اصولگرایی می‌نامد. اما خط کروبی کاملاً با اصولگرایان جداست.»[۲] همچنین جمیله اشکوری (مشاور امور زنان کروبی) بیان داشت: «با توجه به کمتر از ۱۱ روز مانده به انتخابات ریاست جمهوری به نظر می‌رسد آرای کروبی در مقایسه با میرحسین موسوی در سطح بالاتری قرار دارد و نسبت به وی سبقت گرفته است.»[۳]

از سوی دیگر اختلافات میان اصلاح‌طلبان بر سر معرفی کاندیدای واحد همچنان ادامه داشت.

پس از آن که مجمع روحانیون مبارز ـ که مهدی کروبی ۱۸ سال دبیرکلّ آن بود ـ از میرحسین موسوی حمایت کرد، کروبی از این تصمیم بشدّت عصبانی شد و اعضای آن بویژه سیدمحمد خاتمی را مورد سرزنش قرار داد. کروبی معتقد بود که حمایتهای وی در مجمع موجب رئیس جمهور شدن خاتمی در سال ۷۶ گردیده است و اگر او نبود اصلاحات این‌قدر پیشرفت نمی‌کرد. کروبی پس از حمایت مجمع از میر حسین با قاطعیت تمام اعلام کرد که به هیچ وجه به نفع موسوی کنار

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۵. ۲- همان.
۳- خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۸/۳/۱۳.

نمی‌رود و تا آخر در صحنه می‌ماند. در همین باره غلامحسین کرباسچی (رئیس ستاد کروبی) با اشاره به زحمات کروبی برای خاتمی در سال ۷۶ گفت: «متأسفانه با برخی حرکتها این تلاش طولانی کروبی قدر شناخته نشد. جمعی از دوستان حاضر نبودند، حتی ایشان را در لیست انتخاباتی خود (مجلس ششم) قرار دهند یا حتی در مجلس بحث این را وسط کشیدند که وی رئیس نشود و این بی‌مهری تاریخی است...»[۱] کرباسچی در خصوص دو دستگی در حزب متبوعش بر سر حمایت از کروبی یا موسوی نیز گفت: «این توافق همه اعضای حزب بود. چون قبل از آقای موسوی، من با آقای کروبی بودم و ایشان به هر حال جزو بزرگترین نیروهای اصلاح‌طلب هستند، برای تقویت جبهه اصلاح‌طلبان قرار شد من به ستاد آقای کروبی بیایم.»[۲] مهدی کروبی خاطره انتخابات ۸۴ را هرگز فراموش نمی‌کند در جمع دانشجویان دانشگاه آزاد کرج ضمن انتقاد از تندرویهای برخی از اصلاح‌طلبان گفت: «از ضعف دولت اصلاحات بود که حقّ من ضایع شد. اگر از اتفاقات صورت گرفته به من گزارش می‌شد، مطمئناً حقّم را می‌گرفتم.»[۳]

اما از سوی دیگر برخی اصلاح‌طلبان معتقد بودند که خودخواهی کاندیداهای اصلاح‌طلب موجب شکست در انتخابات نهم شده است. در این رابطه میر اعظم هاشمی (دبیر حزب کارگزاران استان فارس) گفت: «کروبی معروف به شیخ اصلاحات است و هیچ شخصی نیز در

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۳۱. ۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۴.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۰.

اصلاح‌طلب بودن وی شکی ندارد، ولی پرچمدار اصلاحات کارگزاران است. ولی حالا هرکسی یک پرچمی روی دوشش گرفته و می‌گردد. شکست دوره نهم معلول خودخواهی کاندیداهای اصلاح‌طلب است.»[۱]

در حالی که دو عضو مجمع روحانیون مبارز یعنی خاتمی و انصاری از مخالفت خود با بررسی مجدّد مجمع برای حمایت از کروبی خبر دادند، شورای هماهنگی جبهه اصلاحات نیز از کروبی حمایت نکرد و به سمت موسوی رفت.

مهدی کروبی نیز در مصاحبه‌ای وعده کرد که هفته آخر انتخابات علت عدم حمایت اصلاح‌طلبان بویژه مجمع روحانیون مبارز از نامزدی خود را در انتخابات ریاست جمهوری قبلی و آتی روشن کند و توضیح دهد.

در همین حال سعید حجاریان (تئوریسین جبهه دوم خرداد) ضمن انتقاد شدید از کروبی به دلیل عدم کناره گیری از انتخابات گفت: «هرگز نمی‌گذارم اصلاح‌طلبان از وی حمایت کنند. غضنفری به نام کروبی وجود دارد که نه به شورای حکمیت و نه به نظرسنجی و نه به هیچ مکانیسمی تن نمی‌دهد و تحت هیچ شرایطی و عنوان حاضر به کناره گیری نیست.»[۲] اما علیرضا صادقی (عضو شورای عالی حزب همبستگی) از احتمال قریب‌الوقوع انصراف کروبی به نفع موسوی خبرداد. وی گفت: «مطمئن هستم کروبی به نفع موسوی کنار می‌کشد. باتوجه به مناسب‌تر

۱- کیهان ۱۳۸۸/۲/۳.

۲- همان، ۱۳۸۸/۱/۳۱.

بودن زمینه رأی برای میرحسین نسبت به کروبی این موضوع سبب خواهد شد، کروبی که خود همواره برای پیروزی اصلاح‌طلبان پیشگام بوده در فرصتی مناسب به نفع میرحسین کناره گیری کند.»[1] سید محمد خاتمی نیز با بیان این‌که کروبی انسان ارزشمندی است، اما به حمایت از موسوی پرداخته و گفت: «معتقدم وظیفه ما این است که کسانی که روش و راه درست‌تری دارند را تقویت کنیم. مهندس موسوی کسی است همه ما دلمان می‌خواست به عرصه بیاید، حالا آمده و این را غنیمت بشماریم. آقای موسوی دلایلی داشتند که اصل آنها برایم قانع‌کننده است. هیچ‌گونه تعارضی بین ما وجود نداشت.»[2] محسن میردامادی (دبیرکلّ حزب مشارکت) با اشاره به تجربه تلخ انتخابات نهم بیان داشت: «امروز هدف ما این است که حد امکان کارهای اجمالی در مجموعه اصلاح‌طلبان داشته باشیم و از کاندیدایی حمایت کنیم که زمینه رأی بالایی دارند.»[3]

این اظهار نظرها و کشمکشها بر سر کروبی و موسوی در حالی انجام می‌شد که یأس و ناامیدی در طیف اصلاح‌طلبان را دو چندان می‌کرد. عزّت‌الله سحابی (عضو گروهک ملی مذهبی) در اظهاراتی ناامیدی خود را از اوضاع این چنین وانمود کرد که: «هیچ وقت نباید به این موضوع دلخوش بود که به عنوان مثال اکثریت مجلس با احمدی‌نژاد به نوعی تقابل رسیده یا توانایی دولت ایشان از جمله سیاسی و تبلیغاتی را دست گرفت. از نظر سیاسی پیروزی مجدّد احمدی‌نژاد بسیاری از نیروهای مخالف را

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۳.
۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۸.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۲/۸.

دچار سرگشتگی و ناامیدی می‌کند و باعث می‌شود آنها بیشتر کنار بکشند.»[۱] علیرضا رجایی (عضو دیگر ملی مذهبی) نیز ضمن اعتراف به اختلاف میان اصلاح‌طلبان گفت: «باتوجه به عدم هماهنگی بین نیروهای اصلاح‌طلب واختلافهایی که بسیار واضح است، امکان شکست با کمال تأسف بالاست.»[۲] محمدرضا تاجیک (مشاور خاتمی و موسوی) در یک اعتراف مشکل بزرگ اصلاح‌طلبان را ۵ دهک پایین جامعه دانست.»[۳] حتی مهدی کروبی در جمع رؤسای ستاد انتخاباتی خود با حمله به دولت مبنی بر استفاده از بیت‌المال برای کارهای تبلیغاتی از سوی دولت اظهار کرد: «واقعیت این است اکنون همه امکانات در اختیار این جریان است و ما چیزی نداریم ... آنچه مسلم است دولت با شدّت و جدّیت کار می‌کند، ولی متأسفانه ما اکنون درگیر یک سری مسائل در درون مجموعه خودمان هستیم.»[۴]

از این اوضاع نابسامان اصلاح‌طلبان روز به روز افزایش پیدا کرده و حضور دو کاندیدا در جبهه اصلاح‌طلبان موجب تنشهایی بین آنها شد. علی‌رغم این‌که برخی از اصلاح‌طلبان معتقد بودند، کسانی در جبهه محافظه کاران در صدد ایجاد اختلاف میان اصلاح‌طلبان می‌باشند و کسانی که به اختلاف در میان اصلاح‌طلبان با وجود دو کاندیدا دل خوش کرده‌اند را متهم به خام‌اندیشی می‌کردند[۵] اما وقتی مهدی کروبی در

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۳.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۲/۳.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۳۱.
۴- همان.
۵- آفتاب یزد (داریوش قنبری)، ۱۳۸۸/۲/۱۵.

دانشگاه آزاد نجف‌آباد به سخنرانی مشغول بود، تعدادی از هواداران موسوی که از نماد سبز استفاده می‌کردند، جلسه سخنرانی کروبی را به تشنج کشاندند. کروبی در آن جلسه رو به هواداران موسوی گفت: «به دستور چند نفر که در خانه‌های تیمی در تهران می‌نشینند و تصمیم‌گیری می‌کنند و با عملکرد ناصوابشان کشور را به احمدی‌نژاد تقدیم کردند، گوش ندهید... دعوای ما به نفع احمدی‌نژاد است.»[۱] وی همچنین در ادامه گفت: «وجود میرحسین در انتخابات لازم و ضروری است، اما آیا این درست است که ما هم هوادارانمان را در جلسات ایشان بفرستیم و سؤال کنند که چرا این بیست سال نیامده؟»[۲]

سید محمد خاتمی پس از درگیریهای میان حامیان کروبی و موسوی با میانجیگری میان آنان بیان داشت: «خودمان به اسم خودمان نباید خدای نا کرده کاری بکنیم که سبب سوء استفاده دیگران شود و از ناحیه ما به تضعیف یکدیگر و نمایش دادن اختلاف بینجامد... این مسأله خطرناک است باید متوجه باشیم که این پوست خربزه بسیار خطرناکی است زیر پای ما گذاشته شده تا از ناحیه خود ماها ایجاد اختلاف شود.»[۳]

خاتمی که برای رسیدن اصلاح‌طلبان به نامزد مشترک برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری تأکید داشت، به خبرنگار ایسنا گفت: «به دو کاندیدایی که در عرصه هستند، گفته‌ام شایسته است به این نتیجه برسند که در انتخابات پیروز شویم و وحدت و تجمع آراء از این که چه کسی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۶.　　۲- همان.

۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۸.

روی کار باشد مهمتر است. خود دوستان و مردم هم می‌توانند این تشخیص را بدهند، کجا امکان رأی بیشتر است، یا حداقل باید به ساز و کاری برای جلوگیری از تفرق آراء رسید که در نهایت براساس آن تصمیم نهایی گرفته شود. شرایط امروز واقعاً حساس است. اگر معتقدیم وضع کنونی مناسب نیست، دیگر باید گلایه‌ها، کمبودها و اشکالات را کنار بگذاریم و حول مشترکات کنار یکدیگر جمع شویم.»[1] خاتمی همچنین در دیدار با برخی مسؤولین ستاد موسوی گفت: «الان وقت این است که اختلافات را کنار گذاشته و برای پیروزی این تفکر (گفتمان اصلاحات) آستینها را بالا بزنیم و با همه توان برای پیروزی اصلاحات تلاش کنیم.»[2]

تنها نامزد اصولگرایان

علی‌رغم تبلیغات وسیع و جنگ روانی جریان اصلاح‌طلب مبنی بر چندگانگی در جناح رقیب، که در گذشته نیز برخی تلاشهای آنان در این راستا بیان شد، اما در اردوگاه اصولگرایان همچنان سخن از حمایت از احمدی‌نژاد بود. غلامعلی حداد عادل (رئیس مجلس هفتم) ضمن اشاره به مفهوم اصولگرایی، از احمدی‌نژاد حمایت کرد و گفت: «اصولگرایان برای این‌که راه را گم نکنند، باید فراموشکار نباشند و باید دائماً تجربه تلخ سالهای قبل (۷۶-۸۴) در خاطرشان باشد و از یاد نبرند که اصولگرایی برای چه به وجود آمد... ما مفهوم اصولگرایی را مدیون مقام معظّم

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۷.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۲/۱۰.

رهبری هستیم. ایشان در یکی از دیدارهای خودشان در سه سال پیش رسماً اصولگرایی را تبیین نمودند. این صحبت رهبری به این معنا نبود که رهبری می‌خواست خودش را در یکی از جناحهای سیاسی جامعه قرار دهد؛ چون شأن و جایگاه رهبری بالاتر از آن است. در واقع رهبری آن‌جا اظهار نظر می‌کند که بخواهد اسلام و انقلاب اسلامی را از غیر آن جدا کند. رهبری برای صیانت از آن ماهیت اصلی و جوهره انقلاب بود که به تشریح گفتمان اصولگرایی پرداختند.»[۱] وی همچنین در جای دیگری اشاره کرد که اصولگرایان با یک کاندیدا وارد عرصه انتخاباتی ریاست جمهوری خواهند شد.

محمدجواد لاریجانی از فعالان سیاسی در گفتگو با ایسنا ضمن بررسی وضعیت اصولگرایان، فعالیت حزبی کروبی را نوعی نوآوری دانسته و ضمن پیش‌بینی یک رقابت جدّی در عرصه انتخابات ریاست جمهوری آتی، از احمدی‌نژاد به عنوان فردی بسیار باهوش و کسی که جیک و پیک پیشرفت کارها را بهتر از هرکس دیگری متوجه می‌شود، نام برد.[۲] حجة‌الاسلام شجویی (عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز) نیز با مثبت ارزیابی کردن عملکرد دولت نهم، شانس پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری را بیشتر ارزیابی کرد.[۳]

حجة‌الاسلام دکتر مرتضی آقا تهرانی (رئیس مجمع نمایندگان تهران) در گفتگو با ایلنا با اشاره به انجام سفرهای استانی احمدی‌نژاد اظهار

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۷. ۲- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۲.

۳- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۲۵.

داشت: «رأی جدّی مردم به سمت احمدی‌نژاد است.»[۱] جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با ذکر سابقه جریان دوم خرداد بر حمایت همه اصولگرایان از دولت نهم تأکید کرد.[۲] آیت‌الله محمد یزدی (رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) از ارتباط گرم دولت نهم با مراکز حوزوی خبر داد و گفت: «در شرایط فعلی من هیچ مجوزی برای عبور از احمدی‌نژاد نمی‌بینم.»[۳]

در همین راستا علی اسفندیاری (دبیر شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی) با اشاره به کاندیداتوری خاتمی بیان داشت: «حضور خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری، اصولگرایان را در حمایت از احمدی‌نژاد منسجم‌تر کرده و شانس پیروزی کاندیدای واحد این جبهه را افزایش می‌دهد.»[۴]

دکتر مهدی کوچک‌زاده (عضو فراکسیون اصولگرایان مجلس هشتم) در گفتگو با ایرنا ضمن حمایت از دکتر احمدی‌نژاد از عدم تأثیر حضور افرادی خاص در اصلاح‌طلبان بر تصمیم‌گیری اصولگرایان خبر داد. وی اظهار کرد: «مهم نیست چه کسی از سوی اصلاح‌طلبان نامزد می‌شود، در هر صورت این موضوع در جریان تصمیم‌گیری اصولگرایان تأثیری ندارد. خاتمی چه بیاید چه نیاید، هیچ تأثیری بر تصمیم‌گیریهای جریان اصولگرا در جریان انتخابات ریاست جمهوری ندارد.»[۵]

۱- کیهان، ۱۳۸۷/۱۰/۲۹.
۲- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۳۰.
۳- همان، ۱۳۸۷/۱۱/۱.
۴- همان، ۱۳۸۷/۱۱/۲.
۵- کیهان، ۱۳۸۷/۱۱/۲۱.

پرویز سروری (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با خبرگزاری فارس با اشاره به گفتمان خاتمی در انتخابات دهم گفت: «به نظر بنده ورود خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری دهم یک خطای بزرگ است، چرا خاتمی هشت سال تجربه عملی را در کارنامه دارد و مردم نیز وی را بخوبی می‌شناسند و چنین فردی نمی‌تواند بعد از هشت سال اعلام کند که همه شعارهای گذشته‌ام اشتباه بوده و قصد دارم گفتمان جدیدی را مطرح کنم.»[۱] محمد عظیمی (سخنگوی جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی) نیز احمدی‌نژاد را مصداق کاندیدای واحد اصولگرایان معرفی کرد.[۲] الیاس نادران (نماینده مجلس هشتم) در اظهاراتی تأکید کرد: «هیچ اصولگرایی مانند احمدی‌نژاد قدرت جذب رأی مردم را ندارد.»[۳] محسن کوهکن (نماینده مجلس هشتم) نیز از حمایت ۱۴ تشکل عضو جبهه پیروان خط امام و رهبری از احمدی‌نژاد خبر داد.»

حمید رسایی (نماینده مجلس هشتم) ضمن حمایت از احمدی‌نژاد گفت: «جبهه اصولگرایان با توجه به این‌که کاندیدای موجودش دکتر احمدی‌نژاد از مقبولیت در بین مردم برخوردار است، خیلی خود را در فشار نمی‌بیند.»[۴] غلامرضا مصباحی مقدم (نماینده مجلس هشتم) ضمن مثبت ارزیابی کردن عملکرد دولت نهم و رویکرد عدالت محور آن بیان داشت: «در توزیع ثروت، آقای احمدی‌نژاد خط مشی رسیدن به نقطه عدالت را دنبال کرده و سقف و کف درآمدهای بخش دولتی را به هم

۱- همان.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۸.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۰.
۴- همان، ۱۳۸۸/۱/۲۴.

نزدیک کرد.» وی با حمایت از دکتر احمدی‌نژاد گفت: «انتقادات سر جای خود. خیلی به رئیس جمهور انتقاد می‌کنند ولی در مسأله سیاسی مهمی مانند انتخابات هیچ یک از گروههای اصولگرا آقای احمدی‌نژاد را رها نمی‌کنند که به حمایت از موسوی بپردازند.»[۱]

محمد خرسند (عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی) احمدی‌نژاد را رأی‌آورترین گزینه در میان کاندیداهای حاضر در عرصه انتخابات دانست و مهدی چمران (رئیس شورای شهر تهران) نیز با اشاره به نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: «مردم وقتی دیدند اعتقادات و ارزشهایشان از سوی برخی افراد مورد هجمه قرار گرفته، راه دیگری را انتخاب کردند. اقبال مردم به احمدی‌نژاد رأی به تفکر خدمت خالصانه بود.»[۲] علیرضا زاکانی (دبیرکلّ رهپویان انقلاب اسلامی) از حمایت خود از دکتر احمدی‌نژاد سخن گفت و افزود: «ما براساس یکسری استدلالها به آقای احمدی‌نژاد رسیده‌ایم و این مسأله‌ای نیست که بخواهد به خاطر نظر دیگران تحت‌الشعاع قرار گرفته و نظرمان تغییر کند.»[۳] علی فلاحیان (نماینده مجلس هشتم) ضمن بررسی آرایشات سیاسی نامزدها بیان داشت: «در حال حاضر صحنه انتخابات دوقطبی است و جهت‌گیری نیروهای اصولگرا به سمت احمدی‌نژاد است و مجموعه جریان مقابل پشت سر میرحسین موسوی قرار گرفته و مهدی کروبی کاندیدای سایه آنهاست.»[۴]

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۴.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکلّ جبهه پیروان خط امام و رهبری) از برگزاری جلسات با دکتر احمدی‌نژاد خبر داده و گفت: «در طی جلساتی که بین اعضای جبهه پیروان خط امام و رهبری و دکتر احمدی‌نژاد برگزار شده است، اعضاء با اکثریت آراء احمدی‌نژاد را برای نامزدی برگزیدند.» وی با اشاره به این‌که دکتر احمدی‌نژاد صحبتهای ما را با استقبال پذیرفت بیان کرد: «این که عده‌ای می‌گویند احمدی‌نژاد انتقادها را نپذیرفته تهمت بزرگی است.»[1]

محمد نبی حبیبی (دبیرکلّ حزب مؤتلفه اسلامی) با حمایت از دکتر احمدی‌نژاد، رأی به وی را تداوم اصولگرایی در زمینه عزّت جهانی جمهوری اسلامی دانست.[2] حسین فدایی (دبیرکلّ جمعیت ایثارگران) با اشاره به عملکرد مثبت دولت نهم از تلاش کانون فتنه برای نفی احمدی‌نژاد پرده برداشت. وی در این رابطه گفت: « کانون فتنه با القاء شرایط بحرانی به دنبال نفی احمدی‌نژاد است ... دستاوردهای اصولگرایان در دوره احمدی‌نژاد قابل توجه و بسیار خوب بوده است و سهم احمدی‌نژاد با رویکرد و برخی عملکردها در عدالت‌خواهی و خدمت‌رسانی به مردم در این میان قابل توجه است ... احمدی‌نژاد مناسب‌ترین گزینه برای استمرار گفتمان امام(ره) است.»[3]

لطف‌الله فروزنده (سخنگوی جمعیت ایثارگران) نیز از چرایی حمایت از دکتر احمدی‌نژاد گزارش داد و گفت: «برای عموم مردم تبیین می‌کنیم

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۷.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۴.
۳- همان.

که چرا احمدی‌نژاد گزینه مناسب برای ریاست جمهوری آتی است. دولت احمدی‌نژاد سعی کرده در راستای کاهش شکاف طبقاتی، رشد اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری و کنترل نقدینگی حرکت کند و سیاست‌گذاریها به نحوی بود که آثار رکود اقتصادی در غرب چندان در کشور به وجود نیامد... رویکرد دولت نهم رویکرد اصولگرایان و جهت‌گیری آن در دفاع از ارزشها بوده و بر مبارزه با نظام سلطه و رژیم صهیونیستی تأکید داشته است... ما معتقدیم حضور احمدی‌نژاد باعث استمرار گفتمان اصولگرایی و انقلاب اسلامی و یک ظرفیت است که باید از این ظرفیت به نحو احسن استفاده کنیم.»[۱]

شکوری راد (عضو شورای مرکزی حزب مشارکت) ضمن اعتراف به پیروزی احمدی‌نژاد در نظرسنجی‌ها گفت: «قبول داریم که احمدی‌نژاد در نظرسنجی‌های انجام شده در صدر قرار دارد و آرای او از میرحسین موسوی بیشتر است، اما احتمالهای فراوان دیگری هم در روند انتخابات وجود دارد.»[۲] محمدعلی نجفی (حامی کروبی) نیز در اظهاراتی گفت: «دلیل محکمی وجود ندارد در صورت کناره گیری یکی از نامزدهای اصلاح‌طلب به نفع دیگری، آرای او به نامزد دیگر گرایش پیدا کند. در صورت رقم خوردن مشارکت ۲۸ میلیون، احمدی‌نژاد پیروز خواهد شد.»[۳]

حجةالاسلام سالک (عضو جامعه روحانیت مبارز) نیز ضمن

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۷. ۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۴.

پیش‌بینی گفت: «پیش‌بینی می‌کنم که در انتخابات پیش رو رقابت بین موسوی و احمدی‌نژاد به دور دوم کشیده نمی‌شود، بلکه احمدی‌نژاد در دور اوّل رأی می‌آورد.»[۱]

صادق زیبا کلام (استاد دانشگاه) در مصاحبه‌ای ضمن پیش‌بینی پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات دهم، دلایل خود را چنین بیان کرد: «اگر ۲۰ میلیونی که اکثریت خاموش هستند شرکت نکنند و اگر همان ۱۰ میلیونی نفری که به هاشمی رأی دادند حساب کنیم قطعاً بخشی از کسانی که به احمدی‌نژاد رأی دادند، افرادی تحصیل کرده بودند و از شهرهای بزرگ، اینها ممکن است تعدادشان ۲ تا ۳ میلیون نفر برسد. پس حداکثر ریزش احمدی‌نژاد در میان قشر تحصیل‌کرده است! معلوم نیست که این ۳ میلیون هم به موسوی رأی بدهند. نتیجه می‌گیریم آقای احمدی‌نژاد توانسته‌اند آن ۳ میلیون رأی‌دهنده‌ای که از دست داده‌اند را با توجه به این‌که سفرهای استانی متعددی داشته‌اند، به دست آورند و رأی‌شان ۱۷ میلیون هم بیشتر می‌شود.»[۲]

همچنین در گفتگو با صدای آمریکا بیان داشت: «هرچه می‌گذرد من بیشتر مطمئن می‌شوم که اصلاح‌طلبان شانس زیادی برای رقابت با احمدی‌نژاد ندارند. متأسفانه اصلاح‌طلبان بیش از آن که به فکر پیروزی اصلاحات و این تفکر باشند به فکر پیروزی خودشان هستند.»[۳]

فاطمه آلیا (نماینده مجلس هشتم) با اشاره به ویژگیهای شاخص

۱- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۱.
۲- همشهری، ۱۳۸۸/۲/۲۱.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۳/۳.

احمدی‌نژاد گفت: «ویژگیهای شاخص احمدی‌نژاد، به عنوان یک مدیر اجرایی، پرکاری، خستگی‌ناپذیری، عشق و علاقه به خدمت، اعتقاد کامل به اجرای آرمانهای حضرت امام و مطالبات رهبری و ساده‌زیستی است.»[۱]

آیت‌الله مهدوی کنی (دبیرکلّ جامعه روحانیت مبارز) به دلایل عدم اعلام رسمی حمایت از دکتر احمدی‌نژاد اشاره کرد و گفت: «در جامعه روحانیت مبارز روالی برای تصمیم‌گیری وجود دارد که با رأی دو سوم اعضای حاضر موضوعات به تصویب می‌رسد. ما در رأی‌گیری که چندی قبل در ارتباط و معرفی و حمایت از آقای احمدی‌نژاد به عنوان کاندیدای جامعه روحانیت مبارز داشتیم، به اکثریت رسیدیم ولی به دو سوم نرسیدیم. اقلیتی هم که ۳ رأی کمتر داشت، رأی به سکوت دادند؛ و این سکوت به معنی نفی احمدی‌نژاد نبود. بلکه آنها نظرشان این بود جامعه روحانیت مبارز در این باره سکوت کند.» وی در ادامه ضمن حمایت از احمدی‌نژاد گفت: «اما نظر شخصی‌ام در بیان مصداق این است که بعد از جمع‌بندی به این نتیجه رسیده‌ام که آقای احمدی‌نژاد اصلح است و به ایشان رأی می‌دهم.»[۲]

دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس هشتم) با حمایت از دکتر احمدی‌نژاد حمایت خود را لازم و ضروری و دلیل حمایت خود را نگرانی از تکرار اتفاقات پس از دوم خرداد ۷۶ در کشور

۱- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۶. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۵.

دانست.

در پی اخبار کذب برخی روزنامه‌های مخالف دولت مبنی بر حمایت فقط ۸۰ نفر از نمایندگان مجلس از دکتر احمدی‌نژاد، روح‌الله حسینیان (نماینده مجلس هشتم) اظهار داشت: «چون در برخی از روزنامه‌ای مخالف مطرح شده بود که حامیان احمدی‌نژاد در مجلس فقط ۸۰ نفر هستند، برای رفع این ابهام طوماری به ازای ۲۰۵ نفر از نمایندگان آماده کرده‌ایم.»[1] این در حالی بود که برخی نمایندگان، مخالف اعلام رسمی موضع‌گیری نمایندگان بودند؛ ولی پس از انتشار خبر کذب این کار صورت گرفت.

همچنین فراکسیون اصولگرایان مجلس طی بیانیه‌ای اعلام رسمی خود را از کاندیداتوری احمدی‌نژاد اعلام کرد.[2]

علاوه بر اظهار نظرهای شخصیتهای مختلف مبنی بر حمایت از دکتر احمدی‌نژاد و همچنین پیش‌بینی پیروزی وی در انتخابات دهم، اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان ـ جامعه اسلامی کارگران ـ جمعیت ایثارگران ـ شورای هماهنگی معلمان ایران ـ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ـ جبهه پیروان خط امام و رهبری ـ حزب مؤتلفه اسلامی و جبهه متحداصولگرایان در بیانیه‌های جداگانه‌ای حمایت خود را از دکتر احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری آتی اعلام کردند.

در همین حال رسانه‌های مختلف خارجی و شخصیتهای سیاسی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۶. ۲- همان، ۱۳۸۸/۳/۳.

خارجی با بیان برخی ویژگیهای دکتر احمدی‌نژاد، انتخاب مجدّد وی را نگران‌کننده توصیف و در عین حال پیروزی احمدی‌نژاد را پیش‌بینی کردند.

مؤسسه صلح امریکا در گزارشی با عنوان تحلیل سیاست داخلی ایران، دورنمای انتخاب مجدّد احمدی‌نژاد را نگران‌کننده دانست.[۱]

روزنامه امریکایی هوستون کرانیکل طی مقاله‌ای شکست دادن احمدی‌نژاد را در انتخابات آتی، دشوار تلقی کرد.[۲]

وال استریت ژورنال در گزارشی نوشت: «با وجود تورم، مردم ایران همچنان احمدی‌نژاد را به عنوان چهره‌ای مناسب برای دوره بعدی انتخابات ریاست جمهوری تلقی می‌کنند.»[۳] روزنامه نیویورک تایمز به نقل از گزارشگر خود (راجر کوهن) می‌نویسد: «رقیب اصلی، احمدی‌نژاد است که بخت نخست پیروزی است. رئیس جمهوری موفق شد از ایران تصویری بسازد تا آن را به عنوان صدای محرومان در جهان بشناسند. او همچنین به برنامه هسته‌ای کشور سرعت بخشید و سبک و شیوه‌اش مورد پسند عامه است.»[۴] هفته‌نامه امریکایی تایم نیز با اشاره به سخنان باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا که گفته بود: «اگر ایران مشت گره کرده خود را باز کند، با تهران وارد مذاکره خواهد شد» بیان داشت: «عقل سلیم در این است که اوباما تا پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران هیچ اقدامی اتخاذ نکند، زیرا اگر امریکا خوش شانس باشد،

۱- کیهان، ۱۳۸۷/۱۰/۲.
۲- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۹.
۳- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.
۴- همان، ۱۳۸۷/۱۱/۲۵.

احمدی‌نژاد در انتخابات شکست می‌خورد و شاید شخصی که سابقه نزدیک شدن به غرب را دارد؛ روی کار بیاید.»[۱] این در حالی بود که شیمون پرز (رئیس رژیم صهیونیستی) قبل از آن به باراک اوباما توصیه کرده بود «تا قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایران از هرگونه مذاکره با این کشور پرهیزکند.»[۲]

نیما راشدان از عناصر ضد انقلاب در سایت رادیو زمانه می‌نویسد: «احمدی‌نژاد تنها رئیس جمهور ایران نیست. او بیش از چاوز و بشار اسد محبوب جریان مقاومت غرب ستیز، خصوصاً در خاورمیانه و جهان اسلام است. احمدی‌نژاد، خوشمان بیاید یا نیاید، نماد بین‌المللی مقاومت در برابر لیبرال دموکراسی جهانی است. واژگونی و محو حقیرانه و خفت‌بار آقای احمدی‌نژاد در انتخابات، تحقیر گفتمان مقاومت جهادی است و جایگاه او را از رهبر عربی ـ اسلامی مقاومت تنزل می‌دهد. دامنه ضربه به آبروی احمدی‌نژاد در شرایط بین‌المللی حاضر، فراتر از ایران است.»[۳]

نشریه وابسته به مؤسسه بلژیکی مطالعات استراتژیک خاورمیانه و جهان اسلام نیز در تحلیلی تأکید کرد: «شانس بالای احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری با توجه به محبوبیت گسترده وی در میان مردم، باعث نگرانی اصلاح‌طلبان در ماراتن نفس‌گیر انتخابات است.»[۴]

روزنامه تایمز لندن ضمن ارزیابی وضعیت موسوی، شانس

۱- کیهان، ۱۳۸۷/۱۲/۴. ۲- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۷.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۶. ۴- همان، ۱۳۸۸/۱/۲۴.

احمدی‌نژاد را برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری بیشتر دانست. دنیس راس مشاور ویژه وزیر خارجه امریکا در دیدار با برخی مقامات عرب بیان داست: «همه شواهد از پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات حکایت می‌کند؛ اما ممکن است با آرای ضعیف‌تر باشد.»[۱]

سازمان جاسوسی سیا امریکا در توصیه‌ای به اسرائیل از آنان خواست برای جلوگیری از پیروزی احمدی‌نژاد از هرگونه تهدید به حمله نظامی علیه ایران بویژه پیش از انتخابات ریاست جمهوری در این کشور دست بردارد.[۲]

پایگاه اینترنتی گلف نیوز در گزارشی از عملکردهای احمدی‌نژاد چنین نوشت: «احمدی‌نژاد مردی است که با محدود کردن برخی از امکانات شخصی برای خود مانند حقّ استفاده از هواپیمای مخصوص ریاست‌جمهوری و استفاده از ماشینهای مدل بالا، زندگی در خانه محقر و کوچک تهران، خوردن غذایی که با خود از خانه به سر کار می‌برد، ساده‌زیستی و دوری از تجملات و... موجب شده که در میان مردم عزیز و گرامی باشد. احمدی‌نژاد با استفاده از اندیشه و اتخاذ استراتژی زیرکانه و هشیارانه و ایجاد طرح دیپلماتیک دقیق توانست ایران را در منطقه به یک ابرقدرت تبدیل کند... سخنان احمدی‌نژاد همیشه با عمل همراه بوده است. او مرد عمل است و همیشه به سخنان خود جامه عمل می‌پوشاند. وی با فرستادن اوّلین ماهواره به فضا که به طور کامل در ایران

۱- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۲. ۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۳۰.

ساخته شده بود، رتبه ایران را در میان جهانیان ارتقاء داده و باعث سرافرازی مسلمانان جهان در مقابل امریکا و اسرائیل شد. اگر احمدی‌نژاد بار دیگر به رئیس‌جمهوری ایران انتخاب شود با ادامه برنامه هسته‌ای که اجرا کرده است، تعادل قدرت در خاور میانه را به هم خواهد زد و وی نیز در چشم مردم ایران به عنوان قهرمان ملی شناخته خواهد شد.»[1]

روزنامه امریکایی واشنگتن پست نیز این‌گونه نوشت: «علت این‌که احمدی‌نژاد این همه مورد حمایت و مَحبّت مردم است در دفاع وی از حقّ هسته‌ای ایران و این‌که او می‌خواهد ایران را به یکی از قدرتمندترین ملّتهای جهان تبدیل کند، نهفته است... این‌که احمدی‌نژاد در مورد هلوکاست تشکیک می‌کند و خواهان محو اسرائیل است، نیز یکی از علتهای عمده دیگری است که باعث می‌شود مردم وی را یک بار دیگر به عنوان رئیس‌جمهور خود انتخاب کنند. احمدی‌نژاد بارها نشان داده است که از غرب حمایت نخواهد کرد. احمدی‌نژاد بعد از این‌که پست ریاست جمهوری را بر عهده گرفت خطاب به آژانس انرژی اتمی اعلام کرد: «یا پلمپ تأسیسات هسته‌ای را جمع کنید یا خودمان آنها را می‌شکنیم و برایتان پست می‌کنیم.»[2]

دنیس راس (مشاور ویژه وزیرخارجه آمریکا) در دیدار با برخی مقامات عرب گفت: «همه شواهد از پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات حکایت می‌کند، اما ممکن است با آرای ضعیف‌تر باشد.»[3] روزنامه

۱- همان. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۵.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۲/۲۲.

صـــهیونیستی جـروز الم پست ضـمن بـررسی اوضـاع داخـلی ایـران در انتخابات ریاست جمهوری نـوشت: «نـتیجه بـررسیها و مـطالعاتی کـه از داخل ایران می‌رسد، مؤید احتمال پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات آتی است. اما در هفته‌های اخیر انتقاد به رویکرد تـندروانـه وی در سـیاست خـارجـی بـویژه دربـاره اسـرایـیل و کشـورهای غـربی از سـوی رقـیبان اصلاح‌طلب او افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است.»[۱]

سایت اینترنتی دویچه وله آلمان نیز ضمن تـخطئه سـیاستهای دولت احمدی‌نژاد این‌گونه مرقوم کرد: «با وجود این به نـظر رسـانه‌های غـربی شانس احمدی‌نژاد برای پیروزی بالاست... اروپا امیدوار است بـا روی کار آمدن رئیس‌جمهوری دیگر بتواند جمهوری اسلامی را به مـتوقف کردن برنامه اتمی قانع کند. احـمدی‌نژاد در ایـن زمـینه حـریفی سـخت است.»[۲]

این سایت به تحلیل روزنامه‌های هندزبلات و تایمز استناد کرده و به نقل از تایمز لندن نوشت: «شانس بالای احمدی‌نژاد به خاطر آن است که او در ۴ سال گذشته غرور ملی ایرانیان را در عـرصه جـهانی تـرمیم کـرد. باتوجه به ضربه‌هایی که به غرور مـلی ایـرانـیان وارد شـده بـود، او قـول می‌دهد سرسختانه با استکبار به رهـبری آمـریکا مـقابله کـند. قـدرتهای بزرگ بخوبی می‌دانند که با ادامه حکومت احمدی‌نژاد توافق بر سر برنامه هسته‌ای ایران غیر ممکن است.»[۳]

۱- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۸. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۴.
۳- همان.

همچنین سایت گلف نیوز ضمن تحلیل انتخابات ایران نوشت: «احمدی‌نژاد پیروز نهایی انتخابات ایران است.»[۱]

روزنامه انگلیسی گاردین در گزارشی پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات را به نفع غرب دانسته و نوشت: «تاریخ به غرب ثابت کرده است احمدی‌نژاد به هیچ وجه با غرب کنار نمی‌آید ولی اصلاح‌طلبان موضع نرم و خنثی‌تری در مقابل غرب دارند.»[۲]

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار سلطنت‌طلب) با حمله به احمدی‌نژاد و متهم کردن وی به سرکوب نهادهای مدنی گفت: «او رژیم را قوی کرد ... جمهوری اسلامی امروز مانند گذشته به غرب باج نمی‌دهد. اکنون حاکمیت یکپارچه شده و غرب مثل گذشته نمی‌تواند از اختلاف اصولگرایان و اصلاح‌طلبان بهره‌برداری کند... دولت امریکا با هر نگرشی مجبور به کنار آمدن و سازش با احمدی‌نژاد است. اگر در انتخابات قبلی کسی دیگر به جای احمدی‌نژاد روی کار می‌آمد، مجبور می‌شد با غرب سازش کند.»[۳]

با نزدیکتر شدن زمان برگزاری انتخابات دهم تحرکات جدیدی در داخل و خارج از کشور برای جلوگیری از انتخاب مجدّد احمدی‌نژاد شکل گرفت. در خارج از کشور دشمنان دیرینه انقلاب اسلامی ضربات سختی را از مردم انقلابی ایران خورده بودند و بویژه پس از روی کار آمدن دولت نهم، آمال و آرزوهای خود را بر باد رفته می‌دیدند، برآن

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۰. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۱.

شدند تا با استفاده از رسانه‌های جمعی خود حجم حملات خود را علیه دولت نهم و شخص احمدی‌نژاد چندین برابر کنند و بدین ترتیب با حذف نام احمدی‌نژاد راه خود را در رسیدن به اهداف شومشان هموارتر کنند. رضا سراج (رئیس سازمان بسیج دانشجویی) در دیدار با دانشجویان با اشاره به نتایج تحقیقات مرکز مطالعات سیاسی رژیم صهیونیستی گفت: «این مرکز پس از پیروزی گفتمان اصولگرایی در انتخابات ۸۴ اعلام کرد که بهترین راه مقابله با برنامه هسته‌ای ایران، تغییر ساختار سیاسی در ایران و بازگردان میانه‌روها و مصلحت‌گراها به قدرت است.» وی ضمن اشاره به سخن کسینجر (سیاستمدار برجسته امریکایی) که گفته بود: پیروزی اصولگرایان در سال ۸۴ را پایانی بر طرح خاورمیانه بزرگ می‌دانم»، اظهار داشت: «راهبرد جدید واشنگتن اعتبارزدایی از رهبری، برچیدن عمود ولایت فقیه، تجزیه، تحقیر و کنار زدن گفتمان انقلاب، امام و رهبری و در سطح پایانی خارج کردن معتقدان به این گفتمان از صحنه است.»[۱] در همین رابطه روزنامه تایمز انگلیس تنها راه متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران را شکست احمدی‌نژاد دانست.[۲] همچنین روزنامه لس‌آنجلس تایمز در مقاله‌ای به رقابتهای انتخاباتی ایران اشاره کرده و نوشت: «گروههای اصلاح‌طلب و محافظه کار به هم پیوسته‌اند و در پشت صحنه رقابت را به گونه‌ای هدایت می‌کنند تا از رسیدن احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری برای بار دوم جلوگیری کنند.»[۳]

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۴. ۲- همان.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

روزنامه لس‌آنجلس تایمز در دعوت خود به بسیج همگانی علیه احمدی‌نژاد نوشت: «اصلاح‌طلبانِ و حتی محافظه کاران به گرد هم جمع شده‌اند و جبهه‌ای را تشکیل داده‌اند تا در انتخابات بر احمدی‌نژاد غلبه کنند.»[1]

روزنامه الحیات چاپ لندن نوشت: «رئیس جمهور آینده ایران هرکس که باشد بهتر از احمدی‌نژاد خواهد بود.»[2]

مجله امریکایی نیوزویک ضمن تخریب دکتر احمدی‌نژاد نوشت: «میرحسین موسوی رأی‌آورترین کاندیدای ایران است.»[3] روزنامه عبری زبان هاآرتص رژیم صهیونیستی در گزارشی بیان کرد که وزارت خارجه این رژیم تبلیغات جهانی علیه احمدی‌نژاد و دولت وی را آغاز کرده است. این وزارتخانه با ارسال تلگراف محرمانه به تمامی سفارتخانه‌های تل آویو در خارج خواستار به راه انداختن تظاهرات گسترده، در مقابل سفارتخانه‌های ایران در سراسر جهان و پخش تصاویر جعلی از اعدام در ایران و شکنجه در زندانهای ایران شده است... این تبلیغات با هدف ضربه زدن به وجهه دولت احمدی‌نژاد و غیر دموکراسی نشان دادن وضعیت ایران انجام می‌گیرد.»[4]

تقی رحمانی (عضو گروهک نهضت آزادی) ضمن بیان این‌که رأی دادن به موسوی یا کروبی تفاوت چندانی ندارد، گفت: «مهم جلوگیری از

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۹.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان، ۱۳۸۸/۳/۲۰.

ادامه روند ریاست جمهوری احمدی‌نژاد است.»[۱] جمیله اشکوری (حامی کروبی) در یزد گفت: «اگر جوانان و دانشجویان نسبت به انتخابات بی‌تفاوت باشند وقایع ۴ سال گذشته در کشور تکرار خواهد شد.»[۲] همچنین محمدرضا خاتمی (نایب‌رئیس مجلس ششم) در بروجرد اولویت دولت موسوی را توقف روند کنونی در کشور دانست[۳] و در تعریف اصلاحات گفت: «اصلاحات یعنی انقلاب اسلامی و امام!».[۴]

محمد عطریانفر (عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران) در همایش موسوی ضرورت جامعه با اشاره به طرح دولت وحدت ملی مطرح شده توسط ناطق نوری گفت: «ناطق نوری اساساً همکاری با احمدی‌نژاد را حرام می‌داند و موسوی را همراهی می‌کند.» وی در ادامه با بیان این‌که طرفداران دیروز احمدی‌نژاد از وی امروز حمایت نمی‌کنند، خاطرنشان کرد: «اکبر ناطق نوری که احمدی‌نژاد و احمدی‌نژادها از نردبان وی بالا رفتند، اساساً همکاری با احمدی‌نژاد را حرام می‌دانند و موسوی را همراهی می‌کنند.»[۵] درپی این اظهارات، ناطق نوری سخنان عطریانفر در این همایش را تکذیب کرد.[۶]

مجموعه اصلاح‌طلبان نیز از ماهها قبل تلاش بسیاری برای جلوگیری از پیروزی مجدّد احمدی‌نژاد انجام دادند که می‌توان به سیاه‌نماییها و تخریبها، القاء ناکارآمدی دولت نهم اشاره کرد. سیدمحمد خاتمی در این

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۴.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۹.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۰.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۳.
۵- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۳.
۶- همان.

باره با تأکید بر این‌که نباید اجازه دهیم شرایط انتخابات ۸۴ تکرار شود، گفت: «اگر واقعاً بخواهیم آنچه در سال ۸۴ رخ داد را تکرار کنیم، اوّلاً ما باید خودمان را ملامت بکنیم، چون مردم آن دفعه هم به صحنه آمدند و سر جمع در مرحله اوّل حدود ٦٠ درصد آراء را به اصلاح‌طلبان دادند اما نتیجه چه شد که وضعیت دیگری پیش آمد؟آیا می‌خواهیم این وضع تکرار شود؟»[1]

عیسی سحرخیز (حامی کروبی) نیز با ارزیابی انتخابات ریاست جمهوری اظهار داشت: «باید همچنان راهبرد حذف احمدی‌نژاد را دنبال کنیم.»[2]

فائزه هاشمی رفسنجانی در مراسم سالگرد دوم خرداد که با حضور سید محمد خاتمی در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی برگزار شد، ضمن تخریب احمدی‌نژاد از ملّت خواست که «تلاش کنند تا این چهار سال دوباره تکرار نشود و دوباره برنگردد.»[3] در این مراسم از مجری برنامه گرفته تا بازیگران و کارگردانان مدعو مراسم و جمعیت داخل سالن با سخنان و حرکات زننده خود، بی‌سابقه‌ترین اهانتها و فحاشیها را علیه احمدی‌نژاد در آستانه برگزاری انتخابات دهم انجام دادند. در این مراسم عاتقه صدیقی (همسر شهید رجایی) ضمن انتقاد از احمدی‌نژاد، در میان سوت و کف حضار، موسوی را شبیه‌ترین فرد به شهید رجایی دانست. وی در همایش فرهنگیان استان اصفهان با تأکید دوباره بر حرف خویش،

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۷.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱٦.
۳- همان، ۱۳۸۸/۳/۳.

خطاب به احمدی‌نژاد گفت: «آقای احمدی‌نژاد! به پایان راهی بیندیشید که درپیش گرفته‌اید.»[۱]

عطاءالله مهاجرانی (وزیر ارشاد دولت اصلاحات) در نشست انتخاباتی انجمن اسلامی دانشجویان در لندن با انتقاد از سیاستها و عملکردهای دولت نهم گفت: «من به عنوان یک تحصیل‌کرده در مسائل تاریخی می‌توانم بگویم دولت احمدی‌نژاد ضد تجربه‌ترین دولت تاریخ ایران بوده است... امیدوارم در انتخابات هر فرد دیگری غیر از احمدی‌نژاد انتخاب شود و این دوره که با احمدی‌نژاد آغاز شده تا چهار سال دیگر ادامه پیدا نکند.»[۲]

کرباسچی (رئیس ستاد انتخابات کروبی) در جمع حامیان کروبی در دانشگاه پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با اشاره به شعار تغییر کروبی گفت: «اگر از فرصت انتخابات استفاده نکنیم باید ۴ سال تأسف بخوریم.»[۳]

کلام هدایت

انتخابات در هر کشور نشانه مردم‌سالاری و شاخص وجود آزادی و معیار شرکت مردم در سرنوشت خود و علاقه‌مندی به نظام حاکم است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ به رهبری حضرت امام خمینی(ره) و استقرار نظام سیاسی جدید تحت عنوان جمهوری اسلامی ایران الگوی تازه‌ای را از مردم‌سالاری دینی به

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۳.
۲- همان، ۱۳۸۸/۳/۴.
۳- همان، ۱۳۸۸/۳/۹.

جهانیان عرضه کرد و آنها را تحت تأثیر خود قرار داد. در طول سی سال از عمر گرانمایه انقلاب اسلامی، انتخابات مختلفی در کشور برگزار گردیده است. بیگانگان علی‌رغم برخوردهای دوگانه همواره با حضور مشتاقانه مردم، در این صحنه نا کام مانده‌اند.

اصل حضور مردم در انتخابات و مشارکت با نشاط آنان، از اسلامی بودن نظام و پیوند عمیق مردم با ولایت نشأت می‌گیرد. حضور مردم در انتخابات، یک آزمایش الهی است که به سرنوشت اسلام در دنیای کنونی مرتبط است. انتخاب اصلح، آزمایش دیگری است که با توجه به معیارها و ملا کهای تعیین‌شده مصداق آن را پیدا کرده و انتخاب می‌کنند. تعابیری که توسط رهبر کبیر انقلاب اسلامی و رهبر معظّم انقلاب در خصوص انتخابات به کار گرفته شده است، نشان از اهمیت بالای انتخابات و ضرورت حضور حدا کثری مردم دارد و این مستقل از انتخاب چه فردی می‌باشد.

برخورداری مقام معظّم رهبری از صلاحیتهای علمی، اخلاقی، تقوایی، عدالت، فقاهت، در کنار اشراف همه‌جانبه ایشان به امور کشور و مصلحتهای نظام و انقلاب اسلامی و آگاه به این عرصه، همچنین اشرافیت کامل ایشان به ترفندها و توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی؛ ضرورت مراجعه به آراء ایشان را در عرصه مهمی چون انتخابات ریاست جمهوری بیش از پیش نمایان می‌سازد. بویژه آن‌که بخش عظیمی از مردم به واسطهٔ تکلیف شرعی که از ناحیه ولایت فقیه متوجه آنان می‌شود، در انتخابات شرکت می‌کنند.

معظّم له در خصوص انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در دیدارهای خود با اقشار مختلف جامعه بیانات مهم و ارزشمند و راه گشایی فرمودند که با توجه به اهمیت آن در این‌جا به گوشه‌ایی از سخنان ایشان می‌پردازیم:

انتخابات یک حقّ است

در اوّلین روز فروردین سال ۸۸ مقام معظّم رهبری طی سخنان مهمی در جوار بارگاه ملکوتی حضرت علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام نکاتی را در مورد انتخابات بیان نمودند:

«انتخابات در کشور ما حرکت نمایشی نیست. پایه نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه‌ها، انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد. این هم جز با انتخاب صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم‌سالاری، عامل پایداری ملّت ایران است. این‌که شما توانسته‌اید در طول این سی سال از نهیب ابرقدرتها نترسید، این‌که ابرقدرتها غیر از نهیب هم نتوانسته‌اند ضربه اساسی به شما بزنند، این‌که جوانان کشور در ورود به میدانهای گوناگون این شجاعت و اخلاص را نشان می‌دهند، ناشی از مردم‌سالاری دینی است؛ این را باید خیلی قدر بدانیم... انتخابات هم حقّ ملّت است، هم یک وظیفه ملی است. نظام جمهوری اسلامی، نظامهای انتصابی قدرتها را فسخ کرد و انتخاب مردم را در مدیریت کشور دارای نقش

کرد. این حقّ آحاد ملّت است که بتواند انتخاب کند و در تعیین مدیر کشور دارای نقش باشند. از سوی دیگر وظیفه هم هست. به خاطر این‌که این شرکت می‌تواند روح نشاط و احساس مسؤولیت را همیشه در کشور زنده نگه دارد و حضور مردم در صحنه را به رخ دشمنان این ملّت بکشد. انتخابات فقط یک وظیفه نیست، فقط یک حقّ نیست، هم حقّ شماست و هم وظیفه عمومی است ... یک رأی هم اهمیت دارد. هرچه انتخابات پرشورتر باشد؛ عظمت ملّت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد ... مسأله فقط یک مسأله سیاسی و فردی و اخلاقی محض نیست. یک مسأله همه‌جانبه است. انتخابات با سرنوشت مردم سر و کار دارد. بخصوص انتخابات ریاست‌جمهوری سپردن ریاست قوّه مجریه به دست یک نفر و یک مجموعه است ... یک مطلب هم خطاب به نامزدهای محترمی که یا تا به حال اعلام حضور کرده‌اند یا بعد از این اعلام حضور خواهند کرد عرض بکنم. کسانی که برای انتخابات خود را نامزد می‌کنند، بدانند که انتخابات یک وسیله‌ای است برای بالا بردن توان کشور، برای آبرومند کردن ملّت، انتخابات فقط ابزاری برای قدرت‌طلبی نیست. اگر بناست این انتخابات برای اقتدار ملّت ایران باشد، پس نامزدها بایستی به این اهمیت بدهند و این را در تبلیغاتشان، اظهاراتشان و در حضورشان رعایت کنند. مبادا نامزدها در اثبات فعالیتهای انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. رقابتها را منصفانه کنند، حرفها را منصفانه کنند، از جاده انصاف خارج نشوند. خوب به طور طبیعی هر نامزدی حرفی دارد و حرف مقابل خود را رد می‌کند، این رد و ایراد فی نفسه اشکالی ندارد؛ اما

مشروط بر این‌که تویش بی‌انصافی نباشد، کتمان حقیقت نباشد... در مورد موضع رهبری در مورد انتخابات؛، گمانه‌زنی و شایعه و اینها همیشه بوده و خواهد بود. بنده یک رأی دارم و آن را در صندوق می‌اندازم. به هیچ کس هم نخواهم گفت به چه کسی رأی داده‌ام و به چه کسی رأی بدهید یا رأی ندهید. این تشخیص مردم است. من از دولتها همیشه دفاع می‌کنم... منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیر منصفانه‌ای می‌شود، بیشتر دفاع می‌کنم... بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجویی از محرومین، از هر ایستادگی در مقابل ظلم و استکبار استقبال می‌کنم و از آن کسی که این کار راکرده است تشکر و سپاسگزاری می‌کنم. هر دولتی باشد، این وظیفه من است.»[1]

شاخصهای انتخاب اصلح

ایشان همچنین قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم در سفر خود به استان کردستان و دیدار با اقشار گوناگون این استان در مورد شاخصهای انتخاب اصلح در انتخابات ریاست جمهوری بیانات مهمی را ایراد نمودند. معظّمٌله در این باره فرمودند:

«من نسبت به شخص، هیچ‌گونه نظری ابراز نمی‌کنم. شاخصهایی وجود دارد. بهترین آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند. با

۱- سخنرانی در جمع زائران حرم مقدّس رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱.

مردم یگانه و صمیمی باشد. از فساد دور باشد. دنبال اشرافیگری خود نباشد. آفت بزرگ ما اشرافیگری و تجمل‌پرستی است. فلان مسؤول اگر اهل تجمل و اشرافیگری باشد، مردم را به سمت اشرافیگری و به سمت اسراف سوق خواهد داد. اینی که ما گفتیم امسال سال حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف است، یعنی سالی است که ملّت ایران تصمیم بگیرد که با اسراف مبارزه کند. نمی‌گوییم بکلّی و یکباره در طول یک سال، اسراف تمام بشود، نه؛ ما واقع‌بین‌تر از این هستیم. می‌دانیم این کار مال سالیان پی در پی است و باید کار بشود تا به این فرهنگ برسیم، باید این کار را شروع کنیم. یکی از اساسی‌ترین کارها برای این‌که ما جلوی اسراف را بگیریم، این است که مسؤولین کشور، خودشان، کسانشان، وابستگانشان، اهل اسراف و اشرافیگری نباشند. چطور می‌توانیم اگر خودمان اهل اسراف باشیم، به مردم بگوییم اسراف نکنید. اوّلین کار این است که ما مسؤولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این همه به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ بپرسید؛ و به آنچه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت اقدام کنید، با قصد قربت پای صندوق انتخابات بروید و خدای متعال اجر خواهد داد.»[۱]

۱- سخنرانی در اجتماع مردم سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.

نامزدها از روی انصاف و صدق و صفا تبلیغات کنند

نکته آخر در باب انتخابات این است که نامزدهای محترمی که تاکنون نام‌نویسی کرده‌اند و مشغول تبلیغات و اظهاراتی هستند ـ اگرچه حالا وقت قانونی هم نرسیده، اما تبلیغات می‌کنند، اشکالی ندارد ـ سعی کنند با انصاف عمل کنند. اثبات و نفی‌شان با توجه به حقّ و صدق باشد. چیزهایی را که انسان می‌شنود، باور نمی‌کند که از زبان نامزدها و آن کسانی که دنبال این مسؤولیت هستند، از روی صدق و صفا خارج شده باشد. گاهی انسان حرفهای عجیب و نسبتهای عجیبی می‌شنود. این حرفها مردم را نگران می‌کند، کسی را هم به گوینده این حرفها دلبسته و علاقه‌مند نمی‌کند! نامزدهای محترم توجه داشته باشند؛ اذهان عمومی را تخریب نکنند. این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب‌کننده اذهان مردم است. واقعیت هم ندارد. خلاف واقع هم هست. بنده که از همه این آقایان اوضاع کشور را بیشتر می‌دانم و بهتر خبر دارم. می‌دانم که بسیاری از این مطالبی که به عنوان انتقاد درباره وضع کشور و وضع اقتصاد و اینها می‌گویند، خلاف واقع است. اشتباه می‌کنند، ان شاءالله اشتباه است.»[۱]

معظّمٌ‌له در دیدار دانشگاهیان استان کردستان نیز ضمن بیان این‌که ایران اسلامی اکنون در سطح بین‌المللی دارای عزّت است، فرمودند:

«امروز یعنی در دوران سرافرازی ملّت ایران و نظام اسلامی، وقتی کسی جنایات آمریکا و صهیونیستها را در تریبونهای جهانی مطرح می‌کند،

۱- سخنرانی در جمع مردم سنندج، کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۲.

ملّتهای جهان از انقلاب اسلامی درس می‌گیرند و شجاع می‌شوند. اما متأسفانه در داخل عده‌ای احساس خجالت و شرمندگی می‌کنند. همان‌گونه که در رژیم طاغوت هم برخی از خواندن نماز در میان جماعت و در ملأعام احساس شرمندگی می‌کردند.»[1]

چه وقت مصیبت برای ملّت است؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه دیدار با مردم کردستان، در جمع صمیمی مردم بیجار، ملّت را به بیداری و هوشیاری فراخواندند و بیان داشتند:

«این آگاهی عمومی همچون تمامی صحنه‌های دیگر، در انتخابات نیز جلوه کند تا حضور آگاهانه ملّت مانع از سرکار آمدن کسانی شود که بخواهند در مقابل دشمن تسلیم شوند و آبروی ملّت را ببرند.»[2] ایشان در بیان معیارهای انتخاب اصلح اضافه کردند: **«اگر در پی انتخابات، کسانی در مراکز گوناگون سیاسی و اقتصادی روی کار بیایند که به جای ادامه راه امام(ره) و ترویج اصول و ارزشهای امام و انقلاب بخواهند با تملق‌گویی دولتهای مستکبر غربی به خیال خود موقعیتی برای ایران دست و پا کنند، این برای ملّت یک مصیبت است.»**[3]

رهبر انقلاب همچنین در دیدار با خانواده‌های دو شهید و بیشتر که در

۱- سخنرانی در جمع مردم سنندج، کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۸.

۲- سخنرانی در جمع مردم بیجار، همان، ۱۳۸۸/۲/۲۹.

۳- همان.

حسینیه امام خمینی (ره) برگزار شد، با تأکید بر پرهیز از تخریبها اظهار داشتند:

«دشمنان ایران و ایرانی افتخار به اسلام و ارزشهای اسلامی را نمی‌پسندند. بر همین اساس همه از جمله مسؤولان و همچنین نامزدهای انتخاباتی باید هوشیار باشند تا مبادا برای دلخوشی دشمنان سخنی بر زبان بیاورند.»[1]

ملّت ایران به اصول خود پایبند است

مقام معظّم رهبری در مراسم بیستمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در اجتماع باشکوه و بی‌نظیر مردم که دلیل آن هم نزدیکی ایام انتخابات دهم و مناظره شب گذشته احمدی‌نژاد و موسوی بود، ضمن تشریح مفهوم عزّت ملی و اعتماد به نفس ملی به عنوان رهنمود گرانقدر امام(ره) بیان کردند:

«حرکت سی ساله کشور در این زمینه، با فراز و نشیب همراه بوده، اما هیچ‌گاه متوقف نشده است و ملّت فهیم ایران با حفظ عزّت ملی در همه عرصه‌ها راه رسیدن به اوج اعتلا و پیشرفت را ادامه دهد و با اقتدار کامل به نقطه‌ای می‌رسد که دشمنان حتی جرأت تهدید او را نداشته باشند.» ایشان با انتقاد از کسانی که می‌گویند ملّت ایران خوار شده است، تأکید کردند: «آثار عزّت این ملّت بزرگ در مسائل مختلف جهانی نمایان است و حرف

۱- سخنرانی در جمع مردم بیجار، کیهان، ۱۳۸۸/۳/۴.

کسانی که می‌گویند ملّت ایران به علت پایبندی به اصول خود، از چشم دنیا افتاده است، ابداً قابل قبول نیست».[۱]

حرفهای دشمنان را تکرار مکنید!

در این مراسم که به شکل بی‌سابقه‌ای مردم در حضور مقام معظّم رهبری از دکتر احمدی‌نژاد حمایت می‌کردند و شعارهایی را مبنی بر حمایت از رئیس جمهور سر می‌دادند، رهبر انقلاب ملّت ایران را ملّتی عزیز، باهوش، بیدار و آزموده خواندند و افزودند:

«دشمن در صدد است با القای ناامیدی در مردم، نظام را از پشتوانه مستحکم خود یعنی آراء مردمی محروم کند و باکمال تأسف در داخل نیز افرادی از روی غفلت همان حرفهای دشمن را تکرار و عملاً به تحقق اهداف دشمن کمک می‌کنند که باید به حال آنها حقیقتاً تأسف خورد.»[۲]

ایشان تعیین مسؤولان نظام را از افتخارات ملّت ایران دانستند و تأکید کردند:

«بیگانگان در صددند این افتخار و سرافرازی را از ملّت بگیرند، اما هرکس به استحکام نظام و به اسلام و ملّت ایران علاقمند است عقلاً و شرعاً بر او واجب است که در انتخابات شرکت کند.»[۳]

۱- بیانات در سالگرد حضرت امام(ره)، مرقد مطهر آن حضرت، ۱۳۸۸/۳/۱۴.

۲- همان. ۳- همان.

مبادا اختلاف نظر به مجادله و اغتشاش بینجامد

معظّمٌله در ادامه سخنان مهم خود در خصوص انتخابات، حضور نامزدهای گوناگون با سلایق و شیوه‌های مختلف کاری و نیز طرفداری گروههای مختلف مردم از این نامزدها را جزو افتخارات نظام خواندند اما هشدار دادند:

«همه از جمله طرفداران سرسخت و متعصب نامزدها، مراقب باشند که این علاقه‌مندی به اصطکاک و اغتشاش منجر نشود و دشمن از ایمان و آرمان آنها سوء استفاده نکند.»[1] ایشان در همین زمینه به حضور برخی جوانان علاقه‌مند به نامزدها در خیابانها اشاره کردند و افزودند: **«در این مورد حرفی نمی‌زنم، اما مبادا این مسأله به مجادله و درگیری و اغتشاش بینجامد که اگر کسی اصرار بر این مسأله داشته باشد حتماً یا خائن است یا بسیار غافل.»**[2]

ایشان چهار نامزد انتخاباتی را به مراقبت کامل برای جلوگیری از بروز دشمنی و کینه توصیه مؤکد کردند و بیان داشتند:

«صحیح و مورد پسند نیست که یک نامزد در سخنرانی در جمع مردم و یا در نطقهای تلویزیونی برای اثبات خود، به نفی نامزد دیگر متوسل شود ... بنده با مناظره و گفتگو و انتقاد مخالفتی ندارم ولی همه سعی کنند که در چارچوب‌های درست شرعی و دینی انجام شود، مردم بیدارند، می‌فهمند و می‌دانند.»[3] مقام معظّم رهبری در بخش پایانی سخنان خود اظهار داشتند:

---

۱ و ۲ و ۳- بیانات در جمع زائران حرم حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸/۳/۱۴.

«بنده یک رأی بیشتر ندارم که کسی آن را نمی‌داند. ضمن این‌که به هیچ کس نمی‌گویم که به چه نامزدی رأی بدهد یا ندهد؛ چراکه این مسأله به خود مردم مربوط و متعلق به ملّت است. آنچه من از مردم می‌خواهم این است که همه با تمام قوا، توان و نشاط در ۲۲ خرداد پای صندوقهای رأی بروند.»[1]

محسن رضایی به صحنه می‌آید

در شرایطی که رایزنیهای بسیاری برای کاندیداتوری فردی از اصولگرایان غیر از احمدی‌نژاد و پروژه عبور از احمدی‌نژاد توسط تعدادی از سیاسیون تحت تأثیر القائات جریان اصلاح‌طلبی صورت گرفت، اما شواهد و قرائن حاکی از آن بود که این تلاشها به نتیجه نرسیده است. در همین راستا با توجه به زمزمه‌هایی مبنی بر احتمال کاندیداتوری برخی چهره‌های برجسته در بین اصولگرایان و تلاش برای حمایت از کاندیداتوری آنان، این افراد نامزدی خود را رد نمودند.

احمد ناطق نوری (برادر علی‌اکبر ناطق نوری) در این باره گفت: «هاشمی رفسنجانی ـ خاتمی و کروبی از ناطق نوری خواسته بودند نامزد انتخابات شود، اما وی نپذیرفت.»[2]

یکی از نزدیکان دکتر علی اکبر ولایتی (وزیر خارجه دولت سازندگی) از عدم تمایل وی برای کاندیداتوری خبر داد و گمانه‌زنی‌ها

۱- بیانات در مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸/۳/۱۴.

۲- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۳۱.

برای حضور وی در انتخابات آینده را شایعه دانست.[1] همچنین دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس مجلس هفتم) از نهایی شدن اجماع اصولگرایان بر سر نامزدی احمدی‌نژاد خبر داده و بیان داشت: «برای کاندیداتوری احساس تکلیف نمی‌کنم.»[2] دکتر علی لاریجانی (رئیس مجلس هشتم) که برخی از سیاسیون دوم خردادی از او به عنوان گزینه جدّی نامزدی انتخابات دهم یاد می‌کردند، بارها با صراحت اعلام داشت کاندیدا نمی‌شود. اگرچه دفتر رئیس مجلس هشتم در پی شایعات مطرح شده، مبنی بر اعلام کاندیداتوری لاریجانی و تشکیل جلسه با قالیباف و رضایی در خصوص بررسی راههای حضور در انتخابات آینده را تکذیب کرد،[3] اما محسن رضایی از رایزنی و گفتگو با این دو چهره مطرح خبر داد.

محسن رضایی که پس از سالها فرماندهی بر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دبیری مجمع تشخیص مصلحت منصوب شده بود، در صدد آن بود تا برای تغییر در وضعیت مدیریت کشور، لاریجانی یا قالیباف را به صحنه بیاورد. ولی پس از تکذیب لاریجانی و همچنین خالی کردن پشت قالیباف توسط دو تشکل اصلی جریان اصولگرایی یعنی جمعیت ایثارگران و جمعیت رهپویان که در انتخابات نهم به عنوان ستون فقرات ستاد انتخاباتی قالیباف محسوب می‌شدند و حمایت آنان از دکتر احمدی‌نژاد، در حالی که قالیباف تمایل چندانی هم برای کاندیداتوری

۱- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۲۴. ۲- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۲۵.
۳- ابتکار، ۱۳۸۷/۸/۲۷.

نداشت و حتی دعوت ۴۰ نماینده مجلس را رد کرد[1] و همچنین پس از آن که در برخی وبلاگها موجی به راه افتاد در لوای حمایت از قالیباف از او خواسته شده بود شهردار تهران بماند و نامزد ریاست جمهوری نشود،[2] محسن رضایی با شعار تشکیلِ دولت ائتلافی اعلام حضور کرد.

بنا به گزارش فارس در بیانیه چهارم دولت ائتلافی کارآمد و متحد، با اشاره به این‌که ایده دولت ائتلافی کارآمد و متحد با محوریت خرد جمعی، عقلانیت سیاسی و میانه‌روی بر مبنای استفاده از تمام ظرفیتهای نظام، نفی تک‌روی و فرد محوری و همچنین حضور چند رئیس جمهور در کابینه در جهت اجرای برنامه مدون با افق چشم‌انداز ۲۰ ساله از مدتها پیش از سوی محسن رضایی مطرح شده، آمد: «براساس این ایده و با مکانیزم معیّن، یک نفر به عنوان رئیس جمهور تعیین شده و سایرین با حضور در کابینه وی براساس وفاق و محوریت برنامه مورد نظر و رویکرد جدید تحت عنوان تغییر الگوی مدیریت کشور، یک زندگی مطلوب برای هر ایرانی را فراهم می‌آورند... لذا احزاب و تشکلها و جریانهای هم سوی دولت ائتلافی کارآمد و متحد براساس قابلیتها و توانمندیهای افراد در مرحله اوّل از بین چهار گزینه مورد نظر به دو گزینه رسید و پس از آن با تبادل نظر و مشورت کار گروههای مورد نظر، محسن رضایی را به عنوان کاندیدای نهایی انتخاب کردند، ولی ایشان به دلیل این‌که ترجیح می‌داد از میان آقایان ولایتی، لاریجانی و یا قالیباف، فردی نامزد این

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۴.
۲- کارگزاران، ۱۳۸۷/۸/۲۸.

ائتلاف باشد و آقای رضایی به آنها کمک کند، از پذیرش آن خودداری کرده و مقرر شد به صورت مستقل و مردمی نامزد انتخابات شود و ایده دولت ائتلافی را پس از انتخابات پیگیری کند، لذا این ستاد به کار خود پایان می‌دهد.»[۱]

رضایی که شعار دولت ائتلافی را می‌داد، در سخنانش اظهار داشت: «اگر در انتخابات پیروز شوم، از همه ظرفیتها در کشور از میرحسین موسوی در ارشاد، خاتمی در حوزه سیاست خارجی، احمدی‌نژاد در زمینه نیرو و انرژی، از ناطق نوری برای ارتباط با کشورهای میانه، از ولایتی، قالیباف و کروبی هم استفاده خواهم کرد.»[۲]

اعلام حضور رضایی برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از سوی جریانات سیاسی کشور با واکنشهای متفاوتی همراه بود. در جریان اصولگرایی بسیاری از آنان حضور رضایی را در تصمیمشان به حمایت از دکتر احمدی‌نژاد بی‌تأثیر دانستند. محمد عظیمی (سخنگوی جمعیت وفاداران) طی سخنانی گفت: «با حضور محسن رضایی از میزان آرای اصولگرایان کاسته نخواهد شد... و فعالیتهای مؤثر احمدی‌نژاد در طی این چهار سال و این‌که مردم وی را از جنس خود می‌بینند، عاملی است که احمدی‌نژاد در انتخابات آتی می‌تواند رأی بالاتری نسبت به انتخابات ۸۴ بیاورد.»[۳] در همین رابطه علیرضا زاکانی (دبیرکلّ جمعیت رهپویان) گفت: «ورود نامزدهای جدید (رضایی) اصولگرایان را در

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۳.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۳۰.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۷.

حمایت از احمدی‌نژاد باز نخواهد داشت.»[۱]

اما در جریان اصلاح‌طلبی که از مدتها قبل در تلاش بودند تا غیر از احمدی‌نژاد، فرد دیگری از اصولگرایان نیز وارد عرصه انتخابات شود، با شور و شعف خاصی حضور وی را انعکاس داده و سخنان وی را تیتر روزنامه‌های خود کردند و از وی به عنوان اصولگرای معتدل یا اصولگرای واقعی یاد کردند.

حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران) با استقبال از کاندیداتوری محسن رضایی بیان داشت: «حضور او نشان داد، امروز غیر از گروهی از جوانان تندرو و افراطی که به نوعی مسخ شده احمدی‌نژاد شده‌اند، اصولگرا بودن محمود احمدی‌نژاد به معنای واقعی نزد خیلی از اصولگرایان، زیر سؤال رفته است. اگر با نامزدی رضایی یک چهره اصولگرای واقعی در صحنه حاضر شده است، به تعبیر بنده اگر اصولگرای واقعی در صحنه انتخابات وجود دارد، قطعاً محسن رضایی است و حیف است اصولگرایی با رئیس دولت نهم تعریف شود.»[۲]

در همین حال در پی خبرهایی مبنی بر تشویق و حمایت هاشمی رفسنجانی از محسن رضایی برای آمدن در صحنه انتخابات دهم، رضایی در مصاحبه‌ای اظهار داشت: «برای آمدن از هیچ کس مشاوره و توصیه نگرفته‌ام.»[۳] وی همچنین در جای دیگری علت حضور خود را ناتوانی کروبی و موسوی دانست.[۴] عماد افروغ (نماینده مجلس هفتم) ضمن

۱- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۴.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۳۱.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۹.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۲.

تحلیل وضعیت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، نفس حضور محسن رضایی در عرصه انتخابات را یک پیروزی و مبارک دانست و گفت: «حضور آقای رضایی را واقعاً مغتنم می‌دانم و معتقدم که ایشان دلیری کرده و برحسب درک صحیح خود از شرایط زمانی و مکانی آمد و حتی می‌توانم بگویم که آبرو گذاشت.»[۱] وی در پاسخ به این سؤال که آیا کاندیداتوری محسن رضایی در میزان رأی احمدی‌نژاد تأثیر می‌گذارد؟ گفت: «بدون تردید تأثیر خواهد داشت.»[۲] افروغ همچنین در خصوص رضایی گفت: «نه میرحسین موسوی و نه کروبی و نه احمدی‌نژاد، هیچ کدام ذهن تئوریک ندارند و تنها نامزدی که از این ویژگی مهم در میان کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری برخوردار است، محسن رضایی است... بنابراین در این میان ویژگی تئوریک محسن رضایی موجب برتری او نسبت به دیگر کاندیداهاست.»[۳]

البته اصلاح‌طلبان تلاش بسیاری نمودند تا علت حضور محسن رضایی را مشاهده نقص‌های مختلف دولت نهم بیان کنند و با بزرگ‌نمایی ادامه راههای تخریب دولت نهم را پی بگیرند، اما محسن رضایی انگیزه خود را ۲ عامل دانست.[۴] یکی این‌که احساس می‌کرد کاندیداها چه در دوره قبل و چه در این دوره یک طرح اساسی برای حل مشکلات کشور ندارند. یعنی برنامه‌هایشان هم فاقد تئوری است و هم فاقد یک تحول‌آفرینی و هم این‌که فاقد اجرایی کردن این برنامه هستند.

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۹.
۲- همان.
۳- خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۸/۲/۲۷.
۴- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

انگیزه دوم وی نیز این بود که جریان اصولگرایی نمی‌توانست توسط یک فرد نمایندگی شود. وی احساس می‌کرد که باید یک نفر دیگر هم از اصولگرایان به صحنه بیاید. با این تفاوت که به جای این که خود فرد مطرح باشد، بیانگر یک الگوی جدیدی از اداره کشور باشد.

محسن رضایی که مهمترین برنامه خود را انقلاب اقتصادی معرفی کرده بود، بر این باور بود که باید اوّل یک مدلی برای الگوی توسعه کشور داشته باشیم، در غیر این صورت اصلاح ساختاری و اصلاح قیمتها به نتیجه نمی‌رسد. وی طرح فدرالی شدن کشور را نیز مطرح و درباره آن گفت: «این طرح را می‌توانیم تا قبل از تصویب مجلس به صورت مادّه ۱۲۷ قانون اساسی اجرا کنیم و استانداران را در حد نمایندگان تام‌الاختیار رئیس‌جمهور بگذاریم. دو سیستم درست می‌کنیم. سیستم سیاسی، دفاعی و امنیتی متمرکز در استانها که از پایتخت اداره می‌شود. یعنی یک سیستم تمرکزی کامل سیاسی، دفاعی و امنیتی که به تمامیت ارضی ما خدشه وارد نشود، اما اقتصاد و علم و فناوری و تجارت را جدا می‌کنیم و در این حوزه‌ها به مناطق فدرال اختیارات کامل می‌دهیم.»[۱]

محسن رضایی در ادامه اعلام کرد که کارهای خوبی که در دولت احمدی‌نژاد و سایر دولتها صورت گرفته را ادامه خواهد داد و همه کارهای اشتباه آنها را کنار می‌گذارد. وی در کنار بیان کارهای خوب دولت نظیر سفرهای استانی، ایستادگی و اعتماد به نفس و... انتقادهایی را

۱- همان.

نیز از دولت نهم داشت.

وی در مهمترین اظهارات انتقادی خود گفت: «اگر مسیر فعلی ادامه پیدا کند پرتگاه است و بازگشت به گذشته شکست.»[۱]

گرچه رضایی در بندرعباس این جمله را تکذیب کرد و بیان داشت من هیچ‌گاه نگفته‌ام احمدی‌نژاد کشور را به لبه پرتگاه برده است، بلکه تنها درباره عواقب برخی رویه‌ها هشدار داده‌ام و هیچ‌گاه قصد تخریب نداشته‌ام،[۲] اما سخنان وی مورد سوءاستفاده بسیاری از روزنامه‌های دوم خردادی قرار گرفت.

رضایی درباره دولت ائتلافی که ماههای گذشته مطرح کرده بود، گفت: «دولت ائتلافی به هیچ کس سهم نمی‌دهد و به دنبال سهم‌خواهی نیست بلکه برای گسترش ظرفیت مدیریت کشور است. بخصوص بعد از دولت آقای هاشمی این ظرفیت کوچک شد... خط کشی‌های سیاسی بعد از آقای هاشمی تیزتر شد. دولت ائتلافی بازگشت به الگوی مدیریت دهه اوّل انقلاب بخصوص از نوعی که نهادهای انقلابی شکل گرفته است.»[۳]

رضایی پس از اعلام کاندیداتوری، داود دانش جعفری (وزیر اقتصاد برکنار شده احمدی‌نژاد) را به عنوان رئیس ستاد انتخاباتی خود معرفی کرد. دانش جعفری در گفتگویی با روزنامه همشهری چرایی پذیرش ریاست ستاد انتخاباتی رضایی را این‌گونه توصیف کرد: «من قبل از

۱- همان.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۳۰.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

پذیرش از سه ستاد دیگر درخواستهایی برای همکاری داشتم ولی وقتی درخواست آقای رضایی مطرح شد علی رغم آن که ایشان دیر به میدان آمده بود و شواهد هم نشان می‌داد که جایگاه نسبی‌شان در مقایسه با بعضی از نامزدها در آن مقطع مورد قبول نبود ولی به دلایل مختلف این درخواست را پذیرفتم. اوّلاً به خاطر این‌که آقای دکتر رضایی اصولگرا و یک قهرمان ملی است که بخش مهمی از عمر خودش را در راه مبارزه و برای تحقق آرمانهای ایران سر کرده و در عین حال فردی منطقی است که تخصص اصلی کار او سازماندهی مردم و دیدگاههای مختلف و تهیه طرحهای محرک برای رسیدن به هدف است.»[1]

ثبت نام برای رقابت

در حالی که اصلاح‌طلبان تلاش بسیاری نمودند تا از میان کروبی و موسوی یکی را به عنوان نامزد واحد معرفی نمایند، اما عدم توانایی آنان بویژه تلاشهای سید محمد خاتمی بر این امر، اوضاع اصلاح‌طلبان را آشفته‌تر از گذشته کرد. خصوصاً تلاشهای بسیاری برای انصراف کروبی انجام شد و دلایل آنان برای انصراف کروبی، رأی‌آورتر بودن موسوی بیان شد.

محمد علی ابطحی (حامی کروبی) در وبلاگ شخصی خود با اشاره به گلایه کروبی از رفتار حامیان موسوی نوشت: «امروز با جمعی از دوستان،

۱- ویژه‌نامه همشهری، خرداد ۱۳۸۸.

آقای کروبی را دیدم. درد دل داشت... ظاهراً در جلسات سخنرانی‌اش کسانی به نام حامیان موسوی خیلی مزاحمت ایجاد می‌کنند. مرتب به گردنش پارچه سبز می‌اندازند و در خیابان‌گردیهای انتخاباتی به نام این‌که باید به نفع موسوی کنار برود، حتی جلوی منزلش چند شبی است تظاهرات می‌کنند و شعار انصراف می‌دهند.»[1]

موسوی خوئینی‌ها (دبیرکلّ مجمع روحانیون مبارز) ضمن تحلیل وضعیت اصلاح‌طلبان گفت: «وضعیتی پیش روی اصلاح‌طلبان است قرار نبود این‌گونه باشد. اصلاح‌طلبان طی ماهها مباحثه به یک نتیجه رسیده بودند و آن حضور خاتمی بود و با نگاه تحلیلی و آماری مطمئن بودیم پیروزی با آقای خاتمی است. کار صحیح این بود که آقای خاتمی می‌ماند ... ولی مهندس موسوی وظیفه دانستند که به صحنه بیایند و در نتیجه آقای خاتمی هم رفتند.» موسوی خوئینی‌ها در توجیه فاصله‌گرفتن جریان اصلاح‌طلبی از آرمانهای امام (ره) به تغییر دنیا متوسل شد و ادعا کرد «ما نباید در اداره کشور چیزهایی را که ۳۰ سال پیش برای اداره کشور در آن زمان مهم بود ولی الان مهم نیست به‌کار ببندیم... این‌که یک نفر بیاید و بگوید برگردیم عقب به جای آن‌که به جلو حرکت کنند، به عقب برگشتند و متأسفانه نام این عقبگرد را هم گذاشتند بازگشت به اصول و بازگشت به خط امام.»[2]

عبدالله مؤمنی (سخنگوی ادوار تحکیم) در مناظره خود با آرمین

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۶. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۵.

سلماسی (عضو ستاد موسوی) ضمن بیان دیدگاه خود نسبت به کروبی و موسوی گفت: «واقعیت آن است که کاندیداهای موجود حداقل‌های ما را هم پوشش نمی‌دهند اما به طور کلّی فضایی وجود دارد که ایجاب می‌کند ما یکی از دو کاندیدا را انتخاب کنیم. متأسفانه عملکرد گذشته این دو نامزد (کروبی و موسوی) به هیچ وجه مطلوب نیست و ما به نقطه‌ای رسیدیم که افرادی را که در گذشته حتی حاضر نبودیم نقدشان کنیم، اینک باید انتخابشان کنیم و این نتیجه هشت سال اصلاحات نیم بند و سطحی آقای خاتمی است.»[۱] اما اوضاع آشفته اصلاح‌طلبان محدود به آن نبود. ماجرای دست دادن خاتمی با راسموسن (دبیرکلّ ناتو و نخست وزیر دانمارک) که در زمان نخست‌وزیری‌اش از حامیان کاریکاتورهای توهین‌آمیز پیامبر اکرم ﷺ بود، در اجلاس ائتلاف تمدنها در ترکیه، اوضاع آنان را وخیم‌تر کرد. اگرچه این اتفاق از سوی اصلاح‌طلبان چندان انعکاس نیافت اما آنان را با مشکل بزرگی روبه‌رو ساخت. خاتمی که بارها اظهارات خود و فیلمهای منتشر شده درباره خود بالاخص دست دادن با دختران و زنان در جریان سفر به ایتالیا و جشن شب یلدای مجله چل‌چراغ را تکذیب کرده و به نوعی از پذیرش آن طفره رفته بود، در پی انتشار خبر دست دادن وی با راسموسن، دیگر نمی‌توانست آن را تکذیب نماید. ولی خاتمی که بارها چنین مطالبی درباره‌اش مطرح شده بود، باز هم فیلم خود را که در ایام انتخابات دهم، از طریق بلوتوث در سطح جامعه پخش

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲.

شده بود، مونتاژ شده خواند. در آن فیلم که علاوه بر خاتمی برخی چهره‌های سیاسی نظیر مجید انصاری نیز حضور داشتند، سیدمحمد خاتمی در حال تعریف کردن جوک و لطیفه گویی درباره ترکها بود. موسوی در ارومیه در خصوص این فیلم آن را یک پروژه برای تخریب خود دانست.[۱] سیدمحمد خاتمی پس از اعلام مونتاژ بودن آن فیلم، آن را حرکتی برای تخریب در میان آذری زبانها دانست و گفت: «باکمال تأسف از نابرابری در عرصه انتخابات، حالا که یک فرزند آذربایجان (موسوی) آمده، به هر شیوه‌ای متوسل می‌شوند تا احساسات پاک را جریحه‌دار کنند و جلوی آمدن او را بگیرند... همه ما جواب آن توطئه‌های زشت و اراده‌هایی که نمی‌خواهند مردم در سرنوشت‌شان حاکم شوند و تغییری رخ ندهد را با رفتن بر پای صندوق رأی خواهیم داد.»[۲]

اما خاتمی که به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های اصلاحات شناخته می‌شد و حتی برخی از اصلاح‌طلبان وی را رهبر اصلاحات خطاب می‌کردند، با انجام برخی عملکردها و اظهارات، جریان اصلاح‌طلبی را سخت دچار چالش کرد.

خاتمی که در گذشته هم مورد سرزنش بسیاری از هواداران خود قرار گرفته بود و بارها به دلیل عدم همراهی با آنان تهدید به پیاده شدن از قطار اصلاحات شده بود، این‌بار هم مورد اعتراض بسیاری از صاحب نظران و حتی سیاسیون اصلاحات قرار گرفت. ولی وضعیت اصلاح‌طلبان در

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۹.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۹.

روزهای منتهی به دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به گونه‌ای آشفته بود که نومیدی نامزدهای اصلاح‌طلبان از پیروزی در دور اوّل انتخابات بیش از مطالب دیگر خودنمایی می‌کرد.

میرحسین موسوی نامزد مطرح اصلاح‌طلبان در اظهاراتی گفت: «ما برنده انتخابات دو مرحله‌ای هستیم.»[1]

در همین حال رئیس‌جمهور در ادامه سفرهای استانی دولت نهم در استان اصفهان، از تمام نخبگان و کسانی که دارای نظر و برنامه هستند و در خود توان اداره کشور را می‌بینند، دعوت کرد که به صحنه بیایند، احمدی‌نژاد گفت: «در انتخابات باید همه اندیشه‌ها، افراد، سلایق، دیدگاهها و نظرات به صحنه بیایند... ملّت ایران هنوز دنبال نمونه‌ای مثل شهید رجایی می‌گردد.»[2]

اگرچه احمدی‌نژاد اعلام کاندیداتوری نکرده بود، ولی پس از استعفای سید مجتبی هاشمی ثمره (مشاور ارشد احمدی‌نژاد) بعدها مشخص شد که استعفای وی برای تشکیل ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد بوده است. هاشمی ثمره در اظهاراتی بیان داشت: «احمدی‌نژاد در صورت پیروزی در تحقق شعارهای قبلی‌اش که همان عدالت‌گستری، خدمت به بندگان خدا، مهرورزی، تعالی و پیشرفت کشور بود، بیش از پیش خواهد کوشید.»[3] وی همچنین اعلام کرد؛ احمدی‌نژاد آماده مناظره با همه نامزدهاست. هاشمی ثمره در خصوص تخریبها علیه دولت نهم

۱- اسرار، ۱۳۸۸/۲/۱۳. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۷.

۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۴.

گفت: «امروز شبهه‌افکنیهای فراوانی می‌شود و همه کارهای مثبت دولت مورد هدف مخالفان قرار گرفته است. باید تلاش کنیم که در انتخابات، مشارکت هرچه بیشتر بالا رود و رأی احمدی‌نژاد نیز بیشتر شود... همه در داخل و خارج دست به یکی شده‌اند که هرکسی جز احمدی‌نژاد در انتخابات برنده شود.»[1] وی همچنین گفت: «برخی با تهمت و دروغ می‌خواهند دل مردم را خالی کنند، اما ان‌شاءالله به فضل الهی جشن پیروزی احمدی‌نژاد را در روزهای پایانی خرداد خواهیم گرفت.»[2]

هاشمی ثمره به عنوان رئیس ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد در دستوری به ستادهای وابسته مواردی را متذکر شد که در نوع خود بی‌سابقه بود. وی بیان داشت: «تأسی به سلوک متواضعانه احمدی‌نژاد، عدم مطابقت اهانت و رفتار غیر اسلامی و غیر اخلاقی نسبت به دیگر نامزدها با مشی اسلامی، لزوم جلوگیری از نفوذ عناصر فرصت‌طلب یا کاسبکاران قدرت‌طلب در فعالیتهای ستاد، توجه ویژه به نماز اوّل وقت در ستادها، پرهیز از افراط و تفریط در گزارش عملکردها، جدّی گرفتن رقابت و مایه آسودگی خاطر نبودن استقبال مردمی در سفرهای استانی و...».[3]

با نزدیک شدن زمان برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مهندس محصولی (وزیر کشور) طی حکمی کامران دانشجو را به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور معرفی کرد و فعالیتهای این ستاد آغاز گردید.

۱- همان، ۱۳۸۸/۳/۴. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۳.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۳۰.

از جمله اقدامات جدید این دوره ثبت نام اینترنتی داوطلبان بود که در این فرصت هزار نفر ثبت نام نمودند و از تاریخ ۱۵ اردیبهشت به مدت ۵ روز ثبت نام رسمی داوطلبان در وزارت کشور آغاز گردید.

اگرچه درباره چگونگی و شرایط ثبت نام نامزدهای ریاست جمهوری بحثهایی در محافل مختلف بویژه مجلس شورای اسلامی انجام گرفته بود، اما ثبت نام این دوره نیز با حاشیه‌هایی همراه بود همانند گذشته تیپهای خاص و با انگیزه‌های خاص برای ثبت نام آمده بودند که مورد توجه خبرنگاران و عکاسان قرار گرفت.

در این میان محمود احمدی‌نژاد و محسن رضایی جزو اوّلین چهره‌های سرشناسی بودند که پس از ۲ روز از مهلت ثبت نام پا به وزارت کشور گذاشتند. محمود احمدی‌نژاد راکه مردان دولتش یعنی سید مجتبی هاشمی ثمره، مسعود زریبافان، علی سعیدلو و غلامحسین الهام همراهی می‌کردند، پس از ثبت نام در جمع خبرنگاران گفت: «بنده هیچ ستاد تبلیغاتی از سوی خودم ندارم و فاقد منابع مالی برای تبلیغات هستم.» وی ضمن هشدار به هواداران خود گفت: «کسی حقّ ندارد بویژه به نام من علیه کسی حرف بزند و حقّ ندارد بزرگنمایی کند و یا در برابر نقدهای درست از ضعفها مقاومت کند. احدی حقّ ندارد از بیت‌المال و اموال عمومی برای تبلیغات استفاده کند. تلاش در ستادهای انتخاباتی هیچ حقّی را برای کسی ایجاد نمی‌کند و کسی نباید انتظار داشته باشد بدین واسطه در

گزینشها و تصمیم‌گیریها مورد توجه قرار می‌گیرد.»[۱]

محسن رضایی نیز با حضور در وزارت کشور رسماً نامزد انتخابات دهم شد و به اما و اگرها درباره حضورش پایان داد. رضایی راکه همسرش و دانش جعفری وزیر اقتصادی دولت نهم همراهی می‌کرد، در جمع خبرنگاران ضمن بیان دلایل حضور خود و ارائه برخی برنامه‌هایش، گفت: «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را باید احیا کرد، اما نه حالت گذشته بلکه با تفکیک وظایف باید این سازمان را به اتاق فکری برای نظام تبدیل کرد.»[۲]

یک روز بعد یعنی ۱۸ اردیبهشت در حالی کروبی با عباس عبدی، کرباسچی، ابطحی و جمیله اشکوری به ستاد انتخابات کشور آمد شایعه انصراف وی توسط برخی مدام مطرح می‌شد. کروبی پس از ثبت نام در جمع خبرنگاران گفت: «چنانچه مردم مرا بپذیرند و موفق شوم، هم انسانی، هم اخلاقی و هم قانونی است که به نیروهایی که درکنارم هستند و مرا پذیرفته‌اند و با من همکاری می‌کنند، نقش اوّل را بدهم.»[۳] وی در جنجالی ترین بخش سخنانش با انتقاد از سخنان سردار جعفری گفت: «من از ۴۸ سال پیش بسیجی بوده‌ام، قطعاً آن زمان آقای جعفری یک کودک بود، اما باید گفت آن بسیجی که زیر نظر آقای جعفری است نیروهای مسلح هستند. ما آمده‌ایم برای انتخاباتی آزاد و بدون دخالت بسیج و

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۸.
۲- همان.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۹.

نیروهای مسلح یا نیروهای خودسر.»[۱]

میرحسین موسوی نیز در حالی به میدان فاطمی و وزارت کشور رفت که هیچ یک از اعضای سرشناس ستادش او را همراهی نمی‌کردند. میر حسین در حالی که خود خودروی پرایدش را می‌راند در نزدیکی وزارت کشور با استقبال هوادارانش روبه‌رو شد. وی پس از نام‌نویسی برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، پس از آن که شناسنامه خود را که عکس دوره جوانی‌اش بود به خبرنگاران نشان داد، در میان خبرنگاران حاضر شد و از دلایل آمدنش گفت. وی اظهار داشت: «شرایطی که امروز در آن به سر می‌بریم بهترین نیست. وضعیت در حال حاضر در شأن ملّت و مردم ما نیست و سرمایه‌های انقلاب در خطرند.» وی یکی از انگیزه‌های حضور خود را احیاء سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور دانست و افزود: «آمده‌ام تا از طریق احیاء سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و شوراهای عالی ساختار آسیب خورده را ترمیم کنم.»[۲]

رفعت بیات و اکبر اعلمی نمایندگان دوره هفتم مجلس و همچنین قاسم شعله سعدی نماینده دوره‌های سوم و چهارم مجلس از دیگر چهره‌های سیاسی بودند که برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری دهم ثبت نام کردند.[۳]

پس از پایان مهلت ثبت نام، رسیدگی به صلاحیت ۴۷۵ نفر داوطلب ریاست جمهوری آغاز گردید و در نهایت پس از بررسیهای لازم، ۴ نامزد

۱- ماهنامه نسیم، شماره چهلم، خرداد ۱۳۸۸.

۲- همان.

۳- ماهنامه نسیم، شماره چهلم، خرداد ۱۳۸۸.

مطرح که طی روزهای قبل حضور خود را اعلام کرده بودند، از سوی وزیر کشور به عنوان نامزدهای نهایی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری معرفی شدند.

پس از معرفی نامزدهای نهایی از سوی وزارت کشور فعالیتهای انتخاباتی نامزدها شکل قانونی به خود گرفت و آنان برنامه‌های مختلفی را در دستور کار خود قرار دادند. انجام سفرهای استانی، برگزاری جلسات سخنرانی و میتینگهای تبلیغاتی، انجام رایزنی برای جلب حمایت احزاب و گروهها و اشخاص، انجام مصاحبه‌ها و نشستهای مطبوعاتی و ... برنامه‌هایی بود که هریک از نامزدها برای معرفی خود و همچنین غلبه بر رقبا به‌کار گرفتند. در همین حال بازار اعلام حمایت اشخاص و گروهها و تبلیغات نامزدها و بویژه مناظره‌های تلویزیونی داغ از دیگر برنامه‌ها بود. مناظره‌های تلویزیونی که یکی از مهمترین نقشها را در شناخت مردم نسبت به نامزدها ایفا کرد، به عنوان کانون توجه بسیاری از مردم قرار گرفت.

تبلیغات ـ رسانه ـ مردم

تبلیغات به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر افکار عمومی در حوزه مختلف همواره مورد توجه بوده است. تبلیغات سیاسی در حوزه انتخابات نیز از این امر مستثنی نیست و کاندیداها و طرفداران آنها، سعی دارند تا با استفاده از شیوه‌های مختلف بر جامعه آماری خود تأثیر گذارند. در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز نامزدها سعی کردند تا با

استفاده از روشهای مختلف تبلیغات، از پوستر و بنر و پارچه نوشته، تبلیغات تلویزیونی و اینترنتی گرفته تا پیامک و بلوتوث و تبلیغات چهره به چهره و... مواضع و برنامه‌های خود را برای مخاطبان تبیین کنند.

اگرچه تبلیغات در این دوره تفاوتهایی با دوره‌های گذشته داشت، ولی عموماً شیوه تبلیغات را می‌توان در ۳ سطح تقسیم‌بندی کرد.

۱ـ تبلیغات در سطح رسانه: که شامل مطبوعات، صدا و سیما و اینترنت و ... می‌باشد. این نوع تبلیغات یکی از مؤثرترین ابزارها برای هریک از کاندیداها بود که در آن نامزدها سعی کردند تا با استفاده از پایگاه مطبوعاتی و امکان برابری که صدا و سیما برای معرفی کاندیداها و ارائه برنامه‌هایشان تدارک دیده بود، به تبلیغ بپردازند. برای این امر نمایندگان کاندیداها برای قرعه کشی زمانبندی برنامه‌های تبلیغاتی نامزدها به صداوسیما دعوت شدند. مهدی کلهر نماینده احمدی‌نژاد (رنگ قرمز)؛ شهرام گیل‌آبادی نماینده رضایی (رنگ آبی)؛ مرتضی الویری نماینده کروبی (رنگ زرد) و بیژن زنگنه نماینده موسوی (رنگ سبز) را انتخاب و در حضور رئیس سازمان صداوسیما مهندس ضرغامی مراسم قرعه کشی انجام گرفت و برنامه‌های تلویزیونی نامزدها در زمانهای مختلف در شبکه‌های گوناگون مشخص گردید.

علاوه بر صحبتهای نامزدها در رادیو، برنامه‌هایی تحت عنوان؛ با دوربین ـ گفتگوی ویژه خبری ـ پاسخ به سؤالات کارشناسان و... از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. اما آنچه با دوره‌های گذشته متفاوت بود و برنامه‌های دیگر را تحت‌الشعاع قرار داد، پخش مستقیم

مناظره‌های نامزدها با یکدیگر بود. این برنامه که تأثیر بسزایی در نظرگاه انتخاباتی مردم داشت و سبد رأی کاندیداها را دستخوش تحولات جدّی ساخت، موجب تمایز چشمگیر تبلیغات در این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری بود.

ابراز نظرات صریح کاندیداها درباره موضوعات مختلف در مواجهه با رقبای خود و تن دادن به چالشهای صریح که باعث محک خوردن هوش و ذکاوت و توانایی آنها برای مدیریت صحنه‌های سخت و دشوار و قدرت آنها در دفاع از برنامه‌ها و کارنامه خویش شد، توجه بسیاری از مردم را به خود جلب کرد.

در دوره‌های گذشته بویژه در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نمایندگان نامزدها به گفتگو و مناظره می‌پرداختند. گرچه آن شیوه هم خالی از لطف نبود و تا حدی در شناخت و انتخاب کاندیدای اصلح از نگاه مردم کمک می‌کرد، ولی پس از بیان برخی مطالب از سوی نماینده نامزدها، بعضی از کاندیداها که این اظهارات را موجب ریزش آراء خود احساس می‌کردند، از پذیرش آن طفره رفته و آن را بیان شخصی نماینده خود می‌دانستند. چنان‌که پس از مناظره محمدباقر نوبخت با محمد خوش چهره و مناظره حسین مرعشی با مهدی کلهر (نمایندگان هاشمی و احمدی‌نژاد) و در پی برخی اظهارات نمایندگان هاشمی رفسنجانی که به اذعان بسیاری از کارشناسان یکی از دلایل رویگردانی مردم از هاشمی به احمدی‌نژاد شد، هاشمی رفسنجانی آن اظهارات را نظر شخصی آنان دانست.

در این دوره مناظره‌های تلویزیونی که در ساعات پایانی شب (۲۲/۳۰ تا ۲۴) برگزار شد، جزو جذاب‌ترین و پربیننده‌ترین برنامه‌های تبلیغاتی و حتی سیاسی محسوب گردید. کاندیداها با طرح مباحث مورد نظر خود سعی در به چالش کشیدن طرف مقابل داشته و مباحثی در مناظره‌ها بیان شد که حتی بحث عدم تفاوت بین کاندیداها که عموماً توسط دشمنان انقلاب اسلامی مطرح می‌شد را رد کرد. مناظره‌ها نشان داد که درست است کاندیداهای محترم از فیلتر شورای نگهبان عبورکرده‌اند و هرکدام که رأی می‌آوردند به عنوان رئیس جمهور قانونی کشور محسوب می‌شدند، اما اختلاف زیادی در رویکردها و نگاه هریک از نامزدها به مسائل مختلف داخلی و بین‌المللی وجود دارد.

شور انتخاباتی حتی دورترین روستاهای کشور را نیز به تحرک انتخاباتی واداشته و هر لحظه به اضطراب حامیان نامزدهای انتخاباتی اضافه می‌کرد. مناظره‌ها که بحث داغ محافل مختلف شده بود و حتی در منازل و خانواده‌ها رسوخ پیدا کرده بود و ساعتها تا پاسی از شب پس از مناظره افراد با هم بحث و گفتگو و به بررسی مناظره‌ها می‌پرداختند، می‌توانست تمام هزینه‌های گزاف صورت گرفته در برخی ستادها را به باد فنا دهد. بر همین اساس مشاوران و خود نامزدها تلاش و تکاپو برای آمادگی در مناظره‌های تلویزیونی را در صدر برنامه‌های انتخاباتی خود جا دادند. آنها که به اهمیت تأثیرگذاری این مناظره‌ها پی برده بودند، تمام تلاش خود را برای پیروزی در مناظره‌ها به کار بسته و پیروزی در مناظره‌ها را پیروزی در انتخابات تلقی کردند.

در این میان برخی که شاید در خود احساس عجز می‌کردند، بحث مناظره بین نمایندگان کاندیداها را مطرح و برخی شایعه حاضر نشدن طرف مقابل را در مناظره طراحی کردند. جناحهای حامی هر نامزد، طرف مقابل و جناح رقیب خود را متهم به لغو مناظره به دلیل ناتوانی و نامزد خود را آماده هرگونه مناظره و پاسخگویی می‌دانستند.

شهرام گیل‌آبادی (مشاور و معاون هنر و رسانه محسن رضایی) انتشار اخباری مبنی بر لغو مناظره کاندیداها را تنها جنگ روانی دانست و بیان داشت: «آقای رضایی که برنامه محور است و حرکت به سوی انقلاب اقتصادی را در برنامه‌های خود دارد، برای بیان برنامه‌هایش به فضای مناظره نیاز دارد و از برگزاری این مناظره استقبال می‌کند.»[۱]

عبدالله ناصری (عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین) از خواسته اصلاح‌طلبان درباره مناظره‌ها خبر داد و گفت: «فقط خواسته‌ای که اصلاح‌طلبان دارند این است که برنامه مناظره نباید محدود به کاندیداها باشد بلکه باید زمینه‌ای فراهم شود تا نمایندگان ستاد کاندیداها هم با یکدیگر مناظره داشته باشند.»[۲]

حمیدرضا مقدم‌فر (مدیر عامل خبرگزاری فارس) علل تلاش برای لغو مناظره توسط بعضی افراد را این‌گونه ارزیابی کرد: «علت اوّل تلاش برخیها برای لغو ناظره‌ها عجز و ناتوانی این افراد است که از استدلال و محتوای لازم برای مقابله با رقیب برخوردار نیستند. دلیل دوم این‌که

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۲. ۲- همان.

برخی از کاندیداها موفقیت خود را در غوغا سالاری و فضای تخریب می‌بینند. در حالی که مناظره سبب می‌شود تا مردم از روی عقل و منطق گزینه اصلح خود را انتخاب کنند و دلیل سوم هم این است فضای مناظره در رسانه ملی فراگیر است و تمام اقشار جامعه را در بر می‌گیرد در حالی‌برخی از کاندیداها کسب آرای خود را تنها در قشر خاصی از جامعه جستجو می‌کنند که مناظره این اجازه را به آنها نمی‌دهد. با توجه به این موارد درصدد لغو این مناظره‌ها هستند.»[۱]

فاطمه آجرلو (نماینده مجلس هشتم) ضمن اشاره به سیاه‌نمایی برخی افراد، مردم را بهترین داور دانست و گفت: «مردم بهترین ناظر و داور هستند و بخوبی قضاوت خواهند کرد. این موضوع را همه کاندیداها می‌دانند. آنها می‌دانند که فضای مناظره رودررو، دیگر فضای سیاه‌نمایی و دغل‌بازی نیست و همه دیدگاهها و نظرات باید به صورت شفاف برای مردم بیان شود.»[۲]

اما انتشار یک خبر موجب تشدید بی‌اخلاقی‌ها در جریان انتخابات شد. آن خبر انتشار تصویر خصوصی خانوادگی (همسر) یکی از نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری پس از انجام مناظره به عنوان تیر آخر جهت تخریب رقیب بود که با واکنش دفتر امور چاپ معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی مواجه گردید. این دفتر در اطلاعیه خطاب به چاپخانه‌داران سراسر کشور ضمن هشدار به آنان از

۱- همان. ۲- همان.

برخورد قانونی با هرگونه تخلف در این رابطه خبر داد.[1] چند روز بعد خبرهایی مبنی بر دستگیری تعدادی در چاپخانه‌ای در تهران که عکس بی‌حجاب همسر یکی از نامزدها را تکثیر می‌کرد منتشر شد[2] و تا حدی پروژه مظلوم‌نمایی برخی کاندیداها روشن گردید.

از دیگر ابزار تبلیغات رسانه‌ای استفاده از اینترنت بود که در این دوره جای ویژه‌ای را در اطلاع رسانی کاندیداها و تبلیغات ایشان باز کرد. ایجاد سایتهای پی در پی خبری برای انعکاس لحظه به لحظه سخنرانیها و اظهار نظرها از جمله کارکردهای اینترنت در این دوره بود. نامزدها با راه‌اندازی سایتها و وبلاگها سعی در جذب مخاطب و اطلاع‌رسانی به موقع نمودند. همچنین استفاده از پیامکهای انتخاباتی از دیگر ابزارهای مؤثر جهت تبلیغات ـ اطلاع‌رسانی و در برخی موارد تخریب رقیب به‌شمار می‌رفت. پیامکها که استعداد بسیاری را نیز شکوفا کرده بود، در این دوره بیشتر به صورت شعر بیان می‌شد.

پیامکهایی چون:

ما طالب پاکی و صفاییم هنوز   ایرانی و حامی ولاییم هنوز
در حمله قدرت‌طلبان نااهل   ما حامی احمدی‌نژادیم هنوز

* * *

ما پیروی خط ولی می‌خواهیم
پیش رخ دشمنان یلی می‌خواهیم

۱- خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۳/۱۶.   ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۶.

اصـرار بـه احـمدی‌نژاد داریـم چـرا؟
چـون مـالک اشـترعلی مـی‌خواهـیم

* * *

افکـــار امـــام را مـــنادی بـــاشیم
چـون مـهدی فـاطمه جـهادی بـاشیم
گر عشق امـام و رهـبری در دل مـاست
حـقّ است کـه احـمدی‌نژادی بـاشیم

* * *

مـــا مـرد حـماسه و جـهادیم هـنوز
دلداده قسـط و عـدل و دادیـم هـنوز
با ایـن هـمه تـخریب و هـیاهوی رقـیب
مـــا حـامی احـمدی‌نژادیـم هـنوز

* * *

بیا چـون کـوه دالاهـو قـوی بـاش ‌ سـرود مـثنوی و مـعنوی بـاش
بیا حالا کـه دیگـر خـاتمی نـیست ‌ رفـیق مـیرحسـین مـوسوی بـاش

* * *

در این حوزه تبلیغاتی باید گفت که طرفداران مـیرحسـین مـوسوی و محمود احمدی‌نژاد گوی سبقت را از دیگر کاندیداها ربوده بودند.

از دیگر ابزارهای رسانه‌ای، پخش فیلمهای تبلیغاتی مسند نامزدها بود که اغلب نامزدها در آن سعی نمودند به گونه‌ای خود را معرفی نمایند. در فیلم کروبی که توسط بهروز افخمی و با حضور پررنگ یـاران کـروبی

(کرباسچی ـ عبدی ـ ابطحی) نمایش داده شد، مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت و از آن فیلم به عنوان فیلم تبلیغاتی کرباسچی یاد شد. در آن فیلم کرباسچی با چهره‌ای بغض‌آلود از فشار زیاد روی فقرای جامعه ابراز تأسف کرد و بیان داشت: «فقر فقط برای حاکمان پسندیده است.» هرچند اشک ریختن یک سیاستمدار در فضای انتخابات ریاست جمهوری کشور، امری بی‌سابقه نبود اما گریه کرباسچی که به خاطر وضعیت زندگی و سختی معیشت فقرا بود، جای تعجب داشت! شاید اگر کسی با سابقه وی در دهه ۷۰ آشنا نبود گریه کردن ایشان را کاری پسندیده می‌شمرد، ولی عملکرد کرباسچی بویژه در تصدی شهرداری تهران و سخن وی که گفت: «خانواده‌های با درآمد کمتر از حد مشخص نباید در تهران زندگی کنند!» بیانگر چیز دیگری بود. علی مطهری (نماینده مجلس هشتم) در نامه‌ای به مهدی کروبی با اشاره به فیلم تبلیغاتی وی نوشت: «کرباسچی در زمان تصدی شهرداری تهران حقوق مردم را پایمال می‌کرد. به طوری که آثار آن هنوز باقی است و شاید تا قرنها باقی بماند.»[1] در همین رابطه سایت الف متعلق به احمد توکلی با اشاره به اشک تمساح کرباسچی برای فقرا نوشت: «آیا خود ایشان و اطرافیانشان مدیر و بازوی اجرایی رئیس جمهوری نبودند که از مانور تجمل دفاع می‌کرد؟ آیا آقای کرباسچی همان شهرداری نبود که در زمان تصدی شهرداری در ویلایی بزرگ در شمالی‌ترین نقطه تهران زندگی می‌کرد؟ و آیا اشرافیگری مسؤولان از

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۹.

زمان صدارت کارگزاران سازندگی باب نشد؟ و آیا ایشان نمی‌گفتند خانواده‌های با درآمد کمتر از حدی مشخص نباید در تهران زندگی کنند؟...»[۱]

همچنین در آن فیلم کروبی برای نشان دادن دفاع از حقوق از دست رفته برخی دانشجویان که با عنوان دانشجوی ستاره‌دار معرفی شدند، با انجام مصاحبه‌ای با فردی به نام (محمد ـ ص) که ادعا کرده بود به جرم این‌که در یک سمینار دانشجویی به یکی از مسؤولان وزارت خارجه پیشنهاد کرده است پروتکل الحاقی را امضاء کند از تحصیل بازمانده، معاونت دانشجویی فرهنگی علوم پزشکی اصفهان با ارسال توضیحی تأکید کرد نامبرده در ۳۱ شهریور ۸۳ تحصیلات خود را به پایان برده و با اخذ مدرک کارشناسی ناپیوسته رشته بهداشت عمومی فارغ‌التحصیل شده است.[۲] این درحالی بود که پروژه مظلوم‌نمایی در ستاد کروبی در پی پخش برنامه مهدی کروبی و شرکت وی در برنامه با دوربین شبکه اوّل سیما قبلاً کلید خورده بود. روزنامه اعتماد ملی با اشاره به برنامه اجرا شده در شبکه اوّل سیما با تیتر بزرگ نوشت: «فیلم کروبی سانسور شد.»[۳]

ماجرا از آن قرار بود که صدا و سیما به دلیل رعایت حقّ مساوی هر کاندیدا، با توجه به طولانی شدن زمان نطق تلویزیونی کروبی با نظر مشاوران وی ۲ دقیقه از آن فیلم را حذف کرده بود، اما اعتماد ملی با جنجال‌آفرینی نوشت: «تلویزیون با حذف ۲ دقیقه از فیلم کروبی بخش

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۸.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۰.
۳- اعتماد ملی، ۱۳۸۸/۳/۴.

اصلاح قانون اساسی را سانسور کرد.» در پی این اقدام کروبی در جمع خبرنگاران طی مصاحبه‌ای که آن نیز از اخبار ۲۰:۳۰ شبکه دوم سیما پخش شد، تصریح کرد: «ادعای مذکور واقعیت ندارد.» و ۲ روز بعد از ماجرا روزنامه اعتمادملی با درج مطلب کوتاه و کوچکی در صفحه اوّل خود از قول مرتضی الویری نوشت: «اظهارات کروبی از سیما پخش شده و هیچ سانسوری صورت نگرفته است.»[۱]

در فیلم تبلیغاتی و مستند میرحسین موسوی که توسط مجید مجیدی کارگردان برجسته سینمای ایران ساخته شده بود، تلاش شد تا سفرهای استانی مهندس موسوی به تصویر کشیده شده و مشکلات کشور طوری نشان داده شود که گویی تمام این مشکلات را دولت نهم به وجود آورده است. مجید مجیدی که در سالهای اخیر در فرهنگستان هنر با میرحسین موسوی همکاری داشت، در فیلم خود که با تصویر احساسی عیادت موسوی از احمد عزیزی (شاعر اهل بیت علیهم‌السلام) همراه بود؛ برای نشان دادن مشکلاتی چون بیکاری ـ اعتیاد و ... از بازیگر زن تئاتر استفاده کرد. این حرکت با اعتراض بسیاری از جمله انجمن اسلامی دانشکده هنر دانشگاههای سمنان و شاهد قرار گرفت. آنان در نامه سرگشاده خطاب به مجیدی نوشتند: «از آن جایی که ما دانشجویان هنر معتقدیم حضرتعالی به عنوان کارگردانی که در سالهای گذشته، هنرمند متعهد و با اخلاقی بوده‌اید، برایمان جای سؤال است که چرا این‌بار در اثر انتخاباتی خود،

۱- همان، ۱۳۸۸/۳/۶.

برای جناب آقای مهندس میرحسین موسوی که ایشان نیز سررشته‌ای در هنر دارا می‌باشد، با انجام کاری غیراخلاقی زمینه انحراف افکار عمومی را پدید آوردید. خوب می‌دانید که از چه سخن می‌گوییم. سخن از بازیگرانی است که به سفارش حضرتعالی در این فیلم نقشهای گوناگون را برای انحراف افکار عمومی برعهده گرفته‌اند تا بازیگر اوّل مرد (موسوی) بتواند دل بینندگانش را با هدف جلب آراء انتخاباتی به دست آورد.»[۱]

همچنین در این فیلم، ضمن نمایاندن موج سبز و استقبال بسیاری از مردم بویژه جوانان از آن، دیدار میرحسین با برخی از مراجع تقلید قم به نمایش درآمد که به دلیل برداشت حمایت‌آمیز از وی، با واکنش مراجع تقلید مواجه شد.[۲]

حجةالاسلام پارسا (مسؤول اطلاع رسانی دفتر آیت‌الله موسوی اردبیلی) در این‌باره گفت: «همه نامزدها امکان دیدار با ایشان را داشته‌اند و این دیدار دلیلی بر حمایت نیست. اعلام نظر رسمی ایشان معمولاً از طریق بیانیه رسمی و یا سخنان صریح ایشان است و نشان دادن تصاویر در دیدار نمی‌تواند اعلام حمایت باشد.» نجف‌زاده (مسؤول دفتر آیت‌الله نوری همدانی) نیز بیان داشت: «این مرجع تقلید با تأکید بر این‌که حمایت از یک نامزد خاص در انتخابات به دور از شأن مرجعیت شیعه است، شائبه حمایت ایشان از مهندس موسوی را بی‌اساس دانستند.» حجةالاسلام اکبری (مسؤول دفتر آیت‌الله جوادی آملی) در رابطه با دیدار ایشان با

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۳.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۱.

هریک از نامزدها گفت: «نمایندگان برای تبلیغات خود و نشان دادن ارادت و اعتماد خود به مراجع تقلید می‌توانند فیلم دیدار خود را منتشر کنند. ولی این دیدار دلیل بر حمایت از نامزدها نیست.» این در حالی بود که پیش از این، دیدار میرحسین موسوی با مراجع به شکل گسترده‌ای در مطبوعات دوم خردادی انعکاس پیدا کرده و حمایت این مراجع از موسوی اعلام شده بود.

فیلم محسن رضایی هم به زندگی‌نامه و سرگذشت وی و همچنین مواضع و بیانات ایشان در سفرهای استانی خود پرداخت. اما فیلم احمدی‌نژاد خلاصه‌ای از سفرهای استانی هیأت دولت نهم به استانهای مختلف کشور بود. این فیلم که نا گفته‌های سفرهای استانی رئیس جمهور را بیان می‌کرد، توسط جواد شمقدری ساخته شده بود. جواد شمقدری که در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری هم فیلم تبلیغاتی احمدی‌نژاد را ساخته بود و در ۴ سال ریاست جمهوری وی یکی از نقشهای کلیدی حوزه هنری و فرهنگی را هم بازی می‌کرد، در فیلم تبلیغاتی احمدی‌نژاد گوشه‌ای از حیاط منزل وی را به تصویر کشید. احمدی‌نژاد در وسط حیاط خانه‌اش سبزی‌کاری کرده بود. اگرچه با نگاه سطحی نمایش باغچه کوچک حیاط خانه احمدی‌نژاد خیلی شبیه به یک فیلم انتخاباتی نبود، ولی در این فیلم، احمدی‌نژاد باکندن علفهای هرز در میان ریحانهای اصلی و نشان دادن آن به دوربین باکنایه این نکته را القاء می‌کرد که بایستی افرادی که در انقلاب اسلامی مانند علفهای هرز روییده‌اند، دستشان از انقلاب اسلامی کوتاه شود.

نقش فیلمهای تبلیغاتی از آن جهت مؤثر بود که آن دسته از شرکت‌کنندگان که علاقه‌ای به پیگیری اخبار از طریق روزنامه‌ها و... را نداشتند، در تصمیم‌گیری برای انتخاب نامزد نهایی خود ارشاد و راهنمایی می‌شدند.

۲ـ تبلیغات در سطح شهرها: یکی دیگر از شیوه‌های تبلیغات نامزدها در انتخابات گوناگون، استفاده از پوسترها، پارچه نوشته‌ها و بنر و سایر ابزار تبلیغاتی است. این ابزارها که عموماً در مراکز پر رفت و آمد شهر نصب می‌گردد، مورد توجه بسیاری از طرفداران نامزدها قرار می‌گرفت.

اگرچه بسیاری از افراد بر این عقیده‌اند که نباید با اسراف زیاد از این شیوه استفاده شود و انصافاً هم با توجه به سال «اصلاح الگوی مصرف» نسبت به دوره‌های گذشته در این دوره کمتر مورد استفاده قرار گرفت، اما برخی شور و نشاط انتخاباتی و فعالیتهای آن را منوط به استفاده از این شیوه و تغییر چهره شهرها در ایام انتخابات می‌دانستند.

از آغاز تبلیغات رسمی نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری اقلام تبلیغاتی میرحسین موسوی و کروبی بیش از دیگر رقبا در سطح شهرها مشاهده شد و همین امر موجب صعود جایگاه آنان در نظر سنجیهای اوّلیه شد. اما با ورود احمدی‌نژاد و رضایی به صحنه تبلیغات در سطح شهرها این روند ثابت ماند. ستاد احمدی‌نژاد شعار «می‌شود و می‌توانیم» و ستاد رضایی شعار «نجات اقتصادی» را انتخاب نمودند. کروبی شعار «تغییر» و موسوی شعار «هر شهروند یک ستاد - هر ایرانی یک همراه» را به عنوان شعار انتخاباتی خود معرفی کردند.

نامزدها و حامیان آنان غالباً در پارچه‌نوشته‌ها و پوسترها و بنرهای خود شعارها و برنامه‌های خود را بیان می‌داشتند. هاشمی ثمره (رئیس ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد) از تقلبی بودن و عدم تعلق بنرهای «محمود مردمی‌نژاد» به ستاد احمدی‌نژاد خبر داد. کروبی که با شعار تغییر آمده بود با اشاره به انتخابات نهم که گفته بود: «شب خوابیدم و صبح دیدم سوم شده‌ام»؛ در زیر عکس خود این‌گونه نوشته بود: «این‌بار همه بیداریم.» وی مانند فیلم تبلیغاتی‌اش که از کرباسچی استفاده کرده بود، در پوسترها و بنرهای خود از عکس کرباسچی با ژستی خاص و دست بر کمر در کنار خود استفاده کرد!

محسن رضایی هم که با شعار انقلاب اقتصادی آمده بود، در پوسترهایش از وی به عنوان معمار نوین اقتصاد کشور یاد شد. محمود احمدی‌نژاد نیز مانند دوره گذشته از شعارهای عدالت‌محورانه استفاده کرد، ولی میرحسین موسوی که خود را خط امامی می‌دانست و به نخست وزیر بودن دوران دفاع مقدس افتخار می‌کرد، از شیوه‌های جدید استفاده نمود. موسوی که از مشاوران تبلیغاتی خوبی برخوردار بود، هزینه‌های هنگفتی را صرف تبلیغات کرد و پوسترهای متنوعی را طراحی نمود. وی که در پی کسب آراء از همه طیفها و اقشار مختلف جامعه بود، با استفاده از نماد سبز سعی در جمع‌آوری آراء نمود. وی حتی در کنار پوسترها و بنرهای رنگارنگ و عموماً جوان‌پسند، با تأسی از سلام بر سه سید فاطمی

...[1] از تصویر حضرت امام(ره) و رهبری و خاتمی در کنار عکس خود با نوشته سلام علی آل یاسین، استفاده کرد.

اصلاح‌طلبان در پلاکاردهای تبلیغاتی بزرگی که در سطح شهر تهران نصب شده بود از قول هاشمی رفسنجانی نیز نوشتند: «هرگاه اکثریت از حضور در انتخابات خودداری کنند، اقلیت بر آن حاکم خواهد شد.»

در پی انجام مناظره‌های تلویزیونی و بیان این مطلب توسط احمدی‌نژاد که سه نامزد در برابر یک نامزد قرار گرفته‌اند، حامیان وی در دست‌نوشته‌هایی با مضمون «چپ راست کارگزار علیه خدمتگزار» و شکلهایی چون «۱ < ۳» از نامزد خود حمایت کردند.

۳ـ تبلیغات مردمی و چهره به چهره: در این نوع تبلیغات که طرفداران کاندیداها نقش اصلی را بر عهده داشتند، با حضور در میادین اصلی شهرها و معابر پرجمعیت با پخش لوحهای فشرده، بروشورها و بیان خدمات و ویژگیهای نامزدهایشان به تبلیغ می‌پرداختند.

فضای اجتماعی ـ سیاسی کشور بویژه در روزهای مانده به برگزاری انتخابات به گونه‌ای بود که گویا ساعتی بیش به موعد رأی‌گیری نمانده است و اغلب بحثهای داغ میان طرفداران نامزدها، تا پاسی از شب در خیابانها ادامه می‌یافت و حامیان نامزدها شور و هیجان خود را نسبت به نامزد مورد علاقه خود ابراز می‌کردند. برخی طرفداران با نصب پوستر نامزد خود بر روی ماشینهای خود و با گردش در سطح شهر به تبلیغات

۱- پوستر خاتمی در سال ۱۳۷۶.

می‌پرداختند که در این میان طرفداران موسوی بیشترین سهم را داشتند. در حالی که ۱۹۰ خبرنگار خارجی درخواست خود را برای پوشش خبری انتخابات تسلیم وزارت ارشاد کرده بودند، محافل سیاسی و رسانه‌های جهان برای پوشش خبری روند برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری به انعکاس رقابتهای داغ انتخابات ایران پرداخته و از رقابت جدّی میان نامزدها خبر دادند. روزنامه امریکایی لس‌آنجلس تایمز در مقاله‌ای با اشاره به رقابتهای انتخاباتی در ایران به ایجاد اتحاد در میان رهبران برجسته اصلاح‌طلب و محافظه کار برای جلوگیری از انتخاب مجدّد احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهور پرداخت. این روزنامه در ادامه نوشت: «احمدی‌نژاد تهدیدی برای امپراطوری مالی هاشمی محسوب می‌شود. رفسنجانی با هزینه چندین مليون دلار، شبکه الکترونیکی را برای دیده‌بانی انتخابات راه‌اندازی کرده است. وی ضمناً تعدادی از اعضای حزب کارگزاران را برای کنترل صندوق رأی گمارده است. همچنین برای کمک موسوی ۳۰۰ شعبه از دانشگاه آزاد را در اختیار وی گذاشته است تا در رقابتهای انتخاباتی برای وی فعالیت کرده و از او حمایت کند.»[۱]

روزنامه القبس کویت هم درگزارشی نوشت: «تب انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران بالا گرفته است. صحنه تبلیغاتی با نزدیک‌تر شدن زمان برگزاری انتخابات داغ‌تر و چه بسا افزایش میزان مشارکت

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۹.

مردم نسبت به گذشته خواهد شد.»[۱]

آسیا تایمز در گزارشی با اشاره به رقابت احمدی‌نژاد و موسوی نوشت: «انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران، رقابتی‌ترین انتخابات در تاریخ سی ساله جمهوری اسلامی است.[۲]

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که حال و هوای دهمین دوره از انتخابات و شور و نشاط شکل گرفته در آن در طول سی سال پس از انقلاب سابقه نداشته است و این موج انتخاباتی را برآمده از انجام مناظرات تلویزیونی نامزدهای ریاست جمهوری می‌دانند. سایت تغییر از حامیان کروبی اوضاع و احوال طرفداران موسوی را چنین گزارش کرد: «نه برنامه‌ای و نه حرف تازه‌ای. حامیان موسوی را در ضلع جنوبی میدان ولی عصر(عج) می‌بینیم که مردم را با دستبند و شال سبز رنگ به رأی دادن به کاندیدای اصولگرایان اصلاح‌طلب، میرحسین موسوی ترغیب می‌کنند. نه استدلالی دارند و نه منطقی برای این حمایتشان متأسفانه. اما دلایلشان جالب توجه است!» میرحسین موسوی احتمال رأی آوری‌اش بیشتر است. کروبی قدرت طلب است اما میرحسین نیست. «آری؛ برای هرکدام از این استدلالها باید علامت تعجب بزرگی گذاشت! به اندازه بیست سال سکوت. باید تأسف خورد به حال کسانی که استدلالی برای حمایتشان از یک کاندیدا ندارند و وقتی بی‌پاسخ می‌مانند به هجویات روی می‌آورند. ای کاش می‌دانستند میرحسین برای آن آورده شده که

۱- همان.

۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۰.

خاتمی نیاید... ما نه به رنگها و نه جوّسازی که احساسات را جایگزین شعور می‌کند، نباید رأی دهیم. ما باید این بار نشان دهیم که شعورمان بر احساسات غلبه می‌کند...»[۱]

همچنین پر رنگ شدن رفتارهای ناهنجار و ضد ارزشی در میتینگهای انتخاباتی ستاد موسوی و تبدیل این مراسمات به محافل رقص و پایکوبی و فحاشی علیه مقدسات، باعث نگرانی بانیان مراسم و توسل به ترفند فرافکنی شد. در حالی که بانیان این مراسم خود، مهمانها را دعوت کرده و حتی با اتوبوس به مراسم می‌آوردند و می‌بردند. اصلاح‌طلبان و سایتها و روزنامه‌های آنها با نگرانی از این که شگرد جمع آراء به شیوه لمپنیسم به ضد خود تبدیل شود و موجب بدبینی افکار عمومی می‌گردد، ادعا می‌کنند ترتیب دادن چنین صحنه‌هایی ربطی به آنها ندارد و ناشی از شیطنت رقبا است. این در حالی بود که سایتهای حامی اصلاح‌طلبان به‌طور گسترده عکسها و کلیپهای مربوط به رفتارهای زننده را به طور وسیعی انتشار داده‌اند. حتی میرحسین موسوی در جلسات سخنرانی خود هیچ‌گاه نسبت به این وضع اعتراضی نکرد.[۲] در این رابطه روزنامه اندیشه نو با درج عکس بزرگ در صفحه اوّل، تصویری از کارناوال خیابانی برخی مدعیان حمایت از موسوی را چاپ کرد و نوشت: «جوانان خیابانها را برای موسوی بستند.» استراتژی تبلیغاتی نامزدها به این شکل بود که برنامه‌ریزان تبلیغاتی آنان به گونه‌ای در تلاش بودند تا نظر مردم را نسبت

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۰.

۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۰.

به نامزد خود جلب نمایند. ابوالفضل فاتح (مسؤول بخش رسانه‌ای ستاد موسوی) در خصوص تبلیغات ستاد موسوی در جمع دانشجویان گفت: «موسوی نیازی و علاقه‌ای به داشتن ستاد عریض و طویل ندارد و ما ترجیح می‌دهیم هرکس هرطور که خودش می‌فهمد و می‌خواهد، مهندس موسوی را تبلیغ کند.» اما در عمل استراتژی «هرکس از ظن خود شد یار موسوی» چندان جدّی گرفته نشد و ستاد موسوی برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای جلوی چشم آوردن او انجام داد. بویژه این‌که وی ۲۰ سال در انظار مردم ظاهر نشده بود و بالاخص نسل دومی‌ها آشنایی چندانی با وی نداشتند.

در طرف مقابل یعنی ستاد احمدی‌نژاد نیز برنامه‌هایی برای تبلیغات دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری طراحی شد. اگرچه جناح اصلاح‌طلب معتقد بود تمام امکانات در دست احمدی‌نژاد است! و حتی سفرهای استانی دولت نهم را که در راستای پیوند دولت و ملّت انجام می‌شد را تبلیغاتی می‌خواندند، اما در بین طرفداران احمدی‌نژاد و اصولگرایان دو دیدگاه وجود داشت یکی این‌که کسانی معتقد بودند، احمدی‌نژاد نیاز به تبلیغ ندارد. آنان براین باور بودند که احمدی‌نژاد در چهار سال گذشته چهره شناخته شده کاملی برای کشور نبود، اما امروز شناخته‌ترین چهره ایران و جهان است. در این رابطه مهدی کلهر (مشاور اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای دولت نهم) در گفتگو با خبرگزاری کیودوی ژاپن با اشاره به کارنامه اجرایی احمدی‌نژاد گفت: «اگرچه کارنامه اجرایی او (احمدی‌نژاد) بیست نیست و مثل هر کسی که با شتاب در عرصه اجرایی

فعالیت می‌کند، اشتباهاتی دارد، ولی نمره بسیار بالایی را کسب کرده که هم طرفداران انقلاب اسلامی در داخل کشور و هم خارج کشور به آن اعتراف دارند. خوشبختانه امروز کارنامه احمدی‌نژاد در سرزمین ایران از طریق یک نمای هوایی توسط هواپیما یا بالگرد قابل مشاهده است و می‌توان خطوط راه آهن، کارخانه‌های سیمان، فولاد، نورد و معادن مس و غیره را دید. امروز در تمام روستاها عکسهای چهار سال پیش موجود است و وضعیت کنونی هم قابل مشاهده است و آمارها نشان می‌دهد این چهار سال در برخی از زمینه‌ها بیش از تمام دوره‌های قبل و حتی قبل از انقلاب مثل فضای ورزشی افزایش پیدا کرده است.» کلهر در پاسخ به سؤالی مبنی بر این‌که استراتژی کلّی دکتر احمدی‌نژاد و تیم انتخاباتی ایشان برای کسب آراء و انتخاب مجدّد چیست؟ گفت: «در این دوره آقای احمدی‌نژاد کار تبلیغات آن چنانی نخواهد داشت. چون ایشان به نظر ما یکی از شناخته‌شده‌ترین رئیس جمهورهای جهان و در داخل و خارج کشور است . . . در این دوره ستادهای مردمی احمدی‌نژاد بنا بر توصیه احمدی‌نژاد باید چند تا کار انجام دهند. یکی این است که نسبت به رقبای انتخاباتی ایشان هیچ‌گونه مخالفتی صورت نگیرد و دیگر آن‌که در مورد کارهایی که در دولت ایشان رخ داده است اغراق و گزافه گویی صورت نگیرد. لذا تنها کاری که ستادهای انتخاباتی ایشان انجام می‌دهند، این است که اگر اطلاعات غلطی از سوی رقبا بیان شد فقط همان قسمت را

اصلاح کنند.»[1]

از سوی دیگر تعدادی از حامیان احمدی‌نژاد معتقد بودند که نباید تصور کنیم فضای اصولگرایی و سفرهای استانی و استقبالهای مردمی از رئیس‌جمهور رأی را برای آنان غالب می‌کند و از تبلیغات برای نامزد اصولگرایان غفلت ورزند. در این مورد حبیب‌الله عسگراولادی در نشست جامعه مهندسین با بیان این موضوع گفت: «این تظاهرات استانی در استانها و شهرستانها و فضای گسترده اصولگرایی برای رأی کافی نیست و باید برای جلب آراء سرمایه گذاری زیادی کنیم.»[2] لذا ستادهای انتخاباتی احمدی‌نژاد نیز در استانهای کشور سازماندهی شد.

از تفاوتهای تبلیغاتی انتخابات دهم، تغییر در اخلاق انتخاباتی نامزدها بود که نمونه آن استفاده از رنگها بود. ستاد موسوی با الگوبرداری از انقلابهای مخملی رنگ سبز را به عنوان نماد حامیان موسوی اعلام کرد و برای این امر هزینه‌های فراوانی برای تهیه مانتو، دستبند، روسری و تی‌شرت سبز و توزیع آن میان مردم و بویژه قشر جوان انجام داد. این نماد علاوه بر محافل و سخنرانیها، در مطبوعات دوم خردادی هم تبلیغ شد. به گونه‌ای که بسیاری از روزنامه‌های جریان اصلاح‌طلبی با چاپ عکسهایی از جوانان با مچ‌بندهای سبز از فراگیر شدن موج سبز در کشور خبر دادند. به عنوان مثال روزنامه حیات نو طی یادداشتی تحت عنوان «فراگیری موج سبز» نوشت: «طرحهای تبلیغاتی ستاد مهندس موسوی با رنگ سبز چاپ

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۹.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۷.

و توزیع شده و طی دو روز گذشته مورد استقبال عموم مردم قرار گرفته است. رنگ سبز نماد تبلیغاتی ستاد موسوی در میان اقشار مختلف مردم در حال فراگیر شدن است و در اکثر معابر عمومی‌دیده می‌شود.»[۱] در همین راستا روزنامه صدای عدالت با چاپ تصویر بزرگی از سعید حجاریان در حالی که لباس سبز بر تن داشت، از شروط سه‌گانه وی جهت حمایت حزب مشارکت از موسوی خبر داد و در تیتر اوّل خود نوشت: «شال سبز جهان آرا بر شانه‌های موسوی.»[۲] همچنین داریوش قنبری (نماینده مجلس هشتم) در اظهاراتی بیان داشت: «روستاها را هم موج سبز فراگرفته است.»[۳]

اصرار هواداران و ستاد موسوی بر رنگی کردن حرکت خود، نامزدهای دیگر را نیز به انتخاب رنگ واداشت. به همین منظور ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد رنگ پرچم کشور را نماد حامیان احمدی‌نژاد خواند. هاشمی ثمره (رئیس ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد) در این رابطه گفت: «ما روی رنگ حساسیتی نداریم اما با توجه به سؤالهای متعددی که در این مورد پرسیده می‌شود، باید بگویم که رنگ ستادهای مردمی دکتر احمدی‌نژاد باید رنگ کشور و همه ملّت ایران باشد، یعنی رنگ عدالت، پاکی و عشق. و از آن‌جاکه همه اینها در پرچم جمهوری اسلامی ایران که نماد توحید، استقلال و جمهوری اسلامی ایران است، بنابراین پرچم مقدّس جمهوری اسلامی ایران نشان مهم ستادهای مردمی آقای

۱- حیات نو، ۱۳۸۸/۳/۴. ۲- صدای عدالت، ۱۳۸۸/۳/۳.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۲۰.

احمدی‌نژاد است.»[1]

همچنین ستاد مهدی کروبی با اعلام رنگ سفید به عنوان رنگ حامیان کروبی و توزیع تی‌شرت سفید بین جوانان با درج کلمه تغییر روی آن، سعی کرد تا انتخابات نهم را در اذهان عمومی زنده کند.[2]

پس از اقبال عمومی نسبت به رنگ پرچم برای حامیان دکتر احمدی‌نژاد، سایت اراده مردم (حامی موسوی) با ابراز نگرانی از این‌که احمدی‌نژاد در قبال رنگ سبز حامیان موسوی، پرچم رنگ جمهوری اسلامی را انتخاب کرده و حریف را منفعل ساخته است، نوشت: «پیشنهاد می‌شود موج سبز، پرچم رنگ ایران را همراه داشته باشد، با این تفاوت که رنگ سبز آن بزرگتر و رنگهای دیگر کوچک باشند!».[3]

استفاده از رنگها از آن جهت حائز اهمیت بود که توانست تأثیر فوق‌العاده‌ای در اذهان مردم بگذارد. به طوری که حامیان هریک از نامزدها رنگ نماد ستاد خود را به رخ دیگر رقبا می‌کشید.

رنگ سبز که به طور طبیعی بیانگر حرکت و پویایی است و در اعتقادات ایرانیان ریشه و جایگاه ویژه‌ای دارد و رنگ سفید که بیانگر آرامش و صلح است و حتی استفاده از رنگ پرچم کشور گرچه در نوع خود قابل توجه بود اما انحصاری کردن رنگها و مربوط ساختن آن به پوشش و لباس افرادی که به طور طبیعی علاقه‌مند به این رنگها هستند و از آن استفاده می‌کنند، نوعی سوء استفاده تبلیغاتی از احساسات و مقدسات

۱- جوان، ۱۳۸۸/۳/۶.
۲- اعتماد ملی، ۱۳۸۸/۳/۴.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۰.

مردم بود که در برخی موارد منجر به تقابل رنگها و در نهایت تقابل بین ستادها شد.

بر همین اساس طرفداران احمدی‌نژاد نصب پارچه‌های سبز به مناسبت ایام شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام و طرفداران موسوی نصب پرچم ایران در معابر عمومی توسط شهرداری تهران را تعبیر ناصواب می‌نمودند و آن را شیطنت شهرداری در حمایت یا عدم حمایت از کاندیدای خاص قلمداد می‌کردند.

در میان رنگها البته رنگ سبز دارای حساسیتهایی بود. این رنگ که دارای باری ارزشی و مذهبی در جامعه مقدّس ما تلقی می‌شد و یادآور بسیاری از مسائل ارزشی چون گنبد خضراء ائمه معصومین و... بود، پس از استفاده‌های غیر متعارف از این نماد توسط ستاد موسوی و برخی حامیان وی، اعتراض بسیاری از قشرهای جامعه را دربر داشت. بویژه آن‌که با رواج برخی حرکتهای ناپسند از جمله بستن شال سبز به گردن سگ، پوشیدن مانتوهای کوتاه و تنگ و زننده به رنگ سبز، رقصیدن با لباس و پارچه سبز و... این اعتراضات را روز به روز گسترده‌تر کرد و این عمل در قالب شعر که عموماً از طریق پیامک در سطح جامعه گسترش داده می‌شد، مورد تقبیح قرار گرفت.

از دیگر روشهای جذب نیرو و هوادار توسط ستاد موسوی سازماندهی دختران فیروزه‌ای بود که غالباً توسط فائزه هاشمی پیگیری می‌شد. جعفر فرجی (نویسنده وبلاگ بیقرار) با اشاره به ستادهای سازمان مجاهدین و مشارکت که عناصر اصلی‌شان در انتخابات نهم در قالب

ستادهای معین گرد هم آمده بودند، به روش سازماندهی آنان پرداخته و نوشت: «سازماندهی بر اساس تیمهای کوچك و تشکیل تیمهای مختلط دختران و پسران و استفاده از جاذبه شهوانی برای فعالیت و پایداری بیشتر تیمها. با چنین نگاهی بود که اولویت کاری در ستادها حول محور سازماندهی دختران فیروزه‌ای قرار گرفت. در وهله اوّل جذب دختران فعال در دانشگاهها و همچنین خبرنگاران روزنامه‌ها و خبرگزاریها در دستور کار قرار گرفت. این دختران پس از معرفی به ستاد مرکزی و طی دوره‌ای خاص و پس از اطمینان خاطر، به ستاد اصلی معرفی می‌شدند. تیمهای ۳ تا ۵ نفره مختلط با حضور یک یا دو نفر از این دختران نوعاً جذاب شکل گرفت. فضای صمیمی و آزاد حاکم بر ستاد مابین دختران و پسران و میزهای دایره‌ای که در آن دختران و پسران با یکدیگر دست داده و ساعتها به صحبت و ... می‌پرداختند، زمینه جذب خوبی از دید آنان بود.» وی در ادامه ضمن بیان این‌که برای همه دختران تلفنهای همراه ایرانسل و کارت ویزیت با نام مستعار تهیه شده بود، نوشت: «برای تمامی افرادی که قصد عضویت در ستاد را داشتند، کارت عضویت عادی صادر شده و در صورت چهار بار حضور در برنامه‌های خیابانی و گزارش آن توسط سر تیم مربوطه، فرد کارت عضویت فعال دریافت نموده و ما بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان روزانه دریافت می‌کرد...»[1]

از دیگر روشهای تبلیغاتی در این دوره که عموماً به رخ کشیدن حامیان

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲۰.

نامزدها به یکدیگر تلقی می‌شد، تجمعهای گسترده هواداران نامزدها بود. تشکیل زنجیره انسانی حامیان موسوی از میدان تجریش تا میدان راه‌آهن و گردهمایی حامیان احمدی‌نژاد در مصلای بزرگ امام خمینی(ره) از نمونه‌های آن به شمار می‌رود.

صندلی داغ مناظره

ابتکار صدا و سیما در برگزاری مناظره‌های مستقیم کاندیداهای ریاست جمهوری سبب شد تا یکی از تاریخی‌ترین و جذاب‌ترین و پربیننده‌ترین برنامه‌های سیاسی رسانه ملی رقم بخورد. اما قبل از آغاز مناظره‌های تلویزیونی دو جریان اصلاح‌طلبی و اصولگرایی موضع‌گیریهایی را انجام داده و هرکدام دیگری را به فرار از مناظره متهم و نامزد مورد حمایت خود را آماده هرگونه مناظره معرفی می‌نمودند.

مناظرهٔ خنثی

اوّلین مناظرهٔ بین آقایان مهدی کروبی و محسن رضایی برگزار گردید. مهدی کروبی در ابتدا در پاسخ به این سؤال که نظرسنجی و مشاهدات میدانی نشان از دغدغه‌های مردم در خصوص بیکاری و تورم دارد و آیا اولویت کاری شما بعد از انتخاب شدن در حول این مسائل می‌چرخد یا خیر، گفت: کسانی که از سوی شورای نگهبان برای نامزدی در انتخابات تأیید شده‌اند شایستگی اداره کشور را دارند و بنده فکر می‌کنم در بین این نامزدها خصوصیاتی در بنده موجود است که برای اداره کشور نسبت به

دیگران تقدم دارم. وی با اشاره به سوابق کاری خود گفت: مدیر اجرایی کشور باید خصوصیاتی در وی موجود باشد از جمله عقبه و سوابق کاری و بنده در این راستا سوابق طولانی غیر از مسائل مبارزاتی داشته‌ام و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مسؤولیتهای سنگینی بر دوش بنده بوده و همواره به شکلی عمل کردم که مورد تحسین قرار گرفته‌ام. کروبی با بیان این‌که در ابتدای پیروزی انقلاب وضع نهادهای کشور نابسامان بود، افزود: در برهه‌ای کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و غیره با حکم امام خمینی تأسیس شده بودند و در اسفندماه ۱۳۵۷ با حکم امام خمینی کمیته امداد به بنده واگذار شد، منتهی در این حکم عسگر اولادی و یکی از دوستانی که بنده تعیین می‌کردم باید همراه ما در کمیته امداد بودند ولیکن خطاب نامه امام به بنده بود. وی اضافه کرد: اکبر استاد از نیروهای مؤتلفه اسلامی را بنده به عنوان نفر سوم در نظر داشتم که عسگراولادی پیشنهاد کردند که به جای وی حبیب‌الله شفیق حضور داشته باشند که بنده نیز برای شروع کار این پیشنهاد را پذیرفتم و اگر در این جهت پافشاری می‌کردم حرف بنده مورد قبول واقع می‌شد، اما چون بنا بر کار جمعی بود پیشنهاد عسگراولادی را قبول کردم. مسؤولیت باید همراه با سعه صدر باشد. این کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری دهم با اشاره به این‌که پس از گذشت یک سال امام خمینی از بین ما سه نفر حکم جداگانه‌ای برای اداره بنیاد شهید به بنده دادند، تصریح کرد: امام این نظر را داشتند که خانواده شهدا باید از کمیته امداد جدا شود، لذا حکمی برای بنده صادر کردند و در این حکم ۱۰ بند برای اجرای کار تعیین کرده بودند

که یکی از آن بندها به این جانب اجازه می‌داد که به طور مستقیم با امام در ارتباط باشم. کروبی با تأکید بر این‌که بنده خیلی مقید به ارتباط با مردم هستم خاطرنشان کرد: مسؤولیت باید همراه با سعه صدر باشد و مسؤول باید با حفظ ارتباط خود با مردم حرمت آنان را نگه دارد و خود را صاحب انقلاب نداند. وی با اشاره به این‌که یک مسؤول کشوری جدای از این‌که نباید مردم را تحقیر کند، باید ارتباطش را با اقوام مختلف حفظ کند، اظهار داشت: بنده با وجود مسؤولیتهای دیگر وارد مجلس شدم و توانستم با اقوام دیگر به شکلی ارتباط برقرار کنم، هنوز با برخی از برادران اهل سنّت که در مجلس اوّل و دوم بودند ارتباط تنگاتنگ دارم. رضایی در پاسخ به این سؤال که قبل از بیان دیدگاههای خود آیا نسبت به سخنان کروبی نظری دارید یا خیر، گفت: بنده نیز مباحث مربوط به ارتباط با مردم را که کروبی بیان کردند قبول دارم ولی آن را کافی نمی‌دانم زیرا اوّلین کسی هستم که به مردمی‌ترین شکل کار کرده‌ام و در دوران جنگ ناچار به استفاده از مردم بودیم و در بین آنان جوانانی همچون شهدایی چون باکری، دقایقی، همت، متوسلیان و باقری بودند و در آن‌جا انسان می‌توانست به نیروی نهفته در دل مردم پی ببرد. کل کارکردهای اقتصادی از مسیر دولتی خارج شود کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری دهم با تأکید بر این‌که اولویت اوّل بنده اقتصاد است افزود: ایران در طی ۱۰۰ سال گذشته گام افتخارآمیزی برداشته و همواره برای استقلال و آزادی مردم مبارزه کرده است و امام خمینی با انقلاب اسلامی همه فعالیتهای آزادیخواهانه را در چارچوب انقلاب تثبیت کرد ولیکن

اگر بخواهیم روی این بحث ایستادگی کنیم و فقط افراد را تغییر بدهیم صحیح نیست و ما اعتقاد داریم باید صندلی دیگری در کنار دولت به معنای اقتصاد ایجاد شود که در آن زندگی مردم بهبود یابد و تمدنی تأثیرگذار در روابط بین‌الملل ایجاد شود. رضایی با اشاره به این‌که یک سری از مسائل اوّلیه هنوز روی زمین مانده است، گفت: در مباحث اقتصادی خود ۲ محور را مد نظر دارم، اوّل مدیریت اقتصادی و در وهله دوم تأثیر بر روی کیفیت زندگی مردم به نحو شایسته دارم. وی در پاسخ به این سؤال که مؤلفه‌های انقلاب اقتصادی شما حول چه مسائلی است، افزود: از نظر بنده باید کل کارکردهای اقتصادی را از مسیر دولتی و رانتی خود خارج و به سمت ساختارهای جدید که بهره‌وری‌اش بالا است سوق داد و همان‌طور که تحول در سیاست رخ داده است تحول در بُعد اقتصاد نیز باید محقق شود. مدیریت در کارها باید همراه با درک خواسته‌های مردم باشد. کروبی در پاسخ به این سؤال که رضایی تعریضی به مباحث جنابعالی داشتند و خود را شروع‌کننده مردمی‌ترین دولت دانستند و اعتقاد داشتند که صندلی جدیدی باید در کنار هیأت دولت گذاشت نظرتان چیست، گفت: رضایی نقاط خوبی فرمودند اما بنده در مقدمه خواستم بیان کنم که حاکم باید با داشتن روحیه مردمی دردهای مردم را احساس کند و خود را در جایگاه ولی‌نعمت مردم تصور نکند و منظور بنده به این شکل نبود که حکومت باید مانند بولدوزر کار کند. وی افزود: مدیریت و نگاه مدیریت در کارها باید همراه با عواطف و درک خواسته‌های مردم باشد ضمن این‌که با برنامه‌ریزی باید کارهای کشور را

به سامان رساند. کروبی با اشاره به سوابق عملیاتی خود گفت: بنده ۱۶ سال در مجلس بوده و ۱۶ بودجه را تصویب کرده و برای برنامه‌های خود یک تیم قوی به همراه دارم. در حال حاضر تورم به ۲۶ درصد رسیده است. کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با تأکید بر این‌که تکمیل نهضت ملی شدن نفت را با واگذاری سهام نفتی که ۵۰ سال قبل به دست آمده دولت تا به حال به مردم نمی‌داده است در اختیار مردم خواهم گذاشت، تصریح کرد: در این راستا آنچه از درآمد صادرات نفت به دست آید در بخشهای زیربنایی مورد استفاده قرار خواهم داد و قسمتی را نیز در اختیار مردم خواهم گذاشت و پول آن را به قیمت روز به حساب مردم واریز خواهم کرد. وی خاطرنشان کرد: با احتساب قیمت فعلی نفت به حساب ٦ دلار پایین‌تر از این قیمت به افراد بالای ۱۸ سال ماهانه ۷۰ هزار تومان می‌رسد و در این راستا مجموعه خوبی تشکیل داده‌ایم. وی در پاسخ به این سؤال که آیا در بحث اقتصاد اعتقاد به انقلاب اقتصادی دارید یا خیر؟ تصریح کرد: بنده شیوه فعلی را قبول ندارم ولی برای ایجاد تحول در کشور برنامه دارم و در این جهت می‌توانم دگرگونی بزرگی را ایجاد کنم. رضایی با تأکید بر این‌که معتقد به انقلاب اقتصادی در کشور است، افزود: تفاوت نظر بنده با کروبی در این است که بهره چگونه به دست مردم برسد و در این جهت دیدگاه من تولید و اشتغال است، لذا در این راستا طرح ایجاد صندوق توسعه ملی را داده‌ام. رئیس جمهور باید رئیس جمهور باشد و دولت کارآفرین، وی اضافه کرد: سهام نفت را با سرمایه گذاری اثر خود را در بخش تولید می‌گذارد و سپس سود آن را از

صندوق توسعه ملی به مردم می‌دهد و آن پولی مازاد است که در صندوق انباشت شده و اگر این کار از ابتدای انقلاب صورت می‌گرفت در حال حاضر ۲۰۰ میلیارد دلار پول ذخیره شده داشتیم و از طرفی نیز ماهانه ۱۰۰ هزار تومان می‌توانستیم به مردم بدهیم و کارخانجات زیادی نیز در کنار آن احداث می‌شد. رضایی با تأکید بر این‌که سهامی که بنده به مردم خواهم داد پایدار و رو به رشد خواهد بود، افزود: ۷۰ هزار تومان الان ۳۵ هزار تومان ۴ سال پیش است و ۷۰ هزار تومان ۴ سال دیگر ۱۵ هزار تومان الان خواهد بود و وقتی ما می‌گوییم انقلاب اقتصادی منظورمان این است که همه شیوه‌ها را تغییر خواهیم داد. وی با تأکید بر این‌که باید الگو را تغییر داد و این کار باید از سطح بالا به پایین شروع شود، افزود: بنده در دولت ائتلافی خود از تمام ظرفیتها استفاده و با همه جناحها کار می‌کنم البته نه با افراد تندرو، روحیه ماکار با نیروهای ارزشی است و دولت ما جمعی است ولیکن رئیس جمهور خودم خواهم بود. وی ادامه داد: نمی‌خواهم تیمی درست شود که بخواهند رئیس‌جمهور را اداره کنند، بنده اعتقاد دارم رئیس‌جمهور باید رئیس جمهور باشد و دولت کارآفرین. رضایی با اشاره به این‌که باید به درآمد تجارت اهمیت بیشتری داده شود، گفت: به ایرانگردی و جهانگردی باید اهمیت بیشتری داده شود و بنده ایرانگردی سلامت را با تأسیس بیمارستانهای مدرن در چند نقطه کشور احیا خواهم کرد. کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهور دهم تصریح کرد: بنده با ۸ تا ۹ مزیت نسبی که در کنار نفت و گاز خلق خواهم کرد مدیریت کشور را سامان می‌دهم و اگر امام خمینی انقلاب اسلامی را با یک تیم

پیش‌رو که پشت سرش بود به پیروزی رساند بنده نیز انقلاب اقتصادی را با تیمی پیش‌رو که در کنار خود دارم ایجاد خواهم کرد.

کروبی در پاسخ به این سؤال که رضایی از صندوق توسعه ملی سخن گفتند و آیا اعتقاد دارید که با روش شما تطابقی دارد یا خیر، افزود: احساس می‌کنم نظرات بنده با رضایی در الفاظ متفاوت است و تنها ما می‌گوییم نفت در اختیار دولت نباشد زیرا ما پولهای در اختیار دولت سبب شده چنین اتفاقی رخ دهد و معتقدیم که نفت باید در اختیار مردم باشد و حتماً نیز برای این موضوع راهکارهای قانونی مد نظرمان است. وی با اشاره به این‌که اگر سیاستهای خود را تغییر دهیم و روابط خود را با دنیا بهبود بخشیم قیمت نفت بالا خواهد رفت، افزود: کسانی که مبالغی که از پول نفت پرداخت می‌شود را احتیاج ندارند در صندوقی برایشان ذخیره می‌کنیم و بیمه تحصیلی را نیز احیا خواهیم کرد و در مرتبه بعدی با آموزش آن به صورت عمومی حقوق شهروندی را نهادینه و سپس با نظارت این قانون را جامعه‌پذیر خواهم کرد و از بانوان تحصیل‌کرده به عنوان پتانسیلی برای توسعه ملی بهره خواهم جست.

شب هیجانی جام جم

از آن‌جاکه خواسته یا ناخواسته انتخابات دوقطبی و یکی از نامزدهای اصولگرایان و یا اصلاح‌طلبان به عنوان گزینه احتمالی مسند ریاست جمهوری پیش‌بینی می‌شد، در نتیجه مناظره محمود احمدی‌نژاد و میرحسین موسوی به عنوان مهمترین مناظره شناخته شد. بسیاری از

تحلیل‌گران مسائل سیاسی پیروزی در این مناظره را پیروزی در انتخابات و نقش آن را برای هرکدام از نامزدها حیاتی می‌دانستند. در همین رابطه سعید حجاریان (حامی موسوی) عدم حضور موسوی در مناظره با احمدی‌نژاد را شکست سه بر صفر و حضور وی را شکست شش بر صفر ارزیابی کرد.[1] این مناظره در ۱۳ خرداد یعنی در شب سالگرد ارتحال ملکوتی حضرت امام (ره) در حالی برگزار شد که هاشمی رفسنجانی به عنوان یکی از بزرگترین حامیان موسوی در مرقد امام(ره) سخن می‌گفت. احمدی‌نژاد در ابتدای مناظره با اشاره به حجم تخریبها علیه دولت نهم، گفت: این میزان هجمه علیه یک دولت، در سالهای پس از انقلاب بی‌سابقه است. احمدی‌نژاد با بیان این‌که فضای انتخابات باید فضایی پرشور و نشاط و سرشار از منطق و دوستی و هم‌افزایی و برادری باشد گفت: در ابتدا می‌خواهم از برخوردهای بسیار غیرمنصفانه و ظالمانه گله بکنم. وی با تأکید بر این‌که دروغ‌پردازیهای بزرگ و تخریب بی‌سابقه‌ای که علیه این دولت انجام شده در طول تاریخ بعد از انقلاب ما بی‌سابقه است افزود: به نظرم علتش این است دوستانی تصمیم گرفتند وارد عرصه بشوند، احساس کردند که در هیچ یک از عرصه‌های مثبت و سازنده قدرت رقابت با این دولت را ندارند بخصوص در عرصه خدمات گسترده دولت که بی‌نظیر بود، در هر بخشی که ما وارد می‌شویم در مقایسه با دولتهای قبل گرچه آنها خدمات ارزشمندی را داشتند دولت به اندازه

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۲.

چند دولت بوده است. احمدی‌نژاد با ابراز تأسف از انکار پیروزیهای بزرگ ملّت در عرصه بین‌الملل و همچنین خدمات دولت گفت: ای کاش به جای این همه تخریب و این تبلیغات سنگین و بی‌سابقه یک برنامه‌ای ارائه می‌شد. رئیس‌جمهور تصریح کرد: متأسفانه در تبلیغات انتخاباتی به ملّت بزرگ ایران توهین شد که من بسیار متأثر شدم. ما چرا باید مردم را از خودمان ناامید کنیم، چرا باید این‌قدر خودمان را شیفته قدرت نشان بدهیم، من شخصاً علاقه‌مند به ورود به این بحثها نبودم، ۴ سال تحمل کردم و از همه توهینها و افترائاتی که به خود من شد و نسبت داده شد، گذشت کردم. الان هم می‌گذرم، بارها اعلام کردم من همه را بخشیده‌ام اما از توهین به مردم، توهین به انتخاب مردم، از توهین به فهم و شعور مردم و منافع مردم نمی‌توانم بگذرم، اجازه ندارم، مردم این اجازه را نمی‌دهند که وقتی که حیثیت آنها مورد هجوم قرار می‌گیرد، یک خادم آنها گذشت بکند. وی با بیان این‌که در دیدارهای مردمی در شهرهای گوناگون قشرهای مختلف به طور گسترده از من می‌خواهند که از حقّ آنها دفاع کنم گفت: به همین دلیل باید ریشه این بداخلاقیها، این جفاها و این فریبها را به مردم بگوییم. احمدی‌نژاد با اشاره به وعده قبلی خود به مردم اظهار داشت: باور من این است که امروز آقای موسوی در برابر من نیست. تنها آقای موسوی نیست، بلکه ۳ دولت پی‌درپی در برابر بنده قرار گرفته‌اند. هم آقای موسوی هم آقای هاشمی و هم آقای خاتمی که این سه در گذشته باهم بودند. در دور گذشته هم آقای موسوی از آقای خاتمی حمایت کرد و هم از آقای هاشمی حمایت کرد و هم آقای خاتمی

از آقای هاشمی حمایت کرد، درواقع اینها همه با هم بودند. وی با تأکید بر این‌که از روز اوّلی که این دولت تشکیل شد، هجومها هم برای ضربه زدن آغاز شد افزود: البته مردم اینها را می‌دانند اما باید جوانها هم بدانند که بنده در برابر یک کاندیدا نیستم، در برابر مجموعه‌ای هستم که با محوریت آقای هاشمی و همکاری آقای موسوی و خاتمی علیه بنده حرکت کردند. احمدی‌نژاد ادامه داد: علت این فشار سنگین به بنده در طول ۴ سال و فشارهای سنگین‌تر در ایام انتخابات به نظر من به یک مسأله برمی‌گردد به این‌که در این ۳ دوره ساختار اداری و حلقه‌های مدیریتی شکل گرفت که از مسیر انقلاب و ارزشهای انقلاب فاصله گرفت، نه این‌که در این ۳ دوره خدماتی نشد، چرا شد اما آرام آرام یک جریانی شکل گرفت که خود را مالک ملّت، مالک انقلاب، حاکم بر مردم و دست خودش را در بیت‌المال و مسائل کشور باز می‌دید. وی با بیان این‌که در انتخابات قبلی از داخل و خارج از رقیب من پشتیبانی شد اظهار داشت: در همان اوایل این دولت، آقای هاشمی پیغامی برای یکی از این پادشاهان حاشیه خلیج فارس فرستاد که شما نگران نباشید ظرف ٦ ماه این دولت ساقط می‌شود که بعداً افرادی رفتند، توضیح دادند و مسأله تا حدودی حل شد. رئیس‌جمهور تصریح کرد: معنای این حرف به روشنی طراحی‌های گسترده علیه این دولت را می‌رساند. ولی این در حالی است که دولت نهم در خدمت مردم بوده و در مدت کوتاه ۴ سال افتخارات بزرگ در عرصه‌های داخلی و جهانی به‌وجود آورد و در عرصه‌های علمی فناوری، در عرصه‌های سیاسی بخصوص در سیاست خارجی

امروز ملّت ایران عزیز و عزیزترین ملّتهاست اما همه اینها نادیده گرفته می‌شود. وی با اشاره به این‌که سنگین‌ترین دروغها و تهمتها در طول چهار سال بخصوص در طول ۳ ماه اخیر به این دولت نسبت داده شد، افزود: من البته آقای موسوی را دوست دارم، همیشه هم به ایشان احترام گذاشته‌ام اما اتفاقی که در این ۳ ماه افتاد برای من قابل توجیه نیست. رئیس‌جمهور خطاب به موسوی گفت: جناب آقای موسوی برای این که متوجه شویم در کشور مشکل هست و اعتیاد هست ما نیاز نداریم که یک بازیگر را بیاوریم در اتوبوس تا بفهمیم اعتیاد هست. وی ادامه داد: شما چند تا سفر کردید متوجه شدید که در کشور مشکلات هست. آیا این مشکلات در ۴ سال ایجاد شده است؟ پس ۲۴ سال چه؟ انگار یک گلستانی را دوستان و متحدان جنابعالی به بنده تحویل دادند و بنده این را تبدیل کردم به یک خرابه. احمدی‌نژاد تصریح کرد: شما ۴ تا شهرستان و استان رفتید، بنده همه ایران را دیده‌ام، اگر بنا باشد از مشکلاتی که مردم دارند، صحبت کنم، تمام وقت این مناظره را هم اختصاص بدهیم باز وقت کم می‌آوریم. گویا تازه معلوم شده است در گذشته ما بیکاری نداشتیم، اعتیاد نداشتیم، کارگاهها مشکل نداشتند، مشکلات اقتصادی و کشاورزی نبود، مشکل صنعت نبود، همه اینها در این دوره؟ ای کاش شما برنامه ارائه می‌دادید. وی اظهار داشت: من به شوخی در یک جایی گفتم خوب شد که من هم داوطلبم والا این ۳ عزیزی که امروز کاندیدا هستند، چه می‌خواستند به مردم بگویند و این جمله را هم بگویم، در همین عرصه رقابت هم رقابتی بین ۴ نفر نیست، ۳ نفر علیه یک نفر است. همه حرفها حتی مناظره دیشب

(کروبی و رضایی) مناظره نبود علیه یک نفر بود، به نظرم این فاقد منطق است. میرحسین موسوی در ادامه این مناظره با بیان این‌که دوست داشتم که آقای احمدی‌نژاد موفق باشند و بنده وارد این عرصه نشوم گفت: اگر چنین اعتقادی پیدا می‌کردم، قطعاً برخودم لازم می‌دیدم که در آن کاری که هستم، باشم و وارد این عرصه نشوم. وی با بیان این‌که هاشمی و خاتمی اشخاص بزرگی هستند که خودشان باید جواب بدهند گفت: من مشکلاتی در جامعه دیدم و احساس خطر کردم و وارد عرصه شدم. موسوی با بیان این‌که ۴ سال (؟!) از این مدتی که ایشان می‌فرمایند، مربوط به دوره بنده هست افزود: من همیشه ایران را دوست داشتم و ما دوست داشتیم که ایران یک نقشی داشته باشد، به عنوان قدرت اوّل منطقه در همه شؤون علمی و اقتصادی، آبرو داشته باشد، الگویی باشد برای همه جهان. پس انقلاب کردیم، برای اینها انقلاب کردیم که ایران بزرگ باشد و تأثیرگذار. موسوی با بیان این‌که می‌توان ۲ نوع مدیریت داشت گفت: یکی مدیریتی هست که بر اساس ماجراجویی و بی‌ثباتی، رفتارهای نمایشی و قهرمان‌نمایی و شعاری است، خیال‌بافی و خرافه گرایی است و خلاف‌گویی و پنهان‌کاری است، خودمحوری و قانون‌گریزی است، سطحی‌نگری و روزمرگی است و افراط و تفریط و یک موردی هم هست که ما بیاییم بر اصل متانت، رفتارهای منطقی و کارشناسی شده واقع‌بینی و خرافه‌ستیزی، شفافیت و... قانونگرایی و اتکا به خرد جمعی دوراندیشی و آینده‌نگری و اعتدال و میانه‌روی کار کنیم. موسوی با بیان این‌که فکر می‌کنم که بنده ۳ تا برنامه و مناظره دارم که مورد علاقه مردم

است و اینها را مکمل همدیگر می‌دانم گفت: برعکس آقای احمدی‌نژاد فکر می‌کنم که اینها می‌تواند فرصتی باشد که بتدریج هم برنامه‌هایم را بگویم و هم نقطه نظراتم. وی با اشاره به موضوع سیاست خارجی گفت: یکی از مشکلات ما عدم تناسب شعارهایی است که داده می‌شود تا عمل، شعارها بیشتر جنبه اسطوره‌پردازی و به نظر من یک مقدار زیادی خیال‌پردازی در مورد آینده جهان هست و متأسفانه آینده کشور در حال فرو ریختن است و تمدن دارد از بین می‌رود و یا این‌که ما مدیریت جهان را می‌کنیم و امثال اینها، پشتوانه عملی به نظر من هیچی نیست. وی آزادسازی ملوانان انگلیسی، درخواست ایران از عربستان برای دعوت از احمدی‌نژاد به آن کشور، ۴ بار سفر به امریکا با این ادعا که امریکا در حال از بین رفتن است، مطرح کردن موضوع هولوکاست، سفر احمدی‌نژاد به ژنو و توهین به او را از جمله مصادیق ضعف سیاست خارجی ایران برشمرد و گفت: اتفاقاً ما در زمینه سیاست خارجی هم عزّت ملّت خودمان را مخدوش کردیم و آبروی کشور خودمان را بردیم و هم توسعه داخل کشور خودمان را با مشکل مواجه کردیم، تنش وسیعی با کشورها ایجاد کردیم.

احمدی‌نژاد در ادامه مناظره با تشکر از موسوی گفت: اگر تمام قضاوتهای شما بر اساس این استنادات باشد باید یک تجدید نظر جدّی بکنید و من دوستانه به شما می‌گویم این جور قضاوت براساس اطلاعات غلط بد است. وی در خصوص موضوع ملوانان انگلیسی گفت: بعد از دستگیری آنها و اوج گرفتن ماجرا آقای بلر کتباً نامه داد، عذرخواهی کرد

و گفت ما سیاستهایمان را در رابطه با ایران عوض خواهیم کرد؛ این سند الان در وزارت خارجه موجود است، بعد هم ما تفکیک کردیم که به نظر من یکی از زیباترین کارهای جمهوری اسلامی آزادی ملوانها بود. وی خطاب به موسوی گفت: آنها ۲۷ و ۲۸ سال بود از جمله در دوره خود شما ما را ضد انسان، ضد حقوق بشر، خشن و گروگانگیر معرفی می‌کردند آن‌جا ما آمدیم مردم انگلیس را از دولت انگلیس جدا کردیم این کار به نظر من بهترین کار بود. احمدی‌نژاد ادامه داد: در موضوع عربستان برخلاف حرف آقای موسوی که من نمی‌دانم از کجا این اطلاعات را می‌آورد در نشست اوپک که ما رفته بودیم آقای ملک‌عبدالله ابتدا به ساکن، قبلاً هم به من گفته بود که بیایید مکه من دعوت می‌کنم بیایید، در نشست سران اسلامی من گفتم نه الان این‌جا آمدم فرصت ندارم اوّل دولتم هست، در اوپک ایشان به من گفت اگر دعوت بکنم می‌آیی؟ من گفتم بله؛ اگر شما دعوت بکنید من می‌آیم و دعوت هم فقط برای حج بود. سفر سیاسی آن چنانی که انتظار داشته باشیم نبود.

وی تصریح کرد: خوب بود آقای موسوی تصاویر را ببینند وقتی ما وارد مطاف شدیم چه موجی در کلّ مسلمانها درست شد، چه سخنرانیها و چه تظاهرات و فریادها و اظهار مَحبّتهایی به ملّت ایران کردند. احمدی‌نژاد گفت: در همین عربستان رابطه ما الان چطور است، رابطه آقای موسوی چطور بوده من نمی‌خواهم بگویم، در دوره جناب آقای موسوی از گذرنامه و فرودگاه ایشان چه بردند آن‌جا و دستگیر شد و چه بساطی علیه کشور راه افتاد اما همین مقدار می‌گویم که رابطه ما با آنها قطع

شد. یعنی در دوره آقای موسوی طوری عمل کردند که رابطه با عربستان، از اساس قطع شد. وی افزود: من تعجب می‌کنم حالا ایشان نگران رابطه با عربستان هستند بله ما هم نگران هستیم؛ چه کسی دائماً مقاله می‌نوشت برخوردهای تند می‌کرد جمعی از دوستانی که الان در مشارکت‌اند و الان در ستاد جناب آقای موسوی فعالیت می‌کنند اینها اصلاً اعتقاد نداشتند.

احمدی‌نژاد با اشاره به موضوع فلسطین اشغالی اظهار داشت: خوب است که آقای موسوی مواضع خودشان را مرور کنند، ایشان صریحاً اعلام کردند که ما نیروی نظامی می‌فرستیم در کنار مقاومت فلسطین علیه اشغالگران بجنگند و گفتند که باید رژیم صهیونیستی محو بشود. رئیس‌جمهور با بیان این‌که دیپلماسی عمومی امروز پیشرفته‌ترین و علمی‌ترین کار دیپلماسی است گفت: وقتی دشمن مواضع اصلی دنیا را گرفته ما اگر بخواهیم در میدان آنها بازی کنیم که حتماً شکست خورده‌ایم، همین کاری که در دوره آقایان هاشمی و خاتمی اتفاق افتاد و شما حمایت کردید. وی ادامه داد: ما آمدیم خارج از فرمولی که قدرتهای بزرگ طراحی کردند وارد شدیم و این آموزه امام است. امام هیچ‌گاه فرمولهای آنها را قبول نکرد که اگر می‌پذیرفتیم انقلاب نباید می‌کردیم. وی با اشاره به موضوع هسته‌ای یادآور شد: روشی که در دولت قبل به نام تنش‌زدایی درپیش گرفته شد به جایی رسید که تمام تأسیسات هسته‌ای ما به طور کامل تعطیل شد و دو تا قرارداد بر ملّت ما تحمیل شد، یکی پروتکل الحاقی بدون مصوبه مجلس و برخلاف قانون اساسی و دو ترتیبات اجرایی، که در پروتکل الحاقی مأمورین آژانس آزادند هر

لحظه‌ای از هر نقطه ایران بازدید کنند، هدفشان هم این است که قدرت دفاعی ما را کشف کنند به دست دشمن دهند. احمدی‌نژاد افزود: در ترتیبات اجرایی یک بندی آوردند که هر اندیشه و طرحی در ذهن دانشمندان ما در موضوع هسته‌ای شکل می‌گیرد قبل از هراقدام باید مأمورین آژانس را مطلع کنند. سنگین‌تر از این تحمیل بر ملّت نمی‌تواند باشد، در حالی که طبق ان پی تی ما می‌توانیم هر فعالیتی بکنیم ۱۸۰ روز قبل از غنی‌سازی باید اطلاع بدهیم. رئیس‌جمهور ادامه داد: سنگین‌ترین تعلیق صورت گرفت و تأسیسات تعطیل و پلمب شد دو تا قرارداد پذیرفته شد در همان فاصله هفت قطعنامه شورای حکام علیه ما صادر شد، در حالی که عقب‌نشینی مطلق بود، قطعنامه شورای حکام به لحاظ حقوقی بسیار مهمتر از قطعنامه شورای امنیت است. شورای امنیت قطعنامه‌اش سیاسی است، اعتبار حقوقی ندارد اما شورای حکام قطعنامه‌اش حقوقی است ما را ملزم می‌کند که کارهایی را انجام بدهیم، تمام ادعاهای آژانس در شش سرفصل در دوره این دولت حل و فصل شد و ما نامه‌اش را از آژانس داریم که گفتند مسائل اساسی ما حل شده است. در وسط این بحثها امریکاییها یک ادعایی کردند که ما هیچ وقت آن را به رسمیت نشناختیم. وی خطاب به موسوی گفت: در سعدآباد و بروکسل چه گذشت. امروز ما هسته‌ای شده‌ایم صورت مذاکرات را شما بخوانید برای سه تا سانتریفیوژ چقدر از این طرف خواهش می‌شود امروز بیش از هفت هزار سانتریفیوژ دارد می‌چرخد.

وی ادامه داد: آقای بوش بعد از این همه همکاری در افغانستان و در

موضوع هسته‌ای اعلام کرد ایران محور شرارت است. تعجب می‌کنیم آن‌جا آبروی ایران نرفت، ایران را تهدید کرد به حمله نظامی اما امروز چه، همان آقای بوش در اواخر عمر حکومتش اعلام کرد ما دنبال براندازی ایران نیستیم و آقای اوباما هم به صراحت اعلام کرد. احمدی‌نژاد در ادامه با بیان پرسشی گفت: کدام سیاست خارجی موفق بوده و کدام ذلت آفریده است. کدام سیاست خارجی استقلال ما را حفظ کرده و کدام بیشتر امتیاز داده و دستاوردی نداشته است. وی با اشاره به موضوع هولوکاست ادامه داد: ۱۵ سال اروپاییان هر روز می‌گفتند که ایران حقوق بشر را رعایت نمی‌کند؛ بنده دو تا سؤال راجع به هولوکاست مطرح کردم که تمام نظام حقوق بشر غربی براثر آن زیر سؤال رفته است. احمدی‌نژاد افزود: من تعجب می‌کنم که اسرائیلیان فریاد می‌زنند. غربیها هم فریاد می‌زنند. بعضی دوستان داخلی هم می‌گویند آبروی ایران رفت. چطور آبروی ایران رفت. ما که نباید بنشینیم دشمن بیاید در خانه ما. بعد شروع کنیم با او مواجه بشویم. رئیس‌جمهور گفت: آقای موسوی بد نیست یک سفر خارج از کشور بروند و ببینند که دولتها و ملّتها چگونه از ایشان استقبال می‌کنند. وی افزود: آقای موسوی در دوره نخست وزیری چند مسافرت خارج ازکشور رفت. آن موقع ایران سرافکنده بود یا الان، البته نمی‌خواهم بگویم که آن موقع ایران سرافکنده بود، خیر آن موقع هم عزیز بودیم ولی از دید قدرتهای بزرگ نه. وی اظهار داشت: اگر نگاه جنابعالی این است که ما باید سعی کنیم چهارتا قدرت بزرگ را راضی کنیم، این برخلاف نظر امام، برخلاف منطق و استقلال ماست اما اگر نه ما

باید با توده‌های وسیع ملّتها و دولتها ارتباط داشته باشیم. احمدی‌نژاد تصریح کرد: در چهار سال بیش از ٦٠ رئیس دولت به ایران سفر کرده است. در هیچ دوره‌ای سابقه نداشته است. ۱۱۸ عضو جنبش عدم تعهد از برنامه هسته‌ای ما حمایت کرد. وی سپس از موسوی سؤال کرد: شما که در زمان آقای هاشمی تورم شد ۴۹/۵ درصد، ۴۹ میلیارد دلار استقراض خارجی کردیم. بحرانهای اجتماعی بسیاری از شهرهای بزرگ ما را دربر گرفت و عده زیادی کشته شدند، شما احساس نگرانی نکردید؟ وقتی که جریان‌برانداز در ۱۸ تیر می‌خواست تهران را بگیرد و حرکت کند به سمت مرکز حکومت و علناً هم اطلاعیه دادند و از بیرون از کشور هم حمایت شدند و به قول خودشان می‌خواستند انقلاب مخملی را راه بیندازند، شما نگران کشور نشدید؟ امروز می‌گویید چرا گفته‌اید هولوکاست. من از شما سؤال می‌کنم چرا نباید بگوییم هولوکاست. احمدی‌نژاد ادامه داد: ما باید بنشینیم و اروپاییان بیایند راجع به حقوق بشر ما حرف بزنند یا ما باید بگوییم شما آزادی ندارید. ملّتها را خفه می‌کنید. وی با بیان این‌که سیاست خارجی این دولت، سیاست برآمده از متن مردم، خط امام و عزّت‌آفرین است اظهار داشت: آقای موسوی؛ مقاله نوشتند که دوران امام تمام شده است و شما سکوت کردید و نگران نشدید و من نمی‌توانم از اتهامات بی‌اساسی که به ملّت زده می‌شود یا توهینهایی که به ملّت می‌شود از اینها بگذریم. میرحسین موسوی در ادامه با بیان خاطره‌ای گفت: یک موقعی اسرائیلیها به جنوب لبنان حمله کردند و در داخل کشور همه به این اتفاق رسیدند که ما باید نیرو بفرستیم و به اصطلاح اسرائیلها را

بیرون کنیم و کنار لبنانیها بجنگیم و نیروهایی را هم پیشاپیش اعزام کردند که در لبنان بررسی کنند این نیروها باید در کجا مستقر بشوند. آن شبی که فردایش قرار بود نیروها فرستاده بشود جلسه رؤسای سه قوّه بود، مرحوم حاج احمدآقا هم آمدند و گفتند که امام فرمودند: «راه قدس از کربلا می‌گذرد»؛ یعنی شما بپردازید به جنگتان. چکار دارید به لبنان که نیرو بفرستید به آن‌جا. وی با بیان این‌که بحث ما بر سر این قضیه است افزود: ما می‌گوییم که نظام تصمیم گرفت که بگوید. برای این‌که با هنجارهای بین‌المللی سازگار باشد ولی هدف خودش را دنبال کند در مورد اسرائیل فقط این حرف گفته بشود که ما موافق این هستیم که همه مردم فلسطین جمع بشوند. حتی آنانی که بیرون از کشور مهاجرت کرده‌اند اینها هرکس یک رأی. اعم از یهودی، مسلمان و مسیحی رأی بدهند و سرنوشت خودشان را خودشان تعیین بکنند. این نیز به طور کامل با هنجارهای بین‌المللی سازگار است. جاهای دیگر هم عمل شد. بعد از جنگهای استعماری. موسوی ادامه داد: ما وقتی که به اجتهاد خودمان و بنا به تندروی خودمان. افراط گری خودمان. در موقعیتی که ۲۰ سال است این شعار به همین شکل داده می‌شود. ما می‌آییم از این فراتر می‌رویم، خوب همین‌جاست که مصیبت ایجاد می‌شود. موسوی گفت: به جای این‌که اسرائیل را منزوی بکنیم آمده‌ایم او را بیشتر در معرض مظلومیت قرار می‌دهیم. وی ادامه داد: در همین دوربان در سوئیس، مسأله‌ای که ایجاد شد اروپاییان بعد از کشتار غزه در مقابل اسرائیل بودند داشتند قطعنامه صادر می‌کردند و موضع داشتند. آن هم به خاطر موضعگیری و اشتباه ما و

آن لطماتی که حیثیت ما خورد. همه‌شان پشت اسرائیل باز هم جمع شدند. موسوی ادامه داد: آیپک بزرگترین نهاد صهیونیستی در آمریکاست وجود این سیاست را برای خودش نعمت می‌شمرد. وی با بیان این‌که در تبلیغات انتخاباتی گفتم هر زمینه‌ای با هر روشی که باشد اگر ما افراط داشته باشیم به دنبالش تفریط داریم افزود: برای مثال، ما می‌آییم این صحبت تند (هولوکاست) را راجع به اسرائیل می‌کنیم بدون این‌که به فایده و هزینه آخرش فکری بکنیم، نتیجه‌اش این می‌شود که یک وقتی مشاهده می‌شود اوضاع بد شد، معاون ما می‌آید و می‌گوید ما دوست مردم اسرائیل هستیم. یعنی آن افراط این تفریط را هم می‌آورد که او تصور بکند که ما دوست هستیم. موسوی افزود: آن وقت چگونه مردمی که غاصب هستند و تمام سرزمینهای فلسطین را گرفته‌اند و ما یکباره دوست آنها می‌شویم. وی با بیان این‌که شبیه این را در مورد مسائل سیاسی و اقتصادی هم داریم گفت: حالا من قصد ندارم که راجع به خلیج فارس یا به کشورهای دیگر رفتن صحبت کنم که هرکدام برای ما هزینه‌های سنگینی را به دنبال داشت. وی ادامه داد: عدم امنیت ذهنی خودشان را در اقتصاد و صنعت، در مبادله‌ای که با جهان دارند در بی‌اعتبار شدن گذرنامه‌هایشان، در سطح بین‌المللی تحقیر شدن ایرانیها در سراسر دنیا درک می‌کنند، آیا یک دولت در مقابل این مسأله ایرانی و ایرانیت برای خودش یک مسؤولیت دارد یا ندارد. وی با بیان این‌که من می‌گویم که دولت بسیار بی‌اعتنا به این نوع مسائلی است که مربوط به رنج و درد و مشکل مردم است گفت: واقعاً من دلم برای مردم می‌سوزد با این

سیاستهایی که ما داریم و این بلاهایی که سرشان می‌آوریم از این طریق این افراط کاریهایی که ما داریم و اینها را من برمی‌گردم به آن دید اوّل که متأسفانه در سیاست خارجی ماست. موسوی ادامه داد: آقای هاشمی گفتم مرد بزرگی است. امام هم راجع به ایشان صحبت کرده بود، نقاط ضعف و قدرتش را ایشان می‌تواند صحبت بکند ولی نباید دیگری، یک کمی سن من هم زیاد است. تو عالم سیاست قبل از انقلاب و بعد از انقلاب هم بودم. مردم یک کمی فکر دارند ما برای این‌که بگوییم خیلی تنها ماندیم سه تا دوره را به هم پیوند بدهند، این که سه تا طرز فکر است. موسوی گفت: برای این‌که ما در مقابل این طرز فکر قرار داریم خوب مردم این را نمی‌پذیرد چرا اصلاً ما این بحث را می‌کنیم، خوب آقای خاتمی که آدم کمی هم نیست، آدم سیاسی مطرح در سطح کشور هست، هشت سال هم رئیس‌جمهور بوده. آقای هاشمی هم همین‌طور ایشان مجال صحبت و گفتگو با آنها را دارند می‌توانند در رادیو تلویزیون این صحبتها را برقرار کنند وی تصریح کرد: صدا و سیما هم که در اختیار دوستان هست به طور ظاهر می‌توانند دعوت کنند در میزگردی با آنها صحبت بکنند، مسائل را حل کنند چه ربطی به عقاید بنده دارد. بنده می‌گویم این سیاست خارجی شما باعث شده که کشور لطمه و حیثیت ما لطمه ببیند و این شیر غران ایرانی را دربند بکند هم سیاست خارجی و اقتصادی شما. وی با بیان این‌که ما چه کار داریم می‌کنیم، چه بلایی سر دانشگاهایمان و محیطهای جوانان و مردم آوردیم که بنده هرجا می‌روم اعتراض است و می‌گویند به ما اهانت شده است اظهار داشت: این

دانشجو را ستاره‌دار کردیم آن را دستگیر کردیم آن را از دانشگاه بیرون کردیم. موسوی با بیان این‌که بنده یک روشنفکر هم هستم ادامه داد: فردی می‌آید پانزده بار کتابش چاپ شده، مجوز از همین دولت گرفته در چاپ شانزدهم جلویش را می‌گیرند آخر دولت حیثیتی دارد، نظام ما حیثیتی دارد هر دولتی باید مقید باشد به آن امضاها و حرفهایی که می‌زند سر حرفش باید بایستد. الان خود مردم، خود انتشاراتیها می‌دانند این انتشاراتیها در این چهار سال چند تا بودند به چند تا رسیدند و چند هزار تا کم شدند چه مشکلاتی دارند. وی ادامه داد: ببینید یک کارهایی می‌شود که واقعاً دردناک است و آدم را اذیت می‌کند. شما فکر کنید یک کتاب‌فروش بدبخت و بیچاره‌ای که با زور یک بیست جلد کتاب چاپ کرده کافی است که وزارت ارشاد چهارتا از این کتابها را در حبس نگه دارد، در چاپ دوم و سومش ورشکست می‌شود؛ همین‌طور که دارند ورشکست می‌شوند خوب این در مقابل نظام قرار می‌گیرد. موسوی افزود: در سطح ملی به دلیل همین سیاستها و حالا خود روحانیت هم از یک طرف دیگر رابطه دولت با روحانیت را ما می‌بینیم که به چه شکل است، مرجعیت چگونه با دولت روبه‌رو می‌شود و توهینهایی که در آموزش و پرورش به پیامبر اسلام شد چه واکنش نشان دادیم، تمام اینها یک نوع بدبینی نسبت به دولت ایجاد کرده. خوب من می‌گویم آیا دولت نشسته و فکر کرده که چرا رابطه‌اش با روحانیت خراب شده، چرا رابطه‌اش با روشنفکران از بین رفته، چرا با جوانان ارتباط خودش را از دست داده، بنده هرجا که می‌روم چندین نفری شعار می‌دهند و جلسه را

به هم می‌زنند و سر و کله می‌زنند و تحریک می‌کنند، بقیه شعار علیه این نوع سیاستها می‌دهند. وی با بیان این‌که در رابطه با سیاست داخلی بنده این را بازتر خواهم کرد گفت: یکی از کارهایی که دولت می‌کند به نظرم برخلاف نص صریح فرمان هشت مادّه‌ای حضرت امام است. دولت مردم را خودی و غیرخودی می‌کند این را به خودش جذب می‌کند و آن یکی را خلاف سلیقه خودش می‌داند آن را از این جدا می‌کند. احمدی‌نژاد در ادامه گفت: آقای موسوی من بعضی وقتها دلم می‌سوزد یک اطلاعاتی را شما مطرح می‌کنید که می‌دانم از روی بی‌اطلاعی است. وی با بیان این‌که من یک موردش را باز می‌کنم برای این‌که معلوم بشود که اطلاعات شما از کجاست افزود: دانشجویان ستاره‌دار که آقای موسوی امروز می‌کوبد در کله این دولت و استنادش هم به حرف یک عده‌ای است که من نمی‌دانم این عده کی هستند در زمان آقای معین درست شد. سال ۸۰ یعنی زمان دوست جناب آقای موسوی که امروز هم حمایت می‌کند از ایشان، آنها آمدند از کارشناسی ارشد در برابر قبولیها یک ستاره می‌زدند یک ستاره یعنی شما در آموزش مشکل دارید، پرونده کم است نقص دارد برو برطرف کن، دو ستاره یعنی شما یک مشکلی در کمیته انضباطی داشتید، تخلفی داشتید مراعات کنید. این در زمان جناب آقای معین وضع شد در همان سال اوّل این دولت منتفی شد. ما نفی کردیم گفتیم این توهین به دانشجوست وزیر علوم ما این را برداشت، آن وقت جالب است آقای موسوی به جای این‌که به دوستانش انتقاد بکند به ما انتقاد می‌کند.

احمدی‌نژاد تصریح کرد: شما می‌روید دور شما جمع می‌شوند ما هم

می‌رویم مردم جمع می‌شوند، حرف می‌زنند. دیروز بنده در مشهد بودم این چند صد هزار آدم اینها مردم این مملکت نیستند؟ چرا شما خیال می‌کنید آنها که برای شما جمع می‌شوند فقط آدم هستند و مردم ایران هستند. اتفاقاً شما دارید مردم را جدا می‌کنید. وی ادامه داد: شما فرمودید کتاب، بله بنده با شما هم‌نظرم. نامه هم نوشته‌ام به وزیر ارشاد تذکر هم دادم آمارهای ما هم نشان می‌دهد نسبت به دوره آقای هاشمی و خاتمی ما کمترین میزان را از نظر کنترل داشتیم. من آن را هم قبول ندارم البته نامه مکتوب من خطاب به وزیر ارشاد هست. احمدی‌نژاد خطاب به موسوی گفت: جنابعالی هشت سال نخست‌وزیر بودید تنها یک روزنامه منتقد وجود داشت آن هم از سال ٦۴ راه افتاد، که هفته‌ای یا دو نقد اقتصادی بر شما می‌نوشت چه فضایی شما برایش درست کردید؟ خود جنابعالی چند بار علیه آن یک روزنامه صحبت کردید. من متن سخنرانی شما را دارم که جنابعالی گفتید که شما در خط دشمنید و ضد انقلاب عمل می‌کنید ضربه به کشور می‌زنید در حالی که آن گزارشی که آن روزنامه نقد کرده بود گزارشی بود از برنامه و بودجه خود جنابعالی. وی گفت: این‌قدر فشار آوردید تا بخشی از آن نقدها تعطیل شد. احمدی‌نژاد سپس با اشاره به جزوه‌هایی که در دست داشت افزود: اما اینها را ببینید اینها چهار سال تیتر توهینهایی است که به من و دولت شده است و بنده اینها را تحمل کردم اما شما در سخنرانیهایتان بنده را به دیکتاتوری متهم کردید؛ این دیکتاتوری کدام دیکتاتوری است. زمان آقای هاشمی هم همین‌طور بود. وی خاطرنشان کرد: این‌که شما می‌گویید باهم مقایسه نکنید اتفاقاً باید مقایسه

کنم زمان آقای هاشمی یک روزنامه منتقد ـ من کاری به مواضع آن روزنامه‌ها ندارم ـ شخص رئیس دولت بارها علیه آن روزنامه موضعگیری کرد تا بالاخره صدایش را انداخت و در زمان آقای خاتمی هم که معلوم بود کسی مگر می‌توانست یک کلمه انتقاد کند! همان علمایی که جنابعالی می‌فرمایید یکی‌شان یک اظهار نظر کرد کاریکاتورش را کشیدند.

احمدی‌نژاد گفت: این‌که من می‌گویم، آقای موسوی، آقای هاشمی و آقای خاتمی حرف درستی است. شما سخنرانی دختر آقای هاشمی در جلسه‌ای که همسر شما و جناب آقای خاتمی هم حضور دارند را ببینید. ایشان قشنگ تشریح می‌کند و می‌گوید: دوره اصلاحات ادامه راه سازندگی است. در این دولت آسیب دیده است. ما آقای موسوی را می‌خواهیم برای این‌که استمرار همان راه است. یعنی اشرافیتی که جناب آقای هاشمی در این کشور پایه گذاری کرد، قرار است ادامه پیدا بکند. وی ادامه داد: جنابعالی فرمودید افتخار می‌کنید به حمایت آقای هاشمی. معنایش چیست؟! بالاخره یک معنایی دارد. باور ما این است که صحنه گردان اصلی آقای هاشمی است. بالاخره ما می‌بینیم رئیس ستاد انتخاباتی چه کسی است و اینها کجا می‌روند و جلسه می‌گذارند و چگونه ارتباطاتشان را برقرار می‌کنند. احمدی‌نژاد افزود: شما نفرمایید ارتباطی نیست. مگر می‌توانیم چشمان خود را ببندیم مگر ملّت می‌تواند چشم خود را ببندد. وی ادامه داد: ۳۲۰ هزار تیتر توهین‌آمیز علیه دولت زدند و ما نه یک روزنامه‌ای را بستیم و نه فشار آوردیم. هنوز هم به حمایت از

شما علیه ما بدتر می‌نویسند. وی با مقایسه میان سه دولت گذشته با دولت نهم گفت: شما فرمودید رابطه با روحانیت. شما بالاخره چند بار پیش مراجع رفتید. عددش را بگویید که بنده و مردم هم بدانیم. رابطه این دولت با علما رابطه بسیار خوبی است. شما چه ادعایی می‌کنید. رابطه رابطه بسیار خوبی است ولی من تعجب می‌کنم. کسانی که نگاهشان و نظرشان را نسبت به مسائل اصلی و فکری بیان نکرده‌اند چطور می‌روند روی این مسائل جزئی انگشت می‌گذارند و می‌خواهند نتیجه کلّی بگیرند. احمدی‌نژاد با بیان این‌که شما دولت را به بی‌قانونی و دیکتاتوری متهم کردید گفت: جنابعالی برخلاف قانون اساسی آن حداقل اختیارات رئیس‌جمهوری را با فضاسازی سیاسی از او گرفتید. وی افزود: شما باید وزیران خودتان را می‌بردید رئیس‌جمهور تأیید بکند. برای این‌که اختلاف نظر داشتید کاری کردید امام وارد شد و امام یک گروهی را گذاشت برای این‌که وزرا تعیین بشوند. یعنی عملاً اختیار رئیس‌جمهور از دست رفت. احمدی‌نژاد گفت: آیا در بین نمایندگان مجلس کسی جرأت داشت علیه شما حرف بزند. یادتان هست که دوستانتان چه کردند. یک‌بار نمایندگان به شما رأی منفی دادند. رأی هم مخفی بود. اسامی اینها را رفتند استخراج کردند، اعلام کردند. این‌قدر علیه اینها اسلام امریکایی، اسلام امریکایی گفتند که بعضی از اینها اصلاً خانه‌نشین شدند! این فضای تحمل. وی ادامه داد: شما می‌گویید نظر نظام آن بوده است. خوب الان نظر نظام این است. شما چرا خودتان را جای نظام می‌نشانید. بنده موضعگیری کردم علیه ماجرای هولوکاست. رهبری هم تأیید کرد. ملّت

هم تأیید کردند. چه کسی هست در نظام که می‌گویید نظام تصمیم دیگری گرفته است. اگر از دید مردم صحبت می‌کنید. بالاخره مردم در شرایط مختلف مواضع خودشان را اعلام کردند. احمدی‌نژاد افزود: شما دولت را به بی‌قانونی متهم کردید. من نمی‌خواهم وارد این بشوم که ۹۵ میلیارد تومان از حساب بانک مرکزی در دولت شما بدون مصوبه مجلس برداشته شد. در تعطیلات تابستان وقتی مجلس آمدید دعوایی در کشور درست شد. احمدی‌نژاد خطاب به موسوی با بیان این‌که می‌خواهم یک مقدار راجع به این مدارک دانشگاهی صحبت کنم گفت: شما آقای خاتمی را دکتر خطاب کردید. می‌دانید طبق مقررات ما کسی می‌تواند خطاب دکتر بشود که دکترای قطعی دانشگاهی داشته باشد یا حداقل امتحان جامع را گذرانده باشد. ایشان لیسانس فلسفه است، محترم هستند. اما بالاخره شما بیان کردید. میرحسین موسوی در ادامه مناظره گفت: بنده می‌خواهم بگویم یکی از مشکلاتی که در کشور ما الان هست شبیه همین روشی است که الان در این صحنه با آن روبه‌رو هستیم. مثل پرونده‌سازی. دنبال یک واژه‌هایی گشتن. موسوی با اشاره به مسأله وزیر کشور سابق و مدرک وی گفت: این فرد آن‌قدر مورد اعتماد خودمان قرار می‌دهیم که برخلاف قانون یک معامله چند ده میلیارد دلاری، موقعی ایشان وزیر کشور است در دفتر ایشان مشغول مذاکره و گفتگو می‌شود، مسائل آن در روزنامه‌ها مطرح شد. بعداً نوبت به یک معاون دیگر ایشان رسید. یک روز من از جلوی وزارتخانه رد می‌شدم، رفتم دوستم را ببینم دیدم که اینها مشغول مذاکره با رئیس فلان کمپانی هستند و من هم وارد بحث شدم. وی ادامه

داد: خوب تمام اینها نوعی از ظن را در جامعه ایـجاد مـی‌کند کـه خـیلی ناراحت‌کننده است و یکی از دلایل این مشکلاتی کـه دولت فـعلی پـیدا کرده همین نوع رفتارهاست. موسوی با بیان این‌که بعد وقتی که مقاومت هم کارسازی ندارد بعد یک وزیر دیگر مطرح می‌شود که هنوز پرونده‌ای دارد در رابطه با اردبیل. خودش محل سؤال است و این ثروت چند صد میلیارد تومانی. بعد در حساسترین پست گماشته می‌شود برخلاف خط و روشی که حضرت امام ترسیم کرده بود که وزیران را از بـین چـه کسـانی انتخاب بکنید. وی با بیان این‌که معتقدم که استبداد صغیر بـه دلیـل پشت کردن به قانون پیش آمده است گفت: رضا خان در این کشور موقعی روی کارآمد که مردم را بتدریج عادت دادند به ایـن‌که قـوانـینی کـه مـجلس می‌گذراند براساس هر چیزی، حالا حقوق بشر بگیریم و . . .، پشت سـر گذارده شد. بنابراین من این‌جا موارد بسیار سنگین و زیادی دارم مبنی بر این‌که دولت نه یک مورد نه دو مورد، بلکه بارها به طور علنی در مقابل قانون ایستاده است و این بود که من واقعاً احساس خوف کردم. موسوی افزود: بنده نمی‌خواهم بگویم که ایشان می‌خواهد خودش دیکتاتور باشد ولی فرض بکنید هشت سال یک دولتی بیاید و این قـانون را رد بکـند و بگوید خوشم نمی‌آید، آن یکی را دوست ندارم. آن یکی به نفع کشـور نیست. خوب در آن صورت چی در کشور باقی می‌ماند. وی با اشاره بـه برخی اسـتدلالات خـود در خـصوص ایـن دولت گـفت: خـودداری از اجرای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فـرهنگی اشـاره کـنم، بنده نمی‌دانم که دولت می‌تواند که با یک قـانون ایـن‌طور رفـتار بکـند،

خوب یک قانون دیگری را باید جانشین بکند و ببرد مجلس و تصویب بکند تا بتواند از آن بگذرد. موسوی با اشاره به انحلال شورای عالی و خودداری دولت از اجرای مصوبه مجلس و همچنین مصوبه تشخیص مصلحت گفت: دولت پایش را در یک کفش کرده من اجرا نمی‌کنم، من فکر نمی‌کنم از مجمع تشخیص مصلحت ما دیگر مرجعی بالاتر داشته باشیم که رأی رهبر انقلاب هم پشت آن هست و آن‌جا همه تصویب کردند که هیجده تا از این شوراهایی که دولت منحل کرده به جای اساسی خودش برگردد و دولت هنوز هم که هنوز هست این را اجرا نکرده یکی شورای پول و اعتبار است. وی سپس به دلایل تورم ۲۵ درصدی اشاره کرد و گفت: یکی از دلایل عدم برگزاری شورای پول و اعتبار است یک دلیلش این هست که دولت می‌خواهد تمام این اختیارات بانکها و تمام مؤسسات زیردست خودش باشد کسی دخالت نکند، نماینده دادستانی نباشد، نماینده بخشهای مختلف نباشد، نماینده بخش خصوصی نباشد خوب نتیجه‌اش این تورم و این وضعیت اقتصادی می‌شود که همه دادشان بالا است، صنعت در حال خوابیدن، و نقدینگی دو و نیم برابر وضعیتی است از زمانی که دوستان دولت را در اختیار گرفتند، هزینه کردن غیرقانونی از بودجه عمومی. به صورتجلسات مجلس نگاه کنید و گزارش دیوان محاسبات عمومی که یکی از مهمترین سازمانهای نظارتی کشور است.

موسوی انحلال سازمان برنامه و بودجه، زیر پا گذاشتن قانون مالیات مستقیم، دستور توقف اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، عدم اجرای

قانون مدیریت خدمات کشوری، الحاق غیرقانونی سازمان حج و زیارت به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، بی‌اعتنایی آشکار به احکام قانون دادگاهها را از اشکالات دولت برشمرد و گفت: دوستان عوض این‌که بروند پرونده‌سازی کنند بروند دنبال حل مسائلی که مشکلات کشور را حل بکنند و کشور را نجات بدهد از بحرانهایی که هست بهتر است. احمدی‌نژاد در ادامه این مناظره گفت: شما استنادتان فقط به مصوبه مجلس است آن هم قانون شوراهاست، شورای نگهبان می‌گوید این خلاف قانون اساسی است مجمع تشخیص می‌پذیرد اگر شما می‌خواهید قانون را اجرا کنید و واقعاً معترضید شما دو خط بنویسید به دیوان عدالت اداری، ما قانون داریم که اگر دولت برخلاف قانون عمل کرد می‌آید باطل می‌کند، وی افزود: طبق اسنادی که ما داریم در دولت قبل تعداد مصوباتی که باطل شده است ۳۰۳ تا است در دولت ما ۱۵۷ تا، مصوباتی که از ما توسط دیوان عدالت اداری باطل شده ۲/۳ درصد و دولت قبل ۶/۵ درصد، کی بیشتر تابع قانون است و اصلاحاتی که ما انجام دادیم در ایرادات مجلس بیشترین است. اتفاقاً ما داریم عین آن قانون مصوب مجمع را اجرا می‌کنیم شما با دو تا حقوقدان صحبت کنید توجیهتان می‌کنند. احمدی‌نژاد گفت: این‌که در فلان جا این اتفاق افتاد بله یک کشور بزرگی است در دوره شما مگر کم از این اتفاقات افتاد ما دنبال پرونده‌سازی هستیم؟ رئیس‌جمهور با اشاره به ماجرای کردان گفت: در دهه هشتاد یعنی از سال ۷۰ به بعد اتفاقاً در دوره آقای هاشمی که حامی جناب آقای موسوی است یک موجی در مدیران درست شد که همه

می‌خواستند دکترا بگیرند. دانشگاه آزاد هم پشت قضیه بود دکترا صادر کرد پشت سر هم، یک موج درست شد کردان هم یکی مثل همانها. وی گفت: من برای این جور مدارک ارزشی قائل نیستم دکترا باید کسی باشد که شب نخوابی و زحمت کشیده باشد. می‌شود فهرست را بیاوریم چقدر از آدمها دوره آقای هاشمی و موسوی همین‌طور رفتند دکترای قلابی گرفتند. آقای کردان هم یکی‌اش حالا یک دانه را انگشت گذاشتند.

رئیس‌جمهور در پاسخ به این سخن موسوی که از وزیر کشور میلیاردر صحبت کرد گفت: یک کسی فرمانده لشکر بوده است و در دوره آقای هاشمی و خاتمی وارد کار اقتصادی شده است و زمانی که پولدار بود من به او گفتم که آن را کنار بگذار و در دولت بیا و او هم آمد. احمدی‌نژاد خطاب به موسوی گفت: آقای موسوی بسیاری از مدیران شما و آقای هاشمی دست خالی آمدند و یک امتیاز دلار ۷ تومانی دریافت کردند و با واردات و صادرات میلیاردر شدند و آقای صفایی فراهانی مدیر دولت شما بود و از دولت شما پولدار شد و فهرست بسیار زیادی است اما من نمی‌خواهم از آنها اسم ببرم. وی افزود: شما آقای موسوی می‌گویید که این فرد میلیاردر شده است سؤال من این است که پسران آقای هاشمی در کشور چه کار می‌کنند؟ و کدام یک از وزرای بنده در دوره وزارتشان پولدار شدند؟ و یا رانتی را خورده‌اند؟ و یا ملکی را خورده‌اند؟ من فهرستی از زمینهایی دارم که مدیران در گذشته گرفته‌اند که ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۸۰و ۴۰۰ هکتار زمین گرفته‌اند و در دوره واگذاری ما بیشترین مشکلات را در کارگاهها در دوره قبل از این دولت داریم و کسانی این امتیازات را

گرفتند که امروز از شما حمایت می‌کنند. رئیس‌جمهور با اشاره به هزینه‌های تبلیغاتی میرحسین موسوی در انتخابات گفت: این هزینه سنگین تبلیغاتی شما از کجا تأمین می‌شود و آقای موسوی من شما را دوست دارم اما این چه نحوه هزینه کردن است و این پولها از کجا می‌آید که یک مورد آن شرکت «رشت الکتریک» است که بدون هیچ مزایده‌ای به دوستان آقای کرباسچی و همسر آقای کرباسچی دادند و کارخانه را از بیخ تراشیدند و خواستند که زمین آن را بفروشند و دهها مورد وجود دارد که ۴۰۰ هکتار زمین در هرمزگان گرفتند در حالی که مردم برای ۲ هکتار لنگ هستند و آقای موسوی بی‌قانونی این موارد است. وی ادامه داد: من فهرستی دارم از زمینهایی که مدیران گرفتند برایتان بخوانم ۴۰ هکتار، ۵۰ هکتار، ۸۰هکتار و ۴۰۰هکتار در دوره وا گذاری بیشترین مشکلات ما در کارگاهها برای وا گذاریهای دوره قبل از این دولت است کی گرفته کسانی که الان دارند از جنابعالی حمایت می‌کنند. احمدی‌نژاد تصریح کرد: بی‌قانونی اینهاست جناب آقای موسوی استات اویل بی‌قانونی است که طرف می‌آید این‌جا محا کمه می‌شود و محکوم می‌شود از زندان فراری داده می‌شود و می‌رود خارج و تهش پسر آقای هاشمی است. وی گفت: بی‌قانونی در پسران بعضی از همین آقایانی است که امروز از شما حمایت می‌کنند. پسر آقای ناطق چطوری میلیاردر شد. خود آقای ناطق چطوری دارد زندگی می‌کند اینها حامیان شما هستند. بی‌قانونی آنهاست جناب آقای موسوی ما قانون را نمی‌پذیریم؟ یک مورد هم نمی‌توانید بیاورید. رئیس‌جمهور در ادامه با نشان دادن گواهی از تحصیل یک خانم گفت:

آقای موسوی شما این خانم را می‌شناسید و در تبلیغات انتخاباتی کنار شما هستند و برخلاف همه قوانین کشور همزمان که کارمند بودند ۲ رشته کارشناسی می‌خواندند که یکی از آن در دانشگاه آزاد دکترا بدون کنکور گرفته است و بعد از آن در رشته غیر مرتبط دانشیار و استاد شده است و بدون این‌که شرایط رئیس شدن را داشته باشد رئیس دانشگاه شده است. آقای موسوی این موارد بی‌قانونی است و من با این موارد مخالفم و می‌گویم با رانت‌بازی و باندبازی و این‌گونه موارد که یک عده‌ای می‌برند و می‌خورند و بقیه محروم می‌شوند مخالف هستم و آقای موسوی من با قانون مخالف نیستم و تابع قانون هستم و دولت ما قانون‌مدارترین دولت است. احمدی‌نژاد در پایان سخنان خود گفت: من وارد آمار نشدم اما می‌گویم در همین دوره‌ای که شما می‌گویید اقتصاد ضربه خورده است بهترین وضعیت اقتصاد نسبت به گذشته وجود دارد و نسبت به دوره شما که بسیار عالی است و نسبت به دولتهای قبلی هم ما این‌جا گزارشاتی داریم که دقیقاً نشان می‌دهد خوب است اما من از شما سؤال می‌کنم که گزینشها را امام در زمان چه کسی منحل کرد، آیا در زمان ما بود نه در زمان شما بود. وی افزود: بنده بعد از این انحلالها نزد آقای نقره کار ـ که باجناق شما هستند ـ رفتم و پرونده‌هایی را به ما می‌دادند که یک دختر خانمی آمده است و از او فلان سؤال را می‌پرسند که اگر جواب می‌داد می‌گفتند او خیلی مسلط است و گزینش او را باطل می‌کردند و اگر جواب نمی‌داد او را تأیید می‌کردند و آقای موسوی فرمان ۸ مادّه‌ای امام برای شما و نه برای این دولت صادر شد. شما پاسخ دهید که آن فرمان را چقدر اجرا کرده‌اید.

میرحسین موسوی کاندیدای دهمین دوره ریاست جمهوری در مناظره با احمدی‌نژاد اظهار داشت: اگر چنین کاری شده خیلی کار غلطی کردند. من بیان کردم که هر شهروند یک ستاد دارد و ما از حضور هر فردی استقبال می‌کنیم، ما هسته مرکزی شامل انسانهای مؤمن و معتقد را برای ستادمان درنظر گرفتیم که کسی یک کلمه نمی‌تواند در مورد آنها سخن بگوید ـ که اگر می‌توانستید و داشتید از آنها نام می‌بردید ـ چون روحیه شما این طور است اما ما درها را باز گذاشته‌ایم و از همه مردم استقبال می‌کنیم و به همه مردم می‌گوییم که اگر می‌خواهید در جامعه تغییری ایجاد شود باید به میدان آمد. وی خطاب به احمدی‌نژاد اظهار داشت: شما عکس همسر بنده را در برابر من نشان می‌دهید و مسائلی را مطرح می‌کنید؛ ایشان به عنوان مهمترین روشنفکر زن این کشور مطرح است ده سال برای دکترای خود در رشته علوم سیاسی تلاش کرده است، ایشان قرآن‌پژوه است و افتخارش این است که فوق‌لیسانس علوم سیاسی دارد و هم دکترای علوم سیاسی خود را با تلاش فراوان دریافت کرده است؛ شما بروید آن موقعی که کنکور بوده را بررسی کنید، بنده خبر دارم. میرحسین موسوی به بحث ستاره‌دار کردن دانشجویان در دوره‌های متعدد پرداخت و گفت: ایشان می‌گویند ستاره‌دار کردن دانشجویان در زمان آقای معین صورت گرفته. من کاری ندارم و در زمان هرکه صورت گرفته کار بدی بوده و من در مورد شما ۴ سال صحبت نکردم. اما وقتی دیدم کشور را به خطر می‌اندازید احساس خطر کردم.

آنچه در مناظره احمدی‌نژاد و موسوی اتفاق افتاد وا کنشهای متفاوتی

را در جامعه به همراه داشت. محافل و روزنامه‌های دوم خردادی این مناظره را مرگ اخلاق خوانده و خواستار رد صلاحیت، محاکمه و اعلام جرم علیه احمدی‌نژاد شدند. آنان معتقد بودند که مجلس شورای اسلامی باید به عدم کفایت سیاسی احمدی‌نژاد رأی دهد. در همین باره قلم نیوز (سایت رسمی انتخاباتی موسوی) با رفتن سراغ برخی عناصر نزدیک به حزب مشارکت، از قول آنان اظهارات احمدی‌نژاد در مناظره را مجرمانه خواند و خواستار تعقیب قضایی وی شد. محسن آرمین (سخنگوی سازمان مجاهدین) در ستاد اصلاح‌طلبان در ساری در این مورد گفت: «سخنان رئیس جمهور جرم محسوب می‌شود و قوّه قضائیه باید در اسرع وقت با او برخورد کند.»[1] مریم بهروزی (دبیرکلّ جامعه زینب (س)) در اظهاراتی گفت: «شورای نگهبان باید در خصوص صلاحیت احمدی‌نژاد به مردم پاسخ دهد.»[2] وی همچنین با انتقاد از احمدی‌نژاد سخنان او در مورد هاشمی و ناطق را زیر سؤال بردن اصولگرایان دانست.[3] غلامحسین کرباسچی (حامی کروبی) در گفتگو با سایت جمهوریت بدون اشاره به تخلفات خود در زمان تصدی شهرداری که منجر به دادگاهی شدن وی شد، گفت: «این عمل باعث باخبر شدن عموم مردم از اطلاعات و اسرار نظام است. مجلس باید احمدی‌نژاد را به خاطر این سخنان و به دلیل عدم کفایت سیاسی از انتخابات کنار بگذارد.»[4] موسوی تبریزی (دبیر مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم) با اشاره به سخنان احمدی‌نژاد

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۸.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۸.
۳- کارون، ۱۳۸۸/۳/۱۶.
۴- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

پیرامون برخی مسؤولان نظام اظهار داشت: «به نظر می‌رسد احمدی‌نژاد به دنبال رأی ضد انقلاب است.» مجید انصاری (عضو مجمع روحانیون مبارز) در واکنشی تند به سخنان احمدی‌نژاد بیان داشت: «سخنان اخیر احمدی‌نژاد حرفهای ۲۰ ساله رادیو اسرائیل و منافقین بود.»[1] علی‌اکبر محتشمی پور (رئیس کمیته صیانت از آراء موسوی) نیز گفت: «بسیاری از اصولگرایان در حمایت از احمدی‌نژاد مردد شده‌اند.»[2] محسن مهر علیزاده (رئیس تربیت بدنی دولت اصلاحات) ۱۳ خرداد را جشن ضد انقلاب نامید. محمد جواد فاضل لنکرانی مناظره ۱۳ خرداد را برگ سیاهی در تاریخ نظام دانست.[3] در پی طرح برخی از مسائل از سوی احمدی‌نژاد در خصوص آقایان هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری، دفتر رئیس تشخیص مصلت نظام با ارسال نامه‌ای به رئیس صدا و سیما خواستار فراهم شدن فرصتی مناسب در همان شبکه قبل از اتمام مهلت تبلیغات انتخاباتی، جهت پاسخگویی و شفاف‌سازی در موارد مطرح شده در مناظره احمدی‌نژاد و موسوی شد.[4] همچنین بیانیه‌ای از سوی دفتر هاشمی رفسنجانی صادر گردید.[5] در این باره حمید رسایی (نماینده مجلس هشتم) با اشاره به نامه هاشمی به صدا و سیما گفت: «در ۴ سال گذشته احمدی‌نژاد به آقای هاشمی رفسنجانی پیشنهاد مناظره داد، اما متأسفانه وی نپذیرفت و به صورت یک‌طرفه در صدا و سیما حاضر شده و

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۷.

۲- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

۳- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۹.

۴- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۶.

۵- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

سخنرانی کرد.»[1] محمد هاشمی (برادر هاشمی رفسنجانی) نیز در واکنشی عصبی به اظهارات احمدی‌نژاد گفت: «رئیس جمهور یک قدم هم جلوتر از دیکتاتورها برمی‌دارد.» وی در اظهارات خود نادیده گرفتن ماهیت قوّه قضائیه در جریان مناظره توسط احمدی‌نژاد را نشانه دیکتاتوری او دانست.[2] محمد عطریانفر (عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران) با اشاره به سخنان احمدی‌نژاد در مورد هاشمی بیان داشت: «من حقّ گلاویز شدن با احمدی‌نژاد را دارم ولی هاشمی یک چهره ملی است و نمی‌تواند این کارها را انجام دهد.»[3] محسن صفایی فراهانی که احمدی‌نژاد از وی به عنوان کسی که با جیب خالی به دولت آمده و در پایان میلیاردر شده، یاد کرد؛ در اظهاراتی گفت: «به طور حتم از آقای احمدی‌نژاد به قوّه قضائیه شکایت خواهم کرد و امیدوارم قوّه قضائیه هم شهامت رسیدگی به این مسأله را داشته باشد تا برای مردم همه چیز مشخص شود.»[4] کرباسچی نیز از ارسال نامه‌ای به عزّت‌الله ضرغامی خبر داد و گفت: «از ایشان خواستم تا فرصتی برای پاسخگویی بنده به مردم در صدا و سیما ایجاد کند تا پاسخ اتهامات رئیس جمهور را بدهم.» وی تصریح کرد: «مگر فرزندان آقایان هاشمی و ناطق نوری از دیوار کسی بالا رفته‌اند که این‌گونه متهم می‌شوند.»[5] مصطفی ناطق نوری (فرزند ناطق نوری) در نامه‌ای سرگشاده به میرحسین موسوی شیوه مناظره تلویزیونی وی با رقیبش را ستود و از

۱- همان.
۲- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۶.
۳- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۸.
۴- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۶.
۵- همان.

اتهام وارد شده بر خود و خانواده‌اش در این مناظره گلایه کرد. زهرا رهنورد (همسر موسوی) با استقبال از بررسی پرونده تحصیلی خود، تأکید کرد هتاکی و پرونده‌سازی با اخلاق اسلامی سازگار نیست و آیا مسأله مملکت این است که مدرک بنده چیست؟[1] اعظم طالقانی (دبیرکلّ جامعه زنان) هم با انتقاد شدید از نحوه سخنان احمدی‌نژاد گفت: «سخنان احمدی‌نژاد حیثیت نظام را زیر سؤال برد.» قدرت‌الله علیخانی (نماینده مجلس هشتم) ضمن ابراز تأسف از نحوه برخورد احمدی‌نژاد در یک رسانه ملی که ۷۰ میلیون بیننده داشت، تأکید کرد: «از شأن رئیس جمهور به دور بود که این‌گونه برخورد کند و بی‌پروا مسائل و مباحثی را مطرح نماید که به اصل نظام جمهوری اسلامی لطمه می‌زند و حیثیت نظام و ملّت را زیر سؤال ببرد و مردم را نسبت به ارکان نظام و انقلاب بی‌اعتماد کند.»[2] اصلاح‌طلبان علاوه بر متهم کردن احمدی‌نژاد، نامزد خود را برنده اخلاقی مناظره دانسته و وی را پیروز مناظره معرفی کردند. در این‌باره عماد افروغ (نماینده مجلس هفتم) ضمن بیان مشاهدات خود از این مناظره گفت: «برنده اخلاقی و سیاسی این مناظره بی‌شک مهندس موسوی بود. همان انتظاری که از مهندس موسوی داشتیم، متانت، آرامش و برخورد اخلاقی.» اسحاق جهانگیری (وزیر صنایع دولت اصلاحات) نیز با انتقاد از گفتار احمدی‌نژاد بیان داشت: «متأسفانه رئیس جمهور در رفتاری غیرقانونی به هتاکی علیه افرادی پرداخت که ستونهای

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۶.
۲- همان.

نظام به شمار آیند. ولی در مقابل، آقای موسوی با متانت و شخصیتی که از خود نشان داد، جلوه‌های یک رئیس جمهور مقتدر و کارآمد را نمایش دادند.»[۱] سید محمد خاتمی با تقدیر از متانت موسوی، این مناظره را تقابل بی‌هنری و هنرمندی دانست.[۲] علی‌رغم تحلیلهایی که اصلاح‌طلبان در خصوص مناظره احمدی‌نژاد و موسوی مبنی بر متانت و آرامش و پیروزی موسوی در مناظره انجام دادند، ولی آنچه در مناظره مشهود بود، لرزش صدا، عدم سعه صدر و از کوره در رفتن موسوی بود. وی که در مقابل احمدی‌نژاد تعادل فکری خود را از دست داده بود، در اظهاراتش حدود ۴۰ مرتبه از کلمه «چیز» استفاده کرد که همین مسأله موجب تمسخر برخی هواداران احمدی‌نژاد و ایجاد تردید میان برخی هواداران موسوی گردید. از سوی دیگر سخنان احمدی‌نژاد در مناظره با موسوی با استقبال گسترده برخی سیاسیون و مردم واقع شد. به طوری که نظرسنجی‌های به عمل آمده را دستخوش تغییرات کرد و برخی نظرسنجی‌ها از ارتقاء ٦۳ درصدی آرای احمدی‌نژاد خبر دادند.[۳] شور و هیجان مردم از سخنان احمدی‌نژاد را می‌توان از استقبال بی‌نظیر مردم اصفهان ـ تبریز ـ ارومیه و ساری و اجتماع بزرگ حامیان احمدی‌نژاد در مصلای بزرگ امام خمینی(ره) دریافت. حتی در اقدامی بی‌سابقه، مردم عزاداری که به مناسبت سالگرد ارتحال امام(ره) در مرقد ایشان حضور داشتند، در حضور رهبر معظّم انقلاب از دکتر احمدی‌نژاد حمایت کرده و شعارهایی

۱- همان.

۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

۳- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱٦.

با مضامین «احمدی دلاور پیرو خط رهبر» و «احمدی احمدی حمایتت می‌کنیم» سر دادند. روح‌الله حسینیان (نماینده مجلس هشتم) با حمایت از احمدی‌نژاد گفت: «افشا گری احمدی‌نژاد یک‌کار علوی و اباذری و درد مردم مستضعف و عقده فرو ریخته حزب‌الله و مردم انقلابی ایران بود که به همین جهت موج ایجاد کرد و توازن را به هم زد.»[1] محمدجواد لاریجانی ضمن بیان مباحث مربوط به سیاست خارجی در مناظره اظهار داشت: «وقتی آمریکا قدرت ایران را پذیرفته، چطور برخی احساس ذلت می‌کنند.»[2] مهدی کوچک‌زاده (نماینده مجلس هشتم) ضمن حمایت از افشا گری احمدی‌نژاد، گفت: «علی‌رغم ادعایی که آقای موسوی در مناظره‌شان مبنی بر پیروی از خط امام داشتند، برای ما مشخص شد که چقدر از دیدگاه امام و رهبر معظّم انقلاب دور هستند ... بنده به عنوان کسی که در کمیسیون اصل ۹۰ بارها این پرونده‌ها را دیده و رسیدگی کرده‌ام، می‌گویم افشا گری احمدی‌نژاد کاملاً حقیقت داشت و اعلام می‌کنم که وی خود را فداکرد و پیش‌بینی می‌کنم که افشاشوندگان علیه رئیس جمهور فدا کار اعلام جرم کنند.»[3] فاطمه رهبر (نماینده مجلس هشتم) با بیان این‌که مشخص بود مطالبی که موسوی از روی کاغذ مطرح می‌کند توسط جریان هوادار وی تعیین شده بود، گفت: «میرحسین موسوی سؤالات زیادی را باید پاسخ می‌داد که قادر به پاسخگویی به آن سؤالها نبود.»[4] در همین راستا بسیاری از فعالان سیاسی معتقد بودند

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۷. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۰.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۶. ۴- همان.

احمدی‌نژاد بغضهای فرو خورده را پس از ۴ سال سکوت و تحمل فریاد و تاریک‌خانه اشباح انتخابات و کسانی که صحنه گردان پشت پرده مخالفان دولت هستند را روشن کرد. در پی مناظره میان احمدی‌نژاد و موسوی و ارائه آمارهای گوناگون، بانک مرکزی و مرکز آمار ایران ضمن تأکید بر رعایت اصل بی‌طرفی در تولید و اطلاع‌رسانی آمارهای مورد نیاز کشور، آمادگی خود را برای دفاع از آمارهای ارائه شده توسط رئیس جمهور در نشستهای کارشناسی اعلام کردند. بانک مرکزی با انتشار اطلاعیه، منتقدان را به مناظره فراخواند. محمود بهمنی رئیس کلّ بانک مرکزی در اظهاراتی گفت: «در صورتی که در آمارهای بانک مرکزی کوچک‌ترین مشکلی وجود داشته باشد، استعفا می‌کنم.»[1]

همچنین حمیدرضا نواب‌پور (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس مرکز آمار ایران در دولت اصلاحات) در گفتگو با خبرگزاری فارس اظهار کرد: «آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران در دوره فعلی صحیح بوده و تردیدی در ارائه توسط رئیس‌جمهور وجود ندارد.»[2]

شیخ و دکتر

صحنه رقابت انتخاباتی از خیابانها به استودیوهای صدا و سیما و پخش مستقیم مناظره بین نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

۱- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۹.

۲- همان.

کشیده شد و سومین شب مناظره شنبه ۱۶ خرداد میان مهدی کروبی و محمود احمدی‌نژاد برگزار گشت و میلیونها بیننده را پای تلویزیون میخکوب کرد.

مجری این برنامه در ابتدا از مهدی کروبی پرسید: بر این‌که شما در سخنان خود واژه‌ها همچون عدالت اقتصادی، برنامه‌ریزی و موضوع هزینه کردن درآمد نفتی را مطرح کردید و طرح خود را در مقایسه با طرحی که در حال عمل از سوی احمدی‌نژاد است چگونه مقایسه می‌کنید؟

مهدی کروبی با اشاره به شعار «تغییر» خود گفت: در رقابت انتخاباتی هم آقای احمدی‌نژاد و جناب آقای موسوی که از دوستان خوب من هستند و جناب آقای رضایی نیز حضور پیدا کرده‌اند و در گذشته نیز صحبت آقای خاتمی بود و مدتی هم حضور داشتند و من اعلام کردم که چون حزب تشکیل داده‌ام برای تغییر آماده‌ام و برای یک حرکت جدید حضور پیدا کرده‌ام و بخصوص آمده‌ام تا در سیاستهای آقای احمدی‌نژاد تغییر ایجاد کنم. این کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری دهم در ادامه گفت: من دو اشکال اساسی به شیوه اداره آقای احمدی‌نژاد دارم.

کروبی: بارها گفته‌ام که یک چهار سال دیگر حقّ این رئیس دولت است وی افزود: من گفته‌ام این آقایی که امروز رئیس دولت است، چهار سال حضور داشته است و بارها گفته‌ام که یک چهار سال دیگر حقّ او است و به عبارتی او مشغول و مسلط و بر اوضاع حاکم است و ما پیاده هستیم و من آماده هستم که در این جهت بحث و گفتگو کنیم. کروبی با

بیان این‌که من با خود احمدی‌نژاد و بسیاری از دوستان ایشان بحث اصولی دارم، گفت: من امروز در اداره کشور کاملاً نارسایی می‌بینم و هم به شیوه اداره کشور و هم به شخص و هم به شیوه ایشان اعتراض دارم بخصوص اشکالات شخصی مهمی به خود آقای احمدی‌نژاد دارم که طبیعی است که آن را بگویم و آقای احمدی‌نژاد هم دفاع کنند و داوری هم با مردم باشد. وی افزود: آقای احمدی‌نژاد یک سلسله اطلاعاتی را ارائه می‌کنند که قاعدتاً این اطلاعات غلط می‌باشد که ما یا باید بگوییم که این اطلاعات غلط است یا این‌که خدای نا کرده باید بگویم که آقای احمدی‌نژاد خلاف می‌گوید و غیرواقعی حرف می‌زند و به نظر من از این دو مورد خارج نیست.

کروبی در ادامه اظهار داشت: بنده معتقدم که از اوّل مسؤولیت دولت آقای احمدی‌نژاد اگر برخوردی معقول و منطقی و حساب شده با آقای احمدی‌نژاد می‌شد اوضاع به این مسیر کشیده نمی‌شد و آن مسأله، ماجرای هاله نور است. کروبی در ادامه اظهار داشت: آیت‌الله جوادی آملی که از قدیم به ایشان ارادت دارم و پس از پاسخش به احمدی‌نژاد ارادتم به او بیشتر شد و در تشییع جنازه مرحوم آیت‌الله بهجت خدمت ایشان رفتند و ایشان شروع کردند به طور عالمانه ایشان را نصیحت کردند و آقای احمدی‌نژاد را توجه دادند و برای ایشان دو الی سه روایت خواندند که ائمه معصومین ما دستور داده بودند که حتی بچه و حیوان را فریب ندهید.

وی افزود: من حتی سی دی آن را آورده‌ام اما تا زمانی که خودم آن را

مشاهده نکردم این موضوع را باور نکردم و صادقانه بگویم که تلویزیون مانع شد. چراکه قرار بود این موضوع را پخش کنیم. کروبی با بیان این‌که آقای احمدی‌نژاد زمانی که به عراق تشریف برده بودند گفته بودند که قرار بود امریکاییها ایشان را بدزدند اما با یک نقشه به ایران آمدند، گفت: این‌که امریکا خبیث و مستکبر است شکی نیست اما در دنیا حساب و کتابی وجود دارد و این گونه نیست که بخواهند کسی را بدزدند چراکه آنها محاسبه منافع ملی خود را می‌کنند و عواقب این کار را در نظر دارند.

محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور کشورمان در ادامه این مناظره گفت: آقای کروبی دو ادعا را مطرح کردند که در ادعای اوّل ساختگی بودن آن کاملاً مشخص و معلوم است و در دومی هم انگار ایشان جای امریکاییها نشسته و از آنها دفاع می‌کنند و بهتر است اجازه دهند در این خصوص خود امریکاییها اظهار نظر کنند. رئیس جمهور خطاب به ملّت ایران گفت: ملّت ایران شایسته جایگاه‌های بلند چه در منطقه و چه در جهان است و ملّت ما به دنبال عدالت، عزّت، پیشرفت و تعالی کشور هستند و امام راحل و مقام معظّم رهبری هم همین امر را خواستند و حتی ملّت و تاریخ ما نیز چنین چیزی را طلب می‌کند و می‌خواهد، لذا ما باید به دنبال اجرای عدالت باشیم چراکه در اجرای عدالت هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد و عدالت اقتصادی و اجتماعی زمینه پیشرفت کشور است. احمدی‌نژاد با اشاره به آمارها و ارقام و با بیان این‌که می‌خواهم مقایسه کوتاهی در چند شاخص برای مردم داشته باشم، گفت: یکی از شاخصهای اصلی اقتصادی کشور تولید ناخالص داخلی است و این

آمارهایی که نشان می‌دهم گزارش مرکز آمار ایران و بانک مرکزی از سال ۶۰ تا به امروز است. وی با نشان دادن نمودارها به دوربین تلویزیون ادامه داد: همان طور که مشاهده می‌کنید تولید ناخالص داخلی در دولت نهم علی رغم همه تحریمها و فشارها ۶/۲۵ درصد طی سه سال شده در حالی که در دولت گذشته ۵/۶۱ درصد بود و در حالی که ما تحریم و بحرانهای جهانی داشتیم اما رشد اقتصادی ما افزایش پیدا کرد. رئیس جمهور یکی دیگر از شاخصها را نرخ بیکاری نامید و با ارائه آمار آن به مردم گفت: از سال ۸۳ تا امروز نرخ بیکاری در فصل حساب می‌شود که من یک فصل از آن را به عنوان نمونه آورده‌ام که فصل بهار است و ما در ابتدای سال ۸۴ نرخ بیکاری‌مان بالا بوده اما از ابتدای ۸۴ نرخ بیکاری رو به کاهش است و این امر به طور مستمر است و این کاملاً روشن است.

احمدی‌نژاد افزود: این امر در حالی اتفاق می‌افتد که در تمام دنیا نرخ بیکاری در حال افزایش است. وی به یک شاخص دیگر به نام ضریب جینی اشاره کرد و اظهار داشت: ضریب جینی یعنی فاصله درآمدی بین دهکها که باید کاهش پیدا کند و شما مشاهده می‌کنید که بدترین وضع سال ۶۰ تا ۶۳ و بهترین وضع که ۰/۳۸ درصد است برای اوّلین بار در تاریخ اقتصاد ایران در این دولت اتفاق افتاده است و دلیل آن هم توزیع سهام عدالت و افزایش حقوق ثابت برای طبقات پایین جامعه و تحت پوششهای نهادهای حمایتی که حقوقشان افزایش یافته و آخرین آمار این ضریب جینی برای سال ۸۷ است که همین دو روز گذشته توسط مرکز آمار ایران منتشر شده است. رئیس جمهور با اشاره به دیگر شاخصها

گفت: یکی دیگر از شاخصها رفاه و تأمین اجتماعی است و حقوق بازنشستگان در ابتدای این دولت ۱۳۹ هزار تومان بود اما در پایان این دولت به ٤۹٦ هزار تومان رسید و این متوسط دریافتی بازنشستگان ما است که ۲۵٦٪ در راستای عدالت رشد داشته است. ریشه تورم استقراض دولتهای قبلی از بانک مرکزی است احمدی‌نژاد با اشاره به ریشه‌های تورم گفت: یکی از دلایل تورم و به هم ریختگی اقتصاد بدهی دولتها به بانک مرکزی است که از سال ٦۰ تا سال ٦۷ تمام دولتها از بانک مرکزی پول برداشت می‌کردند که تا قبل از این دولت نیز ادامه داشت و بدهکار بانک مرکزی بودند و ۱۱ هزار میلیارد تومان به قیمت جاری بدهکار بودند در حالی که ما هفت تومان سال ٦۰ را همان هفت تومان حساب کرده‌ایم و اگر آن را به قیمت امروز حساب کنیم منحنی خود را به سمت بالا می‌کشد اما این بدهیها از ابتدای این دولت کاهش پیدا کرده و تغییر یافته است. احمدی‌نژاد با اشاره به نرخ تورم در دوره فعالیت دولتهای گذشته تصریح کرد: اینک نرخ تورم در ایران کمتر از چهار ساله اوّل است، وی گفت: در حال حاضر این نرخ رو به پایین و زیر ۱۵ درصد است و به لطف خدا آن را یک رقمی خواهیم کرد در حالی که در تمام دنیا این نرخ در حال افزایش است و در کشورهای بدون نفت از ۹/۹ به ۱۵ درصد و در کشورهای نفتی خلیج فارس از ۱۰/۳ به ۱۵/٦ درصد رسیده است و معنی آن این است که بیش از ۵۰ درصد به عدد تورم اضافه شده است. وی ادامه داد: در همه جای دنیا نرخ تورم به سرعت در حال افزایش است اما در ایران این نرخ در حال کاهش است و این موارد یعنی دولت یک

برنامه روشن، جدّی و عالمانه را برای اقتصاد کشور در پیش گرفته و در حال جلو بردن کشور است. احمدی‌نژاد خطاب به افرادی که می‌گویند اداره کشور بر روش غلطی استوار است گفت: وقتی می‌گویید اداره کشور بر روش غلطی است باید این موارد را با هم مقایسه کنید وگرنه این‌که فردی صحبتی کرده است و یا گفته است که مردم به حرف من گوش می‌دادند یا نمی‌دادند، مطرح نیست. وی خطاب به کروبی گفت: آقای کروبی من متأسفم و سؤال این است که آیا می‌توان با این حرفها کشور را اداره کرد و این‌که شما می‌گویید من یک نواری را دیده‌ام که فلانی فلان حرف را می‌زد مهم نیست اما من تأیید می‌کنم که حرفی به امریکاییها زده‌ام و به نخست وزیر عراق هم گفته‌ام که اگر آن را تکذیب کنند، اسناد آن را منتشر خواهم کرد و جالب است که امریکاییها آن را تکذیب نکرده‌اند. رئیس جمهور ادامه داد: آقای کروبی شما از طرف امریکاییها این‌جا صحبت می‌کنید اما شما یک انقلابی هستید و در انقلاب بوده‌اید و سخنرانیهای شما علیه امریکا موجود است و حرفهایی که در مقاطع مختلف بیان کرده‌اید موجود است اما چه شده است که امروز از امریکاییها دفاع می‌کنید و من واقعاً تعجب می‌کنم. کروبی: از بیابانها نیامده‌ام. مهدی کروبی با بیان این‌که بزرگترین سرمایه امام(ره) صداقت بود تصریح کرد: باید دولت اعتماد مردم را جلب کند تا این وضعی که به وجود آمده است درست شود. وی افزود: نکته دوم آماری است که شما ارائه می‌دهید؛ (انگار) من از بیابان آمدم و اصلاً اطلاعاتی ندارم ولی ۱۶ سال در مجلس شورای اسلامی بودم و از گروههایی هستم که از همان اوّل

در مجلس بودم یعنی زمانی که شما بخشدار ماکو یا فرماندار خوی بودید من در مجلس نایب رئیس بودم؛ من که از بیابانها نیامده‌ام من خودم با آمار و ارقام سر و کار دارم و تمام کسانی که این آمار و ارقام را می‌دهند خلاف آمار و ارقام شماست. وی افزود: این‌که نمی‌شود برادر عزیز! من می‌گویم دوستان شما بیایند نه در صدا و سیما بلکه در دانشگاهها با دوستان ما بنشینند و صحبت کنند. بانک مرکزی گفته است تورم ۲۵ درصد است شما این روزها آن را با یک محاسبات عجیب رسانده‌اید به ۱۴ درصد. کروبی: مادر و ننه جون من هم تورم را می‌فهمند کروبی گفت: تورم غیر از مسائل علمی، با شکم و زندگی مردم سر و کار دارد. خیالات و توهم نیست. ننه جون من که البته هم مادرم و هم ننه جانم فوت کرده‌اند هم تورم را می‌فهمند. کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: آقای ضرغامی یک مرتبه گفت که گوشت کیلویی شش هزار تومان است اما اینها می‌گویند بگویید چهار هزار تومان؛ یک گروهی باید بنشیند و روی اینها بحث کنند. ولی شما آماری می‌دهید که این‌قدر گلستان شده است ولی کارشناسان می‌گویند نرخ بیکاری رشد داشته و برخلاف آمار شما می‌گویند. وی افزود: من الان هم انقلابی هستم با همان سوابق و در خط امام. خط انحراف و کجی که با امام مشکل داشت شما را هدایت می‌کند. جمهوری اسلامی ایران سه کلمه مورد نظر امام بود که برای جمهوریتش محدودیت قائل شدید، شما چرا از این همه آدم که رد صلاحیت شدند دفاع نکردید کروبی: ۴۰ میلیارد تومان وام با دستور شما به محصولی دادند وی ادامه داد: به دستور شما ۴۰ میلیارد تومان وام دادند

به آقای محصولی؛ ما نمی‌توانیم اسم ببریم. باید یک کمیته تحقیق درست شود تا ببینیم صحبتهای آقای احمدی‌نژاد درست است یا نه و اگر درست بود با رشادت تمام می‌آیم و از مردم عذرخواهی می‌کنم. شما همین تعهد را بدهید. ولی قوّه قضائیه می‌گوید این آقا این‌قدر هیاهو می‌کند ولی یک پرونده ارائه نداده است. چرا می‌گویند ۳۰۰ میلیارد تومان در زمان شما که شهردار تهران بودید گم شده و چند بار خواستند بررسی کنند و کمیسیون مربوطه هم دوبار تصویب کرد ولی صحن مجلس جلوی آن را گرفت؛ خب مجلسی که دو هزار نفر آن را شورای نگهبان رد می‌کند همین می‌شود. وی افزود: در پرونده نفت اردبیل خود قوّه قضائیه می‌گوید جلوی آن راگرفتیم؛ رقمی که وقتی حضرت عالی آن‌جا بودید. حالا من اگر فساد نمی‌شد اسامی را می‌گفتم و آیا اینها نباید مشخص شود؟

احمدی‌نژاد: اگر محصولی وام گرفته مال شما در ادامه این مناظره، محمود احمدی‌نژاد تأکید کرد: آقای کروبی! اطلاعاتی که به شما داده‌اند اطلاعات غلطی است. یکی از آنها را فقط اثبات کنید بقیه‌اش بماند. کروبی گفت: ببخشید من اشتباه کردم حرف زدم. وی افزود: شما گفتید که ۴۰ میلیارد تومان به دستور من به آقای محصولی داده شده است؛ سند خود را به قوّه قضائیه بدهید. اینها بازی تبلیغاتی است. اگر آقای محصولی در عمرش یک ریال از بانکی وام گرفته است مال آقای کروبی و تیمش چه برسد به این ۴۰ میلیارد. این‌که شما آمار رسمی کشور را زیر سؤال می‌برید یعنی گذشته خود را زیر سؤال می‌برید نه احمدی‌نژاد رابا اشاره به جزوه آمار توهینها و اتهامات روزنامه متعلق به کروبی (اعتماد ملی) گفت:

اینها تیتر اتهاماتی است که روزنامه شما به من زده است؛ اگر در دوران مسؤولیت من چه در دولت، چه در استانداری و چه در شهرداری یک ریال کسی سند تخلف داشت و نه ۳۰۰ میلیارد تومان، هزار دفعه روزنامه شما و دوستانتان پر می‌کردند؛ این‌که همین طوری مسائل را مطرح کنید که نمی‌شود. کسی که کاندیدا است خانواده‌اش و ستادش اموال خود را اعلام کنند.

احمدی‌نژاد ادامه داد: من گفته‌ام کسی که کاندیدا است خانواده‌اش و ستادش اموال خود را اعلام کنند و بگویند از کجا آورده‌اند و این تعهد را هم بدهند که اگر اموالی را پنهان کرده‌اند قوّه قضائیه بگیرد و در اختیار مردم قرار دهد. من کسی را به فساد متهم نمی‌کنم. ولی آقای کروبی شما که نیروی انقلاب هستید چرا از آقای شهرام جزایری پول گرفتید؟ وی افزود: اگر کسی به من پول داده سند آن را منتشر کند. شما یک ۳۰۰ میلیون و یک ۲۰۰ میلیون از شهرام جزایری پول گرفتید که ۳۰۰ میلیون را تأیید کردید و ۲۰۰ میلیون نیز در پرونده ثبت شده است که او گفته و البته من تأیید نمی‌کنم. شما یک شخصیت سیاسی هستید. چرا او این پول را به شما داد و هیچ سؤال نکردید که چرا و با چه هدفی این پول را به شما داد؛ این سؤالها باز هم باقی است. شما هنوز انتخابات را زیر سؤال می‌برید کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: شما هنوز انتخابات را زیر سؤال می‌برید و سیستمی که خود شما چند بار با آن انتخاب شده‌اید را زیر سؤال می‌برید در حالی که مجریان انتخابات صد درصد دوستان شما و هم حزبی‌های شما بودند. وی افزود: من می‌گویم

همگی اموال خود را اعلام کنیم؛ من هم همین جا به قوّه قضائیه می‌گویم اگر در بستگان من و یا اطرافیان من کسی تخلفی کرد جدّی‌تر و محکم‌تر برخورد کنید و اگر من یک مورد برای وساطت کسی به قوّه قضائیه زنگ زدم یا پیغام فرستادم اعلام کنند. احمدی‌نژاد ادامه داد: من یک دانشگاهی هستم و باید بنشینیم با هم علمی بحث کنیم؛ شما به چه استنادی اعداد و ارقام را رد می‌کنید؟ باید یک گزارش دیگر بیاورید. کروبی: جرأت شما زیاد است مهدی کروبی در ادامه مناظره تلویزیونی خود با محمود احمدی‌نژاد با بیان این‌که ما در همان مسأله اوّل ماندیم، خطاب به احمدی‌نژاد گفت: من درباره این آمار و ارقامی که شما می‌دهید ادعای کارشناسی ندارم. ولی از همه کارشناسان که می‌پرسم اشکالات جدّی دارند. کروبی ادامه داد: جرأت شما زیاد است و اسم هم می‌برید ولی من نمی‌توانم اسم افراد را ببرم.

دبیر کل حزب اعتماد ملی خاطر نشان کرد: من که نمی‌توانم اسم افراد را ببرم ولی شما در مورد آقای هاشمی صحبت کردید، در حالی که خودتان در گذشته عبارت بلندی در تعریف آقای هاشمی گفته‌اید. آقای هاشمی در این دوره میرحسین موسوی را تأیید می‌کند.

کروبی گفت: من علاوه بر این‌که با آقای هاشمی دوست و رفیق هستم باهم اختلاف نیز داریم به طوری که دوره قبل در مقابل من ایستاد و امروز هم آقای موسوی را تأیید می‌کند و من را تأیید نمی‌کند. این کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در خصوص سیاست خارجی دولت نهم نیز گفت: شما می‌گویید سیاست خارجی ما غوغا کرده. این چه

غوغایی است که شما تبریک هم که می‌گویید، جوابتان را هم نمی‌دهند.

کروبی به نامه امام(ره) به گورباچف اشاره کرد و افزود: آقای جنتی نامه شما را با نامه امام(ره) مقایسه کرد. گورباچف هنوز به آن نامه امام(ره) افتخار می‌کند وی ادامه داد: شما می‌گویید ما به حیاط خلوت امریکا در کشورهای لاتین راه پیدا کردیم، من از شما می‌پرسم چه چیزی نصیب ما شده است؟ آقای چاوز هم با اوباما و هم با صدام دیدار کرده و حتی وقتی صدام را در آغوش گرفت بیش از شما او را فشار داد. وی اضافه کرد: این چه حیاط خلوتی است که رابطه ما با همه جا به هم خورده و مشکلات جدّی مثلاً با ایتالیا، کشورهای اروپایی و خیلی کشورها به‌وجود آمده است و از طرف دیگر شما می‌گویید تحریمها علیه ایران اثری ندارد، ولی من می‌گویم که ما با همه اینها مشکل داریم. دبیرکلّ حزب اعتماد ملی با اشاره به برخی اظهار نظرهای مقامات رژیم صهیونیستی اظهار داشت: رئیس سابق موساد می‌گوید: اگر صدها میلیارد دلار از سوی موساد خرج شده بود تا کسی منافع اسرائیل را تأمین کند، احدی بهتر از احمدی‌نژاد نمی‌توانست این خدمت را انجام دهد.

وی افزود: البته این‌که من صحبت اینها را می‌گویم لابد صهیونیست هم می‌شوم. کاندیدای انتخابات دهم ریاست جمهوری افزود: پیام امام خمینی(ره) با پیام احمدی‌نژاد زمین تا آسمان فرق دارد امام در گذشته می‌گفتند جایی که به شما بی‌احترامی می‌کنند نروید.

کروبی ادامه داد: وقتی من به ایتالیا رفتم ایتالیاییها گفته بودند ما در حد رئیس‌جمهور از ایشان استقبال کردیم تا آمد و امروز وقتی شما به برخی

جاها می‌روید و این بی‌احترامی‌ها که می‌شود برای ما تلخ است این چه برکتی دارد که شما می‌گویید دارید جهان را مدیریت می‌کنید؟

زیر عبارت خلیج عربی نشستید وی افزود: شما به یکی از اجلاسهای عربی رفتید و در زیر عبارت خلیج عربی نشستید و عکس شما هم موجود است و ما حالا باید تو سر خود بزنیم و بگوییم که این‌جا خلیج فارس است؛ ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح هم خلیج فارس است، الان هم خلیج فارس بود. آیا این سیاست خارجی ماست؟ امروز عربها آن‌قدر پررو شده‌اند که می‌گویند مثلاً ما در صورتی در مسابقات ورزشی کشورهای اسلامی شرکت می‌کنیم که به جای خلیج فارس کلمه خلیج بنویسید.

محمود احمدی‌نژاد در ادامه مناظره با بیان این‌که بالاخره آقای کروبی جواب ندادند که چرا از شهرام جزایری پول گرفته‌اند. (کروبی بلافاصله با بیان این‌که آفرین به هوشتان می‌گویم خاطرنشان کرد: شما جواب سؤالات من را ندادید و من هم مخصوصاً جواب شما را ندادم).

احمدی‌نژاد گفت: شما ۳۰۰ میلیون گرفته‌اید و در دستگاه قضایی هم ثابت شد و حکم آن هم صادر شده و نفوذ شما هم در دستگاه قضایی اگر صد برابر من نباشد کمتر از من نیست. اگر کسی یک مورد از من سفارش کرده و یا من سفارش کسی را کردم اعلام کنید. شما بدترین توهینها را به من کردید و حتی عکس همسر من را که نقشی در این قضایا ندارد در روزنامه خود چاپ کردید و به آن توهین کردید؛ شما اگر یک برگ سند علیه من داشتید چاپ می‌کردید؛ نه شما بلکه همه چاپ می‌کردند. وی افزود: در موضوع شهرداری، آقای موسوی لاری (وزیر وقت کشور)

می‌خواستند پرونده‌سازی کنند به من گفتند برو کنار من گفتم هرچه از من دارید در روزنامه چاپ کنید و الان هم به شما می‌گویم هرچه از من یا خانواده من دارید در روزنامه‌تان چاپ کنید و پای آن مرد و مردانه بایستید. مردم باید بدانند چه کسی رئیس جمهور آنان است. من می‌گویم همه اموال ستادها و وزرایمان را اعلام کنیم، هرچه تقلبی بود قوّه قضائیه آن را بگیرد. احمدی‌نژاد در ادامه تأکید کرد: بالاخره شما نگفتید آن ۳۰۰ میلیون چه شد.

احمدی‌نژاد: آقای کروبی انحراف از موازین امام از شما بعید است وی افزود: شما می‌گویید به ایتالیا رفته‌اید و شما را تحویل گرفته‌اند. نوش جانتان! از نظر من دنیا فقط چند کشور اروپایی و امریکایی نیست. آقای کروبی به موازین امام برگردید. این‌قدر انحراف از موازین امام از شما بعید است. چند کشور اروپایی تحویلمان نگرفتند؟ من به ٦۰ کشور خارجی رفتم و ٦۰ رئیس جمهور به کشور ما آمدند و وزارت خارجه اینها را اعلام می‌کند.

کروبی در این هنگام گفت: پنج تا از کشورهایی که از شما الگو خواستند نام ببرید که احمدی‌نژاد جواب داد: جناب آقای کروبی شما صحبتتان را کرده‌اید. کروبی گفت: من عذرخواهی می‌کنم. احمدی‌نژاد گفت: بنده اگر ان‌شاءالله در این دوره هم رأی بیاورم به هیچ وجه از سیاستهای خارجی شما و آقای خاتمی پیروی نخواهم کرد، چون آنها را به ضرر کشور می‌دانم و نتیجه آن هم معلوم شد که انرژی هسته‌ای را دادند و محور شرارت هم شدند و تعهد هم دادند، ولی الان همه چیز برگشته

است. وی ادامه داد: شما باید افکار عمومی دنیا را در دست بگیرید. آقای اوباما دو روز پیش چه گفت؟ اینها آثار چیست؟ آیا دل او برای ما سوخته یا این‌که دیپلماسی کشور باعث چنین چیزی شد.

وی با اشاره به تغییر مواضع مقامات امریکا درباره ایران خاطرنشان کرد: چطور شما پیروزی ملّت و ارتقای جایگاه ایران را انکار می‌کنید؟ شما می‌گویید ایتالیا ناراحت است، خب باشد مگر ایتالیا ملاک ماست؟ و یا چند کشور اروپایی و امریکایی؟ احمدی‌نژاد تأکید کرد: آقای کروبی! آنها هم همین حرف را می‌زنند. آقای بوش هم عین حرفهای شما را می‌زد و می‌گفت چرا ایران مقاومت می‌کند و چرا انرژی هسته‌ای می‌خواهد و چرا علیه رژیم صهیونیستی حرف می‌زند؟ شما هم همان حرفها را تکرار می‌کنید و می‌گویید رابطه‌مان با همه جا به هم خورده است اما من می‌پرسم رابطه ما با کجا به هم خورده است؟ وی خطاب به کروبی افزود: آیا یادتان رفته که در دولتهای قبلی چه اتفاقاتی می‌افتاد؟ من پاسخ شما را درباره خلیج عربی نمی‌گویم بلکه به اساتید زبان عرب ارجاع می‌دهم که می‌گویند در «دول الخلیج العربیه»، «العربیه» به دول برمی‌گردد نه به خلیج و هیچ وقت نمی‌گویند «خلیج عربیه» بلکه می‌گویند خلیج عربی. احمدی‌نژاد گفت: من متأسفم، شما و دوستانتان چند بار این حرف را زده‌اید. اجازه دهید اساتید زبان عربی این را تشریح کنند. کاندیدای دهمین دوره ریاست جمهوری ادامه داد: من به خانم رهنورد احترام می‌گذارم و دو بار از آقای موسوی پرسیدیم و ایشان فکر کرد شخص دیگری را می‌گویم. بحث ما نحوه استادیار یا دانشیار شدن ایشان است

چراکه قانون برای همه یکی است و نمی‌شود بگوییم کسی انقلابی بوده پس حقّ بیشتری باید داشته باشد. وی افزود: شما در سال ٦۵ رئیس حج بودید و آن‌جا سخنرانی کردید و اعلام کردید که راه نجات فلسطین بسیج عمومی و جنگ مسلحانه با اسرائیل است و جمهوری اسلامی با همه امکانات خود آماده است، در این مبارزه به صورت جدّی و فعال شرکت کند و در این رابطه ۳۰۰هزار نفر در گردانهای قدس سازماندهی شده‌اند. حال من از شما می‌پرسم شما چه کاره نظام بودید؟ الان مواضع سیاست خارجی ما هم مورد تأیید ملّت است و هم مورد تأیید مجلس است و هم مورد تأیید رهبری؛ بقیه چه کاره‌اند. ادامه داد: شخصی هم می‌آید خیلی معمولی اظهار نظر می‌کند و ما هم تشکر می‌کنیم ولی نظام نیستند، چرا خودشان را جای نظام می‌گذارند؟ اگر بنا بود رژیم صهیونیستی جایزه بدهد باید به این موارد جایزه می‌داد. آقای کروبی شما از آن موضع به این موضع رسیدید که وقتی من در مورد هولوکاست دو تا سؤال منطقی مطرح می‌کنم، به جای این‌که رژیم صهیونیستی را محکوم کنید من را محکوم می‌کنید؟

احمدی‌نژاد ادامه داد: به نظر من مواضع تغییر پیدا کرده است. من شما را دوست دارم اما چقدر فاصله؟ امریکاییها، اروپاییها و صهیونیستها ناراحت شدند و شما هم ناراحت شدید و اعتراض می‌کنید؟ کاندیدای ریاست جمهوری دهم در ادامه یک شاخص دیگر را در اقتصاد، نسبت صادرات و واردات به درآمدها عنوان کرد و افزود: از سال ٦۰ و ٦۳ از دولت دوم (٦۴ تا ٦٧) بیش از درآمد ارزی واردات شده یعنی یا از خارج

قرض گرفته‌اند یا از بانک مرکزی. در دولتهای قبل هم همین‌طور بوده یعنی بالای ۱۰۰ درصد. در این دولت نسبت واردات به صادرات نفت و گاز ۸۳ درصد شده است و نسبت واردات به درآمدهای ارزی ۶۳ درصد شده است؛ یعنی صادرات غیر نفتی ما رشد جهشی داشته و درآمد ارزی ما ذخیره شده و امروز ذخایر ارزی بانک مرکزی ما بالاترین و مطمئن‌ترین در طول تاریخ کشور است که من عدد آن را نمی‌گویم ولی مراکز اقتصادی جهانی آن را تا ۱۲۰ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.

احمدی‌نژاد ادامه داد: من فکر می‌کنم با هیاهو و زدن اتهامات نمی‌شود کشور را اداره کرد. کشور را براساس منطق و عالمانه می‌توان اداره کرد. احمدی‌نژاد گفت: برادر عزیز آقای کروبی! رئیس جمهور باید کارشناس ارشد باشد. این‌که من نمی‌دانم و کارشناسان فلان حرف را می‌زنند درست نیست اگر دو کارشناس حرف متفاوت زدند شما از کجا متوجه می‌شوید که کدام درست است. احمدی‌نژاد خاطر نشان کرد ضمناً ماجرای شهرام جزایری فراموش نشود. کروبی: جزایری چیزی از من نخواست؛ من باید از مردم پول بگیرم مهدی کروبی کاندیدای انتخابات دهم ریاست جمهوری در ادامه مناظره گفت: چند نکته را در این‌جا عرض می‌کنم و موضوع آقای جزایری را هم می‌گویم؛ اوّلاً سال ۶۵ حتماً لشکر قدسی وجود داشته یا نداشته، من نگفتم. من همیشه وقتی در آن‌جا صحبت می‌کردم بر اساس سیاست امام(ره) بوده که صریح می‌گفت نه شرقی نه غربی و براساس مبنای حرف امام(ره) می‌گفتند می‌خواهیم راهپیمایی کنیم و ما می‌خواهیم جهان اسلام را مقابل این دو تا قرار دهیم.

کروبی ادامه داد: بحث جنگ مسلحانه نبود و بنده همان‌طور که شما فرمودید نه خبر داشتم و نه هیچ چیز دیگر؛ اگر هم بحث منافع ملی نبود یک سلسله مسائل دیگری را می‌گفتم که مواردی بود که خلاف دستور امام(ره) تحرکاتی شده بود و امام جلویش راگرفت.

کروبی اظهار داشت: در مورد کارشناسان، من یک سؤال را جواب ندادم و آقای احمدی‌نژاد هی به آن اشاره می‌کند در حالی که من ۱۰ سؤال از شما کردم و هیچ کدام را جواب نداده است، من می‌گویم قوّه قضائیه درباره پرونده اردبیل توضیح دهد؛ کارشناسان خودت، دانش جعفری، خوش‌چهره، افروغ و رهبر اینها همه یاران شما بودند که از دور شما رفتند؛ نکته سوم این‌که می‌فرمایید من به جریانی وصل هستم، این‌گونه نیست و من به جریانی وصل نیستم بلکه شما الحمدلله به آقای نقدی، شریعتمداری، صفاریان (صفار هرندی) اینها همه دوستان شما هستند، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله جنتی، اشکالی هم ندارد و اتفاقاً شما به مجموعه خوبی وصل هستید و الان قدرت دارید و آقای جنتی حتی حقّ استاد شا گردی را هم فراموش می‌کند و می‌گوید نوشته‌های شما باید مثل نوشته‌های امام(ره) در کتابها تدریس شود. وی افزود: من انقلابی هم هستم و همان انقلابی ریشه‌دار و حساب‌شده هستم منتها می‌گویم باید حساب‌شده حرف بزنیم، چون اگر نسنجیده حرف بزنیم دشمن‌تراشی می‌کنیم. جزایری یک پول درسته به من داد، من هم خرج کردم وی ادامه داد: اما در مورد قضیه آقای جزایری، ببینید آقای احمدی‌نژاد من خدمت شما عرض کنم، این یکی را چون دو، سه بار شما

تأکید کردید من گفتم، حتی دوستان به من گفته‌اند هر اسمی از ما برد که از نزدیکان شما هستند وارد بحث نشوید و من هم بنا ندارم، اما این مسأله که شما دو سه بار فرمودید، من یک روحانی هستم و اجازه‌هایی از امام(ره) دارم که هیچ‌کس این اجازه‌ها را ندارد و حالا بعضیهایش را هم این‌جا کتبی دارم، دوم این‌که پرونده من در زمان انقلاب یک بخش به امور مالی برمی‌گردد یعنی اجازه داشتم. کروبی با اشاره به روند فعالیت خود در این راستا تصریح کرد: بتدریج امام(ره) پشت سر هم به من احکام دادند و من هم شهرتی پیدا کردم که از بیرون و مسلمانان داخل و خارج برای من پول می‌آوردند و از اموال مصادره‌ای به من می‌دادند که بین مردم تقسیم می‌کردم و حسابش هم از دولت جدا بود، در مورد آقای جزایری هم اصلاً من عادت ندارم که بگویم چه فردی یا افرادی پیش من آمدند، آقای جزایری را آوردند و دو مرتبه هم آقای جزایری هم پول داد و ۳۰۰ میلیون تومان بوده و ۲۰۰ میلیون تومان نیست و چون صداقت دارم، اگر یک میلیارد تومان هم بود می‌گفتم. وی ادامه داد: به خدا آقای جزایری هیچ چیزی هم از من نخواست، الان هم باید به من پول بدهند من که پول نفت ندارم تا خرج کنم، من که الحمدلله پول تراکم شهرداری ندارم، بنده باید از مردم پول بگیرم تا خرج کنم و این‌طور نیست که شما فکر کنید من ورد می‌خوانم و این برایم طلا می‌شود تا خرج کنم، بالاخره باید عده‌ای به من بدهند اما این که کسی بگوید یک قران از جایی آوردی و حتی تلفن که معمول است، این‌گونه نبوده و البته به خود ایشان (احمدی‌نژاد) وقتی شهردار بود برای مسکن نمایندگان تلفن کردم اما خوشبختانه

جزایری هیچ چیز از من نخواست که بخواهم به کسی تلفن بکنم. کروبی تصریح کرد: آقای جزایری یک پول درسته به من داد، من هم خرج کردم و هیچ کاری نکردم و مهم‌تر این است که در لابه‌لای اوراق باید بگردم و پیدا کنم تا ببینیم رهبری چه نوشته است، با این‌که آیت‌الله شاهرودی از نظر رهبری و از نظر همه ما عزیز است، رهبری در زیر آن نامه با حالت توبیخی نوشته بود که جناب آقای شاهرودی، این چه شیوه کاری است که یک نفر پولی به فردی بدهد و آن فرد هم پول را در کار معمول خرج کند و موجه هم هست و هیچ‌کدام هم چیزی از هم نخواسته‌اند، چرا قوّه قضائیه چنین کاری کرده است و این شأن قوّه قضائیه نیست که چنین کاری بکند؛ من تا این‌جا گفتم و می‌خواهم مقداری از وقتم را برای تتمه بحث نگه دارم.

در این قسمت از این مناظره مجری گفت: شما ۲ دقیقه وقت دارید، کروبی گفت: آقای احمدی‌نژاد چند دقیقه وقت دارد؟ که مجری گفت ایشان ۱۱ دقیقه وقت دارد و کروبی خواست که احمدی‌نژاد صحبت کند و برخلاف قرعه کشی ابتدای مناظره، وی مناظره را به پایان برساند.

کروبی گفت: ۵ یا ٦ دقیقه که به پایان بحث آقای احمدی‌نژاد مانده بود بگویید تا من آن یکی دو دقیقه خودم را صحبت کنم و بعد ایشان مناظره را به پایان ببرد تا من در این فرصت به مطالبم نگاه کنم و ببینم چه باید بگویم. احمدی‌نژاد در ادامه مناظره خطاب به کروبی گفت: بالاخره ما پاسخ قضیه آقای جزایری را دریافت نکردیم، این‌که چطور ۳۰۰ میلیون می‌آید و شما امام و رهبری و همه را هزینه می‌کنید تا از آدمی که در

زندان است و محکوم شده و ۱۵۰ میلیارد تومان... وی افزود: بالاخره فسادها همین‌گونه شکل می‌گیرد؛ ۳۰۰ تومان به این آقا، ۲۰۰ تومان به آن آقا، ۵۰ تومان به آن آقا می‌دهند و هر کاری دلشان می‌خواهند در این کشور می‌کنند.

احمدی‌نژاد تصریح کرد: من ۲ سؤال دیگر از جنابعالی دارم؛ می‌گویم وقتی شما در بنیاد شهید مسؤول بودید، در بنیاد شهید زندان درست کرده بودید و افراد را زندانی می‌کردید و افراد در آن‌جا کتک زده می‌شدند، این را هم تشریح کنید که آیا از امام اجازه داشتید و یا از رئیس قوّه قضائیه اجازه داشتید؟ احمدی‌نژاد ادامه داد: بنده گفته‌ام که اموالمان را اعلام کنیم، من خواهش می‌کنم که آقای کروبی اعلام کنند اوّل انقلاب خانه‌شان در کجا و چقدر بوده و الان در کجاست و چقدر است و این از کجا آمده است؛ من اموالم را اعلام کرده‌ام و باز هم اعلام می‌کنم، بنده حقوق معلمی می‌گیرم و گرفته‌ام و تمام پرونده من از الان در دست قوه قضائیه است و اعلام هم کردم اگر در زندگی من، همسرم و فرزندانم مشکلی هست، بدون اجازه من منتشر کنند تا همه بدانند. زندگی من معلوم است که یک خانه دارم و حسابهای بانکی‌ام را هم اعلام کردم و فقط حقوق دولت می‌گیرم، درآمد دیگری ندارم و در دانشگاه هم برای پژوهش و کارهای دیگر پول دانشگاه می‌گیرم. کروبی در وقت پایانی خود در پایان این مناظره گفت: آقای جزایری که به من پول داد، ما هیچ‌وقت تحقیق و تفحص نمی‌کنیم که ببینیم این پولش از کجا است، اگر بدانیم فاسد است، نمی‌گیریم، اگر بدانیم چیزی از ما می‌خواهد دقّت

می‌کنیم و نمی‌گیریم؛ الان هم اگر یک آدم متدینی پولی برای ما بیاورد و چیزی از ما نخواهد، می‌گیریم.

وی افزود: نکته دوم، مسأله‌ای که در مورد خود ایشان مطرح است و الان مدرکش هم موجود است و بعد از یک هفته انتخابات برملا می‌کنیم، ۷۰۰ میلیون دلار از پول دولت می‌خواسته به یک آقایی بدهد که رهبری جلوی آن راگرفت، یکی از اختلافاتش با بانک مرکزی نیز همین بوده که حواله می‌داده و نمی‌دادند و دعواشان می‌شد و این ۷۰۰ میلیون دلار را می‌خواسته به یکی از رؤسای جمهور بدهد و حالا می‌آید و می‌گوید که چرا مردم ۳۰۰ میلیون تومان از خودشان به من داده‌اند.

کروبی تصریح کرد: آیا از ایادی و نزدیکان ایشان (احمدی‌نژاد) کسی در زندان نیست؟ قضایای آقای علی‌آبادی و اطرافیانشان چیست؟ شما ما را مجبور کردید که این حرفها را بزنیم. برخی از نزدیکان شما را با زور از زندان آزاد کردند. مجری مناظره در این لحظه پایان وقت کروبی را به وی اعلام کرد که کروبی نیز اظهار داشت: حالا که وقت من تمام شده، شما بفرمایید چطور می‌گویید این مقایسه‌ها درست نیست، ما هرچه بگوییم شما حرف خودتان را می‌زنید و می‌گویید یک پا دارد، آنها می‌گویند درآمد نفت شما انصافاً در این سه سال و نیم به اندازه کلّ درآمد دولتهای سازندگی و توسعه سیاسی بوده، شما نفت ۱۰۰ دلاری و ۸۰ دلاری را چکار کردی و الان اینها کجاست؟ آقای احمدی‌نژاد به خدا من خرم‌آباد بودم و همه طرحها مانده است. مجری مناظره سخنان کروبی را قطع کرد و به وی گفت که زمان شما به پایان رسیده است. احمدی‌نژاد اظهار داشت:

باز ما قانع نشدیم که بالاخره مسأله آقای شهرام جزایری چطور بود و چگونه مسکن شما از یک خانه ۱۰۰ متری به یک مسکن چند ۱۰۰ متری در بهترین نقطه تهران تبدیل شد. کروبی باز هم سخنان احمدی‌نژاد را قطع کرد و گفت: ما اوّل باید ببینیم این حرفی که می‌زنیم راست است یا نه... احمدی‌نژاد در ادامه گفت: کسی که از روزنامه‌اش خبر ندارد، چطور می‌خواهد کشور را اداره کند؟ کروبی باز هم در حال ادامه دادن سخنان خود بود که احمدی‌نژاد در ادامه وقت خود به سخنانش ادامه داد و گفت: من از شما می‌خواهم اگر بنده خواسته‌ام ۷۰۰میلیون دلار به کسی بدهم و بانک مرکزی گفته که باید چنین کاری اجازه رهبری داشته باشد، همین فردا آن را در روزنامه خودتان بزنید، چرا می‌خواهید به هفته آینده موکول بکنید؟ این چه حرفی است؟ شما به همسر من که هیچ نقشی نداشته است در روزنامه خود تهمت زده‌اید که می‌گویید خبر ندارید. کروبی در حالی که در میان سخنان احمدی‌نژاد مدام در حال صحبت کردن بود گفت: والله من خبر ندارم. احمدی‌نژاد گفت: بسیار خوب، کسی که می‌خواهد رئیس جمهور شود از روزنامه که صاحب امتیازش است خبر ندارد، آن وقت چطور می‌خواهد کشور را اداره کند؟ آقای کروبی من از شما عذر می‌خواهم و به شما احترام می‌گذارم و به لباس شما و به ریش سفید شما و به سوابق شما احترام می‌گذارم، شما خبر ندارید که عکس همسر من را در روزنامه شما انداختند و به همسر من توهین کردند؟ شما بروید... کروبی برای چندمین بار باز هم به میان حرف احمدی‌نژاد پرید و گفت: تو انتظار داری عکس زن یک مرد شریف و نجیب را در

مقابلش بگیری و به همه نشان بدهی و آن وقت کسی به تو چیزی نگوید؟ مجری مناظره به کروبی گفت: اجازه بدهید آقای احمدی‌نژاد در وقت پایانی خود سخنان خود را مطرح کنند. احمدی‌نژاد ادامه داد: آقای کروبی اگر شما باز بخواهید صحبت کنید، بگویید و اگر می‌خواهید از وقت من هم شما استفاده کنید. در حالی که کروبی همچنان در حال صحبت کردن بود و می‌گفت من از این موضوع خبر ندارم. مجری خطاب به وی گفت: شما می‌توانید بعد از انتخابات هم با هم صحبت کنید. احمدی‌نژاد تصریح کرد: شما برای بررسی آن مورد می‌توانید به دو سه هفته پیش روزنامه خود مراجعه کنید و بخوانید و گزارش بگیرید. احمدی‌نژاد اظهار کرد: ۲۰ میلیارد تومان هزینه اس.ام.اس را از کجا آورده‌اید؟ احمدی‌نژاد افزود: ستاد ایشان (کروبی) به مخابرات رفته و گفته ۲۰ میلیارد تومان برای ارسال اس. ام. اس می‌خواهیم بدهیم و مخابرات گفته که ما اس. ام. اس عمومی نداریم؛ براساس برآوردها بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه تبلیغات جناب آقای کروبی است و بگویند که اینها را از کجا و چگونه آورده است که اینها را برای مردم توضیح بدهد و الان وقت شان تمام شده است. احمدی‌نژاد خطاب به مجری مناظره گفت: هفت هشت دقیقه از وقت من باقی مانده و می‌خواهم چند نکته بگویم؛ این دولت در خدمت مردم با کار کارشناسی است، بنده بیش از ۱۰۰۰ ساعت خودم با کارشناسان اقتصادی و اساتید اقتصادی جلسه گذاشته‌ام، ممکن است ۲ یا ۳ یا ۱۰ یا ۲۰ نفر مخالف نظر ما باشند و بنده هیچ وقت آن را رد نمی‌کنم، اما من جلسات ۱۰ نفره، ۲۰ نفره، ۵۰ نفره و

جلسات مختلف حتی جلسات ۵ ساعته داشته‌ام و حضرت آقای کروبی، معتقدم رئیس جمهور باید خودش کارشناس ارشد باشد. در حالی که باز هم کروبی در میان سخنان احمدی‌نژاد شروع به سخن گفتن کرده بود، رئیس جمهور به سخنان خود ادامه داد و افزود: این‌که هرچه می‌پرسی می‌گویند کارشناسان نظر بدهند، پس کارشناسان بیایند و رئیس جمهور شوند نه این‌که فرد دیگری رئیس جمهور شود و کارشناسان اداره کنند. احمدی‌نژاد گفت: شما امشب (شنبه شب) در فیلم خودتان دوباره به دانشجویان ستاره‌دار اشاره کردید، من آمار آن را دارم، این در دوران آقای معین که متأسفانه یک اطلاعیه هم داده، آمارش مشخص است که از سال ۷۸ چند نفر ستاره‌دار بودند و سال ۸۲ بیشترین آن بوده که ۲۵۰۰ نفر و سال ۸۴ که آخرین سال تا قبل از این دولت بوده ۲۲۴ نفر بود و سال ۸۵ در این دولت لغو شد و تمام؛ بعد شما چهار تا آدم می‌آورید و می‌گویند ما ستاره‌دار هستیم؛ ستاره را وقتی لیست قبولیها را منتشر می‌کنند، کنارش می‌نویسند، ستاره را که روی پیشانی کسی نمی‌زنند. وی افزود: شما بحث گشت ارشاد را مطرح کردید که من دیشب توضیح دادم، اهل سنّت و اقوام را مطرح کردید که من توضیح دادم و رفتار دولت معلوم است. احمدی‌نژاد تصریح کرد: من می‌خواهم دو سه جمله راجع به آینده صحبت کنم، خطاب به ملّت عزیزمان، بالاخره شما مردم این دولت را برگزیدید، این دولت هم با تمام توان در خدمت شما بوده. وی ادامه داد: ما به سمت آینده حرکت می‌کنیم و به فضل الهی در آینده تورم کاهش پیدا خواهد کرد و به یک رقمی خواهد رسید، این را تمام تحلیلهای

اقتصادی می‌گوید. در حالی که ما رشد اقتصادی خود و سازندگی خود را حفظ کرده‌ایم؛ ما در موضوع اشتغال در آینده سه برنامه اساسی داریم، بنگاههای کوچک، بنگاههای بزرگ و زمینه‌سازیهای سرمایه گذاری و ۷ طرح بزرگ اصلاح ساختار اقتصادی تهیه کرده‌ایم که بخشی از آن در مجلس است و بخش دیگر آن نیز می‌آید، همه زیرساختهای لازم برای اجرای اصل ۴۴ را ما فراهم کردیم و ۱۴ نهاد در این مدت کوتاه تشکیل و ۴۲ آیین‌نامه نوشته شد و در این دولت نشان داده شد که ملّت می‌تواند. احمدی‌نژاد گفت: ظرفیتهای این ملّت در علم، فناوری، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و زمینه‌های گوناگون تازه در حال شکوفایی است و دولت به فضل الهی موانع را برمی‌دارد و از مردم پشتیبانی می‌کند؛ برای مسکن طرحهای ما امسال به شکوفایی می‌رسد، در مسکن مهر نیز قرار است قیمت زمین را از مسکن برداریم و تحویل دهیم و وام بانکی نیز تصویب شده و در بانک مسکن به خود مردم واگذار می‌شود تا بسازند و قیمت پایین بیاید، یک امتیاز ویژه برای مسکن و ازدواج جوانان نیز داریم و اینها را به فضل الهی دنبال خواهیم کرد.

وی افزود: چهار سال دوستان هرچه خواستند گفتند و ما تحمل کردیم، حوصله کردیم و پاسخ ندادیم. در همین روزنامه‌های آقای کروبی صدها توهین و تهمت زده شده اما ما مطلقاً پاسخ ندادیم و کار کردیم، بعضی می‌گویند چرا پاسخ ندادید؛ در شرایطی که کشور در محاصره نظامی دشمن بود و در حال تحریم و فشار سیاسی بود و اگر ما می‌خواستیم وارد این بگومگوها بشویم چه اتفاقی می‌افتاد و چگونه

می‌خواست این حجم سازندگی اتفاق بیفتد و این همه شاخصهای خوبی را در اقتصاد نسبت به گذشته به دست بیاوریم؛ ما نمی‌گوییم الان مشکل نداریم ولی ما معتقدیم که در حال کم کردن مشکلات هستیم و اگر می‌خواستیم وارد بگومگوها بشویم نه می‌توانستیم به فناوری هسته‌ای دست بیابیم و نه در سیاست خارجی به اوج عزّت می‌رسیدیم. احمدی‌نژاد تصریح کرد: مسیر ما همان مسیر است و در خدمت و در کنار مردم، شعار ما سلامت است پاکترین و خادم‌ترین دولت این دولت است و در کنار مردم است و یک مورد اگر تخلف به دست می‌آوردند، گوش فلک راکر می‌کردند اما دیدید که راه روشن را در کنار ملّت عالمانه و صادقانه ادامه خواهیم داد تا به فضل الهی ایران باید جزو بهترین کشورهای جهان باشد و می‌تواند در مدیریتهای جهان نقش اساسی و تعیین کننده داشته باشد و باید عزیزترین و پیشرفته‌ترین کشور جهان باشد و این چشم‌انداز ما است و ما باور داریم که ملّت ایران می‌تواند. مجری مناظره با مشاهده پایان یافتن سخنان احمدی‌نژاد به وی گفت شما یک دقیقه دیگر هم وقت دارید.

احمدی‌نژاد اظهار داشت: در این وقت باقیمانده می‌خواهم از ملّت عزیز و فداکار ایران تشکر کنم به خاطر همه همراهی‌ها و بزرگواریهایشان، دیروز در اصفهان و چند روز پیش در مشهد و در استانهای مختلف. وی افزود: ما ان شاالله سفرهای استانی را در خدمت مردم ادامه خواهیم داد و نظارتها ادامه خواهد یافت. احمدی‌نژاد خاطرنشان کرد: فرمودند برخی افراد حامی ما هستند، بله اکثریت ملّت،

بزرگواری کردند و در این چهار سال حمایت کردند، اما من هیچ حزب و گروهی ندارم و ریالی هم در انتخابات نه خرج کردم و نه دارم که خرج بکنم و از ملّت عزیز می‌خواهم که اجازه بدهند این خادمشان چهار سال دیگر در خدمت آنها باشد. در حالی که مجری مناظره در حال پایان برنامه و خداحافظی با بینندگان بود کروبی باز هم به میان حرف او پرید و گفت: نکاتی باقی مانده که فرداشب خواهم گفت.

مناظره کروبی و احمدی‌نژاد نیز به یکی از پربیننده‌ترین مناظره‌ها تبدیل شد که مسائل و برنامه‌های هر یک از دو نامزد به طور شفاف و صریح بیان شد.

پس از مناظره احمدی‌نژاد در جمع خبرنگاران گفت: «امیدوارم این تجربه خوب به گونه‌ای باشد که کاندیداها با عدد و رقم برنامه‌های یکدیگر را نقد کنند. اما متأسفانه در این دو مناظره من با فهرستی از اتهامات بدون مبنا مواجه شدم که از من می‌خواهند پاسخگوی آنها باشم.» وی درباره فواید مناظرات در تنویر افکار عمومی جامعه گفت: «ان شاء الله به جایی برسیم که به جای هزینه‌های ۱۰۰ و ۹۰۰ میلیاردی تبلیغات، برنامه‌های کارشناسی ارائه دهند و با آمار موثق همدیگر را نقد کنند.»[1]

در پی اظهارات مهدی کروبی در مورد گم شدن ۳۰۰ میلیارد تومان در زمان شهرداری تهران احمدی‌نژاد، مهندس مهدی چمران در گفتگو با

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

فارس اظهار داشت: «در برخی از موارد وقتی در انجام کار یک پروژه با معارضی مانند واحد مسکونی برخورد می‌شود، رفع آن معارض زمان زیادی به خود می‌گیرد و امکان نگه داشتن اعتبار وجود ندارد و باید اعتبار آن در جای دیگری هزینه شود؛ ۳۰۰ میلیاردی که گفته می‌شود در زمان شهردار بودن احمدی‌نژاد فاقد سند است در چنین مواردی هزینه شده است.»[۱] وی در گفتگو با ایران نیز گفت: «اگر لازم باشد تمام اسنادی که محل هزینه‌های شهرداری تهران در زمان احمدی‌نژاد را نشان می‌دهد رسانه‌ای خواهم کرد.» وی در پاسخ به شبهات مخالفان دولت و هزینه شدن ۳۰۰ میلیارد تومان بدون سند گفت: «بی‌انضباطی مالی در دوران شهرداری سابق بسیار زیادتر از دوران دکتر احمدی‌نژاد بود؛ البته آن زمان به دلیل این‌که شورای شهری درکار نبود که به‌کار آقایان نظارت کند و یا اگر هم نظارتی بود، صوری بود کسی صدایش بلند نمی‌شد. من تمام ابهاماتی که این روزها و پس از مناظره اخیر میان موسوی و احمدی‌نژاد در خصوص مفقود شدن ۳۰۰ میلیارد تومان شهرداری احمدی‌نژاد را کاملاً تکذیب می‌کنم.»[۲]

مناظره با مفرد مذکر غایب

اگرچه بین موسوی و کروبی اختلافاتی وجود داشت و بویژه این اختلافات بین هواداران و حامیانشان بیشتر نمود پیدا می‌کرد؛ اما آنها در

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۹.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

بسیاری از موارد سعی نمودند که این اختلافات را سلیقه‌ای جلوه داده و در یک جبهه قرار گیرند. مناظره موسوی و کروبی مصداق همین امر بود. محمدعلی نجفی (وزیر آموزش و پرورش دولت هاشمی و مشاور کروبی) در زنجان با اشاره به مناظره کروبی و موسوی گفت: «در صورت اجرای مناظره بین کروبی و موسوی هردو کاندیدا در یک جبهه مشترک یک بخش از عملکرد دولت نهم را به نقد خواهند کشید و هیچ نگرانی در خصوص برگزاری مناظره بین این دو کاندیدا وجود ندارد.»[۱]

این مناظره یکشنبه ۱۷ خرداد برگزار شد که در نوع خود قابل توجه بود. بخش اوّل مناظره این دو کاندیدا در حالی آغاز شد که مهدی کروبی بعد از قرائت نامه‌ای که جوابیه‌ای در اظهارات شب گذشته مناظره وی با محمود احمدی‌نژاد بود، اختصاص داشت. مهدی کروبی هم در بخش دیگری از این مناظره تلویزیونی از انگیزه‌های خود برای این دوره از انتخابات ریاست جمهوری سخن گفت. احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشوری، پرداخت سهام نفت به صورت نقدی به مردم و یا به شکل سرمایه گذاری، احیای حقوق شهروندی و دفاع همه‌جانبه از حقوق ملّت، تأکید برنظام جمهوری اسلامی مورد نظر حضرت امام خمینی(ره)، دفاع از حقوق مطبوعات و تأکید بر حضور زنان در کابینه احتمالی وی از جمله برنامه‌هایی بودند که کروبی در این بخش به آن اشاره کرد. میرحسین موسوی هم در بخش دیگری از این نشست با اظهار نگرانی از

۱- همان، ۱۳۸۸/۳/۴.

حمله هفته‌های اخیر به دهه اوّل انقلاب گفت: متأسفانه این حملاتی که صورت می‌گیرد فقط مربوط به من نیست، بلکه مربوط به امام(ره) و سرداران و رزمندگان شهید و از همه مهم‌تر مردمی است که کشور را در بدترین شرایط اداره کردند. مهدی کروبی در ادامه به برنامه‌های خود اشاره کرد:

اصلاح قانون اساسی با تکیه بر نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، تأکید بر اجرایی شدن و جدّی‌تر شدن اصل ۴۴ قانون اساسی، پیگیری تعیین اختیارات و وظایف شورای نگهبان با توجه به تبعیت به اصل نهاد شورای نگهبان، تأکید بر رفع تبعیض و جلوگیری از دخالت خودسرانه در حریم خصوصی شهروندان، پیگیری مسائل مربوط به دانشجویان محروم از تحصیل، رسیدگی حقوق هنرمندان و نویسندگان و اهالی فرهنگ با رعایت اصل جلوگیری از سانسور و ممیزی، طرح بیمه تحصیلی از جمله برنامه‌های ارائه شده کروبی به مردم در این بخش بود.

میر حسین موسوی هم در بخش دیگری از این مناظره با اشاره به چاپ کتاب «دولت امید برای آینده‌ای بهتر» گفت: این کتاب بزودی به شکل گسترده و وسیع در اختیار مردم قرار خواهد گرفت تا مردم عزیز ما بتوانند به صورت دقیق و کامل از برنامه‌های من مطلع باشند، اما لازم می‌دانم در این وقت کوتاه به چند برنامه مهم اشاره کوتاه بکنم که البته جزییات کامل این برنامه‌ها در این کتاب آمده است.

وی افزود: رؤوس این برنامه در بخشهای اقتصادی، سیاست داخلی، سیاست خارجی، فرهنگ و هنر، اجتماعی و جوانان آمده است که از

جمله می‌توان به توسعه روستاها با توجه به فقرزدایی و تشکیل شوراهای روستایی، تحول در نظام مدیریتی کشور، تحول در صنعت حمل و نقل کشور، اجرای کامل بیمه‌های اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، تحول در نظام آموزش و پرورش و مسائل حقوقی معلمان شریف، تحول در نظام آموزش عالی، حمایت از واحدهای تولیدی در حال ورشکستگی، ایجاد معاونت حقوق شهروندی، تأکید بر سیاستهای تک همسری در بخش جوانان و تسهیل در ازدواج، پرهیز از امنیتی کردن فضاهای آموزشی، گسترش بیمه بازنشستگی و پرداخت هزینه‌های بیمه خدمات درمانی در بخش کارگران، استفاده از صنعت نفت به عنوان یک موتور محرک اقتصادی از جمله برنامه‌های بود که موسوی در این برنامه به آن اشاره کرد.

مهدی کروبی هم در بخش پایانی صحبتهای خود با اشاره به انگیزه‌های حضور خود در عرصه انتخابات و اشاره به این‌که وی به همراه تمام دوستان و همکاران خود در تمام این سالها از موسوی خواسته که مؤثرتر در عرصه مدیریتی کشور حضور داشته باشد و موسوی نیز مخالفت می‌کرده گفت: اگر آقای موسوی در مقابل ایستادگی نمی‌کردند و از همان دوران دعوت ما را برای حضور در عرصه مدیریت کشور قبول می‌کردند کار به این‌جا نمی‌کشید که وضع این چنین باشد و ما شرایط کشور را شرایط خطرسازی ببینیم. کروبی با اشاره به این‌که موسوی از یاران نزدیک حضرت امام خمینی (ره) بوده است خطاب به وی گفت: من هم می‌توانستم در این مدت همه تهمت را بشنوم و سکوت کنم و وارد

عرصه نشوم اما سکوت نکردم و در طول دوران انقلاب با تمام حملات شدیدی که به من می‌شد ماندم و عرصه را ترک نکردم. وی با ارائه توضیحاتی در مورد نحوه حضور خاتمی در انتخابات و انصراف وی در این دوره گفت: من به قصد مقابله نیامدم، من برای حل مشکلاتی آمدم که تعداد آنها زیاد است حتی وقتی برای حضور در انتخابات خدمت مقام معظّم رهبری رسیدم و تصمیم خود را با ایشان در میان گذاشتم، گفتم که این حضور را جهاد و فداکاری می‌دانم و همین الان هم در حضور مردم شریف ایران می‌گویم که خود را برای سخت‌ترین شرایط آماده کرده‌ام تا مقابل مراکز قدرت و بسیاری از خودکامگی‌ها ایستادگی کنم و این انگیزه حضور من در انتخابات است، کروبی در ادامه از انگیزه حضور مهندس میر حسین موسوی در انتخابات بعد از چند سال دوری در عرصه مدیریت اجرایی کشور و حامیان وی در این دوره پرسید که موسوی در پاسخ گفت: من همیشه اعتقاد داشتم که چرخه قدرت از لوازم نظام است، از سویی دیگر در این سالها و تا زمانی که احساس خطر نکردم به هیچ وجه انگیزه‌ای برای حضور در مدیریت اجرایی کشور نداشتم، البته در این چند سال سیاستهایی را قبول نداشتم و سیاستهایی را نیز قبول داشتم و اتفاقاً در مقابل تعدادی از آنها نیز اظهار نظر می‌کردم، حتی در زمانی تصمیم به حضور دوباره داشتم اما موانعی ایجاد شد که نیامدم. کاندیدای دهمین انتخابات ریاست جمهوری افزود: حال با توجه به وضعیت خطرناکی که احساس می‌کنم و با توجه به تواناییهای که دارم آمده‌ام که در برابر مشکلات ایستادگی کنم و بنده مستقل آمدم ....

موسوی در پایان صحبتهای خود و در حالی که مجری در طول برنامه به صورت مستمر حرفهای او را قطع می‌کرد و با ذکر این نکته که کاندیدای غائب مورد خطاب شما د راین برنامه به صورت قانونی می‌تواند از حقّ خود دفاع کند، گفت: این صحبتی که شما دارید درست است اما چرا این نکته را در برنامه‌های قبلی به ایشان نگفتید، این‌که ایشان در مناظره بنده می‌آیند و در حضور من تصویری از همسرم را مقابل دوربین تلویزیونی برنامه شما قرار می‌دهد و آن را به مردم نشان می‌دهد جای تذکر نداشت؟ موسوی با بیان این‌که رسانه ملی به طور کامل در اختیار افرادی قرار دارد، تصریح کرد: ایشان هر زمانی که مایل باشند می‌توانند بیایند و بدون هیچ محدودیتی از خود دفاع کنند چراکه رسانه شما در اختیار ایشان است، از سویی دیگر بنده یک فرد انقلابی هستم و باید بگویم چرا ایشان تا این حد دروغ می‌گویند، من حاضرم در حضور هر نهاد قانونی دیگر که دادستانی نیز از جمله آنهاست بیایم و توضیح دهم که این جدولها و آمارهایی که در این چند شب به مردم داده شده صحت ندارد و از مردم می‌خواهم به عنوان بهترین داور این مستندات را به خاطر خود بسپارند.

مناظره کروبی و میرحسین ـ که هر دو یکدیگر را به نام دوست و برادر خطاب می‌کردند ـ بیش از آن که به مناظره شبیه باشد بیشتر درد دل با یکدیگر با هدف تخریب دولت نهم بود. موسوی که در مناظره خود با احمدی‌نژاد نتوانسته بود مانع شکل‌گیری موج گسترده مخالفت با اشرافیگری و فساد در کشور شود، در این مناظره برای جلوگیری از این روند، احمدی‌نژاد را دروغگو خواند. وی با ارائه آمارهایی که آن را به

بانک مرکزی نسبت می‌داد سعی کرد چنین القاء کند آمارهای احمدی‌نژاد اشتباه بوده است. گرچه بانک مرکزی برای اثبات آمارهای خود اعلام آمادگی کرده بود؛ اما آنچه جالب توجه بود و از نگاه مخاطبان این برنامه دور نماند، برچسبهای صورتی رنگ روی منابع آمارها و نمودارهای مهندس موسوی در بالای صفحات آن بود. این مسأله نگاه تردیدآمیز مردم را نسبت به سخنان موسوی به دنبال داشت. تردید درباره صحت گفته‌های میرحسین زمانی دوچندان شد که او توضیح نداد چگونه ممکن است بانک مرکزی با ارائه دو آمار متفاوت آن هم در فاصله زمانی چند روز، زحمات صدها ساعته کارشناسان و اعتبار خود را زیر سؤال ببرد.

تخریب و سیاه‌نمایی کارنامه دولت نهم، توسط موسوی و کروبی و طرح مجدّد اتهامات علیه نامزد غایب در حالی صورت گرفت که موسوی در مناظره خود با احمدی‌نژاد، زمانی که احمدی‌نژاد نام فرزندان هاشمی و ناطق نوری و دیگران را برد با تذکر به احمدی‌نژاد از وی خواست که در مورد کسانی که حضور ندارند صحبت نکنند؛ اما پس از مدت زمان طولانی این مناظره، که مستقیم و غیر مستقیم به اتهاماتی علیه احمدی‌نژاد اختصاص داشت، موسوی با تذکر مجری برنامه دکتر پورحسین مبنی بر عدم طرح مباحثی در خصوص نامزد غایب روبه‌رو شد که موسوی با واکنش عصبی خود، مجری و صدا و سیما را به حمایت از احمدی‌نژاد متهم کرد.

تلاش برای اثبات خود

محسن رضایی در آغاز مناظره با میرحسین موسوی با تسلیت سالگرد رحلت حضرت امام(ره) به ملّت شریف ایران گفت: امیدوار هستم راه پرفروغی که باعث شروع یک دوران جدید از تمدن‌سازی در ایران شده است با قدرت تمام ادامه پیدا کند.

رضایی ابراز امیدواری کرد همه ما مثل گذشته وفادار به ارزشها و راه امام باشیم. ... ملّت ایران رابطه من با جناب آقای میرحسین موسوی را کاملاً می‌شناسد ما دو دوست قدیمی هستیم که از دوران امام با همدیگر بوده و در صحنه‌های خیلی زیاد با هم شرکت داشته‌ایم. وی گفت: ایشان (میرحسین موسوی) در زمان نخست‌وزیری مثل یک بسیجی به جبهه می‌آمد و ما با هم رابطه خوبی تا امروز داشته‌ایم. رضایی افزود: اما رابطه دوستی ما به معنای آن نیست که همه نظرها، افکار و عقایدمان یکسان باشد. وی گفت: ما این‌جا نیازمند آن هستیم که عقاید خودمان را به صراحت و دقیق برای مردم توضیح دهیم که مردم تصمیم بگیرند. رضایی ادامه داد: من از این‌جا شروع می‌کنم. من و جناب آقای میرحسین موسوی فرض کنیم که وارد دولت شده‌ایم یا شما یا من رئیس‌جمهور شده‌ایم، مسأله اساسی این است که از فردای آن روز چه کار می‌خواهیم بکنیم. وی گفت: بنابراین فکر من این است که یک رئیس‌جمهور باید اوّلاً نظریه برای اداره کشور داشته باشد، این نظریه بتواند به اخلاق، رفتار و گفتار رئیس جمهور انسجام بدهد. رضایی افزود: اگر نظریه وجود نداشته باشد، رفتار و گفتار انسجام نخواهد یافت. محسن رضایی در ادامه این مناظره

تلویزیونی گفت: اگر نظریه وجود نداشته باشد رفتار و گفتاری نخواهد بود و انسجام هم نخواهد داشت و بعد هم عملیاتی نخواهد بود. وی افزود: نکته دوم این است بعد از نظریه باید دارای برنامه باشیم و صرف انتقاد از وضع موجود یا درد دل کردن با مردم کافی نیست، باید بگوییم که چه راه حلهایی داریم، چه کاراییهایی داریم و چگونه می‌توانیم کشور را اداره کنیم. رضایی گفت: مسأله سوم این است که اگر نظریه و برنامه باشد اما توان اجرایی نداشته باشیم ـ که مهم هم هست ـ نمی‌توانیم دستاورد خوبی بعد از ۴ سال داشته باشیم؛ توانایی اجرایی یعنی این. نامزد دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: خود رئیس‌جمهور باید آدمی توانمند و متخصص باشد، تیم او تیمی عملیاتی باشد و الگوی مدیریتی و روشها و فرایندی که به کار گرفته می‌شود این طور باشد. رضایی افزود: می‌خواهم از نظریه خودم شروع کنم که چه نظریه‌ای هست، معتقدم باید راه امام را ادامه دهیم منتهی راه امام دو تصویر دارد: یکی اندیشه‌ای است مکتوب است و دوم مصداق عملی راه امام که مقام معظّم رهبری تعیین می‌کنند، که آن را سیاست اصل ۴۴ بخصوص چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ می‌دانم کمتر از آن نیست. وی گفت: بنابراین پیمودن این راه به معنی راه امام است و به معنای این است که ما در راه امام حرکت می‌کنیم، اما هر رئیس‌جمهور یک راه برای خود دارد، کما این‌که راه من با راه جناب آقای میرحسین موسوی، آقای احمدی‌نژاد و دیگر دوستان متفاوت است. محسن رضایی گفت: راه من در مسیر راه امام است. شاید این همان تعبیر صراط سبیل است که بشود پاسخگو باشد؛ راه من این است که معتقدم باید

تحولی اساسی در اقتصاد کشور به وجود بیاید و فرهنگ را متحول کنیم و در سیاست خارجی و سیاست داخلی‌مان هم اصلاحاتی انجام بدهیم. این نامزد دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری افزود: این راه ماست؛ انقلاب در اقتصاد، تحول در فرهنگ و اصلاح در سیاست خط مشی من است و قانون اساسی هم می‌گوید که رئیس جمهور خط مشی خودش را باید به وزرا بدهد. رضایی گفت: این خط مشی را از این طریق عمل می‌کنم که خواهم آزادی اقتصادی را در رقابت به جای ممنوعیت دولتی و انحصاری قرار بدهم و موتور اصلی اقتصاد را می‌خواهم از دولت به مردم انتقال بدهم، البته نه به مردم پوپولیستی بلکه مردم سازمان یافته‌ای که عمدتاً همان کارآفرینان، بخش خصوصی و بخش غیر دولتی است.

نامزد دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری افزود: در بعد توان اجرایی، توان اجرایی که من فراهم کردم اوّلاً این است که دولتی ائتلافی تشکیل می‌دهیم از همه کارشناسان و نخبگان کشور استفاده می‌کنیم، الگوی مدیریتی کشور را تغییر می‌دهیم؛ از صفر زمانی که در اطلاعات آمده‌ام، یک سازمان اطلاعاتی بزرگ درست کردیم. وقتی که رفتم سپاه از صفر، یک نیروی عظیم انقلابی در جنگ سامان دادیم. وی افزود: سؤال من این است که چطور نمی‌توانیم امروز فقر، بیکاری و گرانی را از صحنه بیرون کنیم، به همین دلیل من هم گفتم که هیچ‌کدام از این عزیزانی که نامزد انتخاباتی هستند رقیب من نیستند رقیب من فقر، بیکاری، گرانی و عقب‌ماندگی است.

محسن رضایی گفت: معتقدم که با دولت ائتلافی و استفاده از نخبگان

کشور می توانیم این کار را بکنیم. وی افزود: حالا سؤال من از برادر عزیزم جناب آقای میرحسین موسوی این است که من در خصوص دیدگاههای اقتصادی ایشان ابهام دارم، این دیدگاه اقتصادی را ایشان برای من توضیح بدهد که آیا سیاستهای اصل ۴۴ را قبول دارد و آیا معتقد است که باید وارد اقتصاد جدیدی مرتبط با چشم‌انداز ۱۴۰۴ شویم. در ادامه این مناظره آقای میرحسین موسوی گفت: پس از انقلاب با آقای رضایی در جبهه بودم و ما در سنگر دولت همکاری می‌کردیم و خاطرات خیلی خوبی داشتیم و همیشه از آن خاطرات برای نیرو گرفتن استفاده می‌کردیم. ... میرحسین موسوی در ادامه گفت: در مورد برنامه‌هایی که در این بین می‌توان مطرح کرد، بنده برنامه‌هایی برای اقتصاد کشور برای فرهنگ و سیاست داخلی و خارجی داشتم که بتدریج در نشریاتی که مربوط به ستاد بنده است منتشر شده و در اختیار مردم قرار گرفته است که مردم مطالعه کنند و با آگاهی لازم تصمیم بگیرند. وی افزود: درباره این‌که آقای رضایی در خصوص برنامه‌های بنده ابهام دارد خیلی برایم روشن نیست که در چه زمینه‌هایی ابهام دارد ولی من شاخصهایی از دوران جنگ و سپس گزاره‌ای را مطرح می‌کنم؛ شاخصهای دوران جنگ را برای این مطرح می‌کنم جزو ویژگیهای این چند ماه اخیر جوّسازی و نوعی فضاسازی درباره این برنامه‌ها بوده است. این نامزد دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: در جلسه‌ای که با فعالان اقتصادی داشتم اوّلین جمله‌ای که اشاره کردم ـ که برادر عزیزمان رضایی توجه کنند ـ این بود که جنگ و اقتصاد جنگی تمام شده است. وی افزود: قویاً از

اقتصادی که در دوران جنگ به کار بردم دفاع می‌کنم و بیشترین حجت من از آن دوران ذائقه مردم از آن زمان است، البته شاخصهایی را بیان می‌کنم که اگر بحثی هست در این‌جا بیان شود. موسوی گفت: بر اساس اسناد پیوست برنامه انقلاب شاخص کلّی مداخله دولت در اقتصاد از ٦٣ درصد در سال ٥٦ به ۴۰ درصد در سال ٦٧ رسید یعنی همان موقعی که به رغم اقتصاد جنگی مسأله کوپن و توزیع کالاهای اساسی و مداخلات دولت در اقتصاد مطرح بود ولی شاخص کلّی مداخلات دولت نسبت به قبل از انقلاب از ٦٣ به ۴۰ درصد رسید که در دوران بعد از جنگ هم استثناست. ... محسن رضایی در ادامه مناظره تلویزیونی گفت: سؤالم از آقای موسوی این است که آیا ایشان سیاستهای اصل ۴۴ را قبول دارد؟ چرا که این سیاستها، محدوده فعالیتهای اقتصادی بخشهای خصوصی، دولتی، تعاونی و طرز تقویت سرمایه گذاری و زمان وا گذاریها را مشخص کرده و سیاستهای این اصل، روشن و شفاف است. وی ادامه داد: آقای میرحسین اگر یادشان باشد در زمانی که داشتیم سیاستهای اصل ۴۴ را می‌نوشتیم ادعا کردند این کار بمنزله تغییر قانون اساسی است. ... نامزد دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: با توجه به این موارد از آقای میرحسین سؤال دومی دارم و آن این‌که ایشان با چه کادری می‌خواهد دولت و کشور را اداره کند؟

محسن رضایی افزود: باید بدانیم چگونه می‌توانیم انتقال قدرت از نسلهای گذشته به نسلهای آینده داشته باشیم بدون آن که بخواهیم نسل صاحب تجربه گذشته راکنار بگذاریم و جوانها را مشاور کنیم. وی گفت:

عقیده‌ام این است که باید مدل را برعکس کنیم و باید جوانان را به صحنه اجرا بیاوریم و از ظرفیت گذشته استفاده کنیم، اما راه گذشته را نمی‌توانیم ادامه دهیم؛ ما آینده را با تکرار گذشته نمی‌توانیم بسازیم و سند چشم‌انداز آینده ایران هم مؤید این ادعاست. میرحسین موسوی در ادامه مناظره با محسن رضایی با اشاره به این‌که گذرا به برخی از سؤالها جواب می‌دهد که برنامه‌هایش را برای مردم بیشتر تشریح کند گفت: بحث طلبگی هم دارم و در مورد سیاستهای کلّی که مورد استناد آقای رضایی است، ضمن این‌که بنده عضو مجمع تشخیص مصحلت نظام هستم و وقتی که در مورد این سیاستها بحث شده است خودم دخالت کردم، نظر دادم و گاهی در کمیسیون صحبت کردم. وی افزود: همیشه صریح گفته‌ام که با تدوین انبوهی از سیاستهای اجرایی در مجمع موافق نیستم، ضمن این‌که به قانونی بودنش معتقدم و مخالف بودن را به این معنی نگیرید که جنبه قانونی ندارد. موسوی گفت: من اعتقاد دارم سیاستهای کلّی کشور ۷ تا ۹ سیاست روشن است که باید وجدان عمومی شود و همه از آن حمایت کنند، همه ناظر آن باشند که اجرا شود، همه حساب‌کشی کنند بالاخره این سیاستهای کلّی چه شد. وی اضافه کرد: یک موقع ما می‌گفتیم جنگ جنگ تا رفع فتنه، این یک سیاست کلّی بود این را همه مردم می‌فهمیدند، همه آحاد کشور می‌دانستند ولی ما کتابی به اندازه دیوان سعدی درباره سیاستهای کلّی داریم که نه اولویتها در آن روشن است نه این‌که کدام یکی باید جزء مسائلی باشد که مورد توجه قرار گیرد. موسوی گفت: جناب آقای رضایی یک تکه از آن برمی‌دارد، بنده یک تکه از آن برمی‌دارم

آقای احمدی‌نژاد نیز یک تکه از آن برمی‌دارد و می‌گوید این سیاستها کلّی است؛ به دلیل این‌که هیچ کدام معلوم نیست چه اولویتی بر بقیه دارد و هیچ زمینه‌بندی ارزشی درباره آنها وجود ندارد و این جزء مشکلات این سیاستهاست. وی افزود: چون صریح اعلام کردم و در مجمع تشخیص مصحلت نظام نیز گفتم به بقیه دوستان هم گفته‌ام هیچ ابایی ندارم که جلو جمع نیز بگویم، البته به این معنا نیست سیاستهای کلّی که تدوین می‌شود مفید نیست، آنها خیلی مفید هستند و مورد استناد نیز می‌توانند قرار بگیرند به دلیل این‌که تعداد قابل توجهی از کارشناسان ما برای این سیاستهای کلّی کار می‌کنند. موسوی یادآور شد: اعتقادم بر این است که این مقدار سیاستهای کلّی که ما تصویب می‌کنیم جزو مسؤولیتهای دولت است و دولت می‌توانست کارها را انجام بدهد؛ ما باید حداکثر ۱۰ صفحه مطلب داشته باشیم، سیاستهای کلّی روشن باشد و طوری تبلیغ کنیم که متوجه باشند این سیاستهای کلّی چیست و از یک روستایی گرفته تا شهری، کارگر، کارفرما و همه از آن حمایت کنند. وی ادامه داد: ممکن بود حمایت از بخش خصوصی یکی از این سیاستهای کلّی باشد ولی اگر به مجموعه سیاستهای کلّی نگاه کنیم یک چنین مشکلی در آن وجود دارد ضمن آن که آن مجموعه را بنده مفید می‌دانم. ...

نامزد دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ادامه گفت: نکته دوم سؤال درباره نیروی کار کشور است، بنده از ابتدای انتخابات گفتم وزیر معرفی نمی‌کنم حال ممکن است سلیقه آقای رضایی این باشد وزرایش را معرفی‌کند بنده منتظرم که ببینم وزرای آقای رضایی چه

کسانی هستند؛ ممکن است به نظر خوب بیایند و ممکن است نقد هم داشته باشیم. وی تصریح کرد: بنده سلیقه‌ای را در زمان جنگ اعلام کردم که هنوز آن سلیقه را دارم و بنده اعلام کردم که ما باید شایسته‌سالاری داشته باشیم. صرف این‌که می‌گوییم از جوانان استفاده می‌کنیم مشکل ما را حل نمی‌کند، بلکه ما باید مجموعه‌ای از تجربه و جوانی را در کنار هم داشته باشیم. موسوی افزود: اگر ما اوّل انقلاب سرداران و مدیران جوان داشتیم به دلیل خلأ کامل از مدیران باتجربه بود، الان برعکس آن مهم‌ترین مسأله این است که چگونه نیروهای باتجربه را در کنار نیروهای جوان قرار دهیم.

کالبدشکافی اقتصاد

در این مناظره با آن‌که دو کاندیدا محمود احمدی‌نژاد و محسن رضایی، روبه‌روی هم نشستند اما بحث و مجادله آنها کاملاً متمایز از مناظره دو نامزد اصلاح‌طلب بود. مناظره دو نامزد اصلاح‌طلب به جبهه گیری مشترک علیه رئیس جمهوری تبدیل شد و دو طرف از نقد اندیشه‌های یکدیگر طفره رفتند اما این مناظره جدّی‌ترین بحثها را به نمایش گذاشت، بی‌آن که تعرض و یا طعنه‌ای برای نامزدان غایب همراه داشته باشد. متن گزیده مناظره از نظر گرامیتان می‌گذرد. محمود احمدی‌نژاد به عنوان آغازکننده مناظره با تقدیر از حضور گسترده چند صد هزار نفری حامیان خود در مصلای تهران اظهار داشت: درباره بحثهایی که در مناظره یکشنبه شب مطرح شد، البته وقت من محفوظ است و چند بار در مناظره‌ها تکرار شد و من فقط دو جمله خدمت ملّت

شریف ایران عرض می‌کنم، آماری که ما اعلام می‌کنیم از مأخذ بانک مرکزی و مرکز آمار ایران ارائه می‌شود و اینها نهادهایی هستند که بیش از ۴۰ تا ۵۰ سال است در حال انتشار آمار هستند. کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری عنوان کرد: این‌که در برنامه تلویزیونی برخلاف همه قوانین به طور مکرّر یک کاندیدا ـ کسی که هنوز مسؤول است ـ متهم به دروغ‌گویی می‌شود و توهینهای فراوانی به وی می‌شود، این جای بحث دارد و من ان‌شاءالله در وقتی که حقّ قانونی من است، پاسخ خواهم داد و یک جمله را در این‌جا عرض می‌کنم که دروغ‌گو خائن است و خائن ترسو است، چه‌کسی تا امروز از این دولت ترس سراغ دارد و من فکر می‌کنم همین کافی باشد اما در این باره که چرا این‌گونه هجوم می‌کنند و بدون این‌که برنامه‌ای ارائه بدهند علیه بنده به هر حرفی که دلشان می‌خواهد متوسل می‌شوند، ان‌شاءالله توضیح خواهم داد.

احمدی‌نژاد افزود: میلیونها سی‌دی منتشر کرده‌اند که در آنها با بریدن حرفها در اوّل و آخر یک بازی رسانه‌ای علیه بنده راه انداختند که همه اینها برخلاف قانون و اخلاق است و کسانی که می‌خواهند درس اخلاق و ادب به مردم بدهند، نباید از این کارها انجام دهند و من جزئیات این موضوع را در آن وقت قانونی خودم اعلام خواهم کرد. احمدی‌نژاد در ادامه با اشاره به شعارها و برنامه‌های محسن رضایی از وی پرسید که ارتباط موضوع فدرالیسم اقتصادی نو به عنوان یک ایده با تقسیمات کشوری و مدیریتهای سیاسی و منطقه‌ای چگونه گره می‌خورد؟

محسن رضایی با بیان این‌که من با رمز یا زهرا(س) وارد صحنه

انتخابات شدم، گفت: از هوادارانم نیز می‌خواهم تا در روز انتخابات با همین رمز پای صندوقهای رأی بیایند. وی در ادامه از مردم ایران خواست تا برای شادی روح شهدا، امام و علمای راحل سه صلوات بفرستند.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این که مناظره‌ها باید در رابطه با موضوع تشکیل دولت آینده انجام شود، تصریح کرد: البته لازمه این کار نقد گذشته نیز هست ولی روش مناظره باید توأم با ایجاد امید، نشاط، شادابی و برداشتن یک گام تاریخی به جلو برای ملّت همراه شود. ولی اگر بیاییم بازی را عوض کنیم و موضوع را به جایی دیگر ببریم، این یعنی این‌که نمی‌خواهیم حقایق را به مردم بگوییم.

وی با بیان این‌که امروز هم با تورم و هم با رکود در کشور روبه‌رو هستیم، خاطرنشان کرد: امروز شاهد تورم ۲۵ درصدی و بیکاری ۱۲/۵ درصدی هستیم، اینها نشان‌دهنده آن است که در اقتصاد وضع خوبی نداریم. رضایی خاطرنشان کرد: امروز تراز تجاری‌مان ۱۸+ است ولی در سال آینده صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است که ۱۳- خواهد شد. وی از احمدی‌نژاد پرسید شما در صورت پیروزی در انتخابات چه راهکاری برای خروج از این وضعیت دارید؟ رضایی ادامه داد: من هیچ رئیس‌جمهوری را کاملاً سیاه یا سفید نمی‌دانم و آقای احمدی‌نژاد هم کارهای مثبتی هم داشته‌اند ولی کاستیهایی نیز وجود دارد و اگر فکر جدیدی نکنند این مجموعه ما را از برداشتن گامهای بلند در سند چشم‌انداز باز می‌دارد.

وی با بیان این‌که ما فدرالیسم اقتصادی اعلام کردیم و نه فدرالیسم

کامل، گفت: این یعنی اقتصاد به صورت منطقه‌ای و بقیه مسائل به صورت سیاسی و امنیتی به صورت متمرکز از تهران اداره می‌شود. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این‌که در صورت پیروزی در انتخابات تعداد استانهای کشور را افزایش می‌دهم اظهار داشت: احتمالاً تعداد استانها به ۴۰ یا ۴۵ استان خواهد رسید که به این ترتیب استان‌ها از نظر سیاسی، دفاعی و امنیتی کوچکتر و از نظر اقتصادی اداره کشور بزرگتر می‌شود و همچنین ۹ نفر با اطلاعات کامل در حد معاون رئیس‌جمهور، مسؤول این مناطق خواهم کرد. رضایی اظهار داشت: رابطه آنها با مدیریتهای سیاسی کشور روشن است چون تقسیم کار کاملی صورت می‌گیرد و در هر منطقه‌ای ۵ استان خواهد بود که جلسات آنها مانند شورای امنیت برگزار می‌شود اما مسائل اصلی و استراتژیک را به صورت متمرکز و از تهران اداره خواهیم کرد.

احمدی‌نژاد در پاسخ به محسن رضایی به سؤال وی در خصوص فدرالیسم اقتصادی، گفت: این تقسیم‌بندیهایی که شما گفتید ظاهراً همان تقسیم‌بندیهای ۹ گانه‌ای است که در سپاه بود، منتها شما می‌دانید که یک مدیریت اقتصادی بدون مدیریت سیاسی و اجتماعی معنا پیدا نمی‌کند.

احمدی‌نژاد درخصوص اظهارات رضایی مبنی بر این‌که درحال حاضر ما تورم همراه با رکود داریم، تأکید کرد: به نظر بنده این اشتباه است، تورم به دو شکل محاسبه می‌شود که شما هم می‌دانید. البته شکلهای دیگر هم دارد ولی اصل آن، این دو شکل است؛ یک متوسط سالانه نسبت به سال قبلی که نقطه به نقطه است، بله متوسط سال ۸۷ به ۸٦

تورم ۲۵ درصد شد که بنده این موضوع را اعلام کردم و بانک مرکزی هم آن را اعلام کرد اما نقطه به نقطه الان چند است. وی ادامه داد: یعنی ۱۸ خرداد نسبت به ۱۸ خرداد سال قبل که الان تورم زیر ۱۵ درصد است و این به معنی رو به کاهش بودن تورم می‌باشد. این کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری اضافه کرد: شما می‌دانید که در قانون برنامه چهارم عددها را دست بالا گرفته‌اند و متوسط برنامه سوم ما رشد اقتصادی آن ۴/۵ است و در برنامه چهارم این دفعه گفتند ۸/۲ و نیم گذاشتند برای بهره‌وری. وی خاطرنشان کرد: ما فکر می‌کنیم با این شرایط جهانی رشد ٦/۲ متوسط در ۴ سال برنامه رشد بسیار خوبی است. این رشد از برنامه‌های قبلی بیشتر است بخصوص در برنامه قبل از این دولت بیشتر می‌باشد، نقطه به نقطه ما هم که رو به کاهش است ضمن این‌که دریافت کارکنان و حقوق‌بگیران ثابت جبران شد، بنابراین از نظر دریافتی طبقاتی و حقوق ثابت ما مشکل چندانی نداشتیم به غیر از یک گروه از کارگرانی که کار معیّن داشتند.

وی افزود: بیشترین واگذاریهای در بورس و حجم معاملات بورسی در همین دو، سه سال اخیر انجام شده و در حال حاضر هم بورس ما فعال است و مراکز جهانی هم که اندازه گیری می‌کند این موضوع را تأیید کرده‌اند. احمدی‌نژاد با بیان این که سؤال اوّل بنده هنوز سر جای خودش است، خطاب به رضایی افزود: شما یک صندوق توسعه ملی هم مطرح کردید، می‌خواهم ببینم این صندوق همانی است که در سیاستهای کلّی برنامه پنجم است یا چیز دیگری می‌باشد؟ شما گفتید که به هر نفر ۱۰۰ هزار تومان خواهیم داد، از این رو ضرب و تقسیمی بکنید تا ببینید چقدر

می‌شود و ۲۰ میلیارد دلاری که منبع آن معلوم نیست چقدر حاصل می‌شود، ما ماهی ۱۰۰ هزار تومان می‌خواهیم به مردم بپردازیم.

محسن رضایی با بیان این‌که آمار باید دقیق‌تر گفته شود، اظهار داشت: من در این خصوص بحث دروغ گفتن را قبول ندارم اما آمار امکان ندارد مبانی متغیری داشته باشد، مثلاً فرض کنیم که تورم جهانی سال ۲۰۰۹ را حذف کنیم و اگر می‌خواهیم آمار بدهیم باید با یک مبنای مشترک باشد.

وی افزود: آماری که بانک مرکزی اعلام کرده است این است که در سال ۱۳۸۴ که دولت آقای احمدی‌نژاد روی کار آمد تورم ۱۰/۴ و در سال ۸۵ تورم به ۱۱/۹ و در سال ۸۶ تورم به ۱۸/۴ و در سال ۸۷ تورم به ۲۵/۴ رسیده است و آن روش نقطه به نقطه برای بررسی تورم موضوع بحث ما نیست چراکه محاسبه تورم به این شکل دردی را دوا نمی‌کند. رضایی با اشاره به یکی از اشکالات مدیریت دولت گفت: مسأله بی‌ثباتی یکی از اشکالات مدیریتی است که من نسبت به آقای احمدی‌نژاد دارم و مثلاً ایشان ۱۵ عضو کابینه که ۸ نفر آنها وزیر بودند را در یک سال عوض کرده و مثلث اقتصادی ایشان نیاز به ثبات دارد. وی تعویض مدیران را جزو اختیارات رئیس‌جمهور دانست و گفت: پیشنهاد من این است که اگر ما دولت را به دست گرفتیم اوّلین کاری که می‌کنیم این است که خود رئیس‌جمهور که خود من باشم خود را محدود می‌کنم که دست به عزل و نصبهای تخصصی نزنم.

محمود احمدی‌نژاد با بیان این‌که بیکاری طبق آمار بانک مرکزی دو درصد کاهش یافته است، خطاب به محسن رضایی گفت: باید در جواب

این گفته شما که وضع مردم خیلی خراب است، باید گفت بلی، مردم گرانی را حس می‌کنند اما کاهش آن را نیز همه حس می‌کنیم.

احمدی‌نژاد در خصوص صحبتهای محسن رضایی مبنی بر تغییر ۱۵ عضو کابینه دولت نهم گفت: این تعهدی بوده است که من به مردم داده‌ام و الان نیز همین تعهد را می‌دهم، چرا که بالاخره ما در انتخابهایمان که معصوم نیستیم؛ ما یک برنامه داریم و طبق آن پیش می‌رویم و تلاشمان را می‌کنیم که بهترین انتخاب را داشته باشیم. وی خطاب به محسن رضایی با بیان این‌که شما گفتید ما بی‌حساب و کتاب تعرفه‌ها را عوض کردیم، اظهار داشت: برای اوّلین بار در کشور دفترچه ثابت گذاشتیم. بله ممکن است در کالاهای معدودی به خاطر نوسانات تند بازار جهانی تغییر ایجاد شده باشد اما دفترچه تعرفه‌ای برای محصولات کشاورزی و... گذاشته‌ایم که چه وقتی از سال تعرفه آنها پایین رفته و چه وقتی از سال بالا می‌آید که این برای اوّلین بار است که اتفاق افتاده. دو سال است که این کار را انجام می‌دهیم. احمدی‌نژاد خطاب به رضایی با بیان این‌که شما سؤال من را در مورد صندوق توسعه ملی پاسخ ندادید و امیدوارم به آن پاسخ بدهید، اظهار داشت: شما گفته‌اید مالیاتها را کم می‌کنید، حقوق کارمندان را نیز اضافه می‌کنید و بودجه را بدون نفت می‌بندید. احمدی‌نژاد در خصوص طرح رضایی مبنی بر اداره فدرالی اقتصادی کشور، اظهار داشت: فدرال اقتصادی با شرایط اداری کشور ما بسیار و بشدّت ناسازگار است. وی تصریح کرد: این‌که شما می‌خواهید چند استان را بیاورید زیر یک پرچم و در آن هم بخش اقتصادی را از بخشهای سیاسی جدا کنید، به نظرم یک

اشتباه بزرگی است که محقق هم نخواهد شد.

محسن رضایی در پاسخ به اظهارات احمدی‌نژاد گفت: صندوق توسعه ملی که من گفتم همان صندوق ملی است که ما در مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به مطالعاتی که داشتیم به تصویب رساندیم. وی افزود: این‌که ما مالیاتها را کم می‌کنیم، بله حتماً در شرایط رکود مالیات را کم می‌کنم چون من دنبال این نیستم که از بنگاهها انتقام‌کشی بشود، چیزی که الان دارند می‌کشند. الان دولت بنگاهها را رها کرده است و بنگاهها در رکود دست و پا می‌زنند. کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری تصریح کرد: اتاق بازرگانی اعلام کرده ۵۰ درصد وضعیت بنگاههای کشور و کارخانجات کشور با نصف ظرفیت کار می‌کنند و ۶۰ درصد کارخانجات کشور و بنگاهها و مؤسسات اقتصادی طی ۸ تا ۹ ماهه اخیر تعدیل نیرو تا حد یک‌سوم داشتند. وی تصریح کرد: این‌که می‌فرمایند من مسائل اداری را نمی‌دانم خوب خودشان قضاوت کنند ایشان که هم سابقه من را می‌دانند و هم سابقه خودشان را. ما در کلّ دوران جنگ عملاً کلّ دولت را اداره می‌کردیم. اوایل انقلاب تا ۳ سال تمام از ائمه جمعه و فرمانداران گرفته پیش ما بودند؛ ما کشور را اداره می‌کردیم و بعدش هم همین‌طور بود و در رابطه با دوران ۱۲ سال اخیری که بنده آمدم اطلاعات من در رابطه با داخل وزارتخانه‌ها چند برابر آقای احمدی‌نژاد است. رضایی در خصوص مسأله مسکن مهر و سایر کارهای دولت در این زمینه گفت: اینها بیانگر این است که تصمیمات به صورت پخته صورت نمی‌گیرد و شاید هم دلیلش این باشد که در دولت آقای

احمدی‌نژاد اصلاً نخبگان خیلی محلی از اعراب ندارند. وی در ادامه از احمدی‌نژاد پرسید که با توجه به تواناییهای عظیم نخبگان کشور، اگر ایشان دوباره رئیس جمهور شوند نخبگان را چطور درگیر توسعه ملی می‌کند و به اجماع می‌رساند؟ محمود احمدی‌نژاد در ادامه این مناظره گفت: آقای محسن رضایی چند مورد را مطرح کردند و قبلاً هم مطرح شده بود و در بعضی از روزنامه‌های مخالف دولت هم بارها و بارها مطرح شده بود؛ ایشان بحثهای داخل کشور را می‌گوید و خارج از کشور را رها می‌کنند. وی افزود: ایشان حتماً می‌دانند در سال گذشته و همین الان بسیای از صنایع در دنیا در حال رکود است و کاهش تولید دارند، از جمله صنعت فولاد و بسیاری از کشورهای دنیا ۴۰ یا ۵۰ یا ۳۹ درصد کاهش تولید دارند و فقط دو کشور رشد دارند، یکی ایران و یکی چین؛ ایران ۲۰ درصد و چین ۴/۲ درصد. و انجمن فولاد جهانی گزارشی رسمی را منتشر کرد که من در این‌جا دارم. احمدی‌نژاد تصریح کرد: این‌که می‌گویند بنگاهها را رها کردند، من نمی‌دانم رها کردن یعنی چه؟ آیا دولتها باید بنگاهها را اداره کنند یا بنگاهها روی پای خود بایستند؟ بیشترین مراقبت در این دولت انجام شد، وقتی ما دولت را تحویل گرفتیم، ۵۰ هزار بنگاه صنعتی داشتیم و از این ۵۰ هزار بنگاه، ۲۸ هزار بنگاه در مرز بحران بود؛ الان تعداد بنگاهها به ۸۰ هزار رسیده است آقای موسوی. محسن رضایی در میان سخنان احمدی‌نژاد گفت: موسوی نه، رضایی. احمدی‌نژاد اظهار داشت: عذر می‌خواهم آقای رضایی، بالاخره شما هم در نقطه‌ای به سیادت وصل هستید. رضایی اظهار داشت: من مادرم سیده

بوده، اما هیچ وقت اظهار سیادت نکردم. احمدی‌نژاد در ادامه بحث خود گفت: ما ۲۰۰ بنگاه داریم که برای آن ساز و کار تعیین کردیم و کارگروه برای تک تک آنها تشکیل شده و رئیس کلّ بانک مرکزی، وزیر صنایع و وزیر کار و برخی دیگر از مسؤولان در آن حضور دارند و بیشترین رسیدگی را ما انجام دادیم، من تعجب می‌کنم که شما می‌گویید یک سوم کارگران از دست رفته‌اند؛ تعداد کارگرانی که بیکار شده و به اداره کار مراجعه کرده‌اند، هر سال معلوم است؛ در این ۵-۶ سال اخیر هر سال به طور متوسط ۳۴۰ هزار کارگر از کار منفک می‌شوند و تغییر جدّی نداشته‌ایم. اما این‌که اتاق بازرگانی گفته بنگاهها با ۵۰ درصد کار می‌کنند، درست است؛ اوّلاً بیش از ۵۰ درصد است و در این دولت ۵۰ درصد شده، جهت اطلاع حضرت عالی، در بخش صنعت ما همیشه ۴۰ درصد ظرفیت پر بوده، یعنی ظرفیت همیشه خالی بوده و صنعت ما هیچ وقت از همه ظرفیت خود استفاده نکرده و علت آن نیز ساختارهای غلط اقتصادی بوده است. وی افزود: آنها از راکد کردن پول و راکد کردن کالا سود می‌بردند و شما درست گفتید که پول در کشور احتکار می‌شود و این‌که تبدیل به معوقه می‌شود، در واقع احتکار پول است و نرخش در بازار بالا می‌رود، اما این‌که چه باید کرد، باید ساختار بانکی را اصلاح کنیم و ما هم همین کار را کرده‌ایم، سه سال با حضور کارشناسان مطالعه کردیم که بعداً عرض خواهم کرد و طرح آن را کاملاً تهیه کردیم و بزودی لایحه اصلاحیه آن را نیز به مجلس خواهیم داد. رئیس‌جمهور تصریح کرد: در طرحهای اقتصادی که ما تهیه کردیم، تقریباً از همه ظرفیت کارشناسی

کشور استفاده کردیم، الا معدود که نخواستند همکاری کنند؛ بیش از هزار ساعت خود بنده در جلسه کارشناسان شرکت کردم، همان کسانی که به قول حضرت عالی نامه نوشتند، ما با آنها جلسه گذاشتیم؛ آنها ۱۳ بند را مطرح کردند که ۳ بند آن را خود رئیس ستاد جناب عالی (دانش جعفری وزیر سابق اقتصاد) جواب داد و وقتی به بند سوم رسید، همه گفتند کفایت می‌کند و ما اصلاً بحثمان چیز دیگری است؛ ما گفتیم بحثهای شما سیاسی است نه بحثهای اقتصادی والّا ردیف کردن ایرادات اقتصادی کشور که کاری ندارد؛ ۱۰ هزار ایراد در کشور هست اما باید ببینیم که دولتها چه روندی را طی کرده‌اند، آن هم با شاخصهای کلان. احمدی‌نژاد تصریح کرد: شما گفتید ما از نخبگان استفاده نمی‌کنیم، به نظر من این یک توهین به دولت است؛ آقای رضایی شما سطح تخصص دولت را ببینید، قریب به اتفاق آنان دکترای تخصصی جدّی دارند، یعنی جدّی جدّی دکترا گرفته‌اند یعنی رفته‌اند کنکور داده‌اند و به دانشگاه وارد شده‌اند و در کلاس درس خوانده‌اند و پای درس استاد نشسته‌اند و از آن دکتراهایی که مد شد و یک عده‌ای همه ریختند تا دکترا بگیرند، نیست و دکترای تخصصی گرفته‌اند؛ شما هر اقتصاددانی که می‌خواهید بیاورید تا با وزیر اقتصاد ما و وزیر بازرگانی ما بحث کنند؛ برای اوّلین بار در تاریخ کشور کلّ اصناف در کنار وزارت بازرگانی با هم در حال کنترل بازار هستند و ما کمترین تنش را داریم و خودشان شب عید را کنترل کردند و این یک مدیریت بسیار خوب است که بازار کنترل شده. در حالی که تورم جهانی با افزایش قیمت نفت چند درصد بوده، این‌جا چند درصد شده است، من

خواهش می‌کنم شما فقط به یک عده خاص نخبه نگویید. شما چطور وزیر بهداشت ما را نخبه تلقی نمی‌کنید، وزیر بازرگانی و وزیر راه ما را نخبه تلقی نمی‌کنید؟ اینها همه حلقه‌های مشورتی دارند؛ شما می‌گویید ما اسم آن را دولت سایه می‌گذاریم، بله این یک اسم است. اما مهم مشورت خواستن و نظر خواستن است و به همین دلیل خود بنده که مسؤول دولت هستم، به طور مستمر با کارشناسان اقتصادی از گروههای مختلف جلسه داریم که منتهی خبر همه آنها منتشر نمی‌شود و این جلسات در هفته حداقل ۵ ساعت است و من سؤال می‌کنم، می‌شنوم و آنها هم سؤال می‌کنند. وی ادامه داد: نباید این طور باشد که شما فقط خودتان یا از دوستانتان را نخبه بدانید و مخالفان دولت فقط نخبه باشند و آنها که موافق دولت هستند نخبه نیستند، این واژه هم از آن واژه‌های مظلومی است که باید بالاخره یک روزی به آن برسیم. احمدی‌نژاد با اشاره به محسن رضایی اظهار داشت: شما بحث امنیت را مطرح کردید، و امنیت هم مقایسه‌ای است آقا محسن؛ آقای رضایی عذر می‌خواهم که به خاطر احساس رفاقت، آقا محسن می‌گویم. وی افزود: امنیت یک بحث مقایسه‌ای است و شما می‌توانید گزارش آن را سال به سال از نیروی انتظامی بخواهید، تعداد بزه‌ها و جرمهایی که در کشور اتفاق می‌افتد روند کاهشی دارد، بجز جرمهای ریز و جرمهای ریز در بعضی از مناطق سال به سال رو به کاهش یا افزایش دارد و نمی‌توان گفت که کلّ روند آن کاهشی بوده است، اما جرمهای اساسی نوعاً کاهشی بوده و این هم به خاطر فضای امنیت بالایی است که به لطف خدا در کشور حاکم است و یک امنیت

مردمی و عالمانه است که امروز در کشور ما برقرار است. این کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری خطاب به رضایی تصریح کرد: در مورد مالیات، ممکن است در جایی مأمور مالیاتی اشتباهی کند و مراجعه کند. ارتباط ما با مردم بسیار صمیمی و دقیق است و رسیدگی می‌کنیم و برای اصناف که می‌دانیم سال گذشته مشکل داشتند ویژه تصمیم گرفتیم و برای صنعت هم تصمیمات ویژه گرفتیم که مراعات حال آنها را بکنند؛ اما اقتصاد و اداره کشور را نمی‌توان با حرفهای کلّی مطرح کرد؛ بالاخره شما فرمودید که تجربه شما خیلی بیشتر از من است و سن تان هم بالاتر از من است، اما شما بروکراسی کشور را نمی‌شناسید. بله با مخالفین ما هم در تماس هستید و می‌آیند حرفهایی را به شما می‌زنند و چه بسا، بسیاری از این اطلاعات را آنها به شما داده باشند، اما بروکراسی اداری که در کشورهایی مثل ما وجود دارد، ایرادات اساسی دارد. آقای رضایی و این طور نیست که شما یک حلقه به آن اضافه کنید و یکدفعه شکوفا شود. محسن رضایی با اشاره به مدیریت امنیتی گفت: بنده در این زمینه قبلاً هم گفته‌ام که ما قوی‌ترین سازمان اطلاعاتی منطقه و قوی‌ترین پلیس را داریم و قوی‌ترین نیروهای مسلح را ما داریم، منتهی مدیریت امنیتی ضعیف است، یعنی شورای امنیت کشور و شورای امنیت ملی به نظر من باید خیلی قوی‌تر عمل کنند، چون مصلحت نیست که در چنین ایران مقتدری در منطقه ما شاهد چنین حوادثی باشیم و این یک مسأله است. وی افزود: بحث نخبگان نیز برای من بسیار جدّی است، آقای احمدی‌نژاد از سؤال من در رفتند، من می‌گویم نخبگان عظیمی که در

کشور هستند، تعداد اساتید کشورمان را خود شما و مردم می‌دانید، ایران امروز یکی از پرنخبه‌ترین کشورهای جهان است، من سؤالم این است که ما چگونه می‌خواهیم این امر را درگیر امر توسعه کنیم نه درگیر اجرائیات دولت و مسائل اداری کشور؛ یکی از پاسخ‌ها همین است که باید به سیاستهای اصل ۴۴ عمل کرد و باید کار را به آنها واگذار کرد، من در طرح‌هایم گفتم که باید ۵۰ درصد از مدارس را به خود فرهنگیان بدهیم. من فکر می‌کنم ایشان پاسخ من را ندادند. رضایی تصریح کرد: بله، بعضی از دوستانی که با ایشان هستند دوستان بسیار ارزشمندی هستند و من اگر رئیس‌جمهور شوم حتماً از بسیاری از آنها استفاده می‌کنم، مثل وزیر اقتصاد که من هم تائید می‌کنم و خود من هم در مجلس تأیید می‌کنم که ایشان بعد از آقای دانش جعفری در مجلس رأی بیاورند و ایشان از دوستان آقای دانش جعفری هستند؛ منظور من این نیست که هر کار خوبی که در گذشته شده را بیرون بریزیم و من حتماً این کار را نخواهم کرد؛ مثل این ۱۲ سال گذشته که اتوبوسی آمدند و رفتند، من حتماً این‌گونه عمل نمی‌کنم؛ کارهای خوبی که آقای احمدی‌نژاد کرده را من حتماً ادامه می‌دهم اما حتماً جلوی کارهای اشتباه و کاستی‌ها را می‌گیرم؛ من منظورم اینها نیست، من می‌گویم این جمع عظیم نخبگان کشور را ما چه طور می‌توانیم درگیر امر توسعه بکنیم که با سرعت بتوانیم به آن مقامی که می‌خواهیم در سطح جهان دسترسی پیدا کنیم و من سؤالم این بود. محمود احمدی‌نژاد در ادامه مناظره، از محسن رضایی پرسید: شما گفتید دولت را در زمان جنگ شما اداره می‌کردید؟ این جمله عین جمله‌ای بود

که شما گفتید و ضبط هم شده الان. رضایی گفت: نوبت شما است و به صحبتهای خود ادامه بدهید. احمدی‌نژاد اظهار داشت: نوبت من است و از شما سؤال کردم. رضایی اظهار داشت: بله من منظورم همین بود که در دوران جنگ در بسیاری از شهرستانها و استانها، اصلاً بار اصلی دولت بر دوش ما بود و در خود ۵ استان جنگی، ما پاسدارهای خود را می‌فرستادیم و فرماندار و استاندار می‌شدند و صبح تا شب ما با اینها ارتباط داشتیم و جلسه می‌گذاشتیم؛ منظورم از اداره دولت این بود و بیشتر تأکید کردم که در سه سال اوّل انقلاب که دولت مستقر نشده بود، عملاً اداره دولت در اختیار ما بود، دوران جنگ هم تا مدتی این‌گونه بود. احمدی‌نژاد گفت: دقیقاً منظورتان از سه سال اوّل چه زمانی است؟ رضایی پاسخ داد: از همان اوایل سال ۵۸ که سپاه تشکیل شد. احمدی‌نژاد اظهار داشت: یعنی در سال ۵۸ سپاه فرمانداران را نصب می‌کرد؟ در آن زمان که جنگ نبود. رضایی گفت: جنگ نبود اما سپاه بود. احمدی‌نژاد گفت: شما گفتید در مناطق پنج‌گانه. رضایی گفت: دلیل این‌که آقای بازرگان مرتب می‌گفت اینها در کار ما دخالت می‌کنند، مربوط به همین بود دیگر. احمدی‌نژاد پرسید: یعنی استانداران آقای بازرگان فرمانداران شما را می‌پذیرفتند؟ رضایی گفت: استانداران بازرگان نه اما فرمانداران عمدتاً بر عهده ما بود و کسی غیر از این نمی‌توانست باشد. احمدی‌نژاد گفت: یعنی آقای صباغیان که وزیر کشور بود از شما فرماندار می‌پذیرفت؟ رضایی اظهار داشت: خوب شما تاریخ از یادتان رفته. احمدی‌نژاد پاسخ داد: من یادم نرفته. رضایی اظهار داشت: چرا یادتان رفته. احمدی‌نژاد اظهار داشت: یعنی آقای مدنی

در خوزستان از سپاه فرماندارانش را گرفته بود؟ رضایی گفت: فرمانداران و بخشداران اکثر شهرستانها با ما بود. شما به تاریخ مراجعه کنید. احمدی‌نژاد گفت: من که بالاخره نمی‌گویم به اندازه شما، چون چیزهایی که شما در مورد خودتان گفتید، من هیچ وقت جرأت نمی‌کنم این حرفها را در مورد خودم بزنم. اما به هر حال با ساختار اداری کشور آشنا هستم. شما فرمودید دولت را اداره می‌کردید، این‌که چند فرماندار بگذارید تا این‌که دولت را اداره کنید خیلی باهم فرق دارد، اداره دولت یعنی سیاست‌گذاریهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دولت. اگر واقعاً اینها هم بوده، خوب من سؤالاتم را از آن‌جا از شما بپرسم که بالاخره اقتصاد و مدیریت زمان جنگ چه بود؟ رضایی در میان سخنان احمدی‌نژاد اظهار داشت: آقای احمدی‌نژاد، ما به دنبال چیز نیستیم. که احمدی‌نژاد گفت: خوب شما چیزهایی فرمودید و من هم سؤالم را دارم می‌پرسم. رضایی گفت: ما وقتی در مقابل ۴۰ میلیون جمعیت می‌خواهیم صحبت کنیم، هنرنمایی یا تبلیغات که نمی‌خواهیم بکنیم، شما فرمودید که من از مسائل اداری اطلاع ندارم. احمدی‌نژاد گفت: من گفتم شما ساختار بروکراسی کشور را نمی‌شناسید. رضایی گفت: شما فرمودید بنده از ساختارهای بروکراسی اطلاع ندارم و من هم گفتم که بالعکس است و ما از اوّلی که در انقلاب شرکت کردیم، بسیاری از جاهای دولت را ما اداره می‌کردیم و بحث ما ساختار سیاستهای اقتصادی نبوده. شما الان سؤال‌تان این است که من گفتم که سیاستهای اقتصادی و اداره کلان دولت را ما بر عهده داشتیم، نخیر من چنین حرفی نزدم. بلکه منظور من این بود که این‌که شما می‌گویید

با ساختارهای اداری آشنا نیستید، این طور نیست و من آشنا بودم و دلیلش این بود که آن اوایل انقلاب فعالیت داشتیم. احمدی‌نژاد اظهار داشت: وقتی ما می‌خواهیم اقتصاد را اصلاح کنیم، باید بنیانها را درست کنیم و با شکلها مشکلی حل نمی‌شود؛ این‌که ما بیاییم ۹ فدرال درست کنیم، این یک شکل و روش کار است و یا بیاییم یک صندوق درست کنیم، این هم یک روش کار است. اما در اقتصاد ما سؤالاتی اساسی مطرح است که باید به آنها پاسخ داده شود که یک نمونه آن همین مصرف انرژی است. معادل ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه معادل مصرف داخلی و شما هم قبول دارید که این اسراف است، از یارانه جدّی هم استفاده می‌کند، یارانه‌اش هم ناعادلانه توزیع می‌شود چون هر کس بیشتر مصرف می‌کند بیشتر می‌برد؛ پایه بسیاری از بهره‌وریها همین است چون بسیاری از صنایع ما با انرژی سروکار دارد و اصلاً مدیریت منابع در روند تجربه‌آموزی، آموزش داده نمی‌شود یعنی همه یاد می‌گیریم اسراف کنیم و مصرف بیش از حد داشته باشیم، شما این را می‌خواهید چه کار کنید؟ یعنی طرح شما برای حل این مسأله چیست؟ وی تصریح کرد: بحث دیگر، بحث تسهیلات بانکی است، شما می‌دانید که تسهیلات بانکی مثل خون در رگ است، شما آن را چه طور توزیع می‌کنید که همه بخشهای اقتصاد کشور را پاسخ دهد؟ رضایی در پاسخ اظهار داشت: من برنامه‌های مفصلی دارم که می‌توانید به سایت من مراجعه کنید و پاسخ سؤالاتتان را پیدا کنید، چون من مفصل عرض کردم که می‌خواهیم یک انقلاب اقتصادی بکنیم و اگر این انقلاب اقتصادی اتفاقاً فرم و شکل نداشته باشد، تبدیل به حرفهای

شعاری می‌شود که ما می‌گوییم می‌خواهیم تحول اقتصادی درست کنیم. خب با چه شکلی؟ با چه مکانیزمی؟ با چه برنامه‌ای؟ اتفاقاً این‌که من شکل را هم ارائه می‌کنم بیانگر این است که هم تئوری وجود دارد و هم راهکارهای عملی. اما در مورد بحث یارانه‌ها انتقاد اصلی بنده به جناب‌عالی همین است که شما یارانه‌ها را بیشتر به سمت مصرف می‌برید؛ یکی از ابعاد انقلاب اقتصادی ما این است که می‌خواهیم یارانه‌ها را به سمت تولید و اشتغال ببریم که توضیحات آن روشن است، به جای این‌که ما بخواهیم میوه به مردم بدهیم، می‌خواهیم درخت میوه به مردم بدهیم و یا به جای آن‌که ماهی بدهیم، می‌خواهیم ماهیگیری و قلاب ماهیگیری بدهیم. احمدی‌نژاد در میان حرفهای رضایی گفت: یعنی شما می‌خواهید تغییر قیمتها را برای مردم جبران نکنید و به آنها کار یاد بدهید. رضایی اظهار داشت: نه، ما بین هزینه و قیمت تفاوت قائل هستیم، یعنی ما اوّل هزینه‌ها راکاهش می‌دهیم این خودروهای بنجولی که درست می‌شود و این آبگرمکن‌ها و کالاهایی که کارخانجات دولتی به مردم تحمیل می‌کنند و هزینه‌ها را بالا می‌برند، ما اوّل از این‌جا شروع می‌کنیم، نه این‌که قیمتها را بالا بیاوریم. وی خطاب به احمدی‌نژاد تصریح کرد: اگر مجلس واقعاً طرح جناب عالی را تصویب کرده بود و تورم ۶۰-۷۰ درصد می‌شد، معلوم نبود چه اتفاقی می‌افتاد. احمدی‌نژاد گفت: کارخانجات را با کدام منابع اصلاح می‌کنید چون بالاخره اینها باید نوسازی شود. چه کسی علاقه‌مند است اینها را نوسازی کند؟ وقتی انرژی ارزان دارد؛ کدام کارخانه حاضر است بیاید و نوسازی کند؟ رضایی پاسخ داد: این هم یک

اشکال دیگر دولت شما است. احمدی‌نژاد گفت: این اشکال دولت ما نیست، اشکال طرح شما است. رضایی پاسخ داد: شما امنیت سرمایه گذاری را نمی‌توانید تأمین کنید، من امنیت سرمایه گذاری را تأمین می‌کنم و کارآفرینی را حمایت می‌کنم و از سرمایه گذاری خارجی استفاده می‌کنم. احمدی‌نژاد گفت: شما در مورد کارخانه‌ای که هم اکنون موجود است و کارآیی آن پایین است چه طور می‌توانید بازدهی‌اش را بالا ببرید وقتی که انرژی ارزان در اختیارش است. رضایی تأکید کرد: شما اگر امنیت می‌دادید در این ۴ سال، مطمئن باشید انگیزه پیدا می‌کردند؛ الان ببینید که کارآفرینان خود را متعلق به دولت نمی‌دانند و ناامن هستند و شکافی احساس می‌کنند، امروز مثلاً خصوصی‌سازی می‌شود و فردا مثلاً طرف را داخل هیأت‌مدیره راه نمی‌دهند. محمود احمدی‌نژاد در بخش پایانی سخنان خود در مناظره خطاب به محسن رضایی کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: تحلیلی که شما به‌کار برده‌اید یک سلسله ادعاست و من با تمام احترامی که برای شما قائل هستم، می‌گویم دولت را زمانی که تحویل گرفته‌ایم ۵۰ هزار بنگاه اقتصادی پروانه بهره‌برداری داشت که الان این میزان به ۸۰ هزار رسیده است و این معنایش این است که امنیت اقتصادی بهتر از قبل است و ما یک واژه کلّی می‌گوییم و درون آن معلوم نیست که چه چیزی است و به نظرم دیگر برای من و شما خوب نیست که با هم این‌گونه صحبت کنیم. ما باید واقعی صحبت کنیم. سؤال من از شما یک سؤال فنی بسیار روشن است، من می‌گویم که بنگاههایی داریم به تعداد ۸۰ هزار و اکنون در حال تولید

هستند و اینها قیمتشان بالاست و انرژی ارزان استفاده می‌کنند، شما اگر بخواهید قیمت آن را پایین بیاورید چگونه عمل می‌کنید؟ یعنی چه انگیزه‌ای ایجاد می‌کنید که صاحب کارخانه نسبت به آوردن ماشین‌آلات جدید و براساس آن مصرف انرژی را پایین آورده و مدیریتش را بهتر کند تا قیمت آن پایین بیاید و این سؤال بسیار ساده‌ای است که ما بتوانیم با یک رئیس کارخانه نیز حرف بزنیم. رضایی در پاسخ گفت: من اوّلین کاری که می‌کنم این است که در سیستم بانکی دخالت نمی‌کنم، شما دخالتهایی که در سیستم بانکی کرده‌اید، اساساً سیستم پول را به سمت دیگری برده‌اید و ببینید که این چه آثاری داشت. احمدی‌نژاد پرسید که ما چه دخالتی کرده‌ایم؟ و رضایی پاسخ داد: این را باید کارآفرینان بگویند، شما سیستم بانکی را و شورای پول و اعتبار را منحل کردید و خود جناب‌عالی رئیس کلّ سیستم پولی کشور شده‌اید. مگر می‌شود در دنیا سیستم پولی کشور بدون متولی باشد؟ شما این را برداشتید و یکی از ناامنی‌هایی است که من می‌گویم.

احمدی‌نژاد در پاسخ به رضایی گفت: جهت اطلاع جناب عالی شورای پول و اعتبار هست و در کمیسیون اقتصادِ دولت باهم تشکیل می‌شود و در آن نمایندگان ناظر مجلس در آن شرکت می‌کنند، دخالت در بانکها این نیست که شما می‌گویید. من این را می‌گویم چون قبل از شما هم گفته‌اند، همه بدانند تا قبل از این دولت همه دولتها از بانک مرکزی قرض گرفته‌اند بجز این دولت، پس ما دخالت نکرده‌ایم. همین‌طور در تسهیلاتی که شده است ۸ درصد کلّ تسهیلات به بنگاههای کوچک

اختصاص یافته است و این هم آیین‌نامه مصوب دولت را دارد که طبق قانون دولت فوق شورای پول و اعتبار است و این مصوبه را شورای پول و اعتبار نیز تصویب کرده و ۸ درصد پرداخت شده است و ۹۰۰ هزار شغل ایجاد کرده و اگر این به میزان ۲۰ درصد می‌رسید حتماً بیکاری کنونی ما زیر ۴ یا ۵ درصد بود. رئیس‌جمهور اضافه کرد: من متأسفم که بعضیها از ۹۲ درصد که بدون هیچ کنترل و نظارتی است دفاع می‌کنند ولی با این ۸ درصد می‌گویند که دخالت است. اگر شما آیین‌نامه را خوانده باشید دولت هیچ دخالتی در این امر نیز نکرده است و در آن نوشته بانکها خودشان مسؤولند و خودشان نیز ارزیابند و خودشان نیز باید کنترلها را انجام دهند، چه دخالتی کرده‌ایم، دولتهای قبل از ما، آخرین دولت ۱۴ درصد از منابع بانکی را شرکتهای دولتی گرفته‌اند اما در این دولت این میزان به ۸ درصد رسیده و آن ۸ درصد نیز از سپرده‌های قانونی کم کرده و ۱۰۰ درصد آن را به بخش خصوصی داده‌ایم. «مجری برنامه در این لحظه به احمدی‌نژاد متذکر شد که تنها دو دقیقه وقت دارد» احمدی‌نژاد گفت: بگذارید آقای رضایی صحبت کند.

مجری از احمدی‌نژاد خواست با توجه به این‌که رضایی ۴ دقیقه وقت دارد احمدی‌نژاد صحبتهای پایانی را بیان کند». احمدی‌نژاد بیان کرد: البته من نمی‌خواستم که واقعاً این طوری بشود که ایراد بگیریم از دوستان خودمان، ولی بالاخره بعضی از مسائل را باید این‌جا مطرح بکنیم. آقای محسن رضایی شما فرمودید که از نخبگان استفاده می‌کنید و من نمی‌گویم که نمی‌کنید و دولت هم استفاده می‌کند ولی هیچ دولتی و هیچ

کسی نمی‌تواند همه نخبگان کشور را به کار بگیرد، برای این‌که خیلی از آنها علاقه‌مند نیستند و یا امکان آن برایشان وجود ندارد. ضمن این‌که شما می‌توانید جمع‌بندی کنید که در بهترین حالت این است که شما بیشتر نخبگان را درگیر کنید، شما دو سال قبل آمدید و در تلویزیون یک نظری دادید و گفتید که یک ماه دیگر جنگ می‌شود آیا این حاصل نظر نخبگان بود؟ بعداً گفتید من چون این موضوع را گفتم حمله برطرف شد و دشمن حمله نکرد. می‌دانید که امریکا هرجا که بخواهد حمله کند شش ماه قبلش خبر می‌دهد. شما به عنوان یک سیاستمدار اگر هم می‌دانستید آیا باید می‌گفتید؟ یعنی پشت جبهه مردم خودتان را خالی می‌کردید؟ در این لحظه مجری برنامه به احمدی‌نژاد در خصوص پایان وقتش تذکر داد و به وی گفت: تنها ۳۰ ثانیه وقت دارید که خداحافظی کنید که احمدی‌نژاد با تقدیر از محسن رضایی و مجری برنامه و نیز تحمل مردم، بیان کرد: تهمتهایی که در این مناظراتی که غیر از جلساتی که من در آنها وجود داشتم به بنده زده شد و متأسفانه در حضور من استدلالی نداشته‌اند و پشت سر حرف زدند. وقت من محفوظ است که باید بیایم و ان‌شاءالله به آنها پاسخ بدهم. رضایی نیز در مدت زمان ۴ دقیقه باقی‌مانده از زمان مناظره‌اش با محمود احمدی‌نژاد گفت: آقای احمدی‌نژاد به جای این‌که می‌آمد از آن اطلاعیه سازمانهای اطلاعاتی امریکا به عنوان یک کار بزرگ دفاع می‌کرد باید از نیروهای مسلح ایران، از رهبری و روشنفکران ایران که با اقدام بازدارنده از حمله به امریکا جلوگیری کرده‌اند، تقدیر می‌کرد. سه بار آقای بوش تصمیم گرفت به ایران حمله کند اما این اقدام

خنثی شده، دهها مانور از سوی نیروهای مسلح ما برگزار شد. «احمدی‌نژاد در میان صحبتهای رضایی گفت: البته پیشنهادهای شما...» دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: اتفاقاً یکی از کارهایی که باعث شد آقای بوش به ایران حمله نکند افشا گریهای وسیع و گسترده‌ای بود که در سطح تحلیل‌گران نظامی شروع شد و آقای بوش را در انفعال قرار داد و مرتب این تحلیلها را جوّسازی عنوان می‌کرد و می‌گفت: من اصلاً نمی‌خواهم به ایران حمله کنم، در حالی که قصد حمله قطعی بود و خنثی شد و این کار در حقیقت خنثی شد. وی با اشاره به مسأله بیکاری که از سوی احمدی‌نژاد مطرح شد افزود: آقایان آمده‌اند و معیار بیکاری را عوض کرده‌اند و هفته‌ای دو ساعت کار را شغل به حساب می‌آورند و این در حالی بود که در گذشته این معیار هفته‌ای دو روز بوده و لذا بیکاری به‌طور واقعی در کشور ما بیست درصد است. همان‌طور که انتظار می‌رفت مناظره احمدی‌نژاد و رضایی تا حدی مطلوب و منطقی بود و بینندگان این برنامه زمان زیادی را به شنیدن برنامه‌های دو نامزد اختصاص دادند. هر دو نامزد سعی داشتند تا برنامه‌ها و ایده‌های طرف مقابل خود را به چالش بکشند و دیگری سعی در رفع ابهام و پاسخگویی ما نمود. محسن رضایی که در سخنان خود ضمن بیان برخی نکات مثبت دولت نهم، از آن انتقاد نیز نمود. برخی نکات در سفرهای استانی و بویژه مصوبات آن را با لحنی تمسخرآمیز از دخالت دولت در جدول‌کشی جوی فلان شهرستان اشاره کرد و آن را زیر سؤال برد!

برخی از مجموع مناظره‌های برگزار شده، لفظ مناظره ۳ نفر علیه یک

نفر را به کار بردند. محمدنبی حبیبی (دبیرکلّ حزب مؤتلفه اسلامی) در پیش‌بینی چنین مناظراتی گفته بود: «آنها به جای این‌که بیایند و سه نفری یک نامزد را تخریب کنند، بهتر است عملکردها و دستاوردهای خود را ارائه دهند و از سیاه‌نمایی علیه احمدی‌نژاد دست بردارند.»[۱]

مهلت قانونی پاسخ به اتهامات و تخریبها

طبق بند ۱۷ اصول برگزاری مناظره‌های تلویزیونی که مورد تأیید نامزدهای انتخابات دهم نیز واقع شده بود، در پی طرح مباحثی از سوی نامزدهای انتخاباتی و تخریب احمدی‌نژاد در مناظره‌های خود، مدت زمان ۱۹ دقیقه و ۲۴ ثانیه به احمدی‌نژاد فرصت داده شد تا به مباحث مطرح شده پاسخ گوید. احمدی‌نژاد در این فرصت که روز چهارشنبه ۲۱ خرداد داده شد تصریح کرد: «همه تبلیغات علیه یک نفر بود و علیه یک رقیب. سؤال این است که چرا؟ چرا آنها فقط دست به حمله زدند و این همه توهین و این یک سؤال کلیدی است که چند دلیل داشت ...

رئیس جمهور با اشاره به چهار دلیل عمده تخریب دولت بیان کرد: دلیل اوّل آن این است که اگر فضا منطقی بود و بنا بود کارها ارزیابی و مقایسه شود آنها دستشان خالی بود. یعنی عملکرد این دولت با حمایت مردم و لطف خدا نسبت به دولتهای قبل درخشان است و در هر بخشی که رقبا وارد می‌شدند از علم و اقتصاد گرفته تا صنعت و کشاورزی، سیاست

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۰.

خارجی، سیاست داخلی در فضا و زمین دیدند کارهایی که در این چهار سال انجام شده قابل مقایسه با گذشته نیست، علت دوم این است که در این چهار سال افتخارات بزرگی نصیب ملّت ایران شد مثل افتخار هسته‌ای و هوا فضا و اینها در آن هیچ شریک نبودند بلکه در مقابل آن ایستادند و اگر بنا بود این افتخار مطرح شود، خوب معلوم بود که چه اتفاقی می‌افتد.

رئیس جمهور اضافه کرد: علت سوم تخریبهای علیه دولت این بود که آنها مسؤول گذشته‌اند و وقتی معلوم شود که در این چهار سال می‌شود این همه کارکرد خوب قبلیها زیر سؤال می‌روند و این سؤال معلوم می‌شود که شما در طول چهار سال متوالی چه کردید و باید پاسخ بدهد و علت چهارم نیز بحث جنگ روانی است، در جنگ روانی هجوم تهمتها و دروغها ذهنها را به خودش مشغول می‌کند و این یک شیوه برای تأثیرگذاری بر محیط سیاسی و پر کردن چشمها است و به همین دلیل تصمیم گرفتند با حجم گسترده دروغ و متهم کردن دولت فضا را به نفع خودشان رقم بزنند، البته من هیچ وقت علاقه نداشتم که وارد این بحث شوم و امشب برای شخص خودم نیامدم و بارها و بارها نیز گفته‌ام و هر کاری نسبت به بنده انجام داده‌اند آنها را بخشیده‌ام، اما ما به یک نقطه رسیده‌ایم که به ملّت توهین می‌شود و حقوق ملّت رو به ضایع شدن است و بنابراین من مجبور شدم که بیایم توضیحاتی را در دفاع از حقوق ملّت ارائه کنم. احمدی‌نژاد گفت: آنها در جلسات محفلی خود تصمیم گرفتند که آن‌قدر با حجم گسترده تکرار کنند که این دولت دروغ است که اگر احمدی‌نژاد گفت ماست سفید است مردم باور نکنند! ولی می‌خواهم

چند نکته را در این باب مطرح کنم. وی افزود: همه ملّت می‌دانند که دروغگو؛ خیانتکار، خائن و ترسو است، آیا دولت، دولت ترسو است؟ از یک طرف به ما ایراد می‌گیرند که چرا در برابر دشمنان با شجاعت می‌ایستید و در برابر مفاسد ایستادگی می‌کنید و به شکم دشمنان می‌روید و از سوی دیگر به ما می‌گویند که شما دروغگو و ترسو هستید. اینها که باهم نمی‌خواند، دروغگو کسی است که خائن است اما ما ۲۴ ساعت در میان مردم هستیم و آدم دروغگو که به میان مردم نمی‌رود و ما ۲۴ ساعت در حال کار هستیم. این کاندیدای دهمین انتخابات ریاست جمهوری اضافه کرد: جوری در مورد این دولت صحبت می‌کنند که ما گفته‌ایم که در کشور هیچ مشکلی نیست، اگر مشکلی نبود ما چرا ۲۴ ساعت کار می‌کردیم، کار بنده و همکارانم برای این است که مشکلات برطرف شود. اما کار و ارزیابی باید مقایسه‌ای باشد و باید دید که در دولتهای مختلف چه کارهایی صورت گرفته است، یک فضایی درست کردند که انگار در این کشور کاری نشده است. احمدی‌نژاد در بیان تهمتهایی که به این دولت زده شده است، اظهار داشت: به ما می‌گویند که دروغ می‌گویید، آیا هسته‌ای شدن دروغ است، آیا فضایی شدن و پیشرفتهای بیوتکنولوژیک، نانو تکنولوژیک، ۲۰ هزار اختراع، ۲۰ هزار مقاله علمی در جهان، راه آهن اصفهان - شیراز، راه آهن کرمان - بم، این همه مدرسه و بیمارستان، کارخانجات صنعتی، آسفالت ۴۰ هزار کیلومتر راه روستایی، این همه بزرگراه، افزایش ۷۰ درصد حجم دانشجو، افزایش سه برابری تحصیلات تکمیلی، ۱۵۰۰ مدال ورزشی در طول چهار سال در مقایسه با

۹۰۰ مدال در زمان مشابه دروغ است؟ اینها همه ثبت شده است، این همه بیمارستان این همه کارخانجات، این همه مراکز صنعتی و این که ما در سیمان قیمتی که ما تحویل گرفتیم ۹۰ هزار تومان در هر تن بود و امروز سیمان و فولاد در بازار به وفور وجود دارد آیا همه اینها دروغ است؟ وی ادامه داد: چندین مرکز پتروشیمی افتتاح شد، این همه تولید گاز در کشور افزایش یافت، چند هزار روستا گازرسانی شد، این همه سد ساخته شد، این همه روستا آبرسانی شد و اینها جلوی چشم مردم است و ما دولتی هستیم که وقتی من در هر شهرستان می‌روم از مردم در خصوص اجرایی شدن پروژه‌ها سؤال می‌کنم و به آنها می‌گویم که آیا کارهایی که وعده داده شده اجرایی و عملیاتی شده است. رئیس جمهور با بیان این که اقدامات دولت را نادیده می‌گیرند، گفت: در همه جای کشور مردم ناظر و شاهد هستند و کارها در مقابل چشم ملّت است. وی افزود: آیا افزایش حقوق بازنشستگان، افزایش حقوق مستمری‌بگیران کمیته امداد، افزایش حقوق کارکنان دولت و سهام عدالت دروغ است؟ و آیا صدها کار ارزشمندی که در این دولت انجام شده دروغ است؟ رئیس جمهور در ادامه اظهار داشت: در زمانی که این دولت انتخاب شد گوشی در بازار یک میلیون تومان بود اما امروز در همه جا می‌توان با پنج الی ۱۰ هزار تومان یک خط تلفن خرید و آیا این فعالیتها دروغ است؟ احمدی‌نژاد با بیان این که برخی می‌گویند دولت بی‌ادبی می‌کند، گفت: ما به چه کسی بی‌ادبی کردیم و کلام مولا امیرالمومنین این است که اگر کسی به بیت‌المال دست‌اندازی کرد باید با او برخورد شود و آبروی او برده شود و اگر کسی

زیاده‌خواهی کرد باید مجازات شود، البته نباید فراموش کنیم که اجرای عدالت بسیار سخت است و ما این امر را می‌دانیم. وی افزود:

افرادی در کنار پیامبر ﷺ حضور داشتند و خدمت کردند و شمشیر زدند و در یک مقطعی خادم بودند و حتی مدال هم گرفتند اما زمانی که اجرای عدالت آغاز شد آنها با شمشیر در برابر عدالت ایستادند و طلحه و زبیر در تاریخ شناخته شده هستند، اما همین افراد به اشرافیت معاویه پناه بردند و مورد حمایت معاویه قرار گرفتند؛ لذا برخورد با افرادی که به بیت‌المال دست‌اندازی می‌کنند بی‌ادبی نیست. رئیس جمهور تأکید کرد: خداوند شاهد هست که من در مناظره‌ها باید بسیاری از حرفها را بیان می‌کردم اما تنها به خاطر حفظ شخصیت طرف مناظره بیان این حرفها را کنار گذاشتم. احمدی‌نژاد با بیان این‌که به من اعتراض می‌کنند که چرا در خصوص مدارج علمی یک خانم صحبت کرده‌ام، اظهار داشت: کجای این حرف من ورود به مسائل خانوادگی است؟ چراکه اوّلاً من سؤال کردم و آن را دو بار تکرار کردم و یک کپی مدرک و سیر مدارج علمی یک خانم را نشان دادم و عرض من این است که اگر کسی برخلاف قانون مدارج علمی را طی کند بیان آن تجاوز به حقوق افراد نیست. وی در ادامه اظهار داشت: ما در دانشگاه مدارج علمی داریم که شامل مربی، استادیار، دانشیار و استاد است و هر کسی بخواهد از پله‌ای به پله بعدی یعنی استادیاری برود باید پنج سال زحمت بکشد و باید مقاله ارائه کند و پژوهش انجام بدهد و بعد از آن در هیأت ممیزی مدتها باید صبر کند تا پله بعدی را به سمت بالا حرکت کند. رئیس جمهور ادامه داد: یک فردی آمده و ظرف سه سال

هم استادیار شده است و هم به دانشیاری رسیده اما همه اساتید می‌دانند که برای طی این مراحل حداقل ۱۰ سال لازم است که آن هم باید با کارهای علمی فراوان صورت بگیرد و این امر بحثی شخصی و خانوادگی نیست که برخی بیایند بگویند که فلانی بی‌ادبی کرده است. احمدی‌نژاد با اشاره به سخنان خود در دانشگاه آزاد گفت: زمانی که من در خصوص دانشگاه آزاد صحبت می‌کنم برخی می‌گویند که احمدی‌نژاد مخالف دانشگاه است در حالی که خودم دانشگاهی هستم و در همین دوره ۷۰ درصد ظرفیت دانشگاهها اضافه شده است و من طرفدار دانشگاه و از متن دانشگاه حضور پیدا کرده‌ام تا خدمت کنم. وی با بیان این که من در مورد دانشگاه آزاد تنها دو حرف دارم، تصریح کرد: سخن من این است که این همه دانشجو و استاد داریم که در حال زحمت کشیدن هستند و برای علم کشور فدا کاری می‌کنند و بسیاری از نان شب خود می‌زنند تا فرزندشان تحصیل کند و سؤال این است که چرا این پولها باید در مسیر انتخابات خرج شود؟ معتقدم که این پولها باید خرج خود مردم و دانشجویان این دانشگاه شود. رئیس جمهور ادامه داد: این دانشجویان دکترا و فوق لیسانس زحمت می‌کشند. و بنده چندین رساله دانشجویان فوق لیسانس دانشگاه آزاد را راهبری کرده‌ام و این افراد زحمات بسیاری می‌کشند اما برخی با دادن مدارک قلابی به عده‌ای به این زحمات اساتید و دانشجویان ضربه وارد و اعتبار دانشگاه آزاد را مخدوش می‌کنند و حرف من این است که ما با شیوه مدیریتی این دانشگاه مخالف هستیم، چرا که دانشجویان این دانشگاه فرزندان ما هستند اما برخی می‌گویند که من

توهین می‌کنم. احمدی‌نژاد با اشاره به فعالیت تخریبی رقبای برخی کاندیداها علیه وی گفت: برخی میلیونها سی دی علیه من منتشر کردند و حرفهای مرا از نقاط مختلف بریده‌اند و کنار هم قرار داده‌اند تا بنده را تخریب کنند و آیا این عمل آنها بی‌ادبی محسوب نمی‌شود؟ و آیا ما بی‌ادب هستیم یا افرادی که به چنین کاری دست می‌زنند. وی افزود: بنده رئیس جمهور هستم و به اقتضای مراسمی که در آن شرکت می‌کنم حرفهایی را بیان می‌کنم، اما آنها اوّل و آخر این حرفها را جدا می‌کنند و به هم می‌چسبانند تا من را تخریب کنند و مثلاً من می‌گویم که یک شخصی فلان حرف را بیان کرده و در همان سخنرانی حرف او را رد می‌کنم اما این افراد بخش اوّل صحبت که آن شخص است را حذف می‌کنند و جمله آن فرد را به من نسبت می‌دهند و می‌گویند احمدی‌نژاد چنین حرفی را زده است! این روشها روشهای درستی نیست. رئیس جمهور با اشاره به دیگر تهمتها و اهانتهای برخی افراد علیه دولت گفت: برخی گفته‌اند که من هزار فامیل درست کرده‌ام و حتی برگه‌هایی را در سطح وسیع و در روزنامه‌ها و رسانه‌های خود منتشر کرده‌اند. در این برگه چهار باجناق جدید برای من درست کرده‌اند و ما تازه متوجه شدیم که چهار باجناق داشتیم اما از آنها بی‌اطلاع بودیم. احمدی‌نژاد افزود: من سه باجناق بیشتر ندارم و آنها را بسیار دوست دارم. هیچ کدام از آنها در کار دولتی حضور ندارند و ملّت ایران این موضوع را بداند. وی به نمونه‌ای دیگر از این تخریبها اشاره و اظهار داشت: شب گذشته نموداری جلوی دوربین رفت و به ملّت نشان داده شد تا نشان دهند که رتبه فساد در ایران بالا رفته است. رئیس جمهور

با توضیح این که این نمودار چگونه استخراج شده و از کجا آمده است، گفت: یک مؤسسه‌ای به نام شفاف‌سازی وجود دارد که خصوصی است و بین‌المللی نیست و حتی ربطی به سازمان ملل هم ندارد، کارش این است که تخمینها و برآوردهای راجع به مفاسد را اخذ کند و این مؤسسه آمده است و از چهار شرکت که دو تا از آنها انگلیسی، یکی آلمانی و دیگری امریکایی که سه تا از آنها تحت سلطه صهیونیست است به هرکدام یک فرم نظرخواهی داده و آنها نیز به یک کارشناس داده‌اند تا آن فرد برآورد خود را اعلام کند و نتیجه برآورد آنها این شده است که یک کشور که همه دنیا آن را به عنوان کانون فساد، مواد مخدر و پولشویی می‌شناسند در رده ۷۱ قرار داده‌اند و این یعنی آن کشور ۷۰ رتبه بالاتر از ایران قرار دارد. احمدی‌نژاد ادامه داد: ما منکر فساد نیستیم؛ لذا به همین خاطر در حال مبارزه هستیم که البته چوب آن را هم می‌خوریم و این دولت پرچم‌دار مبارزه با فساد است ولی برخی به ما می‌گویند که من آبروی کشور را می‌برم و این سؤال مطرح است که آیا بنده آبروی کشور را می‌برم یا این چهار شرکت صهیونیستی که با روش غیرعلمی آمار ارائه کرده و برخی در داخل آن را به عنوان مؤسسه جهانی توی سر ملّت می‌زنند و این‌گونه عزّت ملّت ایران را مخدوش می‌کنند؟! وی با اشاره به ارائه آمار تقلبی از سوی برخی کاندیداها در مناظره‌ها گفت: چند شب گذشته من آماری را به عنوان ضریب جینی نشان دادم که این ضریب جینی برای هفت دولت است که سال ۸۷ نیز به آن اضافه شده و ضریب جینی نشان‌دهنده حرکت به سمت عدالت است و معنی آن این است که ثروت بدرستی توزیع

می‌شود و هرچه فاصله دهکهای پایین درآمدی با دهکهای بالا کم شود ضریب جینی کاهش پیدا می‌کند. رئیس جمهور افزود: برخی برای این که این حرف را که مرکز آمار اعلام کرده و بانک مرکزی آن را تأیید کرده را زیر سؤال می‌برند آمدند و آماری را نشان دادند و گفتند که احمدی‌نژاد این آمار را نشان داده در حالی که من آمار دیگری را ارائه کرده بودم و آماری که آنها ارائه کرده بودند متعلق به ما نیست و حتی بالای آن را با برچسبی پنهان کردند تا مشخص نشود متعلق به کجا است! احمدی‌نژاد ادامه داد: آنها در این آمار آمدند و آن را سال به سال کردند و سال ۸۳ را به جای ۸۴ قرار دادند و به همین شکل سالها را یکی پس از دیگری جایگزین هم کردند تا منحنی را مخدوش کنند و بعد از آن از خود مواردی را ارائه کردند و گفتند که حقیقت این است و آن را در کنار یکدیگر قرار دادند تا بگویند که احمدی‌نژاد دروغگو است. وی افزود: سؤال من این است که چرا به این کارها متوسل می‌شوید تا بگویید احمدی‌نژاد دروغگو است و این چه حاصلی برای شما دارد؟ در حالی که یک دولت پاک به طور شبانه روز در خدمت مردم است و مردم نیز آن را پذیرفته‌اند اما شما با جعل سند و با توسل به سازمانهای صهیونیستی خواهید این دولت را متهم به دروغگویی کنید، آیا این ادب و انصاف است؟ رئیس جمهور ادامه داد: آیا شما می‌خواهید آبروی کشور را در یک تریبون رسمی ببرید و از قول صهیونیستها بگویید که این دولت فاسد است و آن را به این دولت منتسب کنید و بعد از آن منحنیها را جعل کنید و بالای آن را هم با برچسبی بپوشانید! اما پاسخ بدهید که این آمارها را از

کجا آورده‌اید؟ اما من می‌دانم که این آمارها از ستادهای انتخاباتی شما خارج می‌شود. احمدی‌نژاد با بیان این که دوستان شما را فریب داده‌اند چرا که به مسائل آمار آشنا نیستند، بیان داشت: مشخص است که در این دولت در زمینه ضریب جینی فاصله کاهش یافته و ما با سهام عدالت، افزایش بودجه نهادهای حمایتی، توسعه مسکن روستایی، افزایش حقوق بازنشستگان، افزایش حقوق کارمندان باعث شده است که فاصله‌ها کاهش یابد و اگر شما نیز چنین کاری انجام می‌دادید فاصله‌ها کاهش پیدا می‌کرد اما چنین کاری نکردید. وی با اشاره به موضوع اقتصاد گفت: معتقدیم که رشد اقتصادی ما بالا رفته اما منکر این نیستیم که مشکلی وجود ندارد و معتقدیم که حرکت ما درست است و اگر شما حرف بانک مرکزی را قبول ندارید و حرف ما را قبول ندارید به صندوق بین‌المللی پول و اکونومیست مراجعه کنید و منحنیهای آنها را مشاهده کنید و این منحنیها می‌گویند که در این دولت کار بهتر انجام شده و شاخصها رو به بهبود و رو به جلو است. این کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری افزود: می‌گویند یک میلیارد دلار در این دولت گم شده اما وقتی معاون دیوان محاسبات می‌گوید چنین چیزی نیست این را منتشر نمی‌کنند. رئیس جمهور اظهار داشت: ما قبول داریم مشکلات هست، گرانی هم هست، کی گفتیم نیست؟ به خاطر همین است که ۲۴ ساعته کار می‌کنیم. می‌گوییم راه حل بدهید که این مشکلات را حل کنیم. احمدی‌نژاد با اشاره به این که هم اکنون دو رویکرد در انتخابات حضور دارد، اظهار داشت: رویکرد اوّل عدالت‌گستری را گداپروری می‌نامد و دفاع از عزّت ملّت در مجامع

جهانی را ماجراجویی می‌نامد و رویکرد دیگر خود را خادم ملّت می‌نامد و معتقد است که باید از عزّت ملّت دفاع کرده و عدالت را برپا کند. این کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ادامه داد: ما در ساختن کشور، در مبارزه با فساد و دفاع از عزّت ملّت بسیار جدّی بوده و به دنبال اصلاحات اساسی در اقتصاد هستیم و زیرساختهایش را نیز آماده کرده‌ایم و چهار سال روی این زیرساختهاکار کرده‌ایم و ان‌شاءالله درباره کاهش قیمتها، اشتغال، مسکن، ازدواج، علم و ... برنامه‌های گسترده‌ای شروع شده و ادامه پیدا خواهد کرد. احمدی‌نژاد افزود: این مطلب را هم خدمت مردم عزیز عرض کنم که ما اطلاع دقیق داریم که آنها باور کرده‌اند که صحنه را واگذار کرده‌اند و ملّت به صحنه آمده است و بازی را باخته‌اند، لذا به دنبال ایجاد تنش هستند؛ لذا من از ملّت خواهش می‌کنم که آرامش را حفظ کنند. وی تأکید کرد: هیچ کسی حقّ ندارد به نام من به کسی تعرض کند یا موجب تنش بشود لذا آرامش را حفظ کنید؛ ان‌شاءالله این چند روز هم می‌گذرد و دوران درخشان دیگری در زندگی ملّت ایران در افق بالاتری پیدا خواهد شد. احمدی‌نژاد در ادامه سخنان خود، با بیان این که من باید از ملّت عزیز ایران به خاطر همه همراهی‌ها، خوبیها، بزرگواریها و تحملشان تشکر کنم، اظهار داشت: در دوره انتخابات وقت من بسیار محدود بود، چند استان را رفتم و بعضی استانها را نرفتم، عذرخواهی می‌کنم؛ ان‌شاءالله در اوّلین فرصت خدمت آنها خواهم رسید. این کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری افزود: من از همه اقشار صمیمانه تشکر می‌کنم، قبلاً هم تشکر کردم؛ لذا این جا دیگر

نمی‌خواهم دوباره تکرار کنم. احمدی‌نژاد در پایان گفت: به قول خواجه شیراز، حافظ عزیز:

گر بود عمر به میخانه رسم بار دگر
بجز از خدمت رندان نکنم کار دگر

اگرچه در خصوص مناظرات انجام شده که در نوع خود بی‌سابقه بود؛ نظرات و نقاط مثبت و منفی وجود دارد اما برای بررسی نقاط منفی و مثبت مناظره‌ها، به سخنان مقام معظّم رهبری در خطبه‌های تاریخی نماز جمعه ۲۹ خرداد که در ادامه خواهد آمد، بسنده می‌کنیم.

نامزدها چه گفتند؟

پس از اعلام کاندیداتوری ۴ چهره سرشناس کشور برای حضور در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، هرکدام از نامزدها برای بیان دیدگاههای خود و جلب آرای مردم، دیدارهایی را در سراسر کشور داشته و همچنین در فرصت مساوی که صدا و سیما برای هر یک از نامزدها قرار داده بود با مردم سخن گفتند. در این قسمت بخشی از سخنان آنان در دیدارهای مختلف و برنامه‌های تلویزیونی (غیر از مناظره‌ها) از نظر تان می‌گذرد.

مهندس میرحسین موسوی نامزد مطرح اصلاح‌طلبان در شهر مشهد اظهار داشت: «گفتمان بنده حد و مرز دارد و حد و مرز آن پایداری بر آرمانهای شهداست . . . ولایت فقیه همواره جامعه ما را از کودتاها، دیکتاتوریها حفظ کرده و این قطعاً عقیده سیاسی بنده است. بدون ولایت

فقیه به فرصتهای امروز نمی‌رسیدیم. ممکن است بعضیها نظر مرا قبول نداشته باشند ولی این نظر من نسبت به ولایت فقیه است و به آن متعهد و پایبند هستم... ما بدون ولایت فقیه در ۳۰ سال گذشته در برابر تهدیدها آسیب‌پذیر بودیم و هر لحظه ممکن بود کشور به فضای قبل از انقلاب بازگردد. من با قبول ولایت فقیه وارد انتخابات شده‌ام... من همواره از ولایت فقیه دفاع کرده‌ام و اکنون نیز بهترین رابطه را با رهبر معظّم انقلاب دارم.»[۱]

موسوی در ادامه در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد گفت: «از همه درخواست می‌کنم در جملات امام خمینی درباره آزادی دقّت و در جملات تفکر کنند.»[۲] وی در پاسخ به سؤالی که «شما دهها نقد به دولت نهم وارد کرده اید، آیا این دولت نقطه قوّت ندارد؟ گفت: در شرایطی که هر لحظه رسانه ملی در حال تبلیغات برای دولت نهم است، نمی‌توانم وقت خود را در این رابطه تلف کنم.»[۳]

میرحسین موسوی در جمع کارگران در حرم امام خمینی(ره) و در آستانه روز کارگر، ضمن اذعان به واقف بودن به مشکل کارگران گفت: «باید ریشه‌های این مشکلات را بیابیم. در سالهای اخیر منابع کمی را بی‌رشد و شکوفایی کشور و داشتن کارگران مرفه و تولید بالا نداشتیم و اگر مدیریت صحیح و باثباتی اعمال می‌شد، قطعاً وضع بهتری داشتیم.»[۴]

موسوی در دیدار با جمعی از نمایندگان مجلس هشتم ضمن بیان مبهم

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۵.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۵.
۳- همان.
۴- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۶.

بودن بخش عمده‌ای از تبلیغات اتنتخاباتی رقیب گفت: «ما اسلحه‌ای جز افشا گری نداریم.»[۱] موسوی در دانشگاه آزاد کرمانشاه اوّلین دولت آینده را از نگاه خود بازگشت به عقلانیت دانست و گفت: «برنامه‌ریزی درست و ایجاد ثبات در مدیریت و سیاستها از موازین لازم برای اداره کشورهاست.»[۲]

موسوی همچنین درباره از حمایت هاشمی رفسنجانی از وی گفت: «برادر عزیزم آقای هاشمی رفسنجانی از یاران امام و رهبری و از اشخاص برجسته نظام هستند که خدمات زیادی کرده‌اند. شاید برخی با سیاستهای ایشان موافق نباشند، اما حمایت ایشان موجب افتخار من است.»[۳] وی در دیدار با علما و فضلای حوزه‌های علمیه دلیل بیشتر مشکلات را تصمیم‌گیری فردی در دستگاه اجرایی دانست و گفت: «دولت دانسته یا ندانسته به کشور آسیب می‌زند.»[۴] موسوی در دانشگاه مازندران گفت: «در زمان جنگ هفته‌ای دوبار جلسه شورای اقتصاد داشتیم اما امروز اسمی از آن نیست.»[۵]

میرحسین موسوی در ادامه سفرهای خود در دانشگاه شهید باهنر کرمان گفت: «ما به دنبال بسیجی مؤمن و مدافع حقوق مردم هستیم و بسیجی‌ای می‌خواهیم که اگر صندوق رأی به او داده شود مانند ناموس خود از آن دفاع کند.»[۶]

۱- همان، ۱۳۸۸/۲/۸.
۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۹.
۳- همان.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۲.
۵- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۵.
۶- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۷.

وی در دانشگاه بابلسر نیز گفت: «من صراحتاً با تغییر قانون اساسی مخالفم و کاملاً به آن معتقدم و وفادار خواهم ماند.»[۱] موسوی در تالار چمران دانشگاه تهران اظهار داشت: «اگر دولت می‌دانست تورم ۲۵ درصدی چیست به فکر حل آن بود نه این‌که به این استان و آن استان سفر کند.»[۲] نامزد اصلاح‌طلبان در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در اراک با انتقاد از سیاستهای اقتصادی دولت نهم گفت: «پول نفتی که قرار بود سر سفره‌ها بیاید چه شد؟» وی در ادامه بیان داشت: «با بسیج مخالفتی ندارم و معتقدم بسیج باید مدافع قشر مستضعف، فقرا و شهدا باشد. کسی که خود را بسیجی بداند و از شعار امام درباره بسیج تخطی کند بسیجی نیست. بسیجی باید از آراء ملّت حراست کند اگرچه برخلاف عقیده‌اش باشد.»[۳]

وی در شیراز در جمع دانشجویان این شهر نیز اظهار داشت: «دکتر خاتمی برادر عزیز و گرامی ماست و نزدیک به سی سال است که با هم دوست هستیم... از آقای دکتر خاتمی تشکر می‌کنم. ایشان قویاً از من حمایت می‌کنند و من از این حمایت مفتخرم. من با حمایت بسیاری از نیروها نظیر آقای خاتمی و هاشمی رفسنجانی در صحنه هستم.»[۴]

موسوی در همایش گفتگوی اقوام ایرانی بیان داشت: «بحث رد صلاحیتها فقط گریبانگیر قومیتها نیست و بنده همیشه در حد توانم

۱- همان.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۹.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۱.
۴- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۴.

مخالفتم را با نظارت استصوابی مطرح کرده‌ام.»[۱] موسوی در جمع دانشجویان پردیس ابوریحان دانشگاه تهران با انتقاد از عملکرد صدا و سیما گفت: «بی‌مهریهای رسانه ملی را ملّت جبران کند.»[۲] وی در دانشگاه گیلان در پاسخ به سؤالی در رابطه با نهضت آزادی و گروه ملی مذهبی‌ها گفت: «وقتی ملی مذهبی‌ها که متهم به غربگرایی بوده‌اند به ما می‌گویند چه قدر به غرب نزدیک شده‌ایم زیرا آنان هیچ پیام تبریکی برای اوباما نفرستادند و یا اگر اوضاع اجلاس دوربان سوئیس را می‌دانستند هیچ‌گاه به آن سفر نمی‌رفتند و بنده با اینها نشست و برخاست ندارم و انتظار نداشته باشید با طرح چنین سؤالاتی بر خلاف عقیده خودم چیزی بگویم.»[۳] موسوی در ادامه در دانشگاه آزاد یزد اظهار داشت: «توضیح زیاد در خصوص نهضت آزادی به ضرر برخی افراد می‌شود.»[۴] وی در گردهمایی دانشگاه زنجان ضمن انتقاد از سیاستهای خارجی دولت نهم گفت: «حرف زدن از منافع ملی با نشستن زیر پرچم خلیج عربی متناقض است.»[۵] میرحسین موسوی در همایش گفتگوی اقوام ایرانی بیان داشت: «نگاه امنیتی به اقوام باید حذف شود.»[۶]

موسوی در همایش بزرگداشت سوم خرداد در فرهنگسرای بهمن تهران نیز گفت: «امروز یکی از مشکلات کشور این است که اگر کسی مدیر جوانی را انتخاب کند، بلافاصله عده‌ای مخالفش خواهند بود. اما

۱- همان، ۱۳۸۸/۲/۳۱.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۲۶.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۲۸.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۹.
۵- همان، ۱۳۸۸/۲/۳۰.
۶- همان، ۱۳۸۸/۲/۳۱.

انقلاب جوانها را جدّی گرفت و به چشم بچه‌ها به آنها نگاه نمی‌کرد. انقلاب روی فهم و شعور جوانها و زنان تکیه می‌کرد و به آنان اعتماد داشت و این چیزی است که امروز در جامعه ما کمرنگ شده است.»[۱]

مهندس موسوی در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان اردبیل با اشاره به استعفای خود در زمان نخست‌وزیری گفت: «در صورت پیروزی در انتخابات در فکر استعفا و برکناری نخواهم بود و به پشتیبانی ملّت کارم را انجام خواهم داد. اگر مانع را نیز در دوران خدمت خود مشاهده کنم به صورت شفاف با مردم مطرح خواهم کرد و اجازه نخواهم داد مسیر خدمت منحرف شود.»[۲] وی با بیان این‌که کسی دلسوز مردم باشد، باید به اقتصاد ملی توجه کند بیان داشت: «کشور کارشناسان و نیروی فراوان دارد و اگر سیاستهای مبتنی بر عظمت کشور و ملّت پیش گرفته شود، می‌توانیم مشکلات را حل و در راستای پیشرفت کشور حرکت کنیم.»[۳]

میرحسین در نخستین نطق تلویزیونی خود در اوّل خرداد در برنامه با دوربین از شبکه اوّل سیمای جمهوری اسلامی ایران با ابراز خوشحالی از گفتگوی مستقیم خود با مردم بعد از بیست سال مدعی شد، بعد از اتمام وظایفش در دولت از سال ۱۳٦۸ تاکنون امکان نداشته که از طریق رسانه ملی با مردم سخن بگوید و علت آن محدودیت برای تصویر او بوده است! وی در عین حال خاطر نشان کرد که در این مدت به هیچ وجه دور

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۵.
۲- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۳.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۳.

از صحنه‌های مختلف نبوده و در میان مردم زندگی کرده و در فراز و نشیبها با مردم بوده است. موسوی در ادامه صحبتهای خود از پیشواز مردم در یکی دو ماه گذشته در شهرها و استانهای مختلف کشور قدردانی کرد و گفت که این پیشوازها برای شنیدن حرف، نقد و نگاه به مسائل کشور بوده است. او با بیان این‌که با این تفکر که بتوان برای حل این مشکلات و مسائل دست به اصلاحاتی زد به صحنه آمده‌ام، تصریح کرد: «ابتدا چنین فکری نداشتم زیرا مشاور آقایان هاشمی و خاتمی بودم و حتی چند جلسه‌ای هم اوایل خدمت دکتر احمدی‌نژاد هم رسیدم و از سر دلسوزی به آنان نظرات خود را منتقل کردم. در حالی که انتظار نداشتم همه آنها درست باشد و باید آن‌گونه عمل شود. بنده مشکلی با کسی نداشتم و هرکس رئیس جمهور می‌بود از روی دلسوزی این‌گونه عمل می‌کردم. متأسفانه از مسائل غفلت کردیم و دچار مشکل شدیم.» موسوی در ادامه سخنان خود گفت: «ما موقعی می‌توانیم از آرمانهای فلسطین دفاع کنیم که خودمان قوی باشیم.»

اگرچه برای دیدن نخستین نطق تلویزیونی موسوی که پس از بیست سال انجام شد، با تبلیغات زیاد از طریق پیامک اطلاع‌رسانی شد؛ اما آن‌طور که باید و شاید برای مخاطبان و حتی حامیان موسوی اقناع‌کننده نبود. سحر نیوز در گزارشی از نطق موسوی نوشت: «مشخصه بارز سخنان موسوی عدم آرامش در هنگام سخنرانی و سخنان تند و بدون ارتباط منطقی وی بود. به طوری که او حتی اشاره کوچکی هم به برنامه‌های خود

نکرد و تمام وقت خود را به انتقاد از وضع موجود اختصاص داد.»[۱]
مهرداد بذرپاش از فعالان سیاسی با تحلیل سخنان موسوی گفت: «با توجه به این‌که میرحسین موسوی حدود بیست سال در صحنه مدیریتی کشور نبود و اظهار نظری نداشت، چهره مثبتی از وی ترسیم شده بود، اما نطق تلویزیونی وی موجب شد تا بخشی از تصورات مثبت از وی در اذهان فرو بریزد. وی به گونه‌ای سخن گفت که گویی بعد از بیست سال از خارج کشور آمده و بعد از چند سفر انتخاباتی و صحبت کردن با جمع محدودی از افراد در شهرهای مختلف به مشکلات مردم پی برده است.» وی اضافه کرد مشکلات مردم چیزی نیست که از چشم کسی که تمام کشور را دو بار سفر کرده و از نزدیک با مسائل ریزو درشت آشناست مغفول مانده باشد و مردم خود گواهی بر این مدعایند.»[۲]

حسن عسگری‌راد (رئیس دفتر شهید رجایی) در نامه‌ای به میرحسین نوشت: «ظاهراً سه رقیب احمدی‌نژاد از جمله حضرت عالی با استفاده از فرصت، هرچند به قصد خدمت در نظر داشتید در راستای معرفی و شناسایی خود، برنامه‌های اجرایی‌تان را در معرض افکار عمومی قرار دهید. اما متأسفانه ملاحظه شد، عموماً نامزدهای محترم و حضرت عالی به جای اعلام برنامه‌های راهبردی انجام شدنی، در مورد هر یک از مسائل سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی بیشتر به کند و کاو در عملکرد دولت نهم همت گماشتید تا با انگشت گذاشتن روی برخی کاستیها که اغلب به

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲. ۲- همان.

دلیل عملکرد نادرست دولتهای گذشته باقی مانده، همه تلاشهای ابتکاری و نکات قوّت این دولت را به چالش بکشید... من به سیاه‌نمایی هماهنگ شده سایر نامزدها کاری ندارم؛ اما از شما که در دوران جنگ تحمیلی زیر چتر امن رهبری امام راحل(ره) افتخاراتی به دست آورده بودید، احساس شد یکباره در جبهه رقابت ناعادلانه با آقای احمدی‌نژاد به همه آن دستاوردها خدشه وارد کردید. پس بسیار متأسف شدم... جناب آقای موسوی! وقتی مجموع گفتار شما را در چند برنامه، خاصه از شبکه یک سیما گوش دادم، یک نکته بیش از همه مرا شگفت‌زده کرد و مانند عامه و خواص مردم بهت‌زده شدم که چرا بعداز یک دوره بیست ساله با سکوت معنی‌دار برای مسؤولیت‌پذیری این دوره ریاست جمهوری، این چنین خود را به آب و آتش زدید!».

مهدی کروبی از دیگر چهره‌های اصلاحات که در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز شرکت کرده بود، اوّلین فردی بود که پیش از همه کاندیداتوری خود را اعلام کرد. لذا فرصت زیادی داشت تا دیدگاههای خود را مطرح کند.

کروبی در سفر به استان کردستان با بیان این‌که وجود قومیتهای مختلف در ایران یک فرصت است نه یک تهدید؛ درصدد کسب آراء از این ناحیه برآمد و گفت: «هم اکنون بخشی از جامعه سلیقه‌ای اداره می‌شود که باید با زنده کردن روح قانون زمینه‌های سلیقه‌ای اداره کردن مملکت را برچید... باید با تکیه بر پتانسیل قومیتها و مذاهب مختلف، برای توسعه

هرچه بیشتر کشور تلاش کرد.»[1]

مهدی کروبی در دیدار با جمعی از اعضای حزب اعتماد ملی استان سمنان گفت: «تنگ‌نظریهایی در همه دولتها برای به کارگیری نیروهای ارزشی و توانمند بوده است؛ اما هرگز دولتی این چنین نداشتیم که یکباره همه نیروهای جناح اصلاح‌طلب را از خدمت‌رسانی محروم و منزوی کند.» وی در ادامه اظهار داشت: «علی‌رغم این‌که ایران جایگاه بسیار قدرتمندی در جهان دارد؛ اما متأسفانه در این چند سال دچار مشکلات عدیده‌ای شد. به نظر من بخش اعظم این مشکلات داخلی و خارجی، به دلیل عدم بهره گیری از نیروهای کاردان و متخصص است. با شعار تغییر وضعیت موجود، مردم خواهان آن هستند که مشکلات کشور در سایه نظام جمهوری اسلامی و یاری نیروهای متخصص و دلسوز برطرف شود.»[2]

شیخ اصلاحات طی سخنانی در جمع هنرمندان، شعرا، موسیقی‌دانان و نویسندگان استانهای مازندران، گیلان و گرگان ضمن تأسف از وضعیت هنری جامعه اظهار داشت: «قابلیت، استعداد و ظرفیت در جامعه ما وجود دارد؛ اما متأسفانه نتوانستیم از این استعدادهای خدادادی استفاده کنیم و یا این‌که این استعدادها را به اوج برسانیم. البته این تنها مختص به بخش هنری نیست؛ بلکه در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز با همین وضعیت مواجهیم.»[3]

۱- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۷. ۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۹.
۳- همان، ۱۳۸۷/۱۰/۲۹.

مهدی کروبی در دیدار با جمعی از هنرمندان و فعالان رسانه‌های جمعی شهر قم گفت: «متأسفانه شرایط حاضر به هیچ عنوان مطلوب نیست و همه صاحب‌نظران اقتصادی، سیاسی، سیاست خارجی و اجتماعی نیز بر ضرورت تغییر وضع موجود تأکید دارند و همگی نگران وضعیت حاضر هستند؛ اما باید بدانیم که پیروزی دولت نهم تقصیر خود ما بود.»[۱]

کروبی در جمع مردم نهاوند ضمن بیان نرخ بالای بیکاری در این شهرستان در مقایسه با دیگر شهرستانهای استان همدان و دریافت نامه‌های متعدد تعدادی از مردم، مبنی بر پیدا کردن کار، با ابراز تعجب و تأسف گفت: «تعجب می‌کنم و از خود می‌پرسم چرا وضع ما این‌گونه شده است که بعضیها با افتخار در تلویزیون حاضر می‌شوند و می‌گویند در فلان شهر ۵۰۰ هزار نامه خطاب به ما نوشته‌اند! این نامه‌ها برای تصدق و تشکر است یا بیان مشکلات و نارساییها؟» وی با اشاره به نامه خود به دراویش اظهار داشت: «نامه‌ای که من برای دراویش نوشتم برای من ضرر دارد و اگر می‌خواستم سیاسی عمل کنم آن‌قدر فهم سیاسی داشتم، پیش از انتخابات این کار را نکنم. ولی من دیدم عده‌ای دارند در این کشور زندگی می‌کنند و حقوق شهروندی دارند و نباید این رفتار با آنها شود. وی در ادامه با تأکید بر این‌که سرنوشت با انتخابات عوض می‌شود تصریح کرد: «زمینه این مسأله در مردم وجود دارد. راه اصلاحی همین است که با حضور در پای صندوقهای رأی در انتخابات شرکت کنیم.»[۲]

۱- همان، ۱۳۸۷/۱۱/۲۱.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۲/۱۷.

دبیرکلّ حزب اعتماد ملی و کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در حالی که با ممانعت از سخنرانی وی مواجه شد در مقابل سینما تربیت ارومیه به مردم این شهر گفت: «شیعیان و اهل سنّت این استان دوشادوش هم برای تأمین منافع ملی، عظمت اسلام و شکوه ایران تلاش کردند.» وی به علت سخنرانی خود در خیابان اشاره کرد و گفت: «چند روز پیش در شهر گرگان مانع سخنرانی در دانشگاه شدند و پس از آن در همدان هم علی‌رغم مجوزی که صادر کرده بودند، در دانشگاه را به روی ما بستند و از پشت میله‌ها با دانشجویان سخن گفتم، امروز نیز با آن که مقامات دولتی اعلام کرده بودند سخنرانی آزاد است و آنها مانعی ایجاد نمی‌کنند، در سینما را به روی ما بسته‌اند... مسؤولین رسماً اعلام کنند که مخالف این محدودیتها هستند و مهمتر آن که جلوی این محدودیتها را بگیرند.»[1]

مهدی کروبی در نشست خبری اصحاب رسانه آذربایجان غربی در خصوص ولایت فقیه گفت: «ولایت فقیه را کاملاً قبول دارم؛ البته با قرائت امام(ره) و نه با قرائت بعضی که ولایت فقیه را دکان کرده‌اند... سالها رنج و زحمت کشیدیم تا بتوانیم رژیم ستمشاهی را سرنگون و نظریه ولایت فقیه امام را پیاده کنیم. اما موافق استفاده ابزاری از این موضوع نیستم.» در ادامه کروبی با تأکید بر این‌که ما برای پیروزی آمده‌ایم تصریح کرد: «البته اگر هم رأی نیاورم عزا نخواهم گرفت و راه خود را همچون گذشته با قوّت

۱- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۱۹.

و قدرت بیشتری ادامه خواهم داد.»[۱]

کروبی در جمع مردم شاهین‌دژ نیز گفت: «اگر نتوانیم از نیروی جوان کشور بهره مناسب ببریم، مشکلات بسیار زیادی دامن ما را خواهد گرفت که از آن جمله می‌توان به فرار مغزها، اعتیاد و آسیبهای اجتماعی دیگر اشاره کرد.» کروبی در جمع مردم سلماس نیز به مشکلات کشور اشاره کرد و گفت: «اکنون مشکلات زیادی دامنگیر کشور شده است و بعضی استانها دارای مشکلات بیشتری هستند. از جمله آذربایجان غربی. با توجه به همسایگی با چند کشور و استعدادهای گسترده و خدادادی که باید از شرایط بهتری برخوردار باشد.»[۲]

کاندیدای دوم اصلاح‌طلبان در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در جمع مردم آبیک خواسته خود را این‌گونه تشریح کرد: «اگر خواستار تغییر هستید باید حضور جدّی در انتخابات داشته باشید. اگر بتوانیم مدیریت اجرایی کشور را تغییر دهیم نمی‌گوییم کشور ایده‌آل می‌شود، اما وضعیت بهتر از امروز خواهد شد.» وی تأکید کرد: «باید با درایت، تعامل، گفتگو و تنش‌زدایی و با تأکید بر منافع ملی با همه کشورهای دنیا ارتباط مثمر ثمر و سازنده برقرار کنیم.» وی در مسجد جامع شهرستان بوئین زهرا نیز با اشاره به سهم انتخابات در استحکام نظام گفت: «مسؤولان خود را در معرض رأی مردم قرار می‌دهند و در صورت پیروزی اگر عملکرد آنها مطلوب و مردم راضی بودند، آنها به مسؤولیت

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۲/۲۰. ۲- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۲۱.

خود ادامه خواهند داد و در غیر این صورت توسط مردم کنار خواهند رفت و این حقّ مردم است که مسؤولینی را که عملکرد نامناسب دارند، کنار بگذارند.» وی در ادامه گفت: «اگر به میزان زیاد در انتخابات شرکت کنیم عرصه برای تقلب در شمارش آراء پایین می‌آید ولی اگر به پای صندوقهای رأی نیاییم دست متخلفان باز خواهد شد.»[۱] کروبی در دانشگاه زنجان در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان بیان داشت: «من اگر رئیس جمهور شوم خود گشت ارشاد و برنامه‌هایش را متوقف خواهم کرد.»[۲]

دبیرکلّ حزب اعتماد ملی در نشست خبری اصحاب رسانه استان مرکزی در پاسخ به سؤالی مبنی بر این‌که «با توجه به وضعیت اقتصادی کشور چگونه می‌خواهید بر این اوضاع فائق آیید؟» گفت: «اوّلین کاری که انجام خواهم داد این است که گزارش کامل از وضع موجود کشور به مردم ارائه دهم تا مردم بدانند که چگونه وارد مسؤولیت شدیم.»[۳]

کروبی در جمع مردم ساوه درباره آزادی بیان برای منتقدان سیاسی و مطبوعات گفت: «من همواره مدافع شدید آزادی منتقدان در چارچوب قوانین کشور بوده‌ام و اعتقاد دارم که حتی اگر رئیس جمهور شدم باید نقد شوم. البته رسانه‌ها نیز باید خطوط قرمز را نگه دارند.» وی در پاسخ به سؤالی درباره چگونگی مقابله با تحریمهای سیاسی گفت: «اطمینان دارم که اگر در انتخابات پیروز شوم، خود به خود بخشی از این مشکلات حل

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۱/۲۷. ۲- همان، ۱۳۸۸/۱/۲۳.
۳- همان، ۱۳۸۸/۲/۳.

خواهد شد و بخش دیگر را با گفتگو حل خواهیم کرد.»[۱]

مهدی کروبی در جمع دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز بیان کرد: «اگر مردم مرا انتخاب کنند، بنده تدارکاتچی نیستم. بلکه رئیس جمهوری هستم که از اختیارات خود به نحو احسن استفاده می‌کنم.» وی در مورد گشت ارشاد نیز گفت: «به مجرد رأی آوردن گشت ارشاد را جمع می‌کنم؛ چراکه این موضوع جزء روحیات و ادبیات بنده قرار نمی‌گیرد.» کروبی همچنین در مورد نظارت استصوابی تصریح کرد: «بنده همواره گفته‌ام که با نظارت استصوابی مخالفم. البته در حال حاضر همه چیز در دست شورای نگهبان است و ناظران بر اجرا غلبه دارند.»[۲]

کروبی ضمن تأکید بر دفاع از حقوق مردم گفت: «من از حقوق مردم به بهترین وجه دفاع می‌کنم. حتی به خانم شیرین عبادی که درخواست ملاقات با من را داده بودند، علی رغم این‌که برخیها با آن مخالفت کردند، ملاقات کردم و به کسانی که مخالف این کار بودند گفتم شیرین عبادی، شیرین عبادی است و من هم مهدی کروبی هستم. وی دیدگاهها و حرفهای خودش را می‌زند و من هم حرفهای خودم رامی زنم. ولی باز هم باید گفت که از حرف تا عمل فاصله زیاد است.»[۳] شیخ اصلاحات در دانشگاه آزاد بوشهر گفت: «تازه نقدهای ما نسبت به دولت شروع شده است.»[۴]

وی در خصوص نحوه حضور همکاران غیر حزبی در ستاد خود

۱- همان، ۱۳۸۸/۲/۵.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۶.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۸.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۲.

اظهار داشت: «دوستان بر اساس عقاید و نظرات خود آمدند و با بنده همکاری می‌کنند؛ نه من به آنان وعده داده‌ام نه آنان از من چیزی خواستند. دوستان خودشان برای همکاری آمدند و افتخار می‌کنم که با ایشان همکاری می‌کنم. حضور دوستان برای من رأی آور نیست. بنده به دوستانم معتقد هستم.»[۱]

کروبی در پاسخ به کسانی که وی را برای انتخابات ریاست جمهوری مسن می‌دانستند، گفت: «اگرچه ۷۱ سال سن دارم، اما خودم را برای ریاست جمهوری جوان می‌بینم.»[۲] وی در خصوص کناره گیری‌اش نیز گفت: «کناره گیری کاندیداهای اصلاح‌طلب به نفع یکدیگر کذب محض است و این مسأله جنگ روانی است و چنین چیزی وجود ندارد... این طور نیست اگر کسی کنار برود، رأی او به سبد دیگری بریزد، همین خیالها را کردیم که این بر سرمان آمده است.»[۳] کروبی در شیراز گفت: «حضور گسترده داشته باشیم تا عده‌ای را به کُما ببریم.»[۴]

کروبی در دانشگاه امیرکبیر با اشاره به شعار تغییر گفت: «من برای تغییر قانون اساسی و اصلاحات آمده‌ام و به شما دانشجویان قول می‌دهم فقط شعار ندهم بلکه عمل کنم.»[۵]

وی در سفر به استان خراسان رضوی ضمن اشاره به مناظره‌های تلویزیونی گفت: «از شما می‌خواهم که حتماً مناظره‌ها را از تلویزیون

۱- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۶.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۱۹.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲.
۴- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۳.
۵- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۰.

دنبال کنید و ضمن تشکر از صدا و سیما، می‌گویم تنها مناظره‌ها کافی نیست؛ این که ما به تنهایی صحبت کنیم کفایت نمی‌کند. بلکه باید تیم هر داوطلبی بتواند مناظره و گفتگو داشته باشد تا مردم با برنامه‌های آن کاندیدا بهتر آشنا شوند. همان‌گونه که چهار سال پیش کارشناسان در برنامه‌ها حضور یافتند.» وی با تأکید بر اهمیت این انتخابات گفت: «این انتخابات با بقیه انتخابات فرق می‌کند. امروز جمهوریت، اسلامیت و ایرانیت در معرض تهدید است و ما باید با حضور در انتخابات از آن محافظت کنیم.»[1]

مهدی کروبی در ساری از حضور قطعی خود تا آخر خبر داد و گفت: «وقتی وارد صحنه شدم تا آخر حضور خواهم داشت. در انتخابات اگر مردم به من رأی بدهند خوشحال خواهم شد و اگر هم رأی ندهند ناراحت نمی‌شوم.»[2]

مهدی کروبی در نخستین نطق انتخاباتی خود در برنامه با دوربین شبکه اوّل سیمای جمهوری اسلامی ایران برنامه‌های خود را این‌گونه تشریح کرد: «تقویت صنعت گردشگری ممکن نیست مگر با تغییر در سیاست خارجی. یعنی اصول را رعایت کنیم اما لازم نیست که تقابل داشته باشیم بنای من بر این است که اگر مردم به من رأی دادند گزارش جامعی از اوضاع فعلی کشور تهیه کنم و آن را به مردم گزارش دهم و بنا ندارم به دولتهای قبلی بپیچم و هرجا که کم آوردم به دولتهای گذشته بشکنم. ادعا

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۲. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۳.

می‌کنم که می‌توانم کابینه‌ای تشکیل دهم که کم‌نظیر و دلسوز برای کشور و نظام و علاقه‌مند به ایران و سرافرازی ایران باشد ببینید بانکهای خصوصی الان چه مشکلاتی دارند و حتی مدیر عامل برخی تا مرز بازداشت هم رفتند اگر می‌خواهیم رونق اقتصادی باشد، تورم بالا نباشد و همه کار داشته باشند، راهی نداریم جز این‌که بخش خصوصی را در اولویت قرار دهیم و طبیعتاً باید کنترل کنیم تا در این راه سوء استفاده صورت نگیرد.»

ادعای تضعیف ایرانیت در اثر سیاستهای غلط، اضافه کردن به لشکر مخالفان خارجی در اثر حرفهای نسنجیده و بی‌خاصیت، انتقاد از محدودیتهای بی‌جا و ورود به حریم خانواده‌ها، ادعای عدم امنیت معلم و کارگر و کشاورز، دانشجو و استاد دانشگاه از جمله اظهارات دیگر کروبی در این برنامه تلویزیونی بود.

کروبی در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما نیز به موارد زیر اشاره کرد:

برای هدفمند کردن یارانه‌ها معتقدیم باید در درازمدت این کار انجام شود. درآمدهای نفتی این دولتها (دولتهای گذشته) در ۱۶ سال برابر با درآمدهای نفتی دولت نهم بوده است و با این درآمد تغییری ایجاد نشده است. اگر کسی بگوید که کاری انجام نشده (در دولت نهم) بی‌انصافی است؛ اما کارهایی که انجام شده تناسبی با درآمد ما ندارد. بنده سراغ تعطیلی هیچ کاری (طرحهای مسکن و مهر) نمی‌روم و در وهله اوّل ارزیابی می‌کنم که می‌توان این کارها را ادامه داد یا خیر.

مهدی کروبی در گفتگو با رادیو جوان نیز در مورد تعریف جوانی

گفت: «یک بحث جوانی نشاط آن است، ممکن است یک مقداری سنش هم بالا رفته باشد؛ اما باید روحیه نشاط، پرکاری و نوآوری را داشته باشد.» وی افزود: «اگر خدای نا کرده تدبیر، دوراندیشی و برنامه‌ریزی برای آنها صورت نگیرد، جوانان حتماً به صورتهای مختلف تبدیل به یک تهدید می‌شوند.»[۱]

دکتر محمود احمدی‌نژاد که به لحاظ زمانی دیرتر از بقیه نامزدها، کاندیداتوری خود را رسماً اعلام کرده بود، پس از اعلام کاندیداتوری چند سفر انتخاباتی به شهرهای مختلف کشور انجام داد و در خصوص مسائل مهم روز و بویژه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با مردم سخن گفت. وی که در پنجاه و پنجمین سفر هیأت دولت نهم در اصفهان از همه سلیقه‌ها برای حضور در انتخابات دعوت کرده بود و طی دستوری اعلام کرده بود که هیچ کس حقّ سلب فرصتهای تبلیغاتی از نامزدها را ندارد[۲]، احمدی‌نژاد در حاشیه افتتاح نمایشگاه کتاب تهران ضمن تأکید بر این‌که انتخابات باید به وحدت و همبستگی منجر شود گفت: «انتخابات باید تجلّی قدرت ملی برای پیشبرد امور کشور باشد و نباید فضایی برای ترویج بد دلی در کشور ایجاد شود.» وی بر همین اساس به هواداران کاندیداهای ریاست جمهوری دهم توصیه کرد، کسی حقّ ندارد به بهانه حمایت، فرد دیگری را تخریب یا توهین کند و یا افترا بزند و یا دروغ بگوید؛ البته برخیها در این گونه کارها حرفه‌ای هستند.» احمدی‌نژاد

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۲.

۲- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۳.

افزود: «قبلاً هم گفتم از همه کسانی که در این چهار سال علیه من حرف زدند و الان هم می‌گویند گذشت کردم و هیچ دنبال نکردم و دنبال نمی‌کنم. ولی بالاخره این چیزهایی است که آثار دارد و ممکن است نتیجه آن به کسانی که می‌خواهند چنین اخلاقی را منتشر کنند، برگردد.»[1] احمدی‌نژاد در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی مبنی بر این‌که برخی سایتها در آستانه انتخابات تخریبهایی را علیه دولت آغاز کرده‌اند چرا پاسخ نمی‌دهید؟ گفت: «این که دولت در برابر تخریبها سکوت کرده و پاسخ نمی‌دهد دلیل بر این نیست که پاسخی برای آنها ندارد، بلکه پاسخهای مستدل و قویی در برابر آنها دارد، ولی نمی‌خواهد وارد این عرصه شود.» وی در ادامه به یکی از دلایل این‌گونه برخوردهای فراتر از بد اخلاقی اشاره کرد و گفت: «شما باید متوجه باشید ماجرا از کجا آب می‌خورد بالاخره در این مدتی که این دولت بر سر کار بوده یک سری نخهایی را از نیات و اهداف این‌گونه افراد کشیده و بالاخره باید صداهایی هم درآید که این هم طبیعی است.»[2] وی در پاسخ به این‌که کدام کاندیدا را رقیب جدّی خود می‌دانید؟ اظهار کرد: «من رقیب هیچ کس نیستم، رفیق همه هستم. ما می‌خواهیم خدمت کنیم و بالاخره یک نفر رئیس جمهور می‌شود اما باید جوری رفتار کنند که فضای کمک فراهم باشد.»[3]

احمدی‌نژاد که به مناسبت سالگرد آزادسازی خرمشهر بدان‌جا رفته

۱- ایران، ۱۳۸۸/۲/۱۶. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۲/۲۴.
۳- همان.

بود در چهارمین سال ریاست جمهوری‌اش برای حل مشکلات خرمشهر از تصمیمش برای تصدی پست فرمانداری این شهر خبر داد و گفت: «بعد از دفاع مقدّس مردم تصمیم گرفتند خرمشهر را آباد کنند ولی کارهای انجام شده به هیچ وجه کافی نیست و به همین دلیل حاضر هستم شخصاً به عنوان معاون فرماندار خرمشهر کارهای مردم را دنبال کنم.»[1] وی همچنین در جمع خبرنگاران علت این همه تخریب و انتقاد از دولت نهم را این‌گونه تشریح کرد: «کسانی که دولت را با هجمه‌های سنگین تخریب می‌کنند به اعتقاد من دو خطا مرتکب می‌شوند؛ اوّلاً این‌که طبق قانون انتخابات کسی حقّ ندارد نامزدهای انتخابات را تخریب کند و تخریب جرم است و دوم این‌که بسیاری از اتهاماتی که اینها به دولت وارد می‌کنند، بعداً نمی‌توانند آن را اثبات کنند. البته ما پاسخهای بسیار روشن و مقتضی برای این تخریبها و انتقادات داریم که ان‌شاءالله در مناظره با نامزدها بسیاری از آنان را تشریح خواهم کرد.» وی با انتقاد از تخریبها و هجمه‌های بی‌امانی که توسط مخالفان دولت نهم صورت می‌گیرد افزود: «برخی از آنان جوری حرف می‌زنند که گویی یک کشور شسته رفته و تمیز را تحویل ما داده‌اند... پرونده‌های مدیریتی همه آنان روشن است. البته من علاقه نداشتم این موضوع باز شود، اما آنان جوری رفتار می‌کنند که ما مجبور خواهیم شد برای تنویر افکار عمومی این موضوع را تشریح کنیم.»[2]

۱- همشهری، ۱۳۸۸/۳/۳. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۳.

احمدی‌نژاد در پاسخ به سؤال خبرنگار شبکه خبر مبنی بر این‌که «نظرتان در مورد برنامه‌های صدا و سیما درباره کاندیداها چیست؟» گفت: «من مطلبی را می‌گویم که نقد صدا و سیما نیست. می‌خواهم شرایط را بگویم که چه کسانی باید ادعا کنند ولی نمی‌کنند و ساکتند؛ ولی عده‌ای دیگر ادعا می‌کنند. دو دوره قبل را در ذهن بیاورید. دولتی مستقر بود و رئیس دولت برای دور دوم نیز کاندیدا بود. شما ببینید در دوره قبل مجموعه تبلیغات به چه شکل بود. بالاخره دولتی که مستقر است کار می‌کند؛ زیر بار مسؤولیت است و در معرض سؤالات قرار دارد. حتی یادم هست در سه، چهار دوره قبل که دولتی مستقر بود و رئیس دولت نیز کاندیدا بود، عملکرد دولت به صورت مفصل از تلویزیون پخش می‌شد. برخی اعتراض کردند که چرا این‌گونه مفصل برنامه‌ها و عملکردهای دولت پخش می‌شود، آن فرد که کاندیدا بود گفت: چرا نباید عملکرد دولت به صورت مفصل پخش شود و اکنون باید این عملکرد پخش شود که مردم بدانند دولت چه کرده است.

احمدی‌نژاد گفت: «اکنون بیش از سه ماه است که به بهانه انتخابات و تبلیغات انتخاباتی و خارج از زمان قانونی، عده‌ای فعالیت تبلیغاتی کرده‌اند و نوک تیز حملات آنها به سمت دولت بوده است. دوستان در صدا و سیما گفتند اگر کامل عملکرد دولت و خبرهای روزانه دولت را بخواهیم پخش کنیم، ممکن است حمل بر تبلیغات کنند. آنها گفتند باید فعالیتهای روزانه دولت را کمرنگ منتشر کنیم. من نیز گفتم اشکالی

ندارد.»[۱]

احمدی‌نژاد در پاسخ به کسانی که اعتقاد به ضعیف شدن ملّت ایران در چند سال اخیر دارند گفت: « کسانی که می‌گویند ملّت ایران ضعیف شده است، در دنیا چرخی بزنند و ببینند که ملّت ایران محبوب‌ترین ملّتهاست. حاکمان دنیا نیز بیشترین احترام را به ملّت ایران می‌گذارند. نمونه آن تفاوت پیام سال قبل بوش، با پیام امسال اوباما است.»[۲]

رئیس دولت نهم در دیدار با ۱۲۰ نماینده مجلس تأکید کرد: «به فضل الهی در انتخابات ریاست جمهوری موانع از پیش پای انقلاب برداشته می‌شود، یاران حقیقی انقلاب مشخص خواهند شد.»[۳]

احمدی‌نژاد در دیدار با علما و روحانیون استان تهران با اشاره به فشارهایی که علیه دولت در موضع سیاست خارجی و بویژه هسته‌ای وارد می‌کنند تصریح کرد: «در موضع هسته‌ای دولت را تحت سنگین‌ترین بمباران تهمت و دروغ قرار دادند.» وی در ادامه با اشاره به اتهامات و دروغ‌پراکنی‌ها علیه عملکرد دولت گفت: «امروز یک جنگ روانی با حجم سنگین تهمت و دروغ در جریان است تا حافظه تاریخی مردم را به حاشیه ببرند که این حجم سنگین از تهمت و هتاکی در تاریخ کشورمان بی‌سابقه است.»[۴]

محمود احمدی‌نژاد در اجتماع مردم ساوجبلاغ درباره مناظره‌های تلویزیونی گفت: «قصد دارم در مناظره تلویزیونی با نامزدهای انتخاباتی

۱- همان.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۴.
۳- همان، ۱۳۸۸/۳/۵.
۴- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۰.

در صورتی که صلاح باشد، اسامی برخی مفسدان اقتصادی را برای مردم فاش کنم.» وی یکی از دلایل محرومیت و فقر در کشور را رابطه‌بازی و رانتخواری برخی دانست و گفت: «در دو سه دهه در کشور افرادی با رابطه‌بازی و رانتخواری از امتیازات ویژه‌ای برخوردار می‌شدند... بسیاری از عقب‌ماندگیها در بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک به خاطر آن تبعیضها و ناعدالتیها در استفاده از منابع مالی و بانکی به وجود آمد.»[۱]

احمدی‌نژاد در جمع مردم پاکدشت ضمن تأکید بر منطق دولت اسلامی برای برخورد با متخلّفان بیان داشت: «برخورد با متخلّفان باید از دانه‌درشتها و گردن‌کلفتها شروع شود... برای دفاع از حقوق ملّت مجبورم برخی پرونده‌ها را باز کنم.» وی در ادامه گفت: «برخی اعتراض می‌کردند که چرا برخی مدیران را برکنار می‌کنید. من می‌گویم این زبان و حرف شماست. اگر مسؤول در سراسر ایران بفهمد که مدیر پایین‌تر و زیرمجموعه او مشغول سوء استفاده از مردم است، وظایف خود را انجام نمی‌دهد، بداخلاقی می‌کند و ارتباط او با مردم ضعیف است؛ مدیر بالاتر شرعاً و قانوناً حقّ ندارد به آن مدیر متخلّف اجازه کار بدهد.» رئیس دولت نهم با تأکید بر این‌که مناصب به نام هیچ فرد و ارث پدری کسی نیست و سندی برای کسی زده نشده، تصریح کرد: «چرا کسی باید چهار سال یا بیست سال در یک منصب بماند؟ خوب است مدیران ثابت بمانند؛

۱- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۱.

اما شرط آن است که در مسیر ملّت، انقلاب، پاک، سالم و خدمتگزار باقی بمانند.» وی با اشاره به اعترافات یکی از مدیران متخلّف در تهران که در تلویزیون اعتراف کرد، دهها میلیون تومان در سالهای ۷۲ و ۷۴ برای حزب، گروه و دوستان خود از بیت‌المال هزینه کرده است؛ افزود: «به جای این که او را مجازات کنند از او حمایت و سعی کردند او را قهرمان ملی معرفی کنند. وی تأکید کرد: «وقتی یک مسؤول حقوق و منافع ملّت را زیر پا گذاشته است باید بلافاصله با او برخورد کنند، چه برسد به این که مطلع شویم یک مدیر از فرصت مدیریت برای ثروت‌اندوزی خود و بستگانش استفاده می‌کند.»[1] محمود احمدی‌نژاد در جمع مردم مشهد در رواق بزرگ امام خمینی(ره) با بیان این‌که یک انحراف در سیستم دولتی و حکومتی از اواسط جنگ شکل گرفت و زاویه انحرافش از مسیر انقلاب بیشتر شد، گفت: « گروهی از مدیران کشور خود را تافته جدا بافته فرض می‌کردند و دوران مسؤولیت را پیش از آن که فرصت خدمتگزاری بدانند، فرصت شخصی و زمانی برای کسب ثروت و استمرار قدرت تلقی کردند و به مرور باندبازیها و دسته‌بندیها شکل گرفت.» وی در ادامه ضمن بیان این‌که بساط میلیاردیهای جدید به دوران رسیده از دل مدیرانی که خود را تافته جدا بافته می‌دانستند برون آمد، گفت: «این مدیران با جیب خالی وارد دولت شدند و حسابهای بانکی داخل و خارج کشور برای خود باز کردند.» رئیس دولت نهم با تأکید بر این نکته که شرایط فضای

۱- همان.

سال ۸۴هنوز ادامه دارد، اظهار داشت: «اگر می‌خواهید ببینید در کشور چه خبر است باید کلّیه کاندیداها و اطرافیانشان، خانواده‌ها و ستادهای آنها، اموالشان را برای مردم اعلام کنند، به این شرط که اگر کسی اموال خود و خانواده‌اش را پنهان کرد دولت حقّ داشته باشد بخش پنهانی را تصرف کند و در خدمت مردم هزینه کند.»[1]

احمدی‌نژاد در اوّلین نطق تلویزیونی تبلیغات انتخاباتی خود در برنامه با دوربین شبکه اوّل سیما با ارائه آمار از عملکرد دولت نهم در تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاست خارجی و داخلی تأکید کرد: «امروز شرایط برای جهشها و تصمیمهای بزرگتر آماده شده و ملّت ایران در آستانه حرکتهای بزرگ به سمت قله‌هاست.» وی با تشریح سیاستهای اقتصادی و خارجی دولت افزود: «باور من (در ۴ سال قبل) این بود ملّت ایران می‌تواند و شایسته جایگاه والایی است و شعار «ما می‌توانیم» حرف دل مردم ایران بود که با استقبال گسترده ملّت و بخصوص جوانان مواجه شد و این استقبال باعث شد که ملّت ایران در طول ۴ سال به رغم بحرانهای سنگین جهانی دستاوردهای عظیمی داشت.» احمدی‌نژاد ضمن بیان این‌که رأی مردم در انتخابات ۸۴ علیه کوتاهی در برابر استکبار بود، گفت: «برخلاف برخیها که خیال می‌کنند تهدید را با سازش می‌توان برطرف کرد، ملّت ما نشان داد که راه برطرف کردن تهدید موضع اقتدار است و می‌بینید کسانی که ۳ سال قبل می‌گفتند می‌خواهیم ایران را از نقشه دنیا

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۳.

حذف کنیم امروز در تمجید فرهنگ و تاریخ ملّت ایران مسابقه گذاشته‌اند و همان کسانی که می‌گفتند می‌خواهیم ایران را منزوی کنیم امروز خواستار مشارکت ایران در مدیریت جهان هستند.»[1]

تنها کاندیدای مطرح اصولگرایان در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما با بیان این‌که نقد یک وظیفه است گفت: «نقد صحیح یعنی نظارت همگانی بر امور کشور و نقد سالم نقدی است که منافع ملی و حقوق مردم در آن رعایت شده باشد». احمدی‌نژاد ضمن بیان این‌که متأسفانه واژه نقد مانند آزادی قربانی شده است، گفت: «در سه دوره ۸ ساله ما شاهد بوده‌ایم که دریچه نقد به طور مطلق بسته بود، چراکه در زمان جنگ تنها یک روزنامه منقد آن هم با آمارهایی که خود دولت وقت اعلام می‌کرد وجود داشت. اما در همان دوران آن چنان هجومهایی به آن روزنامه برده می‌شد که حتی در برخی از مواقع نخست وزیر وقت شخصاً هشدار می‌داد که باید آن روزنامه عملکرد خود را تغییر دهد والّا تعطیل خواهد شد. اما در این دوره دیدیم که هرکسی هرچه می‌خواست به دولت نهم گفت. به طوری که ۲۰ روزنامه و سایت خبری هرچه خواستند به ما گفتند. حتی ما را تمسخر کردند و به دروغ‌پردازیها نیز پرداختند ولی ما تحمل کردیم، چراکه ما بر این اعتقادیم که باید تلاش کنیم تا به نقد منصفانه برسیم و لازمه پیشرفت یک کشور نقد منصفانه است.» وی خطاب به منتقدان دولت گفت: «اگر شما اصرار دارید به عنوان

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۶.

دفاع از حقوق ملّت حرفی دارید ما حاضریم پرونده سه دوره گذشته را باز کنیم و با فعالیتهای دولت نهم مقایسه کنیم. چراکه بر این اعتقادیم کشور به همدلی نیاز دارد نه این‌که این‌گونه سخنان فضایی را تنها برای دعوا فراهم‌کند.»[۱] وی با اشاره به انتقاد موسوی از گشت ارشاد گفت: «آن افرادی که امروز از گشت ارشاد ایراد می‌کنند، آیا سال ۶۴ و ۶۵ را فراموش کرده‌اند که وزارت کشور موتورسوارها را سازماندهی می‌کرد تا در همین خیابان ولی عصر (عج) موی دختران و موی پسران را قیچی و لباس و کفشها را پاره می‌کردند.» وی با اشاره به این‌که برخی در میان اهل سنّت گفته‌اند احمدی‌نژاد گفته است به رأی اهل سنّت نیاز ندارد، آن را دروغ بزرگ خواند و گفت: «از نگاه من همه ملّت ایران در هر جایی که باشند ملّت ایران هستند و برای دولت همه یکسان هستند و ما به همه جا سفر کرده‌ایم و برای همه مصوبه داریم. برخی رفته‌اند و در جمع برخی اقوام حرفهایی علیه دولت زده‌اند که این حرفها واقعیت ندارد و همه برنامه‌های ما برای آینده روشن است. مهمترین برنامه‌های ما اشتغال - مسکن - ازدواج و تولید است.»[۲]

محمود احمدی‌نژاد در جمع مردم اصفهان با اشاره به مناظره‌ها گفت: «انقلاب را توده‌های مردم برپا کرده‌اند نه چند سیاستمدار زیاده‌خواه.» وی با تأکید بر این‌که انقلاب زنجیرها را از پای ملّت باز کرد، گفت: «اما چند سال بعد از پیروزی انقلاب دشمنان خارجی سنگ‌اندازی و موانع

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۲. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۷.

جدید ایجاد کردند و ملّت ما توی دهن آنها زد و امروز هم دشمنان جدید هر مقدار هم که قوی باشند در برابر اراده ملّت ایران شکست خواهند خورد.» احمدی‌نژاد به انحراف در مسیر انقلاب اشاره کرد و افزود: «آرام آرام حلقه‌های قدرت و ثروت شکل گرفت و رابطه آنها با توده‌های انقلابی مردم قطع شد و خود را طلبکار قدرت و بالاتر از ملّت دانستند و ادبیاتشان به گونه‌ای بود که انگار آنها ارباب هستند و همه مردم باید در خدمت آنها باشند.»[1]

احمدی‌نژاد در دیدار مردم تبریز با تأکید بر عدالت‌محوری گفت: «وقتی قرار است عدالت برپا شود عده‌ای زیاده‌خواه، خودخواه و مستکبر به ملّت توهین می‌کنند و وقتی که بناست ثروت ملّت توزیع شود به ملّت توهین می‌کنند.» وی در ادامه گفت: «آنها می‌خواهند ثروت ملّت ایران در اختیار عده‌ای قلیل باشد و با رانتخواری و خودخواهی جیبهای خود را پر کنند و اکثریت ملّت را در محرومیت نگه دارند.» وی با اشاره به مناظره خود با دیگر نامزدها تصریح کرد: «من در مناظره تلویزیونی اسم بعضیها را بردم. اما عده‌ای اعتراض کردند که چرا شما اسم آنان را در تلویزیون برده‌اید! در حالی که در تفکر امام، رهبری و انقلاب هر کدام از افراد هرچقدر هم بزرگ باشند وقتی در برابر ملّت و انقلاب می‌ایستند باید آنها را قربانی انقلاب و ملّت کرد.»[2]

احمدی‌نژاد در اجتماع مردم ارومیه در ورزشگاه تختی این شهر یک

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۶. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

بار دیگر به کسانی که خود را معادل نظام می‌دانند هشدار داد و گفت: «اسامی متجاوزین به بیت‌المال را معرفی می‌کنم هنوز ابتدای کار است.» وی با انتقاد از برخی افراد حکومتی که این نظام را از آن خود دانسته و به مردم با دید رعیت می‌نگرند، خاطر نشان کرد: «اگر کسی از مسیر واقعی انسانیت دور شود کارش به سرنوشت کاندیدایی می‌رسد که اتحاد چپ و راستی را برای از بین بردن حقوق مردم خواهان شده ولی هوشیاری مردم مانع از دستیابی به قدرت برای افزایش ظلم و جفا به حقوقشان خواهد شد.» وی در خصوص انتقاد برخی از سهام عدالت گفت: « کسانی که سهام عدالت را بزرگترین اشتباه دولت عنوان می‌کنند به این خاطر آن است که پولهایی که در جیب آنان می‌رفت در بین مردم توزیع شده و آنها چشم دیدن این عدالت محوری دولت نهم را ندارند.» وی تصریح کرد: «من در این جا اعلام می‌کنم اگر این افراد دست از زیاده‌خواهیهای خود برندارند در صورت انتخاب برای دوره دهم ریاست جمهوری مجازاتی سخت از اعلام اسامی در پیش روی آنها خواهد بود.»[۱] رئیس دولت نهم در مازندران با بیان این‌که برخی می‌گویند کشور در خطر است گفت: «این آقایان بدانند که کشور در خطر نیست، بلکه منافع یک عده پرخور و زورگو به خطر افتاده است.» وی در ادامه گفت: «مسأله این است که عده‌ای قلیل باور کرده‌اند که اگر یک بار دیگر این خادمان با رأی ملّت ادامه خدمتگزاری داشته باشند، بساط چپاولگری از کشور برچیده خواهد

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۹.

شد.» وی با اشاره به این‌که احمدی‌نژاد کاره‌ای نیست، یادآور شد: «رئیس جمهور کشورتان افتخار می‌کند که خاک پای ملّت ایران باشد.» احمدی‌نژاد همچنین تصریح کرد: «به این افراد اعلام می‌کنم که محال است احمدی‌نژاد قدم و قلمی به نفع زیاده‌خواهان بردارد.» وی با اشاره به این که برخیها گفته‌اند دوره احمدی‌نژاد تمام شده است و باید اسباب‌کشی کند، اضافه کرد: «می‌خواهم بگویم، احمدی‌نژاد باشد یا نباشد و قطعه قطعه هم بشود، آن کسانی که باید از این کشور اسباب‌کشی کنند باندهای قدرت و ثروت هستند.»[۱]

محسن رضایی از دیگر کاندیداهای دوره ریاست جمهوری که در دوره قبل نیز حضور داشت، اما بنا به دلایلی در روزهای پایانی مانده به برگزاری انتخابات انصراف داد، در دیدارهای مختلف به بیان دیدگاههای خود پرداخت.

رضایی در گفتگو با ایسنا در پاسخ به این پرسش که آیا میرحسین موسوی می‌تواند زمینه‌ساز دولت ائتلافی باشد؟ گفت: «هنوز هیچ بحثی با ایشان نداشته‌ایم ... فکر می‌کنم همه نخبگان کشور این تز را قبول دارند، چراکه بحث این است که هیچ شخصی به تنهایی نمی‌تواند کشور را اداره کند و درست هم نیست که سرنوشت کشور را به دست یک فرد بسپاریم بلکه باید یک تیم بیاید که برنامه داشته باشد و بتواند خدمت کند و هیچ فردی به تنهایی قادر به اداره دولت نیست.»[۲]

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۰. ۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۱/۱۵.

رضایی در نشست جمعیت حامیان ولایت گفت: «اگر من و شما از ولایت صحبت می‌کنیم و خود را حامیان ولایت می‌دانیم، می‌خواهیم بگوییم ما حامی همه چیزهای خوبی هستیم که در ولایت متجلی می‌شود.» وی با بیان این‌که ما برای حفظ دین‌مان نمی‌توانیم دروغ بگوییم، گفت: «ولی فقیه یک رهبر و در رأس نظام است. حال اگر امر سیاست را از او بگیرند و او را به یک پدر معنوی تبدیل کنند، دیگر این مسأله با اندیشه سیاسی امام سازگاری نخواهد داشت.» رضایی در ادامه گفت: «من در ۳۰ سال گذشته در هیچ کدام از دولتها و مجلسها نبودم، چون به محض این که انقلاب شد و جنگ اتفاق افتاد به جبهه رفتیم. در آن‌جا اگر کسی بود و سرزمینهای ما اشغال نمی‌شد، ما درس و دانشگاه را رها نمی‌کردیم. برادران ما در این بین سیاست و درس را رها کردند و برای خودشان قاچاقی مدرک درست نکردند. این در حالی است که حالا به ما می‌گویند شما نظامی شده‌اید. هم اکنون نیز اگر احساس وظیفه و تکلیف نبود آن هم در دقیقه نود وارد صحنه نمی‌شدم.» وی در خصوص حمایت اصولگرایان بیان کرد: «من هیچ وقت حاضر نیستم خود را به اصولگرایان تحمیل کنم. بنابراین مستقل وارد خواهم شد. همچنین بعید می‌دانم که دیگران از من حمایت نکنند. البته من نمی‌خواهم بگویم اصولگرا نیستم و با افتخار این موضوع را اعلام می‌کنم، ولی نمی‌خواهم در صحنه انتخابات خود را به کسی تحمیل کنم و شرط و شروطی بگذارم. ولی کسانی که از

من حمایت کنند از نیروهای اصولگرای ارزشی هستند.»[۱]

محسن رضایی در جمع دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز طی سخنانی اظهار داشت: «در صورتی که بتوانم رئیس جمهور شوم مدیریت بخش‌داریها و فرمانداریها را به افراد زیر ۳۰ سال می‌دهم و یک سال پس از آن از بین همین افراد حداقل ۱۰ استاندار و ۴ وزیر را انتخاب می‌کنم تا اوّلین گروه نسل دوم انقلاب را وارد هیأت دولت کنم.» وی در ادامه گفت: «بحث اقوام در کشور بسیار جدّی است و باید عدالت قومی در کنار عدالت سیاسی در کشور محقق شود، من این موضوع را به صورت جدّی پیگیری می‌کنم و باکمک نخبگان، قانون عزل و نصب را تدوین می‌کنم تا پستهای کشور به صورت کاملاً عادلانه بین اقوام کشور تقسیم شود.»[۲] رضایی در گفتگو با روزنامه تاگس اشپیگل اظهار داشت: «من راه پیشرفت ملی را برای ایران در نظر گرفته‌ام . . . من می‌خواهم سه معضل را از بین ببرم. مدیریت بد در داخل، یک سیاست اقتصادی اسفناک و روشهای نادرست در روابط بین‌المللی.»[۳] وی در قم با بیان این مطلب که نمی‌شود در ایران ۱۴۰۴ نقش روحانیت و مرجعیت را نادیده گرفت گفت: «ما راه را گم کرده‌ایم.»[۴] دبیر مجمع تشخیص مصلت نظام در دانشگاه آزاد بندر عباس با بیان این که تنش‌زدایی در دستور دولت من است افزود: «حقّ نداریم سلیقه خود را به منافع ملی ترجیح دهیم.»[۵]

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۰.
۲- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۶.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۶.
۵- همان، ۱۳۸۸/۲/۲۹.

محسن رضایی در جمع مردم شهرکرد با بیان بخشی از مشکلات کشور گفت: «کشور ما به جای یک دولت نیاز به سه دولت اساسی دارد. اقتصاد کشور یک دولت، سیاست داخلی یک دولت و سیاست خارجی هم دولت.» وی در ادامه اظهار داشت: «کشور را نمی‌توان با یک تیم کوچک و یک جناح اداره کرد بلکه این کشور نیاز به یک دولت ائتلافی دارد.»[1] محسن رضایی در جمع اقشاری از مردم اصفهان نیز با اشاره به این‌که حضور در صحنه انتخابات یک تکلیف الهی است، گفت: «آمده‌ام دیگر درگیری در کشور وجود نداشته باشد و همان‌گونه که مردم صدام را از کشور بیرون کردند، خواهیم توانست فقر، بیکاری، عقب‌ماندگی را از کشور بیرون نماییم.»[2]

رضایی در مسجد اعظم ارومیه با اشاره به وجود اقوام مختلف در ایران گفت: «در صورت رئیس جمهور شدن، میان اقوام ایرانی مسابقه‌ای در حوزه اقتصاد، صنعت و فرهنگ ایجاد می‌کنم.» وی افزود: «تقویت اقوام موجب امنیت ملی می‌شود.»[3] دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمع مردم تبریز گفت: «جوانانی که شاه را از کشور بیرون یا خرمشهر را آزاد کردند، می‌توانند فقر و گرانی را هم از کشور بیرون کنند.» وی در ادامه گفت: «هدف اصلی من این است که زندگی مردم بهبود و رفاه مردم افزایش یابد. چرا که اگر معاش نباشد معاد هم نخواهد بود.» رضایی در خصوص حقوق شهروندی نیز گفت: «من حقوق شهروندی را به معنای

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۲. ۲- همان.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۷.

اعم دنبال می‌کنم و معتقدم باید در دولت ائتلافی حقوق همه و حتی زندانیها رعایت شود.»[۱] محسن رضایی در سفر به مشهد مقدّس در جمع مردم این شهر بیان داشت: «هرگز حاضر نیستم نظام و مردم را فدای خود کنم.»[۲]

محسن رضایی در اوّلین نطق تلویزیونی خود در برنامه با دوربین شبکه اوّل سیما بیان داشت: «امروز در بعد سیاسی در منطقه مقام اوّل و در سطح دنیا جزء ۱۰ کشور اوّل هستیم.» وی ضمن بیان برخی عملکردهای دولتهای گذشته گفت: «دولتهای قبلی و دولت فعلی زحمات زیادی کشیدند و اصلاحاتی انجام دادند و هر کدام به سبکی و با برنامه‌ای و با یک تیمی. اما موفقیتهای آنها مورد رضایت ملّت ایران نبوده و زندگی ما در ایران شایسته نظام مقدّس جمهوری اسلامی ایران و جامعه و ملّت ما نیست.» وی در ادامه در خصوص هدف از آمدن در صحنه انتخابات گفت: «ما برای شعار دادن نیامده‌ایم و اتفاقاً برای پایان دادن به شعارزدگی آمده‌ایم. ما برای پایان دادن به وعده و وعید آمده‌ایم.» رضایی با بیان این‌که آمار تصادفات جاده‌ای بالاست، گفت: «آمار کشته شدگان تصادف سالانه ۷۰ هزار نفر است و باید کنترل شود.»

در همین رابطه محمدکاظم انبار لویی (سردبیر روزنامه رسالت) با اشاره به سخنان رضایی در برنامه شبکه اوّل سیما که گفته بود؛ ایران امروز قدرت اوّل منطقه است، نوشت: «طبیعی است شیرینی این سخن با آن

۱- همان، ۱۳۸۸/۳/۱۸.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۹.

تلخی که وی پیش از این گفته بود» ادامه راه دولت نهم کشور را به لبه پرتگاه می‌برد « نمی‌خواند و باید گفته شود سهم دولت نهم در رسیدن به این جایگاه بالا چه بود؟»[1] همچنین سردار رویانیان (رئیس راهنمایی و رانندگی ناجا) در واکنش به اعلام آمار تلفات تصادف توسط رضایی گفت: «از سال گذشته تنها ۲۳ هزار و ۳۰۰ نفر در تصادف جان باخته‌اند و ادعای رضایی مبنی بر کشته شدن ۷۰ هزار نفر سالانه، کذب است.»

محسن رضایی در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دو سیما برنامه‌هایش را این چنین ترسیم کرد: «باید از افتخارات ملی‌مان با تمام توان دفاع کرده و نسبت به کمبودها و کاستیها به هیچ وجه کوتاه نیاییم و در قبال فقر، بیکاری و تورم مسؤولانه برخورد کرده و نمی‌شود کاندیداها تنها با مردم همدردی کند؛ بلکه مدیریت توانمند می‌بایست در کنار همدردی با مردم عالمانه و توانایی در اجرای روشها و فرایندها را نیز تقویت کند. عدالت سیاسی مقدم بر عدالت اقتصادی است. اگر نتوانیم در قالب عدالت سیاسی افراد را در سر جای خودشان به کار بگیریم، قادر به تحقق عدالت اقتصادی در جامعه نخواهیم بود.»

وی در ادامه با تشبیه اقتصاد ایران به ماشینی که در چاله گیر کرده، افزود: «در انقلاب اقتصادی من اوّل باید ریل‌گذاری جدیدی شود و اقتصاد دولتی محور، به مردم محور تبدیل شود. وی با تأکید بر مزیت سنّتی ایران در نفت و گاز گفت: «در انقلاب اقتصادی من مزیتهای نسبی

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۶.

دیگـری مـانند تـجارت، خـدمت، انـبارداری و خـدمات فـرودگاهی، گردشگری و گردشگری سلامت مورد توجه خاص قرار خواهند گرفت.» این کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری افزود: «نمی‌شود به خاطر آن که رئیس جمهور نـماینده اکـثریت است، اقـلیت جـامعه را فراموش کرد. رئیس جمهور در قبال همه مردم مسؤول است و باید از همه ظرفیتهای کشور استفاده کند.»

رضایی در خصوص ضمانت اجرایی وعده‌هایش گفت: «۱۲ سال کار کارشناسانه برای کارهایم دارم و بخشی از آن در سند چشم‌انـداز ایـران دیده شده است. البته نه این که همه اینها را من انجام داده باشم؛ بلکه من در تهیه مقدمات آنها نقش اساسی داشته‌ام.» وی دیگر ضمانت اجرایـی وعده‌هایش را تعامل با دیگر قوا، نمایندگان مـجلس و مـجمع تشـخیص مصلحت نظام دانست و افزود: «من هیچ محدودیتی برای خود نمی‌گذارم و از همه نیروهای ارزشی کارآمد و نخبگان برای اداره امور کشور استفاده می‌کنم.»[۱]

هاشمی و انتخابات

پس از ارتـحال جـانگداز حـضرت امـام(ره) و پـایان یـافتن جـنگ تحمیلی، لزوم بازسازی خـرابـیهای نـاشی از جـنگ تـحمیلی و سـاخت زیربنایی کشور، به عنوان یک راهکار برای دهه دوم انقلاب مورد توجه

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۳.

قرارگرفت و گفتمان سازندگی با ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در کشور تسری یافته و پیشرفتهای خوبی نیز حاصل شد. اما علی‌رغم توسعه و بازسازی، نکته حائز اهمیتی که می‌توان از آن به عنوان ضعف تأمل‌برانگیز این گفتمان برشمرد، تکیه صرف بر توسعه اقتصادی و عدم توجه به عدالت و به حاشیه راندن فرهنگ و آزادی بود. این در حالی بود که مقام معظّم رهبری در دوران سازندگی بر عدالت اجتماعی و اقتصادی ساده‌زیستی مسؤولان و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن تأکید ویژه‌ای داشتند. اما همواره این مسأله مهم و بسیار اساسی لابه‌لای چرخهای بزرگ سازندگی گم می‌شد و گاه به مسابقه تجمل و اشرافیت میان برخی مسؤولان و کارگزاران سیاسی نظام می‌انجامید.

پس از پایان مدت هشت ساله ریاست جمهوری که هاشمی رفسنجانی سردار سازندگی نیز لقب گرفت، تلاشهایی انجام شد تا با تغییر مختصری در قانون اساسی مدت ریاست جمهوری برای یک نفر از هشت سال به دوازده سال ارتقاء یابد و بدین ترتیب زمینه‌ای فراهم شود تا امکان رئیس‌جمهور شدن هاشمی رفسنجانی برای ۴ سال دیگر مهیا گردد.

اگرچه این خواسته در عمل تحقق نیافت، اما پس از برگزاری انتخابات دوم خرداد ۷۶ و انتخاب سید محمدخاتمی به عنوان رئیس جمهور هفتم، مجدّداً حرکتهایی شکل گرفت که سعی داشت جریان اصلاحات برآمده از دل دوم خرداد ۷۶ را به نوعی ادامه جریان سازندگی دولت هاشمی بداند. در این رابطه فائزه هاشمی گفت: «یادم است در خرداد ۷۶ به هر استانی یا سخنرانی یا دانشگاه یا مسجدی که می‌رفتم بر این نکته تأکید

داشتم که مردم کسی را انتخاب کنند که ادامه راه دوره سازندگی باشد.»[۱]

البته همین اندیشه موجب شد تا جریان فکری که در پشت صحنه قرار داشت، واکنشهای تندی را نسبت به هاشمی نشان دهند. آنان که نمی‌خواستند خاتمی از هاشمی خط بگیرد، هجمه‌های خود را تا جایی پیش بردند که هاشمی را عالیجناب سرخپوش معرفی کردند و همچنین بسیاری از تحلیلگران حضور مردم در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری ورأی ۲۰ میلیونی به خاتمی را بی‌رغبتی مردم نسبت به دولت هاشمی و ناکارآمدی گفتمان سازندگی دانستند.

اصلاح‌طلبان که با طرح شعار ایران برای همه ایرانیان پا به عرصه سیاست گذارده بودند، زمینه حضور حلقه جدیدی از روشنفکران و جریان غرب‌زده التقاطی با هدف تحقق پروژه توسعه سیاسی و جامعه مدنی و سکولاریزه کردن حاکمیت دینی در اطراف رئیس جمهور را فراهم نمودند. آنان با توهم پشتیبانی بیست میلیونی از اندیشه‌هایشان در طول سالهای ۷۶ تا ۷۸ بسرعت اعتقادات و مسلمات و خطوط قرمز نظام را به چالش کشاندند. آنان که از دوران هاشمی به عنوان دوران خفقان یاد می‌کردند، شعارهای جامعه مدنی و آزادی را پر رنگ‌تر از همیشه مطرح ساختند و در ادامه فعالیتهای تخریبی خود علیه هاشمی، در جریان انتخابات مجلس ششم چنان هجمه تندی علیه هاشمی روا داشتند و علیه وی تبلیغات منفی کردند تا هاشمی که نفر سی‌ام در تهران شده بود، مجبور

۱- ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی، ۱۳۸۸/۳/۲.

به استعفا شد.

حرکت جریان اصلاحات با روی کار آمدن مجلس ششم روند افراطی گسترده‌ای پیدا کرد. به طوری که تلاش برای تصویب طرح دو فوریتی اصلاح قانون مطبوعات و شتاب دادن به حرکات تخریبی روزنامه‌های زنجیره‌ای که با برخورد قاطع رهبر معظّم انقلاب نا کام ماند، اوّلین، تحصن و استعفا و خروج از حا کمیت آخرین اقدام این جریان بود و ماحصل کار آنان علاوه بر ستیز آشکار با بخشهای دیگر نظام و از جمله تلاش برای حذف جمهوریت و اسلامیت نظام، نا کارآمدی در شعارهای ادعایی نظیر توسعه سیاسی بود که با برگزاری انتخابات شوراهای دوم و با مشارکت ۱۱ درصدی مردم تهران، علی‌رغم حضور همه گرایشهای سیاسی حتی اپوزیسیونهای غیر قانونی رقم خورد.

شکست جریان اصلاحات در انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا و متعاقب آن در هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی زمینه‌های حضور اصولگرایان در عرصه‌های دیگر را فراهم نمود. اصلاح‌طلبان پس از پایان دوره ریاست جمهوری خاتمی، به دنبال القاء این‌که قحط‌الرجال شده است، دوباره سراغ هاشمی رفسنجانی رفتند و علی‌رغم حمایت از حضور کروبی، مهر علیزاده و معین، با توجه به ارتباطهایی که با او گرفتند، وی را با خود نزدیک دیدند.

با به دور دوم کشیده شدن انتخابات نهم حمایتهای اصلاح‌طلبان از هاشمی دو چندان شد. به گونه‌ای که حزب مشارکت در بیانیه خود در دور دوم انتخابات ۸۴ ضمن حمایت از هاشمی اعلام کرد: «برای جلوگیری از

انحصار کامل قدرت و یکپارچه شدن حاکمیت و خطر ظهور فاشیسم دست خود را به سوی همه نیروهای حامی آزادی، دموکراسی و حقوق بشر دراز می‌کنیم و از همه آنها می‌خواهیم که در این شرایط حساس بی‌تفاوت نبوده و نسبت به آنچه رخ داده با حضور خود در انتخابات دور دوم واکنش نشان دهند.»[۱]

در جریان انتخابات نهم هاشمی رفسنجانی با تجربه هشت سال ریاست جمهوری و با حمایت اصلاح‌طلبان و برخی اصولگرایان امید فراوانی برای پیروزی داشت. بویژه آن که رقیب وی یعنی محمود احمدی‌نژاد فردی ناشناخته بود. اما دلایل متعددی موجب شد تا هاشمی در انتخابات پیروز نباشد و رقیب وی بر کرسی ریاست جمهوری جلوس کند. اگرچه شخصیت هاشمی برای مردم شناخته شده بود، ولی تخریب نمایندگان وی در مناظره با نمایندگان احمدی‌نژاد تأثیر بسزایی در شکست هاشمی داشت. در دور دوم انتخابات ۸۴ علی‌رغم این‌که شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی طی بیانیه‌ای هاشمی رفسنجانی و احمدی‌نژاد را اصولگرای اصلاح‌طلب نامید، اما تیم مشورتی تبلیغاتی هاشمی که بیشتر از اعضای حزب کارگزاران بودند تمایل زیادی به اصلاح‌طلبان پیدا کردند. این تمایل را از بیانیه‌ها و سخنرانیها و حتی پوستر و فیلم تبلیغاتی و پوشش هواداران هاشمی می‌توان یافت، تا جایی که از هاشمی شخصیتی متفاوت با هاشمی دهه ۷۰ نمایان کرد. دیگر هاشمی،

۱- ایران، ۱۳۸۸/۱/۲۵.

هاشمی دهه ۷۰ نبود، بلکه هاشمی ۲۰۰۵ بود.[1]

در ایام رقابتهای نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، احمدی‌نژاد انتقادهای فراوانی را به روند اداره کشور بویژه اشرافیگریهای مسؤولان روا داشت و بر حاکمیت مجدّد نگاه ارزشی و انقلابی بر قوّه اجرایی کشور اصرار ورزید. وی «عدالت» و «مهرورزی» را سرلوحه کار خود قرار داده و توانست در دور دوم انتخابات بر رقیب سرشناس و بزرگ خود فائق آید.

با پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات نهم و کسب ۱۷ میلیون رأی، برخلاف رویه گذشته که کاندیدای مغلوب اعتراف به شکست کرده و در مقابل خواست ملّت سر فرود می‌آوردند، اما هاشمی رفسنجانی حاضر به ارسال پیام تبریک به احمدی‌نژاد نشد و بسیاری این کار را غیر اخلاقی و به ملاحظهٔ سنگین بودن شکست برای هاشمی تلقی کردند. برای وی و حامیانش غیر قابل باور بود که فردی ناشناخته بدون پشتوانه حزبی و گروهی پیروز انتخابات شود. لذا پس از روی کار آمدن دولت نهم، بعد از گذشت مدتی سکوت ناشی از شوک شکست تلخ انتخابات نهم، انتقادهایی از سوی هاشمی و همفکرانش در محافل و مجالس گوناگون علیه دولت نهم مطرح شد.

اگرچه تریبون نماز جمعه تریبون نظام است و مسائل جاری و مهم نظام با بی‌طرفی در آن مطرح می‌شود و بارها از سوی مسؤولین عالی‌رتبه نظام

۱– اشاره به پوستر تبلیغاتی هاشمی با حروف انگلیسی (hashemi 2006).

و مسؤول سیاست‌گذاری نماز جمعه بر آن تأکید شده است، اما جناح موسوم به چپ به دلیل طرز تفکر خاص خود همواره این تریبون را مورد اتهام قرار داده که آن متعلق به جناح خاصی است.

پس از انتخابات ۸۴ و انجام برخی اقدامات بی‌سابقه توسط دولت نهم مانند سفرهای استانی و ایستادگی در برابر دشمنان برای احقاق حقّ هسته‌ای و حضور مقتدرانه رئیس جمهور در نیویورک و دانشگاه کلمبیا و... بارها مورد تأیید و حمایت مقام معظّم رهبری نیز واقع شد، اما هاشمی رفسنجانی به عنوان خطیب این جایگاه ارزشمند در این خصوص هیچ‌گونه اظهار نظری نکرده و به نوعی به آن بی‌اعتنایی نمود و حاضر نشد یکی از کارهای مثبت دولت را مورد حمایت قرار دهد. چیزی که اکثریت قاطع شرکت‌کنندگان در نماز جمعه فارغ از دسته‌بندیهای جناحی، از وی انتظار داشتند.

هاشمی که مورد توجه محافل اصلاح‌طلبی واقع شده بود، پس از شکست در انتخابات ۸۴ بیش از پیش نزدیکی آنان را به اثبات رساند. هاشمی در اغلب موارد اندیشه‌ها و طرز فکر اصلاح‌طلبان را همراهی می‌کرد و با انتقاد از دولت نهم اختلاف نظر خود را با احمدی‌نژاد بیشتر آشکار می‌نمود.

با نزدیک شدن ایام دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری سخنان وی با برجسته‌نمایی خاصی مورد توجه رسانه‌های دوم خردادی قرار گرفت. هاشمی در دیدار با اعضای حزب اسلامی کار ضمن انتقاد از سیاستهای فرهنگی دولت گفت: «برخورد با احزاب و مطبوعات در این

مقطع سم مهلکی برای کشور است.»[1] وی که همواره از مدیریت کشور گلایه می‌کرد، طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و پرداخت نقدی آن به مردم را گداپروری خواند. هاشمی در دومین سمپوزیوم بین‌المللی ایران ۱۴۰۴ با تأکید بر اجرای سند چشم‌انداز بیست ساله بیان داشت: «فرهنگ سند چشم‌انداز در قوای سه گانه جا نیفتاده است. متأسفانه ما بدترین نوع مدیریت و استفاده از نعمت الهی و ثروتهای کشور را داریم.»[2] وی در همان جلسه از آنچه گداپروری و اقتصاد صدقه‌پروری در کشور می‌نامید، انتقاد کرد.[3] هاشمی همچنین در ادامه انتقادهای خود از سیاستهای اقتصادی دولت، بیان داشت: «چه کم داریم که جزء مرفه‌ترین مردم دنیا نیستیم؟»[4] و در دیدار فراکسیون خط امام (ره) گفت: «با وجود درآمدهای نفتی نباید وضعیت مردم این‌گونه باشد.»[5] وی در جمع دانشجویان دانشگاه آزاد پرند نیز بیان داشت: «در این چهار سال از آنچه بودیم پایین‌تر آمدیم.»[6] از همین رو اصلاح‌طلبان از هاشمی در راستای اهداف خود استفاده نمودند. در این رابطه محسن آرمین (سخنگوی سازمان مجاهدین) گفت: «چهره‌هایی مثل هاشمی رفسنجانی با اصلاحات همراه شده‌اند که می‌توانند محدودیتهای طرف مقابل را زیاد کنند.»[7]

علی رغم حمایتهای مقام معظّم رهبری از دولت نهم، مواضع هاشمی

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۸/۲۵.
۲- جهان اقتصاد، ۱۳۸۷/۸/۲۷.
۳- اعتماد ملی، ۱۳۸۷/۸/۲۷.
۴- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۹/۱۸.
۵- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۱۰/۱۱.
۶- همان، ۱۳۸۸/۲/۱۹.
۷- ایران، ۱۳۸۸/۱/۲۷.

رفسنجانی به گونه‌ای بود که اختلاف را بیش از پیش نمایان می‌ساخت و دشمنان را به طمع انداخت تا از این آب گل‌آلود ماهی بگیرند. لذا دشمنان سعی نمودند تا با استفاده از جنگ روانی این‌گونه القاء نمایند که در داخل نظام جنگ قدرت وجود دارد. در همین راستا پس از ارتحال آیت‌الله مشکینی رئیس سابق مجلس خبرگان رهبری و قبل از انتخاب رئیس جدید آن، بیگانگان در جنگ رسانه‌ای خود از اختلاف میان مقام معظّم رهبری و هاشمی سخن به میان آورده و بیان داشتند که آیت‌الله خامنه‌ای نخواهد گذاشت هاشمی رئیس مجلس خبرگان شود. اما پس از انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان رهبری گفتند، آنان بین خود قدرت را تقسیم نمودند!

هاشمی رفسنجانی بارها این ادعا را تکذیب کرده و بر وفاداری خود به مقام معظّم رهبری تأکید ورزید. وی در همایش ملی سی سال انقلاب اسلامی دستاوردها و آسیبها و فرصتها که در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد ضمن اعلام تبعیت از مقام معظّم رهبری گفت: «من فکر می‌کنم در این کشور دو نفر که از من و رهبری به هم نزدیک‌تر باشند پیدا نمی‌کنید... عشقم آقای خامنه‌ای است. ما ۵۰ سال است که رفیق صمیمی و یار غار هستیم و اسرار جدایی نداریم. تعبیرهای زیادی از ایشان درباره من هست که آنها را نمی‌گویم. من هم به ایشان ارادت دارم. البته در مواردی هم مثل هر انسان متفکری اختلاف نظر داریم. یک بار درباره این موضوع بحث کردیم و نتیجه این شد که طبیعتاً ایشان حجتی ندارد بخواهد نظر مرا بپذیرد. اما من نمی‌توانم صرفاً به نظر خود عمل کنم زیرا

حجت دارم و قانوناً و شرعاً باید از ایشان تبعیت کنم.»[1] وی همچنین در دیدار با جمعی از استادان دانشگاه علم و صنعت ایران با اشاره به سابقه پنجاه ساله دوستی خود با رهبر معظّم انقلاب و شناخت کامل از ایشان در مقاطع مختلف مبارزه و تداوم انقلاب اسلامی گفت: «ایشان شخصیتی نواندیش و پیشرو در مسائل مختلف هستند و تبلیغ رسانه‌های خارجی مبنی بر القای جنگ قدرت در سطوح بالای نظام انصافاً ظلمی بزرگ و ناحقّ در مورد انقلاب اسلامی است.»[2] ولی با نزدیکی ایام دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به دنبال برخی اختلافهای هاشمی با رئیس جمهور، بنا به گفته بسیاری از نزدیکان هاشمی رفسنجانی، وی به دنبال تغییر وضع موجود بود. در همین رابطه مرتضی الویری (حامی کروبی) گفت: «هاشمی بشدّت نگران تداوم وضع موجود است.»[3]

نگرانیهای انتخاباتی هاشمی[4] و هشدار انتخاباتی هاشمی[5] از جمله تیترهای اصلاح‌طلبان برای همراهی هاشمی با خود بود. هاشمی که تلاش داشت تا موضع خود را در انتخابات دهم پنهان نگه دارد، اما برخی اقدامات و سخنان وی آن را آشکار نمود. رئیس تشخیص مصلحت نظام ضمن حمایت از تشکیل دولت وحدت ملی در گفتگو با علی زادسر نماینده سابق مجلس درباره موضع خود نسبت به انتخابات گفت: «در مورد انتخابات اعتقاد من همان است که در جلسه جامعه روحانیت بحث

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۹/۳.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۶.
۳- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۲/۱۳.
۴- همان، ۱۳۸۷/۹/۶.
۵- همان، ۱۳۸۷/۱۱/۱۲.

شد و آن این است که همهٔ کسانی که خود را به هر نوعی جزء اصولگرایان می‌دانند، یکی از ۴ نفر مطرح شده یعنی ناطق نوری ـ روحانی ـ لاریجانی و ولایتی را نامزد کنند و متفرق نشوند.»[۱] اگرچه حجةالاسلام شجویی و مصباحی مقدم (از اعضای جامعه روحانیت مبارز) در اظهاراتی بیان داشتند که جامعه روحانیت مبارز هیچ‌گونه دیدار انتخاباتی با هاشمی نداشته است[۲]، اما محمد عطریانفر (عضو شورای مرکزی کارگزاران) در گرگان در خصوص موضع هاشمی در انتخابات دهم گفت: «آقای هاشمی صراحتاً از موسوی حمایت نکرده اما ما که از نزدیکان ایشان هستیم می‌دانیم که هاشمی از موسوی حمایت می‌کند. زیرا با پیروزی موسوی بسیاری از اهداف و آرمانهای هاشمی تحقق پیدا می‌کند.»[۳]

در جریان انتخابات دهم بسیاری از نزدیکان هاشمی و اوّلین حزب دولت ساخته یعنی کارگزاران از کاندیداتوری موسوی حمایت کردند. لذا برخی از محافل از حمایتهای پنهانی هاشمی از موسوی خبر دادند. محمدعلی ابطحی (حامی کروبی) در مورد حمایت هاشمی از موسوی گفت: «روزنامه فرهیختگان که قبلاً پشتیبانی فنی و تخصصی دانشگاه آزاد را برعهده داشت، قرار است به عنوان یک روزنامه سراسری انتشار یابد که اگرچه در ظاهر بی‌طرف خواهد بود ولی به دلیل حمایت ضمنی هاشمی و دانشگاه از آقای موسوی این روزنامه چتر حمایتی از ایشان را در انتخابات خواهد داشت.»[۴]

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۲۷.
۲- همان.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۴.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۳۱.

همچنین در رابطه با دلیل حمایت دانشگاه آزاد از موسوی حجةالاسلام فخر آذر (دبیر شاخه روحانیون حزب اعتماد ملی) در ارومیه گفت: «تلاش برای تغییر مدیریت دانشگاه آزاد در دولت نهم آن را به تریبون موسوی برای انتقام‌گیری تبدیل کرده است.»[۱]

در حالی که هاشمی بر لزوم تغییر وضعیت موجود اصرار داشت، امیر محبیان (عضو مؤسس حزب نواندیشان) از رسیدن هاشمی و اصلاحات به نقطهٔ اشتراک انتقاد از جریان حاکم بر دولت خبر داد.[۲] هاشمی علی‌رغم انتقادهایی که در گذشته از سیاستهای اقتصادی موسوی داشت، اما در انتخابات دهم وی از موسوی حمایت کرد. موسوی که در اوّلین کنفرانس مطبوعاتی‌اش برای اعلام حضور گفته بود به مشاورت هاشمی و خاتمی افتخار می‌کنم، دیداری را با هاشمی انجام داد. سایت انتخاب دهم (حامی موسوی) ضمن گزارشی از این دیدار نوشت: «هاشمی در دیدار با موسوی ضمن ابراز خوشحالی از حضور میرحسین موسوی در انتخابات گفته حضور شما، نیروهای اصیل انقلاب را دلگرم می‌کند. شما محکم بایست و شعارها و برنامه‌های شفافی را ارائه دهید و به روز باشید و تبلیغات را هم خوب انجام دهید تا قشر جوان را جذب کنید.» میر حسین هم در این دیدار گفت: «شما از استوانه‌های نظام هستید. هروقت می‌دیدم که چگونه به شما توهین می‌شود ناراحت می‌شدم. وجه مشترک من و شما تغییر در مدیریت کشور است.»[۳]

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۳. ۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۹/۱۱.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۱/۱۷.

این بود که بسیاری از فعالان سیاسی حامی دولت، هاشمی رفسنجانی را رهبر جریان ضد احمدی‌نژاد دانستند. حسین فدایی (دبیرکلّ جمعیت ایثارگران) در جمع اساتید دانشگاههای اصفهان در این باره گفت: «هاشمی رفسنجانی بنا دارد احمدی‌نژاد رأی نیاورد. صریح هم می‌گوید و از هر ظرفیتی که در این زمینه مؤثر باشد استفاده می‌کند.»[1] محمدرضا باهنر (دبیرکلّ جامعه اسلامی مهندسین) نیز درباره نگاه هاشمی به انتخابات و این‌که رئیس تشخیص مصلت نظام دل خوشی از این‌که احمدی‌نژاد مجدّداً رأی بیاورد ندارد، بیان داشت: «نمی‌دانم نظر قطعی هاشمی روی کدام یک از کاندیداهاست ولی این را به طور قطع اعلام می‌کنم که اگر از هاشمی بپرسید به چه کسی رأی می‌دهید، می‌گوید به احمدی‌نژاد رأی نمی‌دهم.»[2]

محسنی اژه‌ای (وزیر اطلاعات) در همایش سراسری مسؤولان هیأتهای رزمندگان اسلام یکی از مقاطعی که دشمن در صدد استفاده از آن بود را مقطع انتخابات دانست و از همبستگی گروههای مخالف احمدی‌نژاد خبر داد و گفت: «به طور مشخص از اولویتهای درجه اوّل آقای هاشمی نیز این بود که به هر قیمتی که شده احمدی‌نژاد در انتخابات پیروز نشود و شاهد بودیم که یک صف طویل از مخالفان احمدی‌نژاد تشکیل شد که در آن از افراد و گروهها با انگیزه‌های مختلف یکصدا بودند.»

۱- وطن امروز، ۱۳۸۸/۳/۱۳.
۲- همان.

سید مرتضی نبوی (عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام) نیز درباره نقش و دیدگاه هاشمی در انتخابات گفت: «در این‌که موضع آقای هاشمی، نه احمدی‌نژاد است، تردیدی نیست. هاشمی با ادامه ریاست جمهوری احمدی‌نژاد مخالف است. کارگزاران که به نوعی منتسب به هاشمی است هم از موسوی حمایت می‌کند.» وی با اشاره به شکست هاشمی در دوره نهم ریاست جمهوری بیان داشت: «آقای هاشمی در سال ۸۴از آقای احمدی‌نژاد شکست خورد و حتی پس از پیروزی آقای احمدی‌نژاد به وی این پیروزی را تبریک نگفت و هیچ وقت دلش نسبت به آقای احمدی‌نژاد صاف نشده، چرا که موضع وی نسبت به آقای احمدی‌نژاد نه است. البته ظهور این موضوع را می‌توان در حمایت فرزندان هاشمی و حزب کارگزاران از میرحسین موسوی دید. اظهارات فائزه هاشمی در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی و تخریب احمدی‌نژاد جای هیچ حرف و حدیثی را باقی نمی‌گذارد. حمایت فرزندان هاشمی از میرحسین و تخریب سازماندهی شده دولت در این راه به گونه‌ای بود که حمید رسایی (نماینده مجلس هشتم) در جمع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت با اشاره به حامیان میلیاردر موسوی، اکبر هاشمی رفسنجانی را عامل بسیج اعضای خانواده‌اش به منظور رأی نیاوردن احمدی‌نژاد اعلام کرد. البته حمایت خانواده هاشمی از میرحسین موسوی تنها در نطقهای انتخاباتی خلاصه نمی‌شد بلکه قسمت بیشتر حمایتهای آنان به پشتیبانی مالی از ستادهای میرحسین و رسانه‌های پشتیبان این کاندیدای

اصلاح‌طلب برمی‌گردد.»[۱] به طوری که علاوه بر در اختیار گرفتن برخی روزنامه‌های محلی، روزنامه‌های صدای عدالت ـ کلمه سبز ـ اندیشه نو ـ حیات نو ـ سرمایه ـ توسعه ـ عصر اقتصاد ـ فرهیختگان ـ اسرار ـ آفتاب یزد به تبلیغ موسوی پرداختند. این در حالی بود که اصلاح‌طلبان مدعی بودند که هیچ رسانه و روزنامه‌ای برای تبلیغات و ارتباط با مردم ندارند.[۲]

همچنین سایت قلم نیوز (سایت حامی موسوی) از حضور حداقل ۱۴۹۰ مقام و مدیر دولتی سابق در ستاد موسوی خبر داد. این سایت نوشت: «از این تعداد ۱۲ نفر معاون رئیس جمهور و نخست وزیر، ۱۷۰ نفر نماینده مجلس، ۴۰ نفر استاندار، ۵۵ نفر معاون استاندار، ۲۵۰ نفر فرماندار و ۳۲۰ نفر شهردار بوده‌اند.» فهرست کردن این لیست از آن جهت جالب توجه بود که موسوی و اصلاح‌طلبان حامی وی، مدعی تغییر در کشور بودند؛ حال آن‌که به تصریح آمار مذکور، حامیان اصلی و جدّی وی طی بیش از دو دهه سکان اجرایی قسمتهای مختلف کشور را به دست داشته‌اند و درواقع اگر کاستیها و نقصهایی مورد اعتراض قرار گیرد قبل از هر چیز خود را زیر سؤال برده‌اند. قلم نیوز در ادامه نوشت: «بدیهی است این آمار شامل دیگر مسؤولانی که از مهندس موسوی طرفداری می‌کنند ولی رسماً در ستاد ایشان فعالیت ندارند نمی‌شود.»[۳] سایت حامیان کروبی در این باره با درج یادداشتی با عنوان میرحسین احتمال رأی آوری‌اش بیشتر است! آورد: « کروبی تبلیغات آن چنانی نکرده و جز یک روزنامه و

۱- همان. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۵.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۱.

دو سه سایت خبری امکانات کلانی ندارد، چون نه هاشمی پشت سرش است که یک شبه ستادهایش را تجهیز کنند و نه فرزندان هاشمی رفسنجانی. نه بیش از ۲۰ سایت خبری دارد و نه چندین روزنامه که با هزینه جاسبی و فرزندان هاشمی رفسنجانی اداره شوند.»[۱] روزنامه لس آنجلس تایمز با یادآوری گذشته و رقابت هاشمی و احمدی‌نژاد در انتخابات نهم نوشت: «رفسنجانی با هزینه چندین میلیون دلار شبکه‌ای الکترونیکی را راه‌اندازی کرده است و همچنین برای کمک به موسوی ۳۰۰ شعبه از دانشگاه آزاد را در اختیار وی گذاشته است تا در رقابتهای انتخاباتی برای وی فعالیت کرده و از او حمایت کنند.»[۲] روزنامه لوفیگاروی فرانسوی به نقل از یک منبع نزدیک به هاشمی بیان داشت: «این نامزد ثروتمند و ناکام انتخابات سال ۲۰۰۵ قصد انتقامجویی از رقیب پیشین خود را دارد... هاشمی مغز متفکر ائتلاف ضد احمدی‌نژاد تمام تلاش خود را برای پیروز نشدن مجدّد رئیس جمهور کنونی به کار گرفته است.»[۳]

در همین رابطه علیرضا زاکانی (نماینده مجلس هشتم) در اظهاراتی بیان داشت: «اساس میدان نفی احمدی‌نژاد را آقای هاشمی رفسنجانی اداره می‌کند. در کشور در میان صف‌بندیهای موجود یک صف‌بندی به دنبال نفی احمدی‌نژاد است که سمت و سوی آن را هاشمی رفسنجانی سامان می‌دهد و اساس این حرکت نیز نه احمدی‌نژاد است.»[۴]

۱- وطن امروز، ۱۳۸۸/۳/۱۳.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۰.
۳- همان.
۴- همان، ۱۳۸۸/۲/۳۱.

فرزندان هاشمی به طور مستقیم هزینه‌های دو سایت سیاسی - انتخاباتی مخالف دولت را تأمین می‌کردند. مهدی هاشمی هزینه سایت جمهوریت و محسن هاشمی هزینه سایت آینده را تأمین می‌نمودند و این‌گونه بود احمدی‌نژاد در جریان مناظره خود با موسوی از هاشمی رفسنجانی نام برد و به برخی از مسائل پشت پرده اشاره کرد. احمدی‌نژاد در مناظره با موسوی گفت: «امروز این آقای موسوی نیست که در برابر من قرار گرفته بلکه در برابر من سه دولت گذشته، هم آقای موسوی هم آقای هاشمی و هم آقای خاتمی که در دوره قبل نیز از آقای هاشمی حمایت کردند، قرار دارم. اینها همه باهم بودند و از اوّل به دولت هجوم آوردند و مردم می‌دانند و این حرکت نیز با محوریت آقای هاشمی، موسوی و خاتمی علیه دولت حرکت می‌کنند.»

محمود احمدی‌نژاد در طول ۴ سال ریاست جمهوری‌اش از مبارزه با مفاسد اقتصادی دم زده بود، پیوسته از دست‌اندازی برخی افراد به بیت‌المال در سالهای گذشته سخن می‌گفت. وی که با ساده‌زیستی خود مخالفتش را با اشرافیگری ابراز کرده بود، همواره مفسدان اقتصادی را تهدید به افشای اسامی آنها به ملّت می‌کرد. احمدی‌نژاد که بارها از سوی مردم و دانشجویان و رسانه‌ها حتی رسانه‌های مخالف[1] به دلیل اعلام نکردن اسامی خطاب قرار گرفته بود، در مناظره خود با موسوی از برخی مفاسد اقتصادی و جریان مخالف دولت خبر داد. اما سخنان احمدی‌نژاد

۱- کارون، ۱۳۸۸/۳/۱۶.

با واکنشهای متفاوتی از سوی شخصیتها و محافل سیاسی مختلف روبه‌رو شد. در اوّلین واکنش، دفتر هاشمی رفسنجانی در نامه خطاب به ضرغامی خواستار تعیین فرصتی جهت پاسخگویی به مسائل پیرامون خود شد.[۱] رئیس صدا و سیما در پاسخ به پرسشی در خصوص امکان استفاده از رسانه ملی برای افرادی که در این مناظره‌ها به نحوی از آنان نام برده می‌شود، گفت: «رسانه ملی موظف به اجرای مصوبات قانونی کمیسیون مادّه ٦٢ بوده و تلاش می‌کند تا اگر در جریان مناظره‌ها نسبت به نامزدهای غایب مطالب انتقادی مطرح شود فرصت مساوی پاسخگویی را برای آنان فراهم کند، ولی در سایر موضوعات به حسب رویه گذشته و نظرات قانونی شورا، پس از انتخابات تصمیم‌گیری می‌شود.»

به گزارش ایسنا ضرغامی افزود: «در حال حاضر درخواستهای فراوانی از سوی افراد حقیقی و حقوقی مربوط به هر دو طرف مناظره ۱۳ خرداد به رسانه ملی واصل شده است که با مشورت نهادهای نظارتی نحوه پاسخ و انعکاس توضیحات آنان بررسی و اقدام خواهد شد.»[۲] همچنین دفتر رئیس تشخیص مصلحت نظام طی بیانیه‌ای از پیگرد موارد اتهامی از طریق مراجع قانونی و ذیصلاح خبر داد.[۳]

در حاشیه مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) و در پایان سخنرانی مقام معظّم رهبری، صحنه دادن نامه هاشمی رفسنجانی به احمدی‌نژاد و گفت و شنود چند ثانیه‌ای آنان از نگاه عکاسان و

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۲.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۶.
۳- کارون، ۱۳۸۸/۳/۱۷.

خبرنگاران مخفی نماند و بلافاصله انعکاس پیدا کرد. گرچه کسی از محتوای این نامه اطلاعی کسب نکرد، اما گمانه‌زنی‌هایی در این باره در محافل گوناگون مطرح شد. محمد هاشمی (برادر هاشمی رفسنجانی) در گفتگو با قلم گفت: «در این مراسم هاشمی به او گفته شما خیلی دروغ گفته‌اید. قضیه پیغام به ملک عبدالله وجود خارجی نداشته است یا این که شما می‌گویید من کارگردان انتخابات هستم در حالی که بعضی از این دوستان کاندیدا برای کاندیدا شدنشان حتی از من نظر هم نخواسته‌اند، یا این‌که به خانواده من آن حرفها را نسبت داده‌اید.»[۱]

چند روز بعد احمدی‌نژاد نیز به صورت تلویحی در اجتماع مردم تبریز گفت: «بعضیها پیغام دادند که مراقب خود باش.»[۲]

البته تنها احمدی‌نژاد نبود که از سوی اطرافیان هاشمی هدف قرار گرفته بود، بلکه کروبی نیز به عنوان دومین فرد تهدیدکننده آراء نامزد مورد حمایت اطرافیان هاشمی (موسوی) مورد آماج حملات حامیان وی بود. در همین راستا برخی از نزدیکان هاشمی که جزو حامیان موسوی بودند، اقدام به تخریب کروبی نموده و اظهار داشتند که کروبی باید از کاندیداتوری انصراف دهد.

محمد باقر نوبخت (دبیرکلّ حزب اعتدال و توسعه) که در انتخابات نهم با سخنان توهین‌آمیز در مناظره با مهدی کلهر نمایندهٔ احمدی‌نژاد موجب ریزش آراء هاشمی شد، در دانشگاه آزاد یزد گفت: «خطمشی

۱- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۱۸.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

کروبی و میرحسین یکی است و هر دو در اصل تغییر و بهبود شرایط وجه مشترک دارند، اما فاصله معناداری از نظر افکارسنجی بین کروبی و موسوی وجود دارد. همان‌طور که خاتمی در اوج محبوبیت کنار رفت و آن را تقدیر می‌کنیم، اگر کروبی نیز برای جلوگیری از شکسته شدن آراء بدین‌گونه عمل کند در همین مرحله بار سنگین ریاست جمهوری را به میرحسین موسوی خواهیم سپرد.»[۱] همچنین محمد عطریانفر (عضو شورای مرکزی کارگزاران) با اشاره به حضور دو کاندیدای اصلاح‌طلب در صحنه انتخابات گفت: «عقل سیاسی دلالت بر آن دارد که کروبی از صحنه انتخابات کنار برود تا بخشی از آرای وی به موسوی سوق داده شود تا حاشیه امنیت بیشتری برای رأی موسوی ایجاد شود.» وی که در جمع حامیان موسوی در اراک سخن می‌گفت، بدون اشاره به منبع خبری مشخصی افزود: «موسوی هم اینک ۴۸ درصد از آرای واجدین شرایط شرکت در انتخابات را از آن خود کرده است و اگر موسوی بخواهد به نفع کروبی کناره گیری کند قطعاً بسیاری از حامیان موسوی حاضر به رأی دادن به کروبی نخواهند شد.»[۲]

در همین راستا تنها دو روز مانده به برگزاری انتخابات ۲۲ خرداد مهدی کروبی در نامه‌ای به هاشمی رفسنجانی از وی به خاطر حمایت از موسوی گلایه کرد و نوشت: «بدانید که به رغم برخی داعیه‌ها اکنون همه این رفتارها (تخریب کروبی توسط حامیان موسوی) منتسب به

۱- خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۸/۳/۱۲. ۲- خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۳/۱۳.

حضرت عالی است و گرچه سهم برخی نهادهای عمومی مانند دانشگاه آزاد اسلامی را نمی‌توان در ترویج نامزد مورد نظر شما نادیده گرفت اما حقّ شهروندی شما در دفاع از نامزد خاص ملازمتی با خروج از دایره عدل و انصاف ندارد. ضمن تأکید بر حقّ شهروندی شما در حمایت از نامزدی خاص به اطلاعتان برسانم که متأسفانه برخی از نزدیکان و بستگان شما با شایعه‌پراکنی قصد دارند یکی از دو صدای اصلاح‌طلبان در انتخابات را خاموش کنند و با پخش خبرهای کذب و شایعات ناروا درباره انصراف این‌جانب از رقابتهای انتخاباتی آب در آسیاب مخالفان بریزند و این روش دوستان سبب نقض قواعد اخلاقی انتخابات آزاد می‌شود... به‌یاد دارید که همه ما درباره جایگاه ریاست مجلس خبرگان پس از درگذشت آیت‌الله مشکینی چه اندازه حساس بودیم و حتماً نقش این‌جانب و دوستان حزب اعتماد ملی در مشارکت گسترده در انتخابات خبرگان و سپس حمایت از ریاست جناب عالی را از یاد نبرده‌اید!»[1]

نامهٔ هاشمی رفسنجانی به رهبر معظّم انقلاب اسلامی

در حالی که همگان انتظار آن را می‌کشیدند تا فضای ملتهب رقابتهای انتخاباتی بویژه فضای به وجود آمده تحت تأثیر مناظره‌های تلویزیونی به پایان رسیده و انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در کمال صحّت و آرامش و سلامت فرارسد، در ساعات منتهی به پایان مهلت قانونی تبلیغات انتخاباتی انتشار نامه هاشمی رفسنجانی به مقام معظّم رهبری فضا

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۱.

را ملتهب‌تر نمود. هاشمی در نامه خود که بدون سلام آغاز شده بود، نوشت:

«بسم الله الرحمن الرحیم مقام معظّم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای زیده عزه متأسفانه اظهارات عاری از حقیقت و غیرمسؤولانه آقای احمدی‌نژاد در جریان مناظره با مهندس موسوی و مقدمه‌چینی‌های قبل و حوادث بعد از آن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهکهای ضد انقلاب در سالهای اوّل بعد از پیروزی انقلاب و نیز تهمت‌زدن‌ها در انتخابات ۸۴ و انتخابات مجلس ششم و لجن‌پراکنی‌های باند پالیزدار که در دادگاه محکوم شده را به نمایش گذاشت و از آن‌جا که بخشی از این اظهارات قبلاً در رسانه‌های دولتی و آتش تهیه آن در سخنرانی مشهد مقدّس مطرح شده، ادعای این‌که مطالب او تحت تأثیر فضای مناظره گفته شده و فاقد برنامه ریزی‌قبلی است، پذیرفتنی نیست و گویا برای تحت‌الشعاع قرار دادن گزارشهای مستند و مکرّر دیوان محاسبات در خصوص مفقودالاثر بودن یک میلیارد دلار و ارتکاب چند هزار تخلّف در اجرای بودجه‌ها می‌باشد و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می‌داند. دهها میلیون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ‌پردازیها و خلافگویی‌هایی بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی‌مان را نشانه گرفته بود. زیر سؤال بردن تصمیمات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تلاشهای امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم‌القدر که در نیم قرن گذشته با مجاهدتهای خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی‌شد. دوران مشعشعی که خود شما پشت سر

امام(ره) در قامت مجاهد پیشتاز، رئیس جمهور و نهایتاً رهبری نظام نقش و مسؤولیتهای ممتازی به عهده داشته‌اید... نقطه قابل توجه در این تهمتها این است که غیرمستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جناب عالی که هادی دولتها بوده‌اید و با اظهارات صریح، مدیریتها را مورد تأیید و تحسین قرار داده‌اید، نشانه گرفته است. بعد از جریان شوم ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹ با ارشاد امام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب عالی و این‌جانب که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و بخصوص نمایندگان متعهد مجلس اوّل و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سمپاشی‌ها اقدامات مؤثری انجام دهیم و امام راحل درد آشنا با تشکیل گروه حقیقت‌یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه گران و در نهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضد انقلاب طراحی کرده بودند. البته این‌جانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی‌صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد. این‌جانب برای پرهیز از آلوده شدن فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات به تشنجات بیشتر، از عکس‌العمل فوری که مورد انتظار ملّت است، خودداری کردم. در مراسم بزرگداشت سالگرد امام(ره) به احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف‌گوییهای فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب

و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبا و اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام، از جمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیر سؤال بردن اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهامهای نادرست را پس بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده‌هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزا گویی قرار گرفته‌اند، نباشد. از صدا و سیما هم خواسته شد که فرصتی در اختیار طرفهای ذی حقّ براساس مقررات سازمان قرار دهد که از خود دفاع نمایند. گرچه در گذشته به بخشی از این اتهامات پاسخ داده شده و رئیس قوّه قضاییه وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری این‌جانب، در عمل به اصل ۱۴۲ قانون اساسی رسماً اعلام پاکی و منزه بودن خانواده رئیس جمهور حتی کم شدن داراییها در دوران مسؤولیت را نمودند، ولی تکرار اتهام تکرار جواب را می‌طلبد. مع‌الاسف، این دو پیشنهاد خیرخواهانه عملاً پذیرفته نشده و رهبر معظّم هم صلاح را در سکوت‌شان دیدند و بی‌شک جامعه و بخصوص نسل جوان نیازمند اطلاع از حقیقت است. حقیقتی که با اعتبار نظام و همدلی ملّت ارتباط جدّی دارد و اگر محدود به حقّ چند نفر بود؛ اقدام به نوشتن چنین نامه‌ای نمی‌کردم. معتقدم جناب عالی بخوبی می‌دانید که این‌جانب و بسیاری از بزرگان تأثیرگذار انقلاب و حتی خود جناب عالی از دوران مبارزه و سالهای اوّل انقلاب و در تعدادی از مقاطع مورد تهاجم افراد لاابالی و ضد انقلاب بوده‌ایم و همیشه صبورانه تهمتها و اهانتها را پشت سر گذاشته‌ایم و در دور جدید تهمتها و هجمه‌ها هم از حدود پنج سال پیش

تا کنون دندان روی جگر دارم و به خاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور اندوه خویش را مکتوم می‌دارم و از این جهت هم مورد گلایه بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می‌گیرم و مهم این است که این بار این تهمتها توسط رئیس جمهور و در رسانه ملی مطرح شده است. البته در موقع مناسب انحرافات و حقّ کشی‌های نا گفته انتخابات و اعمال دولت نهم در اختیار مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت. تاریخ گواه است که اکثریت مردم متعهد و انقلابیمان کمتر تحت تأثیر خلاف‌گوییها قرار می‌گیرند و دلیل آن آراء افتخارآمیز مردم به این‌جانب در آخرین انتخابات مجلس خبرگان رهبری است و نیز خوب می‌دانید که در جریان انتخابات جاری، تا کنون به خاطر مسؤولیتهای رسمی‌ام در رسانه‌ها مطلبی به نفع یا ضرر افراد و جریانهای درگیر در انتخابات نگفته‌ام و در موارد ضروری به کلیاتی مبتنی بر حضور حدا کثری مردم در پای صندوقها و سلامت انتخابات اکتفا کرده‌ام و رسماً گفته‌ام برنامه شرکت در انتخابات ندارم. چهار نامزد موجود برای آمدن به صحنه به اطلاع از نظر و سیاست این‌جانب از من نظر نخواسته‌اند و بعد از نامزدی هم از این‌جانب درخواست حمایت نکرده‌اند و اگر هم در جلساتی به هم رسیده باشیم، چیزی جز همان کلّیات فوق‌الذکر را از من نشنیده‌اند و اگر حزب یا گروهی در مورد جهت‌گیری در انتخابات نظر خواسته‌اند، گفته‌ام براساس آیین‌نامه خود عمل کنند و حقیقتاً آنها با تصمیم خودشان و همکارانشان در صحنه‌اند و عمل می‌کنند و انصافاً تهمت دست‌نشانده بودن آنان ستم و بی‌حرمتی غیرقابل توجیه است. بجاست که به این حقیقت هم توجه شود

که احتمالاً عوامل دولت از نظر این‌جانب مطلعند که من ادامه وضع موجود را به صلاح نظام و کشور نمی‌دانم و خود جناب‌عالی هم از این نظر من مطلعید و دلایل آن را هم می‌دانید. ولی این نظر را رسانه‌ای نکرده‌ام و خود عوامل دولت در این مورد بزرگ‌نمایی کرده‌اند که هدف بزرگ‌نمایی در آن مناظره روشن شد با این همه بر فرض این‌که این‌جانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی‌شک بخشی از مردم و احزاب و جریانها این وضع را بیش از این برنمی‌تابند و آتش‌فشانهایی که از درون سینه‌های سوزان تغذیه می‌شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه‌های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدانها، خیابانها و دانشگاهها مشاهده می‌کنیم. اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل تهمتها، دروغها و خلاف‌گوییهای مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسؤولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلّفهای صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلّف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدسش خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق‌شکن علی‌رغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان نظام مقدّس اسلامی بدانیم؟ رهبری معظّم انقلاب؛ اکنون که امام راحل(ره) آن پیر فرزانه و حلّال مشکلات و ملجاء همه و یار صبور و دیرینه هر دوی ما آیت‌الله شهید مظلوم دکتر بهشتی و بسیاری از همسنگران قدیم که یا به فیض عظمای شهادت رسیدند و یا به دیار باقی شتافتند؛ در بین ما حضور

ندارند، شما مانده‌اید و من و معدودی از یاران و همفکران قدیم. از جناب عالی با توجه به مقام و مسؤولیت و شخصیت‌تان انتظار است برای حل این مشکل و برای رفع فتنه‌های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم‌اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، هرگونه که صلاح می‌دانید اقدام مؤثری بنمایید و مانع شعله‌ورتر شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شوید. لذا در فرصت باقی‌مانده ضروری به نظر می‌رسد خواسته حقّ حضرت عالی و مردم در خصوص انجام انتخاباتی سالم و پرابُّهت و حداکثری تحقق یابد. کاری که می‌تواند عامل نجات کشور از خطر و باعث تحکیم وحدت ملی و اعتماد عمومی باشد و فتنه‌گران نتوانند با حدس و گمان نص پیامتان در مشهد و در مرقد امام راحل را با هوس خود تحریف کنند و با نادیده گرفتن قانون، بنزین بر آتش افروخته بریزند. سرچشمه شاید گرفتن به بیل. چو پر شد نشاید گرفتن به پیل دوست، همراه و هم سنگر دیروز، امروز و فردایتان اکبر هاشمی رفسنجانی».

واکنشها

نامه هاشمی به رهبری واکنشهای تندی را به همراه داشت. جمعیت ایثارگران با انتشار رنجنامه‌ای خطاب به هاشمی مرقومه بدون سلام و تحیت وی را با این‌که امکان ملاقات حضوری وجود داشت، باعث تعجب دانست. در این رنجنامه خطاب به هاشمی بیان شد: «جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی از ۱۰ سال پیش نسبت به مسائل پیرامونی شما، فرزندان، اطرافیان و حزب منتسب به شما یعنی کارگزاران سازندگی

حضوراً تذکراتی را داد. اما افسوس از هرگونه اقدام اصلاحی!!!»[1] در همین رابطه حسین فدایی (دبیرکلّ جمعیت ایثارگران) بیان داشت: «این نامه‌نگاری به رهبری بی‌جواب نخواهد ماند و مردم به آن پاسخ خواهند داد.» آیت‌الله سیّد احمد خاتمی (عضو مجلس خبرگان رهبری) نیز با اشاره به این نامه اظهار داشت: «نامه منتشر شده از سوی هاشمی سر دراز دارد که باید سر فرصت و به دور از جنجال سیاسی به صورت جزء به جزء به آن پاسخ داده شود.» محسن کوهکن (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با فارس در خصوص نامه هاشمی گفت: «وقتی هاشمی رفسنجانی از کاندیدای خاص حمایت می‌کند طبیعی است که هزینه‌هایی دارد و این هزینه همین طرفداری است. هاشمی نباید سرنوشت انقلاب را به بحث فرزندان خود ربط دهد و باید به این مسائل واقع‌بینانه نگاه کرد.»[2] آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی (امام جمعه مشهد) در واکنش به نامه هاشمی به رهبری بیان داشت: «آقای هاشمی! مشکل همان افرادی هستند که به شما فشار می‌آورند که چنین تصمیمی بگیرید. اوّلین ایرادی که به این نامه وارد است. این‌که آقای هاشمی در پایان نامه نوشته است دوست همراه، هم‌سنگر دیروز، امروز و فردای شما، ولی حقیقت این است که کسی که دوست شخصی مانند رهبری است، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شود توپ را در میدان ایشان بیندازد. این عمل هاشمی موجب شد تا عده‌ای از آن به عنوان وسیله تبلیغات خود سوء استفاده کنند.»[3]

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۱. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۱.
۳- همان.

غلامرضا کرمی (عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس) با اشاره به این‌که از متن نامه‌ای که هاشمی به ولیّ فقیه نوشته شده بوی اغتشاش می‌دهد گفت: «نوشتن نامه از سوی آقای هاشمی که دو مسؤولیت مهم در نظام جمهوری اسلامی دارند، در شرایط پایانی تبلیغات و در آغاز آرامش برای تفکر مردم برای انتخاب کاندیدای مورد نظر و اصلح در انتخابات کاملاً دور از انتظار است.»[1] آیت‌الله ممدوحی (عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) در گفتگو با خبرگزاری رسا در واکنش به نامه رئیس تشخیص مصلحت نظام گفت: «این نامه خود حریم‌شکنی دومی بود که انصافاً از آقای هاشمی بعید بود و نمی‌بایست این‌گونه طرح شود. حریم‌شکنی موجب می‌شود همه حریمها بشکنند و این بسیار کار غیر متعارفی بود که رئیس تشخیص مصلحت نظام رعایت نکرد.» وی با اشاره به سخن گفتن از آتش‌فشان درون سینه‌های سوزان و آتشی که دودش در فضا قابل مشاهده است، گفت: «این ادبیات تهدید است و ما به هیچ وجه چنین سخنی را از آقای هاشمی نمی‌پسندیم و حقّ نبود چنین کاری را انجام دهند.»[2]

آیت‌الله محمد یزدی (رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) نیز در این خصوص گفت: «در حال حاضر هر نوع تشدید التهاب در جامعه مقابله و مخالفت با نظام و اهداف مقدّس آن است.» وی در پاسخ به خبرگزاری فارس که درباره صحّت و سقم این جمله هاشمی که خطاب به

۱- همان.

۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۱.

رهبری نوشته بود؛ رئیس قوّه قضائیه وقت جناب آقای یزدی در پایان ریاست‌جمهوری این‌جانب رسماً اعلام پاکی و منزه بودن خانواده رئیس‌جمهور و حتی کم شدن داراییها در دوران مسؤولیت را نمود، افزود: «این سؤال در جاهای دیگر هم از من شده که این جمله آقای هاشمی چه بوده است . . . ، از ۱۰ سال به این طرف، من دیگر رئیس دستگاه قضایی نبودم. این انتساب برای ۱۰ سال پیش است. در زندگی هم می‌دانیم و تاریخ نشان می‌دهد خیلی حوادث مختلف پیش می‌آید. بنابراین باید مشخص شود که این جمله مال الان نیست و نباید الان مورد استفاده قرار گیرد.» آیت‌الله یزدی در ادامه ضمن یادآوری این که رهبر کشور مسؤول کلّ کشور است و امنیت کشور به عهده ایشان است، افزود: «مقام معظّم رهبری اقدامات لازم را انجام می‌دهند. ایشان در جریان انتخابات برای پیشگیری از هرگونه التهاب و درگیری به صراحت دستوراتی به مقتضای رهبری‌شان داده‌اند. اجرای آنچه ایشان فرموده‌اند، وظیفه همه ماست و دیگر ما نباید در این جریانات تابع آنچه در برخی از کشورهای خارجی و جاهای دیگر می‌گذرد باشیم.»[1]

همچنین خبرگزاری رویترز در گزارشی با اشاره به نامه هاشمی به رهبر انقلاب اعلام کرد: «دخالت رفسنجانی در روند انتخابات ریاست جمهوری ایران تنها باعث افزایش تنشها خواهد شد.» روزنامه آمریکایی لس آنجلس تایمز نیز در گزارشی تأکید کرد که جناح اصلاح‌طلب و

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۱.

محافظه کار که در آن شخصیتهای مهم سیاسی ایران نظیر هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی نیز دیده می‌شود، نبرد انتخاباتی همه‌جانبه‌ای را در پشت پرده علیه یک کاندیدا در ایران به راه انداخته‌اند تا نگذارند وی به ریاست جمهوری ایران انتخاب شود.»[۱]

اما از سوی دیگر مریم بهروزی (دبیرکلّ جامعه زینب(س)) با اشاره به نامه هاشمی به مقام معظّم رهبری اظهار داشت: «این حقّ هاشمی است که این نامه را به دوست و همرزم خود بنویسد چراکه هاشمی باید نسبت به اتهاماتی که به وی زده شد واکنش نشان می‌داد و حتی بیش از این هم حقّ دارد در قبال این اتهامات کاری انجام دهد، به این دلیل که ایشان خدمات بسیار زیادی برای کشور انجام داده و صدیق امام و رهبری است و بیش از اینها باید از وی حمایت شود.» وی در گفتگو با ایلنا در خصوص تأثیرات این نامه در سرنوشت انتخابات گفت: «باید ببینیم رهبری با نامه یار و دوست دوران قبل و بعد از انقلاب خود چگونه برخورد می‌کند و جامعه چه واکنشی نشان خواهد داد.»[۲] خرسند (عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه) در این باره تصریح کرد: «هاشمی رفسنجانی دغدغه‌هایی داشتند که آنها را طی نامه‌ای به رهبری نوشتند و این روش بهتر از این است که آقای هاشمی بخواهد مانند سایرین از تریبون عمومی استفاده کرده و به افراد تهمت بزنند.» وی ضمن تحلیل از نامه هاشمی به رهبری افزود: «نامه آقای هاشمی به رهبری فی نفسه بد نیست، زیرا آقای هاشمی می‌خواهند

۱- همان.
۲- آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۳/۲۱.

از مجاری قانونی و عقلانی موارد خود را مطرح کند.»[1] محمد علی ابطحی (حامی کروبی) نیز در گفتگو با ایلنا گفت: «گرچه بخشهایی از این بیانیه به دفاع شخصی هاشمی برمی‌گردد، اما مهمتر از آن نگرانی در مورد انتخابات است که در این نامه ابراز شده است؛ زیرا روال طبیعی که هر ناظری می‌تواند انتظار داشته باشد، پیروزی اصلاح‌طلبان است اما اخباری که رسیده باعث نگرانی شده است.»

در حالی که فضای سیاسی کشور آماده برگزاری انتخابات بود، شایعات بسیاری مبنی بر پاسخ مقام معظّم رهبری به نامه هاشمی با هدف تخریب یکی از کاندیداها، هشدار جهت توزیع خودکارهایی که پس از یک ساعت نوشته آن نامرئی می‌شود و برخی شایعات دیگر که غالباً از طریق پیامک گسترش پیدا می‌کرد منجر به قطع ناگهانی شبکه پیامک شد. ستاد موسوی که ظاهراً در این قضیه ذی‌نفع بود با انتشار بیانیه‌ای از سوی کمیته صیانت از آراء نگرانی خود را از این اقدام وزارت ارتباطات و فن آوری‌اطلاعات اعلام نمود.

زلزلهٔ سیاسی

سرانجام پس از ماهها انتظار و رقابتهای داغ انتخاباتی بین نامزدهای انتخابات دهم، لحظه خلق حماسه مردمی ۲۲ خرداد فرا رسید و صحنه‌های به یاد ماندنی و ماندگاری توسط ملّت غیور ایران در تاریخ به

۱- همان.

ثبت رسید. اصل حضور مردم در انتخابات در حقیقت به معنای حصول مشارکت دقیق و همه‌جانبه ملّت در امر نظارت بر کارگزاران حکومت از یک سو و ضمانتی بر تحقق مردم‌سالاری و اجرایی شدن اصول اسلامی از دیگر سو بود. مردم ایران با مشارکت سیاسی خود نشانه‌ای از وجود وحدت ملی و داخلی را به جهانیان نشان دادند و با لبیک‌گویی به فراخوان رهبر فرزانه انقلاب جهت مشارکت عمومی در انتخابات، صحنه‌ای بی‌نظیر در تاریخ نظامهای مردم‌سالار جهان رقم زدند.

مقام معظّم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ساعات اوّلیه صبح ۲۲ خرداد با حضور در پای صندوق ۱۱۰ ضمن انداختن رأی خود بیان داشتند: «مردم مانند همیشه با آرامش، متانت، صبر و حلم، وقار و سکینه روحی خود تلاش بدخواهان را برای ایجاد تشنج ناکام بگذارند. چراکه تشنج به ضرر کشور و آرای مردم است.» ایشان با پیش‌بینی احتمال آشوب توسط برخی عناصر شکست خورده افزودند: «مردم با رشد، کمال و بلوغ عقلانی خود اجازه ندادند در این صحنه پرشور حادثه تلخی به وجود آید.» معظمٌ‌له با اشاره به برخی شایعه‌سازیها و نقل قولها از جانب ایشان (بویژه شایعه پاسخ ایشان به نامه هاشمی رفسنجانی و پاسخ تند به احمدی‌نژاد در روزهای گذشته) اضافه کردند: «مردم به این شایعات و دیگر شایعات در خصوص بخشهای مختلف انتخابات که ساخته انسانهای ناسالم است توجه نکنند.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر حضور حداکثری مردم در انتخابات گفتند: «به لطف و مدد الهی و رشد آگاهی و هوشیاری مردم شاهد انتخاباتی پرشور باشیم.... انتظار داریم با

توفیق الهی و حضور متراکم مردم در پای صندوقهای رأی، ملّت بزرگ ایران از یک امتحان بزرگ دیگر سربلند بیرون آیند. از مردم می‌خواهم از اوّل وقت، همه به پای صندوق رأی بروند و سهم خود را در اداره کشور به عهده گیرند و طبق تشخیص خود بهترین و شایسته‌ترین فرد را برای مدت ۴ سال به ریاست قوّه اجرایی انتخاب کنند.»[1]

کاندیداهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز با حضور در چهار حوزه مختلف اخذ آراء در شهر تهران در میان حضور انبوه مردم آرای خود را به صندوقها انداختند. دکتر محمود احمدی‌نژاد در مسجد جامع افسریه حضور پیدا کرد و رأی خود را به صندوق شماره ۱۹۲۶ انداخت. وی پس از رأی دادن در جمع خبرنگاران گفت: «انتخابات صحنه تجمیع اراده ملّت، هم‌افزایی ملی و توان و اندیشه ملّت برای جهش و پرش بلند به سمت قله‌های افتخار و برتری است.» وی در ادامه گفت: «بحمدالله ملّت ایران ملّتی هشیار، آگاه، انقلابی، مصمم، تلاشگر و آرمانی است و می‌بینید که از ساعات اوّلیه رأی‌گیری ازدحام مردم در صندوقهای رأی وجود دارد و این نشانه هوشمندی مردم و تصمیم قاطع مردم برای رقم زدن یک آینده روشن و سرشار از پیشرفت و عدالت، برادری و همچنین تعیین سرنوشت آنها است. احمدی‌نژاد با بیان این که: «من صمیمانه از ملّت ایران تشکر می‌کنم» گفت: «من از همه خوبیها، بزرگواریها، فداکاریها و گذشتهای ملّت ایران تشکر می‌کنم و مطمئن

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۳.

هستم که حضور مردم ان‌شاءالله راه را برای کارهای بزرگتر، تصمیمهای عظیم‌تر و حرکت به سمت آینده روشن هموار می‌کند و امیدوارم امام عصر(عج) که همچنان یار و مددکار ملّت ایران بوده است، ملّت ایران به سمت قله‌های نورانی پیشرفت و عظمت حرکت کند.»[1]

دکتر محسن رضایی یکی دیگر از نامزدهای انتخابات که رأی خود را به صندوق شماره ۱۶۰ حسینیه جماران انداخت، پیش‌بینی کرد انتخابات دو مرحله‌ای خواهد شد. وی که با همراهی دانش جعفری، رضا طلایی نیک و امیرعلی امیری از مسؤولان ستاد انتخاباتی‌اش به شعبه اخذ رأی آمده بود، ظهر جمعه در جمع خبرنگاران گفت: «من از هوادارن خودم می‌خواهم حتماً در انتخابات به طور گسترده شرکت کنند و اخلاق را نیز رعایت کنند.» رضایی اظهار داشت: «برنامه من به گونه‌ای است که می‌توانم خودم آن را اجرا کنم؛ اما مردم هرچه تصمیم بگیرند برای من مقدّس است و به رأی مردم احترام می‌گذارم.» وی در ادامه گفت: «هرکس در انتخابات پیروز شود همه باید با او همکاری کنند و از هواداران خودم می‌خواهم پس از انتخابات به رأی مردم تمکین کرده و اخلاق را رعایت کنند.»[2]

میرحسین موسوی نیز به همراه همسر خود (زهرا رهنورد) در مسجد جامع ارشاد شهر ری رأی خود را به صندوق انداخت و در سخنان کوتاهی در میان خبرنگاران از حضور همه مردم در پای صندوقهای رأی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۳.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۳.

تشکر کرد.» و آن را معجزه دانست. موسوی با تأکید بر لزوم حفظ آرای مردم گفت: «من به همه هوادارانم قول داده‌ام که از آرای آنها صیانت کنم. پس همه ما تا انتهای رأی‌گیری بیداریم.» وی همچنین از برخی برخوردها اظهار گله کرد و افزود: «sms ها را تعطیل کرده‌اند و حال آن که این خلاف قانون است.» وی تأکید کرد: «این همه وحدت که امروز در میان مردم است یک فرصت طلایی برای ماست.»[۱]

مهدی کروبی یکی دیگر از کاندیداهای انتخابات دهم هنگام انداختن رأی خود در صندوق شماره ۶۶ نیاوران واقع در حصار بوعلی گفت: «نتیجه این انتخابات را پیش‌بینی نمی‌کنم؛ چرا که این مردم هستند که باید پیش‌بینی‌کننده انتخابات باشند.» وی که همراه غلامحسین کرباسچی و جمیله اشکوری برای انداختن رأی خود به صندوق حاضر شده بود در پاسخ به سؤالی تأکید کرد: «تلاش همه بر این بود که انتخابات پرشور و نشاط برگزار شود و همان‌گونه که شاهد هستیم به لطف مردم این انتخابات از شور و نشاط بالایی برخوردار است.»[۲] کروبی همچنین گفت: «ما باید بعد از اعلام نتایج انتخابات مردم، هرکسی را که رأی آورد از او دفاع و حمایت کنیم.»[۳]

صادق محصولی (وزیر کشور) ضمن بازدید از ستاد انتخابات کشور در جمع خبرنگاران گفت: «به نظر می‌رسد با مشارکت گسترده مردم در این انتخابات ما شاهد رکورد خوبی نسبت به گذشته از نظر حضور مردم

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۳. ۲- همان.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۳.

باشیم.» و با رد هرگونه شائبه عدم سلامت انتخابات افزود: «در تمام مراحل انتخابات و از اوّل تا آخر رأی‌گیری و حتی لحظه شمارش آراء، نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رأی حضور دارند و درواقع در تمام مراحل انتخابات ناظرین شورای نگهبان، بازرسین وزارت کشور، مجریان انتخابات و نمایندگان کاندیداها حضور خواهند داشت و الحمدلله هیچ‌گونه شائبه عدم سلامت در انتخابات وجود ندارد.»[1]

حضور گسترده و باشکوه مردم ایران در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی داشت. شبکه‌های تلویزیونی، خبرگزاریها، مطبوعات و سایتهای خبری جهان که از مدتها قبل، اخبار انتخابات ایران را پیگیری می‌کردند؛ حضور حماسی ملّت ایران را این‌گونه مخابره کردند:

روزنامه امریکایی وال استریت ژورنال: «انتخابات ۲۲ خرداد یکی از خارق‌العاده‌ترین و پرشورترین انتخابات ریاست جمهوری ایران تاکنون بوده است.»

هفته نامه آلمانی اشپیگل: «حضور مردم در این انتخابات بی‌سابقه بوده است. وزارت کشور ایران در مورد این پیش‌بینی حقّ داشت؛ زیرا حضور بی‌سابقه مردم از ساعات اوّلیه در این انتخابات، نشان از به واقعیت پیوستن این پیش‌بینی دارد.»

روزنامه فرا منطقه‌ای القدس العربی: «اعراب باید از انتخابات ایران

۱– همان.

درس بگیرند و حال می‌فهمیم که چرا قدرتهای جهانی و غربی مبهوت قدرت ایران شده‌اند.»

خبرگزاری رویترز: «باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا قصد دارد، در انتخابات جمهوری ایران چه احمدی‌نژاد رئیس کنونی و چه میرحسین موسوی نامزد اصلاح‌طلبان پیروز شوند؛ تلاشهایش را برای تعامل با ایران ادامه دهد.»

شبه خبری‌ای بی‌وای (ABY) انتخابات ایران نشان داد که ساختار دموکراسی در این کشور نسبت به کشورهای غربی بسیار مستحکم است و مردم عقیده جدّی به صیانت رأی خود دارند.»

خبرگزاری آلمان: «در تهران و برخی شهرهای ایران حتی پیش از ساعت ۸ صبح و آغاز انتخابات، رأی‌دهندگان صفهای طولانی تشکیل داده بودند.»

خبرگزاری آسوشیتدپرس: «برپایی تجمعات انبوه خیابانی، شعارها انتخاباتی پر زرق و برق. برگزاری مناظره‌های تلویزیونی آزاد، از ویژگیهای بارز این دوره از انتخابات ایران بوده است.»

شبکه تلویزیونی فرانس ۲۴: «مشارکت مردم در انتخابات شگفت‌انگیز بود و مردم ایران با شور و علاقه فراوانی در این دوره انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند.»

شبکه تلویزیونی سی ان ان CNN امریکا: «مردم ایران به نحو بی‌سابقه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند.» اینها نمونه‌هایی از انعکاس حضور حماسی مردم فهیم ایران در پای صندوقهای رأی بود که

موجب شگفتی و حیرت فراوان جهانیان شد. اما در کنار این پیروزی بزرگ ملّت یعنی حضور ۸۵ درصدی در پای صندوق رأی، دکتر محمود احمدی‌نژاد که از پیش گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر پیروزی وی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از سوی اشخاص و رسانه‌های داخلی و خارجی انجام گرفت، با کسب بیش از ۲۴ میلیون رأی برای دومین بار به عنوان رئیس جمهور اسلامی ایران برگزیده شد. بسیاری از فعالان سیاسی رأی ۲۴ میلیونی احمدی‌نژاد را نشانه شکست هجمه‌ها علیه وی دانسته و پیروزی وی را تبریک گفتند.

جشن واقعی

مقام معظّم رهبری در پیامی ضمن تبریک به دکتر احمدی‌نژاد رئیس جمهور منتخب ملّت ایران فرمودند:

«انتخابات ۲۲ خرداد با هنرنمایی ملّت ایران، نصاب تازه‌ای در سلسله طولانی انتخابهای ملی پدید آورد. مشارکت بیش از ۸۵ درصد مردم در پای صندوقها و رأی بیست و چهار میلیونی به رئیس جمهور منتخب، یک جشن واقعی است که به حول و قوّه الهی خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار تضمین کند. دیروز شما توانستید ثابت کنید که ایران به برکت شعارها و ارزشهای انقلاب اسلامی در برابر تهاجم سیاسی و روانی از چنان مصونیت و صلابتی برخوردار است که با گذشت سی سال از آغاز مردم‌سالاری دینی در این کشور از همیشه تازه نفس‌تر و سرزنده‌تر در صحنه حاضر گشته و دوستان و دشمنان را به ادامه راه

روشن خود مطمئن می‌سازد... این‌جانب با فروتنی در برابر عزم و ایمان شما مردم عزیز، این موفقیت بزرگ را به حضرت ولی‌الله الاعظم روحی فداه و به روح امام بزرگوار و به یکایک آحاد ملّت تبریک عرض می‌کنم و همگان را به قدردانی از این لطف الهی و شکرگزاری در برابر پروردگار حکیم و علیم توصیه می‌کنم. به همه آحاد مردم بویژه جوانان عزیز که سرزنده‌ترین نقش‌آفرینان این حادثه شورانگیز بودند، توصیه می‌کنم که کاملاً هوشیار باشند. همواره باید شنبه پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار وگفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیزکنند... رئیس جمهور منتخب و محترم، رئیس جمهور همه ملّت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به اوکمک کنند.»[1]

معظّم‌له در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم‌السلام به مناسبت ولادت حضرت زهرا(س) نیز در سخنانی با اشاره به حضور حماسی ملّت ایران در انتخابات دهم بیان داشتند:

«حقیقتاً یک دست اعجازآفرین الهی پشت این انتخابات بود و ملّت بیدار، با بصیرت و هوشیار ایران در این حماسه بزرگ نشان داد به‌گفتمان، راه و ارزشهای پایه‌گذاری شده امام خمینی(ره) همچنان دلبسته است و سعادت و پیشرفت خود را در این راه می‌جوید... ملّت ایران اسلامی با حضورگسترده و پرشور خود در انتخابات ثابت کرد که به عزّت ملی اهمّیت

۱– کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۴.

می‌دهد و ایستادگی در مقابل زورگویان و زیاده‌خواهان و پایداری برای احقاق حقّ را جزو ارزشهای اساسی و افتخار خود می‌داند و این را با این انتخابی که انجام گرفت نشان داد.»[1]

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۵.

خلاصه فصل اوّل

۱ـ علی‌رغم توصیه‌های مؤکد مقام معظّم رهبری بر زودهنگام بودن پرداختن به موضوع انتخابات، برخی گروهها و جریانات سیاسی اقدام به فعالیت نموده و با هدف مشروعیت‌زدایی از انتخابات تلاش نمودند تا نیروهایی که طی سالهای گذشته جزو محذوفین سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شدند را روی کار آورند!

۲ـ اصلاح‌طلبان برای دستیابی به کرسی ریاست جمهوری از شیوه‌ها و ترفندهای متعددی استفاده کردند. طرح دولت نجات ملی و دولت وحدت ملی و عبور از احمدی‌نژاد ـ القاء انشقاق در میان اصولگرایان و رسیدن به اجماع و وحدت اصلاح‌طلبان ـ تخریب همه‌جانبه دولت نهم و شخص رئیس‌جمهور قانونی کشور با شیوه‌های گوناگون نظیر دروغگو خواندن رئیس جمهور ـ بزرگ‌نمایی اختلافات کارشناسی میان دولت و مجلس ـ انتقادهای بجای بزرگان و مراجع تقلید از برخی عملکردهای دولت و ... .

۳ـ طراحی برنامه جنگ نرم علیه ایران اسلامی در مرحلهٔ انتخابات

دهم ریاست جمهوری از دو سال قبل از برگزاری انتخابات انجام شده و کلید خورده بود.

۳ـ عناصر زخم خورده از انقلاب اسلامی، بویژه منافقین، نهضت آزادی، سکولارها و ملّی‌گراها و افراد رانده شده توسط حضرت امام(رض) مانند منتظری در این پروژه به صورت فعّال شرکت داشتند.

۴ـ در این طرح، کلیه عناصر داخل و خارج، آگاهانه و غیرآگاهانه، برحسب وظایف تعیین شده، چیدمان داشتند.

۵ـ همزمان با نزدیک شدن ایام دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، تخریبها علیه دولت نهم به اوج می‌رسد. متهم کردن دولت به تخلّف از سیاستهای کلان کشور ـ آمارسازی و تبلیغاتی خواندن سفرهای استانی ـ افزایش هزینه‌ها و ریخت و پاش در سفرهای استانی ـ متهم کردن دولت به حماسه‌سازی به جای دیپلماسی سازنده و قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی ـ تشبیه کردن دولت نهم به قاچار و خطرناکتر بودن رفتارهای دولت احمدی‌نژاد از بنی‌صدر ـ اتهام زیاد شدن فاصله طبقاتی با شعار عدالت‌محوری و به لبه پرتگاه بردن کشور و نابودی کشاورزی و بسیاری مطالب دیگر، نمونه‌هایی از بالا رفتن اصلاح‌طلبان از نردبان تخریب برای به قدرت رسیدن بود!

۵ـ آمریکا و غرب با سرمایه گذاری وسیع مالی، اطلاعاتی و تبلیغاتی، رسانه‌ای را تدارک دیده و جهت حمایت از عناصر پروژه جنگ نرم آماده کرده بود.

۶ـ عناصری از داخل نظام مانند سید محمد خاتمی، ارتباطات قابل تأمّل و فاقد توجیه عقلی و شرعی با بنیادهای براندازی آمریکا و غرب مانند سوروس و... برقرار کرده بودند!

۷ـ گروهها، احزاب و جمعیتهای به‌ظاهر دینی ولی سکولار مانند مشارکت، کارگزاران، مجاهدین انقلاب، مجمع روحانیون مبارز، و سایر طیفهای دوم خردادی در یک هماهنگی و همسویی آشکار، به صحنه آمدند تا به حیات دولت اصولگرا و ارزشی خاتمه دهند!

۸ـ اصلاح‌طلبان در این انتخابات، نه به عنوان یک گروه سیاسی داخل نظام که قصد رقابت آرام، و همراه با پذیرش همه اسباب آن، بلکه در قالب یک اپوزیسیون پا به صحنه گذاردند. آنان چند ماه قبل از آغاز رقابتهای انتخاباتی موضوعاتی چون جانبداری صدا و سیما از کاندیدای خاص، دخالت نیروهای نظامی در انتخابات و... را دنبال نمودند تا به‌وسیله آن نابرابری و ناعادلانه بودن انتخابات را مثلاً نشان دهند، لذا کمیته صیانت از آرا به عنوان نهاد موازی با شورای نگهبان راه‌اندازی شد.

۸ـ تهیه و تنظیم نظرسنجیهای جهت‌دار برای القاء پیروزی در انتخابات برای جناح سکولار حاضر در انتخابات، و استفاده از آن در پروژه «تقلّب در انتخابات»، توسط عناصر و مؤسسات داخلی و خارجی، در دستور کار قرار داشت.

۹ـ بسیاری از تحلیلگران طرح جدّی تقلب در انتخابات و صیانت از آرا توسط اصلاح‌طلبان را علامت اطمینان صد درصدی آنها به شکست و تلاش برای بهانه‌جویی پیشاپیش دانسته و بر این باورند که اصلاح‌طلبان

حتی اگر یک درصد احتمال پیروزی خود را در انتخابات می‌دادند، هرگز این‌طور بصراحت، سلامت انتخابات را زیر سؤال نمی‌بردند!

۱۰ـ ماهها آمدن یا نیامدن خاتمی و سپس موسوی، بخشی از پروژه جنگ نرم جهت حساس‌سازی جامعه و جلب توجه جوانان به سوی این دو کاندیدای جناح سکولار بود که نهایتاً موسوی ـ به واسطهٔ سوابقِ نقد نشده و چهرهٔ پنهان در شرایط خاص دوران دفاع مقدس ـ بهترین گزینه برای جناح سکولار انتخاب و کاندیداتوری وی قطعی و خاتمی از انتخابات کناره گیری نمود.

۱۱ـ سه کاندیدای مقابل آقای احمدی‌نژاد (ریاست جمهور) در یک پروسه هماهنگ، تخریب چهره کاندیدای اصولگرا را در رأس مناظرات و تبلیغات خود قرار دادند و به طور بی‌سابقه‌ای مقام رسمی کشور را متهم به دروغ‌گویی نموده و آمارهای غیرواقعی ارائه دادند!

۱۲ـ مقام معظّم رهبری همواره نسبت به شکل‌گیری جریانات التقاطی با روشنگری کامل، ملّت را به هوشیاری فرا خوانده و در سخنان خود ضمن برشمردن ویژگیهای لازم برای انتخاب رئیس‌جمهور، مردم را از انتخاب مسؤولین بی‌جرأت و ضعیف همچون شاه سلطان حسین برحذر داشتند.

۱۳ـ میرحسین موسوی به عنوان فردی که بیست سال از سیاست به دور بوده است، پس از کش و قوس‌های فراوان مبنی بر این که آیا او اصلاح‌طلب است یا اصولگرا؟! و بیان تردید در تواناییهای موسوی برای ریاست جمهوری در دهۀ چهارم، به یکباره مورد توجه اصلاح‌طلبان قرار

گرفت و آنان پس از آن که خاتمی با تیزبینی خاص انصراف می‌دهد، با تغییر ۱۸۰ درجه‌ای، یک شبه رنگ عوض کرده و خود را از یاران موسوی می‌خوانند!

۱۴ـ موج انتقادات اصولگرایان از موسوی زمانی بیشتر شد که تشکلاتی نظیر مجاهدین و مشارکت و ملی مذهبی‌ها به عنوان گروههای تندرو در جریان اصلاح‌طلبی حمایت قاطع خود را از موسوی اعلام داشته و موسوی نیز از آنان حمایت کرد. این در حالی بود که هشدارهایی از سوی برخی اصولگرایان و حتی اصلاح‌طلبان در این خصوص به وی داده شد.

۱۵ـ نقش فیلمهای تبلیغاتی از آن جهت مؤثر بود که آن دسته از شرکت‌کنندگان که علاقه‌ای به پیگیری اخبار از طریق تلویزیون و روزنامه‌ها و . . . ندارند را در تصمیم‌گیری برای انتخاب نامزد نهایی خود ارشاد و راهنمایی می‌کرد.

١٦ـ برگزاری مناظره‌ها و ابراز نظرات صریح کاندیداها درباره موضوعات مختلف در مواجهه با رقبای خود و تن دادن به چالشهای صریح که باعث محک خوردن هوش و ذکاوت و توانایی آنها برای مدیریت صحنه‌های سخت و دشوار و قدرت آنها در دفاع از برنامه‌ها و کارنامه‌شان شد، توجه بسیاری از مردم را به خود جلب کرد به طوری که پخش مناظره‌های تلویزیونی تبدیل به یکی از جذاب‌ترین و پربیننده‌ترین برنامه‌های سیاسی شد.

۱۷ـ رنگ سبز که به طور طبیعی بیانگر حرکت و پویایی است و در

اعتقادات ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارد و رنگ سفید که بیانگر آرامش و صلح است و حتی استفاده از رنگ پرچم کشور گرچه در نوع خود قابل توجه بود، اما انحصاری کردن رنگها و مربوط ساختن آن به پوشش و لباس افرادی که به طور طبیعی علاقه‌مند به این رنگها هستند و از آن استفاده می‌کنند، نوعی سوء استفاده تبلیغاتی از احساسات و مقدسات مردم بود که در برخی موارد منجر به تقابل رنگها و درنهایت تقابل بین ستادها شد.

۱۸ـ پس از دوم خرداد ۷٦ در پی القاء دنباله‌روی جریان اصلاحات به‌وجود آمده از دل دوم خرداد از دوران سازندگی، هاشمی رفسنجانی مورد خشم بسیاری از اصلاح‌طلبان واقع شد تا جایی که وی را عالیجناب سرخپوش و . . . نامیدند. امّا پس از پایان دوران هشت ساله خاتمی و در جریان انتخابات نهمین دورهٔ ریاست جمهوری و بویژه مرحله دوم آن، اصلاح‌طلبان؛ با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای خود، از هاشمی رفسنجانی حمایت کردند! تیم مشورتی تبلیغاتی هاشمی ـ که بیشتر از اعضای حزب کارگزاران بودند ـ کار را به جایی رساندند که از هاشمی شخصیتی متفاوت با هاشمی در دهه ۷۰ نمایان کردند. دیگر هاشمی، هاشمی دهه ۷۰ نبود بلکه هاشمی ۲۰۰٦ بود!

۱۹ـ در حالی که همگان انتظار می‌کشیدند فضای ملتهب رقابتهای انتخاباتی بویژه فضای به وجود آمده تحت تأثیر مناظره‌های تلویزیونی به پایان رسیده و انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در کمال صحت و آرامش و سلامت فرارسد، در ساعات منتهی به پایان مهلت قانونی

تبلیغات انتخاباتی، انتشار نامه تند و غیر مؤدبانه هاشمی رفسنجانی به مقام معظّم رهبری فضا را ملتهب‌تر نمود!

۲۰ـ انتخابات علی‌رغم همه مشکلات و شبهات و القائات تحمیلی و غیرواقعی غرب و جناح منحرف داخلی؛ در فضایی آرام و مطمئن و سالم برگزار گردید و ملّت در یک حضور بی‌سابقهٔ با ۸۵ درصدی، یک رکود بسیار شاخص را در طول انقلاب اسلامی برجا گذاشتند و زلزلهٔ سیاسی در دنیا برپا ساختند. آنان اعتماد و حمایت و نشاط و رضایت خود را از نظام اسلامی با این رکورد بی‌سابقه، به نمایش گذاشتند.

۲۱ـ عناصر باصطلاح روشنفکر لیبرال و سکولار گروههای نفاق جدید، تلاش فراوان و با تماسها و اطلاعات غلط، حوزه‌های علمیه، علماء و مراجع را در راستای اهداف خود به میدان آوردند و بدین وسیله اختلافات را در حوزه‌های علمیه و میان علما نیز به وجود آوردند، و تشدید کردند.

۲۲ـ رهبر معظّم انقلاب اسلامی در راستای هدایت جامعه به سوی آرمانهای حضرت امام(ره) و پیشرفت و عدالت، توصیه‌هایی به مردم، جناحها و گروهها، نامزدهای انتخابات داشتند. در این میان مردم با حضور حماسی و پرشور خود، تحسین و تجلیل و تمجید رهبر فرزانه انقلاب را به خود جلب نمودند. امّا برخی نامزدها به هشدارهای ایشان کمتر توجه کردند و متأسفانه خط تخریب و تهمت را دنبال نمودند و رقابت سالم و توأم با اخلاق اسلامی جای خود را به مبارزه برای کسب قدرت به هر قیمت و به هر وسیله داد و زمینه برای فتنه گریهای بیگانگان و آشوب‌طلبان داخلی فراهم گردید!

فصل دوم

وقایع پس از انتخابات

اعلام پیروزی زود هنگام

بسیاری از اصلاح‌طلبان ماهها قبل از موعود برگزاری انتخابات با قاطعیت از پیروزی میرحسین موسوی خبر می‌دادند. در همین رابطه مصطفی کواکبیان (دبیرکلّ حزب مردم‌سالاری) گفت: ما با قاطعیت تمام می‌گوییم که میرحسین موسوی پیروز ۲۲ خرداد خواهد بود. اگر میرحسین موسوی پیروز نشد، هرچه دلتان خواست به من بگویید. به عقیدهٔ من لزومی ندارد که اصلاح‌طلبان برای نامزد واحد اجماع کنند. چراکه میرحسین موسوی مطمئناً رئیس جمهور می‌شود[1] وی همچنین در جمع حامیان موسوی خطاب به احمدی‌نژاد گفت: «به آقای احمدی‌نژاد می‌گویم که ساعت ۱۰ صبح روز ۲۳ خرداد مانند ناطق نوری پیام تبریک خودت را آماده کن.»

اصلاح‌طلبان در اظهارنظرها و مواضع خود همواره بر این امر تأکید می‌کردند که جریان رقیب یعنی اصولگرایان در صددند تا برای به دست

۱- ایران، ۱۳۸۸/۲/۳۱.

آوردن مجدّد آراء حضور مردم را کمرنگ کنند و چنین القاء نمودند اگر مردم حضوری حداکثری داشته باشند یقیناً نامزد اصلاح‌طلبان پیروز خواهد شد.

هنوز چند ساعتی از شروع انتخابات نگذشته بود که سایتهای وابسته به اصلاح‌طلبان (نوروز ـ قلم نیروز ـ اصلاحات ـ امروز ـ سلام نیوز ـ جمهوریت) با استفاده از شیوه‌های جنگ روانی مدعی شدند نامزد آنها در ۲۱ استان به برتری قاطع دست یافته و مردم وی را انتخاب کرده‌اند. سایت کلمه نیوز با اشاره حضور حماسی مردم به مصاحبه با سید محمد خاتمی پرداخته و از قول وی نوشت: «شواهد امر حاکی است موسوی انتخابات را برده است. اما من پیشگو نیستم». میرحسین موسوی که همچون سناتورهای آمریکایی همیشه در کنار خود همسرش زهرا رهنورد را همراه داشت، پس از انداختن رأی خود به صندوق اعلام کرد که «قول می‌دهم از آراء همه صیانت کنم.» وی یک ساعت پس از پایان انتخابات در جمع خبرنگاران حاضر شد و خود را پیروز انتخابات خواند و از وزارت کشور برای برگزاری جشن پیروزی تقاضای مجوز نمود.

«تقلب» رمز آشوب

فرایند تشکیک در سلامت انتخابات در طول ۳ دهه از عمر گرانبهای انقلاب اسلامی در انتخابات مختلف وجود داشته است و همواره دشمنان خارجی، ساز ناسالم بودن انتخابات را کوک کرده و رسانه‌های بیگانه این توهم را در شیپورهای تبلیغاتی خود می‌دمند. آنان با به راه انداختن یک

جنگ رسانه‌ای تلاش نمودند تا از حضور مردم در پای صندوقهای رأی کاسته و غیر مردمی خواندن جمهوری اسلامی ایران را علم کنند.

دشمنان انقلاب اسلامی که برای به چالش کشاندن نظام جمهوری اسلامی و در نهایت فراهم کردن زمینه‌های سقوط آن، از هیچ کوششی فروگذار نبودند، با نزدیک شدن ایام انتخابات ریاست جمهوری دهم و در آستانه و دهه چهارم انقلاب اسلامی به عنوان دهه پیشرفت و عدالت که از ویژگی و حساسیت خاصی برخوردار بود، مانور تکرار و ادعای واهی خود را مبنی بر احتمال تقلب در انتخابات، پر رنگ‌تر از گذشته آغاز کردند.

اگرچه برخی نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری قبل از برگزاری انتخابات با تشکیل کمیته صیانت از آراء بر این طبل کوبیدند، اما دشمنان قسم خورده انقلاب اهداف فراتری را دنبال می‌کردند. این در حالی بود که شاید حتی خود کاندیداهای مورد نظر هم از عمق فتنه آگاهی نداشته و به طور یقین بسیاری از حامیان و طرفداران ایشان هم از چنین هدفی ناآگاه بودند. ولی آنچه پس از انتخابات به عنوان فاز جدید راهبردی دشمنان در دستور کار قرار گرفت، شرایط متفاوت‌تری به نمایش گذاشت که وجود آنچه از آن به عنوان انقلاب رنگی یا مخملی یاد می‌شد را نیز اثبات نمود.

در راستای شبهه در سلامت انتخابات و ابراز نگرانی جریان دوم خرداد از روند برگزاری انتخابات، شبهه‌هایی در خصوص سن شرکت‌کنندگان افزایش تعداد صندوقهای سیّار نسبت به گذشته عدم

صدور کارت برای نمایندگان از سوی برخی کاندیداها مطرح شد.

اگرچه برای هرکدام از آن شبهه پاسخی مستدل از سوی مقامات اجرایی و نظارتی داده شد، اما این فضا در حجم وسیعی رو به گسترش گذاشت. به طوری که هواداران موسوی در شعارهای پیش از انتخابات خود از شعارهای «اگه تقلب بشه ایران قیامت می‌شه» و یا «اگه تقلب نشه موسوی اوّل می‌شه» استفاده نمودند. به فاصله چند روز مانده به برگزاری انتخابات دهم زهرا رهنورد همسر موسوی اعلام کرد: «در صورت پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات، وجود تقلب اثبات می‌شود.» این حرکتها نوعی آماده‌سازی اذهان برای ایجاد تردید در انتخابات بود که از سوی حامیان موسوی شکل گرفت.

انتشار سی دی نود سیاسی و توزیع آن در سراسر کشور و تبلیغات گسترده در آن مبنی بر دروغگو بودن احمدی‌نژاد و تکثیر پوستر سبز رنگ با مضمون «دروغ نمی‌گویم» و توزیع آن در شهرستانهای مختلف، علاوه بر تضاد آشکار با قانون انتخابات، در دستور کار قرار داشتن عملیات روانی را در ستادهای موسوی قوّت بخشید.

انتشار نامه تهدیدآمیز هاشمی رفسنجانی به رهبر انقلاب که به طور تلویحی تهدید به اغتشاش و نافرمانی مدنی در آن مشاهده شد و شایعه پاسخ رهبر انقلاب به نام هاشمی در دفاع از ایشان و محکوم کردن احمدی‌نژاد از آخرین تلاشهای حامیان موسوی در این راستا بود.

عفت مرعشی (همسر هاشمی رفسنجانی) در روز ۲۲ خرداد با حضور در حوزه اخذ رأی حسینیه جماران به جوّ سازمانی درباره سلامت

انتخابات پرداخت و با اعلام این‌که به میرحسین موسوی رأی داده است گفت: «امیدوارم که تقلبی صورت نگیرد که اگر این اتفاق بیفتد من در پل صراط از آنها نخواهم گذشت. اگر تقلب شود از مردم می‌خواهم با حضور در خیابانها واکنش نشان دهند، اما در صورتی که تقلب انجام نشود مطمئن هستم که میرحسین موسوی رأی خواهد آورد.» مردم با حضور حماسی خود در ۲۳ خرداد بار دیگر نشان دادند که حرف آخر را آنان می‌زنند و چشم جهانیان را با حضور خود خیره کردند.

ملّت با رأی خود به دکتر احمدی‌نژاد ثابت کردند که قدردان زحمات کسی هستند که صادقانه با تلاش خستگی‌ناپذیر خود را خادم مردم می‌داند و برای سرافرازی کشور گام برمی‌دارد. آنان با رأی خود اعلام کردند که دولت دهم را نیز دولتی اصولگرا و استمرار بخش گفتمان امام(ره) می‌خواهند. اما عده‌ای که خود را شکست‌خورده می‌دانستند و با طرح کمیته صیانت از آراء به راه فرار به جلو را برگزیده بودند، پس از مشخص شدن نتایج انتخابات بر طبل اعتراض و این‌که در انتخابات تقلب شده است، کوبیدند.

آنان در ابتدا معتقد بودند که میرحسین بیشترین رأی را دارد و رئیس جمهور منتخب مردم است. اما پس از مدتی در عین ناباوری درخواست ابطال انتخابات را نمودند. این در حالی بود که اگر این ادعا واقعیت داشت و طرفداران آنها حقیقتاً باور داشتند که مردم به آنان رأی دادند، علی‌القاعده نباید درخواست ابطال انتخابات را مطرح می‌کردند و به طور مؤکداً بر بازشماری آرای صندوقها پافشاری می‌کردند.

با القاء گسترده این توهم که در انتخابات تقلب شده است! جمعی از حامیان نامزدهای معترض به نتایج انتخابات با دعوت برخی سران جریان دوم خرداد به خیابانها کشیده شدند و اعتراضهایی را انجام دادند.

اگرچه این اعتراضات در ابتدا به صورت آرام انجام شد، اما حضور برخی عناصر سودجو و اغتشاشگر در میان حامیان آن نامزدها، موجب شد که این اعتراضات به آشوب منجر شود.

دلایلی که حامیان موسوی برای موضوع تقلب مطرح ساختند در نوع خود قابل توجه و خنده‌دار بود. زهرا رهنورد (همسر موسوی) با پناه بردن به شبکه بی‌بی‌سی و گفتگو با شبکه انگلیسی در خصوص دلایل تقلب گفت: «آذربایجان و ترک‌زبانها هیچ وقت فرزند خودشان را نمی‌گذارند که به‌کس دیگری رأی دهند. موسوی بارها گفته که من داماد لرستان هستم. بنابر این اهالی لرستان موسوی را نمی‌گذارند به احمدی‌نژاد رأی دهند. هروقت طرفداران دو طرف حاضر می‌شدند، طرفداران احمدی‌نژاد در مقابل طرفداران موسوی در حد یک صدم بودند...».

فلینت لورت و هیلاری من لورت از کارشناسان شورای روابط خارجی آمریکا در سایت این شورا ضمن تحلیل انتخابات ایران نوشتند: «نتایج انتخابات ایران از آن جهت برای برخی تعجب‌آور است که آنها نتایج انتخابات را با توجه به توهم خود تفسیر می‌کردند و اگر کودتایی وجود داشته باشد به وسیله بازنده‌های انتخابات در حال انجام است». آنان تصریح می‌کنند: «بیشتر رسانه‌های غرب و آمریکا در هفته‌های قبل از انتخابات بر روی میرحسین موسوی بسیار مانور دادند، اما آنها از

تأثیرگذاری احمدی‌نژاد به عنوان سیاستمداری مردمی مانند سال ۲۰۰۵ غافل بودند». این دو کارشناس شورای روابط خارجی آمریکا با اشاره به موارد استنادی موسوی برای تقلب در انتخابات بیان داشتند: «حتی با توجه به استانداردهای انتخاباتی در آمریکا نیز این تخلّفات نمی‌تواند تقلب انتخاباتی نامیده شود.»

سایت جهانی نیوز نیز با ارائه راهکاری برای موسوی (گرفتن شماره‌های ملی و مشخصات رأی‌دهندگان و تطبیق آن با صندوقها) خواستار آزمودن ادعای موسوی بدون خونریزی شد. جهان نیوز بیان داشت: «متأسفانه دلایل و مستندات احساسی چون آذری‌زبان بودن موسوی و داماد لرستان بودن وی و دلایلی دیگر که حتی از جانب برخی همفکران و دوستان اصلاح‌طلب وی نیز مورد تمسخر واقع شده بود، موجب شده تا مهندس موسوی با چشمانی بسته و دستانی خالی ابطال کلّی انتخابات را مورد مطالبه قرار دهد.»[1]

براساس افشا گریهای تعدادی از حامیان موسوی، آنان با نظرسازی و گزارشهای یکجانبه، این نامزد انتخابات را به این باور رساندند که او قطعاً پیروز انتخابات است. بنابراین نباید به نتایج به دست آمده تن دهد، برای نمونه امیر حسین مهدوی (عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین و سردبیر روزنامه اندیشه نو و عضو ستاد انتخاباتی موسوی) در نشست خبری در خبرگزاری ایسنا با بیان جزئیاتی از فعالیتهای ستاد میرحسین و

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲.

نقش برخی عوامل این ستاد در شکل‌دهی آشوبها گفت: «در شرایطی که ادله‌ای برای پیروزی موسوی در انتخابات نداشتیم و ناظران وی نیز در قریب به اتفاق صندوقها حضور داشتند، به موسوی این‌گونه القا کردیم که اعلام کند پیروز قطعی انتخابات است.»[۱] مسأله‌ای که ۷۰ روز پس از انتخابات علی‌رضا بهشتی (عضو هسته مرکزی ستاد موسوی) در مصاحبه‌ای به آن اذعان کرد. وی در این باره گفت: «برخی تماسها موجب شد موسوی پیروزی خود را اعلام کند».[۲]

مهدوی در ادامه با اشاره به نظرسازیها بیان داشت: «در مرحله نخست اعلام کردیم که موج سبز در کشور راه افتاده و در مرحله بعد گفتیم آرای موسوی در حال رشد است، درگام دیگر مدعی شدیم که او با آقای احمدی‌نژاد به مرحله دوم می‌رود و بعد چنین القا کردیم که موسوی قطعاً پیروز انتخابات خواهد بود، القای چنین مطالبی موسوی را به این باور رساند که پیروز انتخابات است.»[۳]

انقلاب رنگی یا جنگ نرم

انقلاب رنگی یکی از انواع انقلابهای به‌کار گرفته شده‌ای است که در سالهای اخیر در چندین کشور از بلوك شرق و شوروی سابق رخ داده است. این نوع انقلابها معمولاً در دوران انتخابات یک کشور روی می‌دهد و هدف اصلی آن زیر سؤال بردن انتخابات و در نتیجه ادعای

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۷.
۲- همان، ۱۳۸۸/۶/۱.
۳- همان، ۱۳۸۸/۴/۱۱.

باطل بودن آن می‌باشد.

نظریه‌پرداز اصلی این تفکر، شخصی به نام جین شارپ دکتر فلسفه و استاد علوم سیاسی چندین دانشگاه آمریکا و عضو ارشد اندیشکده آلبرت اینشتین می‌باشد که از اواسط قرن بیستم نظریه خود را تبیین و بسط داد و معروف‌ترین کتاب وی تحت عنوان «از دیکتاتوری تا دموکراسی» در سال ۱۹۹۳ منتشر شد. این کتاب که خلاصه‌ای از مبانی نظری و بیشتر با رویکرد عملی، آموزه‌های کودتای نرم را بیان می‌کند، به منظور استفاده مبارزان راه دموکراسی به زبانهای مختلف از جمله فارسی ترجمه شد. جین شارپ در این کتاب تعالیم ۱۹۸ گانه‌ای دارد که با بررسی آن و انطباق مصداقهای آن در وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، قابل تأمل است.

در این‌جا به برخی از این تعالیم اشاره می‌کنیم: سخنرانیهای عمومی نامه‌های اعلام مخالفت یا اعلام حمایت بیانیه‌های امضاء شده گروهی استفاده از شعارها و کاریکاتورها و نمادها ـ پرچم‌ها و پوسترها و ارتباطات بصری ـ جزوه‌ها ـ رساله‌های چاپی و کتابها ـ دیوارنویسی و زمین نویسی ـ تشویق کارگران و کارمندان به اعتصاب و دست کشیدن از کار ـ استفاده از رنگها و پوششهای نمادین ـ حمل اشیاء نمادین ـ تخریب اموال شخصی ـ استفاده از علامتها و نامهای جدید ـ نمایش تصویر افراد و شخصیتها ـ استفاده از شکلکهای نقاشی شده به نشانه اعتراضی ـ استفاده از علامتها و نامهای جدید ـ ایجاد صداهای نمادین ـ بازخواست از شخصیتها و مأموران ـ تمسخر و اهانت به شخصیتها ـ ملاقات و مذاکره با

مسؤولان ـ تعقیب و مراقبت مسؤولان ـ استفاده از میان‌پرده‌های طنز و تمسخرآمیز ـ آوازخوانی ـ انجام تظاهرت همگانی ـ انجام مراسم سوگواری سیاسی ـ تشییع جنازه‌های غیر واقعی و ظاهری ـ تشییع جنازه‌های همراه با تظاهرات ـ اجتماعات اعتراضی یا حمایتی ـ استفاده از تظاهرات غیرمستقیم با استفاده از رنگها و نمادها و اشکال متنوع ـ آموزشهای درون گروهی ـ سکوت ـ انکار و نفی شخصیتهای شناخته شده ـ تحصن ـ در خانه ماندن ـ اعتصاب ـ تحریم خودداری یا بازپس‌گیری بیعت سیاسی ـ انتشار متون چاپی و انجام سخنرانیهای مبتنی بر تشویق مقاومت ـ خودداری از قبول مأموران انتصابی ـ نافرمانی در زمان نبود نظارت مستقیم ـ تمرّد و شورش ـ عدم همکاری با واحدهای متشکل دولتی ـ تحمل مصیبت و آزار غیر خشونت‌آمیز ـ تحصن نشسته یا ایستاده ـ هجوم آوردن به افراد و شخصیتها ـ تولید صداهای غیرخشونت‌آمیز ـ ایجاد راهبندان در خیابان و جاده‌ها ـ جعل و تقلب با انگیزه‌های سیاسی و ...».[۱]

سابقه انقلابهای نرم یا ساکت که شیوه‌ای مسالمت‌آمیز برای براندازی آرام حکومتهایی است که آمریکا آنها را مانع بسط و گسترش خود می‌داند به دهه پایانی قرن بیستم و کشورهای اروپایی شرقی همچون چکسلواکی و رومانی برمی‌گردد. این انقلابها در دهه نخست قرن بیست‌ویکم به جمهوریهای استقلال یافته شوروی سابق تسری یافت. در

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۱۶.

گرجستان با انقلاب گل رز، در اوکراین با انقلاب نارنجی و در قرقیزستان با انقلاب لاله‌ای به نتیجه رسید و منجر به تغییر حکومت در آن کشورها شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دشمنان زخم خورده انقلاب، تمام توان و ظرفیت خود را برای سرنگونی این رژیم نوپا بنا نهادند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نبودند. هشت سال جنگ تحمیلی، تحریمها و بسیاری رخدادها که همه در راستای همین امر اجرا شد. اما در هر بار با حضور قدرتمند ملّت قهرمان ایران و رهبریهای حضرت امام خمینی(ره) و پس از ایشان رهبریهای مقام معظّم رهبری، با شکست مواجه شدند. از این رو با فرا رسیدن ایام دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با تغییر استراتژی و انتخاب راهبری جدید سعی در پیاده کردن انقلاب رنگی در ایران نمودند. در این رابطه از سوی مرکز سابان ایالت متحده، با بررسی سناریوهای مختلف علیه ایران، در کنار گزینه‌های مطرح دیپلماتیک و نظامی، موضوع تغییر حکومت در ایران را از طریق کودتای مخملی، با ایجاد اغتشاش و هدایت آن توسط اپوزیسیون، تا مرحله فروپاشی به عنوان مناسب‌ترین گزینه دنبال گردید. این مرکز در فصل ششم گزارش خود تحت عنوان کدام راه به سمت ایران، انقلاب مخملی را مناسب‌ترین راه برای تغییر حکومت ایران دانسته و ایجاد حکومتی که بیشترین همراهی را با منافع آمریکا داشته باشد در دستور کار خود قرار دادند.[۱]

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲۴.

جورج بوش (رئیس جمهور وقت آمریکا) برای تغییر رژیم جمهوری اسلامی ۸۵ میلیون دلار را به تصویب کنگره رساند و این مبلغ را برای ترویج دموکراسی و حمایت از گروههای طرفدار آزادی در اختیار خانه آزادی (مرکز عملیات براندازی نرم در ایران) قرار داد.

بوش که در اواخر دوران ریاست جمهوری‌اش به طور صریح بر حمایت از اصلاح‌طلبان تأکید نموده بود، همواره در صدد تضعیف و در نهایت سقوط جمهوری اسلامی ایران بود. خانم رایس (وزیر خارجه سابق آمریکا) در زمان تصویب بودجه در کنگره آمریکا گفت: «ما توانستیم با یک براندازی نرم از لهستان و با جنبش همبستگی تا پشت مرزهای روسیه، انقلابهای رنگین را سامان دهیم و رژیمهای حاکم را ساقط و رژیمهای دموکراتیک مورد نظر آمریکا را به قدرت برسانیم. تنها راه برای تغییر نظام در ایران، استفاده از همین تجربه است.»

اگرچه بسیاری پیشینه انقلاب مخملی در ایران را به آغاز دوران اصلاحات یعنی دوم خرداد ۷۶ نسبت می‌دهند اما می‌توان گفت که در دوران اصلاحات زمینه‌های آن فراهم گردید. در روزهای آغازین سال ۷۸ نتانیاهو (نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی) خواستار اجرای فوری پروژه انفجار از درون ساختار حکومتی ایران شد و تأکید کرد: «باید با ایران کاری کرد که همان اتفاقی که در شوروی سابق صورت گرفت، پیش آید و آن هم انفجار از درون است»[1] در همین حال عباس عبدی از

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۳.

اصلاح‌طلبان هم طی مصاحبه‌ای با هفته‌نامه راه نو تصریح کرد. «انقلاب اسلامی متأثر از الگوی حکومت شوروی سابق است و سرانجام آنها نیز یکسان است».[۱]

حادثه کوی دانشگاه در سال ۷۸، القاء انسداد سیاسی در کشور توسط مسافرین کنفرانس برلین در سال ۷۹ و تحصن و استعفای دسته جمعی نمایندگان مجلس ششم را می‌توان در راستای مقدمات این کار دانست.

سازماندهی انقلاب مخملی در ایران به وسیله بنیاد سوروس با واسطه افرادی چون؛ هاله اسفندیاری و کیان تاجبخش و رامین جهانبگلو انجام می‌گرفت. اما شواهد و قرائن نشان داد که این طرح در انتخابات دهم ریاست جمهوری به اوج خود رسید. بویژه در روزهای پایانی رقابتهای انتخاباتی و با خیابان‌گردیهای حامیان برخی کاندیداها که گاهی نیز به دیگری و اغتشاش منجر شده آشکارا امنیت جامعه را در معرض تهدید قرار داد. ضرب و شتم هواداران سایر کاندیداها توسط دیگر کاندیداها تردیدی باقی نمی‌گذاشت که پروژه ناآرامی برای برهم زدن شرایط برگزاری انتخابات آرام کلید خورده است و تجمعات هواداران برخی کاندیداها به بهانه حمایت از ایشان و مسدود کردن خیابانها و ایجاد راهبندان و زدن بوق ممتد در خیابانها، نشان از برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای بحران‌آفرینی در آستانه انتخابات دهم داشت.[۲]

پرویز سروری (عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم) در این

۱- نشریه راه نو، ۱۳۷۷/۶/۲۱.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۸.

رابطه تأکید کرد: «همواره هواداران اشخاصی دست به اغتشاش و تهدید نظم عمومی می‌زنند که آثار شکست‌شان از قبل مشخص و محرز بوده و می‌دانند مردم به آنها اقبالی نشان نخواهند داد.»[۱]

مجید مجیری (دبیر سیاسی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان) با اشاره به مناظره‌های تلویزیونی گفت: «اغتشاشگران حامی موسوی پس از شکست سنگین خود در مناظره تلویزیونی با احمدی‌نژاد، می‌خواهند با آشوب‌طلبی و احساس ناامنی را القاء کنند.»[۲]

سعید سلیمانی (مسؤول بسیج دانشجویی دانشگاه علم و صنعت) با اشاره به برخی اغتشاشات و ناآرامیها در آستانه انتخابات گفت: «بد اخلاقی انتخاباتی و نافرمانی مدنی به نفع هیچ گروه و طیف موافق نظام نیست و این شائبه را در اذهان به وجود می‌آورد که شاید آنهایی که در خیابان دست به افراطی‌گری و اغتشاش می‌زنند، هدف دیگری دارند.»[۳]

حجةالاسلام احمد سالک (عضو شورای مرکزی جامعه و روحانیت مبارز) با تأکید بر این‌که هدف از اتفاقات بعد از انتخابات براندازی بوده است بیان داشت: «قانون انتخابات ریاست جمهوری دهم، همان قانونی بود که ۳۰ سال انتخابات جمهوری اسلامی در چارچوب آن برگزار شد. این قانون، قانونی جامع و بی‌نقص است.» وی با اشاره به شکل‌گیری وقایع پس از انتخابات گفت: «برخی کاندیداها و هوادارانشان بعضی از اصول قانون اساسی را زیر پا گذاشتند. آنان خوب می‌دانند شرارتها و

۱- ایران، ۱۳۸۸/۳/۱۹.
۲- همان.
۳- همان.

ویرانگریهای اخیر با هدف تخریب و براندازی صورت گرفت و هیچ ارتباطی با چگونگی اجرای قانون نداشت.»[۱]

لطف‌الله فروزنده (سخنگوی جمعیت ایثارگران) در گفتگو با ایرنا با اشاره به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و این‌که ماهیت استکباری آمریکا هیچ تفاوتی نکرده است گفت: «در این انتخابات شاهد این مسأله بودیم که آمریکاییها بار دیگر مانند گذشته شعبان بی‌مخ‌ها را به خیابان آوردند و با استفاده از عوامل اغتشاشگر و جاسوسان سعی کردند انقلاب را نابود کنند.»[۲]

در حالی که بسیاری از اصلاح‌طلبان ارتباط با بیگانگان برای ساماندهی انقلاب رنگی در ایران را انکار می‌کردند و از وجود عوامل خارجی در جریان ناآرامیهای پس از انتخابات اظهار بی‌اطلاعی می‌نمودند، اما دستگیری برخی عناصر بیگانه در اغتشاشات خیابانی از یک سو و اعتراف برخی دستگیرشدگان داخلی به ارتباط با سازمانهای آمریکایی و انگلیسی از سوی دیگر، وقوع انقلاب رنگی در ایران را بیش از پیش نمایان می‌ساخت. مسأله‌ای که بسیاری از بیگانگان نیز بدان اقرار نمودند.

فیل ویلاتیو (نویسنده مشهور غربی) در مطلبی تحلیلی بر دخالت داشتن نیروهای خارجی در بروز ناآرامیهای اخیر ایران تأکید کرد و نوشت: «بسیار ساده‌لوحانه است اگر فکر کنیم عوامل خارجی در

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۸.
۲- همان، ۱۳۸۸/۵/۲۷.

ناآرامیهای ایران دست نداشته‌اند.»[۱]

روزنامه الوطن چاپ سوریه نیز از اهداف غرب در جریان انتخابات ایران خبر داد و نوشت: «غربیها می‌خواستند نقش و قدرت ایران در منطقه راکاهش داده و آن را از مواضعش در قبال پرونده هسته‌ای دور سازند، نه این‌که چه کسی به مقام ریاست جمهوری برسد.»[۲]

هفته‌نامه آمریکایی آمریکن فری پرس در مقاله‌ای با رد ادعای اوباما مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی ایران نوشت: «دخالت آمریکا در وقایع اخیر ایران محرز است.»[۳]

آغاز دیکتاتوری

شوک پیروزی دکتر محمود احمدی‌نژاد و اختلاف یازده میلیونی آراء موجب شد تا میرحسین موسوی که خود را پیروز انتخابات می‌دانست، بیانیه‌های متعددی را صادر نماید. اوّلین بیانیه موسوی کاملاً احساسی و خالی از هرگونه منطق و استدلال، با حمله به روند برگزاری انتخابات همراه بود. موسوی در پی اعلام بخش عمده‌ای از نتایج انتخابات که در آن احمدی‌نژاد پیشتاز بود، این نتایج را شعبده‌بازی دست‌اندرکاران انتخابات و صدا و سیما خواند! وی ضمن اعتراض شدید به روند موجود و تخلّفات آشکار و فراوان روز انتخابات هشدار داد که تسلیم این صحنه‌آرایی خطرناک نخواهد شد. موسوی با انتقاد از عملکرد

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۱۷. ۲- همان، ۱۳۸۸/۵/۱۹.

۳- همان، ۱۳۸۸/۵/۲۱.

برگزارکنندگان انتخابات آنان را متصدیان بی‌امانت خواند و نوشت: «این کار جز تزلزل ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت دروغ و استبداد نیست.» وی در پایان تأکید کرد: «خائنین به آراء مردم هیچ ابایی ندارند که این خانه پارسیان به آتش کشیده شود.» علاوه بر موسوی، مهدی کروبی نیز که با سقوط شدید آراء و بی‌اعتمادی مردم مواجه شده بود، با انتشار بیانه اعتراض خود را اعلام کرد. کروبی در بیانیه خود نوشت: «جشنواره انتخابات به سوگواری تبدیل شده و باید مرثیه خواند! نتایج اعلام شده چنان مضحک و شگفت بود که در بیان و بیانیه نمی‌آید. شگفت که مشارکت ملّت به ابزار تحکیم دولت تبدیل شد». وی در ادامه نوشت: «دستان همه رأی‌دهندگان بخصوص افراد مورد تبعیض، اقلیتهای قومی و مذهبی، دراویش و اهل حقّ را می‌بوسم!»[۱]

در پی اقدامات آشوب‌طلبانه برخی عناصر، میرحسین موسوی در اقدامی دیر هنگام از معترضین خواست که حساب خود را از رفتارهای خشونت‌آمیز جدا کنند. وی در پیام خود آورد: «قاطعانه از شما می‌خواهم هیچ فرد یا گروهی خود را در معرض صدمه قرار نداده و آرامش و متانت خویش را از دست ندهد.»[۲]

میرحسین موسوی که در ایام تبلیغات انتخابات، پایبندی به قانون و پرهیز از قانون‌گریزی را محورکار خود قرار داده بود و حتی با این‌که در جریان رقابتها گفته بود نظارت استصوابی را قبول ندارد اما چون در قانون

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۴. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۵.

آمده است در صورت عهده‌دار شدن سکان اجرایی کشور و پست ریاست جمهوری این شیوه اجرایی را به اجرا خواهد گذاشت، ولی بعد از اعتراض و شکایت به شورای نگهبان، در حالی که همه انتظار داشتند وی همچون معترضین دوره‌های گذشته دنبال رسیدگی شکایت خود و پاسخ شورای نگهبان باشد، موسوی با صدور بیانیه‌ای که بدان اشاره شد، خطاب به مردم تصریح کرد که تقلبی فضاحت‌بار در این دوره انتخابات رخ داده است.

مخدوش دانستن سلامت انتخابات توسط موسوی قبل از اعلام نظر نهایی شورای نگهبان پیامی نداشت جز خروج از مسیر پایبندی به قانون. در روز یکشنبه ۲۴ خرداد میرحسین موسوی جلسه‌ای را با بهزاد نبوی، مصطفی تاج‌زاده به همراه محسن امین‌زاده برگزار کردند. حاصل این جلسه صدور بیانیه شدیداللحنی بود که در آن انتخابات را بشدّت زیر سؤال می‌برد.[۱] سایت انتخاب در همین روز از حضور غیر منتظره خاتمی و موسوی و کروبی در منزل هاشمی خبر داد. عناصر افراطی حزب مشارکت، ملی‌گراها و سازمان مجاهدین هم آن روز بیکار ننشستند و با طرح‌ریزی برنامه‌ای در صدد برپایی تحصن در حرم امام خمینی(ره) و یا حسینیه جماران برآمدند.[۲] میرحسین موسوی عصر روز یک‌شنبه ۲۴ خرداد به دیدار مقام معظّم رهبری رفت و ضمن گزارشی، دیدگاه خود را درباره روند انتخابات بیان کرد. رهبر انقلاب در این دیدار با تأکید بر لزوم

۱- سایت جهان، ۱۳۸۸/۳/۲۴. ۲- خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۳/۲۴.

حفظ آرامش و متانت بیان داشتند:

«در دوره‌های قبلی انتخابات نیز برخی افراد و نامزدها، مسائلی داشتند که از طریق شورای نگهبان به عنوان مرجع قانونی رسیدگی به شکایات انتخاباتی پیگیری کردند و طبعاً در این دوره نیز مسائل باید از طریق قانونی دنبال شود».

ایشان با اشاره به نامه موسوی به شورای نگهبان افزودند:

«به شورای نگهبان تأکید شده که با دقت به این نامه رسیدگی شود.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تحریکات دشمن و برخی طراحیهای پشت صحنه برای به آشوب کشاندن خیابانها خطاب به موسوی فرمودند:

«جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.»[1]

در پی این دیدار سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد که از نامزدهای معترض دعوت می‌شود تا در جلسه‌ای مسایل خود را بیان کنند. اما غیر از محسن رضایی، دو کاندیدای دیگر حاضر به پذیرش دعوت شورای نگهبان نشدند!

میرحسین موسوی در اقدامی عجیب در بیانیه‌ای انتخابات ۲۲ خرداد را معیوب و واجب‌الابطال دانست. وی در نامه‌ای به شورای نگهبان سفرهای استانی احمدی‌نژاد، توزیع نامناسب تعرفه‌های انتخاباتی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۶.

کارشکنی مسؤولان فرمانداریها در ارائه کارت ناظرین انتخاباتی، توزیع سهام عدالت میان محرومان، سخن گفتن احمدی‌نژاد در مورد برخی اشخاص در مناظره و ... را دلیل بر ابطال انتخابات اعلام کرد. سید محمد خاتمی نیز با صدور بیانیه‌ای خواسته یا ناخواسته از تجمعات غیر قانونی دفاع کرد. وی با دعوت هواداران به آرامش و متانت بستن راه اعتراض مدنی را گشودن راههای خطرناکی دانست که خدا می‌داند به کدام سرانجام برسد.[۱]

کدخدایی (سخنگوی شورای نگهبان) در این باره اعلام کرد: «اگر میرحسین موسوی و مهدی کروبی درخواست خود را برای بازشماری ۱۰ درصد صندوقها ارائه کنند، شورای نگهبان آماده عملی کردن این پیشنهاد است.» این در حالی بود که میرحسین موسوی و کروبی هیچ‌گونه واکنشی نسبت به این پیشنهاد شورای نگهبان نشان ندادند. حال آن که اگر براستی به ادعای خود در مورد تقلب در انتخابات باور داشتند قاعدتاً باید از آن استقبال می‌کردند.

به دنبال اصرار موسوی بر برپایی تجمعات غیرقانونی و اغتشاشات انجام شده در برخی مناطق در سطح تهران، تجمع اعتراض آمیزی با مجوز وزارت کشور در محکومیت این رفتار در میدان ولی عصر (عج) برگزار شد. در این راهپیمایی که به راهپیمایی وحدت نام گرفت از همه گروهها و جریانهای سیاسی دعوت شد تا حساب خود را از آشوب‌طلبان جدا

۱- کیهان ۱۳۸۸/۴/۱.

نمایند، اما میرحسین موسوی از هوادارانش خواست تا در این تجمع وحدت‌آفرین شرکت ننمایند. دکتر حداد عادل به عنوان سخنران این تجمع در جمع راهپیمایی‌کنندگان خطاب به موسوی گفت: «ما شما را به عنوان نخست‌وزیر دوران دفاع مقدّس و نخست وزیر امام(ره) و این که شما را فرزند انقلاب می‌دانیم، دوست داریم و رهبر انقلاب هم شما را عضو خانواده انقلاب می‌داند، اما از شما سؤال می‌کنم وقتی هنوز انتخابات تمام نشده و در صندوق رأی باز نشده شما از کجا مطمئن بودید که اکثریت آراء را به دست آورده و اعلام پیروزی کردید؟... عده زیادی به شما رأی دادند اما نباید شما فقط به آرای مردم تهران و اطرافیان خودتان نگاه کنید. آیا شما از آراء استانهای محروم اطلاع داشتید؟...» در روز سه شنبه ۲۶ خرداد جلسه‌ای با حضور نمایندگان کاندیداهای معترض در محل شورای نگهبان برگزار گردید. محتشمی‌پور، کرباسچی و دانش‌جعفری به عنوان نمایندگان معترضین در جلسه خود با کدخدایی سخنگوی این شورا همانند بیانیه‌های صادر شده از سوی موسوی و کروبی فقط به کلّی‌گویی در خصوص وقوع پاره‌ای تخلّفات پرداختند و از ذکر مصادیق و مستندات خودداری نمودند. شورای نگهبان نیز با توجه به این‌که نمی‌تواند براساس سخنان و ادعای کلّی اقدامی نماید از آنان خواست تا مصادیق تخلّفات مورد نظر خود را در موعد مقرر ارائه نمایند.[1] همچنین در راستای رسیدن به وحدت و رسیدگی به مسائل

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۷.

مطرح شده و حوادث پیش آمده نمایندگان ستادهای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در همان روز با رهبر معظّم انقلاب دیدار و گفتگو کردند. در این نشست مقام معظّم رهبری با بیان این‌که در خلق این حماسه انتخابات همه رأی‌دهندگان با سلایق مختلف سهیم هستند اظهار داشتند:

«این‌که تصور شود در یک طرف ۲۴ میلیون نفر و در طرف دیگر ۱۴ میلیون نفر قرار دارند خطای بزرگی است زیرا آن کسانی که به رئیس جمهور منتخب و همچنین کاندیداهای دیگر رأی دادند، همه به یک اندازه دلبسته و معتقد به نظام اسلامی هستند... قاعده مردم‌سالاری این است که اکثریت بر اقلیت تقدم پیدا می‌کنند ولی این به معنای تعارض و دشمنی نیست و همه وظیفه دارند مانع از شکل‌گیری فضای کدورت و تعارض شوند... من از شورای محترم نگهبان و وزارت کشور می‌خواهم اشکالات مطرح شده دقیقاً بررسی شود تا شبهه‌ای باقی نماند.» ایشان در ادامه فرمودند: «این تخریبها و کارهای زشت و بعضی جنایاتی که اتفاق افتاد مربوط به مردم و حامیان نامزدها نیست، بلکه مربوط به اخلالگران است و همه باید در مقابل آن بایستند و صریحاً اعلام موضع کنند... این افراد طرفدار اغتشاش و تشنج هستند و اگر نتایج انتخابات غیر از این هم می‌شد، قطعاً چنین حوادثی پیش می‌آمد.»

پس از این دیدار آیت‌الله جنتی (دبیر شورای نگهبان) با ارسال نامه‌ای به مقام معظّم رهبری خواستار تمدید مهلت بررسی شکایات انتخاباتی شد و رهبر انقلاب با آن موافقت نمودند. همچنین از سوی این شورا هیأت ویژه‌ای متشکل از (ابوترابی ـ دری نجف‌آبادی ـ حداد عادل ـ

ولایتی ـ رحیمیان) برای رسیدگی به شکایات معترضان انتخابات تشکیل شد. اما موسوی و کروبی باز هم اعلام کردند که ترکیب این هیأت را قبول نداشته و نماینده‌ای نمی‌فرستند. بیانیه‌های موسوی باز هم منتشر شد که نشان از آن می‌داد که به غیر از ابطال به چیز دیگری راضی نمی‌شود. در یک روز مانده به پایان فرصت ۵ روزه شورای نگهبان، یکی از شخصیتهای سیاسی به نمایندگی از موسوی پیامی را به شورای نگهبان برده و اعلام می‌کند که موسوی بیان داشته، در صورتی که شروط وی پذیرفته شود حاضر است موضوع انتخابات را خاتمه یافته تلقی کند. شروط موسوی بازشماری آراء در استانهای خاص، تطبیق سریال شناسنامه‌ها با ته‌سوشهای تعرفه و تطبیق خطوط آرای صندوقها بود که توسط شورای نگهبان نیز پذیرفته شد.

اما شورای نگهبان مقرر کرد این شرایط در موافقتنامه کتبی گنجانده شود تا کمیته پیگیری آن را مورد بررسی قرار دهد اما به رغم جلساتی که یکی از اعضای هیأت ویژه با موسوی و کمیته صیانت از آراء داشت، موسوی این توافقنامه را امضاء نکرد.[۱] مهلت ۵ روزه بررسی به شکایات پایان یافت و شورای نگهبان ۱۰ درصد از صندوقها را به صورت تصادفی و در مقابل دوربینهای صدا و سیما شمارش کرد اما معترضان بدون استفاده از مهلت قانونی همچنان بر طبل اعتراض کوبیدند و هیچ کدام از مسیرهای متداوّل قانونی و مسیرهای اضافی گشوده شده را نپذیرفتند.

۱- جوان، ۱۳۸۸/۴/۱۰.

درکنار ملعبه شدن آشکار موسوی برای بیگانگان، بیانیه‌های تند و خارج از حد موسوی بود که پی در پی صادر می‌شد و در پی هر بیانه‌ای آشوبی نهفته بود. برگزاری راهپیمایی غیر قانونی حامیان موسوی از میدان انقلاب تا میدان آزادی از جمله مواردی بود که زمینه‌های آشوبهای فراتری را در پی داشت. علی‌رغم انتشار بیانیه و اطلاع‌رسانی در سایت رسمی مبنی بر لغو این راهپیمایی، آنان در این راهپیمایی حضور یافته و علت حضور خود را نیز آرام ساختن هوادارانشان بیان کردند. در قضیه برگزاری راهپیماییها و تجمعات غیرقانونی آنچه جالب توجه بود دعوت شبکه‌های خارجی همچون بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا برای حضور در این راهپیماییهاست. فائزه هاشمی (فرزند هاشمی رفسنجانی) در راهپیمایی غیر قانونی میدان آزادی با انتقاد از عملکرد وزارت کشور گفت: «ما یک دموکراسی نیم‌بندی در کشور داریم مثلاً من در یک دوره در انتخابات شرکت می‌کنم و با رأی بالا رأی می‌آورم ولی در یک دوره دیگر رأی نمی‌آورم. اساساً تاریخ ما مشکل دارد و به لحاظ روانشناسی، جامعه ما قهرمان‌ساز و اسطوره کش است. یعنی عده‌ای را یک روز می‌بریم بالا و یک روز می‌اندازیم پایین. سیستم روانشناسی جامعه ما اشکال دارد؛ یکی از مشکلات اساسی ما این بود که خاتمی کاره‌ای نبود. من عامل اصلی این دیکتاتوریها را خاتمی می‌دانم. در حادثه ۱۸ تیر خاتمی، مسیر را به سمتی برد که اسامی را اعلام کرد و دست همه اصلاح‌طلبان را رو کرد تا ۱۸ تیر به وجود آمد و نظام هم هوشیار شد که

اگر نجنبد مثل شاه، خواهند رفت و از این‌جا دیکتاتوریها آغاز شد.[۱]»

موسوی برای جلب نظر مراجع به نفع خود در بیانیه‌ای باصطلاح خطاب به مراجع و علما بیان داشت: «اگرچه توسل به دروغ و استفاده بی‌حساب از امکانات عمومی و دولتی برای تبلیغات یک سویه به سود نامزد حاکم بخوبی نشان‌دهنده عزم این گروه خاص برای پیروزی به هر قیمت و از هر راه ممکن بود، اما تصور تقلب در آرای مردم تا این اندازه و برابر انظار شگفت‌زده جهانیان از حکومتی که متعهد به عدالت شرعیه از ارکان اساسی آن شمرده می‌شود برای کسی ممکن نبود...».

وی در بیانیه دیگری پس از تأیید صحّت انتخابات توسط شورای نگهبان با حمله به شورای نگهبان نوشت: «همان‌گونه که انتظار می‌رفت شورای نگهبان پس از نمایشهایی که توجه هیچ کس را جلب نکرد و با چشم بستن به روی انبوه تقلبها و تخلّفهای صورت گرفته سرانجام نتیجه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را تأیید کرد.»

موسوی بدون ذکر استنادات بحث تقلب در ادامه وارد کردن اتهام به ارکان نظام به دولت هجوم کرده و آورد: «از این پس ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با عدالت در ناگوارترین شرایط به سر می‌برد و اکثریتی از جامعه که این‌جانب نیز یکی از آنان هستم، مشروعیت سیاسی آن را نمی‌پذیرد.»

در کنار موسوی مجمع روحانیون مبارز با انتشار بیانیه‌ای در حمایت

۱- کاوه، محمد سعید، شنبه پس از انتخابات؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

صریح از آشوب‌طلبی و کشتار بی‌گناهان تعجب فراوانی را برانگیخت. در بیانیه این مجمع علاوه بر شهید لقب‌گرفتن همه کشته شدگان حوادث پس از انتخابات، از همه زندانیها دفاع و خواستار آزادی فوری آنان شد. همچنین در این بیانیه بیان شد که صدا و سیما جمهوری اسلامی بی‌اعتبار شده و از این رو مردم برای دیدن حقایق جاری و شنیدن خبرهای درست به پای رسانه‌های بین‌المللی کشیده شده‌اند.

بدین ترتیب مجمع روحانیون مبارز که مدعی جدا بودن خط فکری‌شان از افراطیون اصلاح‌طلبی است، پا در عرصه‌ای گذارد که به اعتقاد بسیاری از فعالان سیاسی فاصله‌گرفتن از آرمانهای حضرت امام(ره) بود. در این باره حمید رضا ترقی (معاون امور بین‌الملل حزب مؤتلفه) گفت: «بیانیه مجمع روحانیون مبارز نشانگر جدا شدن این مجمع از انقلاب اسلامی و امام خمینی بود».[۱]

به دنبال اصرار موسوی بر ابطال انتخابات و عدم تمکین نسبت به خواست ملّت علی‌رغم توصیه‌های مقام معظّم رهبری به پیگیری کارها از طریق مراجع قانونی و توصیه ایشان به خاتمه دادن این روش غلط، بسیاری از شخصیتها و فعالان سیاسی نسبت به اقدامات تحریک آمیز موسوی هشدار دادند.

در این باره آیت‌الله محمد یزدی (رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) با اشاره به اقدامات موسوی پس از انتخابات گفت: «میرحسین

۱– وطن امروز، ۱۳۸۸/۴/۳.

موسوی دارد جوهره خود را معرفی می‌کند.» حبیب‌الله عسگر اولادی (دبیرکلّ جبهه پیروان خط امام و رهبری) نیز خطاب به میرحسین موسوی گفت: «ما از روی علاقه‌مندی به شما متذکر می‌شویم، سرنوشت بنی‌صدر و منافقین را برای شما نمی‌پسندیم به دامان ملّت و آغوش رهبری و رأی قانون و اکثریت باز گردید». وی با اشاره به خطبه‌های نماز جمعه مقام معظّم رهبری گفت: «من هرگز فکر نمی‌کردم آقای موسوی در برابر ساحت رهبری و نصایح دلسوزانه ایشان این‌قدر بی‌اعتنایی و جمود نشان دهند و با ایستادن در مقابل قانون دوباره به تحریکهایی که به اغتشاش منجر می‌شود، بپردازند.»[۱]

همچنین آیت‌الله جوادی آملی در سخنانی با محکوم کردن آشوبها و اغتشاشگریهای اخیر اظهار داشت: «اگر تخلّفی شده و مدرکی هست باید ارائه شود، اما باید از مجاری قانونی عمل شود.»[۲] آیت‌الله جعفر سبحانی نیز در دیدار با جمعی از اعضای شورای نگهبان با اشاره به برخی اعتراضها و ناآرامیها بیان داشت: «نباید برای یک ادعا که ثابت نشده است این مسایل را به وجود آورد.» وی در ادامه، همه کاندیداها و گروههای سیاسی را به هوشیاری فرا خواند و افزود: «ببینید دشمن چگونه به این کشور و این ملّت طمع کرده است، لذا کاری نکنید که مطابق خواست دشمن باشد.»[۳]

محمدجواد لاریجانی (دبیر ستاد حقوق بشر) در یادواره شهدای

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۱. ۲- همان، ۱۳۸۸/۴/۲.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۳.

روستای آسور در سخنانی گفت: «خیانتی که موسوی و دوستانش به ملّت ایران مرتکب شد، در ۳۰ سال اخیر و در طول نظام مقدّس جمهوری اسلامی بی‌سابقه بود.»[۱]

لاریجانی با تأکید بر این‌که کسانی که ساز بطلان انتخابات را می‌زنند، خودشان را باطل می‌کنند گفت: «انتظار ما این بود که دوستانی که بارها ادعا کردند ولایت فقیه و نظام را قبول دارند و پیرو مکتب اهل بیت هستند، بعد از سخنان مقام معظّم رهبری در حالی که مناقشات و تشکیکهای خود را داشتند، به خاطر مقام ولایت و مسؤولیت شرعی که از مکتب اهل بیت آموخته‌ایم، به نظر ایشان تن می‌دادند، اما این‌گونه نشد و این علامت آن است که دشمن در حال پیاده کردن پروژه خود است.»[۲]

احمد توکلی (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با ایسنا با اشاره به بیانیه‌های موسوی ـ بویژه پس از نماز جمعه مقام معظّم رهبری ـ گفت: «به نظر می‌رسد ایشان قصد دارند خودزنی را تا حد خودکشی ادامه دهند.» وی با اشاره به مناظره موسوی و احمدی‌نژاد و تأکید موسوی بر قانون‌گریزی رئیس جمهور بیان داشت: «موسوی خودش در برابر آزمایش در سر دو راهی اقدام قانونی برای رسیدن به حقّی که مدعی پایمال شدنش است یا اتخاذ روشهای فراقانونی و غیر قانونی برای حقّ‌طلبی ادعایی قرار گرفته است.»[۳]

سید مرتضی نبوی (عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام) نیز خطاب

۱- ایران، ۱۳۸۸/۵/۲۶. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۴/۳.

۳- همان.

موسوی گفت: «آیا شما نباید هرچه سریعتر آمریکا، اسرائیل و انگلیس و ... را مأیوس کنید و به راه قانون، رهبری و مردم برگردید.»[۱]

این در حالی بود که برخی از حامیان موسوی نیز از رفتارهای هنجارشکنانه وی نیز اعلام برائت نمودند. در این رابطه سید رضا اکرمی در گفتگو با شبکه ایران گفت: «این که فردی می‌گوید من قانون را قبول دارم، از رهبری معظّم هم پیروی می‌کنم ولی وقتی پای عمل می‌رسد قوانینی که به نفع خودش است عمل می‌کند و بقیه را زیر پا می‌گذارد، در نظام جایی ندارد.» سعید ابوطالب از حامیان سرسخت موسوی در انتخابات دهم نیز بیانات رهبر معظّم انقلاب را برای همگان الزام‌آور خواند و افزود: «طبیعتاً هر انتخابات یکسری راضی و یک عده ناراضی هستند. چون هر انتخابات یک طرف پیروز دارد و یک طرف شکست خورده.» وی با اشاره به آنارشیسم اظهار داشت: «اگر آنارشیسم بر کشور حاکمیت پیدا کند به سمت دیکتاتوری می‌رویم.»[۲]

محمدرضا باهنر (نائب رئیس مجلس هشتم) در گفتگو با روزنامه اعتماد ملی ضمن پاسخگویی به برخی شبهات انتخاباتی گفت: «ادعاهای مطرح شده در مورد تقلب و مهندسی آراء غیرمنطقی و بی‌اساس است.» وی در ادامه علت عدم تمکین موسوی نسبت به نتیجه انتخابات را توهم پیروزی خواند و گفت: «رقبا باید ظرفیت برد و باخت در رقابت را داشته باشند.»[۳]

۱- همان، ۱۳۸۸/۴/۲.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۴/۲.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۱.

حجةالاسلام سید رضا تقوی (رئیس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه کشور) در جلسه شورای اداری استان اصفهان با اشاره به اتفاقات هفته‌های پس از انتخابات خطاب به موسوی اظهار داشت: «بزرگترین جرم شما خدشه‌دار کردن حماسه عظیم مردم بود.»[1] علی مطهری (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با فارس گفت: «موسوی با اقدام علیه نظام از حوزه انقلاب خارج می‌شود.»[2]

در همین حال بسیاری از شخصیتهای سیاسی و حقوقی، موسوی را مسؤول جنایات و آشوبها معرفی نمودند. در همین رابطه بسیج دانشجویی در نامه‌ای به دادستان کلّ کشور با تشریح برخی جرایم صورت گرفته از سوی میرحسین موسوی خواستار محاکمه وی به جرم معاونت در تمامی اغتشاشات اخیر شد.[3] اسدالله بادامچیان (قائم مقام حزب مؤتلفه) با اشاره به بیانیه‌های موسوی و استقبال آمریکا و رسانه‌های استعماری گفت: «چرا مهندس موسوی و همدستانش خود را در زمینه‌سازی برای اغتشاشگران مقصر و متهم نمی‌یابند؟»[4]

محسنی اژه‌ای (وزیر اطلاعات) در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دو سیما با اشاره به این‌که «من احساس کردم که با صحبت با ایشان باید اطلاعاتی در اختیارشان بگذارم که برخی افراد به دنبال سوء استفاده هستند و احساس کردم که اگر این ملاقات صورت گیرد مفید است» اظهار داشت: «در آن‌جا (منزل موسوی) صحبتهای مختلفی کردیم و به ایشان

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۸.
۲- همان، ۱۳۸۸/۵/۱۵.
۳- همان، ۱۳۸۸/۴/۱۱.
۴- همان، ۱۳۸۸/۵/۱۵.

عرض کردم که آقای موسوی، این مسیری که شما می‌روید به جایی نمی‌رسد این که برخی از آقایان به شما اصرار می‌کنند که فقط و فقط ابطال، درست نیست. سخنی که شما می‌گویید جز زحمت برای مردم و همه چیزی ندارد. شما مطمئن باشید این مسیر شما را به هدف نمی‌رساند و نمی‌شود با زور بگوییم ابطال.» وی تصریح کرد: «به آقای موسوی گفتم که بر فرض محال اگر انتخابات ابطال شد و شما دوباره رأی نیاوردید، می‌خواهید چه کار کنید؟ اگر بر فرض دوباره رأی نیاورید باز هم این وضع تکرار می‌شود.»

اژه‌ای با بیان این که نمی‌شود انسان از اوّل بگوید ابطال و آن را از طریق مجاری قانونی پیگیری نکند، گفت: «به آقای موسوی گفتم که شما گفتید ابطال، حالا بر فرض اگر ابطال شد، دوباره باید انتخابات برگزار شود؛ شما که می‌گویید وزارت کشور و شورای نگهبان تخلّف کرده، به چه صورت باید انتخابات برگزار کنند؟ موسوی پاسخ داد: بعد که ما نمی‌گوییم از طریق این مجرا انتخابات برگزار شود.»

وزیر اطلاعات در ادامه گفت: «با همه این حرفها همان جریاناتی که در پی براندازی و نرم و یادگیری و تکرار ادعای تقلب از ماهها قبل بودند و بر ابطال انتخابات آن هم از مسیر غیر قانونی تأکید داشتند، دست به دست هم دادند تا حماسه مردم و شیرینی آن را به کام مردم تلخ کنند.»[1]

اسماعیل کوثری (نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم) نیز

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۹.

با بیان تشکیل کمیته ۹ نفره برای دیدار با کاندیداها و افراد تأثیرگذار گفت: «اوّلین دیدار ما با محسن رضایی بود که در این دیدار مطالب را بی‌پرده با وی مطرح کردیم و ایشان هم گفتند که در چارچوب قانون موضوع را پیگیری خواهم کرد و پس از مراجعه آقای رضایی به شورای نگهبان، وی در خصوص عدم تخلّف در انتخابات قانع شد.

هرچند بیانیه آقای رضایی آن طور که ما می‌خواستیم نبود، ولی ایشان نظر خود را بیان کردند.» کوثری در ادامه اظهار داشت: «در دومین دیدار کمیته با میرحسین موسوی بود. در ابتدای این دیدار آقای بروجردی به عنوان رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس توضیحاتی به آقای موسوی دادند و گفتند شما در انتخابات دم از قانون‌گرایی می‌زدید و گفتید که دولت قانون‌گریز است اما امروز چه شده است که برخلاف قانون عمل می‌کنید؟ آقای موسوی که ابتدا در برابر این توضیحات سکوت کرده بود، در ادامه گفت: دولت از بیت‌المال در انتخابات سوء استفاده کرده و وزارت کشور نیز مرتکب تخلّفاتی شده است و تعدادی از اعضای شورای نگهبان نیز از احمدی‌نژاد طرفداری کردند.» وی در ادامه گفت: «بنده در فرمانداری تهران نماینده آقای موسوی را دیدم که هر آنچه را که به نظرش می‌رسید، مطرح می‌کرد و به آن رسیدگی می‌شد و وقتی این موضوعات را به آقای موسوی گوشزد کردیم، با کمال تأسف ایشان گفتند اگر همه هم قبول کنند، من یکی قبول نخواهم کرد.» وی همچنین با تشریح دیدار کمیته ۹ نفره دیدار را با هاشمی رفسنجانی گفت: «آقای هاشمی در ابتدای این دیدار پس از اظهار لطف به مقام معظّم رهبری، گفتند که من

قصد داشتم بیانیه‌ای در این خصوص صادر کنم اما کسی نیستم که زیر فشار اقدام به صدور بیانیه کنم. منظور ایشان از اعمال فشار دستگیری دخترشان در اغتشاشات بود... نهایتاً از آقای هاشمی خواستیم تا بیانیه‌ای صادر کنند و ایشان نیز این را قبول کردند اما پس از تهیه این بیانیه دیدیم که همان حرفهای آقای موسوی یعنی ابطال انتخابات را در بیانیه آورده بودند که مقام معظّم رهبری به صراحت در نماز جمعه با ابطال انتخابات مخالفت کردند و به این ترتیب بیانیه آقای هاشمی صادر نشد.» کوثری در خصوص دیدار این کمیته با مهدی کروبی نیز گفت: «در این دیدار معلوم شد که آقای کروبی در جریان بسیاری از مسایل نیستند و به ایشان گفتیم حتی اطرافیانتان مثل آقای کرباسچی به شما اعتقادی ندارند و وقتی به آقای کروبی گفتیم که میرحسین موسوی در برخی از شهرها نفر اوّل شده است، اصلاً خبر نداشتند و از این موضوع ابراز تعجب کردند.» نماینده مردم تهران با بیان این‌که آقای کروبی در این دیدار همان حرفهای موسوی را زد گفت: «به آقای کروبی عرض کردیم شما چرا نماینده به شورای نگهبان معرفی نکردید و ایشان نیز جواب داد: من آقای کرباسچی را به عنوان نماینده خود انتخاب کردم اما آقای موسوی نگذاشت او به شورای نگهبان برود.»[1]

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۲۵.

فتنه در خانهٔ پارسیان

اگرچه در فرایند تبلیغات حضور هواداران نامزدها در خیابانها و استفاده از روشهای جدید راه‌اندازی کارناوالهای تبلیغاتی، ایجاد زنجیره انسانی، بوق زدن و راه‌بندانها برخی درگیریها میان حامیان نامزدها به وجود آورده بود، اما وقایع پس از انتخابات از فتنه جدید طراحی شده‌ای حکایت می‌کرد.

در شنبه پس از انتخابات آشوبهایی در بخشهای پراکنده شمالی و مرکزی تهران رخ داد که هدف اصلی عده‌ای از طیفهای رادیکال جریان اصلاحات، یعنی تدارک آشوب برای شکست را روشن ساخت. آنان که بی‌علاقگی خود را به پیگیری مسیرهای قانونی نشان دادند، بحران‌آفرینی و ایجاد درگیری را در دستورکار خود قرار دادند.

در روزهای بعد انجمن به اصطلاح اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی با نصب اناالله و انا الیه راجعون بر روی تابلو اعلانات خود به بهانه تقلب در انتخابات، جشن ملی ۴۰ میلیونی ملّت را تسلیت گفت. در ظهر همان روز نیز نزدیک به ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر از همان طیف با تجمع در برابر درب خیابان ١٦ آذر و سپس هجوم به خیابان انقلاب و بعد هم میدان انقلاب خیابان کارگر بلوار کشاورز پارک لاله و درنهایت هم تجمع در برابر وزارت کشور اعتراض خود را نسبت به نتیجه انتخابات اعلام کردند. اما در ادامه عده‌ای اراذل و اوباش که رهبری این تجمع را هم بر عهده داشتند با آتش کشیدن سطلهای زباله و سنگ انداختن به شیشه‌های خودروها و ... استارت آشوب را زدند و در ادامه همان گروه به علت

این‌که نیروی انتظامی نمی‌تواند وارد دانشگاه و خوابگاه دانشجویان شود با پناه بردن به کوی دانشگاه و سنگ انداختن به ماشینهای در حال حرکت و قبل از آن هم شکستن شیشه بانکها و مغازه‌ها و ... هنرنمایی کردند.

اما این اتفاق در شب بعدی بدین منوال ادامه یافت. اراذل و اوباش با گروگانگیری ۲ نفر از نیروهای انتظامی باعث می‌شوند تا یگان انتظامی و تعداد زیادی از نیروهای لباس شخصی به داخل دانشگاه یورش ببرند و این آغاز اتفاق تلخ بود. بنا به گفته بسیاری از ساکنین خوابگاههای دانشجویی، بسیاری از لباس شخصیها با لباسهای عجیب و بازوان خال‌کوبی شده به دانشجویان حمله کرده و با فحاشیهای مکرّر آنها را از اتاق بیرون کرده و مورد ضرب و شتم قرار دادند. بعد از این اتفاقات تعدادی از مریض احوالان سریعاً با انتساب این موضوع به بسیج دانشجویی داشگاه تهران در تلاش برای موج سواری جهت اهداف خودشان شدند.[1] در این میان تعدادی از اراذل و اوباش با صورتهای پوشیده سبز رنگ اقدامات خرابکارانه‌ای را انجام دادند. در جریان آشوهای پس از انتخابات، تعدادی بانک خصوصی و دولتی و بسیاری از مغازه‌ها و مراکز خدماتی و تعدادی موتور، خودروی شخصی و اتوبوسها و سطلهای زباله شهرداری توسط آشوبگران تخریب و به آتش کشیده شد و تعدادی از هموطنان نیز در این درگیریها کشته و مجروح شدند. علاوه بر مراکز عمومی و اموال مردم، چندین مسجد مورد تعرض

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲.

آشوبگران قرار گرفت که در این میان، مسجد لولاگر در تقاطع خیابان آذربایجان ـ نواب به آتش کشیده شد. همچنین در منطقه سعادت‌آباد به خانه چند تن از مسؤولان وزارت کشور حمله شد.

در حالی که اعترافات برخی آشوبگران در حین بازجویی حاکی از استفاده مواد مخدر و توهم‌زا توسط آنان بوده است، گروهی از عوامل مسلح مرتبط باگروهک تروریستی منافقین که در جریان اغتشاشات تهران به صورت کور به تجمعهای خیابانی و نیروهای انتظامی تیراندازی کرده بودند دستگیر شدند.[۱]

به گزارش ایرنا، فرماندهی این آشوبها برعهده اتاق فرمانی متشکل از برخی نیروهای سیاسی و عناصر بازنشسته برخی نهادهای امنیتی قرار داشت. آنان با تشکیل کمیته‌های زیرمجموعه با چرخش لحظه به لحظه در سطح شهر، آشوها را پایه‌ریزی می‌کردند. دستگیری برخی افراد با لباسهای چریکی شهری و سبک که حتی در میان آنها برخی از دختران ساکن مناطق مرزی بودند، خود مؤید همکاری اتاق فرمان آشوب با برخی گروهکهای ضد انقلاب بود.[۲]

در روز شنبه ۳۰ خرداد عده‌ای از آشوبگران با حمله به ناحیه مقاومت بسیج مقداد و چند حوزه دیگر بسیج با آتش زدن درب آن قصد ورود به آن‌جا را داشتند که در این میان تیراندازیهایی از سوی دو طرف انجام شد و منجر به کشته شدن تعدادی گردید. با ایجاد اغتشاشهای خیابانی در

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۱. ۲- همان، ۱۳۸۸/۴/۱۰.

سطح شهر تهران و افزایش دامنه آشوبها و کشته شدن تعدادی از هموطنان، میرحسین موسوی در بیانیه‌ای اعلام کرد: «از همگان درخواست می‌کنم بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۸ خرداد به هر صورت ممکن، اعم از اجتماع در مساجد و تکایا و با برگزاری راهپیماییهای مسالمت‌آمیز با استفاده از نمادهای سوگواری همدردی خود را با بازماندگان اعلام کنند.» وی به همراه کروبی با برگزاری مراسم ختم برای کشته‌شدگان، سعی در انحراف افکار جامعه داشت. این در حالی بود که برخی کشته‌شدگان، دروغین و در جهت تحریک و تشویش اذهان مردم، ساخته و پرداخته تاکتیکهای جنگ روانی بود. جالب این‌که مهندس موسوی به جای آرام نمودن اوضاع کشور به آشوبها دامن می‌زد و از آشوبگران حمایت می‌کرد. او به جای اعلام برائت از آشوبگران و جدا کردن راه خود از آنان آب به آسیاب آنها می‌ریخت. وی با سر زدن به خانواده‌های کشته‌شدگان دروغین با تبرئه خود، گناه خونهای ریخته شده را به گردن دیگران و بویژه نظام می‌انداخت. او با این کارهای نمایشی خوراک تبلیغاتی بسیار خوبی برای شبکه‌های خبری معاند فراهم کرد و آنان ساعتهای زیادی از برنامه‌های خود را به پوشش سخنان و موضع‌گیریها و حمایت از میرحسین موسوی و اغتشاش‌گران اختصاص دادند.

در پی انفجار بمب صوتی در حرم مطهر حضرت امام(ره) شایعه بمب‌گذاری در برخی اماکن و معابر عمومی در سطح جامعه شکل گرفت. در این میان محسنی اژه‌ای (وزیر اطلاعات) در برنامه گفتگوی ویژه

خبری شبکه دوم سیما از نیّت برخی عناصر برای بمب‌گذاری در زمان برگزاری انتخابات در امامزاده چیذر ـ حسینیه ارشاد و حسینیه فاطمیون خبر داد. وی همچنین با اشاره به تشکیل ستادی تحت عنوان ستاد انتخابات در وزارت اطلاعات و دنبال کردن مسایل انتخابات گفت: «در آستانه انتخابات مقداری فضا بازتر می‌شود و چون مردم یک هیجانات انتخاباتی دارند، احتمال این‌که جریانات ضد انقلاب، بدخواهان، اپوزیسیون در داخل و خارج بخواهند یک سوء استفاده‌ای از این فضا بکنند، وجود داشت، بنابراین وزارت اطلاعات در این مقطع متمرکز می‌شود و مجموعه فعالیتها را پیشگیری می‌کند» وی به اقدام برخی گروههای معاند اشاره و بیان داشت: «دوکار را می‌خواستند انجام دهند؛ یکی اقدام تخریبی با بمب‌گذاری و از طریق نزدیک کردن خودشان به برخی ستادهای انتخاباتی و خصوصاً یک ستاد و حتی در آن ستاد فعالیت می‌کردند و بعد می‌خواستند در جریان سفر تبلیغاتی آقای موسوی دو هدف را به صورت همزمان پیگیری کنند. یعنی انفجارهایی را در داخل و خارج از برنامه و محلی که آقای میرحسین موسوی می‌خواست در آن‌جا سخنرانی کند، انجام دهند که به اصطلاح وضعیت را ناامن کرده و دیگر این‌که انفجارها را به گردن حکومت، نظام و یا احیاناً نامزد دیگری بیندازند. در حالی که این جریان نه آقای موسوی را قبول داشت و نه آقای کروبی را. ولی خودشان را به ستاد آقای کروبی نزدیک کرده و در ستاد آقای کروبی فعالیت می‌کردند و می‌خواستند برنامه آقای موسوی را به هم

بزنند.»[۱]

در همین رابطه پلیس اطلاعات و امنیت تهران بزرگ در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که پس از بازرسی ساختمانی با مجوز قضایی، واقع در میدان هفت تیر که متعلق به ستاد انتخاباتی یکی از نامزدها بوده است، اسناد و مدارک بسیاری در خصوص ارتباط این ستاد با رسانه‌های معاند کشف شده است.[۲]

همچنین وزیر اطلاعات از نقش برخی سیاسیون در آشوبهای اخیر خبر داد.[۳] دخالت برخی عناصر سیاسی وابسته به جریان اصلاح‌طلبی در حوادث پس از انتخابات منجر به دستگیری این افراد گردید.

دستگیری چهره‌های سرشناس سیاسی اصلاحات که در بینشان بهزاد نبوی ـ عبدالله رمضان‌زاده ـ محمدعلی ابطحی ـ سعید حجاریان ـ محمد عطریانفر ـ هدایت آقایی ـ احمد زیدآبادی ـ محسن میردامادی ـ مصطفی تاج‌زاده ـ محسن صفایی فراهانی ـ محسن ایمن‌زاده ـ محمد قوچانی و سعید شریعتی و ... حضور داشتند، موجب اعتراض گروهها و احزاب دوم خردادی شد. مهدی کروبی از کاندیداهای شکست خورده دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، ضمن اعتراض به دستگیری آنان با حضور در منازل این متهمان با خانواده ایشان ابراز همدردی کرد![۴] همچنین برخی از رسانه‌ها از دیدار خانواده بازداشت‌شدگان با هاشمی

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۹.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۴/۴.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲۵.
۴- اعتماد ملی، ۱۳۸۸/۴/۱۳.

رفسنجانی خبر دادند.[۱] آیت‌الله جنتی (دبیر شورای نگهبان) در خطبه‌های نماز جمعه ۹ مرداد خود با اشاره به این ابراز همدردیها گفت: «محرکان پشت پرده برخیها را به این راه کشاندند و اکنون برای آنها فاتحه می‌خوانند. در حالی که باید از آنها عذرخواهی کنند و بگویند که ما فتنه کردیم و شما کشته شدید.»[۲]

حسینعلی منتظری (قائم مقام برکنار شده رهبری) نیز در واکنش به دستگیری برخی اصلاح‌طلبان با صدور پیامی نوشت: «متأسفانه از این بهترین فرصت بدترین استفاده شد. با اعلام نتایجی که هیچ عقل سلیمی آن را نمی‌پذیرد و براساس شواهد موثق! تغییرات عمده‌ای در آرای مردم داده شده است!!!».

وی با انتقاد از برخورد با آشوبگران نوشت: «در جلوی چشم جهانیان به جان فرزندان این مردم و این مملکت افتاده و با شدّت و خشونت کامل با زنان و مردان بی‌دفاع و دانشجویان عزیز برخورد کرده و آنها سرکوب و مضروب و دستگیر نمودند و اینک به دنبال تسویه حسابهای سیاسی با فعالان و اندیشمندان و روشنفکران برآمده و عده کثیری را که بعضاً از مسؤولین بلندمرتبه نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند بی‌جهت دستگیر و بازداشت می‌کنند».

۱- صدای عدالت، ۱۳۸۸/۴/۱۴. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۵/۱۰.

کیف انگلیسی!

آنچه در روزهای پس از انتخابات و آرامش نسبی مناطق آشوب‌زده مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت، اعلام محاکمه علنی دستگیرشدگان بود. دادستان عمومی و انقلاب تهران در اطلاعیه‌ای در آستانه برگزاری محاکمه علنی متهمان آشوبها بیان داشت: «در بین متهمان اشخاصی هستند که از روی تصاویر به دست آمده از آنها در هنگام ارتکاب جرم توسط مردم بیدار و آگاهمان شناسایی و بازداشت شده‌اند.»[1] در میان بازداشت‌شدگان که برخی چهره‌های سیاسی نیز حضور داشتند، در دادگاه اعترافات تکان‌دهنده‌ای را انجام دادند. محمدعلی ابطحی (حامی کروبی) در دفاعیات خود در دادگاه به تلاش اصلاح‌طلبان برای محدود کردن رهبری، القای تقلب برای گسترش دامنه آشوب، هم‌قسم شدن هاشمی، خاتمی و موسوی و قصد هاشمی برای انتقام‌گیری از رهبری و رئیس‌جمهور اعتراف کرد. وی با اشاره به این‌که تقلب اسم رمز آشوبها بود گفت: «تقلب واقعاً در ایران وجود نداشت. چراکه در انتخابات ۸۴ وقتی فاصله کروبی و احمدی‌نژاد کمتر از نیم میلیون بود، وزارت کشور خاتمی نپذیرفت که کلمه تقلب مطرح شود لذا کروبی تخلّف در انتخابات را مطرح کرد و بنده تعجب می‌کنم که در این انتخابات با وجود اختلاف ۱۱ میلیونی چگونه بحث تقلب پذیرفته می‌شود. این در حالی است که همانهایی که ۵۰۰ هزار اختلاف را تقلب نمی‌خواندند امروز ۱۱ میلیون را

۱- ایران، ۱۳۸۸/۵/۸.

تقلب می‌خوانند.»[۱]

در پی این اظهارات ابطحی، دفتر هاشمی با صدور اطلاعیه‌ای اعترافات ابطحی در خصوص هم قسم شدن هاشمی با خاتمی و موسوی را تکذیب کرد.[۲] محمد عطریانفر (عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران) نیز در اوّلین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات خود با تأکید بر این‌که جریان اصلاحات در پی این بودند که قانون اساسی را طوری نمود دهند که نقطه مقابل رهبری و نظام شود، گفت: «در پناه حادثه دوم خرداد که اتفاقی به نام مردم و نظام افتاده بود، از این فضا تلقی اشتباه کردیم و نشان دادیم که ظاهراً آنها را می‌توانیم در تقابل یکدیگر قرار دهیم و در این‌جا اعتراف می‌کنم کسانی که می‌خواهند مطلقیت ولایت فقیه را سلب کنند معنویت نظام را می‌گیرند.»

کیان تاج‌بخش (از رابطین بنیاد سوروس) در این جلسه از ارتباط سیستماتیک نهادهای اطلاعاتی آمریکا و عناصر اصلاح‌طلب تحت پروژه سری ردیف ۲ با هدف براندازی نرم پرده برداشت.[۳] مصطفی تاج‌زاده (معاون سیاسی وزارت کشور اصلاحات) نیز با اشاره به این مطلب که تقلب در انتخابات وجهی نداشت اظهار کرد: «بمحض این‌که انتخابات تمام شد. من از بچه‌های استانها سؤال کردم. احساس کردم که انتخابات را باخته‌ایم ولی فاصله را ۳ به ۱ نمی‌دانستیم.» محسن صفایی فراهانی (عضو جبهه مشارکت) در این باره گفت: «به هیچ وجه نمی‌توان

۱- همان، ۱۳۸۸/۵/۱۱. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۱۲.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۱۱.

پذیرفت که در این انتخابات تقلب شده است.»

در اوّلین جلسه دادگاه متهمان برخی افراد به اقدامات ضد امنیتی خود اعتراف نمودند. امیر رضا عارفی (از متهمان) از طرح بمب‌گذاری در برخی حوزه‌های انتخابات ریاست جمهوری و عماد بهور (از دیگر متهمان) از تلاش برای تضعیف نظام اسلامی و به قدرت رساندن نهضت آزادی خبر داد. میثم قربانی به ساخت و پرتاب نارنجک دست‌ساز با استفاده از پوشش لباس فرم سپاه پاسداران - مهدی فتاح‌بخش به حمله به مراکز نظامی با مواد آتش‌زا - زیبا عسکری به اقدام علیه امنیت کشور از طریق حمل و نگهداری نارنجک جنگی - محمد درمنکی فراهانی و کیانا سعیدفر به ارسال خبر و عکس به خارج کشور جهت تدارک خوراک تبلیغاتی رسانه‌های معاند - مهرداد ورشویی به ایجاد ضرب و شتم مأمورین بسیج در حین انجام مأموریت و... اعتراف کردند.

بسیاری از اصلاح‌طلبان و بویژه اپوزیسیون خارج از کشور پس از اعترافات ابطحی و عطریانفر که از شبکه اوّل سیما نیز پخش شد، مدعی شدند که این اظهارات تحت فشار و شکنجه و با خوراندن قرص و آمپول سحرآمیز بوده است. حزب مشارکت با انتشار بیانیه‌ای نگرانی خود را این‌گونه ابراز کرد:

«بیم آن می‌رود با توجه به روندی که تا کنون سپری شده است بسیاری از آنها تحت شرایط نامساعد و اعتراف‌گیری قرار گرفته و از طبیعی‌ترین

حقوق قانونی و شهروندی خود نیز محروم باشند.»[1]

ولی از سوی دیگر بسیاری از فعالان سیاسی سخنان ایشان را کودتا علیه اصلاح‌طلبان و زلزله سیاسی و افشاگری سران کودتا خواندند. علاءالدین بروجردی (رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس) بهترین شیوه انتقال واقعیتها را اظهارنظر مستقیم متهمان[2] و آیت‌الله حیدری (عضو مجلس خبرگان) دادگاه متهمان اغتشاشات اخیر را مایه رسوایی کاندیداهای مختلف دانستند.[3] در حالی که ابطحی و عطریانفر طی مصاحبه تلویزیونی ادعاهای رسانه‌های خارجی در خصوص غیر عادی بودن حالتشان و خوراندن قرص و غیره را توهین به فهم مردم دانستند، دری نجف آبادی (دادستان کلّ کشور) هم مبنای قضاوت متهمان دادگاههای اخیر را اسناد به دست آمده بیان کرد.[4] دومین جلسه رسیدگی به اتهامات متهمان آشوبهای پس از انتخابات با اعتراف آنان به ارتباطات وسیع با سرویسهای جاسوسی بیگانه همراه شد. محمدرضا علی زمانی در اظهارات خود، ضمن اشاره به ارتباط خود با موساد، هدف فعالیتهای انجمن پادشاهی ایران را از بین بردن پایه‌های دینی مطرح کرد. آرش رحمانی از دیگر متهمان، مأموریت خود را ایجاد انفجار در شعب اخذ رأی بیان نمود. رضا رفیعی فروشانی با بیان این که در فیس بوک صفحه‌ای داشتم که با استفاده از این صفحه برای موسوی تبلیغات انجام می‌دادم؛ اظهار داشت: «پس از انتخابات با موبایل فیلمبرداری کرده و آنها را روی

۱- صدای عدالت، ۱۳۸۸/۴/۱۸.
۲- ایران، ۱۳۸۸/۵/۱۲.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۱۲.
۴- همان، ۱۳۸۸/۵/۱۷.

صفحه فیس بوک قرار می‌دادم اما پس از مدتی ایمیلی دریافت کردم که گفته بود سیا قصد ارتباط با شما دارد.» ناصر عبدالحسینی در اعتراف خود از آموزش آتش زدن اتوبوس خبر داد. اما میر محمدحسین رسام (کارمند محلی و تحلیلگر ارشد سفارت انگلیس در تهران) که در جریان اغتشاشات پس از انتخابات دستگیر شده بود در سخنان خود در دادگاه با بیان تماس دائم دیپلماتهای انگلیسی با ستاد موسوی، از ارتباط مستمر سفارت انگلیس با ستاد انتخاباتی موسوی پرده برداشت. او افزود فعالیتهای وی با اطلاع یکی از مشاوران این ستاد بوده است. در پی برگزاری دور دوم دادگاه رسیدگی به پرونده عوامل کودتای مخملی که در آن از نقش برجسته برخی کشورهای غربی بویژه انگلیس و فرانسه در اغتشاشهای پس از انتخابات پرده برداشته شد، این کشورها به همراه اتحادیه اروپا تلاش کردند با متهم کردن ایران به نقض ضوابط دیپلماتیک، بر مداخلات خود در امور ایران سرپوش بگذارند. در همین راستا لندن از اتحادیه اروپا خواست علیه محاکمه آشوبگران بیانیه صادر کند. سومین جلسه دادگاه در حالی اجرا شد که اکثر متهمان ضمن بیان این مطلب که مجوز تخریب اموال عمومی در ستاد موسوی صادر می‌شد تأکید کردند که ما فریب خوردیم و دادگاه جای کسانی است که ما را فریب دادند. این دادگاه که با نمایش کلیپی از اقدامات مخرب آشوبگران همراه بود، وکلای مدافع متهمان به دفاع از موکل خود پرداختند.

چهارمین دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات نیز با اعتراف برخی از سران اصلاح‌طلبان همراه شد. گرچه چهره‌های سرشناس زیادی در این

دادگاه حضور داشتند و اعترافات جالبی را اظهار نمودند، اما پرداختن به دو موضوع توجه بسیاری را به خود جلب نمود. یکی در خواست نماینده دادستان برای انحلال حزب مشارکت و سازمان مجاهدین و دیگری افشای نقش مهدی هاشمی و جاسبی در انتخابات توسط حمزه کرمی و مسعود باستانی که از نزدیکان مهدی هاشمی بود.

همچنین سعید حجاریان (نظریه‌پرداز اصلاحات) در این جلسه با اشاره به نقش حزب مشارکت، ضمن اعلام استعفای خود از این حزب به دلیل انحراف، بیان داشت: «من هم در این انتخابات با ارائه تحلیلهای ناصواب مرتکب خطاهای سهمگین شده‌ام که از آنها تبری می‌جویم.» سعید شریفی (از اعضای حزب مشارکت) نیز با افشای پشت صحنه ستادهای موسوی گفت: «تندترین مخالفان نظام با موسوی همراهی کردند.»[1] کیان تاج‌بخش نیز با بیان نقش دولت سازندگی در استحاله فرهنگی با تأکید بر ارتباط و دیدار سیدمحمد خاتمی در سال ۸۵ با جورج سوروس (رئیس بنیاد سوروس) در نیویورک، اغتشاشات پس از انتخابات را نتیجه برنامه‌ریزی درازمدت دانست. هدایت‌الله آقایی (عضو حزب کارگزاران) در اعترافات خود بر کلید خوردن موضوع تقلب در انتخابات در خارج از کشور و دامن زدن به آن توسط برخی در داخل حتی در نماز جمعه تأکید کرد. شهاب‌الدین طباطبایی (عضو حزب مشارکت و رئیس ستاد ۸۸) با بیان این مطلب که از همان ابتدای فعالیتهای

۱- ایران، ۱۳۸۸/۶/۴.

انتخاباتی، موسوی و اطرافیانش دچار عارضه توهم پیروزی بودند، گفت: «ای کاش که همان‌طور که بنده اشتباهات خود را پذیرفتم، دوستانی که با اطلاعیه‌ها و مواضع خود سبب مسائل پس از انتخابات شده‌اند عواقب کار خود را می‌پذیرفتند. محسن صفایی فراهانی (رئیس اجرایی جبهه مشارکت) با بیان این‌که مانند حجاریان دیگر کار سیاسی نخواهم کرد از محرز بودن پیروزی دولت موجود (نهم) در انتخابات خبر داد.[1]

گرچه برخی فکر می‌کردند اعترافات متهمان اغتشاشات پس از انتخابات، محدود به ابطحی و عطریانفر می‌شود و دیگر چهره‌ها لب به سخن نمی‌گشایند؛ اما سخنان تکان‌دهنده جمعی از شخصیتهای مطرح دوم خردادی در دادگاه، جریان مدعی اصلاحات را دچار تزلزل کرد. به‌طوری که اختلاف میان بزرگان جبهه مذکور در جلسات خصوصی آنان نیز گویای این موضوع بود. اصلاح‌طلبان بر این باور بودند که باید به نحوی از پخش افشاگری دوستان خود جلوگیری به عمل آوردند.[2] اما رئیسی (معاون اوّل قوّه قضاییه) در مراسم تودیع و معارفه رئیسان سازمان زندانها بر ادامه روند رسیدگی به پرونده متهمان حوادث پس از انتخابات تأکید کرد.[3]

موسوی رهبر اپوزیسیون

اما چرا موسوی برای رهبری اپوزیسیون و انقلاب رنگی در ایران

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۶/۴.
۲- همان، ۱۳۸۸/۶/۱۶.
۳- همان، ۱۳۸۸/۶/۱۵.

انتخاب شد؟ و این‌که چرا کروبی و رضایی برای این‌کار انتخاب نشدند؟ محسن رضایی از چهره‌هایی است که از اوایل انقلاب به عنوان فردی نظامی و معتقد به انقلاب و امام(ره) شناخته می‌شده است. وی که پس از مسؤولیت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام مشغول به‌کار شد و در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز شرکت کرد و بعدها به دلایلی انصراف داد. در جریان انتخابات دهم انتقادهایی را از دولت نهم نمود. رضایی که به اعتقاد بسیاری، همان حرفها و تخریبها و اهانتهای موسوی و کروبی را بویژه در مناظره‌های تلویزیونی با زبان دیگر مطرح می‌کرد، اما به رهبری و نظام معتقد بود و حداقل در بسیاری از موارد این‌گونه نشان داد.

رضایی با وجود اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری و ادعای این‌که رأی وی بالاتر از اینها بوده است، ولی با ارسال نامه‌ای به شورای نگهبان با بیان این‌که «با توجه به وضعیت سیاسی ـ امنیتی و اجتماعی کشور و شرایط حساس و تعیین‌کننده که از نتایج انتخابات مهمتر است»، انصراف خود را از پیگری شکایتهای مطرح شده اعلام کرد و حتی وی در مراسم تنفیذ ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد حضور پیدا کرد. اگرچه امیدوار رضایی (برادر محسن رضایی و نماینده مجلس هشتم) شرکت محسن رضایی را در تنفیذ احمدی‌نژاد، احترام به رهبری دانست و نه تأئید احمدی‌نژاد،[۱] اما به هر حال علی‌رغم اعتراضاتی که رضایی به برخی

۱– آفتاب یزد، ۱۳۸۸/۵/۱۳.

مسائل و انتخابات ریاست جمهوری داشت، وی پایبندی خود را به نظام و رهبری به اثبات رساند. پس با توجه به سوابق در رویکرد رضایی، وی نمی‌توانست به عنوان رهبر اپوزیسیون مطرح باشد.

از سوی دیگر مهدی کروبی که سوابق سیاسی بسیاری را از جمله ریاست دو دوره مجلس شورای اسلامی و نمایندگی حضرت‌امام (ره) در کمیته امداد و بنیاد شهید و... را در کارنامه خود دارد و همواره در سخنان خود در انتخابات ریاست جمهوری از آن یاد و بدان افتخار می‌کرد، در جریان انتخابات دهم اگرچه شعار تغییر بویژه تأکید بر تغییر قانون اساسی را می‌داد و به همین علت مورد توجه رسانه‌های ضدانقلاب قرار داشت، اما هیچ‌گاه وی به عنوان رهبر اپوزیسیون معرفی نشد. شاید در ظاهر القاء این‌که موسوی رأی‌آورتر است از سوی برخی حامیان موسوی و همچنین روحانی بودن کروبی دلیل بر آن بود. ولی مهمتر از آن ایستادگی و مقاومت کروبی در برابر تندروهای افراطی اصلاح‌طلبان بویژه در مجلس ششم بود. وی که در زمان ریاست مجلس ششم بارها در مقابل افراطیون دوم خرداد و در ماجرای تحصن و استعفای دسته جمعی و بسیاری از اقدامات آنان ایستاده بود، در دوران رقابتهای انتخاباتی دهم ریاست جمهوری نیز بارها بر این نکته تأکید کرد که «در کابینه من مشارکت و مجاهدین جایی ندارند.»[1]

بدین ترتیب بود که کروبی به عنوان شیخ اصلاحات نشان داد از عناصر

۱- ایران، ۱۳۸۸/۱/۲۴.

تندرو در اصلاحات که وجود آنها را دلیل رویگردانی مردم از اصلاحات می‌دانست، دوری کرده و با ایشان تفاوت دارد.

از آن‌جا که طراحان انقلاب رنگی به حمایت از عناصر افراطی از درون جریان اصلاح‌طلب جامعه می‌پرداختند، لذا کروبی که در انتخابات دهم نیز مورد حمایت اصلاح‌طلبان واقع نشد و حتی مجمع روحانیون مبارز که سالها کروبی ریاست دبیرکلّی آن را برعهده داشت از وی حمایت نکرد، نمی‌توانست به عنوان رهبر اپوزیسیون باشد.

اما میرحسین موسوی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هشت سال نخست‌وزیر ایران بود، اقداماتی را انجام داد که حتی مورد عتاب حضرت امام(ره) قرار گرفت. موسوی که در طول زمان تبلیغات انتخاباتی همواره به دلیل استعفای سال ٦٧ مورد انتقاد بود در این خصوص گفت: «من فقط یک بار استعفا کردم، آن هم به دلیل پایان جنگ و گرفتن اختیار تعزیرات حکومتی از من بود که بشدّت نیز مورد عتاب امام(ره) قرار گرفتم. ولی در پرخاش ایشان لطف زیادی مشاهده کردم و مطمئن باشید این‌بار استعفاء نخواهم کرد.» اما علی‌رغم این‌که اکثر رسانه‌ها به استعفاء سال ٦٧ اشاره کردند، ولی هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات خود تعداد این استعفاها را بیشتر شمرده است. در مجلدات منتشر شده از خاطرات ایشان استعفای اوّل به سال ٦٢ برمی‌گردد. هاشمی در ذیل خاطرات روز یکشنبه نهم بهمن ماه می‌نویسد: «شب در دفتر رئیس‌جمهور، آقای رئیس‌جمهور گفتند مهندس موسوی [نخست‌وزیر] آمده و به خاطر عدم توافق روی وزیر مسکن، پیشنهاد استعفا داده که آیت‌الله خامنه‌ای مخالفت کرده و

گفته‌اند که وجود اختلاف به هر حال هست و با این مقدار اختلاف نباید کنار رفت و قابل حل است.» طرح استعفا در حالی است که کشور از سوی وزیر امور خارجه آمریکا رسماً تهدید به عملیات پیشگیرانه شده بود و شرایط جنگ نیز، همچنان حاکم بود. هاشمی رفسنجانی ذیل خاطرات روز ۱۲ اردیبهشت ماه آن سال به این استعفاء اشاره می‌کند. این بار نیز کمی بودجه و عدم هماهنگی با رئیس جمهور وقت یعنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بهانه استعفاء فراهم می‌آورد. اما این‌بار میرحسین به جای این‌که مستقیماً پیش رئیس‌جمهور یا امام برود، خدمت آقای هاشمی می‌رسد. اما سومین استعفا مربوط به سال ۱۳۶۷ است، در نیمه شهریور ماه ۶۷ یعنی ایام کوتاهی پس از پایان جنگ تحمیلی روزنامه جمهوری اسلامی که توسط یکی از نزدیک‌ترین دوستان نخست‌وزیر اداره می‌شد، تیتر «مهندس موسوی استعفا داد» را انتخاب کرد. این استعفا پس از پذیرش قطعنامه و پایان یافتن عملیات مرصاد و آغاز گفتگوهای آتش‌بس بین ایران و عراق بود و درواقع استعفای میرحسین موسوی با صبح اوّلین روز مذاکرات دکتر ولایتی در ژنو همراه شد و جالب‌تر آن که از رادیو نیز اعلام گشت. دکتر اسدالله بادامچیان در جلسه پرسش و پاسخی در قم، در پی اصرار دانشجویان بر بیان زوایای استعفاء گفت: «در اواخر جنگ بود که امام‌خمینی(ره) از میرحسین خواست یک کاری را انجام دهد، که میرحسین نیز به دلیل این‌که وزرای وی با نمایندگان مجلس تعامل نداشتند، از این کار سرباز زد. پس از آن میرحسین سه روز به درون یکی از خانه‌های آشنایان رفت و بیرون نیامد... روز سوم که حاج سید احمد

خمینی با تماس با مراکز مختلف از یافتن او ناامید شده بود، به افراد مختلف می‌سپرد که امام فرموده‌اند به میرحسین بگویید بیاید که اگر نیاید نامه‌ای تنظیم کرده‌ام و در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهم که اگر پخش شود، برای او دیگر دنیا و آخرت نمی‌ماند. روز سوم میرحسین تا ساعت ١١ به محضر امام می‌رسد و امام نامه‌ای دیگر نوشتند و میرحسین نیز استعفا داد.»

حضرت امام(ره) در متن خود، اگرچه که به تاریخ ١۵ شهریور است، اما ١٦ شهریور در روزنامه عصرگاهی جمهوری اسلامی و فردای استعفای میرحسین، به چاپ رسیده است، امام خطاب به او فرمودند: **«جناب آقای موسوی نخست‌وزیر محترم، نامه استعفای شما باعث تعجب شد. حقّ این بود که اگر تصمیم بدین کار داشتید، لااقل من و یا مسؤولین رده بالای نظام را در جریان می‌گذاشتید. در زمانی که مردم حزب‌الله برای یاری اسلام، فرزندان خود را به قربانگاه می‌برند چه وقت گله و استعفا است. شما در سنگر نخست‌وزیری در چارچوب اسلام و قانون اساسی به خدمت خود ادامه دهید. در صورتی که نسبت به بعضی از وزرا به توافق نمی‌رسید چون گذشته عمل شود. این حقّ قانونی مجلس است که به هر وزیری که مایل بود، رأی دهد. تعزیرات از این پس در اختیار مجمع تشخیص مصلحت است که اگر صلاح بداند به هر میزان که مایل باشد، در اختیار دولت قرار خواهد داد. همه باید به خدا پناه ببریم و در مواقع عصبانیت دست به کارهایی نزنیم که دشمنان اسلام از آن سوء استفاده کنند. مردم ما از این‌گونه مسائل در طول انقلاب زیاد دیده‌اند. این حرکات هیچ تأثیری**

در خطوط اصیل و اساسی انقلاب اسلامی ایران نخواهد داشت. از آن‌جا که من به شما علاقه‌مندم، ان‌شاءالله عندالملاقات مسائلی است که گوشزد می‌نمایم».[1]

اگرچه میرحسین موسوی در واکنش به نامه حضرت امام(ره) ضمن اعلام تبعیت از ایشان اظهار داشت: «این‌جانب عزّت و مصلحت را در تبعیت از مقام معظّم رهبری می‌دانم و استعفای خود را که با انگیزه دلسوزی برای اسلام و انقلاب و مصلحت کشور تقدیم نموده بودم، پس می‌گیرم» اما استعفاهای پیاپی موسوی آن هم بدون هماهنگی و ناگهانی، بر سر مسایل جزیی چون عدم توافق روی وزیر مسکن و یا کمی بودجه و ایجاد محدودیت دولت در تعزیرات و... از او شخصیتی بی‌ثبات و متزلزل و دم‌دمی مزاج در اذهان باقی گذارد. موسوی که سابقه اختلاف در زمینه‌های گوناگون با رئیس‌جمهور وقت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز دارد و سرانجام منجر به حذف پست نخست‌وزیری در جریان بازنگری قانون اساسی شد، ظاهراً موجب دلخوری وی نیز شد که همه اینها سابقه‌ای منفی در ذهن تاریخ انقلاب اسلامی نهاد و از این‌رو طراحان انقلاب رنگی در ایران که در صدد بودند تا در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری براندازی نرم را دنبال نمایند و از آب گل‌آلوده ماهی بگیرند، با اعلام کاندیداتوری موسوی، چشم طمع به وی دوختند. بویژه این‌که موسوی در چند روز مانده به برگزاری انتخابات دهم در مصاحبه

۱- صحیفه نور، جلد ۲۱، صفحه ۱۱، به تاریخ ۱۳۶۷/۶/۱۵.

خود با مجله تایم از دگرگونی ماهیت ساختار قدرت و فشار به رهبری سخن گفت و نتیجه این فرآیند را وابسته به پیروزی و یا شکست در انتخابات ندانست! وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر این‌که در ایران، در جایگاه ریاست جمهوری، شما به اندازه رهبر (معظّم انقلاب) آیت‌الله خامنه‌ای قدرت نخواهید داشت. بخصوص در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی؟ مؤکداً ابراز داشت که تجمعات خیابانی چشمگیر هفته‌های گذشته احتمالاً ماهیت ساختار قدرت را به نحوی بنیادین دگرگون خواهد ساخت و وقتی رهبری هم تظاهرات خیابانی را ببینند قطعاً عقب‌نشینی خواهد کرد. موسوی در جواب این‌که؛ اگر انتخابات را ببازید آن وقت چه می‌شود؟ گفت: «تغییر از مدتی قبل آغاز شده است. تنها بخشی از آن به پیروزی در انتخابات مربوط می‌شود و بخشهای دیگر ادامه خواهند یافت و هیچ عقبگردی در کار نخواهد بود.» این مجله در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ (۲۲ خرداد ۸۸) با تیتر «مردی که می‌تواند احمدی‌نژاد را شکست دهد» این گفتگو را منتشر و از قول موسوی نوشت: «درواقع دگرگونی و تغییر در ساختار قدرت با فشار بر رهبری در جهت پذیرش بیشتر افکار عمومی رخ خواهد داد.»[1]

میرحسین که دلایل ورود وی به عرصه انتخابات دهم در پرده‌ای از ابهام قرار داشت، مدعی شد شرایط را به نحوی بحرانی می‌بیند که حاضر شده سکوت بیست ساله خود را بشکند! وی هیچ‌گاه حاضر نشد که به

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۳.

سؤالات جدّی منتقدین خود در این رابطه که چرا علی‌رغم حوادث تلخ اتفاق افتاده در دوران سازندگی و دوران اصلاحات، احساس خطر نکرده است؟! پاسخی قانع‌کننده ارائه دهد!

جریان افراطی دوم خرداد نیز که در ابتدا با پذیرش میرحسین به عنوان گزینه اوّل این جریان اکراه داشت با بررسی سوابق و روحیات ساختارشکنانه وی بزودی متوجه شد که گزینه پیشنهادی از محافل پشت پرده این جریان، بسیار مناسب‌تر از آن است که قبلاً فکر می‌کرد و حتی خیلی بهتر از محمد خاتمی خواهد توانست اهداف ساختارشکنانه این جریان را رهبری نماید! لذا حمایت گسترده خود را از میرحسین موسوی اعلام کردند. جریانهای افراطی چون سازمان مجاهدین، حزب مشارکت، برخی اعضای حزب کارگزاران، مجمع روحانیون مبارز و حتی برخی وابستگان و خانواده آقای هاشمی رفسنجانی، هدایت ستادهای میرحسین موسوی را در دست گرفته و برای رسیدن به خواسته‌های خود موسوی را به بازی گرفتند.

اگرچه مقام معظّم رهبری در خطبه‌های تاریخی خود در ۲۹ خرداد همه چهار نامزد را اعضای خانواده نظام اسلامی خواندند، اما فشارها برای بیرون کشیدن موسوی از دایره نظام با طرح شبهه در سلامت انتخابات کلید خورده بود!

اقدامات انجام شده توسط تیم مشورتی موسوی دقیقاً اقداماتی بود که جین شارپ در کتاب خود «از دیکتاتوری تا دموکراسی» (که در گذشته بدان اشاره شده) پیشنهاد کرده بود. حمله همه‌جانبه به دولت روی کار،

بهره‌جویی از مؤلفه‌هایی چون فریب، تهمت، سیاه‌نمایی، اتهام دروغگو بودن رئیس جمهور، تقلب در انتخابات، ابطال انتخابات، زیر سؤال بردن جایگاه قانونی شورای نگهبان، نپذیرفتن هیچ منطقی و حرفی، اردوکشی خیابانی هواداران و آشوب و بلوا از اقداماتی بود که می‌توان بدان اشاره کرد که منطبق با پروژه‌های انقلاب رنگی می‌باشد. بر همین اساس میرحسین موسوی به عنوان رهبر اپوزیسیون معرفی شد و مورد حمایت بیگانگان و عناصر ضد انقلاب واقع شد. طراحان انقلاب رنگی در ایران ضمن تلاش برای تضعیف پایه‌های مشروعیت نظام از طریق پررنگ کردن برچسب خیانت به آراء مردم از طرف نظام اسلامی و تلاش برای تضعیف جایگاه ولایت فقیه، با مطرح کردن میرحسین موسوی به عنوان رهبر اصلاحات و لیدر طیف اپوزیسیون ضمن دادن جهت و سمت و سوی به فعالیتهای حامیان موسوی، سیزده میلیون رأی‌دهنده به مهندس موسوی را مخالفین نظام جلوه داده و سعی در ایجاد و هدایت اپوزیسیون علیه نظام کردند. در این باره سایت وزارت خارجه رژیم صهیونیستی طی یادداشتی نوشت: «مردم ایران باید به مبارزه مدنی روی آورند. همه مخالفان احمدی‌نژاد که احساس خطر می‌کنند دست اتحاد به هم بدهند. موسوی هم اگر واقعاً معتقد است رئیس جمهور اوست، باید رهبری مبارزه را به دست بگیرد و همه گروههای ناراضی را دور خود جمع کرده و پیکار را گسترش دهد. مخالفان، به اعتصاب و مختل کردن مدیریت، قطع آب و برق حتی حمله به پمپ بنزین دست بزنند. روزهای آینده

سرنوشت ساز است!»[۱] در همین رابطه رضا پهلوی فرزند محمدرضا و فرح همسر شاه ملعون ایران و مسعود رجوی و مریم رجوی از سرکردگان سازمان منافقین با ارسال پیامهایی با ابراز خرسندی و حمایت از حرکتهای پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، از جوانان و دانشجویان خواستند تا به راه خود ادامه بدهند. همچنین علیرضا نوری‌زاده (روزنامه نگار فراری مقیم آمریکا) در گفتگو با رادیو زمانه ضمن حمایت از وقایع پس از انتخابات گفت: «آقای موسوی و کروبی اگر در وجودشان ذره‌ای وفاداری به آرمانهایی که اعلام کرده‌اند باشد، نباید عقب‌نشینی کنند. این‌جا دیگر حقّ شخصی نیست به قول معروف (حقّ‌الناس) است! آقای موسوی و کروبی و رضایی حقّ ندارد از این حقّ بگذرند. اگر آنها و خاتمی این شایستگی را داشته باشند که این حرکت را رهبری کنند، جنبش زیبایی که بدون خونریزی و خشونت (براندازی نرم) آغاز شده‌اند سرنوشت ایران را تغییر دهد.»[۲] سایت ضد انقلاب گلوبال خطاب به نامزدهای شکست خورده نوشت: «امید است این بار آقایان به وعده‌ها پشت نکنند و تا ابطال انتخابات، در مقابل هیچ مقامی کوتاه نیایند».[۳] همچنین محسن مخملباف از سینماگران ایران و مقیم آمریکا که در انتخابات دهم و در شبکه‌های مختلف ضد انقلاب حضور پررنگی داشت و از حامیان سرسخت میرحسین موسوی بود. با چاپ مقاله‌ای در روزنامه گاردین نوشت: «ما اوبامایی می‌خواهیم که بتواند برای مشکلات

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۵. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۷.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۷.

ایران راه حل بیابد. هرچند قدرت در دست (آیت الله) خامنه‌ای باقی خواهند ماند، اما رئیس جمهوری مانند موسوی می‌تواند رهبر را تضعیف کند.»

مجله آلمانی ـ صهیونیستی اشپیگل نامزد ناکام مدعیان اصلاح‌طلب را قهرمان ناخواسته خواند و با اشاره به شعار (ثبات و بقای نظام و قانونمندی) که از سوی وی سر داده می‌شد نوشت: «اما اینک در این ۱۰ روز موسوی به فرد دیگری تبدیل شده است. اکنون کسانی او را برای هدفی برگزیده‌اند که هدفش نیست. دیری است که اعتراض دیگر علیه تقلب انتخابات نیست بلکه هدف پایان دادن به جمهوری اسلامی است. دست بر قضا او باید رهبر سرنگونی باشد.» این نشریه صهیونیستی می‌افزاید: «اپوزیسیون در ایران موسوی را برای رسیدن به هدف خود در مقابل رژیم برگزیده است. این هدف او نیست، اما وی یا باید پیروز شود یا شکست خواهد خورد!»[1] اگرچه تا مقطع زمانی انتخابات و اندکی پس از آن، اوباما (رئیس جمهور آمریکا) قائل به عدم تفاوت احمدی‌نژاد و موسوی بود، اما پس از وقوع حوادث پس از انتخابات باراک اوباما در کنفرانس خبری در حاشیه اجلاس گروه هشت در ایتالیا با حمایت از موسوی گفت: «موسوی به منشأ الهام‌بخش آن دسته از هموطنان خود تبدیل شده است که خواهان گشایش به سوی غرب هستند.»[2]

رضا پهلوی (فرزند شاه مخلوع ایران) در گفتگوی با خبرنگار شبکه

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۴/۷.

سی‌ان‌ان با دفاع از آشوبگران گفت: «راه من و موسوی هم‌اکنون به یک تقاطع مشترک رسیده است. اگر موانع یک دعوی مشترک با آنها باشیم، به گذشته (سرنگونی رژیم پهلوی) نگاه نخواهم کرد.»[1] در پی این اظهارات و حمایت فرزند شاه مخلوع از موسوی، اسماعیل کوثری (نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم) در گفتگو با ایرنا گفت: «متأسفانه موسوی به علت عدم درک صحیح از موقعیتی که به وجود آورده و از طرفی عدم توجه به سخنان رهبرمعظّم انقلاب باعث شده که این جریانها از او حمایت کنند.» وی اضافه کرد: «حرکتی که موسوی در کشور آغاز کرده است در راستای اجابت خواسته‌های دشمنان و معاندان نظام است...»[2]

حمایت غرب از اغتشاشات

جریان اصلاح‌طلب در گسترده کردن بحث تقلب در انتخابات ریاست جمهوری دهم از حمایت و پشتیبانی وسیع اپوزیسیون خارج از کشور و بیگانگان بهره‌مند بود. در این مدت حجم انبوهی از مقالات و اظهارنظرها از جانب منابع غربی می‌توان یافت که مستقیماً گفتمان تقلب را تأیید و تکمیل می‌کند. از همین رو در چند هفته مانده به انتخابات ریاست جمهوری، سایت‌گذار متعلق به خانه آزادی (بنیاد وابسته به سازمان سیا) طی مقاله‌ای به نگارش دانیل کالینگرت از اعضاء برجسته سازمان سیا با

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۳. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۴/۲.

عنوان «انتخابات مهندسی شده و راههای مقابله با آن» تلاش می‌کند القاء نماید دموکراسی در ساختار سیاسی ایران وجود ندارد و با حمله به شورای نگهبان و سیستم نظارت استصوابی و هجمه به صدا و سیما بر عدم سلامت انتخابات و امکان تقلب در شمارش آراء پافشاری می‌نماید و این مرحله اوّل انقلابهای رنگی است که در آن هدف اصلی، تصویرسازی نزد افکار عمومی جامعه است تا از این طریق مشروعیت عمل حکومت در مراجعه به آراء عمومی مخدوش گردد و از طریق فعالیت و اقدامهای روانی تلاش نماید تا مردم نسبت به اصل مشارکت احساس تردید کنند. مقام معظّم رهبری با آگاهی از اهداف شوم دشمنان برای مخدوش جلوه دادن انتخابات دهم فرمودند:

«دشمنان ملّت، گاه انتخابات ایران را انتصاب می‌خوانند و گاه می‌گویند رقابت نامزدها، بازی کنترل شده درون حکومت است و انتخابات حتماً با تقلب همراه خواهد بود که البته هدف همه این تلاشها، ضربه زدن به مردم‌سالاری دینی و جلوگیری از مشارکت قوی مردم در انتخابات است.»[۱]

در این زمینه حمایتهای رسانه‌ای و مالی و سیاسی گسترده‌ای از سوی منابع خارجی بویژه آمریکا و انگلیس برای راه‌اندازی انقلاب رنگی در ایران صورت گرفت. در همین رابطه پاول رابرتس (معاون اسبق وزارت خزانه‌داری آمریکا) طی اعترافی از نقش واشنگتن در بروز و ظهور آشوبها و وقایع پس از انتخابات ایران و کمک مالی N.E.D به حامیان

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۱۶.

موسوی برای راه‌اندازی انقلاب رنگی در جمهوری اسلامی ایران پرده برداشت. وی در مصاحبه با مجله آمریکای فارین پالیسی گفت: «اتهام تقلب در انتخابات ایران دروغ است و همه آشوبهای ایجاد شده در ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری، توطئه آمریکا برای بی‌اعتبار و منزوی کردن ایران بود تا این کشور را به زانو درآورد.»[۱]

وی در خصوص حمایت مالی آمریکا از ستادهای موسوی گفت: «کنت تیمرمن که ریاست بنیاد دموکراسی را برعهده دارد در ۱۱ ژوئن یعنی پیش از برگزاری انتخابات در ایران نوشت: «صحبت از یک انقلاب سبز در ایران است. به عبارت دیگر قبل از رأی‌گیری چیزی آماده شده بود که باعث می‌شود به خودجوش بودن اعتراضات شک کنیم. در طول دهه گذشته میلیونها دلار را صرف گسترش انقلاب رنگی در اوکراین و صربستان کرده و تکنیکهای ارتباطی و سازمانی مدون را به کارگران آموزش داده است. بخشی از این پول به دست حامیان موسوی که با سازمانهای غیردولتی در خارج از ایران که N.E.D بودجه آنها را تأمین می‌کند، ارتباط دارند رسیده است». وی در پاسخ به خبرنگار مجله سیاست خارجی آمریکا که در ادامه پرسید در حالی که موسوی یکی از اعضای دولت ایران و هشت سال نخست‌وزیر این کشور بود و با روحانیون طراز اوّل رابطه داشت آیا ممکن است هواداران و اعضای کمپین وی کسانی باشند که به دنبال براندازی نظام هستند؟ گفت: «فقط

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲۴.

کسانی می‌توانند به این سؤال پاسخ بدهند که در برنامه ایجاد بی‌ثباتی در ایران نقش داشته‌اند. نظر من براساس آنچه اکنون می‌فهمم این است که برخی جوانان در ایران بویژه تهران وجود دارند که سکولار و غربی شده‌اند و از اخلاق اسلامی خوششان نمی‌آید. من نمی‌دانم این جوانان چرا فکر می‌کنند که موسوی فشار قوانین اسلامی را از روی دوششان برخواهد داشت. به هر حال هسته معترضینی که در خیابانها بودند جوانان ناراضی بودند. در مورد موسوی و متحدین قدرتمندش، من اعتقاد ندارم که قصد آنها براندازی نظام بوده است. اینها افراد جاه‌طلب و ناامیدی هستند که از بازی خارج شده‌اند و می‌خواهند مجدّداً در بازی قدرت شرکت کنند.»[۱]

خبرگزاری آسوشیتدپرس هم طی گزارشی از مشاهده ردپای جین شارپ (نویسنده کتاب از دیکتاتوری تا دموکراسی و طراح کودتای نرم) در وقایع اخیر تهران خبر داد و نوشت: «شارپ و دیگر متخصصان جنگ نرم عقیده دارند تظاهرات‌کنندگان ایرانی باید روشهای خود را متنوع کنند و تنها به راهپیماییهای خیابانی بسنده نکنند» بنابراین گزارش جین‌شارپ هرگونه نقشی در راه‌اندازی ناآرامیهای اخیر ایران را تکذیب کرد اما در عین حال اظهار داشت: «اگر اثر من بتواند به مقاومت صلح‌آمیز (براندازی نرم) کمک کند خوشحال خواهم شد.»[۲]

در همین حال «سباستین ابت و کاترینا کراتوراک» دو گزارشگر

۱- همان.

۲- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۷.

خبرگزاری آسوشیتدپرس، در گزارش با تأیید اظهارات وزیر اطلاعات ایران (حجةالاسلام محسنی اژه‌ای) در رابطه با آموزش نیروهای مخالف ایرانی از سوی آمریکا می‌نویسند: «پیتر آکرمن بنیانگذار مرکز بین‌المللی مبارزات بدون خشونت در واشنگتن با اشاره به اقدامات گروههای مخالف ایرانی می‌گوید: «اگر این جنبش به عنوان اعتراضات خیابانی علیه پلیس که ممکن است منجر به خشونت بشود یا نه، تعریف شده باشد، این حرکت مخالفان، شکست خواهد خورد». بنابر گزارش این دو گزارشگر، هدایت مخالفین داخلی از سوی منابع خارج از ایران به حدی بوده است که سدجاپیویچ بنیانگذار مقاومت دانشجویی صربستان، با راهنمایی گروههای مخالف ایرانی برای استفاده از روشهای کم‌خطر فراخوانی صورت گرفته در سایت توینز که از معترضان می‌خواست تا چراغهای اتومبیلهای خود را روشن کرده و در حالی که قرآن به دست دارند در برابر نیروهای امنیتی بایستند، را شروعی خوب ارزیابی و خواستار استفاده از تکنیکهای بیشتری شد. وی همچنین از برخی روشهای دیگر مخالفان داخلی ایران نیز تمجید کرد و تأکید نمود که استفاده از پوشش سبز به عنوان رنگ نمادین اسلام و فریاد زدن شعارهای یادآور انقلاب اسلامی (مانند الله اکبر) سال ۱۹۷۹ ایران، روشهای مناسبی هستند.[۱]

در جریان انتخابات دهم برخی کشورهای غربی علاوه بر حمایتهای مالی آشوبگران از همه ابزارهای انقلاب رنگی برای رسیدن به اهداف

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۱۱.

خود استفاده کردند. آنان با بهره گیری از روشهای عملیات روانی ضمن زیر سؤال بردن مشروعیت نظام و سلامت انتخابات، با اغراق و بزرگ‌نمایی اوضاع پس از انتخابات و با استفاده از ابزارها و اقداماتی خاص نظیر نافرمانی مدنی و نبرد رسانه‌ای، نظام سیاسی کشور را زیر سؤال برده و زمینه سرنگونی از طریق استحاله از درون را دنبال کردند.

آنان با تأکید بر این‌که انقلابهای رنگین در حقیقت انقلاب رسانه‌ای است با استفاده از حجم انبوه حملات رسانه‌ای خود بر خدشه‌دار بودن انتخابات اصرار ورزیدند. جریان رسانه‌ای وابسته به ضد انقلاب پس از چند ساعت شوک ناشی از مشارکت گسترده مردم و پیروزی بی‌سابقه دکتر احمدی‌نژاد در انتخابات، دور تازه سیاه‌نمایی و تشنج آفرینی راکلید زدند. اعلام نتایج خیره کننده ریاست جمهوری، رسانه‌های ضد انقلاب را تا ظهر ۲۳ خرداد در شوک فرو برد و باعث توقف ناگهانی گزارشهای آنها درباره انتخابات شد. آنها با تأخیر و اکراه و در خبرهای کوتاه به انتشار بخشی از نتایج و حضور بی‌سابقه مردم پرداختند. اما در بعدازظهر همان روز هماهنگ با افراطیون داخلی، القای تقلب و کودتا در انتخابات را آغاز کردند. رادیو فردا (سایت رسمی رژیم صهونیستی)، گویا نیوز، رادیو زمانه، رادیو فرانسه، دویچه‌وله، ایران امروز، اخبار روز، العربیه، سایت همدمی (متعلق به وزارت خارجه رژیم صهیونیستی)، ایران گلوبال، صدای آمریکا و بی‌بی‌سی از جمله رسانه‌هایی بودند که با شدت بیشتر به سیاه‌نمایی علیه انتخابات ایران پرداختند.

سایت رسمی سازمان سیا (رادیو فردا) از قول یکی از عناصر

ضدانقلاب مقیم آلمان مدعی شد نتایج انتخابات در حقیقت یک کودتای نظامی است و این از قبل تدارک دیده شده بود. چراکه طبق نظرسنجی‌ها احمدی‌نژاد بیش از ۳۰ درصد آراء نداشت و باید ۷۰ درصد رأیها به موسوی تعلق می‌یافت. گویانیوز ارگان دیگر سازمان سیا در گزارشهای مختلف بود و واژه تقلب بزرگ و کودتا تأکید کرد و با دعوت به آشوبگری نوشت: «هموطن! حال که به نصیحت آگاهان واقعی توجه نکردید و به جای شروع از نقطه آسان تحریم، کار دشوار را در پیش گرفته و از هول حلیم در دیگ افتادید، بهتر است کمی تأمل کنید و به فکر چاره عملی باشید. پیشنهاد این است که همه طرفداران تغییر، چه آنها که تشویق به رأی کردند و چه طرفداران تحریم، با هماهنگی، از مردم بخواهند برای مقابله با تقلب بزرگ و خیانتی که شده از همین امشب رأس ساعتی مشخصاً ترجیحاً ده، به پشت بامها بروند و فریاد آزادی سر دهند و از فردا دست به اعتصاب بزنند![1] سایت بی‌بی‌سی انگلیس در گزارش نوشت: «موج گسترده اعتراض به وجود آمده و بسیاری از مردم می‌خواهند بدانند رأی آنها به کاندیدای محبوبشان چه شده است؟»[2] صدای آمریکا ضمن دامن زدن به حضور برخی عناصر سودجو و اغتشاشگر و آسیب اموال عمومی در پرده اعتراض به تقلب در انتخابات گفت: «به تظاهرات چند هزار نفره در تهران بپیوندید.»[3]

رسانه‌های غربی خصوصاً رسانه‌های انگلیسی و بویژه بی‌بی‌سی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۴. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۴.
۳- همان.

انگلیسی و فارسی که در طول ۴ سال گذشته برای مقابله با دولت نهم از هیچ کوششی فروگذار نکرده بود، با اقبال مردم نسبت به احمدی‌نژاد در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، وضعیت اعتراض و اغتشاش در کشور را فرصتی برای خود تلقی نمود. آنان که انتخابات ایران را به طور جدّی دنبال می‌نمودند، مجموعاً ۵۵ خبرنگار از رسانه‌های خود را تحت پوشش انتخابات به ایران فرستاده و پس از اعلام نتایج ناخوشایند برای آنان، سخنگویی و انعکاس جریان معترض و سپس اغتشاش را برعهده گرفتند. البته این مواضع تنها در حوزه رسانه‌ای خلاصه نشد و برخی از سران و دولتمردان کشورهای غربی ـ که سابقه دیرینه‌ای در معاندت با نظام جمهوری اسلامی داشته و دارند ـ در اظهاراتی عجولانه نقشه‌ها و طرحهای شوم خود را برملا کرده و چهره حقیقی خود را از نقاب بیرون انداختند.

در این مقطع بی‌بی‌سی فارسی با استفاده از تصاویر دوربینهای غیرحرفه‌ای اغتشاشگران، لحظه به لحظه دامنه آنها را به حوزه‌های بین‌المللی کشانده و زمینه را برای اظهارنظر مقامات خود هموار کردند. در حالی که خبرگزاری فرانسه در گزارشی از واشنگتن به قلم استفان کولینسون نوشت: «باراک اوباما (رئیس جمهور آمریکا) با بیان این‌که بدون توجه به نتیجه انتخابات ایران دیپلماسی محکم خود را در مورد این کشور دنبال خواهد کرد، هشدار داد مداخله آمریکا در سیاست خارجی ایران واکنش معکوس به دنبال خواهد داشت و تفاوت بین احمدی‌نژاد و موسوی ناچیز است» اما اوباما در مصاحبه با شبکه سی‌ان‌بی‌سی گفت: «به

هر حال ما قصد داریم با رژیمی در ایران برخورد کنیم که به لحاظ تاریخی دشمن آمریکا بوده و مشکلات زیادی را برای کشورهای همسایه خود به‌وجود آورده و به دنبال دستیابی به تسلیحات هسته‌ای بوده است» وی که نتوانست مواضع خود در وقایع پس از انتخابات را مخفی نگه دارد بیان داشت: «وقتی خشونت علیه تظاهرکنندگان آرام را می‌بینیم، وقتی اختلاف نظرهای توأم با آرامش سرکوب می‌شود در هر جایی که اتفاق بیافتد برای من نگران‌کننده است.»[۱] وی همچنین در مصاحبه با شبکه سی‌بی‌اس گفت: «صدای مردم ایران باید شنیده شود و نباید خاموش شود. مخالفان جمهوری اسلامی بدانند جهان به آنها چشم دوخته است.»[۲] در همین رابطه روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی از جانبداری عملیاتی آمریکا از اغتشاشگران در ایران خبر داد. در این رابطه رابرت گیتس (سخنگوی کاخ سفید) با وجود ادعای عدم دخالت در انتخابات ایران از ایجاد تشنجهای خیابانی حمایت کرد و آن را شیوه‌ای مسالمت‌آمیز خواند! وزیر امور خارجه آمریکا هم در دیدار با وزیر خارجه رژیم صهیونیستی از ایجاد شبکه‌های رسانه‌ای برای هماهنگی جریانهای ضد انقلاب و برپا کنندگان تشنج حمایت کرد.[۳] همچنین پایگاه اینترنتی نهرین نت فاش کرد: «دیپلماتهای آمریکایی در برخی کشورهای حوزه خلیج فارس اقدام به سازماندهی تظاهرات علیه انتخابات ریاست جمهوری ایران با استفاده از مخالفان جمهوری اسلامی کرده‌اند. به

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۸. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۳/۳۰.
۳- همان.

گزارش این پایگاه دیدارهایی قبل از انتخابات با هدف رسیدن به روشی برای پوشش رسانه‌ای و سیاسی علیه محمود احمدی‌نژاد برگزار شد و ارتباط این افراد با دیپلماتهای آمریکایی پس از پیروزی احمدی‌نژاد برای ایجاد آشوب در اوضاع داخلی ایران افزایش یافته است.»[۱] ورهاگن (وزیر خارجه هلند) در اظهارات مداخله‌جویانه گفت: «در انتخابات ایران دستکاری صورت گرفته است.» گوردون براون (نخست‌وزیر انگلیس) نیز در اظهاراتی گفت: «دولت ایران باید به سؤالات جدّی درباره انتخابات مناقشه‌برانگیز ریاست جمهوری این کشور پاسخ دهد.» برناردکوشنر و فرانک والتر اشتاین مایر (وزرای امور خارجه فرانسه و آلمان) هم در اظهار نظری تعجب‌برانگیز از بازداشت آشوبگران و متجاوزان به حقوق عمومی انتقاد کردند. وزیر خارجه کاناداکه کشورش پیش از این سیاست ضد ایرانی ویژه‌ای را درپیش گرفته، این‌بار به طرز تعجب‌برانگیزی به حمایت از اصلاح‌طلبان در جریان شکست سنگین آنها پرداخت. خاویر سولانا (رئیس هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا) نیز گفت: «ما اتفاقات (ایران) را بسیار دقیق پیگیری می‌کنیم و برای کسانی که شجاعانه به خیابان رفته و تظاهرات می‌کنند احترام زیادی قائلیم.»[۲]

باراک اوباما (رئیس‌جمهور آمریکا) چند روز بعد با اظهارات مداخله‌جویانه خود علیه ایران، در چرخشی آشکار نسبت به گذشته صراحتاً به حمایت از میرحسین موسوی پرداخت و وی را منشأ

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۳/۲۸. ۲- همان، ۱۳۸۸/۳/۲۷.

الهام‌بخش آنانی خواند که خواهان گرایش به غرب هستند. وی در ادامه افزود: «خشونتی که در مورد معترضان ایرانی اعمال می‌شود، خشم‌آور است.»[۱] هیلاری کلینتون (وزیر امور خارجه آمریکا) در اظهاراتی صریحاً اعتراف کرد که دولت آمریکا در پس پرده تلاش زیادی برای حمایت از معارضان و اغتشاشگران در ایران به‌کار بسته است. وی در گفتگو با شبکه خبری سی ان ان در حالی که اصرار داشت اظهاراتش مداخله‌جویانه نیست اذعان کرد: «ما نمی‌خواستیم بین اعترضات و تظاهرات مشروع ملّت ایران و دولت قرار بگیریم. کارهای زیادی انجام می‌دهیم تا معترضین را واقعاً قدرتمند سازیم و به حمایت از اپوزیسیون ادامه خواهیم داد.»[۲] وی همچنین افزود: «آمریکا نگران روند برگزاری انتخابات و گزارشهای مربوط به تخلّفات است. ما وضعیت را زیر نظر خواهیم گرفت و منتظر خواهیم بود ببینیم مردم ایران چه تصمیمی می‌گیرند.»[۳] کلینتون در جریان سفر دوره‌ای خود به آفریقا در نایروبی پایتخت کنیا با حمایت از اقدامات آشوبگران بیان داشت: «کاخ سفید از تداوم مقاومت و تلاشهای اصلاح‌طلبان به وجد می‌آید.»[۴] آنجلا مرکل (صدر اعظم آلمان) نیز در اظهاراتی ضد ایرانی گفت: «واشنگتن و برلین همصدا تلاش دولت ایران را برای برخورد با مخالفان و معترضان محکوم می‌کنند.»[۵]

در حالی برخورد نیروهای نظامی و امنیتی ایران توسط سران غربی

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۷.
۲- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۲۰.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۳/۲۶.
۴- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۱۷.
۵- همان.

محکوم می‌شد که علاوه بر اعمال خشونت‌آمیز اغتشاشگران و خسارتهایی به اموال عمومی و شخصی و ایجاد مزاحمت برای مردم و برهم‌زدن نظم و امنیت عمومی، قشقاوی (سخنگوی وزارت امور خارجه) در اظهاراتی بیان کرد: «متأسفانه در انعکاس برخورد پلیس ایران با اغتشاشگران اغراق صورت گرفته است. شما خود بارها در تلویزیون برخورد شدید پلیس کشورهای غربی با تظاهرکنندگان و تجمعات را به بهانه نداشتن مجوز مشاهده کرده‌اید. رفتار پلیس غرب در مقایسه با پلیس ایران تحمل‌پذیری نیروهای پلیس ایران را به اثبات می‌رساند.»[1]

این در حالی بود که یک مقام انتظامی در گفتگو با فارس با اشاره به بررسیهای انجام شده در شناسنامه‌های بازداشت‌شدگان آشوبهای اخیر تهران اعلام کرد: «بیش از ۶۰ درصد افرادی که در اغتشاشهای اخیر تهران بازداشت شده‌اند، در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکرده‌اند اما به بهانه برخی ادعاها مبنی بر اعتراض به تخلّف و تقلب در انتخابات در تجمعات خیابانی حاضر شدند و به تخریب و آتش‌سوزی اموال عمومی پرداختند.»[2] همچنین سردار عراقی (فرمانده سپاه محمّد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در نشست خبری با حضور خبرنگاران ضمن تشریح وقایع و حوادث پس از انتخابات و زخمی شدن بیش از ۶۰۰ نفر و شهادت ۸ نفر از نیروهای بسیج بیان داشت: «تنها ۳۰ درصد از توان بسیج تهران در مهار اغتشاشات به کار گرفته شد.»[3]

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۲.
۲- همان، ۱۳۸۸/۴/۳.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۱۶.

بهره‌برداری رسانه‌های غربی بویژه انگلیس از حوادث پس از انتخابات موجب اعتراضهای فراوانی گردید. برخی فعالان دانشجویی مسؤولان انگلیسی را تهدید به تسخیر سفارت آن کشور در ایران، همچون لانه جاسوسی آمریکا کردند.

گرچه برخی گزارشات حاکی از آن بود که در بین دستگیرشدگان ناآرامیهای تهران چند تبعه بیگانه نیز حضور داشتند، منوچهر متکی (وزیر امور خارجه) در حاشیه جلسه هیأت دولت به دولت انگلیس نصیحت کرد به بازی باخته ادامه ندهد که این نه به نفع مردم انگلیس و نه به نفع روابط دو کشور است که به دلیل عملکرد دولت انگلیس به آن لطمات زیادی خورده است.[۱]

وی در سخنانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه روز ۹ مرداد با بیان دخالت بیگانگان در مسایل پس از انتخابات گفت: «کشورهای غربی در این انتخابات امتحان خود را پس دادند و یک بار دیگر در تعامل با مسایل منطقه مردود شدند و در انتخابات ایران دخالت کردند که اگر نیازمند آدرس هستند به ملاقاتهای وابستگانشان با سفیران خارجی یا اظهارات محرمانه سفیرانشان و مبادلات و گفتگوهای سرویسهای امنیتی با برخی مقامات کشورهای منطقه رجوع کنند». رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان در این‌باره در میان کشورهای اروپایی بدترین پرونده را مختص انگلیسیها توصیف کرد و گفت: «اگرچه انگلیسیها کارنامه بیشترین دخالت

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۹.

را در مناطق مختلف جهان دارند و شاید در رؤیای بریتانیای کبیر هستند، اما برخورد آنها در ۳۰ سال گذشته با ایران مداخله‌جویانه و خصمانه و نیز با مقاومت ملّت ایران شکست خورده است.»[۱]

منوچهر متکی (وزیر امورخارجه ایران) در جمع سفرای خارجی در تهران از نقش انگلیس در اغتشاشات اخیر پرده برداشت و گفت: «نخستین خطی که آنها درپیش گرفتند تحریم انتخابات و القای آن در داخل ایران بود. اقدام دوم انگلیسیها اعزام مسافرانی بود که با اهداف خاص اطلاعاتی و امنیتی به ایران می‌آمدند...» وی با اشاره به وقایع اخیر از سفرای خارجی خواست تحلیلهای دولتی از اوضاع ایران کشورهای خود مخابره کنند. متکی با اشاره نقش شبکه فاکس نیوز وابسته به پنتاگون درباره وقایع پس از انتخابات بیان داشت: «شبکه‌ای که همواره بر طبل جنگ می‌نوازد، نمی‌تواند مدعی دموکراسی باشد.»[۲]

کاظم جلالی (سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم) در گفتگو با فارس با اشاره به جلسه این کمیسیون پیرامون دخالت انگلیس در اغتشاشات اخیر گفت: «اعضای کمیسیون امنیت ملی نقدهای جدّی و تندی نسبت به موانع انگلیس داشتند و از وزارت امور خارجه خواستند در رابطه خود با این کشور تجدید نظر نماید».[۳]

در همین رابطه خبرها حاکی از آن بود که برخی از عوامل آشوبهای خیابانی خواستار پناه گرفتن در سفارتخانه‌های کشورهایی اروپایی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۱۰. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۴/۱.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲.

شده‌اند. دویچه وله آلمان به نقل از سفارتخانه‌های فرانسه، آلمان، دانمارک، سوئد و استرالیا فاش کرد برخی درخواستهای پناهندگی یا پناه گرفتن در این سفارتخانه‌ها واصل شده است. همچنین خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارش اعلام کرد که آشوب‌طلبان در تهران به سفارتخانه‌های خارجی پناه بردند.[۱] در جریان تشنجات خیابانی مازیار بهاری ایرانی‌تبار دولت کانادا و خبرنگار نیوزویک بازداشت شد. وی در اعترافات خود بیان روشهای جریان معتقد به انقلاب رنگی از تلاش جریان رسانه‌ای غرب برای القاء کودتای انتخاباتی خبر داد و گفت: «در انتخابات ریاست جمهوری دهم که ۲۲ خرداد برگزار شد، جریان رسانه‌ای غرب که کاندیدا و جریان مورد حمایت خود را بازنده انتخابات می‌دید، در خط مخدوش کردن مشروعیت انتخابات حرکت و حتی پیش از انتخابات شاید تقلب را مطرح کرد و بعد از انتخابات هم می‌خواست القاء کند کودتای انتخاباتی انجام شده و پوشش تجمعات غیرقانونی و تأکید بر موضوع ابطال انتخابات در این راستا صورت گرفت.

خبرنگار شبکه ۴ انگلیس ضمن بیان این‌که موسوی بعد از ۲۰ سال دوری از سیاست وارد موجی شد که او و دوستانش را می‌برد، در خصوص آموزش غربیها برای خبرنگاران ایرانی با محوریت فعالیت در زمان بحران و نافرمانی مدنی و براندازی نرم اظهار داشت: «تحولات اخیر در ایران بخوبی نشان داد آمریکاییها و اروپاییها دنبال انقلاب مخملین و

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۱.

تهدید نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و خواستار بر سرکار آمدن طرفداران خود هستند و فعالیتهای رسانه‌ای غربیها در حوزه کشورمان در این راستا است.[۱]

همچنین تری میسان (محقق و پژوهشگر فرانسوی و مدیر پایگاه خبری ولترنت) در مقاله‌ای تحلیلی بیان می‌دارد که آشوبگران در ایران توسط بنیاد آلبرت انیشتین آموزش دیده‌اند. مت سولیوان (نویسنده روزنامه مستقل مطبوعات آزاد راک کریک) طی مقاله‌ای در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۰۹ با اشاره به مونتاژ تصاویر توسط بی‌بی‌سی برای تحریک ناآرامیها در ایران نوشت: «آمریکا و انگلیس عوامل ناآرامی در ایران هستند.»[۲]

پل کریگ رابرتز (مقام سابق وزارت خزانه‌داری آمریکا) با انتشار گزارشی تحلیلی به افشای نقش دولت آمریکا در طراحی آشوبهای پس از انتخابات در ایران پرداخت. وی با بیان این مطلب که مسایل و انتخابات دیگر کشورها در آمریکا مورد توجه کسی قرار نمی‌گیرد، اظهار داشت: «هم‌اکنون بسیاری از آمریکاییها می‌دانند که رئیس‌جمهور کنونی ایران محمود احمدی‌نژاد است و این آگاهی به خاطر این است که رسانه‌های آمریکایی هر روز اقدام به ایجاد هجمه تبلیغاتی علیه احمدی‌نژاد می‌کنند و وی را خطرناک معرفی می‌کنند».

رابرتز رسانه‌های تحت کنترل دولت آمریکا را وزارت تبلیغات

۱- جوان، ۱۳۸۸/۴/۱۰. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲۲.

آمریکا خواند و گفت: «این رسانه‌ها با پوشش بدون وقفه گزارشها از اعتراضات داخلی ایران کوشیدند تا بروز تقلب در انتخابات ایران را به جهانیان القا کنند» وی سپس با اشاره به کمکهای آمریکا به اغتشاشگران در ایران می‌نویسد: «گزارشهایی وجود دارد که حاکی از کمک مالی دولت آمریکا به بمب‌گذاری و کشتار در داخل ایران است. این اسناد ثابت می‌کند که سازمان سیا ۴۰۰ میلیون دلار در داخل ایران به منظور بروز آشوبهای پس از برگزاری انتخابات هزینه کرده است».[۱]

مک کین (عضو ارشد کمیته‌های نیروهای مسلح سنای آمریکا) با اشاره به اقدامات تحریک‌آمیز شبکه‌های فارسی زبان صدای آمریکا و بی‌بی‌سی فارسی اعلام کرد: «علاوه بر بودجه سالانه این شبکه‌ها، ۳۰ میلیون دلار نیز برای افزایش ساعات پخش برنامه‌های فارسی این شبکه‌ها اختصاص داده شده است.»[۲]

روزنامه الخلیج چاپ امارات در مقاله‌ای با اشاره به حوادث پس از انتخابات ایران نوشت: «دولت آمریکا خواهان میرحسین موسوی نیست بلکه در چارچوب منافع خود به دنبال ایرانی است که دچار هرج و مرج شود». نویسنده مقاله در ادامه با اشاره به اهداف آمریکا و اسرائیل در ایران اضافه کرد: «آمریکا و اسرائیل می‌خواهند ایران کشوری باشد که در آن احزاب به صورت مسلحانه با یکدیگر بجنگند و درگیر جنگ داخلی شوند. واشنگتن و تل‌آویو می‌خواهند که ایران را به چندین منطقه تحت

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲.
۲- همان، ۱۳۸۸/۵/۵.

نفوذ تبدیل کنند و این کشور نیز همانند عراق صحنه انفجارها و قتل و جنایت باشد.»[۱]

در این رابطه حجةالاسلام حسین طائب (فرمانده نیروی مقاومت بسیج) در همایش پیامدها و آسیبهای حماسه ۲۲ خرداد از دستگیری عده‌ای که در آشوبهای پس از انتخابات برای انجام خرابکاری لباس پلیس یا بسیج پوشیده بودند خبرداد.[۲]

دروغهای رسانه‌ای

نقش ابرقدرت رسانه‌ای غرب در جریان دهمین دورهٔ انتخابات ریاست‌جمهوری و به وجود آمدن و مدیریت وقایع پس از انتخابات بر هیچ کس پوشیده نیست. این رسانه‌ها با تخریب دولت نهم و دروغگو و دیکتاتور خواندن دکتر احمدی‌نژاد زمنیه‌های وقایع پس از انتخابات را مهیا کردند.

رسانه‌های انقلاب مخملی برای ایجاد انگیزش و هیجان در هدف مورد نظر همواره تلاش می‌نمایند تا به اموری متوسل شوند که جامعه مخاطب آنها بدون هرگونه تفکر و تأملی نسبت به آن واکنش شدید آنی نشان دهد. از این رو در پی اعتراض به نتایج انتخابات دروغهای تحریک‌کننده‌ای از جانب آنان شکل گرفت. از بزرگ‌نمایی درگیریها گرفته تا القاء کشته شدن مردم توسط نیروهای انتظامی و نظامی. در این

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۱۶. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۴/۹.

میان درگیریهای کوی دانشگاه با آب و تاب فراوان گزارش و با اعلام تعدادی اسامی بیان شد که چند دانشجو در این درگیریها کشته شدند.

گرچه پخش مصاحبه حسینی بای (خبرنگار صدا و سیما) با تنها دانشجوی به اصطلاح کشته شده! (محسن ایمانی) نقشه آنان را برملا کرد، اما انتشار این خبرکذب در دامن زدن به آشوب و تخریب به گونه‌ای مؤثر واقع گردید که یکی از ضاربین نیروهای بسیج که تصویر آن نیز از تلویزیون پخش شد در اعتراف خود در پاسخ به این سؤال که چرا شما هم در مضروب کردن یک بسیجی نقش داشتید؟ پاسخ داد: «من از جلوی دانشگاه عبور می‌کردم و دیدم اسامی چند دانشجو را به عنوان کشته‌شدگان درگیریهای کوی به نرده‌ها نصب کرده بودند، من هم بسیار عصبانی شدم و ناخواسته در مضروب کردن فرد بسیجی مشارکت کردم».

رسانه‌های غربی بویژه شبکه‌های فارسی زبان صدای آمریکا و بی‌بی‌سی فارسی و برخی شبکه‌های عربی نظیر العربیه که با انتشار برخی اخبار دروغ سعی در دامن زدن به آشوبهای خیابانی می‌نمودند، با استفاده از عناصر نفوذی و خود فروخته در داخل ایران اقدام به پخش تصاویر درگیریها نموده و سعی در بحرانی جلوه دادن اغتشاشات پس از انتخابات کردند. رسانه‌های غربی در اقدامی دیگر ایجاد درگیریها نموده و سعی در بحرانی جلوه دادن اغتشاشات پس از انتخابات کردند. رسانه‌های غربی در اقدامی دیگر بیان داشتند که سردار علی فضلی (فرمانده سپاه سیدالشهداء استان تهران) از حضور برای مقابله با آشوبگران سر باز زده و مورد توبیخ قرار گرفته است.

به دنبال انتشار این خبر دروغ سردار فضلی در سیما حاضر شد و طی سخنانی از قاطعیت در این راه و مقابله با هر نوع اغتشاش و ناآرامی تا برقراری آرامش و امنیت خبر داد. همچنین خبر کشته شدن ندا آقاسلطان توسط نیروهای انتظامی و جنجال‌آفرینی پس از آن، در همین راستا کلید خورد.

رسانه ملی که در این رویارویی نقش بسیار کلیدی داشت توانست با بیان واقعیات مصاحبه‌ها و اطلاع‌رسانی به موقع توطئه سردمداران رسانه‌ای آشوبها را خنثی نماید.

دروغهایی مانند کشته شدن علیرضا توسلی پسر دوازده ساله توسط باتوم در بهشت‌زهرا(س) - دستگیری و هتک حرمت و کشته شدن و آتش زدن جنازه فردی به نام ترانه موسوی - عاطفه امام - سپیده آقایی و ... از این دست دروغ‌ها است که با پیگیری مسؤولان امنیتی و افشا گری سیمای جمهوری اسلامی ایران دروغ بودن آن خبرها آشکار شد.

رسانه‌های سخن‌پراکن که عادت کردند تا به هر مناسب و بهانه‌ای جمهوری اسلامی را مورد هجمه تبلیغاتی خود قرار دهند، حتی برگزاری مراسم اعتکاف را مورد بهره‌برداری قرار داده و در برخورد اوّل معتکفین که اکثریت آن را قشر جوان تشکیل می‌دهند، معترضین به انتخابات نامیدند و در ادعایی جالب بیان کردند که معترضین معتکف در مساجد به نشانه اعتراض فقط یک وعده غذا مصرف می‌کنند! برخورد دوم که به نوعی عجیب‌تر بود، معتکفین در مساجد را نیروهای بسیجی و لباس شخصیها معرفی کرد که از سوی حکومت به صورت آماده‌باش در

آمده‌اند تا در صورت بروز اعتراض و ناآرامی با آنها برخورد نماید.

این مقولات علاوه بر عدم آگاهی و توجه به آداب و رسوم و مناسک دینی و مذهبی توسط صحنه گردانان و متولیان جنگ روانی، این نکته را بیان می‌داشت که آنان از هر اتفاقی و هر رویداد و حادثه‌ای به عنوان موضوعی برای هجمه و تبلیغات روانی علیه نظام جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند.

«مرد بحرانها» یا «بحران مردها»!

بسیاری از کارشناسان مسایل سیاسی، هاشمی رفسنجانی را یکی از استوانه‌های انقلاب و نظام و مرد بحرانها می‌دانستند. وی که در زمانهای مختلف نقش خود را بخوبی ایفا کرده بود، اما پس از شکست در انتخابات نهم؛ خود دچار بحران شد.

در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری هاشمی از موسوی حمایت نمود و پس از مشخص شدن نتایج انتخابات و انتخاب مجدّد احمدی‌نژاد با رأی ۲۴/۵ میلیونی، بحران برای هاشمی شدّت بیشتری به خود گرفت. به طوری که فرزندان هاشمی در جریان حوادث پس از انتخابات حضور چشمگیری داشتند. آنان با حاضر شدن در میان معترضین سعی در تقویت و تشجیح اعتراضات نمودند که سرانجام منجر به دستگیری تعدادی از فرزندان و خاندان هاشمی شد. هاشمی در اوّلین موضع‌گیری پس از انتخابات دهم در جمع خانواده معظّم شهدای هفتم تیر با توجه به تحولات پس از انتخابات، آن را فتنه‌ای پیچیده از سوی

عوامل مرموزی دانست که ایجاد نفاق و جدایی میان مردم و نظام و سلب اعتماد و اطمینان آحاد مردم از نظام اسلامی را هدف گرفته است. وی افزود: «هرجا توده‌های مردم با هوشیاری وارد صحنه شدند این توطئه خنثی شده است.» هاشمی تدبیر مقام معظّم رهبری را در تمدید مهلت شورای نگهبان برای بررسی بیشتر مسائل و ابهام زدایی از انتخابات بسیار ارزشمند ذکر کرد و گفت: «این اقدام با ارزش مقام معظّم رهبری برای جلب اعتماد و اطمینان مردم به روند انتخابات بسیار مؤثر است و امیدوارم دست‌اندرکاران این امر بتوانند به طور دقیق و با رعایت انصاف و عدل و با همکاری کاندیداها به اعتراضات قانونی به طور کامل رسیدگی کنند.»[۱]

خطبه‌های نماز جمعهٔ هاشمی رفسنجانی

اعلام برگزاری نماز جمعه به امامت هاشمی رفسنجانی در ۲۶ تیر سناریوی جدیدی را در دستورکار جریان تفرقه‌افکن قرار داد تا با بزرگ‌نمایی این نماز جمعه، سخنان خطیب آن را به نوعی فصل‌الخطاب حوادث و اغتشاشات اخیر قرار دهند. اعلام حضور موسوی و کروبی و در کنار آنها برخی هواداران ایشان چون عبدالله نوری - هادی غفاری - مجید انصاری - حسن روحانی و محمد هاشمی در نماز جمعه همگی نشان از تلاش برای آوردن هواداران به نماز جمعه بود. این واکنش غیرعادی نسبت به نماز جمعه منحصر به سایتها و روزنامه‌های اصلاحات

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۸.

نبود. بلکه بسیاری از رسانه‌های بیگانه و خبرگزاریهای خارجی نیز بخش قابل توجهی از تفسیرهای خبری خود درباره ایران را به نماز جمعه ۲۶ تیر هاشمی رفسنجانی اختصاص دادند. آنان علاوه بر فراخوان مخالفان دولت و نظام بر حضور در نماز جمعه و توصیه شرکت‌کنندگان برای سر دادن شعارهایی علیه انتخابات و مسؤولین نظام، کوشیدند تا برخی از آداب نماز جمعه نظیر دو رکعت بودن آن، قنوت قبل از رکوع دو رکعت اوّل و قنوت بعد از رکوع در رکعت دوم و... را به هواداران آموزش بدهند. رسانه‌های یاد شده که می‌دانستند کسانی را به نماز جمعه فرا می‌خوانند که تاکنون هیچ‌گاه به نماز جمعه نرفته‌اند، با این آموزش کوشیدند تا آنان را اهل نماز جمعه نشان دهند تا مباداکسی از آنان به خاطر شرکت در نماز جمعه سوء استفاده کند! ولی حضور جمعی از هواداران کاندیدای سبزپوش با چهره‌های متفاوت که به سیمای نمازگزاران جمعه شباهتی نداشت و نماز خواندن مختلط دختر و پسر آن هم با کفش؛ نمونه‌هایی بود که حکایت از آن داشت که اینها اصلاً ضوابط نماز جمعه را نمی‌دانند و اغلب آنها برای اوّلین بار بود که به نماز آمده بودند و برخی از آنها با اهداف دیگری در این صحنه حاضر شده بودند. همچنین سر دادن شعارهای «هاشمی هاشمی سکوت کنی خائنی»، «مرگ بر روسیه»، «مرگ بر چین» توسط سبزپوشان دلیلی بر ایجاد تفرقه و انحراف و سوء استفاده از خطبه‌های نماز جمعه هاشمی رفسنجانی بود.

گرچه بسیاری از فعالان سیاسی هاشمی را به مراقبت سوءاستفاده دشمنان از موضع‌گیریهایش در نماز جمعه گوشزد کرده بودند و از وی

انتظار خطبه‌های ولایت‌مدارانه داشتند.[۱] اما هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه مطالبی را بیان کرد که موجب سوءاستفاده بسیاری شد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت در خطبه‌های نماز جمعه با اشاره به حضور بی‌سابقه و آزادی کامل مردم در انتخابات اعلام کرد: «همه باید به قانون قانع باشیم». وی همچنین از عدم استفاده از فرصت پنج روزه مقام معظّم رهبری و شورای نگهبان اظهار تأسف کرد و وحدت را نیاز بیش از پیش امروز دانست. هاشمی رفسنجانی در ابتدای سخنان خود در تذکری به نمازگزاران، گفت: «جایگاه نماز جمعه و قداست آن با اظهارات و شعارهایی که جنبه عمومی و اصولی ندارد، آلوده نشود». هاشمی رفسنجانی گفت: «امروز دشمن در صدد است تا حقانیت و صلاحیت اسلام را زیر سؤال ببرد اما موفق نخواهد شد». هاشمی رفسنجانی با بیان این‌که پیامبر اسلام بسیار مواظب حقوق مردم بود تا حقّ هیچ‌کس در قلمرو حکومتش ضایع نشود، به سال آخر عمر شریف پیامبر اسلام اشاره کرد و گفت: «ایشان در روزهای آخر با کمک دیگران و با زحمت به مسجد رفت و فرمود امروز برای خداحافظی آمده‌ام و اگر کسی حقّی به گردن من دارند، بگویند آن را ادا کنم چراکه قیامت بسیار سخت است». هاشمی رفسنجانی با اشاره به موضوع برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در کشورمان اظهار داشت: «به خواست خدا در انتخاباتی که انجام شد، رقابت خوبی شکل گرفت و ما خیلی خوب شروع

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۲۵.

کردیم و مقدمات خوبی انجام شد و یک رقابتی بود که ۴ نفری که از نظر شورای نگهبان صالح تشخیص داده بودند، آمدند و رقابت کردند و رقابت را هم خوب انجام می‌دادند.» وی ادامه داد: «مردم در این فضا امیدوار شدند و با آزادی کامل در انتخابات و حضور بی‌سابقه‌ای از خودشان نشان دادند». رئیس مجلس خبرگان بیان کرد: «شما می‌دانید همه چیزمان در قانون اساسی برخاسته از رأی مردم است، رهبری، رئیس جمهور، مجلس، شوراها و غیره را همه مردم با رأی خودشان مشخص می‌کنند و همیشه مردم بودند و این حکومت دینی است و این جمهوری اسلامی است و یک لفظ تشریفاتی نیست؛ هم جمهوری است و هم اسلامی». هاشمی رفسنجانی در ادامه خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران با بیان این‌که اگر مشکلاتی پیش نمی‌آمد به وسیله این انتخابات ما در ۳۰ سالگی انقلاب بهترین گام بزرگ را در جهت تحقق اسلامی برمی‌داشتیم، اظهار داشت: «من الان نمی‌خواهم بگویم که این گام را برنداشتیم، اما می‌خواهم بگویم چرا این‌طور شد؟» وی افزود: «آنچه من می‌فهمم و راه حل از آن بیرون می‌آورم این است که اواخر دوران تبلیغات دچار تردید شدیم، یعنی افرادی پیدا شدند که تردید کردند و به هر دلیلی، اعم از تبلیغات نادرست و یا عمل نادرست صدا و سیما و یا چیزهای دیگر باعث شد بذر تردید در ذهن مردم پیش بیاید و ما تردید را بدترین مصیبت می‌دانیم». وی با طرح این پرسش که چه‌کار باید بکنیم که این اتفاق بیفتد؟ افزود: «من چند پیشنهاد به ذهنم می‌رسد که البته این پیشنهاد را با جمعی از اعضای خبرگان و اعضای مجمع تشخیص مصلحت

نظام که به فکر آنها اعتماد دارم، مطرح کردم و به این جا رسیدیم که آنها را به عنوان راه حل مطرح می‌کنم که شاید دیگران بپذیرند و عمل کنند». رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: «مسأله مهم ما این است که آن اعتمادی که مردم را با آن وسعت وارد میدان کرد و امروز مقداری مخدوش شده است را برگردانیم». هاشمی رفسنجانی در ادامه در تبیین راه حلهای خود برای بازگرداندن اعتماد مردم اظهار داشت: «اوّل از همه، همه ما اعم از نظام، حکومت، دولت، مجلس، نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی و مردم یعنی باصطلاح معترضان باید در چارچوب قانون حرکت کنیم. چراکه اگر از قانون تجاوز کنیم دیگر هیچ مرزی ندارد». وی با بیان این‌که متأسفانه از این فرصت ۵ روزه‌ای که رهبری انقلاب به شورای نگهبان دادند و گفتند که عقلا و موجهین را بیاورید تا بررسی کنند و اعتماد مردم را جلب کنیم استفاده خوبی نشد، ادامه داد: «من الان نمی‌خواهم بگویم که تقصیر چه کسی بود، ولی به هر حال نشد؛ آن گذشت و از آن مرحله گذشتیم و الان مرحله دیگری است و فکر می‌کنم برای آینده و برای اتحاد و برای جلوگیری از خطر نظام و حفظ این ارزشهایی که انقلاب خلق کرد و برای این بنای باشکوهی که امام راحل و خون شهدا و مجاهدتهای مردم بنا نهاد در این مقطع می‌توانیم کارهایی انجام دهیم و اگر این دو کار را بپذیریم که اقدامات قانونی باشد و راه برای مناظره و مذاکره و استدلال و مباحثه باز باشد، شاید در مدت کوتاهی بتوانیم به قناعت برسیم». رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه سخنان خود گفت: «لازم نیست در این شرایط افرادی را به این نامی که

الان هست در زندان داشته باشیم، بلکه باید اجازه دهیم اینها بیایند و به خانواده‌هایشان برسند و نگذاریم به خاطر زندانی بودن یک عده دشمنان ما را سرزنش و شماتت کنند و به ما بخندند و برای ما نقشه بکشند». هاشمی رفسنجانی افزود: «بعد از آن مسأله بعدی ما این است که از آسیب‌دیدگان حوادثی که اتفاق افتاد، باید همدردی و دلجویی شود و آنهایی که عزادار هستند باید به آنها تسلیت بدهیم و دل آنها را دوباره به نظام نزدیک کنیم و این کار شدنی است. کسانی که وفادار به انقلاب باشند و ببینند نظام به سراغ آنها می‌روند، زود می‌توانند با دل و جانشان با ما همراهی کنند، لذا باید از آنها دلجویی کنیم و با سعه صدر برخورد کنیم و لازم نیست عجله داشته باشیم و خودمان را گرفتار کنیم». هاشمی رفسنجانی در ادامه سخنان خود ضمن تأکید بر لزوم حفظ حرمت مراجع گفت: «مراجع همیشه پشتیبان نظام و حقیقتاً بدون توقع بوده‌اند، بنابراین چرا باید بعضی از آنها برنجند، در حالی که باید آنها را حفظ کنیم و پشتیبان آنها و متکی به آنها باشیم». وی ادامه داد: «اگر این یکپارچگی را فراهم کنیم امیدوارم این خطبه نمازجمعه شروع یک تحولی در آینده باشد و بتوانیم از این مشکل که می‌توان متأسفانه اسم «بحران» برای آن گذاشت بخوبی عبور کنیم و دوباره شاهد همدلی و همرزمی و همراهی و رقابت سالم باشیم و هرچی که مردم خواستند همان‌گونه باشد».

پس از پایان نمازجمعه هواداران موسوی که در اثر سخنان هاشمی تحریک شده بودند در برخی خیابانهای اطراف دانشگاه اقدام به روشن کردن آتش و سر دادن شعارهای علیه نظام و دولت پرداختند که بنا به

اطلاعیه ناجا منجر به دستگیری تعداد ۴۰ نفر از آنان شد.[۱]

سخنان هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تبدیل به وضعیتی شد که وی از این تریبون حرفهایی را تکرار نمود که طی هفته‌های قبل در سخنان و بیانیه‌های موسوی منعکس شده بود. این سخنان با واکنشهای متفاوتی روبه‌رو شد. اعظم طالقانی (دبیرکلّ جامعه زنان انقلاب اسلامی) با استقبال از سخنان هاشمی از علما و مراجع تقلید خواست از این سخنان حمایت کرده و برای راهکارهای ارائه شده از طرف وی برای برون رفت از وضعیت فعلی چاره‌اندیشی کنند.[۲] رسول منتجب‌نیا (قائم‌مقام حزب اعتماد ملی) گفت: «آقای هاشمی طبیعتاً از موضع خودشان صحبت می‌کنند و انتظاری نیست که دقیقاً حرفهای موسوی - کروبی و یا صرفاً حرف گروههای اصلاح‌طلب را بزنند.»[۳]

عبدالله نوری (وزیر سابق کشور) با حمایت از خطبه‌های هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که هاشمی تحت فشار است. نوری همچنین روحیه بالای همسر و اعضای خانواده هاشمی را مورد ستایش قرار داد.[۴]

گروهک نهضت آزادی نیز با انتشار نامه‌ای خطاب به هاشمی اظهار همدلی و همدردی کرد. این گروه در نامه خود نوشت: «همان‌گونه که اطلاع دارید کشور وضعیت بحرانی را تجربه می‌کند. ریشه بحران موجود در زیاده‌خواهی اقلیتی است که برخلاف خواست جمعی مردم، اما به نام آنان قصد دارد همچنان بر مصدر حکومت بماند و رأی و نظر خود را به

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۳۰. ۲- همان.
۳- ایران، ۱۳۸۸/۴/۲۸. ۴- همان.

مردم تحمیل کند.»[۱]

رادیوفردا از قول محسن مخملباف (سخنگوی ستاد انتخاباتی موسوی در خارج از کشور) گفت: «صحبتهای آقای هاشمی خلاف انتظار من بود، هرچند که برای جنبش سبز حضور مردم مهمتر از صحبتهای آقای هاشمی قلمداد می‌شد» مخملباف با بیان این‌که از دید کسانی که آقای هاشمی را جزو سیستم می‌دانند، مواضع او با این سخنان شفاف شد و این ریزش در سیستم است، به نقش خانواده هاشمی در این ریزش اشاره کرد و گفت: «بخصوص نباید نقش خانواده هاشمی را در این میان نادیده گرفت. فائزه هاشمی طی دو دهه گذشته همیشه مواضع روشنی به نفع دموکراسی خواهی داشته است. من اطلاع دقیق دارم که خانواده آقای هاشمی در یک ماه اخیر بسیار مؤثر بوده و هر وقت آقای هاشمی خواسته کمی متمایل به راست شود با خشم فرزندان خود روبه‌رو شده است و آنها توانسته‌اند مواضع متعادل‌تری را به او تحمیل کنند.»[۲]

رادیو فردا همچنین از قول مرتضی الویری (عضو ستاد کروبی) گفت: «نماز جمعه آقای هاشمی منحصر به فرد بود و مسائلی که ایشان مطرح کرد، فراتر از انتظار اصلاح‌طلبان از وی بود. خیلی از دوستان را دیدم که گفتند مطالب آقای هاشمی بیش از انتظارات ما بود»[۳] مسعود سفیری (روزنامه‌نگار مقیم آمریکا) در گفتگو با رادیو زمانه بیان داشت: «اصلاح‌طلبان و امثال خاتمی و موسوی امیدوارند آقای هاشمی تبدیل به

۱- ایران، ۱۳۸۸/۵/۱.   ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۷.

۳- همان.

سنگری که نیاز دارند و در اختیار ندارند، بشود».[1]

شیرین عبادی در گفتگو با دویچه وله آلمان و در پاسخ به این سؤال که آیا انتقادهای مستقیم و غیرمستقیم آقای هاشمی به حکومت را می‌توان به معنای تفاهم با اپوزیسیون تعبیر کرد گفت: «هم بله و هم خیر آنچه آقای رفسنجانی گفتند عین همان است که اپوزیسیون می‌گوید ولی این تمام حرف اپوزیسیون نیست».[2]

حشمت طبرزدی که روزگاری با انتشار نشریه پیام دانشجو به نقد عملکرد مالی و سیاسی خاندان هاشمی می‌پرداخت، در مصاحبه با رادیو فردا گفت: «من جزء منتقدان سرسخت آقای رفسنجانی بودم و درنهایت به عنوان مخالف کلیت جمهوری اسلامی درآمدم. ولی اکنون شرایط خیلی تغییر کرده است. در شرایط فعلی آقای رفسنجانی به یک اپوزیسیون درونی نظام تبدیل شده وکسی که اکنون صحبت می‌کند دیگر همان رفسنجانی سابق نیست. آقای رفسنجانی یکی از سخنان تاریخی خود را مطرح کرد. او با صراحت اعلام کرد که رژیم با بحران روبه‌رو است و اعتماد مردم از حکومت سلب شده است».[3]

روزنامه انگلیسی ایندپندنت در گزارشی پیرامون خطبه‌های نماز جمعه نوشت: «هاشمی رفسنجانی در سخنانی که تقویت‌کننده مخالفان بود به صراحت از برخی نهادهای حکومتی در ایران انتقاد کرد» این روزنامه در ادامه گزارش خود افزود: «رفسنجانی اکنون اصلی‌ترین حامی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲۷. ۲- همان، ۱۳۸۸/۴/۳۰.
۳- همان.

جریان مخالف در درون حاکمیت دینی ایران است». شبکه تلویزیونی یورونیوز که استقبال گسترده‌ای از اظهارات هاشمی کرده بود، در گزارش خود بیان کرد: «هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران این ادعا که اعتماد مردم در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مورد لطمه قرار گرفته را متوجه شورای نگهبان کرد . . .» خبرگزاری رویترز با گزارش خطبه‌های نماز جمعه این سخنان هاشمی مبنی بر ایران اکنون با یک بحران مواجه شده است را تیتر اوّل خود کرد. روزنامه آمریکایی کریستین ساینس مانیتور با اشاره به شعارهای معترضان سبزپوش (مرگ بر روسیه و مرگ بر چین) گفت: «چنین خصومتی به این علت است که دو کشور روسیه و چین خیلی زودهنگام پیروزی احمدی‌نژاد را در انتخابات ریاست جمهوری ایران تبریک گفتند.» شبکه تلویزیونی العربیه هم در تحلیل اظهارات هاشمی اعلام کرد: «خطیب نماز جمعه تهران با پرهیز از سخن گفتن پیرامون توطئه‌های خارجی، نفی اقدامات آشوب‌طلبان و منافقین بار دیگر به طور غیرمستقیم بحث تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ایران را مطرح کرد. شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان نیز از هاشمی رفسنجانی به عنوان یک تغییردهنده بازی یاد کرد.

روزنامه نیویورک تایمز هم در گزارش خود اظهارات هاشمی را باعث قوّت گرفتن مخالفان در ایران دانست.[1]

روزنامه عربستانی الوطن در خبر خود با اشاره به این‌که حضور هاشمی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲۸.

رفسنجانی در نماز جمعه، محرکی اساسی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های وی علیه رئیس جمهوری ایران بود، نوشت: «هاشمی رفسنجانی در پی آن است احمدی‌نژاد را که با رأی ۶۳ درصدی ملّت ایران انتخاب شده از صحنه سیاسی ایران حذف کند» به نوشته این روزنامه هاشمی رفسنجانی علاوه بر رایزنی با مراجع و علمای دینی ایران، راهبرد مشورت با نمایندگان مجلس شورای اسلامی علیه دولت احمدی‌نژاد را نیز در دستورکار خود قرار داده است.[۱]

در حالی که اظهارات بیگانه پسند هاشمی رفسنجانی مورد توجه بسیاری از آنان و مورد حمایت بسیاری از اصلاح‌طلبان قرار گرفته بود، بسیاری از اصولگریان که قبل از برگزاری نماز جمعه از هاشمی خواسته بودند تا سخنانی را مطرح نکند که آب در آسیاب دشمن باشد؛ با انتقاد از سخنان هاشمی، اظهارات وی را تناقض آشکار دانستند.

آیت‌الله محمد یزدی یک روز پس از ایراد این خطبه با انتقاد شدید از مطالب مطرح شده به هاشمی یادآور شد که در بسیاری موارد اشتباه کرده و می‌کند و بذر تردید درباره انتخابات دهم ریاست جمهوری را خود کاشته است. این عضو فقهای شورای نگهبان در جمع خبرنگاران با اشاره به بخشی از سخنان هاشمی رفسنجانی مبنی بر این که بذر تردید در این انتخابات افشانده شد این سؤال را مطرح کرد که: «چه کسی بود که اوّلین بذر تردید را افشاند. قبل از انتخابات چه کسی به مقام معظّم رهبری نامه

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۳۱.

نوشت و گفت که در خیابانها آتش فتنه ایجاد شده و دود آن به چشم این و آن می‌رود. چه کسی جز خود ایشان (رفسنجانی) بذر تردید را افشـاند». وی در ادامـه گـفت: «ایشـان در نـماز جـمعه رسـماً پیشنهاد آزادی بازداشت‌شدگان را می‌کنند. مگر ایشان رئیس مجمع تشخیص مـصلحت نیستند. ایشان بخوبی می‌دانند که این کار مربوط به دستگاه قضایی کشور است. ایشان مسأله پایبندی به قانون را مطرح می‌کنند در حالی که این گفته ایشان با دیگر سخنان و رفتارهای او تناقض دارد».

یزدی ادامه داد: «بعد از انتخابات و فتنه‌ها و سخنرانی رهبری سکوت معنادار آقای هاشمی یعنی چه؟ آیا این تنها فقط یک سکوت است؟ این سکوت نوعی حمایت و طرفداری از جبهه مخالف و تأیـید صـحنه‌های خیابانی است». وی به جلسه روز پنجشنبه ۲۵ تیر با هاشمی رفسـنجانی و توصیه‌های حوزه خبرگان و شورا به ایشان اشاره کرد و گفت: «همه توصیه کردند این نماز باید ایجاد وحدت کند. اما شما آمـدید ایـجاد اخـتلاف کردید و آن حرفها و حدیثها را برگرداندید» وی تصریح کرد: «ما با ایشان صحبت کردیم و گفتیم که در نماز دنبال چیزهایی که برخی مسایل را زنده می‌کند نباشید. رهبری خطر را رفع کردند. شما مجدّداً در صدد بودید که خطر را برگردانید اما این خطر دامن شما را می‌گیرد». نایب رئیس مجلس خبرگان از عدم تشکـر هـاشمی از رهـبری بشـدّت انـتقاد کـرد و گـفت: «حداقل به اندازه حمایت رهبری از شما، شما از رهبر حمایت می‌کردید متأسفانه این روشها و برخوردها از شما خلاف انتظار بود».

همچنین آیت‌الله سیداحمد خاتمی (عضو مـجلس خـبرگان) در ایـن

باره اظهار داشت: «ایشان قرار داشتند خطبه‌ای بدون التهاب بخوانند و خطبه اوّل نیز در حقیقت در این راستا بود. اما انتقاد به شورای نگهبان در این شرایط، زیر سؤال بردن عملکرد منصفانه صدا و سیما در عرصه انتخابات نه در عرصه‌های دیگر، درخواست آزادی مطلق عوامل آشوب و التهاب، اینها موارد التهاب‌آفرینی بود که در نماز جمعه مطرح کردند و خود ایشان نیز در خطبه‌ها احساس کردند بعد از این مطلب برخورد برخی افراد که چه بسا برای اوّلین‌بار به نماز جمعه آمده بودند چگونه بود».[1]

آیت‌الله ممدوحی (عضو دیگر مجلس خبرگان) نیز در گفتگو با رجانیوز به تناقض‌گوییهای هاشمی اشاره کرد و با بیان این‌که وقتی آقای هاشمی تأیید می‌کند ۴۰ میلیون رأی داده‌اند، دیگر ذکر تردید معنایی ندارد، خاطرنشان کرد: «آقای هاشمی چگونه می‌گوید که در مردم بی‌اعتمادی به وجود آمده، اگر بی‌اعتمادی داشتند که ۴۰ میلیون پای صندوقهای رأی حاضر نمی‌شدند».[2]

آیت‌الله سیدعلی‌اکبر قریشی (نماینده مردم آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان) در نامه‌ای سرگشاده خطاب به هاشمی رفسنجانی تصریح کرد که سوابق درخشان خود را به ثمن بخس نفروشید. وی با اشاره به سوابق انقلابی هاشمی نوشت: «اگر فضایل و گذشته درخشان شما را بگویم مثنوی هفتاد من کاغذ است. ولی متأسفانه در انتخابات اخیر ریاست جمهوری که موج مخالفت با انتخابات صحیح در گرفت و

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۲۸. ۲- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۳۱.

اغتشاشات خیابانی شروع گردید این موج دامن شما را نیز گرفت و مرتب بر وسعت آن افزوده گردید، می‌توانستید خود راکنار بکشید اما نکشیدید و این مایه اندوه و غم ماها شد».[۱]

حسن سبحانی‌نیا (نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی) در گفتگو با شبکه خبر دانشجو گفت: «مشارکت ۸۵ درصدی مردم در انتخابات نشان داد که مردم به حاکمیت نظام قویاً معتقد هستند و مردم کشورمان علی‌رغم فضاسازیها، به اصل انقلاب، حفظ انقلاب، حاکمیت نظام و حفظ دستاوردهای انقلاب معتقدند.»[۲] مهدی کوچک‌زاده (نماینده مجلس هشتم) با اشاره به سخنان هاشمی بیان داشت: «آقایانی که در نماز جمعه القای شبهه‌ناک بودن انتخابات را می‌کنند، به دنبال حاکم کردن دیکتاتوری احزاب در کشور هستند و هرگز جمهوریت را بر نمی‌تابند و از طرفی هم به دنبال صدمه زدن به اسلامیت نظام هستند.» حمید رسایی (نماینده مجلس هشتم) با تأکید بر این‌که هاشمی رفسجانی در بخشهایی از خطبه‌های خود همان حرفهای گذشته‌اش را تکرار کرد گفت: «هاشمی رفسنجانی شدیداً مشروعیت مردمی رئیس‌جمهور را زیر سؤال برد و به آن تشکیک وارد کرد. در حالی که باید بداند عمده مردم نسبت به انتخابات هیچ تشکیکی ندارند، رئیس‌جمهور خود را با رأی بالایی انتخاب کردند».

مجتبی شاکری (عضو شورای مرکزی جمعیت ایثارگران) ضمن بیان

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۱. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۴/۲۸.

نقش هاشمی در جریان انتخابات بخصوص در جمع معترضین گفت: «هاشمی رفسنجانی باید همان رفتاری که مرحوم آیت‌الله طالقانی در رابطه با اشخاصی که می‌خواستند او را در مقابل امام قرار دهند انجام داد، انجام دهد ولی وی از آیت‌الله طالقانی اسم برد اما مثل ایشان حرکت نکرد».[۱]

محسن کوهکن (نماینده مجلس هشتم) با اشاره به این‌که هاشمی اساساً در روز جمعه بر اعصاب و گفتارهایش مسلط نبود گفت: «سخنان وی باعث نگرانی و دلخوری فرزندان انقلاب شد... واقعاً متأسفم که هاشمی برای جلب نظر عده‌ای قلیل این سخنان را به زبان آورد». غلامرضا کرمی (نماینده مجلس هشتم) نیز تأکید کرد: «آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران در مقام پدر معنوی اصلاح‌طلبان خطبه خواند» علی‌اصغر شریفی‌راد (مدیر کل انتخابات وزارت کشور) سخنان هاشمی را نشانه ادامه اغتشاشات دانست و گفت: «سر نخ اکثر مسایل و مشکلات از بیت هاشمی پیدا شده و دعوت همسر وی نسبت به ادامه تجمعات در خیابانها از نمونه سرنخ‌های به دست آمده است».[۲]

در پی اظهارات هاشمی رفسنجانی مبنی بر عدم استفاده مناسب شورای نگهبان از مهلت ۵ روزه رهبری، عباسعلی کدخدایی (سخنگوی شورای نگهبان) با بیان این‌که فرصت درخواست شده از مقام معظّم

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۲۷. ۲- همان، ۱۳۸۸/۴/۳۰.

رهبری برای اطمینان و اعتماد بیشتر درباره انتخابات بود نه برای کار دیگر، گفت: «در مهلت ۵ روزه رایزنیهای مختلفی را با سران نظام، مراجع نظام، شخصیتهای سیاسی اجتماعی از جمله آقایان ناطق نوری و هاشمی شاهرودی انجام دادیم و در این مهلت زمانی شخص بنده، علی‌رغم پیگیریهای مکرر، با مجمع تشخیص مصحلت نظام نیز تماس گرفتم و برای انجام دیداری با آقای هاشمی رفسنجانی درخواست وقت کردم که اعضاء خدمت ایشان نیز برسند... اما متأسفانه به رغم پیگیری چندین بار هیچ پاسخی از مجمع تشخیص مصلحت دریافت نشد و آقای هاشمی از فرصت قانونی برای ارائه نظرات خود استفاده نکردند».[۱]

کدخدایی همچنین در هشتمین دورهٔ آموزش سیاسی دانشجویان سراسر کشور در دانشگاه شهید عباسپور تهران نیز ادعای هاشمی رفسنجانی درباره کم‌کاری شورای نگهبان را رد کرد و گفت: «هاشمی رفسنجانی در آن زمان هیچ وقتی برای درخواست دیدار با اعضای شورای نگهبان در نظر نگرفت و درخواست ما را رد کرد».[۲]

شورای هماهنگی انقلاب اسلامی نیز در نامه‌ای سرگشاده به هاشمی اظهارات وی را مصداق حمایت از جناح قانون‌شکن دانست. اعضای این شورا در این نامه با طرح سؤالاتی از سخنان هاشمی در نماز جمعه انتقاد کردند.[۳]

در پی اظهارات هاشمی، برخی اعضاء مجلس خبرگان رهبری با

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۳۰. ۲- همان، ۱۳۸۸/۵/۶.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۵/۳.

انتشار بیانیه ضمن حمایت از مقام معظّم رهبری به هاشمی رفسنجانی برای در خط ولایت بودن هشدار دادند. سید احمد خاتمی (عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان) با اشاره به انتشار این بیانیه، آن را در راستای وظیفه ذاتی و فلسفه وجودی مجلس خبرگان دانست و با تأکید به مادّه ۵ بیانیه یادآور شد: «در این مادّه از رئیس مجلس خبرگان رهبری و رئیس تشخیص مصلحت نظام خواسته شد که همان‌گونه که پیشینه ایشان نشان می‌دهد در صراط ولایت حرکت می‌کردند و پیوسته حامی عملی ولایت بود در جریانها و حوادث اخیر هم انتظار می‌رود که آقای هاشمی رفسنجانی با صلابت و نشاط بیشتر همانند گذشته پاسدار حریم ولایت باشد.»[۱]

آیت‌الله جنتی در خطبه‌های نمازجمعه تهران در نهم مرداد با اشاره به اختلاف هاشمی و احمدی‌نژاد از انتخابات نهم گفت: «هنگامی شکستی نصیب برخیها شد نتوانستند ببینند و تحمل کنند که جوانی با این خصوصیات همچون آقای احمدی‌نژاد سر کار آمده است. البته این شکست‌خوردگان در انتخابات ۴ سال پیش به خود اجازه ندادند بگویند ۷ میلیون رأی اضافه تقلبی است و در آن زمان مطلبی نگفتند اما از همان زمان برای آینده در فکر بودند که این قضیه برای آنها تکرار شود و انتقام بگیرند.»[۲]

همچنین پس از آن که آیت‌الله خزعلی (عضو شورای نگهبان) از فرزندش که مورد سوءاستفاده رسانه‌های بیگانه واقع شده بود تبرّی

۱- همان، ۱۳۸۸/۵/۵.

۲- ایران، ۱۳۸۸/۵/۱۰.

جست، بسیاری از فعالان سیاسی با اعلام موضع از هاشمی رفسنجانی خواستند تا وی نیز از فرزندانش که در جریان حوادث پس از انتخابات نقش داشتند، اعلام تبرّی کند. بویژه آن‌که فرزندان هاشمی موضوعی بود که در ایام دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری افکار عمومی را به خود معطوف کرد. اظهارات دکتر احمدی‌نژاد در مناظره با موسوی، انتشار اخباری مبنی بر دستگیری و آزادی سریع فائزه هاشمی به همراه تعدادی دیگر از نزدیکان و بستگان هاشمی، سؤالات جدّی را در جامعه به وجود آورده بود. اما این سؤالات با برگزاری چهارمین جلسه دادگاه متهمان اغتشاشات پس از انتخابات و اعتراف برخی از آنان به نقش‌آفرینی مهدی هاشمی و عبدالله جاسبی بیشتر و بیشتر شد. به طوری که این اعترافات مبنی بر نقش داشتن برخی فرزندان مقامهای ارشد کشور در ناآرامیهای اخیر را آزمونی جدّی برای آیت‌الله آملی لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) تلقی شد و وی را در روز معارفه خود به ریاست این قوّه مجبور به واکنش و موضع‌گیری کرد. آیت‌الله آملی لاریجانی در این مراسم ابراز داشت: «در راستای اجرای عدالت نسبت به احدی گذشت نخواهیم کرد و به کمک خداوند خاطیان را به دستگاه عدالت خواهم سپرد.» این سخنان که با شور و شعف و استقبال بسیاری از سیاسیون و همچنین رئیس جمهور نیز واقع شد، مژده روشن شدن بسیاری از مسائل پشت پرده را داده و بازتاب فراوانی در محافل گوناگون داشت.

هاشمی رفسنجانی پس از مدتی در حمایت از مقام معظّم رهبری سخنانی بیان داشت. این سخنان موجب شد رسانه‌های بیگانه که امید

زیادی به او بسته بودند، مجدّداً بر علیه وی سخن‌پراکنی نمایند. هاشمی در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سخنانی اتحاد و همدلی بیشتر مسؤولان و مردم را لازمه عبور کشور از مسایل داخلی و مقابله با مشکلات و اوضاع خارجی دانست و افزود: «اقدام با تدبیر، اصولی و به شکل صحیح، تحقق این مهم را دست یافتنی و عملی خواهد کرد.» وی رعایت دستورات و رهنمودهای مقام معظّم رهبری، ایجاد شرایط مناسب برای عمل و پایبندی فراجناحی به قانون اساسی و قوانین موضوعه توسط همه و ضد ارزش تلقی شدن تخلّف از قانون و برخورد با قانون‌شکنان از هر طرف، جایگزین کردن فضای عقلایی به جای فضای هیجانی و احساسی و ایجاد نقادی آزاد و استدلال و پاسخگویی مناسب و قانونی به نقدهای منصفانه را از ضرورتهای شرایط کنونی دانست و گفت: «در صورت تحقق این موارد توجه به اطلاع‌رسانیهای رسانه‌های خارجی که عمدتاً با اغراض و اهداف استعماری آلوده است کم و توجه به منابع خبری داخلی افزایش خواهد یافت.»[1]

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۶/۱.

مصباح‌الهدای انقلاب

در طول تاریخ انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و رهبری انقلاب همواره نقش بسیار بی‌بدیل و ممتازی داشته که در گذرگاههای بسیار سخت مسیر انقلاب، همیشه راهگشا بوده است.

اتفاقات قبل و پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری موجب شد تا فضای سیاسی کشور دچار التهاب شود و بخشی از نیروهای وفادار انقلاب اسلامی دچار نوعی سرخوردگی شوند. اما سخنان مقام معظّم رهبری دربارهٔ وقایع بعد از انتخابات، تحلیل جامعی از شرایط سیاسی جمهوری اسلامی را به مردم و نخبگان سیاسی ارائه داد و بسیاری از سؤالات ایجاد شده در اذهان عمومی جامعه را روشن کرد و همگان را به تحسین مدیریت و رهبری ایشان واداشت. البته از مقام معظّم رهبری خطابه‌های روشن‌گرانه بسیاری در تاریخ انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد که از جمله مهمترین آنها می‌توان به خطبه نماز جمعه ۲۹ خرداد ۶۰ در خصوص پرده برداشتن از چهره منافق و متوهم بنی‌صدر، سخنرانی عوام و خواص در سال ۷۵، سخنرانی خودی و غیرخودی در سال ۷۷، سخنرانی ریزشها و رویشها در سال ۷۸، سخنرانی ۲۳ تیر ۷۸ در مورد حوادث کوی دانشگاه و سخنرانی بهار ۸۰ با موضوع هشدار در مورد تلاش برای مشابه‌سازی خاتمی و یلتسین اشاره کرد که ماهیتی سیاسی تحلیلی داشته و به موضوعات سیاسی روز کشور پرداخته بودند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از اعتراض یک هفته‌ای برخی

نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و ایجاد آشوبهای خیابانی و ایجاد تجمعهای غیر قانونی، در نماز جمعه ۲۹ خرداد ـ که با حضور گسترده مردم برگزار شد ـ حاضر شدند و خطبه‌های تاریخی و مهمی را ایراد فرمودند. ایشان خطبه دوم خود را به موضوع انتخابات دهم اختصاص دادند و بیانات بسیار مهمی را ایراد نمودند.

تجلیل از احساس مسؤولیت ملّت

«حرف من عبارت است از یک دنیا تجلیل و تعظیم و تشکر. بنده دوست ندارم در سخنرانیها و خطابه‌ها نسبت به مخاطبان خودم با مبالغه حرف بزنم یا تملق آنها را بگویم؛ اما در این قضیهٔ انتخابات، خطاب به شما مردم عزیز عرض می‌کنم که هرچه با مبالغه صحبت بکنم، زیاد نیست؛ حتّی اگر بوی تملق هم بدهد، ایرادی ندارد. کار بزرگی کردید. انتخابات ۲۲ خرداد یک نمایش عظیمی بود از احساس مسؤولیت ملّت ما برای سرنوشت کشور؛ نمایش عظیمی بود از روح مشارکت‌جوی مردم در ادارهٔ کشورشان؛ نمایش عظیمی بود از دلبستگی مردم به نظامشان. حقیقتاً مشابه این حرکتی که در کشور انجام گرفت، من امروز در دنیا و در این دموکراسیهای گوناگون - چه دموکراسیهای ظاهری و دروغین و چه دموکراسیهایی که واقعاً به آراء مردم مراجعه می‌کنند ـ نظیرش را سراغ ندارم. در جمهوری اسلامی هم جز در همه‌پرسی سال ـ ۵۸ فروردین ۵۸ ـ هیچ نظیری دیگر برای این انتخاباتی که در جمعهٔ گذشته شما انجام دادید، وجود ندارد؛ مشارکت حدود ۸۵ درصد؛ چهل میلیون تقریباً جمعیت. انسان دست مبارک ولی‌عصر را پشت

سر حوادثی با این عظمت می‌بیند. این نشانهٔ توجه خداست. لازم می‌دانم از اعماق دل نسبت به شما مردم عزیز در سراسر کشور ابراز ادب و ابراز تواضع کنم که واقعاً جا دارد. نسل جوان ما بخصوص نشان داد که همان شور سیاسی، همان شعور سیاسی، همان تعهد سیاسی را که ما در نسل اوّل انقلاب سراغ داشتیم، دارد؛ با این تفاوت که در دوران انقلاب، کورهٔ داغ انقلاب دلها را به هیجان می‌آورد، بعد هم در دورهٔ جنگ به نحو دیگری؛ اما امروز اینها هم نیست، در عین حال این تعهد، این احساس مسؤولیت، این شور و شعور در نسل کنونی ما وجود دارد؛ اینها چیز کمی نیست. البته بین مردم اختلاف سلیقه هست، اختلاف رأی هست؛ عده‌ای کسی را قبول دارند، حرفی را قبول دارند؛ عدهٔ دیگری کس دیگری را قبول دارند، حرف دیگری را قبول دارند؛ اینها هست، طبیعی هم هست، لیکن یک تعهد جمعی را انسان در بین همهٔ این آحاد، با اختلاف آراءشان، احساس می‌کند؛ یک تعهد جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان. همه وارد شدند؛ در شهرها، در روستاها، در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، اقوام گوناگون، مذاهب مختلف، مردها، زنها، پیر، جوان، همه وارد این میدان شدند؛ همه در این حرکت عظیم شرکت کردند. این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزلهٔ سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب این جور مردم بیایند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار اظهار وفاداری کنند! این یک جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی یک نَفَس تازه کردن، یک

حرکت از نو، یک فرصت بزرگ. این انتخابات، مردمسالاری دینی را به رخ همهٔ مردم عالم کشید. همهٔ کسانی که بدخواه نظام جمهوری اسلامی هستند، دیدند مردمسالاری دینی یعنی چه. ایـن یک راه سـوم است. در مـقابل دیکتاتوریها و نظامهای مستبد از یک طرف، و دموکراسیهای دور از معنویت و دین از یک طرف دیگر، این مردمسالاری دینی است؛ این است که دلهای مردم را مجذوب می‌کند و آنها را به وسط صحنه می‌کشاند. ایـن، امـتحان خودش را داد. این یک نکته دربارهٔ این انتخابات.

اعتماد و امید مردم به نظام

نکتهٔ دوم در باب این انتخابات این است که انتخابات ۲۲ خرداد نشان داد که مردم، با اعتماد و با امید و با شادابی مـلی در ایـن کشـور زنـدگی می‌کنند. این جواب خیلی از حرفهایی است که دشمنان شما در تـبلیغات مغرضانهٔ خودشان بر زبان می‌آورند. اگر مردم در کشور به آینده امـیدوار نباشند، در انتخابات شرکت نمی‌کنند؛ اگر به نظام خودشان اعتماد نداشته باشند، در انتخابات شرکت نمی‌کنند؛ اگر احساس آزادی نکنند، به انتخابات روی خوش نشان نمی‌دهند. اعتماد به نظام جـمهوری اسـلامی در ایـن انتخابات آشکار شد. و من بعد عرض خواهم کرد که دشمنان همین اعتماد مردم را هدف گرفته‌اند؛ دشمنان ملّت ایران می‌خواهند همین اعـتماد را درهم بشکنند. این اعتماد بـزرگترین سـرمایهٔ جـمهوری اسـلامی است، می‌خواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند؛ می‌خواهـند ایـجاد شک کنند، ایجاد تردید کنند دربارهٔ این انتخابات و این اعتمادی را که مـردم

کردند، تا این اعتماد را متزلزل کنند. دشمنان ملّت ایران می‌دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را می‌خواهند؛ هدف دشمن این است. می‌خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش بمراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در یک چنین حرکت عظیمی این‌جور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را می‌خواهد. این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اوّل فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوشها می‌خوانند، تکرار می‌کنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. می‌خواستند زمینه را آماده کنند. من آن‌وقت به دوستان خوبمان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن می‌خواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگویید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسؤولانش، با عملکردش، با تلاشهای فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن می‌خواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند. این هم یک نکته.

رقابت شفاف، روشن و صریح

نکتهٔ سوم، مسألهٔ رقابتها بود. این رقابتها کاملاً رقابتهای آزاد، جدّی و شفاف بین نامزدهای مختلف بود؛ همه دیدند. به قدری این رقابتها و این گفتگوها و این مناظره‌ها شفاف و صریح بود، که عده‌ای به آن معترض شدند - حالا عرض خواهم کرد - حقّ هم تا حدودی با آنهاست. التهاباتی هم به وجود آورد که الان هم هنوز آثارش را داریم مشاهده می‌کنیم. من به شما عرض بکنم، فرض ما این بود و هست که این رقابتی که وجود دارد بین چهار نامزد انتخابات، این رقابت میان افراد و جریانهای متعلق به نظام اسلامی است. اینی که دشمنان سعی می‌کنند در رسانه‌های گوناگون -که غالباً هم این رسانه‌ها مال این صهیونیستهای خبیث و رذل است - این‌جور وانمود کنند که دعوا بین طرفداران نظام و مخالفان نظام است، نخیر، این جوری نبود؛ آنها غلط می‌کنند این حرف را می‌زنند؛ این واقعیت ندارد. این چهار نفری که وارد عرصهٔ این انتخابات جدّی شدند، همه‌شان جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند. یکی از اینها رئیس جمهور کشور ماست؛ رئیس جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش، مورد اعتماد. یکی از آنها نخست‌وزیرِ هشت سال در دوران ریاست جمهوری خود بنده است. یکی از آنها فرماندهٔ سپاه در سالهای متمادی و یکی از فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس بوده است. یکی از آنها دو دوره رئیس قوّهٔ مقننهٔ کشور بوده است؛ رئیس مجلس شورای اسلامی بوده است. اینها عناصر نظامند؛ اینها همه‌شان متعلق به نظامند. البته اختلاف‌نظر دارند، اختلاف برنامه دارند، در جهتگیریهای گوناگون سیاسی باهم تفاوتهای متعددی دارند؛ اما همه‌شان

مال نظامند؛ چهار نفر از عناصر نظامند. این رقابت درون نظام تعریف شد؛ نه رقابت بین درون نظام و بیرون نظام، که رادیوی صهیونیستی و رادیوی آمریکا و رادیوی انگلیسِ خبیث و دیگران هی می‌خواهند این را دامن بزنند. نخیر، رقابتی بود در درون نظام و بین عناصر وابستهٔ به نظام؛ متعلق به نظام، و همه‌شان هم با این سوابق. همه‌شان را من از نزدیک می‌شناسم، افکارشان را می‌دانم، سلائقشان را می‌دانم، خصوصیات رفتاریشان را می‌دانم، با همه‌شان از نزدیک من کار کردم. البته بنده همهٔ دیدگاههای این آقایان را قبول ندارم؛ بعضی از نظرهایشان و عملکردهایشان از نظر من بدون شک قابل انتقاد است؛ بعضی را برای خدمت به کشور مناسبتر از بعضی دیگر می‌دانم؛ اما انتخاب به عهدهٔ مردم بوده و هست. مردم انتخاب کردند. خواست من، تشخیص من، نه به مردم گفته شد، نه مردم لازم بود آن را مراعات کنند. مردم خودشان طبق معیارهای خودشان تشخیص دادند، حرکت کردند، عمل کردند؛ میلیونها این طرف، میلیونها آن طرف. بنابراین، مسأله، مسألهٔ درونی نظام است. اینی که بخواهند صورت مسأله را تغییر بدهند، این صد درصد مغرضانه و خباثت‌آلود است. دعوا بین نظام و بیرون از نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضد انقلاب نیست؛ اختلاف بین عناصری در درون چهارچوب نظام است. آن مردمی هم که به این چهار نفر رأی دادند، اینها هم با اعتقاد به نظام رأی دادند، تشخیص دادند این برای کشور بهتر است، به نظام پایبندی‌اش بیشتر است، به او رأی دادند. آن کسی را که صالحتر برای خدمت به نظام می‌دانستند، به او رأی دادند؛ مردم هم در چهارچوب نظام عمل کردند. اما این رقابتها و مناظرات، که ابتکار مهمی بود؛

ابتکار جالبی بود؛ خیلی صریح بود، خیلی شفاف بود، خیلی جدّی بود. این مناظره‌ها تو ذهن آن کسانی زد که از بیرون تبلیغ می‌کردند که این رقابتها نمایشی است، واقعیت ندارد. دیدند نخیر، واقعیت دارد؛ جدّی در مقابل هم ایستاده‌اند، باهم بحث می‌کنند، با هم استدلال می‌کنند. بنابراین مناظره‌ها و گفتگوها بسیار از این جهت مثبت بود. البته آثار مثبتی داشت، عیوبی هم داشت، که حالا هر دو را من عرض خواهم کرد.

آن جهت مثبت، این بود که در این مناظره‌ها و در این گفتگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخگویی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخگویی بر آمدند و از خودشان دفاع کردند. مواضع افراد و مواضع گروهها بدون ابهام، بدون پیچیده‌گویی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ سیاستهایشان چیست، برنامه‌هایشان چیست، پایبندیهایشان کدام است، تا چه حد است؛ اینها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند. مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی‌آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد. همه چیز در مقابل مردم آشکار، همهٔ نظرات در مقابل مردم بیان شد و معلوم شد رأی مردم ناشی از همین دقّتها و تأملات خواهد بود. رأی مردم زینتی نیست. حقّ انتخاب حقیقتاً متعلق به مردم است، مردم می‌خواهند آگاهانه، هشیارانه انتخاب کنند. این مناظره‌ها این را نشان داد. یقیناً یکی از علل افزایش ده میلیونی آراء نسبت به آخرین حد نصابِ دوره‌های قبل همین بود که ذهن مردم، فکر مردم مشارکت داده شد،

به عرصه آمد و آنها تشخیص دادند، وارد میدان شدند. این مناظره‌ها به سطح خیابانها هم کشیده شد، داخل خانه‌ها هم رفت، که اینها قدرت انتخاب مردم را بالا می‌برد. این جور مباحثات و گفتگوها ذهنها را پرورش می‌دهد، قدرت انتخاب را بالا می‌برد. این از نظر جمهوری اسلامی چیز مطلوبی است. البته همین جا من عرض بکنم که این گفتگوها نباید به جایی برسد که تبدیل بشود به کدورت و کینه. اگر این شد، آن وقت اثر عکس خواهد داشت. اگر به همان شکلی که آن روز بود و در همان حد باقی بود، این خوب بود؛ اما اگر بنا باشد همین طور کش پیدا کند، ادامه پیدا کند، هی بگومگو بشود، این تدریجاً تبدیل خواهد شد به کینه. البته خیلی خوب است که این جور مناظره‌هایی در سطوح مدیریتی ادامه پیدا کند - البته با حذف آن عیوبی که بعد به آن اشاره خواهم کرد - و افراد، مسؤولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه یک انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهنها را روشن کند، تبیین کنند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است؛ البته با حذف آن عیوبی که عرض خواهم کرد. اگر این جور مناظره‌ها در طول سال و در طول چهار سال ادامه داشته باشد، دیگر وقتی در هنگام انتخابات پیش آمد، حالت انفجاری پیدا نمی‌کند؛ همهٔ حرفها در طول زمان گفته خواهد شد، شنیده خواهد شد؛ نقدها، پاسخها، جوابها. اینها محسنات این مناظرات بود که خیلی خوب بود.

عیوب مناظره‌های تلویزیونی

اما عیوبی هم داشت که این عیوب را باید برطرف کرد. در مواردی انسان می‌دید که در این مناظره‌ها جنبهٔ منطقی مناظره ضعیف می‌شد؛ جنبهٔ احساساتی و عصبی پیدا می‌کرد؛ جنبهٔ تخریبی غلبه پیدا می‌کرد؛ سیاه‌نمایی وضع موجود به شکل افراطی در این مناظره‌ها دیده شد؛ سیاه‌نمایی دوره‌های گذشته هم در این مناظره‌ها مشاهده شد؛ هر دو بد بود. اتهاماتی مطرح شد که در جایی اثبات نشده است؛ به شایعات تکیه شد، بی‌انصافیهایی احیاناً دیده شد؛ هم بی‌انصافی نسبت به این دولت با این همه حجم خدمت، و هم بی‌انصافی نسبت به دولتهای گذشته و دوران سی ساله. آقایان در خلال صحبت احساساتی شدند و لابه‌لای حرفهای خوب، حرفهایی هم که خوب نبود، گفته شد. بنده هم مثل بقیهٔ آحاد ملّت نشستم پای تلویزیون و این مناظره‌ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از این‌که نظام جمهوری اسلامی توانسته است به‌کمک مردم بیاید تا بتوانند قدرت انتخاب خود را بالا ببرند، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد؛ متأثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخشهای معیوب، آن تعریضها، آن تصریحها، التهاب‌آور و نگران‌کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود. بنده این‌جا در منبر نماز جمعه، در خطبه‌ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترک بودند. از یک طرف صریحترین اهانتها به رئیس جمهورِ قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانیها را برای من می‌آوردند و من می‌دیدم یا گاهی می‌شنیدم؛ تهمتهایی زدند، حرفهایی

گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبتهای خلاف دادند، رئیس جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغگویی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه‌های جعلی برای دولت درست کردند، این‌جا آن‌جا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می‌بینیم می‌دانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبتهای خجالت‌آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند. این از آن طرف. از این طرف هم همین جور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری انجام گرفت. کارنامهٔ درخشان سی سالهٔ انقلاب کم‌رنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیتهای این نظامند؛ اینها کسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نماز جمعه هیچ‌وقت رسمم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما این‌جا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هر کس هر ادعایی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمی‌شود اینها را رسانه‌ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمی‌شود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی این جور حرفها مطرح می‌شود، تلقیهای نادرست در جامعه به وجود می‌آید، جوانها چیز دیگری خیال می‌کنند، چیز دیگری می‌فهمند. آقای هاشمی را همه می‌شناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسؤولیتهای بعد

از انقلاب نیست؛ من از سال - ۱۳۳۶ یعنی ۵۲ سال قبل - ایشان را از نزدیک می‌شناسم. آقای هاشمی از اصلی‌ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدّی و پیگیرِ قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیتهای جمهوری اسلامی درکنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم درکنار رهبری تا امروز. این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب می‌کرد و به مبارزین می‌داد. اینها را جوانها خوب است بدانند. بعد از انقلاب ایشان مسؤولیتهای زیادی داشت: هشت سال رئیس جمهور بود؛ قبلش رئیس مجلس بود؛ بعد مسؤولیتهای دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوخته‌ای درست کرده باشد. اینها یک حقایقی است؛ اینها را باید دانست. در حساسترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده. من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف نظر داریم، که طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رئیس جمهور از همان انتخاب سال ۸۴ تا امروز اختلاف نظر بود، الان هم هست؛ هم در زمینهٔ مسائل خارجی اختلاف نظر دارند، هم در زمینهٔ نحوهٔ اجرای عدالت اجتماعی اختلاف نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف نظر دارند؛ و نظر آقای رئیس جمهور به نظر بنده نزدیکتر است. در مورد آقای ناطق نوری هم همین جور. آقای ناطق نوری هم از شخصیتهای خدوم انقلاب است؛ ایشان هم خدمات زیادی کرده و در دلبستگی ایشان به این نظام و انقلاب هیچ شکی نیست. مناظره‌های زندهٔ تلویزیونی خوب است؛

اما این آسیبها باید برطرف بشود. من همان وقت - بعد از مناظره - به آقای رئیس جمهور هم تذکر دادم؛ چون می‌دانستم ایشان ترتیب اثر می‌دهند. در مورد مبارزهٔ با فساد مالی، موضع نظام یک موضع روشنی است. در زمینهٔ مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، موضع نظام یک موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه‌ای که هست، مبارزه کرد. من می‌خواهم این را عرض بکنم: ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، اگر وجود نداشت که بنده آن نامهٔ هشت ماده‌ای را چند سال قبل خطاب به رؤسای محترم سه قوّه نمی‌نوشتم و این‌قدر روی آن تأکید نمی‌کردم. چرا، هست؛ اما می‌خواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالمترین نظامهای سیاسی و اجتماعی در دنیاست. این‌که ما بیاییم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست. این هم که ما اشخاص را، مسؤولین را بی‌جهت در زمینهٔ فساد زیر سؤال ببریم، این هم درست نیست. فساد مالی یکی از مسائل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جداً مبارزه کرد؛ هم در قوّهٔ مجریه، هم در قوّهٔ قضائیه، هم در قوّهٔ مقننه. همه موظفند با این مسأله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد؛ کما این‌که بسیاری از کشورهای دنیا - همین کشورهای غربی که این‌قدر دم از مبارزهٔ با فساد مالی و پولشویی و امثال اینها می‌زنند - تا خرخره غرق در فسادند. قضایای دولت انگلیس و مجلس پارلمان انگلیس را این روزها شنیدید و همهٔ دنیا دانستند. این یک گوشه‌هایی از قضایاست؛ خیلی بیش از اینهاست. این بخش مربوط به خطاب مردم را من جمع‌بندی کنم. عزیزان من! ملّت ایران! ۲۲ خرداد

یک حماسه بود. این حماسه، تاریخی شد، جهانی شد. اگرچه بعضی از دشمنان ما در اطراف دنیا خواستند این پیروزی مطلق نظام را، این پیروزی حتمی را، به یک پیروزی مشکوک و قابل تردید تبدیل کنند. حتّی بعضی خواستند این را به یک شکست ملی تبدیل کنند! خواستند کام شما را تلخ کنند و نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی را دنیا به نام شما ثبت کند. خواستند این کارها را بکنند؛ اما به نام شما ثبت شد. نمی‌شود آن را دستکاری کرد. رقابتها تمام شد. همهٔ کسانی که به این چهار نامزد رأی دادند، مأجورند؛ ان‌شاءالله اجر الهی دارند. همه‌شان در درون جبههٔ انقلابند، متعلق به نظامند؛ اگر با قصد قربت رأی داده باشند، عبادت هم کرده‌اند.

القاء تقلب در انتخابات غلط است

خط انقلاب، چهل میلیون رأی دارد؛ نه بیست و چهار و نیم میلیون که رأی به رئیس جمهور منتخب است. چهل میلیون به خط انقلاب رأی دادند. مردم اطمینان دارند؛ اما برخی از طرفداران نامزدها هم اطمینان داشته باشند که جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست. ساز وکارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازهٔ تقلب نمی‌دهد. این را هر کسی که دست‌اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق می‌کند؛ آن هم در حد یازده میلیون تفاوت! یک وقت اختلافِ بین دو رأی، صد هزار است، پانصد هزار است، یک میلیون است، حالا ممکن است آدم بگوید یک جوری تقلب کردند، جابه‌جا کردند؛ اما یازده میلیون را چه جور می‌شود تقلب کرد! در عین حال بنده این را گفتم، شورای محترم نگهبان

هم همین را قبول دارند که اگر کسانی شبهه دارند و مستنداتی ارائه می‌دهند، باید حتماً رسیدگی بشود؛ البته از مجاری قانونی؛ رسیدگی فقط از مجاری قانونی. بنده زیر بار بدعتهای غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوبهای قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده‌اند، بعضی برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، برطبق قانون. اگر واقعاً شبهه‌ای هست، از راههای قانونی پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همان‌طور که حقّ دارند که نامزدها نظارت کنند، حقّ دارند که شکایت کنند، حقّ دارند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر مواردی خواستند صندوقها را بازشماری بکنند، با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند، آن‌جا بشمرند، ثبت کنند، امضاء کنند. بنابراین، هیچ مشکلی در این جهت وجود ندارد. این راجع به انتخابات و خطاب به شما مردم عزیز.

سیاسیون غفلت نکنند

اما خطاب دوم من، خطاب به سیاسیون و نامزدها و گردانندگان احزاب و جریانات است. من می‌خواهم عرض کنم به این حضرات، که امروز یک لحظهٔ حساس تاریخی برای کشور است؛ نگاه کنید به وضع دنیا، نگاه کنید به وضع خاورمیانه، نگاه کنید به وضع اقتصادی عالم، نگاه کنید به مسائل

کشورهای همسایهٔ ما مثل عراق، مثل افغانستان، مثل پاکستان. ما در نقطهٔ حساسی از تاریخ قرار گرفته‌ایم. همهٔ ما وظیفه داریم که در این مرحلهٔ تاریخی هوشیار باشیم، دقیق باشیم، مواظب باشیم اشتباه نکنیم.

در این قضیهٔ انتخابات، مردم حقّاً و انصافاً به وظیفهٔ خودشان عمل کردند. وظیفه‌شان این بود که بیایند پای صندوقهای رأی، که به بهترین وجهی این وظیفه اداء شد؛ اما ما و شما وظائف سنگین‌تری داریم. آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریانات سیاسی، و یک عده‌ای از اینها حرف‌شنوی دارند، اینها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراطی‌گری کنند، دامنهٔ این افراطی‌گری در بدنهٔ مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمی‌توانند آن را جمع کنند، که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم. افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطی‌گری دیگران دامن می‌زند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسؤول خونها و خشونتها و هرج و مرجها، آنهایند. من به همهٔ این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعهٔ صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنهٔ کمین کرده‌راکه امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمی‌دارند و چهرهٔ حقیقی خودشان را نشان می‌دهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید. امروز - حالا عرض خواهم کرد - دیپلماتهای برجستهٔ چند کشور

غربی که تا حالا با تعارفات دیپلماتیک با ما حرف می‌زدند، نقاب از چهره برداشتند؛ چهرهٔ واقعی خودشان را دارند نشان می‌دهند؛ «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضٰاءُ مِنْ اَفْوٰاهِهِمْ وَ مٰا تُخْفِی صُدُوُرُهُمْ اَکْبَرُ».[1] دشمنیهای خودشان با نظام اسلامی را دارند نشان می‌دهند؛ از همه هم خبیث‌تر دولت انگلیس. من به این برادران عرض می‌کنم، به مسؤولیت پیش خدای متعال فکر کنید: پیش خدا مسؤولید، از شما سؤال خواهد شد.

قانون فصل‌الخطاب است

آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل‌الخطاب است؛ قانون را فصل‌الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همهٔ اختلافها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی معلوم بشود که مردم چی می‌خواهند، چی نمی‌خواهند؛ نه در کف خیابانها.

اردوکشی خیابانی ضد انتخابات است

اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهایی که رأی نیاوردند اردوکشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهایی که رأی آورده‌اند هم، در جواب آنها، اردوکشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل

۱- سورهٔ آل عمران: آیهٔ ۱۱۸.

کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما می‌خواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف یک جور، این طرف یک جور. برای نفوذیِ تروریست - آن کسی که می‌خواهد ضربهٔ تروریستی بزند - مسألهٔ او مسألهٔ سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که می‌خواهند راهپیمایی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آن وقت مسؤولیتش با کیست؟ الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد - تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبهٔ این واکنشها با کیست؟ انسان دلش خون می‌شود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوانها را، دانشجوها را - آن هم دانشجوهای مؤمن و حزب‌اللهی را، نه آن شلوغ‌کن‌ها را - مورد تهاجم قرار بدهند، آن وقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون می‌شود از این حوادث. زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم‌سالاری است. من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آن وقت مسؤولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهدهٔ آنهاست. این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست می‌کنند و مسؤولین نظام را مجبور می‌کنند، وادار می‌کنند تا به

عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اوّلاً تن دادن به مطالبات غیرقانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبهٔ غلطی است. عواقبی هم اگر پیداکند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنهارا هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت. من از همهٔ این دوستان، این برادران، می‌خواهم بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه مَحبّت و صفا باز است، از این راه بروید. و امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که همه از این راه بروند. خب، همه پیشرفت کشور را می‌خواهند. جشن پیروزی چهل میلیونی را این برادران گرامی بدارند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن می‌خواهد خراب کند. البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آن وقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریح‌تر از این صحبت خواهم کرد.

مواضع مداخله‌گرانه و زشت آمریکا و اروپا

و اما خطاب سوم، خطاب به سران استکبار و سران رسانه‌های استکباری است. بنده در این دو سه هفته، رفتار و گفتار دولتمردان آمریکا و دولتمردان چند کشور اروپایی را دنبال کردم؛ در این هفته‌های نزدیک به انتخابات و آن روز انتخابات و شب بعد از انتخابات، بعد هم این دو سه روزِ بعد از انتخابات. یک وضع متغیر و متفاوتی داشت. اوّل، قبل از شروع انتخابات جهتگیری رسانه‌هایشان، دولتمردانشان، این بود که در اصلِ انتخابات ایجاد

تردید کنند، شاید شرکت مردم کم بشود. البته همین نتایجی که از این انتخابات حاصل شد، همین نتایج را آنها هم - هم اروپاییها، هم آمریکاییها - حدس می‌زدند؛ اما این حرکت عظیم مردم را انتظار نداشتند؛ این کارِ ۸۵ درصدی؛ چهل میلیونی را باور نمی‌کردند. بعد از آن که این حضور عظیم دیده شد، اینها شوکه شدند؛ فهمیدند چه اتفاق بزرگی در ایران افتاد؛ فهمیدند که باید خودشان را با این شرائط جدید وفق بدهند؛ هم در امور بین‌الملل، هم در امور خاورمیانه و جهان اسلام، هم در مسألهٔ هسته‌ای. در مسائل ایران شوکه شدند؛ فهمیدند که سرفصل جدیدی در مسائل مربوط به جمهوری اسلامی پیدا شد، که مجبورند این را بپذیرند. این مال هنگامی بود که این حرکت عظیم مردم دیده شد و از این‌جا مرتب به وسیلهٔ ایادی خودشان مخابره شد و همه‌شان اظهار تعجب کردند؛ از همان صبح جمعه این اظهارات شروع شد، آن‌جا هم برخی از بازخوردهای این اظهارات دیده شد. وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج‌سواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابانها پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقابهایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و رؤسای دولتهای چند تا کشور اروپایی و آمریکا حرفهایی زدند که باطن آنها را به انسان نشان می‌داد. از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابانها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند،

اظهار علاقهٔ به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرفها را بزنند. کدام را ما باور کنیم؟ در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به‌کار افتادند و خط تخریب خیابانی شروع شد؛ خط تخریب، خط آتش‌سوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب و کار مردم را ناامن کنند، شیشه‌های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه‌ها را به غارت ببرند، امنیت مردم را از جانشان و مالشان سلب کنند؛ امنیت مردم مورد تطاول اینها قرار گرفت. این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست‌نشاندگان سرویسهای جاسوسی غربی و صهیونیست است. این کاری که در داخل، ناشیانه از بعضی سر زد، اینها را به طمع انداخت، خیال کردند ایران هم گرجستان است (!) یک سرمایه‌دار صهیونیست آمریکایی چند سال قبل از این، طبق ادعای خودش که در رسانه‌ها و در بعضی از مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم، در گرجستان انقلاب مخملی راه انداختم؛ حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم. احمقها خیال کردند جمهوری اسلامی ایران و این ملّت عظیم هم مثل آن‌جاست. ایران را با کجا مقایسه می‌کنید؟! مشکل دشمنان ما این است که هنوز هم ملّت ایران را نشناختند. آن چیزی که در این بین از همه بدتر و زشت‌تر به چشم من آمد، این حرفهایی بود که به عنوان دلسوزی از حقوق بشر و سختگیری به مردم، از زبان این دولتمردان آمریکایی صادر شد که: ما از این‌که با مردم چنین رفتار بشود، مخالفیم؛ ما نگرانیم! شما نگران مردمید؟! شما چیزی به نام حقوق انسان را اصلاً قبول دارید؟! افغانستان را کی به خاک و خون کشید و هنوز

هم دارد می‌کشد؟ عراق را کی زیر چکمهٔ نظامیان خودش تحقیر کـرد؟ در فلسطین چه کسی به دولت صهیونیست ظالم این همه کمک سیاسی و مادی کرد؟ در خود آمریکا - انسان واقعاً تعجب می‌کند - در زمان دولت همین حزب دمکرات، در زمان ریاست جمهوری شوهر همین بانویی که حالا اظهار نظر می‌کند، هشتاد و چند نفر از وابستگان فرقهٔ داوودی را زنده زنـده در آتش سوزاندند. این که دیگر جای انکار نیست. هـمین حـضرات، هـمین دمکراتها این کار راکردند. فرقهٔ داوودی‌ها ـ به قول خودشان دیویدی‌ها - به دلیلی مورد غضب دولت آمریکا قرار گرفتند و به منزلی رفتند و در آن‌جا متحصن شدند. هرچه کردند، بیرون نیامدند. ایـنها خـانه را آتش زدنـد و هشتاد تا مرد، زن، بچه تو این خانه، زنده زنده سوختند. شما حـقوق بشـر می‌فهمید یعنی چه؟! به نظر من این مسؤولان و سـیاستمداران اروپـایی و آمریکایی قدری بایستی شرم و حیا را هم برای خودشان وظیفه بـدانـند. جمهوری اسلامی، پرچم‌دار حقوق انسان است. دفاع ما از مردم مظلوم در فلسطین، در لبنان، در عراق، در افغانستان، در هر نقطه‌ای که مردم مـظلوم واقع شدند، نشانهٔ همین است. نشانهٔ این است که پرچم حقوق بشر به وسیلهٔ اعتقاد به اسلام، ایمان به اسلام در این کشور برافراشته شده است. ما احتیاج نداریم که برای حقوق بشر کسی ما را نصیحت کند. خب، این عرایض ما بود دربارهٔ انتخابات. یک خطاب آخری هم عرض کنم به مولامان و صاحبمان، حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه): ای سیّد ما!ای مولای ما! مـا آنـچه بـاید بکنیم، انجام می‌دهیم؛ آنچه باید هم گفت، هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقابلی دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم

خود شما به ما دادید؛ همهٔ اینها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد. سیّد ما، مولای ما، دعا کن برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما».

اصرار در اجرای قانون

در پی ادامه دادن به روند اعتراض غیر قانونی نامزدهای معترض و بهره‌برداری و حمایت بیگانگان از این قانون‌گریزی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدارهای مختلف با مسؤولان و اقشار گوناگون مواضع و دیدگاههای روشنگرانه خود را پیرامون وقایع پس از انتخابات بیان نمودند. ایشان در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت رعایت قانون‌مداری در کشور فرمودند:

«من در مسائل اخیر مربوط به انتخابات ریاست جمهوری مصر به اجرای قانون بوده و خواهم بود و نظام اسلامی و مردم نیز به هیچ قیمتی زیر بار زور نخواهند رفت.»[1]

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۴.

نخبگان و خواص مواظب رفتار خود باشند

معظّمٌله در دیدار با رئیس و مسؤولان قوّه قضائیه نیز با اشاره به مسائل اخیر کشور تأکید کردند:

«حل و فصل قضایا از طریق معیارهای قانونی امکان‌پذیر است و همه نخبگان، فعالان و جناحهای سیاسی از هر دو طرف نیز باید از هرگونه تحریک احساسات و ایجاد خلل در یکپارچگی ملّت پرهیز کنند... به لطف خداوند، ملّت ایران ملّت مؤمن، آگاه و آماده حضور در صحنه است و مشکلی با نظام خود ندارند و این نخبگان و خواص سیاسی هستند که باید مراقب رفتار و سخنان خود باشند.»[۱] ایشان در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز ولادت امام علی علیه‌السلام شکرگذاری حرکت عظیم و با شکوه ملّت ایران در ۲۲ خرداد و حضور نزدیک به ۴۰ میلیونی مردم را حفظ وحدت، مهربانی، نگاه مشفقانه و تداوم حرکت انقلابی در میان مردم و نخبگان و اشتباه نگرفتن دوست و دشمن دانسته و رقابتهای نامزدهای ریاست جمهوری را رقابتی درون خانوادگی بیان کردند و افزودند:

«گاهی ممکن است این رقابت داخل خانواده به عصبانیت هم کشیده شود، اما این مسأله ربطی به بیگانگان ندارد.» معظّمٌله با تأکید بر این‌که اغتشاشگر همان عده معدودی هستند که از بودجه تصویب شده برخی دولتهای غربی استفاده می‌کنند، افزودند: «این‌که عده‌ای نامزد مورد نظرشان رأی نیاورد و احساس افسردگی و ناراحتی کنند طبیعی است و

۱- همان، ۱۳۸۸/۴/۸.

معنای این مسأله اغتشاشگری نیست. زیرا براساس نتیجه انتخابات اکثریت و اقلیتی در کشور است و قواعدی وجود دارد، بنابراین معرفی مردم ایران در رسانه‌های آمریکایی و اروپایی تحت سلطه صهیونیستها، به عنوان اغتشاشگر اهانت به ملّت است.» رهبر انقلاب با تأکید بر لزوم جدا کردن حساب اخلالگران به امنیت مردم از سایر افراد گفتند: «نظام اسلامی بر اساس وظیفه خود با کسانی که زندگی و آسایش مردم را بر هم می‌زنند و جوانها را تهدید می‌کنند، برخورد خواهد کرد. اما مبادا دشمن را با دوست اشتباه بگیریم و دوست را به خاطر یک خطا دشمن به حساب بیاوریم.»[۱]

انسانهای منفور

مقام معظّم رهبری در دیدار با مسؤولان نظام و اقشار مختلف مردم در سالروز بعثت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ﷺ حوادث اخیر را تجربه و درس مهم دیگری برای ملّت ایران در کنار تجربه‌های سالهای گذشته ارزیابی کرده و افزودند:

«این حوادث این تجربه و درس را به همراه خود داشت که حتی در زمانی که حرکتی بزرگ در کمال آرامش و ثبات انجام می‌گیرد، نباید از نقشه و کید دشمن غافل ماند.»

ایشان تأکید فرمودند:

«هر فردی با هر عنوان و موقعیتی اگر بخواهد جامعه را به سمت ناامنی

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۴/۱۶.

سوق دهد، از نظر عموم ملّت ایران انسان منفوری است.» ایشان برهم زدن امنیت را بزرگترین گناه دانسته و خطاب به نخبگان فرمودند: «**نخبگان هوشیار باشند زیرا هرگونه حرف، تحلیل و اقدام آنان که موجب برهم زدن امنیت جامعه شود، حرکت در خلاف مسیر ملّت ایران است ... همه باید مراقب گفتار و مواضع و حتی نگفتن‌های خود باشند. زیرا نگفتن مسائلی که باید گفت، عمل نکردن به وظیفه است و گفتن مسایلی که نباید گفت، عمل کردن برخلاف وظیفه است. یک چیزهایی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده‌ایم. نخبگان سر جلسه امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان مردود شدن، رفوزه شدن فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم؛ سقوط است.**»[1]

بی‌بصیرتی نخبگان!

آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه ولی امر با بیان این‌که نخبگان باید حقایق را بدون تعلقات جناحی روشن کنند، بیان داشتند: «**برخی از نخبگان دچار بی‌بصیرتی شده‌اند.**»[2] ایشان در جمع قاریان قرآن در ماه مبارک رمضان با اشاره به توصیه قرآن به وحدت و اعتصام به حبل‌الله خاطر نشان کردند «**دلهایی که پیام مهم قرآن را درک کرده‌اند به خاطر اغراض و مسایل شخصی، وحدت عظیم ملی را به هم نمی‌زنند.**»[3]

۱- ایران، ۱۳۸۸/۴/۳۰. ۲- ایران، ۱۳۸۸/۵/۲۵.
۳- کیهان، ۱۳۸۸/۶/۲.

ظلم بزرگ به مردم و نظام اسلامی

مقام معظّم رهبری در دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی کشور با اشاره به سخنان چند تن از دانشجویان درباره لزوم برخورد و محاکمه مجرمان پشت پرده انتخابات اخیر بیان کردند:

«در مسائلی با این درجه از اهمیت نباید با حدس و گمان و براساس شایعه حرکت کرد. همه مطمئن باشند در مقابل جرم و جنایت هیچ‌گونه اغماضی نخواهد شد. اما در مسائلی به این اهمیت، دستگاه قضا باید براساس دلایل محکم قضاوت کند.»

ایشان با تأکید بر رسیدگی به آسیب‌دیدگان در مسأله کهریزک و غیره بیان فرمودند:

«البته این‌گونه مسایل نباید با مسأله اصلی بعد از انتخابات خَلط مبحث شود. عده‌ای ظلم بزرگی را که پس از انتخابات به مردم و نظام اسلامی شد و هتک آبروی نظام در مقابل ملّتها را نادیده می‌گیرند و مسأله کهریزک یا کوی دانشگاه را قضیه اصلی قلمداد می‌کنند اما این نگاه خود یک ظلم آشکار است.»

ایشان در بخش دیگر سخنان خود افزودند:

«من پیشقراولان حوادث اخیر را به دست نشاندگی بیگانگان از جمله آمریکا و انگلیس متهم نمی‌کنم چرا که این موضوع برای من ثابت نشده است اما تردیدی وجود ندارد که این جریان، چه مسؤولان و پیشقراولان آن بدانند و چه ندانند جریانی حساب شده بود.» [1]

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۶/۵.

حضور ۸۵ درصدی مردم، پتک جمهوری اسلامی بر سر دشمنان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت دهم با تفضل الهی دانستن انتخابات دهم فرمودند:

«با آن انتخاباتِ پرشور و فراموش نشدنی، نشان داده شد که ملّت ایران برای مدیریت کشور احساس مسؤولیت می‌کند و با ارادهٔ خود، با اختیار خود، قدم به میدان می‌گذارد، برای این‌که مسؤولین کشور را تعیین بکند؛ که این خیلی فرصت مهمی است برای نظام و برای انقلاب. درواقع ملّت بزرگ ما، با حضور ۸۵ درصدی در صحنه، بیعت دوباره‌ای با انقلاب کردند، بعد هم رئیس جمهوری را انتخاب کردند با قریب ۲۵ میلیون رأی، که این هم یک نصاب جدیدی برای دولت و برای رؤسای جمهور ما بود. و اینها پیام داشت؛ هم آن حضور ۸۵ درصدی - ۴۰ - پیامهایی در خود دارد، هم این انتخاب قریب ۲۵ میلیونی. اینها پیام دارد و باید این پیامها را فهم کرد. و اگر دولتی و مسؤولانی این پیامها را درست درک بکنند و نخبگان و زبدگان سیاسی جامعه با تأمل در این پیامها بنگرند، خیلی از گره‌هایشان حل خواهد شد؛ مشکلاتشان حل خواهد شد. یکی از اساسی‌ترین حرفهایی که در این انتخابات ملّت ما زد - و درواقع باید گفت انقلاب ما زد - این بود که جمهوریت خودش را با فریاد قوی اثبات کرد. درواقع این حضور ۸۵ درصدی، پتک جمهوریت بود بر سر دشمنانی که دائم علیه انقلاب هِی حرف زدند، علیه اسلام حرف زدند، در پایه‌های جمهوریت نظام به خیال خودشان خدشه کردند. آن حضور قوی، نشان‌دهندهٔ این معنا بود. بعد هم

ملاحظه کردید که در اظهارات نامزدهای محترمی که وارد این میدان شدند، غالباً دم از پیروی خط امام و گرایش به ارزشها، دلبستگی به ارزشها در بیاناتشان بود؛ اگرچه حالا در بعضی از موارد حرفی زده می‌شد که منطبق با این کلّی نبود، اما همه آنچه که می‌گفتند و آنچه که مطرح می‌کردند، می‌خواستند این را نشان بدهند که دلبستگی به راه امام، به خط امام، به انقلاب، به پایه‌های انقلاب وجود دارد. این خیلی حرف مهمی است. این نشان‌دهندهٔ این است که همه احساس کردند که ملّت ایران به این سمت گرایش دارد. این جهت کلّیِ حرکت ملّت ایران را نشان می‌داد؛ یعنی جهت اسلامیت، جهت هضم بودن و مطیع بودن در مقابل امر الهی‌ای که امام بزرگوار ما مظهرش بود. بنابراین، آن جمهوریت نظام و این اسلامیت نظام، با این انتخابات هر دوی اینها تثبیت شد؛ تأیید شد. اینها پیامهای مهمی است؛ اینها را باید درک کرد و باید این پیامها را فهم کرد». ایشان در ادامه با بیان این‌که هر کسی که به این کشور علاقه‌مند است، هرکس به اسلام و عظمت اسلام علاقه‌مند است، هرکس دلبستهٔ امام بزرگوارمان هست، باید شکرگزار باشد گفتند:

«بخصوص آقای رئیس‌جمهور بیش از دیگران باید شکرگزار باشند. و هم شاکر باشید. هم مغتنم بشمارید و هم بر اثر این شکرگزاری، تواضعتان را بیشتر کنید. مفتخر باشید به رأی مردم، مستظهر باشید به رأی مردم؛ اما مغرور نشوید، که اگر خدای نکرده غرور به سراغ ماها آمد، آن وقت انحرافها و انحطاطهای گوناگونی را در پیش پای خودمان خواهیم دید. مراقب باشید؛ این از آن دامهای بزرگ شیطان است.»

معظّم‌له با تشکر از دولت نهم به خاطر پرکاری و پرتلاشی، دکتر احمدی‌نژاد را خستگی‌ناپذیر خوانده و خطاب به اعضای دولت دهم بیان داشتند:

«آقای رئیس جمهور ما هم که بحمدالله پرانرژی و خستگی‌نشناس حقاً؛ پابه‌پای ایشان دویدن هم خیلی سخت است. خدا کمکتان کند بتوانید پابه‌پای ایشان بدوید و برسید به مقاصدتان؛ واقعاً کار دشواری است. ایشان خیلی زیاد زحمت می‌کشند، زیاد تلاش می‌کنند، بحمدالله پرانرژی هم هستند؛ خدا را شکر. به ظاهر ایشان هم این همه نمی‌آید. الحمدلله. خداوند ان‌شاءالله بیشتر کمک کند، بیشتر انرژی بدهد، بیشتر توان بدهد. البته ما مرتب دعا می‌کنیم؛ من هیچ شبانه‌روزی نیست که به آقای رئیس جمهور و بعضی دیگر از مسؤولین دعا نکنم.»

مشی امام در برخورد با تعارضها

ایشان در خطبه‌های نماز جمعه ۲۰ شهریور ضمن تحلیل انشعاب و تعارضات از اوّل انقلاب تا کنون، فرمودند:

«از اوّل انقلاب تا امروز، در جریان انقلاب و جریان اصیل این مردم انشعابهایی به وجود آمده، تعارضهایی به وجود آمده است. بعضی از این تعارضها و انشعابها خسارت‌زا هم بوده است؛ بعضی هم نه، با هشیاری مردم، با آگاهی و مسؤولیت‌پذیری عناصر فعال در این جریانها، حل شده است؛ برای انقلاب و برای کشور باری درست نکرده است. این اختلاف نظرها و انشعابهایی که پیدا می‌شود، همه یک جور نیست. بعضی انشعابها ناشی از

اختلاف در مبانی و در عقاید است؛ بعضی از اینها بحث عقاید و معتقدات نیست؛ بحث منافع است، دعوا بر سر منافع است؛ بعضی از این اختلافها هیچ‌کدام از اینها نیست؛ مسألهٔ سلائق است، اختلاف دیدگاه و اختلاف سلیقه در اجرای اصول است؛ در چهارچوب اصول و مبانی، در روشها اختلاف به وجود می‌آید؛ لذا اینها یک جور نیستند. خوب، از اوّل انقلاب در بین همین گروههایی که در دوران پیش از انقلاب و در حوادث سالهای مبارزات، همه در کنار هم بودیم، اختلافهایی به وجود آمد. امام (رضوان الله تعالی علیه) با همهٔ این اختلافات یک جور برخورد نکرد. یعنی اوّل با مدارا، با نصیحت؛ لیکن آن وقتی که اقتضاء کرد، برخورد کرد. یک گروه مربوط به دولت موقت بودند و مشکلات آنها بود، یک گروه آن کسانی بودند که علیه لایحهٔ قصاص آن حرکت را انجام دادند، یک گروه حتّی کار را به ترور و درگیریهای خیابانی کشیدند؛ با هر کدام از اینها امام یک نحوی برخورد کرد. در سطوح بالای حکومت هم بود؛ نخست‌وزیر بود، رئیس جمهور بود، حتّی بعدها در اواخر عمر امام(رضوان‌الله علیه) در سطوح بالاتر از رئیس جمهور هم بود. امام با کسانی که احساس کردند نمی‌شود با اینها بیش از آن مدارا کرد، برخورد کردند. همه هم سوابق انقلابی داشتند، سوابق مذهبی داشتند، خیلی‌شان هم در سطوح بالا بودند؛ لیکن خوب، این‌جور شد دیگر؛ این انشعابها پیش آمد. بعضی واقعاً با امام درافتادند؛ بعضی نه، اختلاف نظری هم بود، اما به درگیری و دعوا و انشعاب و انشقاق نینجامید. بعضی با امام درافتادند و مدارای امام را ندیده گرفتند. امام به همین گروهک منافقین که خواسته بودند بیایند با ایشان ملاقات کنند، پیغام

دادند که اگر شما به حقّ عمل کنید، من می‌آیم سراغ شما؛ اگر دست از این کارهای خلاف بردارید، خود من می‌آیم سراغ شما. یعنی امام تا این حد با اینها مدارا کردند و حرف زدند. خوب، وقتی احساس خطر شد؛ بخصوص آن وقتی که مسأله، مسألهٔ رسوخ دادن مبانی غلط در کالبد نظام و انقلاب است، این دیگر مثل سمِ مهلک است. آن وقت امام رعایت نکردند، مدارا نکردند؛ برخورد کردند. این در مورد آن چیزهایی است که در اختلافات بنیانی است. حالا همانهایی هم که اختلاف بر سر منافع دارند، گاهی رنگ عقیدتی و مبنایی به آن می‌دهند. هر کدام از اینها باشد - یا آنهایی که اختلاف در مبانی و عقاید است، یا آنهایی که اختلاف بر سر منافع است - آن‌جایی که به درگیری با نظام و درگیری با انقلاب و پشت کردن به مبانی انقلاب باشد، آن وقت حالت دشمن را پیدا می‌کنند. ...».

نظام به صرف مخالفت، با کسی برخورد نمی‌کند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه فرمودند:

«آن جایی که افراد در چهارچوب اصول رفتار کنند، دنبال خشونت نروند، در صدد برهم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند - از این کارهای خلافی که انجام می‌گیرد؛ دروغ پراکنی و شایعه - نظام هیچ‌گونه مسأله‌ای ندارد. مخالفینی هستند، نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان می‌کنند؛ نظام برخورد نمی‌کند. بنای نظام در این‌جا، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. این، روش نظام است؛ این را همه توجه بکنند. آن کسانی هم که نظر مخالف دارند، نظرات مخالف با نظرات

رسمی دارند، در این چهارچوب می‌توانند خودشان را مقایسه کنند. اگر کسی با مبانی نظام معارضه کند، با امنیت مردم مخالفت کند، نظام مجبور است در مقابل او بایستد.»

ایشان در خصوص وقایع پس از انتخابات بیان داشتند:

«همهٔ این بلواهایی که شما مشاهده کردید در دورهٔ بعد از انتخابات پیش آمد و پیش آوردند و آنها حمایت کردند، برای همین بود که شاید بتوانند پشتوانهٔ مردمی انقلاب را ضربه بزنند و از انقلاب بگیرند. بنده عرض کردم نشانهٔ اعتماد مردم به این نظام، حضور ۴۰ میلیونی در انتخابات بود. حالا در رادیوهای بیگانه و متأسفانه بعضی هم در داخل همنوای با آنها، هی اصرار و تکرار که بله، اعتماد مردم از نظام سلب شده! این، جواب آن حرف است. آن‌جا ما گفتیم اینی که ۸۵ درصد مردم می‌آیند رأی می‌دهند، ۴۰ میلیون پای صندوقها می‌آیند، به هر کسی که رأی می‌دهند، خود آمدن پای صندوق، نشانهٔ اعتماد مردم به نظام است - که حقیقت قضیه هم همین است - اینها برای این‌که این حرف را دروغ از آب در بیاورند، مکرّر در مکرّر تبلیغات کردند که اعتماد مردم از دست رفته؛ چه کار کنیم؟ حالا بعضی در لباس دلسوزی گفتند چه کار کنیم که اعتماد برگردد! مردم به نظام اعتماد دارند، نظام هم به مردم اعتماد دارد. ان‌شاءالله خواهید دید در انتخابات آینده - که حالا دو سه سال دیگر است - همین مردم با وجود همین بازیگری‌ای که مخالفان و دشمنان و غافلان و بی‌خبران داخلی کردند، یک حضور مستحکمِ قوی‌ای در انتخابات خواهند داشت.... در بلواهای بعد از انتخابات، مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی نگران بودند؛ پیغام

می‌دادند به آشنایان خودشان در این‌جا، که در ایران چه خبر است؟ اینها می‌گفتند ناراحت نباشید، نترسید، جمهوری اسلامی قوی‌تر از این حرفهاست. یک حکومتِ این جوری است؛ دشمنانش آنهایند، دوستانش اینهایند.

ماهیّت دشمنان نظام اسلامی

همهٔ بدها و شمرهای عالم با او دشمنند، همهٔ مظلومان با او موافقند؛ ملّت فلسطین طرفدار اوست، ملّتهای عربیِ مقاوم طرفدار او هستند. بله، دولت آمریکا هم مخالفش است، دولت انگلیس هم که خباثت دویست ساله در ایران دارد - سابقهٔ خباثت انگلیسیها در ایران، دویست ساله است - با او مخالف است. این مخالفتها کسی را به وحشت نمی‌اندازد. اما یک دولتی بعکس است؛ طرفدارش عبارتند از دزدها و غارتگرها و مستکبرین و زورگویان عالم، مخالفینش عبارتند از ملّت خودش یا ملّتهای مؤمن و ملّتهای مظلوم؛ این مایهٔ ننگ است. جمهوری اسلامی تا امروز مخالفینی داشته است از آن قبیل مخالفین؛ دزدهای عالم، غارتگرهای عالم، مستکبرین عالم؛ اینهایند که با جمهوری اسلامی مخالفند؛ اینهایند که در مجامع جهانی سعی می‌کنند با جمهوری اسلامی مقابله و مخالفت کنند؛ اما آحاد مردم، توده‌های مردم، دولتهای مستقل، سیاستمداران منفک از آن قدرتها، ملّتهای مظلوم، اینها موافق با جمهوری اسلامی‌اند. به خاطر ترس از این‌گونه مخالفتها، نباید چهرهٔ تسلیم به دشمن نشان داد. به هر حال نسل جوان ما بایستی هشیار باشد.»

خط اغفال و فتنه

مقام معظّم رهبری در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با بیان این مطلب که یکی از خطوط کاری دشمن ایجاد تفرقه است، اظهار داشتند:

«اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که می‌خواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفالِ بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، می‌گویند: آقا شما همه‌اش به گردن دشمن می‌اندازید! خوب، هست دشمن؛ هست دشمن؛ چرا نمی‌بینیم دشمن را؟ چرا نمی‌بینیم شعف عظیمی که دشمن پیدا می‌کند از آنچه که این جا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای بعد از انتخابات به وجود می‌آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند. آن‌جا، رئیس یک کشور بزرگ از آدمها اسم می‌آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از معارضین نظام اسم می‌آورد و تمجید می‌کند از فلان کس که آقا از شجاعت او (!) ما تعجب کردیم. چرا؟ چون یک کلمه‌ای گفته که آنها خوششان آمده. اینها را باید دید؛ اینها را باید متوجه شد و نبایستی از دشمنیِ دشمن غفلت کرد».

ایشان تبلیغات را یکی از مؤثرترین سلاحهای بین‌المللی دانسته و افزودند:

«امروز این قوی‌ترینِ سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناکتر

است. این سلاح دشمن را شما در بلواهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه به لحظه، قضایای ما را دنبال می‌کرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود می‌داد. «و انّ الشّیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم»؛ دائم به اولیاء خودشان ایحاء می‌کردند. خوب، این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضح‌تر و روشن‌تر می‌شود فرض کرد؟ باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروههای سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛ آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است. ... این را هم عرض بکنیم؛ بعضیها در فضای فتنه، این جملهٔ «کن فی الفتنه کبن اللبون لا ظهر فیرکب و لا ذرع فیحلب» را بد می‌فهمند و خیال می‌کنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه‌گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ذرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود.»

رهبر معظّم انقلاب در دیدار با جمعی از نخبگان علمی کشور با اشاره به سخنان یکی از دانشجویان در مورد حوادث اخیر بیان داشتند:

«خوب، در این زمینه‌ها خیلی حرف هست؛ خیال نکنید آن حرفهایی که صدا و سیما می‌زند، این، همهٔ حرفهاست؛ نه، خیلی مطلب هست. گفت: «یک سینه حرف موج زند در دهان ما». این‌جور نیست که هر چه که انسان

احساس می‌کند، این را گفته باشد یا بتواند بگوید. خیلی حرفهای زیادی هست. شما جوانها الحمدلله باهوشید، بااستعدادید، بتدریج خیلی از حقائق برای شماها روشن خواهد شد. من می‌بینم در همین حوادث سیاسی اخیر و در مجموع حوادث این سی سال، کشور بتدریج به مجموعهٔ مصونیت‌دار، ضد ضربه، ضد بمب تبدیل شده؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی. شوخی نیست. شما قدرت امنیتی و جاسوسی و تبلیغاتی این سرویسهای گوناگون امنیتی و تبلیغاتی دنیا را دست‌کم نگیرید. همه این را احساس می‌کنند - حالا شاید کسانی که کمتر توی مقوله‌های گوناگون تبحر داشتند، کمتر ببینند - هالیوود را شما دست کم نگیرید. قدرتِ اثرگذاری هنری - همین‌طور که یکی از خانمها هم گفتند - در غرب و چینش بسیار دقیق حروف تبلیغات در دنیای غرب را دست کم نگیرید. همهٔ این نیروی عظیم، به اضافهٔ ثروت بی‌پایان، به اضافهٔ دستگاههای عظیم سیاسی و تبلیغاتی، افتادند به جان جمهوری اسلامی. امروز هیچ کشور دیگری در دنیا پیدا نمی‌کنید که این‌جور آماج حملات باشد. و جمهوری اسلامی دارد مقاومت می‌کند. این شوخی است؟ این موجودِ هفت‌جوشِ مستحکمِ مصونیت‌یافته دارد مقاومت می‌کند. این، کم چیزی نیست. توطئهٔ توهم نیست؛ این را جوانها، این جوانهای عزیز ما، بدانند. خیال نکنید من از شنیدن این‌جور حرفها ناراحت می‌شوم؛ نه، من از این‌که این حرفها زده نشود، ناراحت می‌شوم.»

جنجال فکری غیر از مباحثه صحیح است

معظّم‌له در ادامه ضمن اشاره به مسائل انتخابات دهم گفتند:

«همچنانی که شما دیدید. در همین قضایای انتخابات، خوب، تبلیغات انتخاباتی مثلاً باید یک ماه یا بیست روز قبل از شروع انتخابات انجام بگیرد؛ اما از پیش از عید نوروز تبلیغات انتخاباتی شروع شد! همین تلویزیونی هم که مورد انتقاد بعضی از دوستان است، متأسفانه منعکس می‌کرد. بنده موافق هم نبودم. این را هم شما خیال نکنید که حالا بنده چون رئیس صدا و سیما را انتخاب می‌کنم، همهٔ برنامه‌های صدا و سیما را می‌آورند، دانه دانه بنده نگاه کنم، امضاء کنم. نخیر، از خیلی از برنامه‌های صدا و سیما بنده راضی هم نیستم؛ از جمله، از همین من راضی نبودم که از سه ماه قبل از انتخابات - انتخابات بیست و دوم خرداد بود - از ماه اسفند، بلکه زودتر از اسفند، بعضی از سفرهای تبلیغاتی و حرفهایی که زده شد و تظاهراتی که می‌شد و مجادلاتی که انجام می‌گرفت، از تلویزیون پخش شود، که متأسفانه از تلویزیون پخش شد؛ به خاطر همین، که یعنی ما آزاداندیشیم! اینها توهم است؛ این جنجال آفرینی در داخل کشور است. جنجال فکری غیر از مباحثات صحیح است. بنده گفتم کرسی آزاد فکری را در دانشگاهها به وجود بیاورید. خوب، شما جوانها چرا به وجود نیاوردید؟ شما کرسی آزاد فکری سیاسی را، کرسی آزاد فکری معرفتی را در همین دانشگاه تهران، در همین دانشگاه شریف، در همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید. چند نفر دانشجو بروند، آن‌جا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حقّ، آن‌جا خودش را نمایان خواهد کرد. حقّ این جوری نمایان نمی‌شود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند. این جوری که حقّ درست فهمیده نمی‌شود. ایجاد فضای آشفتهٔ ذهنی با لفاظی‌ها هیچ

کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند. شما تجربهٔ این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آنی که کمک می‌کند به پیشرفت کشور، آزادی واقعیِ فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. یک وقت شما یک حرفی می‌زنید، ناگهان می‌بینید همهٔ ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشتهٔ از پلیدی و خباثت است، برای شما کف می‌زنند. به این تشویق نشوید. به قول رائج بین جوانها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگویید؛ بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «فَبَشِّرْ عِبادِ الَّذینَ یَسْتَمِعوُنَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعوُنَ اَحْسَنَهُ».[1] سخن را باید شنید، بهترین را انتخاب کرد. والّا فضای جنجال درست کردن، همین می‌شود که دیدید. جنجالِ قبل از انتخابات، بعد از انتخابات، انعکاسش می‌شود این؛ بخصوص وقتی دست بیگانه هم دخالت دارد. به چه دلیل، با چه توجیهی شما فکر می‌کنید دستگاههای تبلیغاتی دنیا حوادثی را که فکر می‌کنند به ضرر نظام جمهوری اسلامی است، لحظه به لحظه منتشر می‌کنند؟ با چه محاسبه‌ای این کار انجام می‌گیرد؟ این را نباید فکر کرد؟! نباید رویش مطالعه کرد؟! اینهاست آن چیزهایی که باید به آنها توجه کرد.»

۱- سورهٔ زمر: آیات ۱۷ و ۱۸.

عملکرد روزنامه‌ها قابل قبول نیست

ایشان با بیان این مطلب که روزانه شانزده هفده روزنامه را نگاه می‌کنم، اظهار داشتند:

«خیلی از روزنامه‌های ما متأسفانه در انعکاس حقائق ضعیفند و در اصلی فرعی کردن مسائل، غیرمنصفانه عمل می‌کنند. در همین مسائل اخیر، مسائل را باید اصلی فرعی کرد؛ مسألهٔ اصلی چیست؛ یک سلسله مسائل فرعی هم پیرامون اوست؛ نه این‌که آن مسائل فرعی کم‌اهمیت است، اما مسألهٔ اصلی اهمیتش بیشتر از آنهاست. مسألهٔ اصلی در این قضایای اخیر، اصل انتخابات بود؛ زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را می‌بندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، یک شرکتِ به این عظمت، یک نصاب‌شکنی، یک رکودشکنی در دنیا در مردمسالاری، در دمکراسی‌ای که این‌قدر ادعایش را می‌کنند، انجام بگیرد، بعد یک عده مفت و مسلّم بیایند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! یک قدری باید منصف بود در این قضایا. دشمن هم حداکثر استفاده را از این کرد. یک عده هم هستند در داخل کشور، از اوّل با نظام جمهوری اسلامی موافق نبودند - مال امروز و دیروز نیست، سی سال است که موافق نیستند - از این فرصت استفاده کردند، دیدند عناصری وابستهٔ به خودِ نظام، از خودِ نظام، دارند این جور میدانداری می‌کنند، اینها هم وقت را مغتنم شمردند، آمدند داخل میدان؛ و دیدید.

شما شروع می‌کنید اما نمی‌توانید کنترل کنید!

من روز اوّل این را پیغام دادم به همین حضراتی که صحنه‌گردان این قضایا هستند؛ آن ساعات اوّل من به آنها پیغام خصوصی دادم. من اگر یک وقتی توی نماز جمعه یک حرفی می‌زنم، این ابتدا به ساکن نیست؛ حرف خصوصی، پیغام خصوصی، نصیحتِ لازم انجام می‌گیرد، وقتی انسان ناچار می‌شود، یک حرفی را می‌آورد در علن بیان می‌کند.

من پیغام دادم، گفتم این را شما دارید شروع می‌کنید، اما نمی‌توانید تا آخر کنترل کنید؛ می‌آیند دیگران سوءاستفاده می‌کنند. حالا دیدید آمدند سوءاستفاده کردند. «مرگ بر اسرائیل» را خط زدند! «مرگ بر آمریکا» را خط زدند! معنای این کار چیست؟ آنی که وارد عرصهٔ سیاست می‌شود، باید مثل یک شطرنج‌باز ماهر هر حرکتی را که می‌کند، تا سه تا چهار تا حرکت بعد از او را هم پیش‌بینی کند. شما این حرکت را می‌کنی، رقیبت در مقابل او آن حرکت دیگر را خواهد کرد؛ باید فکرش باشی که تو چه حرکتی خواهی کرد. اگر دیدی در آن حرکت دوم، تو درمی‌مانی، امروز این حرکت را نکن؛ اگر کردی، ناشی هستی - حالا تعبیر بهترش این است - در این کار، در این بازی، در این حرکت، ناشی هستی، ناواردی. اینها نمی‌فهمند چه کار می‌کنند؛ یک حرکتی را شروع می‌کنند، ملتفت نیستند که در حرکات بعد و بعد و بعد، چطور در خواهند ماند؛ مات خواهند شد. اینها را باید محاسبه می‌کردند. مطلب اصلی این بود. زیر سؤال رفتن انتخابات، مواجه کردنِ مجموعه‌ای از مردم - آنها هیچ نیت سوئی هم ندارند؛ وارد میدان انتخابات شدند، طبق عقیده‌شان عمل کردند؛ خیلی هم خوب - با

نظام، با کشور، با حرکت عمومی کشور، اینهاکارهای کوچکی نیست. اگر شما منصفید، آن حرکتهای جانبی را، آن قضایای جانبی را ببینید، اهمیتش را هم در نظر داشته باشید؛ اما مهمتر بودنِ این را هم در نظر داشته باشید.»[۱]

۱- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹.

خلاصه فصل دوم

۱ـ برخی اصلاح‌طلبان قبل از موعد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری از پیروزی موسوی خبر داده و به وی چنین القاء نمودند که او منتخب مردم خواهد بود، لذا وی قبل از شمارش آرا اعلام پیروزی می‌نماید و زمینه آشوبها را فراهم می‌سازد.

۲ـ جین شارپ عضو ارشد اندیشکده آلبرت انیشتین در کتاب خود تعالیم ۱۹۸ گانه‌ای دارد که خلاصه‌ای از مبانی نظری آموزه‌های کودتای نرم است. انطباق مصداقهای این تعالیم در وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم بسیار قابل تأمل است!

۳ـ سازماندهی انقلاب مخملی در ایران، پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری به اوج خود رسید و بویژه در روزهای پایانی رقابت‌های انتخاباتی و با خیابان‌گردیهای حامیان برخی کاندیداها ـ که گاهی نیز به درگیری و اغتشاش منجر شد ـ آشکارا امنیت جامعه را در معرض تهدید قرار داد. مقام معظّم رهبری در این زمینه هشدار لازم را به کاندیداها و هواداران آنان دادند.

۴ـ درکنار ملعبه شدن آشکار موسوی برای بیگانگان، بیانیه‌های تند و خارج از حدود موسوی ـ که پی در پی صادر می‌شد ـ در ادامهٔ هر بیانیه‌ای آشوبی نهفته بود.

۵ـ اعترافات برخی چهره‌های سیاسی دستگیر شده در دادگاه، به کودتا علیه اصولگرایان و به زلزله سیاسی و افشاگری سران کودتا ارزیابی می‌شود. آنان زیربناهای فکری خود و جریان اصلاح‌طلبی را ـ که نشأت گرفته از فرهنگ و ادبیات انسانی غرب بود ـ را به طور کامل زیر سؤال بردند!

٦ـ میرحسین موسوی به دلیل ساختارشکنی و استعفاهای پیاپی در دوران نخست‌وزیری که حتی مورد عتاب حضرت امام(ره) قرار گرفته بود و سابقه اختلاف در زمینه‌های گوناگون با رئیس‌جمهور وقت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ـ که سرانجام منجر به حذف پست نخست‌وزیری در جریان بازنگری قانون اساسی شد ـ و دوری طولانی وی از صحنه سیاست، باعث شد تا طراحان پروژه انقلاب رنگی در ایران از او به عنوان رهبر اپوزیسیون یاد نمودند!

۷ـ آمریکا، انگلیس، فرانسه در رأس دولتهای غربی با انحاء مختلف از جریان سبز اموی حمایت کردند تا بلکه آشوبها به هیجان بزرگ اجتماعی و ضربهٔ سخت به نظام اسلامی منجر شود. مواضع صریح و مستحکم رهبر معظّم انقلاب باعث شد از این مواضع عقب بنشینند. اگرچه مسؤولان غربی بویژه آمریکا و انگلیس بعداً در اظهارات خود عدم دخالت در داخل ایران را مطرح می‌نمودند امّا پس از گذشت مدتی

مجدداً با صراحت از سران آشوب‌طلب حمایت کرده و آنان را منشأ الهام‌بخش کسانی دانستند که خواهان گرایش به غرب هستند!

۸ـ برخی کشورهای غربی علاوه بر حمایتهای مالی از آشوبگران با بهره گیری از روشهای عملیات روانی ضمن زیر سؤال بردن مشروعیت نظام و سلامت انتخابات، با اغراق و بزرگ‌نمایی اوضاع پس از انتخابات و مطرح ساختن شایعات و دروغهای رسانه‌ای، با استفاده از ابزار و اقداماتی خاص نظیر نافرمانی مدنی و نبرد رسانه‌ای، نظام سیاسی کشور را زیر سؤال برده و زمینه باصطلاح سرنگونی نظام را از طریق استحاله از درون، دنبال کردند!

۹ـ هاشمی رفسنجانی که به مرد بحرانها شهرت داشت پس از انتخابات نهم دچار بحران شد. وی که در انتخابات دهم ریاست جمهوری از موسوی حمایت کرده بود و در جریان مناظره‌ها از وی به عنوان کارگردان پشت صحنه جریانات انتخابات یاد شده بود، در نامه انتقادی تندی خطاب به مقام معظّم رهبری خواستار برخورد با احمدی‌نژاد شد! عدم پاسخ مقام معظّم رهبری به نامه هاشمی وی را به سکوتی چند هفته‌ای فرو برد، امّا اعلام برگزاری نماز جمعه با حضور هاشمی رفسنجانی در ۲۶ تیر سناریوی جدیدی را در دستور کار جریان تفرقه‌افکن قرار داد. سخنان هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه خود تحریک هواداران موسوی را در پی داشت و شعارهایی علیه نظام داده شد!

۱۰ـ برخورداری مقام معظّم رهبری از صلاحیتهای علمی، اخلاقی، در کنار اشراف همه‌جانبه ایشان به امور کشور و مصلحتهای نظام و انقلاب اسلامی و آگاهی کامل بر این عرصه، همچنین اشرافیت کامل ایشان به

ترفندها و توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی، ضرورت مراجعه به آراء ایشان را در عرصه مهمی چون انتخابات ریاست جمهوری بیش از پیش نمایان ساخت.

۱۱ـ مقام معظّم رهبری، با سعهٔ صدر امام گونه، هر سه نامزدی که رأی نیاوردند را عناصر داخل نظام نامیدند و از آنان خواستند تا اعتراضات خود را با توسّل به قانون پیگیر شوند و دستور دادند تا شورای نگهبان و وزارت کشور نهایت همکاری را با این نامزدها در ادعاهایشان به عمل آورند. لیکن دو نامزد باصطلاح اصلاح‌طلب «موسوی و کروبی» این محبّت، سعهٔ صدر و لطف رهبری را نادیده گرفتند و به روند خروج خود از گردونهٔ نظام و خودیها ادامه دادند!

۱۲ـ رهبر معظّم انقلاب اسلامی در بیانات متعدد خود بعد از این وقایع، مردم بویژه جوانان و دانشجویان را به هوشیاری، وحدت و مهمتر از همه به بصیرت دعوت فرمودند. راهِ خروج از فتنه‌ها و غبارآلودگی فضای تبلیغاتی و روانی را نیز «روشنگری» دانستند و خود بیش از همه به این مهم پرداختند؛ و بارها تأکید بر کسب «بصیرت» برای همگان داشتند.

۱۳ـ رهبر معظّم و فرزند انقلاب اسلامی، توجه مردم را به سوی دشمن اصلی یعنی آمریکای جهانخوار، انگلیس خبیث و صهیونیسم جنایتکار جلب نموده و جریان «مسجد ضرار» یعنی «نفاق جدید داخلی» را به عبرت‌گیری از حوادث سالهای اوّل انقلاب و درک سوء استفاده دشمنان از رفتارهای انحرافی فرا خواندند. رهبری انقلاب، مواضع امام حکیم و راحل عظیم‌الشأن را یادآور شده و همچنان همگان را به قانون دعوت نموده و شدّت دشمنیهای استکبار جهانی را یادآور شدند.

نمایه موضوعی

نمایه اشخاص

رهبر معظم انقلاب اسلامی:

تن دادن به مطالبات غیرقانونی، زیرفشار، خود این شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه‌ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجّه فرماندهان پشت صحنه خواهد بود.

ناشر برگزیده بیست ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

تلفن: ۶۶۴۱۱۱۵۱–۶۶۴۶۹۹۵۸

نمابر: ۶۶۴۶۷۳۹۴

www.ghadr110.ir

ISBN:978-964-495-165-7

9789644951657